

فصلنامه علمی

# راهبرد اجتماعی فرهنگی

## ۴۸

سال دوازدهم - شماره سوم - پیاپی چهل و هشتم - پاییز ۱۴۰۲

### اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها

دکتر محمدباقر خرمشاد

دکتر سیدمحمد حسینی

دکتر بهرام بیات

دکتر ابراهیم فیاض

دکتر حمید پارسانیا

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

دکتر حسین بستان (نجفی)

دکتر عبدالحسین کلانتری

دکتر غلامرضا تاجبخش

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱    تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱    نامبر: ۲۲۲۵۸۹۲۱

وبسایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>

پست الکترونیک: [rahmagiran@gmail.com](mailto:rahmagiran@gmail.com)

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۲/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

[www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)

پایگاه استنادی علوم جهان

[www.sid.ir](http://www.sid.ir)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)

بانک اطلاعات نشریات کشور

[www.csr.ir](http://www.csr.ir)

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

[www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)

پرتال جامع علوم انسانی

[www.civilica.com](http://www.civilica.com)

مرجع دانش

[www.noomags.ir](http://www.noomags.ir)

پایگاه مجلات تخصصی نور

بیت



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی  
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سرمدیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سرمدیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللهی بجندی

ویراستار

رضا دبیا

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

## اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

## راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

### الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

### ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

**الف: کتاب:** نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

**ب: نشریه:** نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

**ج: مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

**د: سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

**ه: لوح فشرده:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

# راهبرد اجتماعی فرهنگی

سال دوازدهم - شماره سوم - پیاپی چهل و هشتم - پاییز ۱۴۰۲

## فهرست مطالب

مروری نظام‌مند بر دلالت‌های اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با اخلاق شکوفایی

سمیه بلبلی قادیکلایی و حمید پارسانیا / ۷۷۱

ارایه مدل توسعه‌جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور

ریحانه سیری، علیرضا صامت، عباسعلی قیومی و بابک رضایی / ۷۹۹

تحلیل و بررسی موانع و راهکارهای هجرت در آموزه‌های دینی

سید مجتبی جلالی و سی مهدی هاشمی / ۸۲۹

برنامه‌سازی رسانه‌ای برای سالمندان: مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد

ملیحه علی‌مندگاری و عادلہ امامی / ۸۵۹

واکاوی نشانه‌شناسی تحول معنای اجتماعی - فرهنگی خانه‌های شهری همدان در سه دوره

قاجار، پهلوی و معاصر

محمدرضا افشاری بصیر، منوچهر فروتن و محمدمهدی سروش / ۸۹۹

نقدی بر جایگاه خانواده در تحقق حق بر سلامت در گستره توسعه پایدار (موردکاوی

آسیب‌شناسی انحراف همجنس‌گرایان از خانواده طبیعی برای کودکان)

سوده کریمی، محیا صفاری نیا و حسن خسروی / ۹۳۵

قواعد فقهی عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل با تحلیل مضمون دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

قربان آهنگری کیاسری، محسن مروتنی شریف‌آباد، محمود سرافراز و هادی کاظم‌زاده / ۹۷۱

ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی سازمانی (مطالعه موردی: سازمان‌های غیرانتفاعی ایران)

علی نورپور، پرویز ساکتی و حبیب‌ا... طاهرپور کلاتتری / ۹۹۵

خوانش پسااستعماری سفرنامه «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران» مادام کارلاسرنا (مورد مطالعه: شهر رشت)

هادی نوری و معصومه شادمنفعت / ۱۰۲۵

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی

عصمت حیدری، باقر ساروخانی و افسانه ادیسی / ۱۰۵۵

چالش کاوی بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی؛ با رویکرد داده‌بنیاد

صفیه رضایی، محمدرحیم عیوضی و عباسعلی رهبر / ۱۰۸۳

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی

زهره مقیمی، وحید حاجیلو و علیرضا محمدی / ۱۱۰۹

# مروری نظام‌مند بر دلالت‌های اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با اخلاق شکوفایی

سمیه بلبلی قادیکلایی

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

bolboli.s@ut.ac.ir

0000-0003-4780-8229

حمید پارسانیا

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

h.parsania@ut.ac.ir

0000-0000-0000-0000

## چکیده

نغوذ گسترده هوش مصنوعی در ابعاد مختلف حیات انسان نگرانی‌های عمده‌ای به لحاظ میزان پابندی این فناوری به استانداردهای اخلاقی در پی دارد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر شناسایی مفاهیم کلیدی اخلاق برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با اخلاق شکوفایی است. در این پژوهش از مرور نظام‌مند ادبیات به‌عنوان روش شناسی پژوهش و از روش سه‌مرحله‌ای مستاک و دیگران، به‌عنوان روش تحقیق استفاده شده است. پس از پنج مرحله غربالگری در دو پایگاه داده «اسکوپوس» و «وب آو ساینس» ۳۸ مقاله از ۲۵ مجله تجزیه و تحلیل شدند. از فراترکیب کیفی آنها دو مفهوم مرکزی تحت عنوان «الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال» و «لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال» شناسایی شدند. ۱۶ مفهوم اخلاق دیجیتال مرتبط با الگوهای اصلی و لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال نیز از تقاطع ماتریسی مفاهیم مرکزی در مقالات استخراج شدند. سپس یک نقشه مفهومی برای تفسیر یافته‌ها، طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی شناسایی و ذیل الگوها و لایه‌های هستی‌شناختی، تناظر آنها با اصول موضوعه اخلاق هوش مصنوعی و میزان اهمیت آنها در مقاله‌ها تنظیم شد. درنهایت نیز نسبت مفاهیم اخلاقی شناسایی شده با اخلاق شکوفایی در ادبیات موجود بررسی شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، هوش مصنوعی، فناوری‌های دیجیتال، اخلاق شکوفایی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi

10.22034/SCS.2022.160772

## مقدمه و بیان مسئله

شاید تاریخچه پیدایش هوش مصنوعی به افسانه‌ها یا داستان‌های علمی - تخیلی و تمایل انسان به برگزیدن دستیاری برای خود که قادر باشد ناممکن‌ها را برای او ممکن سازد بازگردد؛ اما با گسترش استفاده همگانی از رایانه، افزایش قدرت محاسباتی و قدرت یادگیری زبان در رایانه‌ها، دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ را به‌طور مشخص می‌توان «عصر طلایی هوش مصنوعی» دانست. پس‌از آن، از سال ۱۹۸۰ شاهد انقلاب دیجیتال هستیم که تا به امروز ادامه داشته و منجر به هستی‌شناسی مجدد جهان شده است (Floridi, 2011, p. 78). این رخداد عظیم به‌واسطه ادغام واقعیت‌های مجازی و فیزیکی موجب جدایی مفاهیم مرتبط با هم مانند «مالکیت»، «مکان»، «حضور» و «استفاده» شده است (Floridi, 2017, p. 63). سیطره گسترده فناوری‌های دیجیتال بر حوزه‌های متنوعی از زندگی انسان اعم از زنجیره‌های تأمین سلامت، شبکه‌های انرژی، بانکداری برخط، کشاورزی و...، همچنین پیوند آن با هوش مصنوعی تغییرهای بزرگی در حیات اجتماعی را به‌دنبال داشته است (Brynjolfsson & McAfee, 2014, p. 205). هوش مصنوعی این امکان را فراهم می‌آورد تا ابزارها بتوانند وظایف شناختی را که تا پیش از آن بر عهده انسان بوده ضمن به‌حداقل رساندن نقش انسانی و یا حتی حذف انسان، با دقت بالا انجام دهند. دستورالعمل‌های طراحی شده در آزمایشگاه‌ها که اساس کار هوش مصنوعی می‌باشند، با سرعت زیادی از فضای آزمایشگاهی پا را فراتر نهاده و در حال استقرار در تمامی سطوح جامعه هستند. چنین سطحی از گسترش هوش مصنوعی پیامدهای منفی مانند تبعیض‌های نژادی و جنسیتی وسیع‌تر به‌واسطه سوگیری‌های پنهان در داده‌های ورودی، از بین رفتن عاملیت انسان، گسترش جرائم سایبری، سوءاستفاده از کلان‌داده‌ها، نقض حریم خصوصی، بیکارشدن نیروی انسانی، نفوذ سیاسی غیرقابل کنترل شرکت‌های چندملیتی و انحصار منابع ثروت و قدرت در دست گروه‌هایی اندک و... را به‌دنبال خواهد داشت. و رای تمامی سوگیری‌های پنهان و پیامدهای منفی، با توجه به ظرفیت تأثیرگذاری بالای پژوهش‌های حوزه هوش مصنوعی همواره این سؤال مطرح است که آیا متخصصان به هنگام توسعه ابزارها و برنامه‌های خود، به تأمین بیشترین منافع انسان و جامعه می‌اندیشند یا خیر؟ اینجا دقیقاً همان

نقطه‌ای است که پای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین دغدغه‌های پژوهشگران این حوزه به میان می‌آید. آیا خروجی دستورالعمل‌های زیبا، برای زیبا کردن زندگی انسان و ارتقاء سطح رفاه او مفید و کارآمد است یا اینکه برعکس، به ضررش تمام می‌شود؟ پایبندی طراحان دستورالعمل‌ها و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی به ارزش‌های اخلاقی موجب شکل‌گیری هوش مصنوعی اخلاقی می‌شود که به‌هنگام به‌کارگیری در فناوری‌های دیجیتال، مسیر شکوفایی انسان را فراهم می‌آورد؛ زیرا آنچه که به تعبیر استال<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) اساس اخلاق هوش مصنوعی را تشکیل می‌دهد، «اخلاق شکوفایی» است که با هدف «شکوفایی انسان» سعی در ارتقاء قابلیت‌های انسانی اعم از سلامت جسمانی، تخیل، تفکر، حواس پنج‌گانه، احساسات، کنترل بر محیط اطراف، ارتباط با سایر گونه‌های حیات طبیعی و در یک کلام «زندگی» دارد (Nussbaum, 2011, p. 79). اهمیت اخلاق شکوفایی در فناوری‌های - مبتنی بر هوش مصنوعی و همچنین پیامدهای مخاطره‌آمیز سوءاستفاده از آن، توجه به ابعاد اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی را در فناوری‌های مذکور پررنگ می‌سازد. فلوریدی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) نیز معتقد است دانش موجود در حوزه هوش مصنوعی فاقد یک جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی و نیازمند یک اتفاق نظر جمعی در مورد آینده این حوزه مطالعاتی است تا از سرعت توسعه فناوری جلوگیری باشد. از این‌رو پژوهش‌هایی همه‌جانبه‌نگر از جنس مرور نظام‌مند که بتواند ضمن ایجاد یک اشراف علمی بر پژوهش‌های انجام شده و تولید سطح بالاتری از دانش موجود، چشم‌اندازی روشن برای پژوهش‌های آتی فراهم آورد امری ضروری است. پژوهش‌هایی که می‌توانند برای توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی و طراحان دستورالعمل از لحاظ توجه به ارزش‌های اخلاقی به‌هنگام توسعه این فناوری کارآمد باشند. از این‌رو مسئله‌مندی پژوهش حاضر، معطوف به اهمیت جایگاه اخلاق در فناوری‌های دیجیتال و میزان تعقیب اهداف منتهی به شکوفایی انسان از سوی این فناوری‌ها به‌هنگام استفاده از هوش مصنوعی است. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند ضمن مشخص نمودن شکاف‌های پژوهشی این حوزه، مروری جامع بر شواهد موجود در خصوص موضوع پژوهش باشد و با استخراج مجموعه مضامین اخلاقی مرتبط با به‌کارگیری هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال به خلق یک الگوی مفهومی جدید بپردازد.

1. Stahl
2. Floridi

## ۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

به تعبیر مورلی<sup>۱</sup> و دیگران (Morley & et al., 2020, p. 2154) اصول هوش مصنوعی باید به «چه» و «چگونگی» اجرا ترجمه شوند تا علاوه بر تنوع فناوری‌های دیجیتال، تأثیر اخلاقی و پیامدهای آن مورد ارزیابی قرار گیرد؛ لذا این پژوهش با هدف شناسایی مفاهیم کلیدی اخلاق برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با اخلاق شکوفایی براساس مطالعات انجام گرفته در این حوزه تنظیم شده است. از طرفی اهمیت توجه به گوناگونی فناوری‌های دیجیتال به هنگام مطالعه مفاهیم اخلاقی آن (Adomavicius; Bockstedt; Gupta & Kauffman, 2007) لزوم الگوبایی مناسب برای طبقه‌بندی این فناوری‌ها را نمایان می‌سازد. همچنین عدم وجود هستی‌شناسی مشترک در توسعه فناوری‌های دیجیتال، ارزیابی‌های اخلاقی و توسعه هوش مصنوعی متناظر با آنها را به مخاطره می‌اندازد. از این رو استخراج لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال در مطالعات مرتبط، در ایجاد درک صحیح از مفاهیم اخلاقی این حوزه راهگشا می‌باشد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو پرسش اصلی و همچنین دو پرسش فرعی ذیل پرسش شماره ۱ است:

- ۱- مفاهیم کلیدی اخلاقی برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال چیست؟
- این مفاهیم اخلاقی ذیل کدام الگوهای اصلی از فناوری‌های دیجیتال طبقه‌بندی می‌شوند؟
- کدام لایه‌های هستی‌شناختی از فناوری‌های دیجیتال بر این مفاهیم اخلاقی سایه افکنده‌اند؟
- ۲- مفاهیم اخلاقی شناسایی شده بر اساس پرسش شماره ۱ چه نسبتی با اخلاق شکوفایی دارند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر چندین مرور نظام‌مند بر روی ادبیات هوش مصنوعی در مطالعات رشته‌محور مانند راهبرد کسب‌وکار، توسعه پایدار، بازاریابی دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی، اینترنت اشیا، زنجیره بلوکی، و آموزش انجام شده است (Borges; Laurindo; Spinola; Goncalves & Mattos, 2021; Duan; Edwards &

1. Morley

Dwivedi, 2019; Dwivedi & et al., 2021; Kankanhalli; Charalabidis & Mellouli, 2019; Nishant; Kennedy & Corbett, 2020; Sarker; Wu; Cao; (Alam & Li, 2019).

بررسی‌های انجام شده ضمن شناسایی عمده‌ترین چالش‌های پژوهش‌های هوش مصنوعی در حوزه‌های مذکور به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای فائق آمدن بر این چالش‌ها و شکاف‌های پژوهشی می‌پردازند. استفاده از رویکردهای چندسطحی، رویکردهای پویایی سیستم، تفکر طراحی، ملاحظه‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه، ملاحظه‌های ارزش اقتصادی و استفاده از هوش مصنوعی به روش راهبردها به منظور ایجاد ارزش تجاری از جمله این راهکارهاست.

در میان پژوهش‌های داخلی نیز مطالعات پژوهشگاه فضای مجازی در حوزه‌هایی چون «آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات و هوش دیجیتال» (نائلی، ۱۴۰۱)، «اینترنت اشیاء اجتماعی» (کاظمی و مطلبی کربکندی، ۱۴۰۰) و «هوش مصنوعی و شکاف مسئولیت» (زادیوسفی، ۱۴۰۰) مطالعاتی راهبردی هستند. این مطالعات علاوه بر شرح چهارچوب هوش دیجیتال به‌عنوان اولین استاندارد جهانی برای اندازه‌گیری سواد دیجیتال در حوزه آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارائه تصویری کلی از حوزه‌های رو به رشد اینترنت اشیاء اجتماعی و همچنین ارائه رویکردی حقوقی به مسئله شکاف مسئولیت در هوش مصنوعی، به معرفی پیشنهادهایی راهبردی معطوف به فرصت‌ها و چالش‌های هر حوزه در کشور می‌پردازند. در خصوص آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات و هوش دیجیتال راهبردهایی مانند به‌روزرسانی نظام آموزش و پرورش کشور، ارتقای زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مدارس و حمایت و تقویت ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه کودک و نوجوان پیشنهاد شده است. در حوزه اینترنت اشیاء اجتماعی، راهبردهایی چون ورود سریع‌تر کشور به این حوزه، حضور فعال در مجامع بین‌المللی، طراحی حساس به ارزش، آینده‌پژوهی و جدی گرفتن مسائل اخلاقی خاص این حوزه پیشنهاد شده است. در مطالعه هوش مصنوعی و شکاف مسئولیت نیز رفع خلأهای قانونی برای حوادث ناشی از سیستم‌های هوشمند خودسامان توسط قانون‌گذاران کشور و نیز تعریف طرح‌های پژوهشی برای مباحث نظری حوزه مذکور و همکاری فلاسفه و حقوق‌دانان در این عرصه پیشنهاد شده است. بررسی‌ها بیانگر آن است که به‌رغم اهمیت اخلاق در فناوری‌های دیجیتال مبتنی بر هوش مصنوعی به لحاظ پیامدهای اجتماعی و اثرگذاری بر فرایند شکوفایی انسان، مروری نظام‌مند بر ادبیات

موجود در مورد ابعاد اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با اخلاق شکوفایی انجام نشده است. از این رو پژوهش حاضر، ناظر بر این خلأ پژوهشی تنظیم شده است.

### ۳. چهارچوب نظری

مطالعات اخلاق تاریخچه‌ای غنی از زمان فلاسفه باستان دارند. امروزه نیز «اخلاق» مفهومی است که در حوزه‌های مختلف علمی به‌ویژه فناوری‌های نوین، محل مناقشه فراوان می‌باشد. به تعبیر استال (۲۰۲۱) اخلاق منحصرأ بر کنش یا نیت انجام کنش متکی نبوده و سعی دارد با در نظر گرفتن جنبه‌های مشترک طبیعت انسان، بخش مهمی از جهان اجتماعی او را صورتبندی نماید. هایدگر<sup>۱</sup> نیز اخلاق را بخشی از مفهوم «بودن» در جهان می‌داند که ناظر بر حضور آگاهانه کنشگر در جهان است. یعنی توانایی ادراک حالات مختلف از جهان و تصمیم‌گیری میان گزینه‌های غیرقابل تصور و حتی فراتر از آن، توانایی درک معنای چنین تصمیمی هم برای خود و هم برای کلیت جهان از سوی کنشگر (Stahl, 2021). نظریه‌های مرتبط با مفهوم اخلاق تحت عنوان «نظریه‌های اخلاق» به‌طور کلی به‌دنبال پاسخ به این سؤال مهم هستند که از لحاظ اخلاقی چه چیزی موجب بهتر یا بدتر بودن یک کنش در مقایسه با کنشی دیگر می‌شود؟ «نتیجه‌گرایی» با تمرکز بر نتایج کنش و «وظیفه‌گرایی» با تأکید بر انگیزه انجام کنش از برجسته‌ترین نظریه‌های اخلاقی هستند که با طرح قواعدی برای ارزیابی کیفیت اخلاقی یک کنش، در پاسخ به سؤال فوق بسیار راهگشا بوده و با به‌کارگیری در حوزه‌های کاربردی خاص منجر به گفتمان‌های غنی از مفاهیمی مانند اخلاق رایانه‌ای (Van den Hoven, 2010)، اخلاق اطلاعات (Floridi, 2006, p. 31) و اخلاق فناوری (Brey, 2012, p. 11) به‌عنوان بستر نفوذ هوش مصنوعی شده‌اند. «اخلاق فضیلت» نیز با تمرکز بر هدایت افراد به‌منظور کمک به رشد شخصیتی با فضیلت در آنها و به‌عنوان راهنمایی برای چگونه زندگی کردن، از اواخر قرن بیستم مجدداً مورد توجه قرار گرفت و تلاش‌های زیادی برای جانمایی آن در بستر جامعه پیشرفته صورت گرفته است (MacIntyre, 2007, p. 63). در رابطه با اخلاق فضیلت و نسبت آن با فناوری دو نظریه مهم وجود دارد. نخست، نظریه باینوم<sup>۲</sup> (Bynum, 2006, p. 163) است که اصول اخلاق فضیلت

1. Heidegger  
2. Bynum

را با ملاحظه‌های اخلاقی فناوری اطلاعات مرتبط می‌داند. وی با بهره‌گیری از مفهومی به نام «اخلاق شکوفایی» اصول قدیمی اخلاق فضیلت را به زبان یک جامعه اشباع‌شده از فناوری‌های پیشرفته برگردان نموده است. دیگری، رویکرد استال (۲۰۲۱) است که در بیان اهداف استفاده از فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی علاوه بر کنترل اجتماعی و بهره‌وری، به هدف سومی به نام «هوش مصنوعی برای شکوفایی انسان» اشاره دارد و آن را لازمه یک «زندگی فضیلت‌مند» می‌داند. به این معنا که هوش مصنوعی به‌گونه‌ای توسعه‌یافته و به‌کار گرفته می‌شود که شکوفایی انسان را ارتقا می‌دهد. وی بر ضرورت بیان این اهداف برای فهم اخلاق هوش مصنوعی تأکید داشته و هدف «هوش مصنوعی برای شکوفایی انسان» را جایگزین و مکمل دو هدف دیگر می‌داند. استال همچنین شکوفایی انسان را در پیوند با مفهوم هایدگری «بودن در جهان» می‌داند که ناظر بر درک محدودیت شرایط انسانی و لزوم همدلی با او به دلیل برخورداری از زیستی اساساً اجتماعی است. باینوم (Bynum, 2006, p. 161) شکوفایی را مفهومی یکتا ندانسته و معتقد است همچون تن‌پوشی بر تن هر انسان، بسته به نوع مهارت و میزان استمرار در پیگیری اهداف قابل اندازه‌شدن است. به‌منظور درک چگونگی شکوفایی در عمل، توجه به موقعیت‌های دیگری که هدفشان ارتقای شکوفایی انسان است می‌تواند راهگشا باشد. «نظریه انتقادی فناوری»، «نظریه قابلیت» و «نظریه پژوهش و نوآوری مسئولانه» سه موقعیتی هستند که در نتیجه تحقیق و توسعه فناوری مطرح و از اهمیت به‌سزایی برخوردار شده‌اند. نظریه انتقادی فناوری از جمله نظریه‌های مرتبط با هوش مصنوعی است که به‌دنبال شکوفایی انسان می‌باشد. پژوهش فینبرگ<sup>۱</sup> (Feenberg, 1999, p. 74) احتمالاً شناخته‌شده‌ترین نمونه استفاده از نظریه انتقادی برای مطالعه فناوری‌های پیشرفته است. هسته مرکزی تمامی نظریه‌های انتقادی «رهایی‌بخشی» است (Stahl, 2008, p. 141). رهایی‌بخشی تحقق نیازها و استعداد‌های انسان، خوداندیشی انتقادی و به‌دنبال آن خوددگرگون‌سازی را تسهیل نموده و به شکوفایی انسان کمک می‌کند (Myers & Klein, 2011, p. 26). نظریه قابلیت اما با تأثیرپذیری از دیدگاه‌های آمارتیا سن<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) و نوسام<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) ارتباط مستقیمی با مفهوم ارسطویی شکوفایی و اخلاق هوش مصنوعی داشته و به‌دنبال یافتن راه‌های

1. Feenberg  
2. Sen, A.  
3. Nussbaum

بهتری برای توصیف توسعه انسانی است (Johnstone, 2007, p. 75). نظریه قابلیت دارای سابقه کاربرد در فناوری اطلاعات بوده و اغلب در چهارچوب مطالعات حوزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به بررسی جمعیت‌های حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر و تأثیری که هوش مصنوعی می‌تواند بر چنین جمعیت‌هایی داشته باشد پرداخته است (Oosterlaken & Van den Hoven, 2012). «تحقیق و نوآوری مسئولانه» نیز به معنای فرایند مداوم همسوسازی پژوهش‌ها و نوآوری‌ها با ارزش‌ها، نیازها و انتظارات جامعه بوده و فرایندی شفاف و تعاملی است که از طریق آن کنشگران اجتماعی و نوآوران با در نظر داشتن مقبولیت اخلاقی، پایداری و مطلوبیت اجتماعی فرایندهای نوآورانه و محصولات قابل فروش آنها، خود را نسبت به جامعه پاسخگو و مسئول می‌دانند (Von Schomberg, 2013, p. 63) تا آن را به‌عنوان راهی برای اطمینان از حساسیت اخلاقی در پژوهش‌های آینده هوش مصنوعی، توسعه دهند. بدین ترتیب شکوفایی انسان حوزه معنایی گسترده‌ای است که قابلیت استفاده برای همه انسان‌ها را دارد؛ ما را به شیوه زندگی خاصی متعهد نمی‌کند؛ نیاز به اتخاذ یک موقعیت اخلاقی خاص ندارد؛ همچنین ما را از استفاده از سایر نظریه‌های اخلاقی، از جمله وظیفه‌گرایی و فایده‌گرایی، برای ارزیابی سؤال‌های اخلاقی باز نمی‌دارد و با مواضع نظری مختلف سازگاری دارد (Bynum, 2006, p. 165)؛ لذا اخلاق شکوفایی به‌عنوان یک زبان اخلاقی مشترک، دارای انعطاف‌پذیری بالا و توانایی پوشش‌دهی و بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف اخلاقی پلی است بر روی شکاف‌های ناشی از فراگیری هوش مصنوعی در تمام جهان. از این‌رو مقاله حاضر تلاش دارد بنابر اقتضای پژوهش‌های کیفی، در پرتو این نظریه مفاهیم اخلاقی مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال را شناسایی نموده؛ نسبت مفاهیم احصاء شده در پژوهش‌ها را با مفهوم اخلاق شکوفایی مشخص نماید و در نهایت از تجزیه و تحلیل داده‌ها به یک الگوی مفهومی دست یابد.

#### ۴. روش پژوهش

در پژوهش حاضر از مرور نظام‌مند به‌عنوان روش‌شناسی پژوهش استفاده شده است که به تعبیر بوث<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲) با هدف تولید دانش جدید و الگوهای مفهومی از مطالعات انجام گرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین از روش سه‌مرحله‌ای

مستاک<sup>۱</sup> و همکاران (Mustak & et al., 2016, p. 265) که عبارت‌اند از: ۱- جستجوی ادبیات؛ ۲- ارزیابی پایگاه‌های داده و ۳- تجزیه و تحلیل و فراترکیب یافته‌ها، در فرایند تحقیق پیروی شده است. شناسایی، غربالگری و تحلیل نمونه‌ها نیز به ترتیب مراحل زیر انجام شده است:

مرحله ۱- شناسایی مقاله‌های مرتبط با اخلاق فناوری‌های دیجیتال و نسبت آن با هوش مصنوعی از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های داده اسکوپوس و وب آو ساینس<sup>۲</sup> (شناسایی ۱۷۸ مورد ثبت شده)،

مرحله ۲- ترکیب نتایج جست‌وجو در مرحله اول با کلیدواژه «اخلاق شکوفایی» (شناسایی ۱۱۸ مقاله در قالب ۲۵ مجله)،

مرحله ۳- ارزیابی تناسب مقاله‌های شناسایی شده با موضوع پژوهش (غربالگری و خروج ۸۰ مقاله بر اساس ۵ معیار عدم تناسب واژگان جست‌وجو با متن مقاله‌ها، تمرکز بر روی فناوری‌های دیجیتال بدون بحث در مورد اخلاق، تمرکز بر مباحث فنی هوش مصنوعی و کاربردهای رباتیک، تمرکز بر هوش مصنوعی بدون بحث درباره اخلاق شکوفایی و تمرکز بر توسعه هوش مصنوعی)،

مرحله ۴- فراترکیب کیفی مقالات منتخب (۳۸ مقاله).

پس از غربالگری، مقاله‌های منتخب مورد تجزیه و تحلیل و فراترکیب کیفی قرار گرفتند که منجر به توسعه مضامین پایه، خوشه‌بندی آنها در مضامین سازمان‌دهنده، طبقه‌بندی در قالب مضامین فراگیر و درنهایت تولید دو مفهوم مرکزی تحت عنوان «الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال» و «لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال» شد (جدول ۱). سپس یک الگوی پیشینی با استفاده از اصول موضوعه اخلاق هوش مصنوعی تنظیم شد. مفاهیم اخلاق دیجیتال مرتبط با الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال و لایه‌های هستی‌شناختی آن نیز از تقاطع ماتریسی مفاهیم مرکزی در متون شناسایی شدند. در گام بعدی نقشه‌ای مفهومی به‌منظور خلاصه نمودن نتایج، تفسیر یافته‌ها، طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی شناسایی شده و میزان اهمیت آنها در مقاله‌ها تنظیم شد (جدول ۲). درنهایت نیز نسبت مفاهیم اخلاقی شناسایی شده با اخلاق شکوفایی در ادبیات موجود بررسی و مشخص شد چه مفاهیمی در اخلاق دیجیتال و ناظر بر اصول اخلاقی هوش مصنوعی با بحث شکوفایی انسان پیوند دارند (جدول ۳). اعتباربخشی نتایج نیز به این صورت تأیید

1. Mustak

2. Scopus & Web of Science

شد که کاربرگ‌های استخراج شده از مطالعه مقاله‌های در اختیار دو تن از متخصصان، یک نفر از حوزه مهندسی رایانه با تخصص هوش مصنوعی و دیگری از علوم اجتماعی با تخصص اخلاق فناوری قرار گرفت تا یادداشت‌ها، کدها و مضامین با متن مقاله‌های انطباق داده شده و بازتاب‌دهندگی کاربرگ‌ها نسبت به متون تحت بررسی مشخص شود.

### ۵. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش شد با استفاده از مرور نظام‌مند ادبیات موجود و فراترکیب کیفی آنها به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. پرسش اول در رابطه با چیستی مفاهیم کلیدی اخلاقی برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال است. اگرچه این سؤال، نخستین پرسش اصلی پژوهش است؛ اما پاسخی به آن به دلایلی که پیشتر در بخش «اهداف و سؤال‌های پژوهش» بیان شد، نیازمند شناسایی الگوهای اصلی و لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال در بدو امر می‌باشد؛ لذا منطق پاسخ‌دهی به پرسش‌های پژوهش اولویت یافته‌هاست نه ترتیب سؤال‌ها. دو پرسش فرعی مطرح شده ذیل نخستین سؤال پژوهش، ناظر بر الگوهای اصلی و لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال می‌باشند. در پاسخ به دو پرسش مذکور، ۵ الگوی اصلی و ۴ لایه هستی‌شناختی در فناوری‌های دیجیتال مورد شناسایی و کدگذاری قرار گرفتند که مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آنها در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول (۱): الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال، لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال و

مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آنها

لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال و مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آن			الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال و مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آن		
مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	مفهوم مرکزی	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	مفهوم مرکزی
فرستنده، طیف رادیویی، کابل، سیستم عامل، ساختار رایانه‌ای	دستگاه	لایه‌های هستی‌شناختی فناوری-های دیجیتال	پلتفرم مراقبت سالمند از راه دور، پلتفرم مراقبت کودک از راه دور، پلتفرم اطفاء حریق منزل از راه دور، پلتفرم شبکه‌های اجتماعی مجازی، پلتفرم بهداشت و سلامت، جستجوی اینترنتی،	پلتفرم	الگوی اصلی فناوری‌های دیجیتال

لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال و مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آن			الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال و مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آن		
مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	مفهوم مرکزی	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	مفهوم مرکزی
تولید محتوا، دستکاری محتوا، ذخیره محتوا، مصرف محتوا	محتوا		محاسبات ابری، رمز ارز، تراکنش بانکی، اشتراک‌گذاری الکترونیکی اسناد	اتصال	
داده‌ها (متن، صدا، تصویر، ویدئو)، فراداده‌ها، مالکیت، حق چاپ، برچسب محتوا، رمزگذاری	داده		حمل و نقل هوشمند، انرژی هوشمند، آموزش و پرورش هوشمند، خانه‌های هوشمند، تشخیص پزشکی هوشمند	مصولان مبتنی بر کشگر	
قوانین رسمی، قوانین غیررسمی، تنظیم رفتار، کنشگران، حقوق بشر، حقوق مالکیت معنوی، حکمرانی داده	قانون		سیستم‌های خبره، منطق فازی، الگوریتم، یادگیری عمیق، یادگیری ماشینی، داده، کلان‌داده، استخراج داده، شبکه‌های عصبی	یادگیری تطبیقی	
			تراانسان، بارگذاری ذهن آگاه، آواتارهای تعامل‌گر	هوش مصنوعی	

منبع: (ترسیم محقق)

سپس در پاسخ به سؤال اول پژوهش تحت عنوان «مفاهیم کلیدی اخلاقی برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال چیست؟» از تقاطع ماتریسی الگوها و لایه‌های هستی‌شناختی مذکور، ۱۶ مفهوم اخلاق دیجیتال استخراج شد. هر یک از مفاهیم احصاء‌شده با اصلی از اصول موضوعه اخلاق هوش مصنوعی در تناظر قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل در قالب یک الگوی مفهومی در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول (۲): الگوی مفهومی اخلاق فناوری‌های دیجیتال

الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال					اخلاق فناوری‌های دیجیتال	لایه‌های هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال	اصول موضوعه اخلاق هوش مصنوعی
تعامل تحلیلی (درصد)	تولید بینش تحلیلی (درصد)	محصولات مبتنی بر کنشگر (درصد)	اتصال (درصد)	پلتفرم (درصد)			
۱۸	۱۹	۲۲	۹	۱۲	کرامت انسانی	دستگاه	اصل سودمندی
۳۳	۱۱	۷۵	۹	۱۲	ایمنی	دستگاه	اصل سودمندی
۷	۶	۸	۷	۳	پایداری	دستگاه	اصل سودمندی
۵۷	۶۴	۵۵	۸۱	۵۳	قابل فهم بودن	خدمات	اصل توضیح‌پذیری
۳۳	۴۴	۶۲	۶۶	۴۵	مسئولیت-پذیری	خدمات	اصل توضیح‌پذیری
۳۳	۳۵	۲۸	۲۴	۳۷	خودسامانی	خدمات	اصل توضیح‌پذیری
۲۶	۱۷	۰	۰	۱۲	ارتقاء سعادت و بهروزی	خدمات	اصل عدالت
۱۰	۱۵	۲۸	۲۴	۲۰	انسجام و همبستگی	خدمات	اصل عدالت
۲۳	۲۱	۱۷	۱۵	۱۱	مشارکت مردم‌سالارانه	خدمات	اصل عدالت
۴۹	۴۸	۴۲	۸۱	۴۵	انصاف	خدمات	اصل عدالت
۳۷	۲۵	۳۲	۱۹	۲۸	تنوع‌پذیری	خدمات	اصل عدالت
۸۰	۶۲	۴۸	۸۱	۶۲	حریم خصوصی	محتوا	اصل عدم زیانباری
۳۳	۱۵	۳۵	۲۴	۱۲	امنیت	محتوا	اصل عدم زیانباری
۴۱	۳۵	۵۵	۲۴	۲۸	اثر نظارتی - تنظیمی	نظارت	اصل کنترل
۳۳	۱۳	۲۲	۳۸	۲۵	اثر مالی - اقتصادی	نظارت	اصل کنترل
۶۴	۴۳	۳۴	۷	۲۸	اثر فردی - اجتماعی	نظارت	اصل کنترل

منبع: (ترسیم محقق)

جدول ۲ یک الگوی مفهومی از اخلاق فناوری‌های دیجیتال و طبقه‌بندی آنها ذیل لایه‌های هستی‌شناختی و الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال ارائه می‌دهد. در این الگوی مفهومی علاوه بر تعیین میزان توجه متون تحت بررسی به هر یک از مفاهیم اخلاق فناوری‌های دیجیتال ذیل الگوهای اصلی و لایه‌های هستی‌شناختی، تناظر هر یک از مفاهیم مذکور با اصول موضوعه اخلاق هوش مصنوعی نیز مشخص شده است. در ادامه به هر یک از این مفاهیم با در نظر گرفتن الگوی طبقه‌بندی آنها پرداخته می‌شود:

### ۵-۱. کرامت انسانی، ایمنی، پایداری

در نتیجه تجزیه و تحلیل نمونه‌های تحت بررسی سه مفهوم اخلاقی «کرامت انسانی»، «ایمنی» و «پایداری» ذیل لایه دستگاه در فناوری‌های دیجیتال طبقه‌بندی شده و ناظر بر اصل سودمندی هوش مصنوعی هستند. «کرامت انسانی» به معنای حفظ شأن و منزلت انسان و ارتقای سطح رفاهی زندگی افراد (Malkiat; Sarunkorn & Stephen, 2019, p. 199) و محصول ایجاد تعادل میان مفاهیم اخلاقی «خودسامانی» و «حریم خصوصی» است. «ایمنی» به معنای محافظت در برابر آسیب‌های فیزیکی ناشی از فناوری‌های مجهز به هوش مصنوعی می‌باشد (Rhim; Lee & Lee, 2020, p. 46). مفهوم مذکور ناظر بر حصول اطمینان از تعامل‌های ایمن و با حداقل آسیب فیزیکی میان انسان و ماشین است. «پایداری» دیگر مفهوم اخلاقی در فناوری‌های دیجیتال است که به معنای ارتقای سلامت کره زمین و رویکرد مثبت به آینده می‌باشد (Floridi & Cowls, 2019, p. 123). هسته مرکزی این مفهوم، تأثیر زیست‌محیطی فناوری‌های دیجیتال، پایداری کره زمین و توجه حداکثری به خیر عمومی است.

### ۵-۲. قابل فهم بودن، مسئولیت‌پذیری، خودسامانی

مفاهیم اخلاقی «قابل فهم بودن»، «مسئولیت‌پذیری» و «خودسامانی» ذیل لایه هستی‌شناختی خدمات در فناوری‌های دیجیتال قرار گرفته و از اصل «توضیح‌پذیری» در هوش مصنوعی حمایت می‌کنند. «قابل فهم بودن» مفهومی است اخلاقی که بیانگر وجود یک احساس معرفت‌شناختی نسبت به نحوه عملکرد و میزان دقت هوش مصنوعی است (Floridi & Cowls, 2019, p. 103) و جزئی از فرایند اعتمادسازی در خروجی‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شود. در مرور ادبیات

موجود، به موازات مفهوم « قابل فهم بودن» همواره این پرسش مهم مطرح شده است که در نهایت چه کسی مسئول تصمیم‌های الگوریتمی است؟ مهندسان نرم‌افزار، کاربران یا ماشین‌ها؟ فلورییدی و کالز (Floridi & Cowls, 2019, p. 15) «مسئولیت‌پذیری» را ناظر بر وجود یک احساس اخلاقی مبنی بر اینکه چه کسی مسئول نحوه عملکرد هوش مصنوعی است، می‌دانند. «خودسامانی» دیگر مفهوم اخلاقی است که معتقد است توسعه هوش مصنوعی نباید به قدرت تصمیم‌گیری انسان لطمه بزند (Floridi & Cowls, 2019, p. 16). درحقیقت خودسامانی بر حراست از عاملیت و آزادی انتخاب انسان تأکید داشته و مانع تبعیت محض انسان از طراحی‌های الگوریتمی می‌شود.

### ۳-۵. ارتقاء سعادت و بهروزی، انسجام و همبستگی، مشارکت مردم‌سالارانه، انصاف، تنوع‌پذیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، مفاهیم اخلاقی «ارتقاء سعادت و بهروزی»، «انسجام و همبستگی»، «مشارکت مردم‌سالارانه» «انصاف» و «تنوع‌پذیری» در الگوهای هستی‌شناختی فناوری‌های دیجیتال ذیل لایه خدمات طبقه‌بندی شده و مضامین مرتبط با آن‌ها، ناظر بر اصل «عدالت» در هوش مصنوعی می‌باشند (Floridi & Cowls, 2019, p. 11). «انصاف» به معنای رفتار یکسان با همه انسان‌ها و عدم استفاده تبعیض‌آمیز از هوش مصنوعی در مواجهه با افراد، جوامع و گروه‌های اجتماعی می‌باشد. مرور ادبیات در پژوهش حاضر بیانگر آن است که به‌رغم وجود سوگیری‌های اجتماعی در داده‌های مورد استفاده در یادگیری ماشینی، همچنان مفهوم «انصاف» در فرایند توسعه هوش مصنوعی و طراحی دستورالعمل‌ها محل بحث و توجه فراوان است؛ تا نسبت به مغرضانه و جانبدارانه نبودن خروجی‌ها اطمینان حاصل شود. «ارتقاء سعادت و بهروزی» به معنای افزایش خیر عمومی، سودمندی اجتماعی و در نظر گرفتن منافع همه گروه‌های ذی‌نفع است (Metcalf; Moss & Boyd, 2019, p. 451). این مفهوم اخلاقی بر اساس یک استدلال فایده‌گرایانه و ناظر بر خیر جمعی مطرح شده است که هدف نهایی آن توسعه نوعی هوش مصنوعی است که بتواند برای بشریت سودمند باشد (Sutton; Arnold & Holt, 2018, p. 18). بر اساس یافته‌های پژوهش، مفهوم اخلاقی «انسجام و همبستگی» ناظر بر حفظ پیوند میان گروه‌های اجتماعی و نسل‌ها، به‌واسطه استفاده از هوش مصنوعی است (Choi & et al., 2019, p. 1988). چوی و دیگران «انسجام و

همبستگی» را به معنای حساسیت اخلاقی، همدلی و احترام به حقوق بشر می‌دانند. آنان معتقدند این مفهوم اخلاقی بر اصل حقوق بشر و درخواست از طراحان و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی برای اطمینان از همدلی و رعایت عدالت اجتماعی برای همه گروه‌های ذی‌نفع، در جهت دستیابی به سعادت و بهروزی تمرکز دارد (Choi & et al., 2019, p. 1988). بر اساس اصل مشارکت مردم‌سالارانه، هوش مصنوعی باید معیارهای قابل فهم‌بودن، توجیه‌پذیری و دسترسی‌پذیری را داشته باشد و باید در معرض بررسی، بحث و کنترل مردم‌سالارانه قرار گیرد (Yoon; Choi; Odlum; Mitchell & Kronish, 2018, p. 255). بر اساس اصل «تنوع‌پذیری» نیز، توسعه و استفاده از هوش مصنوعی باید با حفظ تنوع اجتماعی و فرهنگی سازگار باشد و دامنه انتخاب سبک زندگی یا تجربه‌های شخصی را محدود نکند.

#### ۴-۵. حریم خصوصی، امنیت

مفاهیم اخلاقی «حریم خصوصی» و «امنیت» ذیل لایه هستی‌شناختی محتوا در فناوری‌های دیجیتال طبقه‌بندی شده و مفاهیم مرتبط با آنها ناظر بر اصل «عدم زیانباری» در هوش مصنوعی می‌باشند (Floridi & Cowsls, 2019, p. 13). «حریم خصوصی» مفهومی است حول محور دسترسی، رضایت، حق برخورداری از داده‌های شخصی در عصر کلان‌داده‌ها و نظارت انبوه و به معنای رضایت و حفاظت در برابر نظارت و جمع‌آوری کلان‌داده‌ها است (Schappert & von Hauff, 2020, p. Article 121585). مفهوم «امنیت» نیز به معنای حفاظت از داده‌ها و مدیریت امنیت اطلاعات است (Urquhart; Schnadelbach & Jager, 2019, p. 21) که به کمک ایجاد موانعی، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها را تضمین می‌کند.

#### ۵-۵. اثر نظارتی - تنظیمی، اثر مالی - اقتصادی، اثر فردی - اجتماعی

بر اساس مرور نظام‌مند ادبیات موجود، مفاهیم «اثر نظارتی - تنظیمی»، «اثر مالی - اقتصادی» و «اثر فردی - اجتماعی» ذیل لایه هستی‌شناختی نظارت در فناوری‌های دیجیتال قرار گرفته و ناظر بر اصل «کنترل» در هوش مصنوعی هستند. اصل کنترل در هوش مصنوعی به معنای «ایجاد و اجرای سیاست‌ها، فرایندها و استانداردها برای توسعه، استفاده و مدیریت مناسب حوزه اطلاعات» است (Floridi, 2018, p. Article 20180081). این حوزه شامل قوانین رسمی و غیررسمی و ارزش‌های اخلاقی اجتماعی است که دلالت بر اثر نظارتی - تنظیمی، مالی - اقتصادی و فردی -

اجتماعی دارد. مفهوم «اثر نظارتی - تنظیمی» به معنای قانون گذاری مناسب و برخوردار از قوانین تدوین شده و اجرا شده از طریق نهادهای اجتماعی یا دولتی است که بتواند رفتار عوامل مرتبط با حوزه اطلاعات را تحت نظارت خود داشته باشد (Floridi, 2018, p. Article 20180081). اثر مالی - اقتصادی نیز به معنای آثار مثبت و منفی ناشی از توسعه هوش مصنوعی بر سازمان ها، جوامع و کشورها از تسلط بر بازار، درآمدهای فراوان و صرفه جویی در هزینه گرفته تا نگرانی در خصوص نحوه درآمدزایی داده ها و اقدام های مالی غیر شفاف و انحصار طلبانه است (Grewal & et, 2020, p. 13). اثر فردی - اجتماعی اما ناظر بر تغییرهای تحول آفرین و دگرگونی در جامعه و عاملیت فرد مانند جابه جایی نیروی کار، بیکاری و مهارت زدایی کارکنان در نتیجه استفاده از هوش مصنوعی است (Akter; McCarthy; Sajib; Michael & Dwivedi, 2021, p. Article 102387).

سطح دوم یافته ها که در پاسخ به دومین پرسش اصلی پژوهش است، به نسبت مفاهیم اخلاقی احصاء شده از مرور نظام مند ادبیات موجود با مفهوم «اخلاق شکوفایی» می پردازد. مفهومی که شکوفایی انسان را یک مطالبه عام می داند. شکوفایی انسان بخشی از رویکرد هنجاری به اخلاق است که بایستی هدف استفاده از فناوری ها به ویژه هوش مصنوعی به لحاظ ایجاد «یک زندگی خوب» باشد (Stahl, 2021). بر اساس یافته های پژوهش، مفاهیم اخلاقی «انصاف»، «کرامت انسانی»، «پایداری»، «مسئولیت پذیری» و «مشارکت مردم سالارانه» مفاهیمی هستند که در نمونه های مورد مطالعه به نسبتی که در جدول ۳ نشان داده شده به مفهوم «اخلاق شکوفایی» پرداخته و «شکوفایی انسان» را هدف از بذل توجه به مفاهیم مذکور در فرایند توسعه هوش مصنوعی می دانند.

جدول (۳): نسبت مفاهیم اخلاق فناوری های دیجیتال با اخلاق شکوفایی در مقاله ها

اخلاق فناوری های دیجیتال	تناظر با اخلاق شکوفایی در مقاله ها (درصد)
انصاف	۸۵
کرامت انسانی	۸۰
پایداری	۷۱
مسئولیت پذیری	۷۶
مشارکت مردم سالارانه	۶۳

## نتیجه‌گیری

نفوذ گسترده برنامه‌های کاربردی مبتنی بر هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال و متعاقباً در بسیاری از ابعاد وجودی و زیستی انسان، نیاز فوری جامعه جهانی را به توسعه اخلاقی هوش مصنوعی برجسته می‌سازد. پژوهش حاضر به تشریح مفاهیم کلیدی اخلاق دیجیتال در بستر استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش ۱۶ مفهوم اخلاق دیجیتال شناسایی و ذیل پنج الگوی اصلی فناوری‌های دیجیتال و چهار لایه هستی‌شناختی طبقه‌بندی شده‌اند. در این بخش نتایج حاصل از پژوهش ناظر بر پرسش‌های پژوهشی مطرح شده در ابتدای مقاله، در قالب ۱۳ گزاره استنتاجی به بحث گذاشته می‌شود:

گزاره ۱- اهمیت مفهوم اخلاقی «ایمنی» در لایه «دستگاه» فناوری‌های دیجیتال در مقایسه با مفاهیم «کرامت انسانی» و «پایداری»: در لایه «دستگاه» فناوری‌های دیجیتال سه مفهوم اخلاقی «کرامت انسانی»، «ایمنی» و «پایداری» قرار دارند. در این میان به جز مفهوم «ایمنی» که ذیل الگوی محصولات مبتنی بر کنشگر (کاربرد در ۷۵ درصد مقالات) و تعامل تحلیلی (کاربرد در ۳۳ درصد مقالات) بیشترین توجه را از سوی مطالعات به خود اختصاص داده است، دو مفهوم اخلاقی دیگر در هیچ کدام از الگوهای فناوری‌های دیجیتال محل توجه نبوده‌اند. الگوهای اصلی فناوری‌های دیجیتال به واسطه الزاماتی که ذات معماریشان می‌باشد و همچنین انگیزه‌هایی که در طراحی‌شان وجود دارد ممکن است یک حوزه هستی‌شناختی یا یک مفهوم اخلاقی را بر دیگری اولویت دهند.

گزاره ۲- همسویی مفاهیم اخلاقی «کرامت انسانی» و «پایداری» با شکوفایی انسان: «کرامت انسانی» در ۸۰ درصد و «پایداری» در ۷۱ درصد مقالاتی که به این دو مفهوم پرداخته‌اند ذیل طرح بحث اخلاق شکوفایی، مسیری برای شکوفایی انسان در نظر گرفته شده‌اند. به تعبیر الکساندر<sup>۱</sup> (Alexander, 2019, p. 1031) انسان‌ها ذاتاً موجودهایی اجتماعی هستند و تنها زمانی می‌توانند به شکوفایی دست یابند که اجتماعی بودن خود را درک کرده باشند؛ اما درک و تصور از اجتماعی بودن اتفاق نمی‌افتد مگر هنگامی که فرد برای استقلال شخصیتی دیگران احترام قائل شود. از طرفی کرامت انسانی بازنمایی وجود قابلیت به نام «استقلال» در نوع بشر است؛ لذا همچون استقلال، شایسته احترام می‌باشد.

1. Alexander

گزاره ۳- اهمیت قابل توجه مفاهیم اخلاقی «قابل فهم بودن»، «مسئولیت‌پذیری»، «انصاف»، «خودسامانی» و «تنوع‌پذیری» در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال: مفاهیم اخلاقی «قابل فهم بودن»، «مسئولیت‌پذیری»، «انصاف»، «خودسامانی» و «تنوع‌پذیری» تقریباً در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال محل توجه فراوان بوده‌اند. در این میان مفهوم اخلاقی «انصاف» در الگوی «اتصال» با کاربرد ۸۱ درصدی در مقاله‌ها بیشترین فراوانی را در نمونه مورد مطالعه داشته است.

گزاره ۴- همسویی قابل توجه مفهوم اخلاقی «انصاف» با شکوفایی انسان: مفهوم «انصاف» در ۸۵ درصد مقاله‌هایی که به اخلاق شکوفایی پرداخته‌اند در تناظر با شکوفایی انسان قرار گرفته است. «انصاف» مفهومی مستقر بر اصل اخلاقی «برابری انسان‌ها» است. لیپتون<sup>۱</sup> و همکاران (Lipton & et al., 2018, p. 8) ذیل مفهوم مرکزی انصاف، به سه مقوله مهم «جانبداری»، «دسترسی» و «مشارکت» اشاره می‌کنند. جانبداری به معنای رفتار تبعیض‌آمیز با افراد یا گروه‌هاست. این مقوله علاوه بر انصاف در رفتار، انصاف در اثرگذاری را نیز شامل می‌شود. عمده نگرانی‌ها در این حوزه، ناظر به جانبداری در مجموعه داده‌ها، بهره‌برداری هدفمند از هوش مصنوعی، سوءاستفاده از افراد و کیفیت خدمات ارائه شده توسط هوش مصنوعی در جوامع است (Lipton; McAuley & Chouldechova, 2018, p. 9). در رابطه با «دسترسی» لازم به ذکر است، اگرچه بسیاری از بحث‌ها در اخلاق هوش مصنوعی، به کاهش سطح آسیب‌های ناشی از به‌کارگیری این فناوری اختصاص دارد، اما پُر واضح است که منافع قابل توجهی نیز از سیستم‌های هوش مصنوعی شامل حال افراد و جوامع می‌شود. از این‌رو دسترسی برابر و متوازن به این فناوری نوظهور حائز اهمیت فراوان بوده و تلاش در طراحی‌های مقرون‌به‌صرفه، دوستدار کاربر و نه به تعبیر لیپتون و همکاران (Lipton & et al., 2018, p. 9) «رویکرد یک سایز برای همه» در اولویت قرار دارد. مقوله «مشارکت» ناظر بر ارتباط به زبان بومی و قابل توضیح برای کاربران بوده و تعامل جامعه گسترده‌تر با سیستم‌های هوش مصنوعی را تسهیل می‌کند. این مسئله موجب افزایش امکان یادگیری به‌منظور تعامل با هوش مصنوعی و متعاقباً ارتقای سطح رضایت کاربران و جلب نظر ذی‌نفعان خواهد شد. لیپتون و همکاران (Lipton & et al., 2018, p. 5) معتقدند اخلاق شکوفایی زمانی در جامعه مبتنی

1. Lipton

بر هوش مصنوعی مستقر می‌شود که این فناوری به دور از هر گونه جانبداری قومی، نژادی، جنسیتی و با نگاه جهانشمول در دسترس همگان قرار گرفته و منافع تمامی گروه‌های ذی‌نفع را با جلب مشارکت حداکثری تأمین نماید. در چنین شرایطی به‌رغم وجود آسیب‌های احتمالی، می‌توان به شکوفایی انسان امیدوار بود.

گزاره ۵- همسویی مفهوم اخلاقی «مسئولیت‌پذیری» با شکوفایی انسان: مفهوم «مسئولیت‌پذیری» در ۷۶ درصد از مقاله‌هایی که به این مفهوم پرداخته‌اند، یکی از شروط لازم برای شکوفایی انسان در نظر گرفته شده است. قبول مسئولیت در حوزه فناوری‌های نوظهور نیازمند توسعه ساختارهای حکمرانی رسمی و غیررسمی و نظارت بر اجرای آنهاست. در این مسیر وجود تنظیم‌کننده‌ها و عاملانی که بتوانند با زیست‌بوم‌های هوش مصنوعی پیوند برقرار کنند، آن را جهت‌دهی نموده و بر آن نظارت داشته باشند به‌منظور اطمینان از قرارگیری هوش مصنوعی در فرایند شکوفایی انسان ضروری است (Kazim; Denny & Wang, 2019, p. 249). به اعتقاد وانگ (Koshiyama, 2021, p. 8). برای نگهداری انسان درون حلقه مسئولیت، بخشی از فرایند شکوفایی انسان به مثابه یک کنشگر پاسخگو است.

گزاره ۶- اهمیت بسیار بالای مفهوم اخلاقی «حریم خصوصی» در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال: مفهوم اخلاقی «حریم خصوصی» ذیل لایه محتوا تقریباً در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال بالاترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده و به‌طور گسترده در نمونه ما بحث شده است.

گزاره ۷- اهمیت مفاهیم اخلاقی «اثرنظارتی - تنظیمی»، «اثر مالی - اقتصادی» و «اثر فردی - اجتماعی» تقریباً در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال: سه مفهوم اخلاقی «اثر نظارتی - تنظیمی»، «اثر مالی - اقتصادی» و «اثر فردی - اجتماعی» تقریباً در تمامی الگوهای فناوری‌های دیجیتال محل توجه بوده است. «اثر نظارتی - تنظیمی» مفهومی است که به‌واسطه فرهنگ سازمانی، رهبری و ارائه مدل کسب‌وکار موجب تولید ارزش نظارتی برای استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال می‌شود. «اثر مالی - اقتصادی» ارزشی است که سازمان‌ها را به استفاده از هوش مصنوعی در فناوری‌های دیجیتال تحریک

می‌کند. کومار<sup>۱</sup> و دیگران (Kumar, 2021, p. 19) معتقدند سازمان‌ها برای آنکه بتوانند به ارزش اقتصادی دست پیدا کنند، بایستی مسئولیت اجتماعی را سرلوحه فعالیت‌های سازمانی خود قرار دهند. یعنی نسبت به تأثیر فعالیت‌هایشان بر جامعه از طریق رفتار شفاف و اخلاقی حساس باشند و اثر فردی - اجتماعی توسعه هوش مصنوعی را در تصمیماتشان در نظر بگیرند.

گزاره ۸- همسویی مفهوم اخلاقی «مشارکت مردم‌سالارانه» با شکوفایی انسان: استفاده از هوش مصنوعی بایستی همراه با آگاهی از نیازهای متنوع و متناقض و نیز مشارکت گسترده همه گروه‌های ذی‌نفع باشد. این امر تحت عنوان مشارکت مردم‌سالارانه با هدف شکوفایی انسان، محل توجه ۶۳ درصد از مقاله‌های نمونه مورد مطالعه بوده است. لازم به ذکر است فرایندهای سیاسی موجود در یک دولت مردم‌سالار تا حد زیادی می‌توانند پاسخگوی نیاز به مشارکت گسترده گروه‌های ذی‌نفع در جریان توسعه هوش مصنوعی باشند.

گزاره ۹- اهمیت لایه هستی‌شناختی «محتوا» برای الگوی «پلتفرم»: مضامین مرتبط با الگوهای فناوری‌های دیجیتال مبتنی بر پلتفرم که در حقیقت فناوری‌های زیرساختی هستند به عنوان قطب انتقال داده از یک منبع مشخص و با یک طراحی یک به چند می‌باشند (Berger; Denner & Roeglinger, 2018, p. 5). داده‌های مشخص جزء اساسی این الگو هستند. لذا در نمونه مورد مطالعه ما لایه هستی‌شناختی محتوا به هنگام استفاده از هوش مصنوعی در الگوی مذکور مورد توجه فراوان قرار گرفته است.

گزاره ۱۰- اهمیت قابل توجه لایه‌های هستی‌شناختی «محتوا» و «خدمات» برای الگوی «اتصال»: الگوی اتصال نیز همانند الگوی پلتفرم جزء فناوری‌های زیرساختی محسوب می‌شود و مضامین مرتبط با آن به تعبیر برگر<sup>۲</sup> و همکاران (Berger, 2018, p. 5) از دیگر ابعاد انتقال داده هستند که هدفشان علاوه بر انتقال داده، «توان عملیاتی کارآمد» می‌باشد. از این‌رو در مرور ادبیات موجود نه تنها لایه هستی‌شناختی «محتوا» بلکه لایه «خدمات» نیز در الگوی «اتصال» محل توجه فراوان مقاله‌ها بوده است.

گزاره ۱۱- اهمیت لایه‌های هستی‌شناختی «دستگاه» و «خدمات» برای الگوی «محصولات مبتنی بر کنشگر»: مضامین مرتبط با الگوهای «محصولات مبتنی بر

1. Kumar

2. Berger

کنشگر»، در واقع فناوری‌های کاربردی‌ای هستند که کارکرد اصلی‌شان اجرای داده‌ها از ورودی دیجیتال به خروجی فیزیکی است (Berger; Denner & Roeglinger, 2018, p. 18)؛ بنابراین استفاده از هوش مصنوعی در این الگو هم بر روی لایه دستگاه با توانایی اثرگذاری بر محیط فیزیکی و هم بر روی لایه خدمات به‌عنوان یک موتور شناختی تمرکز بیشتری دارد.

گزاره ۱۲- اهمیت لایه‌های هستی‌شناختی «محتوا» و «خدمات» برای الگوی «تولید بینش تحلیلی»: الگوی «تولید بینش تحلیلی» به‌عنوان یکی از الگوهای پرکاربرد در نمونه مورد بررسی ما بوده است. از این‌رو مباحث تفسیری در حوزه دستورالعمل‌ها و یادگیری ماشین جزء مباحث ضروری و با اهمیت در بستر اخلاق دیجیتال و برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی است. فناوری‌های به‌کاررفته در الگوی «تولید بینش تحلیلی» به اعتقاد برگر و همکاران (Berger, 2018, p. 19) فناوری‌های کاربردی هستند که کارکردشان منطق و تصمیم‌گیری است. این الگو در نمونه مورد مطالعه ما هم از کلان‌داده‌ها و هم از قابلیت‌های پیشرفته یادگیری ماشین استفاده می‌کند تا با تمرکز بر لایه‌های محتوا و خدمات، کارکردهای شناختی انسان را تکرار نماید.

گزاره ۱۳- اهمیت لایه هستی‌شناختی «محتوا» برای الگوی «تعامل تحلیلی»: «تعامل تحلیلی» به‌عنوان یکی از الگوهای فناوری‌های دیجیتال است که با پیشرفت هوش مصنوعی امکان‌پذیر شده است و مضامین آن، در واقع فناوری‌های کاربردی مرتبط با انتقال ورودی دیجیتال، قابلیت‌های تحلیلی و خروجی فیزیکی هستند (Berger; Denner & Roeglinger, 2018, p. 20). نقشه مفهومی ما بیانگر استفاده از هوش مصنوعی در این الگو با تمرکز بر لایه محتوا و با کارکرد انتقال داده است که اغلب به‌خاطر پرداختن به موضوع جایگزینی مشاغل خدماتی، تأثیرهای فردی و اجتماعی فراوانی به‌دنبال دارد.

مدل مفهومی ارائه شده در مقاله حاضر، به پژوهشگران حوزه‌های مختلف به‌ویژه طراحان دستورالعمل‌ها و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی کمک می‌کند تا ضمن توجه به ملاحظه‌های اخلاقی هر الگو برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر هوش مصنوعی اخلاقی به توسعه فعالیت‌هایشان بپردازند. همچنین می‌تواند برای سیاست‌گذاران حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی در جهت ارائه راهبردهایی با هدف کاربست اخلاقی هر یک از انواع فناوری‌های دیجیتال در جامعه مفید باشد. در این مسیر پژوهشگران به دلیل منحصربه‌فرد نبودن طبقه‌بندی‌های مفهومی صورت گرفته، احتمالاً با

همپوشانی‌هایی نیز روبه‌رو خواهند بود که از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. این محدودیت ناشی از ذات معماری فناوری‌های دیجیتال می‌باشد که موجب تداخل‌هایی در الگویابی می‌شود؛ به‌عنوان مثال طراحی چهرک‌ها (آواتارها) هم نیازمند تولید بینش تحلیلی است و هم تعامل تحلیلی. اگرچه سهم تعامل تحلیلی بیشتر است ولی محقق بایستی به دلالت‌های اخلاقی هر دو الگو توجه نماید که گاه موجب ایجاد تنش‌های اخلاقی می‌شود. با پیشرفت سریع فناوری‌های دیجیتال، همچنین کامل‌تر و تفکیک‌پذیرتر شدن معماری این فناوری‌ها در پژوهش‌های آتی این امکان وجود خواهد داشت تا الگوهای جدیدی با همپوشانی‌های مفهومی کمتر توسط پژوهشگران به مدل مفهومی ارائه شده در پژوهش حاضر اضافه شود.

### فهرست منابع

- زادیوسفی، امیرحسین (۱۴۰۰). هوش مصنوعی و شکاف مسئولیت. تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.
- کاظمی، علیرضا و مطلبی کربکندی، حسین (۱۴۰۰). اینترنت اشیاء اجتماعی: چشم‌انداز، فرصت‌ها و چالش‌ها. تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.
- ناثلی، مینا (۱۴۰۱). مروری بر فعالیتهای آموزشی کشورهای پیشرو در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت افزایش صلاحیتهای هوش دیجیتال در سنین پایه. تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.
- Adomavicius, G.; Bockstedt, J.; Gupta, A. & Kauffman, R. (2007). Technology roles and paths of influence in an ecosystem model of technology evolution. *Information Technology and Management*, 8(2), 185-202.
- Akter, S.; McCarthy, G.; Sajib, S.; Michael, K. & Dwivedi, Y. (2021). Algorithmic bias in data-driven innovation in the age of AI. *International Journal of Information Management*, 60: Article 102387.
- Alexander, G. (2019). Property, Dignity, and Human flourishing. *Cornell Law Review*, 104(4), 991-1046.
- Berger, S.; Denner, M. & Roeglinger, M. (2018). The nature of digital technologies- development of a multi-layer taxonomy. *26th European Conference on Information Systems (ECIS)* (pp. 1-20). Portsmouth, UK.: Finance&Information Management.
- Booth, A.; Papaioannou, D. & Sutton, A. (2012). *Systematic approaches to a successful literature review*. London: SAGE Publications.

- Borges, A.; Laurindo, F.; Spinola, M.; Goncalves, R. & Mattos, C. (2021). The strategic use of artificial intelligence in the digital era: Systematic literature review and future research directions. *International Journal of Information Management*, (57), Article 102225.
- Brey, P. (2012). Anticipatory ethics for emerging technologies. *Nanoethics*, (6), 1-13.
- Brynjolfsson, E. & McAfee, A. (2014). *The second Machine age: Work, Progress, and Prosperity in a time of Brilliant technologies*. New York: W.W.Norton and Company.
- Bynum, T. (2006). Flourishing ethics. *Ethics Information Technology*, (8), 157-173.
- Choi, H.; Jung, S.; Baek, S.; Lim, W.; Ahn, S. & Yang, I. (2019). Artificial intelligent model with neural network machine learning for the diagnosis of orthognathic surgery. *J Craniofac Surg.*, 30(7), 1986-1989.
- Duan, Y.; Edwards, J. & Dwivedi, Y. (2019). Artificial intelligence for decision making in the era of Big Data-evolution, challenges and research agenda. *International Journal of Information Management*, (48), 63-71.
- Dwivedi, Y.; Hughes L.; Ismagilova E.; Aarts G.; Coomb, L.; Ismagilova, E.; Aarts, G.; Coombs, C. & Crick, T. (2021). Artificial Intelligence (AI): Multidisciplinary perspectives on emerging challenges, opportunities, and agenda for research, practice and policy. *International Journal of Information Management*, (57), Article101994.
- Feenberg, A. (1999). *Questioning technology*. London: Routledge.
- Floridi, L. (2006). Information ethics, its nature and scope. *ACM SIGCAS Computers and Society*, (36), 21-36.
- Floridi, L. (2018). *Philosophical Transactions of The royal Society, Series A, Mathematical, Physical, and Engineering Sciences*, 376(2133): Article 20180081.
- Floridi, L. & Cowls, J. (2019). A unified framework of five principles for AI in society. *Harvard Data Science Review*, 1(1), 2-17.
- Floridi, L. (2011). *The Philosophy of Information*. city: Oxford University Press.
- Floridi, L. (2017). The logic of design as a conceptual logic of information. *Minds Machines*, 1-25.
- Grewal, D.; Kroschke, M.; Mende, M.; Mende, M.; Roggeveen, A. & Scot. (2020). Frontline cyborgs at your service: How human enhancement technologies affect customer experiences in retail, sales, and service settings. *Journal of Interactive Marketing*, (51), 9-25.
- Johnstone, J. (2007). Technology as empowerment: a capability approach to computer ethics. *Ethics and Information Technology*, 9(1), 73-87.
- Kankanhalli, A.; Charalabidis, Y. & Mellouli, S. (2019). IoT and AI for smart government: A research agenda. *Government Information Quarterly*, 36(2), 304-309.

- Kazim, E.; Denny, D. & Koshiyama, A. (2021). AI auditing and impact assessment: according to the UK information commissioner's office. *AI and Ethics*, 1-10.
- Kumar, P.; Dwivedi, Y. & Anand, A. (2021). Responsible Artificial Intelligence (AI) for value formation and market performance in healthcare: The mediating role of patient's cognitive engagement. *Information Systems frontiers. Journal of Research and Innovation*, 1-24.
- Lipton, Z.; McAuley, J. & Chouldechova, A. (2018). Does mitigating ML's impact disparity require treatment disparity? *32nd conference on Neural information Processing Systems* (pp. 1-11). Montreal, Canada: Montreal.
- MacIntyre, A. (2007). *After virtue: a study in moral theory*. Notre Dame: University of Notre Dame Press.
- Malkiat, T.; Sarunkorn, C. & Stephen, J. (2019). Balancing information governance obligations when accessing social care data for collaborative research. *Records Management Journal*, 29(1/2), 194-209.
- Metcalf, J.; Moss, E. & Boyd, D. (2019). Owing ethics: Corporate logics, silicon valley, and the institutionalization of ethics. *Social Research*, 86(2), 449-476.
- Morley, J.; Floridi, L.; Kinsey, L. & Elhalal, A. (2020). From what to how: An initial review of publicly available AI ethics tools, methods and research to translate principles into practices. *Science and Engineering Ethics*, 26(4), 2141-2168.
- Mustak, M.; Jaakkola, E.; Halinen, A. & Kaartemo, V. (2016). Customer participation management: Developing a comprehensive framework and a research agenda. *Journal of Service Management*, 27(3), 250-275.
- Myers, M. & Klein, H. (2011). A set of principles for conducting critical research in information systems. *MIS Quarterly*, 35(1), 17-36.
- Nishant, R.; Kennedy, M. & Corbett, J. (2020). Artificial intelligence for sustainability: Challenges, opportunities, and a research agenda. *International Journal of Information Management*, (53), Article 102104.
- Nussbaum, M. (2011). *Creating capabilities: the human development approach*. Cambridge: Harvard university Press.
- Oosterlaken, I. & van den Hoven, J. (2012). *The capability approach, technology and design*. Dordrecht, Netherlands: Springer.
- Rhim, J.; Lee, G. & Lee, J. (2020). Human moral reasoning types in autonomous vehicle moral dilemma: A cross-cultural comparison of Korea and Canada. *Computers in Human Behavior*, (102), 39-56.
- Sarker, M.; Wu, M.; Cao, Q.; Alam, G. & Li, D. (2019). Leveraging digital technology for better learning and education: A systematic literature review. *International journal of Information and Education Technology*, 9(7), 453-461.

- Schappert, M., & von Hauff, M. (2020). Sustainable consumption in the smart grid: From key points to eco-routine. *Journal of Cleaner Production*, 267: Article 121585.
- Sen, A. (2009). *The idea of justice*. London: Allen Lane.
- Stahl, B. (2008). The ethical nature of critical research in information systems. *Informations systems Journal*, (18), 137-163.
- Stahl, B. (2021). Artificial Intelligence for a Better Future, An Ecosystem Perspective on the Ethics of AI and Emerging Digital Technologies. city: Springer.
- Stahl, B. (2021). Artificial Intelligence for a Better Future, An Ecosystem Perspective on the Ethics of AI and Emerging Digital Technologies. city: Springer.
- Sutton, S.; Arnold, V. & Holt, M. (2018). How much automation is too much? Keeping the human relevant in knowledge work. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 15(2), 15-25.
- Urquhart, L.; Schnadelbach, H. & Jager, N. (2019). Adaptive Architecture: Regulating human building interaction. *International Review of Law, Computers & Technology*, 33(1), 3-33.
- Van den Hoven, J. (2010). The use of normative theories in computer ethics. In L. Floridi, *The Cambridge handbook of information and computer ethics* (pp. 59-76). UK: Cambridge University Press.
- Von Schomberg, R. (2013). A vision of responsible research and innovation. In R. Owen, M. Heintz, & J. Bessant, *Responsible innovation* (pp. 51-74). London: John Wiley.
- Wang, G. (2019). Humans in the Loop: The Design of interactive AI Systems. *Journal of Artificial Intelligence Research*, 64:243-252.
- Yoon, S.; Choi, T.; Odlum, M.; Mitchell, D. & Kronish, I. (2018). Machine learning to identify behavioral determinants of oral health in inner city older Hispanic adults. *Stud Health Technol Inform*, 251(1), 253-256.

## References

- Adomavicius, G., Bockstedt, J., Gupta, A. & Kauffman, R. (2007). Technology roles and paths of influence in an ecosystem model of technology evolution. *Information Technology and Management*, 8(2), 185-202.
- Akter, S., McCarthy, G., Sajib, S., Michael, K. & Dwivedi, Y. (2021). Algorithmic bias in data-driven innovation in the age of AI. *International Journal of Information Management*, 60: Article 102387.
- Alexander, G. (2019). Property, Dignity, and Human flourishing. *Cornell Law Review*, 104(4), 991-1046.
- Berger, S., Denner, M. & Roeglinger, M. (2018). The nature of digital technologies- development of a multi-layer taxonomy. 26th European Conference on Information Systems (ECIS) (1-20). Portsmouth, UK.: Finance&Information Management.


- Booth, A., Papaioannou, D., & Sutton, A. (2012). Systematic approaches to a successful literature review. London: SAGE Publications.
- Borges, A., Laurindo, F., Spinola, M., Goncalves, R., & Mattos, C. (2021). The strategic use of artificial intelligence in the digital era: Systematic literature review and future research directions. *International Journal of Information Management*, 57, Article 102225.
- Brey, P. (2012). Anticipatory ethics for emerging technologies. *Nanoethics*, (6), 1-13.
- Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The second Machine age: Work, Progress, and Prosperity in a time of Brilliant technologies*. New York: W.W.Norton and Company.
- Bynum, T. (2006). Flourishing ethics. *Ethics Information Technology*, (8), 157-173.
- Choi, H., Jung, S., Baek, S., Lim, W., Ahn, S., & Yang, I. (2019). Artificial intelligent model with neural network machine learning for the diagnosis of orthognathic surgery. *J Craniofac Surg.*, 30(7), 1986-1989.
- Duan, Y., Edwards, J., & Dwivedi, Y. (2019). Artificial intelligence for decision making in the era of Big Data-evolution, challenges and research agenda. *International Journal of Information Management*, (48), 63-71.
- Dwivedi, Y., Hughes L, Ismagilova E, Aarts G, Coomb, L., Ismagilova, E., Aarts, G., Coombs, C., & Crick, T. (2021). Artificial Intelligence (AI): Multidisciplinary perspectives on emerging challenges, opportunities, and agenda for research, practice and policy. *International Journal of Information Management*, (57), Article101994.
- Feenberg, A. (1999). *Questioning technology*. London: Routledge.
- Floridi, L. (2006). Information ethics, its nature and scope. *ACM SIGCAS Computers and Society*, (36), 21-36.
- Floridi, L. (2018). *Philosophical Transactions of The royal Society, Series A, Mathematical, Physical, and Engineering Sciences*, 376(2133): Article 20180081.
- Floridi, L., & Cowlis, J. (2019). A unified framework of five principles for AI in society. *Harvard Data Science Review*, 1(1), 2-17.
- Floridi, L. (2011). *The Philosophy of Information*. city: Oxford University Press.
- Floridi, L. (2017). The logic of design as a conceptual logic of information. *Minds Machines*, 1-25.
- Grewal, D., Kroschke, M., Mende, M., Mende, M., Roggeveen, A., & Scot. (2020). Frontline cyborgs at your service: How human enhancement technologies affect customer experiences in retail, sales, and service settings. *Journal of Interactive Marketing*, (51), 9-25.
- Johnstone, J. (2007). Technology as empowerment: a capability approach to computer ethics. *Ethics and Information Technology*, 9(1), 73-87.

- Kankanhalli, A., Charalabidis, Y., & Mellouli, S. (2019). IoT and AI for smart government: A research agenda. *Government Information Quarterly*, 36(2), 304-309.
- Kazemi, A. R., & Motallebi Korbekandi, H. (2021). Social internet of things: Perspectives, Opportunities, and challenges. Tehran: CyberSpace Research Institute. (In Persian)
- Kazim, E., Denny, D., & Koshiyama, A. (2021). AI auditing and impact assessment: according to the UK information commissioner's office. *AI and Ethics*, 1-10.
- Kumar, P., Dwivedi, Y., & Anand, A. (2021). Responsible Artificial Intelligence (AI) for value formation and market performance in healthcare: The mediating role of patient's cognitive engagement. *Information Systems frontiers. Journal of Research and Innovation*, 1-24.
- Lipton, Z., McAuley, J., & Chouldechova, A. (2018). Does mitigating ML's impact disparity require treatment disparity? 32nd conference on Neural information Processing Systems (pp. 1-11). Montreal, Canada: Montreal.
- MacIntyre, A. (2007). *After virtue: a study in moral theory*. Notre Dame: University of Notre Dame Press.
- Malkiat, T., Sarunkorn, C., & Stephen, J. (2019). Balancing information governance obligations when accessing social care data for collaborative research. *Records Management Journal*, 29(1/2), 194-209.
- Metcalfe, J., Moss, E., & Boyd, D. (2019). Owing ethics: Corporate logics, silicon valley, and the institutionalization of ethics. *Social Research*, 86(2), 449-476.
- Morley, J., Floridi, L., Kinsey, L., & Elhalal, A. (2020). From what to how: An initial review of publicly available AI ethics tools, methods and research to translate principles into practices. *Science and Engineering Ethics*, 26(4), 2141-2168.
- Mustak, M., Jaakkola, E., Halinen, A., & Kaartemo, V. (2016). Customer participation management: Developing a comprehensive framework and a research agenda. *Journal of Service Management*, 27(3), 250-275.
- Myers, M., & Klein, H. (2011). A set of principles for conducting critical research in information systems. *MIS Quarterly*, 35(1), 17-36.
- Naeli, M. (2022). A review of educational activities of leading countries in the field of information and communication technology to increase the competencies of digital quotient at basic ages. Tehran: CyberSpace Research Institute. (In Persian)
- Nishant, R., Kennedy, M., & Corbett, J. (2020). Artificial intelligence for sustainability: Challenges, opportunities, and a research agenda. *International Journal of Information Management*, (53), Article 102104.
- Nussbaum, M. (2011). *Creating capabilities: the human development approach*. Cambridge: Harvard university Press.


- Oosterlaken, I., & van den Hoven, J. (2012). *The capability approach, technology and design*. Dordrecht, Netherlands: Springer.
- Rhim, J., Lee, G., & Lee, J. (2020). Human moral reasoning types in autonomous vehicle moral dilemma: A cross-cultural comparison of Korea and Canada. *Computers in Human Behavior*, (102), 39-56.
- Sarker, M., Wu, M., Cao, Q., Alam, G., & Li, D. (2019). Leveraging digital technology for better learning and education: A systematic literature review. *International journal of Information and Education Technology*, 9(7), 453-461.
- Schappert, M., & von Hauff, M. (2020). Sustainable consumption in the smart grid: From key points to eco-routine. *Journal of Cleaner Production*, (267), Article 121585.
- Sen, A. (2009). *The idea of justice*. London: Allen Lane.
- Stahl, B. (2008). The ethical nature of critical research in information systems. *Information Systems Journal*, (18), 137-163.
- Stahl, B. (2021). *Artificial Intelligence for a Better Future, An Ecosystem Perspective on the Ethics of AI and Emerging Digital Technologies*. city: Springer.
- Sutton, S., Arnold, V., & Holt, M. (2018). How much automation is too much? Keeping the human relevant in knowledge work. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 15(2), 15-25.
- Urquhart, L., Schnadelbach, H., & Jager, N. (2019). Adaptive Architecture: Regulating human building interaction. *International Review of Law, Computers & Technology*, 33(1), 3-33.
- van den Hoven, J. (2010). The use of normative theories in computer ethics. In L. Floridi, *The Cambridge handbook of information and computer ethics* (pp. 59-76). UK: Cambridge University Press.
- Von Schomberg, R. (2013). A vision of responsible research and innovation. In R. Owen, M. Heintz, & J. Bessant, *Responsible innovation* (pp. 51-74). London: John Wiley.
- Wang, G. (2019). Humans in the Loop: The Design of interactive AI Systems. *Journal of Artificial Intelligence Research*, (64), 243-252.
- Yoon, S., Choi, T., Odum, M., Mitchell, D., & Kronish, I. (2018). Machine learning to identify behavioral determinants of oral health in inner city older Hispanic adults. *Stud Health Technol Inform*, 251(1), 253-256.
- Zadyusefi, A. H. (2021). *Artificial intelligence and responsibility gap*. Tehran: CyberSpace Research Institute. (In Persian)

## ارائه مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور


### ریحانه سیری

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، شمال، ایران.  
reyhane.siri2020@gmail.com  0000-0000-0000-0000


### علیرضا صامت

استادیار، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، شمال، ایران (نویسنده مسئول).  
arsamet@gmail.com  0000-0002-8936-741X

### عباسعلی قیومی

دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، شمال، ایران.  
ghaiyoomi@gmail.com  0000-0003-4764-7461

### بابک رضایی

استادیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، شمال، ایران.  
b\_rezaei@iau-tnb.ac.ir  0000-0003-4398-5690

### چکیده

پژوهش حاضر به طراحی و ارائه مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور پرداخته است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، تلفیقی از نوع روش‌های کیفی و کمی می‌باشد. در مرحله اول از روش کیفی تحلیل محتوا (قیاسی) جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، در پایان مرحله اول مدل کیفی توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور در شش بُعد تقویت جانشین‌پروری در سازمان، تقویت فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان، معرفی سازمان فرهنگی، ارتقای شایستگی‌های مدیران فرهنگی، توانمندسازی کارکنان سازمان‌های فرهنگی و تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی ارائه شد. در مرحله دوم تحقیق، جامعه آماری شامل کارکنان و مدیران سازمان‌های فرهنگی در شهر تهران می‌باشند که مطابق اطلاعات سامانه سازمان‌های فرهنگی شهر تهران در حدود ۲۵۰۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد و پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری (نظیر فراوانی، درصد و میانگین) و سطح استنباطی تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از Spss 22 و Lisrel8.54 صورت گرفت. معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست آمده ابعاد مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور، نشان داد که

تمامی ضرایب به دست آمده، معنادار می‌باشند. یافته‌های حاصل از تحلیل ابعاد بیانگر آن می‌باشد که از بین ابعاد مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور، بعد جانشین‌پروری با میانگین (۰/۹۲) بیشترین و بعد ارتقای شایستگی‌های مدیران با میانگین (۰/۷۹) کمترین تأثیر را در توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور را دارد.

**کلیدواژه‌ها:** جانشین‌پروری، تقویت فرهنگ سازمانی، ارتقای شایستگی‌های مدیران، توانمندسازی کارکنان و تحول مدیریت فرهنگی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.164804

## مقدمه و بیان مسئله

امروزه تغییرهای محیطی روزافزون به ویژه در حوزه فناوری، ماهیت مشاغل و فرایندهای سازمانی را متحول کرده است و از طرفی تقاضا و انتظارات مشتریان و ارباب رجوع نیز برای دریافت خدمات با کیفیت افزایش یافته است (Bano; Omar & Ismail, 2021). در چنین شرایطی، شناسایی و تربیت مدیرانی که دارای شایستگی های مورد نیاز برای هدایت سازمان در آینده باشند، ضروری است (ریتیچی، ۲۰۲۰). بسیاری از مدیران ارشد معتقدند که برای شناخت یک سازمان موفق باید توانایی آن سازمان را در شناسایی، توسعه و بهره گیری استعدادهای رهبری کارآمد، مورد توجه قرار داد (هادی زاده مقدم و سلطانی، ۱۳۹۰).

سازمان ها، بدون داشتن نظام های دقیق طراحی شده و هماهنگ با یکدیگر، نمی توانند به فعالیت های خود دوام بخشند و به اهداف بلندمدت از پیش طراحی شده دست یابند. مدیران در صورتی که بخواهند نظام های سازمانی را طراحی نمایند، باید از دیدگاهی نظام مند نسبت به سازمان و عوامل مؤثر بر آن برخوردار باشند. یکی از مهم ترین نظام های یک سازمان یا شرکت، نظام مدیریت منابع انسانی آن است که تأثیر زیادی روی عملکرد سازمان دارد؛ لذا به خاطر ارتباط مهم و حیاتی منابع انسانی با گزینش، نگهداری، ارتقاء، بازدهی، پاداش، برنامه ریزی و آموزش آنان، این موضوع نقش کلیدی در مدیریت منابع انسانی بازی می کند (صامت؛ طبیبی و نوابخش، ۱۳۹۷). سرمایه انسانی شامل کارکنان سازمانی و ویژگی های آنها مانند دانش، تجربه، تعهد و انگیزه آنها می باشد. سازمان مالک آنها نیست یا حتی نمی تواند سرمایه انسانی را با احساسی قوی احاطه و کنترل نماید؛ زیرا هر روز عصر سازمان را ترک می کند و یا زمانی می رسد که شغلش را تغییر می دهد. با وجود این سازمان بدون وجود آنها نمی تواند کاری انجام دهد (Kianto; Saenz & Aramburu, 2017, p. 12).

قدرت اقتصادی و توان تولیدی سازمان های پیشرفته به جای دارایی های فیزیکی، مرهون توانمندی فکری و خدماتی آنهاست. در این میان شایستگی های مدیران سازمان، به عنوان کلیدی ترین منبع انسانی از اهمیتی بیشتر برخوردار است. اتصال شایستگی ها به وظایف اصلی باعث می شود این شایستگی معنی دارتر شده و فرصت

بهره‌مندی از آنها فراهم شود. براین اساس، زمینه آموزشی (توسعه و ارزیابی) زمینه‌های مدیریت (به‌ویژه توسعه) در مدار یادگیری (برای نمونه، یادگیری خدمات، بازخورد همکار) قرار می‌گیرد (Wesselink, 2016).

در همه سازمان‌ها مهم‌ترین رکنی که برای رسیدن به اهداف تأثیرگذار می‌باشد مدیریت است. مدیر به‌عنوان نماینده رسمی سازمان به‌منظور ایجاد هماهنگی و افزایش اثربخشی در راس آن قرار می‌گیرد و موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت او است (ناواکا؛ گلاکسون و آگوستین، ۲۰۰۸). برای موفقیت سازمان‌ها باید از شایسته‌ترین افراد در مناسب‌ترین موقعیت‌های شغلی استفاده کرد (Shum & et al., 2018). نقش مدیران در سازمان‌ها سوق دادن سازمان به‌سوی اهداف و راهبردهایشان است. سازمان‌ها زمانی به اهداف و راهبردهای خود نائل خواهند شد که مدیرانی شایسته، توانمند و متعهد، اداره آن را بر عهده داشته باشند. از طرفی مدیران هنگامی قادرند در راستای اهداف کلی و راهبردهای سازمان هماهنگی لازم را بین بخش‌های مختلف ایجاد کنند که ضمن توسعه و بهبود توانایی‌های مدیریتی خود، سطوح مختلف زندگی خویش را تحت کنترل درآورده و توانایی خودتدبیری را کسب نموده باشد (کارنال، ۲۰۱۸، به نقل از صامت و دیگران، ۱۳۹۷). مدیران امور فرهنگی را نایستی به امید کسب تخصص در حین کار در مصدر امور قرار داد. عدم تخصص و تسلط مدیران امور فرهنگی در امور مربوط به سازمان خویش و حیطه کاری آن آثار نامطلوب و در مواردی زیانبار به‌جای خواهد گذاشت؛ البته منظور این نیست که یک مدیر امور فرهنگی بایستی کاملاً بر امور فنی حوزه‌های تحت مدیریت خود اشراف و تسلط داشته باشد، لیکن در حد اصول کلی و شیوه‌های کار و ادبیات مورد استفاده تخصص وی ضروری است (تاج‌الدینی و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۵، ج ۳، صص. ۲۷۷-۲۹۱).

امروزه مدل‌سازی شایستگی‌ها به یک مبحث اصلی در مدیریت منابع انسانی و توسعه جانشین‌پروری در سازمان تبدیل شده و در طول زمان هم در واکنش به تغییرها در سازمان‌ها و هم در پاسخ به نیازهای افراد به استفاده از این مدل‌ها برای رسیدگی به نیازهای خاص در سازمان، روش‌شناسی آن تکامل یافته است (Sanghi, 2016). مدل شایستگی یک ابزار توصیفی است که شایستگی‌ها یا مهارت‌های مورد نیاز برای یک کار خاص در یک شغل یا سازمان را مشخص می‌کند و همچنین پیشنهاد می‌کند که در هر سازمان برای دستیابی به دیدگاه و مأموریت تعریف شده، چه گروه‌های خاصی از شایستگی‌ها مورد نیاز است. مدل شایستگی‌ها ابزاری است

که شایستگی های مورد نیاز افراد برای محدود کردن چالش های موجود و حمایت از توسعه جانشین پروری در سازمان را تعیین می کند (Sern & et al., 2019).

جانشینی موضوع مهمی است که سازمان های امروزی با آن مواجه هستند. برنامه ریزی جانشین پروری نشان دهنده یک تلاش نظام مند برای حصول اطمینان از تداوم رهبری در موقعیت های کلیدی، حفظ و توسعه سرمایه فکری و دانش در تمامی کارکنان است (Schoonover, 2011). استقرار موفق نظام جانشین پروری مزیت ها و پیامدهای مثبت متعددی برای سازمان به دنبال دارد. جانشین پروری به عنوان یک زیر نظام مدیریت منابع انسانی بر یادگیری سازمانی، افزایش رضایت شغلی کارکنان، نرخ گردش نیرو و عملکرد مالی سازمان تأثیرگذار است (Creta & Gross, 2020). پاین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) نیز معتقدند که جانشین پروری کانون برنامه ریزی نیروی کار سازمانی و حرفه ای است و نیازمند نگرشی راهبردی برای آینده های بلندمدت است که اطمینان دهد افراد شایسته و دارای صلاحیت و آماده برای جایگاه های کلیدی سازمان در آینده در دسترس خواهند بود. به عبارتی جانشین پروری به آمادگی سازمان برای جابه جایی های اجتناب ناپذیر کارکنانی که با ایجاد شکاف در سلسله مراتب سازمانی نیاز به جایگزینی از طریق نیروهای شایسته را موجب می شوند، دلالت دارد (Desarno, 2020).

جانشین پروری ابزاری پایه ای برای یادگیری و انتقال تجارب سازمانی است؛ زیرا از طریق جانشین پروری اطمینان حاصل می شود که درس ها و تجارب سازمانی که از آن با عنوان حافظه سازمانی نام برده می شود، حفظ می گردد و در این صورت با تقویت یادگیری، حلقه دوم بهبود مستمر در عملکرد سازمان محقق می شود (Amato, 2013). چاوز<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) کمک به اجرای طرح های راهبردی سازمان، شناسایی نیازهای جایگزینی به عنوان ابزاری برای آموزش های هدفمند و توسعه کارکنان و ایجاد منبعی از کارکنان مستعد که قابلیت ارتقا دارند را به عنوان دلایل اساسی به کارگیری نظام مدیریت جانشین پروری می داند.

با نگاهی به تعاریف ارائه شده و توجه به نقطه اشتراک آنها می توان دریافت که جانشین پروری یکی از وظایف کلیدی مدیریت منابع انسانی در سازمان ها است که شناسایی، آموزش و توسعه افراد دارای دانش، نگرش، مهارت و توانایی حرفه ای لازم برای تصدی مشاغل کلیدی سازمان در آینده را فراهم می سازد (Gordon &

1. Payne

2. Chavez

(Overbey, 2018). از طرفی تحولات فناوری، جهانی شدن، تمایل به اقتصاد دانش‌محور، نیاز به واکنش سریع به تغییرهای محیطی، کاهش هزینه‌ها در صحنه رقابت، ترویج مسیر شغلی بدون مرز، تنوع نیروی کار، تغییر و تعدد انتظارهای کارکنان، کاهش وفاداری کارکنان، جابه‌جایی و... ضرورت جانشین‌پروری را تشدید می‌کند (دانیالی ده‌حوض و دیگران، ۱۳۹۷).

مطالعه‌های انجام شده حاکی از آن است که بسیاری از سازمان‌ها در استقرار نظام جانشین‌پروری موفق نبوده‌اند (Jackson, & Dunn-Jensen, 2021). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از متخصصان و مدیران منابع انسانی شناخت خوبی از فعالیت‌های جانشین‌پروری و استعدادیابی را ندارند و فقط ۲۱ درصد از آنها به‌طور رسمی این برنامه را اجرا می‌کنند (Collings & Mellahi, 2009, p. 306). همچنین بیشتر مدیران به نیازهای سازمان برای پرورش جانشین در بلندمدت چندان اهمیت نمی‌دهند و افراد نیز برای نیازهای آتی سازمان به‌خوبی پرورش داده نمی‌شوند (Gay & Sims, 2009, p. 12)؛ بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر در پی آن است تا مدلی جهت توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور طراحی و ارائه نماید.

## ۱. اهداف و سؤال‌ها

این مقاله با هدف طراحی و تدوین مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور تنظیم شده است؛ بنابراین سؤال‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور کدامند؟
- مدل کمی توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور کدام است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

ازجمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به پژوهشی که درودی و شیرمرد با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر بروز رفتار و استقرار نظام مدیریت جانشین‌پروری با تأکید بر بهره‌وری منابع انسانی (مورد مطالعه: شهرداری ساوه)» انجام داده‌اند، اشاره کرد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سه عامل رفتاری: سبک رهبری مدیران با ارزیابی منابع داخلی، مؤلفه‌های روان‌شناختی و ارزش‌های اخلاقی در شناسایی و به‌کارگیری افراد مستعد و بروز رفتاری مدیران جانشین‌پرور مؤثر هستند (درودی و شیرمرد،



۱۴۰۱). عظیمی و باغبان پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی جامع جانشین پروری برای سازمان ها» انجام داده اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که جانشین پروری از الزام های مهم و اساسی برای داشتن سازمانی کارآ و موفق محسوب می شود. جانشین پروری ابزار برنامه ریزی راهبردی است که می تواند مسائل به وجود آمده در سازمان را به خاطر ترک افراد و همچنین شکاف دانش به وجود آمده از ترک سازمان توسط یک سری از افراد را به تصویر بکشد (عظیمی و باغبان، ۱۴۰۱). سرگلزایی و میر پژوهشی با عنوان «پذیرش و پیاده سازی طرح تربیت مدیران آینده در راستای جانشین پروری سازمان های دولتی» انجام داده اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مدل یکپارچه فرایند طرح تربیت مدیران آینده شامل ابعاد: برنامه های مشاوره، تشکیل ذخایر استعدادها، تعهد به اجرای طرح تربیت مدیران آینده، شناسایی نیازهای آتی، استفاده از فناوری، بازخورد گرفتن از پروژه، تشکیل پایگاه اینترنتی اشتراک گذاری دانش، شناسایی قابلیت های موجود و ایجاد الگوهای مدیریتی است که تمامی این مؤلفه ها با هم در تعامل می باشند (سرگلزایی و میر، ۱۴۰۰). طیار، نظری و بهرامی پژوهشی با عنوان «ارائه الگویی برای استقرار نظام مدیریت جانشین پروری در صنعت بیمه کشور» انجام داده اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که نیاز به بومی سازی الگوهای جانشین پروری بر مبنای انگاره های فرهنگی و دینی جامعه ایرانی و صنعت بیمه در ایران وجود دارد که در این پژوهش تا حدودی این مسئله دنبال شد (طیار؛ نظری و بهرامی، ۱۳۹۹). طوطیان، مهرآرا و کلانتری نیز پژوهشی با عنوان «بررسی موانع استقرار نظام جانشین پروری در ادارات بانک ملی ایران» انجام داده اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که موانع ساختاری، موانع رفتاری، موانع سازمانی و موانع مدیریتی در استقرار نظام جانشین پروری در اداره های بانک ملی ایران، تأثیر مثبت و معنی داری دارند و در این میان موانع ساختاری از اولویت برخوردار است (طوطیان؛ مهرآرا و کلانتری، ۱۳۹۸). مصطفی پور نیز پژوهشی با عنوان «جانشین پروری مبتنی بر شایسته گزینی گامی به سوی تحول سازمانی» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که یکی از راه های حفظ سازمان و در کنار آن تطبیق با شرایط متغیر جهانی ایجاد فرایند جانشین پروری در سازمان است (مصطفی پور، ۱۳۹۷).

بیسلی و آرد پژوهشی با عنوان «برنامه جانشینی نیروی انسانی» انجام داده اند. نتایج و یافته های این پژوهش نشان داد که برنامه جانشینی یک برنامه مدون و رسمی است که با راهبرد بلندمدت یک سازمان همسو است (Beasley & Ard, 2021). تاکر پژوهشی با عنوان «اجرای موفق و مؤثر نظام جانشین پروری در سازمان ها» انجام داده

است. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل متعددی هستند که به اجرای موفق و مؤثر نظام جانشین‌پروری در سازمان‌ها کمک می‌کنند. نخست، مدیران عالی و اجرایی بایستی مفهوم جانشین‌پروری را باور داشته باشند و از اجرای نظام آن پشتیبانی کنند و کارکنان نیز لازم است تا فعالیت‌های برنامه جانشین‌پروری را حمایت کنند. از سوی دیگر، لازم است تا ارتباط نزدیکی بین نظام جانشین‌پروری و سایر زیرسیستم‌های منابع انسانی و فعالیت‌های آن برقرار باشد (Tucker, 2020). سان و انوکیوسی و نیووی پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های سازمان یادگیرنده» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که: مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده، عبارت از علاقه و تمایل افراد برای جانشینی، تجربه، شایستگی می‌باشند (Shum; Gatling & Shoemaker, 2018).

همان‌گونه که در پژوهش‌های فوق مشاهده می‌شود بیشتر آنها درباره بررسی عوامل مؤثر بر توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های دولتی کشور می‌باشد که در هر کدام از آنها عوامل مؤثر بر توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های دولتی کشور به صورت جداگانه بررسی شده است. در این پژوهش با توجه به اهمیت و جایگاه سازمان‌های فرهنگی در کشور، در مدلی جامع به تأثیر این عوامل در شکل‌گیری و توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور پرداخته شده است.

### ۳. ملاحظه‌های نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

در رابطه با جانشین‌پروری تعاریف متعددی ارائه شده است. از نظر کارول (۲۰۰۴) جانشین‌پروری یک راهبرد پنهان برای جایگزین کردن افراد در پست‌های خاص نیست بلکه فرایند منظمی است که به‌موجب آن توسعه حرفه‌ای و فردی با برنامه راهبردها سازمان‌سازگار می‌شود و در نتیجه این اطمینان حاصل می‌شود که برای هر پست خالی، افرادی با مهارت‌ها و نگرش‌های مناسب و در زمان مناسب وجود دارند. آکادمی ملی مدیریت دولتی آمریکا، جانشین‌پروری را تلاشی عمیق و نظام‌مند برای پیش‌بینی نیازمندی‌های مدیریتی، شناسایی مجموعه‌ای از نامزدهای با استعداد و توان بالا، توسعه و پرورش شایستگی‌های مدیریت آن نامزدها در یک فرایند برنامه‌ریزی شده، یادگیری و سپس انتخاب مدیران از میان آن مجموعه یا ذخایر مدیران مستعد و پرتوان می‌باشد (Hagberg Consulting Group, 2018). پاین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) نیز

1 Payne



معتقدند که جانشین پروری کانون برنامه ریزی نیروی کار سازمانی و حرفه ای است و نیازمند نگرشی راهبردها برای آینده های بلندمدت است که اطمینان دهد افراد شایسته و دارای صلاحیت و آماده برای پست های کلیدی سازمان در آینده در دسترس خواهند بود. به عبارتی جانشین پروری به آمادگی سازمان برای جابجایی های اجتناب ناپذیر کارکنانی که با ایجاد شکاف در سلسله مراتب سازمانی نیاز به جایگزینی از طریق نیروهای شایسته را موجب می شوند، دلالت دارد (Desarno & et al., 2020).

### ۳-۲. مبانی نظری

#### ۳-۲-۱. توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی

جانشین پروری سازمانی یک نوع برنامه ریزی است که هم جانشین رهبری و هم نسل بعد را به طور منظم پرورش می دهد (Lewis & Heckman, 2006). جانشین پروری یک راهبرد مخفی برای جایگزینی سریع افراد در پست های خاص نیست، جانشین پروری یک فرایند منظم است که به موجب آن بهسازی حرفه ای و فردی با برنامه راهبردها منطبق می گردد تا اطمینان حاصل گردد افراد آماده برای تکمیل هر پستی که بلا تصدی می شود، با مهارت ها و نگرش های درستی در زمان مناسب وجود دارند (Collings & Mellahi, 2007). توسعه مدیریت فرهنگی، باعث می شود تا سازمان دهی و اداره امور و فعالیت های فرهنگی، رشد و توسعه فرهنگی هر جامعه زیر نظر مدیران مدبر و فرهنگی شکل بگیرد و در نهایت، جامعه به بالندگی و توسعه برسد. مدیریت فرهنگی جهت دستیابی به اهداف فرهنگی مورد نظر در سطوح جهانی و منطقه ای و ملی و محلی باید از ظرفیت های فکری، بینشی و عملیاتی برخوردار باشد؛ بنابراین شناخت کامل مبانی و اصول فرهنگی و متعاقب آن نیازشناسی فرهنگی از پیش شرط های مهم مدیریت فرهنگی است که قادر خواهد بود به تقویت باورها و ارزش ها و سنت های فرهنگی و حمایت از عدالت گسترش آزادی و ایجاد بستر خلاق و نوآوری بیانجامد (Guttormsen & Lauring, 2018). به نقل از صامت و دیگران، (۱۳۹۷).

هدف مدیریت استعداد و شایستگی توسعه و نگهداری یک استخر استعداد متشکل از نیروی کار ماهر، عجین شده با کار و متعهد به منظور تضمین جریان استعداد است (خالوندی و عباس پور، ۱۳۹۲) سه مفهوم عمده می توان از مدیریت استعداد برداشت نمود در مفهوم اول، مدیریت استعداد شامل مجموعه ای از

فعالیت‌های عادی بخش منابع انسانی، نظیر استخدام، انتخاب، توسعه و مدیریت جانشین‌پروری است، مفهوم دوم به‌طور مشخص‌تر به مدلسازی یا پیش‌بینی جریان منابع انسانی در سراسر سازمان بر اساس عواملی مانند نیروی کار عرضه و تقاضا، مهارت‌ها و... تمرکز می‌کند و مفهوم سوم به منبع‌یابی، توسعه و پاداش استعدادهای کارکنان می‌پردازد (صالح‌زاده و لباف، ۱۳۹۰، ص. ۳). مدیریت استعداد حداقل به دو دلیل عمده مهم می‌باشد: یکم اینکه تضمین می‌کند که سازمان‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی استعدادهای مورد نیاز خود را به‌دست آورده و حفظ کنند و دوم اینکه مدیریت استعداد به‌صورت گسترده‌ای به نامزدی<sup>۱</sup> کارکنان کمک می‌کند (Collings & Caligiuri, 2010).

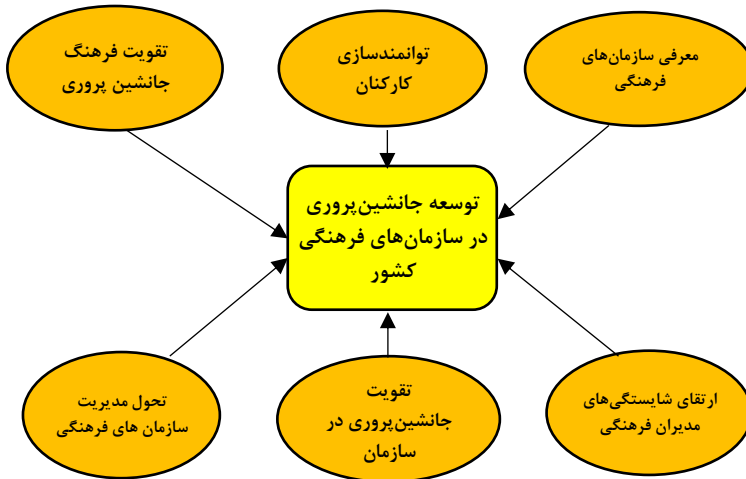
ریشه‌های مفهومی رویکردهای مبتنی بر استعداد و شایستگی در کار روان‌شناس دیوید مک‌کلند مطرح شده است. به اعتقاد مک‌کلند به‌جای توانایی‌های فردی، شاخص‌های قوی‌تری نظیر مهارت‌های ارتباطی، صبر، تنظیم اهداف متعادل و توسعه فردی (ابتکار عمل) بهتر می‌توانند متغیرهای شخصیتی یا شایستگی‌های نتایج زندگی<sup>۲</sup> را بسنجند (Gigliotti, 2019). تعریف شایستگی وابستگی بسیاری به زمینه<sup>۳</sup> مورد بحث دارد (Traicoff & et al., 2019). هر شایستگی باید با فرایندهای خاصی در یک سازمان و افراد دارای آن شایستگی‌ها که انجام‌دهنده آن فرایندها هستند، مرتبط باشد. شایستگی توانایی ادغام مجموعه خاصی از دانش، مهارت، اخلاق و نگرش‌ها است که وجود همه آنها باهم، باعث متمایز شدن فرد موفق در شغل می‌شود (Haruta & et al., 2018). شایستگی‌ها، ویژگی‌هایی به شمار می‌آیند که می‌توانند کارکنان با کارایی بالا را از دیگران که عملکرد پایین‌تری دارند، متمایز سازند (Misra & Sharma, 2017)؛ بنابراین مطابق آنچه که در رابطه با اهمیت و ضرورت بهره‌گیری از نظام جانشین‌پروری در سازمان‌های امروزی بحث شد و با نگاهی اجمالی به تعاریف ارائه شده و توجه به نقطه اشتراک آنها می‌توان دریافت که جانشین‌پروری یکی از وظایف کلیدی مدیریت منابع انسانی در سازمان‌ها است که شناسایی، آموزش و توسعه افراد دارای دانش، نگرش، مهارت و توانایی حرفه‌ای لازم برای تصدی مشاغل کلیدی سازمان در آینده را فراهم می‌سازد و از آنجایی که عوامل متعددی در استقرار نظام جانشین‌پروری در سازمان‌ها نقش دارند و این عوامل با توجه

---

1. Engagement  
 2. Competencies of Life outcomes  
 3. Context

به ماهیت مأموریت و فعالیت و همچنین ویژگی های متفاوت سازمان ها متغیر هستند لذا این تحقیق تلاش دارد به شناسایی عوامل مؤثر بر پیاده سازی نظام جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور و ارائه الگوی مفهومی از آن بپردازد.

### ۲-۲-۳. مدل نظری پژوهش



شکل (۱): مدل کیفی نظری جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور

### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تدوین مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور در سال ۱۴۰۰ در سطح سازمان های فرهنگی استان تهران صورت گرفت. این پژوهش از نوع پژوهش های آمیخته متوالی است که در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. بخش کیفی به واسطه هدف جزء پژوهش های بنیادین از نوع پژوهش های اکتشافی است که روش آن تحلیل محتوا است و بخش کمی به واسطه هدف جزء پژوهش های کاربردی و به واسطه ماهیت از نوع پژوهش های توصیفی است که به روش پیمایشی انجام گرفت. با توجه به اینکه محقق به دنبال طراحی و تدوین مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور بود؛ لذا پژوهش حاضر فاقد فرضیه می باشد.

در مرحله اول، تحقیق کیفی تحلیل محتوا به شیوه قیاسی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع به تحقیق، به مطالعه متون تعیین

شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره عدم وجود یا وجود مصادیق آن تعریف در متن‌های مورد نظر می‌پردازد. در این پژوهش ابتدا متون مرتبط با هدف اصلی پژوهش انتخاب شده‌اند. در مرحله اول، متون مطالعه شده و بندهای مرتبط با سؤال‌های پژوهش انتخاب گردید. در مرحله دوم کد مفاهیم مرتبط با موضوع هر بند استخراج و در مرحله سوم کد مفاهیم استخراج شده در دسته‌های هم مفهوم قرار گرفته و در مرحله چهارم برای دسته‌های هم مفهوم، نام و عنوان مناسب که بیانگر مضمون اصلی پژوهش است، تبیین شده است.

در مرحله دوم، بعد از تعیین مؤلفه و شاخص‌های اصلی پژوهش در بخش اول، پرسشنامه‌ای براساس مقیاس ۵ بخشی لیکرت (۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد و ۵= خیلی زیاد) طراحی شده و با توزیع آزمایشی پرسشنامه و دریافت نظرهای اساتید آگاه در زمینه مدیریت فرهنگی و مدیریت دولتی، مؤلفه‌ها مورد جرح و تعدیل قرار گرفته و بعد از اصلاح‌های مورد نیاز و نهایی‌شدن، پرسشنامه در میان اعضای نمونه آماری توزیع شده است. در این پژوهش، از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری شامل کارکنان و مدیران سازمان‌های فرهنگی در شهر تهران می‌باشند که مطابق اطلاعات سامانه سازمان‌های فرهنگی شهر تهران در حدود ۲۵۰۰ نفر می‌باشند. تعداد نمونه از طریق جدول مورگان در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با تعداد ۳۸۴ نفر به دست آمد که نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی در دسترس صورت گرفت. از تعداد ۴۰۰ پرسشنامه ارائه شده تعداد ۳۸۴ پرسشنامه برگشت شد. ابزار و روش گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، تحلیل مضمون و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی آن توسط اعضای گروه دلفی (۱۵ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی و خبرگان مدیریت فرهنگی و مدیریت دولتی استان تهران) تأیید و پایایی آن با معیار پی اسکات ۰/۹۵ محاسبه شد. در بخش کمی روایی محتوایی از طریق متخصصان موضوعی و روایی صوری از طریق تعدادی از پاسخگویان تأیید شد. همچنین در بررسی روایی سازه به بررسی تناظر بین ابعاد و مؤلفه‌های مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور، از روش تحلیل عاملی تأییدی در محیط نرم‌افزار LISREL پرداخته شد. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در تحلیل داده‌های کیفی ۵ مرحله شامل مرور داده‌ها، سازمان‌دهی داده‌ها، کدگذاری داده‌ها، طبقه‌بندی داده‌ها و ایجاد مقوله‌های فرعی و ابعاد اصلی یا محورهای عمده و تدوین گزارش انجام شد. سپس، جهت



تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور از روش دلفی استفاده شد. در این پژوهش جهت تعیین روایی مرحله کیفی تعداد ۱۸ نفر از خبرگان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران (تمام وقت و حق‌التدریس) در رشته‌های مدیریت فرهنگی و مدیریت دولتی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی پژوهش نیز در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفت. در نتایج پژوهش در بخش کیفی، شش بُعد تقویت جانشین‌پروری در سازمان، تقویت فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان، معرفی سازمان فرهنگی، ارتقای شایستگی‌های مدیران فرهنگی، توانمندسازی کارکنان سازمان‌های فرهنگی و تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی با ۴۱ زیر مفهوم مشخص و نتایج برازندگی مدل در بخش کمی از طریق تحلیل عاملی تأیید شد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### سؤال اول: ابعاد، مؤلفه‌های و مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور کدامند؟

پس از مطالعه منابع مکتوب و دیجیتالی در دسترس و با تجزیه و تحلیل مبانی نظری پژوهش و بررسی دیدگاه‌های دانشمندان و صاحب‌نظران پیرامون مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور، جمله‌ها و بند مرتبط با سؤال‌های پژوهش استخراج و پس از کدگذاری و دسته‌بندی، مفاهیم و مقوله‌های اصلی استخراج گردید که نتایج آن در جدول ذیل آورده شده و در نهایت مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور در شش بُعد اصلی شناسایی شدند.

### جدول (۱): ابعاد و مؤلفه‌های مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۱	تقویت جانشین‌پروری در سازمان	تبیین مفهوم جانشین‌پروری در سازمان
۲		تبیین مفهوم جانشین‌پروری سازمانی در سازمان
۳		برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در سازمان
۴		مدیریت جانشین‌پروری در سازمان
۵		اجرای نظام جانشین‌پروری در سازمان
۶		ارزیابی نظام جانشین‌پروری در سازمان

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۷	تقویت فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان	تبیین مفهوم فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۸		تبیین نقش فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۹		تبیین ویژگی‌های فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۰		توسعه فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۱		کارکرد فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۲		تقویت عوامل حفظ و نگهداری فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۳		اجرای فرایند تغییر فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۴		ارزیابی مراحل و طراحی فرایند فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان
۱۵		تبیین هدف‌های سازمانی
۱۶		تبیین نوع سازمان فرهنگی
۱۷		تبیین ساختار سازمان فرهنگی
۱۸		طراحی‌های نوین ساختار سازمانی
۱۹		معرفی کارکرد داخلی سازمان فرهنگی
۲۰		معرفی کارکرد بین‌المللی سازمان فرهنگی
۲۱	ارتقای شایستگی‌های مدیران فرهنگی	تبیین مفهوم شایستگی مدیران فرهنگی
۲۲		تبیین سطوح شایستگی مدیران فرهنگی
۲۳		تبیین مهارت‌های مدیران فرهنگی
۲۴		تبیین ویژگی‌های مدیریتی مدیران فرهنگی در حوزه ادراکی و وجودی
۲۵		تبیین ویژگی‌های مدیریتی مدیران فرهنگی در حوزه رفتاری
۲۶		تبیین شایستگی‌های فردی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام
۲۷		تبیین شایستگی‌های اجتماعی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام
۲۸		تبیین شایستگی‌های جهانی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام
۲۹	توانمندسازی کارکنان سازمان‌های فرهنگی	تبیین مفهوم توانمندسازی نیروی کار
۳۰		تبیین مزایای توانمندسازی کارکنان
۳۱		طراحی ارکان توانمندسازی کارکنان
۳۲		تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان
۳۳		تقویت عوامل مؤثر در توانمندسازی کارکنان



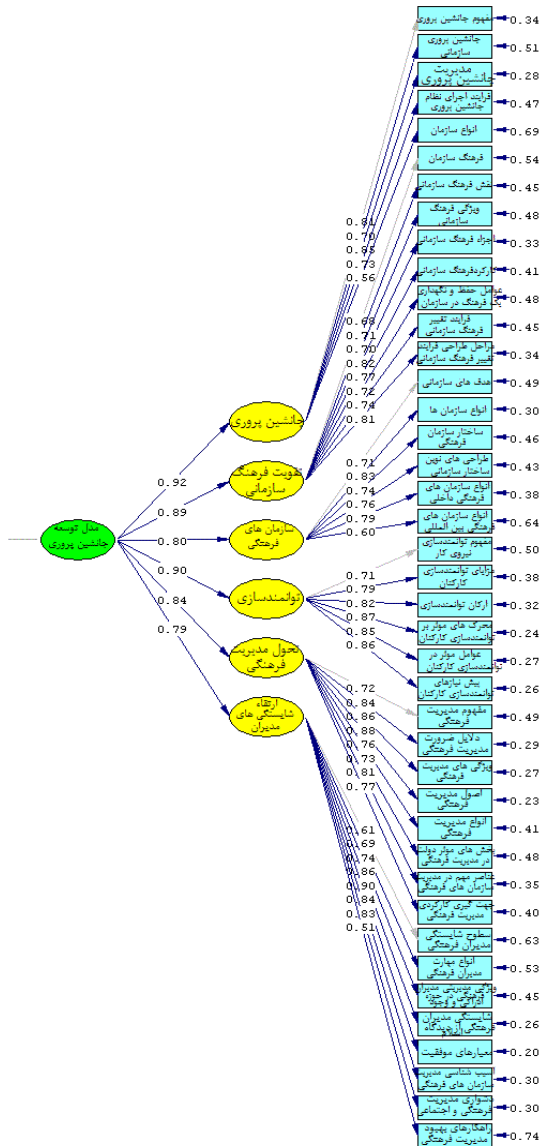
ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۳۴		ارزیابی مراحل و فرایند توانمندسازی کارکنان
۳۵	تحول مدیریت سازمان های فرهنگی	تبیین مفهوم مدیریت سازمان های فرهنگی
۳۶		تبیین عناصر کلیدی توانمندسازی مدیریت سازمان های فرهنگی
۳۷		تبیین دلایل ضرورت تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۳۸		تبیین ویژگی های تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۳۹		تبیین اصول تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۴۰		تبیین عوامل مؤثر بر تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۴۱		تقویت بخش های مؤثر دولت در تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۴۲		تبیین کارکرد عناصر مهم در تحول مدیریت سازمان های فرهنگی
۴۳		تبیین جهت گیری کارکردی مدیریت فرهنگی

منبع: (محقق)

**سؤال دوم: مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور کدام است؟**

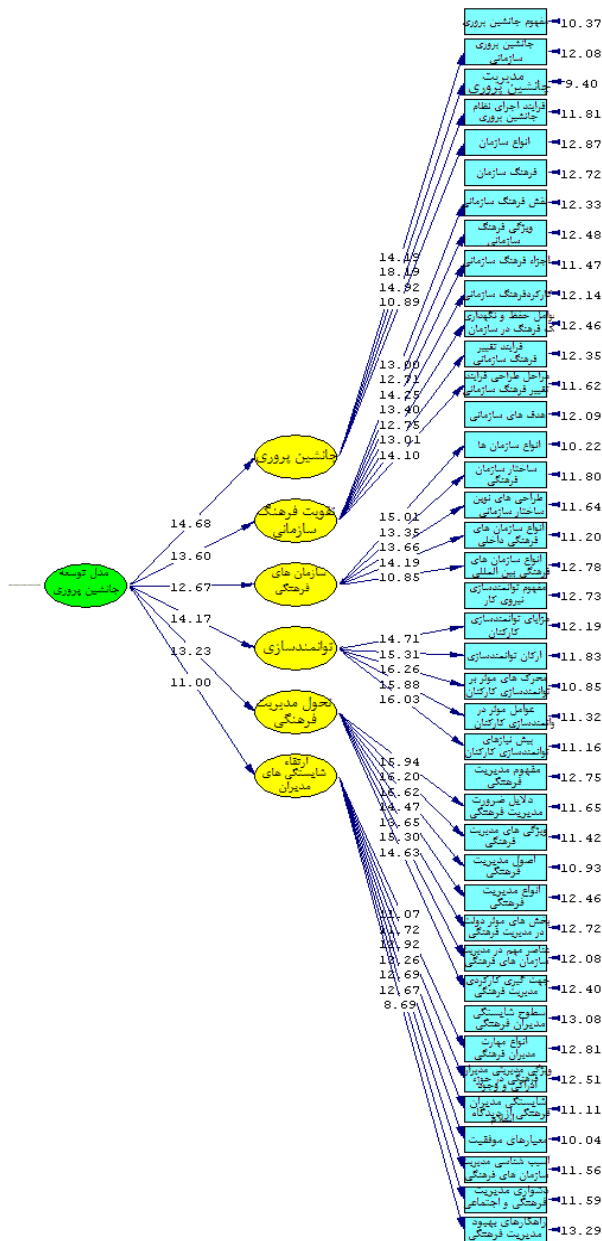
### ۵-۱. تحلیل عاملی تأییدی مدل

در شمایل زیربیزی ها، متغیرهای مکنون یا عامل ها، و مستطیل ها مواد پرسشنامه مدلی جهت توسعه توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود مدل مسیر از ۷ متغیر پنهان و ۴۰ متغیر آشکار تشکیل شده است. پیکان های کوچک واریانس باقیمانده (خطا) را نشان می دهد که به وسیله عامل تبیین می شود.



Chi-square=2484.06, df=896, P-value=0.00000, RMSEA=0.066

**نمودار (۱) الگوی اندازه گیری مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور در حالت تخمین استاندارد**



Chi-Square=2484.06, df=896, P-value=0.00000, RMSEA=0.066

نمودار (۲): الگوی اندازه گیری مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور در حالت معنی داری پارامتر

بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد، میزان تأثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه‌ها را در توضیح و تبیین واریانس نمره‌های متغیر یا عامل اصلی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بار عاملی نشان‌دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده‌گر (سؤال پرسشنامه) با متغیر مکنون (عامل‌ها) می‌باشد. با توجه به نمودار (۱) می‌توان بارهای عاملی هر یک از سؤال‌های پژوهش را مشاهده کرد؛ برای مثال متغیر «جانشین‌پروری» دارای بار عاملی (۰/۹۲) می‌باشد. به عبارت دیگر متغیر «جانشین‌پروری» تقریباً ۸۴ درصد (۰/۹۲) را به توان ۲ می‌رسانیم) از واریانس عامل «مدل توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور» را تبیین می‌نماید.

خروجی بعدی یعنی شکل (۲)، مدل در حالت معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل اندازه‌گیری بارهای عاملی هر یک از سؤال‌های پژوهش را نشان می‌دهد که تمامی ضرایب به‌دست‌آمده معنادار شده‌اند؛ زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- نشان‌دهنده معناداری بودن روابط است. دو خروجی نرم‌افزار لیزرل (مدل در حالت تخمین استاندارد و مدل در حالت ضرایب معناداری) نشان داده شده است.

## ۵-۲. روایی همگرایی

معیار AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود می‌باشد. به بیان ساده AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چقدر این همبستگی بیشتر باشد برازش نیز بیشتر می‌شود. برای بررسی روایی همگرا استفاده می‌شود و مقدار بحرانی آن «برابر ۰/۵ می‌باشد و مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول است. طریقه محاسبه: با عاملی هر سؤال معیار را به توان دو می‌رسانیم و میانگین آنها را می‌گیریم.

### پایایی سازه<sup>۱</sup>

پایایی سازه بیان می‌کند نتایج به‌دست‌آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد با نظریه‌هایی که آزمون بر محور آنها تدوین شده است، تناسب دارد. پایایی سازه (متغیرهای مفهومی) را می‌توان بر اساس پایایی مرکب (CR) میزان واریانس (AVE) استخراج شده محاسبه کرد.

$$CR > 0.7$$

$$AVE > 0.5$$



## جدول (۲): روایی همگرایی و پایایی مؤلفه‌ها

CR	AEV	اولویت	آماره t	ضریب تعیین	بار عاملی	مؤلفه	بُعد
0.89	0.81	دوم	-	0.66	0.81	تبیین مفهوم جانشین پروری در سازمان	تقویت جانشین پروری در سازمان
		چهارم	14.19	0.49	0.7	تبیین مفهوم جانشین پروری سازمانی در سازمان	
		اول	18.19	0.72	0.85	برنامه ریزی جانشین پروری در سازمان	
		سوم	14.92	0.53	0.73	مدیریت جانشین پروری در سازمان	
		پنجم	10.89	0.31	0.56	اجرای نظام جانشین پروری در سازمان	
0.83	0.77	هشتم	-	0.46	0.68	تبیین مفهوم فرهنگ جانشین پروری در سازمان	تقویت فرهنگ جانشین پروری در سازمان
		ششم	13	0.55	0.71	تبیین نقش فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		هفتم	12.71	0.52	0.70	تبیین ویژگی‌های های فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		اول	14.25	0.67	0.82	توسعه فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		سوم	13.4	0.59	0.77	کارکرد فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		پنجم	12.75	0.52	0.72	تقویت عوامل حفظ و نگهداری فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		چهارم	13.01	0.55	0.74	اجرای فرایند تغییر فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
		دوم	14.10	0.66	0.81	ارزیابی مراحل و طراحی فرایند فرهنگ جانشین پروری در سازمان	
0.85	0.8	پنجم	-	0.50	0.71	تبیین هدف‌های سازمانی	معرفی سازمان‌های فرهنگی
		اول	15.01	0.69	0.83	تبیین نوع سازمان فرهنگی	
		چهارم	13.35	0.55	0.74	تبیین ساختار سازمان فرهنگی	
		سوم	13.66	0.58	0.76	طراحی‌های نوین ساختار سازمانی	
		دوم	14.1	0.62	0.79	معرفی کارکرد سازمان فرهنگی داخلی	
		ششم	10.85	0.36	0.6	معرفی کارکرد سازمان فرهنگی بین‌المللی	
0.913	0.902	ششم	-	0.50	0.71	تبیین مفهوم توانمندسازی نیروی کار	توانمندسازی کارکنان سازمان‌های فرهنگی
		پنجم	14.71	0.62	0.79	تبیین مزایای توانمندسازی کارکنان	
		چهارم	15.31	0.67	0.82	طراحی ارکان توانمندسازی کارکنان	
		اول	16.26	0.76	0.87	تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان	
		سوم	15.88	0.72	0.85	تقویت عوامل مؤثر در توانمندسازی کارکنان	
		دوم	16.03	0.74	0.86	ارزیابی مراحل و فرایند توانمندسازی کارکنان	

CR	AEV	اولویت	آماره t	ضریب تعیین	بار عاملی	مؤلفه	بُعد
0.9	0.84	هشتم	-	0.52	0.72	تبیین مفهوم مدیریت سازمان‌های فرهنگی	تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی
		سوم	15.94	0.71	0.84	تبیین عناصر کلیدی توانمندسازی مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		دوم	16.2	0.74	0.86	تبیین دلایل ضرورت تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		اول	15.62	0.77	0.88	تبیین ویژگی‌های تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		ششم	14.47	0.59	0.76	تبیین اصول تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		هفتم	13.65	0.52	0.73	تبیین عوامل مؤثر بر تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		چهارم	15.3	0.66	0.81	تقویت بخش‌های مؤثر دولت در تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
		پنجم	14.63	0.59	0.77	تبیین کارکرد عناصر مهم در تحول مدیریت سازمان‌های فرهنگی	
0.92	0.911	هفتم	-	0.37	0.61	تبیین مفهوم شایستگی مدیران فرهنگی	ارتقای شایستگی‌های مدیران فرهنگی
		ششم	11.07	0.48	0.69	تبیین سطوح شایستگی مدیران فرهنگی	
		پنجم	11.72	0.55	0.74	تبیین مهارت‌های مدیران فرهنگی	
		دوم	12.92	0.74	0.86	تبیین ویژگی‌های مدیریتی مدیران فرهنگی در حوزه ادراکی و وجودی	
		اول	13.26	0.81	0.9	تبیین ویژگی‌های مدیریتی مدیران فرهنگی در حوزه رفتاری	
		سوم	12.69	0.71	0.84	تبیین شایستگی‌های فردی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام	
		چهارم	12.67	0.69	0.83	تبیین شایستگی‌های اجتماعی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام	
		هشتم	8.69	0.26	0.51	تبیین شایستگی‌های جهانی مدیران فرهنگی از دیدگاه اسلام	

جدول (۳): روایی همگرایی و پایایی ابعاد

CR	AEV	اولویت	آماره t	ضریب تعیین	بار عاملی	بعد	مفهوم
0.901	0.884	اول	14.68	0.85	0.92	تقویت جانشین‌پروری در سازمان	توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور
		دوم	14.17	0.81	0.9	توانمندسازی کارکنان سازمان‌های فرهنگی	
		سوم	13.6	0.79	0.89	تقویت فرهنگ جانشین‌پروری در سازمان	

مفهوم	بعد	بار عاملی	ضریب تعیین	آماره t	اولویت	AEV	CR
	تحول مدیریت سازمان های فرهنگی	0.84	0.71	13.23	چهارم		
	معرفی سازمان های فرهنگی	0.8	0.64	12.67	پنجم		
	ارتقای شایستگی های مدیران فرهنگی	0.79	0.62	11	ششم		

همان گونه که در جدول (۲) ملاحظه می گردد، پایایی مرکب بیشتر از ۰/۷ و واریانس هر سازه بزرگتر از ۰/۵ می باشد؛ بنابراین همبستگی یک سازه با شاخص ها فراهم می باشد و ابزار اندازه گیری مناسب و منعکس کننده متغیر پنهان می باشد.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارایه مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور صورت گرفت. شناسایی مفاهیم و ابعاد پژوهش در شش بعد جانشین پروری، تقویت فرهنگ سازمانی، سازمان فرهنگی، ارتقای شایستگی های مدیران، توانمندسازی کارکنان و تحول مدیریت فرهنگی با ۴۱ زیرمفهوم انجام گرفت. با توجه به اینکه واحد تحلیل در این پژوهش پاراگراف بود، مجموعاً ۹۴۰ پاراگراف در خصوص توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور به دست آمد. مفاهیم به دست آمده از ۹۴۰ بند، ۶۲۱ مفهوم جدید را دربر داشت. پس از خوشه بندی مفاهیم در مجموع، ۴۱ مؤلفه استخراج شد. همه ابعاد و مؤلفه ها در بخش کمی با تحلیل عاملی تأیید شدند؛ لذا این پژوهش در نهایت منجر به طراحی مدل توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور شده است که با تأیید بسیاری از پژوهش های توسعه جانشین پروری در کشور، الگوی به دست آمده می تواند مدلی تجویزی برای توسعه جانشین پروری در سازمان های فرهنگی کشور باشد.

نتایج این پژوهش با نتایج بسیاری از پژوهش های صورت گرفته همانند پژوهش عظیمی و باغبان با عنوان «ارائه الگوی جامع جانشین پروری برای سازمان ها»؛ پژوهش سرگلزایی و میر با عنوان «پذیرش و پیاده سازی طرح تربیت مدیران آینده در راستای جانشین پروری سازمان های دولتی»؛ پژوهش طیار، نظری و بهرامی با عنوان «ارائه الگویی برای استقرار نظام مدیریت جانشین پروری در صنعت بیمه کشور»؛ پژوهش طوطیان، مهرآرا و کلاتری با عنوان «بررسی موانع استقرار نظام جانشین پروری در ادارات بانک ملی ایران»؛ پژوهش مصطفی پور با عنوان «جانشین پروری مبتنی بر شایسته گزینی گامی به سوی تحول سازمانی»؛ پژوهش بیسلی و آرد با عنوان «برنامه

جانشینی نیروی انسانی «همخوانی دارد و این نشان می‌دهد که تعداد زیادی از مفاهیم و ابعاد و مؤلفه‌های توسعه جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور در بستر عمیقی از فهم مشترک جامعه قرار دارد. از طرفی امروزه در کشور ما تقاضا برای انسان‌های نخبه بیشتر از عرضه آن است و شکار استعدادها ضروری است. جذب و حفظ این نوع منابع انسانی چالش بسیار بزرگی برای سازمان‌های کشور است. با وجود اینکه اکثر سازمان‌ها اهمیت این نوع منابع انسانی را می‌دانند ولی راهکار منسجم و یکپارچه‌ای مثل استاندارد ۳۴۰۰۰ برای جذب و حفظ آنها را ندارند. سیستم‌های منابع انسانی یکپارچه و مکمل در اکثر سازمان‌ها وجود ندارد و این امر علت اصلی ترک خدمت داوطلبانه نخبگان و از دست رفتن سرمایه‌های انسانی است. جانشین‌پروری یک راهبرد مخفی برای جایگزینی سریع افراد در پست‌های خاص نیست، جانشین‌پروری یک فرایند منظم است که به‌موجب آن به‌سازی حرفه‌ای و فردی با برنامه راهبردها منطبق می‌گردد تا اطمینان حاصل گردد افراد آماده برای تکمیل هر پستی که بالاتصدی می‌شود، با مهارت‌ها و نگرش‌های درستی در زمان مناسب وجود دارند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده و به‌منظور به‌کارگیری اثربخش الگوی ارائه شده در این پژوهش در جهت اجرای اثربخش نظام جانشین‌پروری در سازمان‌های فرهنگی کشور پیشنهاد می‌شود:

مدیریت ارشد سازمان‌های فرهنگی کشور و به‌طور خاص مدیریت منابع انسانی با اقدام‌هایی از قبیل تشویق مدیران برای مشارکت در برنامه‌های جانشین‌پروری، توجه به تلاش مدیران در آموزش و توسعه منابع انسانی و لحاظ نمودن آن در ارزیابی عملکرد، ترغیب و تشویق استعداد برای توسعه قابلیت‌های فردی و ... فرهنگ جانشین‌پروری را در شرکت نهادینه کنند.

ضمن توجه به جانشین‌پروری در راهبردهای منابع انسانی، ارتباط و پیوند نزدیکی بین نظام جانشین‌پروری و نظام ارزیابی عملکرد، نظام طراحی مشاغل، مدیریت استعداد و سایر زیرسیستم‌های منابع انسانی ایجاد شود.

مدیریت ارشد سازمان‌های فرهنگی کشور از طریق اختصاص منابع مالی لازم و اعطای پاداش و مزایا برای افراد درگیر برنامه‌های جانشین‌پروری و تأکید بر ارتقاء و انتصاب افراد تربیت شده در برنامه‌های جانشین‌پروری به جایگاه‌های کلیدی، حمایت و پشتیبانی لازم را از نظام جانشین‌پروری اعمال نمایند. به‌علاوه، مدیران با پیگیری



اقدامها و فعالیتهای مربوط به جانشین پروری و نتایج آن و همچنین با مقاومت در برابر فشارهای سیاسی برای انتصاب افراد نالایق، تعهد خود را نسبت به این برنامه‌ها نشان دهند.

به منظور اجتناب از برخوردهای سلیقه‌ای با برنامه‌های جانشین پروری و همچنین حرکت در یک مسیر مدون و مشخص، پیشنهاد می‌شود از الگوهای علمی و همچنین از تجربه‌های عملی موفق سازمان‌های مشابه برای اجرای برنامه جانشین پروری استفاده شود.

به منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای اجرای اثربخش برنامه‌های جانشین پروری پیشنهاد می‌شود بر برنامه‌های توسعه مدیران و همچنین برنامه‌های آموزش و توسعه منابع انسانی با بهره‌گیری از روش‌هایی همچون پایش و توسعه شبکه مربی‌گری در سازمان تأکید و تمرکز شود.

## فهرست منابع

تاج‌الدینی، لادن و حسینی‌نژاد، صفیه (۱۳۸۵). ویژگی‌های مدیریت فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی. جلد ۳، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی.

خالوندی، فاطمه و عباس‌پور، عباس (۱۳۹۲). طراحی مدل بهینه‌سازی فرایند مدیریت استعداد؛ مطالعه موردی شرکت نفت و گاز پارس. *پژوهش‌های مدیریتی عمومی*، سال ششم، (۱۹)، ۱۰۳-۱۲۸.

دانیالی ده‌حوض، محمود؛ علامه، سیدمحسن و صفری، علی (۱۳۹۷). طراحی الگوی مدیریت جانشین پروری با رویکرد داده‌بنیاد. *پژوهش‌نامه مدیریتی تحول*، سال دهم، (۱۹)، ۱۰۵-۱۴۰.

درودی، هما و شیرمرد، منصور (۱۴۰۱). *شناسایی عوامل مؤثر بر بروز رفتار و استقرار نظام مدیریتی جانشین پروری با تأکید بر بهره‌وری منابع انسانی (مورد مطالعه:*

*شهرداری ساوه)*. سومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز: <https://civilica.com/doc/1498560>

سرگلزایی، علیرضا و میر، محمدمامیر (۱۴۰۰). *پدیرش و پیاده‌سازی پروژه تربیت مدیران آینده در راستای جانشین پروری سازمان‌های دولتی*، هفتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت در علوم انسانی، تهران: <https://civilica.com/doc/1475198>

صالح‌زاده، رضا و لباف، حسن (۱۳۹۰). توسعه مدلی برای مدیریت استراتژیک استعداد به‌منظور بهبود عملکرد سازمانی. دومین کنفرانس مدیریت اجرایی (۱ و ۲ تیر).

صامت، علیرضا؛ طبیبی، سید جمال‌الدین و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مدیریت فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۳(۳۵)، ۱۰۵-۱۳۳.

طوطیان، صدیقه؛ مهرآرا، اسدالله و کلانتری، رزیتا (۱۳۹۸). بررسی موانع مؤثر بر استقرار نظام جانشین‌پروری، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، (۱):

[https://www.civilica.com/Paper-JR\\_HRMJ-JR\\_HRMJ-11-1\\_006.html](https://www.civilica.com/Paper-JR_HRMJ-JR_HRMJ-11-1_006.html)

طیار، شاهین؛ نظری، احسانه و بهرامی، امیر (۱۳۹۹). ارائه الگویی برای استقرار نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت بیمه کشور. هفتمین همایش مدیریت ریسک

و بیمه، تهران: <https://civilica.com/doc/1450649>

عظیمی، حسین و باغبان، مهدی (۱۴۰۱). ارائه الگوی جامع جانشین‌پروری برای

سازمان‌ها: <https://civilica.com/doc/1476182>

مصطفی‌پور، زهرا (۱۳۹۷). جانشین‌پروری مبتنی بر شایسته‌گزینی گامی به‌سوی

تحول سازمانی. دومین کنگره بین‌المللی و سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه

در حوزه علوم انسانی و مطالعات تربیتی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های

فرهنگی و اجتماعی جامعه: [https://www.civilica.com/Paper-BSLH03-BSLH03\\_045.html](https://www.civilica.com/Paper-BSLH03-BSLH03_045.html)

هادی‌زاده‌مقدم، اکرم و سلطانی، فرزانه (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه‌های پیاده‌سازی

مدیریت جانشین‌پروری در سازمان؛ مطالعه موردی: حوزه‌های ستادی شرکت

ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه مستقر در تهران. فصلنامه مدیریت و منابع

انسانی در صنعت نفت، سال سوم، (۱۰)، ۳۹-۸۲.

Amato, N. (2013). Small businesses struggle to navigate provisions of the health care law. *Journal of Accountancy*, 215(1), 38.

Bano, Y.; Omar, S. S. & Ismail, F. (2021). Revitalising Organisations' Emergency Succession Planning in the Face of the Covid-19 Outbreak. *The European Journal of Social & Behavioural Sciences*, 30(1), 3253-3268.

Beasley, S. F. & Ard, N. (2021). The future of nursing: Succession planning. *Teaching and Learning in Nursing*, 16(2), 105-109.

Carnall, C. (2018). Managing change. Routledge. change management. *The McKinsey Quarterly*, (2), 101-109.

Carroll, C. (2004). Succession planning: Developing leaders for the future



- of the organization. *In Leadership Abstracts*, 17(2), 1-2.
- Chavez, J. (2012). *The case for succession planning, strategic finance-careers*. February.
- Collings, D. G. & Mellahi, K. (2009). *Strategic talent management: A review and research agenda: Science Direct Group*, Human Resource Management Review journal, HUMRES-00326.
- Collings, D. G. & Mellahi, K. (2009). Strategic talent management: A review and research agenda. *Human Resource Management Review*, (19), 304-313.
- Collings, D. & Caligiuri, P. (2010). *Introduction global talent management*. Journal of world Business. 223-231.
- Creta, A. M. & Gross, A. H. (2020, May). *Components of an Effective Professional Development Strategy: The Professional Practice Model, Peer Feedback, Mentorship, Sponsorship, and Succession Planning*. In Seminars in oncology nursing (p. 151024). WB Saunders.
- Desarno, J.; Perez, M.; Rivas, R.; Sandate, I.; Reed, C. & Fonseca, I. (2020). *Succession Planning Within the Health Care Organization: Human Resources Management and Human Capital Management Considerations*. Nurse Leader.
- Desarno, J.; Perez, M.; Rivas, R.; Sandate, I.; Reed, C. & Fonseca, I. (2020). *Succession Planning Within the Health Care Organization: Human Resources Management and Human Capital Management Considerations*. Nurse Leader.
- Gay, M. & Sims, D. M. (2009). *Building tomorrow's talent: A practitioner's guide to talent management and succession planning*. Bloomington, Ind: AuthorHouse.
- Gigliotti, R. A. (2019). *Crisis leadership in higher education: Theory and practice*. Rutgers University Press.
- Gordon, P. A. & Overbey, J. A. (Eds.). (2018). *Succession planning: Promoting organizational sustainability*. Springer.
- Guttormsen, D. S. & Luring, J. (2018). *Fringe Voices in Cross-Cultural Management Research: Silenced and Neglected?*.
- Hagberg Consulting Group (2018). *Critical Ingredients in Development*. [Online], Available from <http://www.leadershipdevelopment.com/d-ingredients.html> [Accessed on July]
- Haruta, Miyoshi (2018). Vilas Gaddameedi, Heather Burch, Donna Fernandez, Michael R. Sussman, (2018), Comparison of the effects of a kinase-dead mutation of FERONIA on ovule fertilization and root growth of Arabidopsis, First published: 14 June 2018.
- Jackson, N. C. & Dunn-Jensen, L. M. (2021). Leadership succession planning for today's digital transformation economy: Key factors to build for competency and innovation. *Business Horizons*, 64(2), 273-284.
- Kianto, Aino; Saenz, Josune & Aramburu, Nekane (2017). Knowledge-based human resource management practices, Intellectual capital & innovation. *Journal of Business Research*, (81), 11-20.
- Lewis, R. & Heckman, R. (2006). Talent management: A critical

- review: Science Direct. *Human Resource Management Review*, (16), 139-154.
- Misra, Y. & Sharma, V. (2017). An exploratory study on business strategy, competency and firm performance. *SUMEDHA Journal of Management*, 6(2), 18-26.
- Nwokah, N. Gladson, A. & Augustine, I. (2008). Managerial Competencies and making effectiveness in corporate organization in Nigeria. *Journal of Management Development*, 27(8), 858-878.
- Payne, R. A.; Hovarter, R.; Howell, M.; Draws, C. & Gieryn, D. (2018). Succession planning in public health: addressing continuity, costs, and compliance. *Nurse Leader*, 16(4), 253-256.
- Payne, R. A.; Hovarter, R.; Howell, M.; Draws, C. & Gieryn, D. (2018). Succession planning in public health: addressing continuity, costs, and compliance. *Nurse Leader*, 16(4), 253-256.
- Ritchie, M. (2020). Succession planning for successful leadership: Why we need to talk about succession planning!. *Management in Education*, 34(1), 33-37.
- Saan, R.; Enu-Kwesi, F. & Nyewie, R. (2018). Factors influencing succession planning for continuity of family-owned businesses in the Wa Municipality. *Ghana. Universal Journal of Management*, 6(5), 165-177.
- Sanghi, S. (2016). *The handbook of competency mapping: understanding, designing and implementing competency models in organizations*. SAGE publications India.
- Schoonover, C. S. (2011). *Best practices in implementing succession planning*. Schoonover Associates, LLC.
- Sern, L. C.; Adamu, H. M. & Salleh, K. M. (2019). Development of Competency Framework for Nigerian TVET Teachers in Tertiary TVET Institutions. *Journal of Technical Education and Training*, 11(1), 1-19.
- Shum, C.; Gatling, A. & Shoemaker, S. (2018). A model of hospitality leadership competency for frontline and director-level managers: Which competencies matter more?. *International Journal of Hospitality Management*, (74), 57-66.
- Traicoff, D.; Pope, A.; Bloland, P.; Lal, D.; Bahl, J.; Stewart, S. & Sandhu, H. (2019). Developing standardized competencies to strengthen immunization systems and workforce. *Vaccine*, 37(11), 1428-1435.
- Tucker, C. A. (2020). Succession planning for academic nursing. *Journal of Professional Nursing*, 36(5), 334-342.
- Wesselink, R.; Blok, V.; Van Leur, S.; Lans, T. & Dentoni, D. (2016). Individual Competencies for Managers Engaged in Corporate Sustainable Management Practices. *Journal of Cleaner Production*, (106), 497-506.



## References

- Amato, N. (2013). Small businesses struggle to navigate provisions of the health care law. *Journal of Accountancy*, 215(1), 38.
- Azimi, H. & Baghban, M. (2022). Designing a Comprehensive Pattern of Succession for organizations. <https://civilica.com/doc/1476182> (In Persian)
- Bano, Y., Omar, S. S., & Ismail, F. (2021). Revitalising Organisations' Emergency Succession Planning in the Face of the Covid-19 Outbreak. *The European Journal of Social & Behavioural Sciences*, 30(1), 3253-3268.
- Beasley, S. F., & Ard, N. (2021). The future of nursing: Succession planning. *Teaching and Learning in Nursing*, 16(2), 105-109.
- Carnall, C. (2018). *Managing change. Routledge. change management*”, *The McKinsey Quarterly*, number2, pp.101-109.
- Carroll, C. (2004). Succession planning: Developing leaders for the future of the organization. In *Leadership Abstracts* (Vol. 17, No. 2, pp. 1-2).
- Chavez, J. (2012). The case for succession planning, strategic finance-careers, February 2012.
- Collings, D. G. & Mellahi, K. (2009). Strategic talent management: A review and research agenda: *Science Direct Group, Human Resource Management Review journal*, HUMRES-00326.
- Collings, D.G; Mellahi, K. (2009). Strategic talent management: A review and research agenda, *Human Resource Management Review*, 19:304-313.
- Collings. D. & Caligiuri. P. (2010). Introduction global talent management. *Journal of world Business*. pp.223-231.
- Creta, A. M., & Gross, A. H. (2020, May). Components of an Effective Professional Development Strategy: The Professional Practice Model, Peer Feedback, Mentorship, Sponsorship, and Succession Planning. In *Seminars in oncology nursing* (p. 151024). WB Saunders.
- Daniali Deh Hoz, M. Alameh, S, M & Safari, A. (2017). Designing a Pattern of Succession management with grounded theory approach, *Transformation Management Research Paper*, 10th year, no19, 105-140.. (In Persian)
- Desarno, J.; Perez, M.; Rivas, R.; Sandate, I.; Reed, C. & Fonseca, I. (2020). Succession Planning Within the Health Care Organization: Human Resources Management and Human Capital Management Considerations. *Nurse Leader*.
- Desarno, J.; Perez, M.; Rivas, R.; Sandate, I.; Reed, C. & Fonseca, I. (2020). Succession Planning Within the Health Care Organization: Human Resources Management and Human Capital Management Considerations. *Nurse Leader*.
- Droudi, H. & Shirmard, M. (2022). Identification Effective factors on the development of Behavior & Succession management with efficiency of human resources in Saveh (In Persian)
- Gay, M. & Sims, D. M. (2009). *Building tomorrow's talent: A practitioner's guide to talent management and succession planning*.

- Bloomington, Ind: AuthorHouse.
- Gigliotti, R. A. (2019). *Crisis leadership in higher education: Theory and practice*, Rutgers University Press.
- Gordon, P. A. & Overbey, J. A. (Eds.). (2018). *Succession planning: Promoting organizational sustainability*. Springer.
- Guttormsen, D. S. & Lauring, J. (2018). *Fringe Voices in Cross-Cultural Management Research: Silenced and Neglected?*.
- Hadizadeh Moghadam, A. & Soltani, F. (2018). Explaining the components of management implementation succession in the organization; Case study: Headquarters areas of National Iranian Oil Company and [10:37, 8/20/2023] +98 912 325 9502: Subsidiaries based in Tehran, *Quarterly Journal of Management and Human Resources in the Oil Industry*, third year. Number, 10.82-39. (In Persian)
- Hagberg Consulting Group (2018). *Critical Ingredients in Development*. [Online], Available from <http://www.leadershipdevelopment.com/d-ingredients.html> [Accessed on July]
- [https://www.civilica.com/Paper-BSLH03-BSLH03\\_045.html](https://www.civilica.com/Paper-BSLH03-BSLH03_045.html), community
- Jackson, N. C. & Dunn-Jensen, L. M. (2021). Leadership succession planning for today's digital transformation economy: Key factors to build for competency and innovation. *Business Horizons*, 64(2), 273-284.
- Khalvndi, F. & Abbaspour, A. (2012). Designing a management process optimization model. talent; A case study of Pars Oil and Gas Company. *Public management research*. sixth year The nineteenth number. 103-128. (In Persian)
- Kianto, Aino; Saenz, Josune; Aramburu, Nekane (2017). Knowledge-based human resource management practices, intellectual capital & innovation, *Journal of Business Research* (81), 11-20.
- Lewis, R. & Heckman, R. (2006) Talent management: A critical review: Science Direct, *Human Resource Management Review*, (16), 139-154.
- Misra, Y. & Sharma, V. (2017). An exploratory study on business strategy, competency and firm performance, *SUMEDHA Journal of Management*, 6(2), 18-26.
- Mostafapour, Z. (2017). Succession breeding based on merit selection is a step towards transformation. organization, the second international congress and the third conference on community empowerment in the field of science Humanities and Educational Studies, Tehran, Cultural and Social Skills Empowerment Center. (In Persian)
- Nwokah, N. Gladson, A. & Augustine, I. (2008). Managerial Competencies and making effectiveness in corporate organization in Nigeria, *Journal of Management Development*, 27(8), 858-878.
- Payne, R. A.; Hovarter, R.; Howell, M.; Draws, C. & Gieryn, D. (2018). Succession planning in public health: addressing continuity, costs, and compliance. *Nurse Leader*, 16(4), 253-256.



- Payne, R. A.; Hovarter, R.; Howell, M.; Draws, C. & Gieryn, D. (2018). Succession planning in public health: addressing continuity, costs, and compliance. *Nurse Leader*, 16(4), 253-256.
- Ritchie, M. (2020). Succession planning for successful leadership: Why we need to talk about succession planning!. *Management in Education*, 34(1), 33-37.
- Saan, R.; Enu-Kwesi, F. & Nyewie, R. (2018). Factors influencing succession planning for continuity of family-owned businesses in the Wa Municipality, Ghana. *Universal Journal of Management*, 6(5), 165-177.
- Saleh Zadeh, R. & Labbaf, H. (2012). Development A Model of strategic management for organizational performance Development . Second confrance of administrative management in Tehran. (In Persian)
- Samet, A.R.; Tabibi, S. J. & Navabakhsh, M. (2017). Identification Effective factors on the development of cultural management in Islamic Azad University", *Intercultural Studies Quarterly*, Period, 13(35), 105-133. (In Persian)
- Sanghi, S. (2016). *The handbook of competency mapping: understanding, designing and implementing competency models in organizations*, SAGE publications India.
- Sargholzaei, A. R. & Mie, M. A. (2021). Acceptance & Establishing the processes of future manager's upbringing for Succession management in public organizations. *Threeth National confrance of Human science & development*. <https://civilica.com/doc/1498560>. (In Persian)
- Schoonover, C. S. (2011). *Best practices in implementing succession planning*. Schoonover Associates, LLC.
- Sern, L. C.; Adamu, H. M. & Salleh, K. M. (2019). Development of Competency Framework for Nigerian TVET Teachers in Tertiary TVET Institutions, *Journal of Technical Education and Training*, 11(1), 1-19.
- Shum, C.; Gatling, A.; Shoemaker, S. (2018). A model of hospitality leadership competency for frontline and director-level managers: Which competencies matter more? *International Journal of Hospitality Management*, (74), 57-66.
- Tajeldini, L. & Hosseininejad, S. (2006). *Collection of articles of the first National Engineering Conference*. (In Persian)
- Tayyar, Sh. Nazari, E. & Bahrami, A. (2021). Designing a Pattern of Succession management In insurance industry in Iran.seventh confrance of insurance & risk management in Tehran. (In Persian)
- Totyan, S.; Mehrara, A. J. & kalantari, R. (2020). Investigating Effective Impedimenta factors on the development of Succession system, researches in human resourses. [https://www.civilica.com/Paper-JR\\_HRMJ-JR\\_HRMJ-11-1-006.html](https://www.civilica.com/Paper-JR_HRMJ-JR_HRMJ-11-1-006.html). (In Persian)
- Traicoff, D.; Pope, A.; Bloland, P.; Lal, D.; Bahl, J.; Stewart, S. & Sandhu, H. (2019). Developing standardized competencies to strengthen immunization systems and workforce, *Vaccine*, 37(11): 1428-1435.

- Tucker, C. A. (2020). Succession planning for academic nursing. *Journal of Professional Nursing*, 36(5), 334-342.
- Wesselink, R.; Blok, V.; Van Leur, S.; Lans, T. & Dentoni, D. (2016). Individual Competencies for Managers Engaged in Corporate Sustainable Management Practices. *Journal of Cleaner Production*, (106), 497-506.

## تحلیل و بررسی موانع و راهکارهای هجرت در آموزه‌های دینی

سیدمجتبی جلالی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).  
s.m.jalali@sku.ac.ir

0000-0002-3435-5817

سیدمهدی هاشمی

دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، قم، ایران.  
Mahdi1361110@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

### چکیده

از شاخصه‌های پرکاربرد در حوزه آموزه‌های اسلامی، مسئله هجرت است که در تفسیر آیات و حیانی مورد اشاره قرار گرفته شده است. انسان در سیر زندگانی خود با توجه به رویدادهای گوناگون و اهداف مختلف، اقدام به هجرت می‌کند که به معنای ارزشی خود، حرکت به سمت جامعه متعالی است. موضوع مقاله بررسی مقوله هجرت بر اساس آموزه‌های دینی است. هدف نگارش مقاله بررسی هجرت از منظر دینی و تبیین موانع و راهکارهای مربوط به آن است. سؤال پژوهش چگونگی رویکرد آموزه‌های دینی به مسئله هجرت است. روش مورد استفاده در مقاله به صورت کاربردی و توسعه‌ای با رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که موانع هجرت نظیر؛ ترس از مرگ، دل‌بستگی به دنیا (اطرفیان؛ مال و عیال)، راحت‌طلبی، فقدان هزینه زندگی، غربت، وسوسه‌های شیطانی، با استناد و اعمال راهکارهای دینی در حوزه‌هایی مرتبط با هریک نظیر: جلوگیری از مرگ‌هراسی، پرهیز از دل‌بستگی، دوری از راحت‌طلبی، کاهش نگرانی هزینه، مدیریت مسئله غربت و مقابله با وسوسه قابل رفع‌اند. ضمن آنکه هجرت با ابعاد متعددش همچون؛ فراگیری دانش، حفظ دین، هجرت از ظالمان، هجرت از گناه، هجرت به سوی خدا، منجر به ایجاد اولیه و بسط شکوفایی در هر جامعه بوده است.

کلیدواژه‌ها: هجرت، آموزه‌های دینی، موانع، راهکارها.

## مقدمه و بیان مسئله

در بین همه موجودهای زنده، به هنگام خطر در موجودیت، «هجرت» وجود دارد. نه تنها انسان‌ها، بلکه در میان جانداران دیگر نیز مهاجرت مطرح است. علاوه بر حیات مادی هنگامی که حیات معنوی، حیثیت و اهدافی مقدس به خطر افتاد، هجرت امری ضروری می‌نماید (ن.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۲۱). انسان‌ها در طول حیات خود با توجه به شرایط و اقتضاهای گوناگونی چون؛ ضعف‌ها، کمبودها، فراهم نبودن شرایط، نامساعد بودن محیط‌ها و... یا اهدافی نظیر: موفقیت، یافتن راه صحیح‌تر، خلاصی از بحران‌ها دست به هجرت می‌زنند. این حرکت از بدو تاریخ و از هجرت انسان‌ها به اماکن مختلف و سرزمین‌های متعدد وجود داشته و تا زمان حاضر نیز با اهداف مختلف اجتماعی، اقتصادی و... در حال جریان است. هجرت به معنای ارزشی خود به معنی گریز از وضعیت فعلی نیست، بلکه حرکت به سمت جامعه‌ای تعالی یافته و دارای پیوند با شکوفایی اسلامی است. این مسئله در آغاز بعثت به عنوان مبدأ تاریخ اسلام (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۲) و به دستور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز انجام گرفت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۱۴۴). اولین هجرت مسلمانان، مهاجرت عده‌ای از پیروان رسول اکرم از مکه به حبشه است که در اثر آزار و شکنجه قریش و به دستور پیامبر در سال پنجم بعثت رخ داد. شمار مهاجرین به قول طبری، ۷۲ تن و بنا به اخبار دیگر ۱۲۰ تن بود (ن.ک: طبری، ۱۳۷۵). هجرت مبدأ تاریخ مسلمانان و زیربنای حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی آنان است. هر ملت دارای مبدأ تاریخی است؛ مثلاً، مسیحیان مبدأ تاریخ خود را میلاد حضرت مسیح (علیه‌السلام) قرار داده‌اند و در اسلام با آنکه که حوادث مهمی چون؛ ولادت پیامبر اسلام، بعثت، فتح مکه و رحلت ایشان، بوده، زمان هجرت پیامبر اکرم به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب شد و مسلمانان تمام حوادث را با سال هجری تعیین می‌کردند. از دیدگاه طبری و یعقوبی در زمان خلیفه دوم با توسعه اسلام، تعیین مبدأ تاریخی، پس از گفتگوی فراوان، با نظر امام علی (علیه‌السلام) دائر بر انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ موافقت شد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص. ۳ و ۵۱۶؛ یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۲۹). شرایط به‌سامان یا نابسامان حیات دنیوی انسان‌ها گاهی موجب یکنواختی یا رکود و عدم حرکت پویا در زندگی می‌شود که



گاهی زمینه‌سازی چالش یا انحراف از مسیر صحیح را به‌دنبال خود دارد؛ لذا این رکود، توقف و عدم حرکت نیازمند یک محرک و تازه‌سازی است، همچنین وجود و یا ایجاد زمینه فکری در حوزه معرفت‌شناسی افراد و ایجاد راهکار روشنگر در زمینه چالش بن‌بست‌های فکری در زندگی و یا در زمینه فواید و مخاطره‌های اجتماعی و تعامل‌های افراد با یکدیگر در زمان یا مکان‌های متفاوت، همگی ضرورت انتخاب موضوع حاضر را اقتضاء دارد، در واقع بر اساس حکم آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء / آیه ۹۷). انسان در طول زندگی‌اش و در برابر خویش مسیر منسد شده‌ای ندارد و چنانچه در موقعیت و فضایی قرار گیرد که آن فضا مانع از عملی‌سازی مسیر حق و صحیح و سلوک و گام نهادن در آن شود، ملزم و مأمور به خروج از آن وضعیت و ورود به مرحله‌ای تازه و جدید است که از آن با کلیدواژه «هجرت» یاد می‌کنیم که در عین ملامت و سختی‌ها، دارای آثار و فواید بسیار و مورد تأکید در آموزه‌های دینی است. بر این مبنا مسئله هجرت از با ارزش‌ترین آموزه‌ها و مفاهیم عقلانی و دینی است که از بدو تاریخ نه‌تنها در انسان بلکه در سایر موجودها همچون حیوان‌ها و پرندگان نیز وجود داشته است. با توجه به اهمیت این موضوع و پیوند آن با شکوفایی اسلامی، مسئله پژوهش حاضر هجرت از منظر دینی و تبیین موانع و پیشنهاد راهکارهای مرتبط با آن است.

### ۱. هدف و سؤال‌های پژوهش

از اهداف پژوهش می‌توان به تبیین نقش پررنگ هجرت در آموزه‌های دینی و تأثیر مهم آن در رویدادهای مختلف دینی، اجتماعی... و بیان موانع و راهکارهای مطرح شده قرآنی آن اشاره کرد. نوآوری‌های پژوهش تبیین شاخصه‌های آموزه دینی هجرت در قرآن و بهره‌گیری از همان آموزه‌ها در جهت رفع موانع آن است.

سؤال اصلی پژوهش چگونگی رویکرد آموزه‌های دینی به مسئله هجرت است که به تبع آن سؤال‌هایی چون؛ موانع هجرت و راهکارهای مرتبط با آن بررسی خواهد شد. از مفروض‌های پژوهش می‌توان به: الف) کارآمدی هجرت در پیشرفت و توسعه ساختار اجتماعی، فرهنگی و... جوامع و ب) تأکید آموزه‌های دینی بر مسئله هجرت به‌عنوان یک رکن مهم اشاره کرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش کتاب‌ها و مقاله‌هایی به رشته تحریر درآمده که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛

کتاب الهجره فی القرآن الکریم	به قلم احزمی سامعون	از معدود کتاب‌هایی که در رابطه با هجرت به صورت مستقل بحث کرده است.
کتاب الهجره فی القرآن	از محمد الدسوقی	که به موضوع هجرت پیامبر و مراحل دعوت پیامبر قبل از هجرت و اسباب هجرت آن حضرت پرداخته است.
کتاب هجرت و جهاد	از شهید مرتضی مطهری	در تبیین میزان اهمیت هجرت و جهاد در دین اسلام با رویکرد بر ارزش هجرت و جهاد و تأثیر آنها در تکمیل و تربیت روح انسان از جهت اخلاقی و اجتماعی است.
کتاب هجره الرسول و صحابته فی القرآن و السنه	النجولی	گزارشی از هجرت رسول اکرم و صحابه ایشان از شهر مکه به مدینه.
مقاله هجرت در قرآن و منظرهای مختلف	نوشته فاطمه کسایی، ۱۳۸۳	با رویکردی بر نقش هجرت بر کمال انسان و جایگاه هجرت و کلمات مساوق و مرادف آن در در علوم مختلف و اهمیت آن.
مقاله فرهنگ و میراث فرهنگی: هجرت و عبرت	نوشته محمد صادق واحدی، ۱۳۷۹	با رویکردی بر تبیین توقف هجرت درونی بر هجرت برونی.
مقاله هجرت	نوشته سید حسن دبیر حاج سید جوادی، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ۱۳۵۸	با رویکردی اخلاقی بر مسئله هجرت.
مقاله هجرت	نوشته مریم خداپرست، رشد معلم، ۱۳۷۰	با رویکردی تربیتی اخلاقی به مسئله هجرت.
مقاله هجرت	نوشته حکیم سعید، پیام یونسکو، ۱۳۶۰	رویکردی تاریخی تربیتی به مسئله هجرت.

به‌رغم شیوایی و ارزشمندی کتاب‌ها و مقاله‌های گذشته، پژوهش حاضر اما بر آن است که در عین احصاء آموزه‌های دینی پیرامون هجرت، به تبیین راهکار رفع موانع آن بپردازد که از برجستگی‌هایی این مقاله محسوب می‌شود.



### ۳. ملاحظه‌های نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

هجرت در لغت مشتق از «هَجَرَ» و به معنی قطع و جدایی در برابر وصل است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۳۴). «هَجَرَ» (به ضم) به معنی کلام بی معنا (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص. ۴۶۸) و هذیان (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۳۷۳) است؛ لذا حدیث «مَنْ أَكْثَرَ هُجْرًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۷۹) از همین معناست، یعنی هر کس زیاد سخن گوید گرفتار هذیان گویی می‌شود. براین اساس مهاجرت در اصل به معنای ترک و بریدن از غیر است؛ چه فیزیکی؛ «واهِجْرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء / آیه ۳۴)، یا به زبان یا قلب؛ «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان / آیه ۳۰). گاهی بریدن از غیر، با هر سه (قلب، زبان و بدن) است؛ «واهِجْرَهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل / آیه ۱۰) که هجرت شامل هر سه می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴).

با توجه به معنانشناسی، هجرت در لغت ضد وصل (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۶، ص. ۲۴۴) و به معنی مفارقت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص. ۴۱۱)، متارکت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴) از شهر به شهری دیگر (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۶۳). اما اصطلاح هجرت خروج از سرزمینی به سرزمین دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۲۵۱) نظیر هجرت از سرزمین کفر به اسلامی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴). برخی لغت‌شناسان در هجرت قصد قربت را ملاک دانسته‌اند و کسی را مهاجر می‌دانند که برای خدا و خالصانه از کاشانه و خانه خود خارج شود (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۲۸۳). براین اساس هجرت به معنای مفارقت و متارکت از سرزمینی به سرزمین دیگر است که گاه قصد قربت نیز در معنای آن مندرج است.

#### ۳-۲. مبانی یا چهارچوب نظری

هجرت به عنوان دستوری سازنده در آموزه‌های دینی از نقش پررنگ و مهمی برخوردار است. منظور از آموزه‌های دینی در پژوهش حاضر تلفیقی از آیه‌ها، روایت‌ها و نظریه‌های اندیشمندان اسلامی است که می‌تواند در رسیدن به پاسخ به سؤال‌های پژوهش نقشی راهبردی ایفا کند.

در بیش از ۱۴ آیه قرآن (آل عمران / آیه ۱۹۵؛ انفال / آیات ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ توبه /

آیه ۲۰؛ نحل / آیات ۴۱، ۱۱۰ و... به بیان‌های مختلف مطرح شده است. گاه با زبان ملامت؛ «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا: مگر سرزمین خدا گسترده نبود، چرا دست به هجرت نزدیدی؟ (نساء / آیه ۹۷). گاهی پاداش عظیم آن را گوشزد می‌کند؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ: آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند، درجه بزرگ‌تری نزد خدا دارند و آنها رستگارانند (توبه / آیه ۲۰).

قرآن بهانه‌جویی در خصوص عدم هجرت را نپذیرفته و گستره وسیع جهان را جهت هجرت به‌عنوان امری مهیا بر هجرت معرفی کرده است؛ «إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء / آیه ۹۷). با توجه به سیاق منظور ظلم به خویشان است که بر اثر بی‌توجهی به دین خدا و شعائر الهی به‌واسطه زندگی در سرزمین شرک و کفر به‌وجود می‌آید؛ لذا استصغاف مطلق نبوده بلکه استصغافی توأم با سهل‌انگاری از هجرت به سرزمین ایمان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۷۶).

در آیه ۱۰۰ سوره «نساء» خدای متعال به آثار و برکات هجرت در زندگی این جهان اشاره دارد؛ «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً؛ کسانی که در راه خدا و برای خدا مهاجرت کنند، در این جهان پهناور خدا، نقاط امن فراوان و وسیع پیدا می‌کنند که می‌توانند حق را در آنجا اجراء کنند و بینی مخالفان را به خاک بمالند. در ادامه به جنبه معنوی و اخروی مهاجرت اشاره داشته، می‌فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ کسی که از خانه و وطن خود به قصد مهاجرت به‌سوی خدا و پیامبر خارج شود و پیش از رسیدن به هجرت‌گاه، مرگ او را فرا گیرد، اجر و پاداش وی بر خدا است، و خداوند گناهان او را می‌بخشد».

براین‌اساس مهاجران در هر صورت به پیروزی بزرگی نائل می‌گردند، چه بتوانند خود را به مقصد برسانند و از آزادی و حریت در انجام وظایف بهره گیرند و چه نتوانند و جان خود را در این راه از دست بدهند، و با اینکه تمام پاداش‌های نیکوکاران بر خدا



است، ولی در اینجا به خصوص به این موضوع تصریح شده؛ «فَقَدْ وَقَعَ أُجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»؛ پاداش او بر خدا لازم شده است و این نهایت عظمت و اهمیت پاداش مهاجران را روشن می‌سازد.

طبق آیات قرآن، اسلام به‌صراحت دستور می‌دهد اگر به‌خاطر عواملی در محیطی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید، به محیط و منطقه امن دیگری «هجرت» کنید. علت این دستور روشن است؛ زیرا اسلام جنبه منطقه‌ای ندارد، و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست. به‌این‌ترتیب، از دیدگاه اسلام علاقه‌های افراطی به محیط تولد، زادگاه و دیگر علائق مختلف نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد؛ لذا ملاحظه می‌شود که در صدر اسلام، همه علاقه‌ها به دلیل حفظ و پیشرفت اسلام بریده شد (ن‌ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۲۱).

اساساً قرآن، هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می‌داند و در سوره «نحل» آیه ۴۱ نیز بیان دیگر این حقیقت ذکر شده: «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَنُّوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» و آنها که مورد ستم واقع شدند و به‌دنبال آن در راه خدا مهاجرت اختیار کردند جایگاه پاکیزه‌ای در دنیا خواهند داشت.

این نکته نیز لازم به ذکر است، که هجرت از نظر اسلام، تنها هجرت مکانی و خارجی نیست، بلکه باید پیش از این هجرت، هجرتی از درون آغاز شود، و آن «هجرت» و «دوری» از اموری است که منافات با اصالت و افتخارات انسانی دارد، تا در سایه آن، برای هجرت خارجی و مکانی آماده شود و این هجرت لازم است، تا اگر نیازی به هجرت مکانی نداشت، در پرتو این هجرت درونی در صف مهاجران راه خدا در آید.

اصولاً روح هجرت، همان فرار از «ظلمت» به «نور»، از کفر به ایمان، از گناه و نافرمانی به اطاعت فرمان خدا است، لذا در احادیث می‌خوانیم: مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده، اما در درون و روح خود هجرتی نداشته‌اند، در صف مهاجران نیستند و به عکس آنها که نیازی به هجرت مکانی نداشته‌اند، اما دست به هجرت در درون وجود خود زده اند، در زمره مهاجرانند. پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْبَرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَ كَانَ رَفِيقَ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛ کسی که برای حفظ آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر (حتی به اندازه یک وجب) مهاجرت کند استحقاق بهشت می‌یابد و یار و همنشین محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ابراهیم (علیه‌السلام) خواهد بود»؛ زیرا این دو پیامبر بزرگ پیشوای مهاجران جهان بودند (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۵۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص. ۳۱؛

فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۴۹۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص. ۳۴۷. همچنان که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَنَّهَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يَأْتُوا بِهَا؛ مهاجران واقعی آنها هستند که از گناهان هجرت می‌کنند، و مرتکب آن نمی‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص. ۴۸۸).

#### ۴. روش پژوهش

روش پژوهش به صورت کاربردی و توسعه‌ای با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. در نوشتار حاضر با هدف بیان اهمیت موضوع و میزان کاربردی بودن آن در سطوح مختلف جوامع و همچنین تبیین الگو در جهت توسعه‌یافتگی مبحث هجرت و تعامل آن با الگوی پیشرفت، پس از توصیف و تبیین مفهوم‌شناسی هجرت، به تبیین موانع هجرت از نگاه آموزه‌های دینی و بیان راهکارهای برون‌رفت از آن پرداخته شده و در تحلیل آن به میزان و نقش ارتباطش با مباحث پیشرفت و شکوفایی اشاره خواهد شد.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱. موانع هجرت

سؤال فرعی اول پژوهش در خصوص موانع هجرت است که عمدتاً به صورت یک امر شناختی و کلی و برای افراد مشتاق یا عازم بر هجرت به‌عنوان مصداقی از یک چالش بزرگ به‌شمار می‌آید. در تبیین و بررسی این مسئله باید گفت که هجرت به‌عنوان یکی از دستوره‌های سازنده و مترقی دین اسلام از نگاه قرآن کریم دارای موانعی است که ضمن احصاء آنها از آیات قرآن به تبیین راهکار آنها پرداخته خواهد شد.

##### ۵-۱-۱. ترس از مرگ

از موانع هجرت ترس از مرگ است. عواملی متعدد، همچون عدم شناخت حقیقت مرگ در این امر دخیل‌اند. قرآن با بیان ماهیت مرگ، انسان را با این حقیقت آشنا می‌سازد. امام حسین (علیه‌السلام) در معرفی مرگ به اصحاب خویش فرمودند: مرگ همانند پلی است که انسان را از دنیا به آخرت عبور می‌دهد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۲). عده‌ای از مسلمانان در برابر دستور هجرت خدای تعالی؛ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (عنکبوت / آیه ۵۶) تمکین نکرده و ترس از مرگ را مانع هجرت خود از بلاد شرک قرار دادند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۳).



البته ترس از مرگ عوامل دیگری همچون آبادانی دنیا و خرابی آخرت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۴۵۸) اما آنان که آخرت را آباد کردند نه تنها هراسی از مرگ ندارند، بلکه شیفته آن هستند، چنان که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سوگند یاد کردند که انس ایشان به مرگ از انس طفل به سینه مادرش بیشتر است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۵) و با این باور بود که شب هجرت رسول خدا بی‌واهمه از مرگ در بستر پیامبر خوابیدند و در فضیلتشان آیه نازل می‌شود؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / آیه ۲۰۷) (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۴۶). همچون امامیه برخی از اهل سنت معتقدند که آیه در فضیلت امام علی (علیه‌السلام) است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۴۹۲).

## ۵-۲. دل بستگی به دنیا

هجرت همانند هر پدیده دیگری با مشکلات و معضلاتی مواجه است که شناختن و بیان آنها کمک شایانی به این پویای الهی دارد؛ از موانع بزرگ این مسیر دل بستگی به دنیا است که نه تنها در هجرت بلکه در امور دیگری همچون: جهاد، انفاق و... رخ‌نمایی می‌کند. واله دنیا بودن از موانعی بوده که انسان مهاجر را متوقف ساخته و از عملی شدن دستور خدا و رسولش ممانعت می‌کند.

دنیا در آموزه‌های دینی به دو قسمت ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود؛

الف. دنیای ممدوح بهره بردن از نعمت‌ها و دنیا را سپر تعالی و رشد در قیامت قرار دادن است.

ب. دنیای مذموم، خیال‌ها و اوهام، افتخار به ثروت، برتری‌طلبی‌ها، مقام، لقب که همچون سراب، واقعیتی نداشته و انسان را از یاد خدا غافل می‌کند. دنیای مذموم در فرهنگ و حیانی، امری غیر از زمین و آسمان و... است؛ زیرا آنها از آیات الهی و امور حقیقی‌اند که قرآن (ذاریات / آیات ۲۱-۲۰؛ جاثیه / آیات ۴-۳) از آنها به بزرگی یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: دنیا برای کسی که آن را راستگو انگاشت خانه صدق است و برای کسی که آن را شناخت و باور داشت خانه تندرستی است و برای کسی که از آن توشه اندوخت خانه بی‌نیازی است؛ و برای آنکه از آن پند آموخت و خانه پند است (شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص. ۴۳۹)؛ لذا امری که انسان را از مسئله‌ای نظیر هجرت باز داشته، دل بستن به دنیا است؛ لذا فرمودند: بزرگ‌ترین اشتباه انتخاب

محبت دنیا است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص. ۴۰).

در آموزه‌های اسلامی، تمایل به دنیا منبع همه بدی‌ها معرفی شده است. چنانچه حضرت علی (علیه‌السلام) در کلام خود محبت دنیا را برحذر داشته‌اند؛ «إِطَاكَ وَحِبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلُّ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مَعْدَنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛ از دوستی دنیا پرهیز کن که معدن بلاها و اساس گناهان است (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۱۴۲). قرآن با تقسیم زندگی به پنج مرحله؛ خردسالی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهنسالی (حدید / آیه ۲۰) بر این حقیقت اشاره داشته که انسان در سن پیری به فکر دنیاطلبی و تکاثر می‌افتند که خود هشداری مبنی بر پرهیز از زمینه‌های دنیاطلبی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۴۷). البته منطق قرآنی در مزمت دنیا متوجه جهان خلقت نیست، بلکه تعلق خاطر داشتن به دنیا مورد نکوهش است.

### مصادق‌های دل‌بستن به دنیا

قرآن در معرفی دنیاطلبی گاه با بیان مصادیق دنیاطلبی و گاهی با بیان تمثیل، مانند قارون به‌عنوان فردی دنیاطلب که درنهایت با اموالش در زمین فرو رفت (عنکبوت / آیه ۳۹) بشر را متوجه این مسئله و پیامد آن می‌کند؛

**الف. دل‌بستگی به نزدیکان:** علاقه به زن، فرزند و اطرافیان امری پسندیده و متداول است، طوری‌که خلق زوج برای انسان از نشانه‌های خداوند در قرآن و از شاخصه‌های ممتاز بین همسران مودت و رحمت یاد شده است: «وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ و در میان شما دوستی و رحمت قرار داد» (روم / آیه ۲۱)؛ بنابراین محبت به همسر امری ستوده و نشانه‌ای الهی است، منتها امر مورد نکوهش مقدم داشتن محبت زن، فرزند و بستگان بر محبت به خدا و پیامبر است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: زبیر از ما بود تا آنکه پسر نامبارک او عبدالله رشد کرد (شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص. ۴۵۴). زبیر با امام علی (علیه‌السلام) بیعت کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۱۱) و چیزی که سبب جدایی‌اش از اهل‌بیت شد وجود فرزندش عبدالله بود.

از مصادیق مهم دنیاطلبی و مانع هجرت، علاقه افراطی به اموال، همسران و فرزندان است؛ «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ آبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ آزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران، خاندان‌تان و اموالی که کسب کرده و معامله‌ای که



از کسادی‌اش هراسناکید و منزلی که بدان دلخوشید، نزدتان از خدا، رسول و جهاد راهش محبوب‌تر باشد، پس منتظر بوده تا خداوند فرمانش را بیاورد و او نافرمانان را راهنمایی نمی‌کند» (توبه / آیه ۲۴).

در شأن نزول آیه می‌خوانیم؛ برخی مسلمانان پس از دستور پیامبر مبنی بر هجرت از مکه به مدینه، گفتند ما مأمور به هجرتیم و از رسول خدا اطاعت می‌کنیم، عده‌ای گفتند ما به واسطه علاقه به زن و فرزندانمان هجرت نمی‌کنیم (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص. ۴۵) که مورد خطاب قرار می‌گیرند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۹۶)؛ لذا آیه گویای این مطلب است که اعتماد به دنیا باعث از دست دادن دین و دنیا و اطاعت از خدا موجب بهره‌مندی از دنیا و آخرت خواهد شد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۸) و در واقع مفاد آیه ترغیب به هجرت (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص. ۳۹۱) و بیان مصادیقی از دل‌بستگی‌های مانع هجرت همچون بستگان سببی و نسبی، اموال، تجارت‌ها، منازل و... است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۸).

**ب: دل بستگی به مال و عیال:** منشأ بسیاری از گناهان و لغزش‌هایی همچون؛ عدم انفاق، احتکار، فرار از جنگ، کم‌فروشی، ترک جهاد و هجرت و ...، علاقه مفرط به مال و فرزند است.

قرآن مال را وسیله امتحان معرفی می‌کند: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال / آیه ۲۸). «فتنه» در این موارد به معنی وسیله آزمایش است. درواقع پراهمیت‌ترین وسیله سنجش کفر و ایمان، داشتن شخصیت و میزان ارزش انسان، دو موضوع؛ فرزند و مال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص. ۱۳۸). قرآن با گفتمان‌های متعدد به فتنه بودن فرزند و مال و احتمال انحراف توسط آن‌ها نظیر: امکان شراکت شیطان در فرزند و مال انسان، زیاده‌خواهی، بازدارندگی مال و فرزند از ذکر خداوند و نجات‌بخش نبودن اموال و اولاد در آخرت، هشدار داده است.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: از خداوند دوری از فتنه و آزمایش را نخواهد، زیرا همه بدون استثنا دچار آن می‌شوند، بلکه باید دوری از لغزش در آزمایش‌ها از خدا درخواست شود (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۳). در تاریخ افراد زیادی با مال آزموده شده و نتوانسته‌اند از امتحان الهی سربلند بیرون آیند. افرادی همچون ثعلبه انصاری که آیاتی ماجرای بخل و علاقه افراطی او به اموال را مطرح می‌کند (ن.ک: توبه / آیه ۵۸).

با صدور فرمان هجرت، برخی به دلیل دل‌بستگی به اموال و حفظ مایملک خود در برابر این امر الهی اطاعت نکردند. لذا آیه «وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ

مَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا؛ و اموالی که به دست آورده‌اید و معامله‌ای که از کسادی‌اش هراسناکید و منازلی که بدان دلخوشید» (توبه / آیه ۲۴). بیانگر این نکته است که در هنگام وجود تعارض میان مصلحت دینی با امور دنیوی، بر مسلمانان لازم است تا دین خود را بر دنیا مقدم دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۷).

امام علی (علیه‌السلام) به اصحابشان فرمودند: زمانی که مشکلی برایتان رخ داد که می‌توان آن را با مال دفع کرد، اموال خود را فدای جان کنید و هنگامی که مشکلی برایتان پیش آمد که موجب تباهی دین شما می‌شد جان را فدای دین کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۲۱۶). که اشاره به ترجیح طلب دین بر دنیا دارد؛ زیرا سودمندی مال در دنیا و منفعت دین در آخرت است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص. ۱۰۸).

بنابراین اقتضای نزول آیه مانعیت محبت به موارد فوق در هجرت مسلمین است (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۹۶) که در انتهای آیه، به دل‌باختگان دنیا هشدار داده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص. ۵۷)؛ «فَتَرَبَّصُّوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / آیه ۲۴). تربص به معنای انتظار کشیدن است، مثل انتظار برای گرانی یا فراوانی متاع یا حصول و زوال امری که محل انتظار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۳)؛ لذا معنا آن است که منتظر عواقب برگزیدن محبت خاندان و اموال نسبت به محبت خداوند و رسولش باشید (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص. ۵۷). که سبب عقوبت الهی یا آسیبی به اسلام و خروج آنها از زی عبودیت و فسق است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۲۰۸). همان‌طور که در آیات دیگری بدان هشدار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای ایمان‌آوردگان! درحقیقت برخی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس نسبت بدان‌ها بیمناک باشید؛ و اگر ببخشید و گذر کنید و ببامرزید، پس همانا خداوند بسیار بخشنده مهربان است» (تغابن / آیه ۱۴).

### ۳-۱-۵. راحت‌طلبی

مشکلات به‌وجود آمده برای بشر محصول عمل خود اوست؛ مثلاً فقر مولود ناتوانی، راحت‌طلبی، کسالت و تنبلی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۸۶). انسان گرایش به راحت‌طلبی دارد و تلاش دارد تا با آسایش و بدون زحمت خواسته‌هایش را برآورده کند، حال آنکه خدای تعالی می‌فرماید؛ «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و برای انسان



امری به جز کوشش وی نیست» (نجم / آیه ۳۹)؛ لذا انسان با تلاش و پشتکار خود به کمالات مادی و معنوی می‌رسد.

هجرت حرکتی مانا و پویا است و هر حرکت فعال با تعب و رنج همراه است و شخص مهاجرت‌کننده با قبول رنج‌ها، این حرکت الهی را عملی می‌سازد؛ «لَفَدْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ که یقیناً انسان را در مشقت و رنج آفریدیم (بلد / آیه ۴). «كَبَدٌ» از نظر لغوی به معنی تحمل مشقت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص. ۱۱۵) و آیه پاسخ قسم است. از نظر علامه طباطبایی متضمن بودن خلقت انسان، بر نامایمات و رنج در شئون حیات انسان، امریست که بر انسان خردمند پنهان نیست و انسان در مسیر کسب هر نعمت، مضاف بر حادثه‌های روزگار، قرین سختی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص. ۲۹۱).

راحت‌طلبی و تن‌پروری از مشکلات عمده یک جامعه است که در متون دینی به شدت نکوهش شده است؛ امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در کلامی یکی از علل عدم تبری یارانش را، پیشه گرفتن در هجرت معرفی کرده که مانعی نتوانست او را از این حرکت مقدس بازدارد؛ «سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْهَجْرَةِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۶). احتجاج حضرت در این خطبه بر اصحاب با هجرت، بیانگر جایگاه رفیع هجرت است. از نمونه‌های قرآنی راحت‌طلبی مانع هجرت، ماجرای جنگ تبوک است که عده‌ای از مسلمانان از دستور رسول خدا تخلف کرده و در جنگ حاضر نشدند و خداوند عامل تخلف آنان و عدم حضورشان در جنگ را راحت‌طلبی معرفی می‌کند: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ جا ماندگان، به دلیل مخالفت با فرستاده خداوند (در جنگ تبوک)، به خانه نشینی خود خشنود شدند و از جهاد با مال و جان خود، در راه خداوند، ناخشنود بودند و گفتند: در این حرارت، بسیج نشوید. به آنان بگو: آتش جهنم گرم‌تر است. اگر آنان عمیقاً می‌فهمیدند» (توبه / آیه ۸۱).

در مورد «مُخَلَّفُونَ» یک احتمال آنکه، عده‌ای برای عدم حضور در جهاد از پیامبر اذن گرفتند و پیامبر که از فساد آنان در جنگ آگاه بود، موافقت کردند؛ لذا این افراد مخلفین بودند نه متخلفین (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۱۳)، همچنین کسانی بودند که راحت‌طلبی و نفاقشان، آنان را از حضور در جنگ بازداشت (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۲۹۶) در دو فرض مذکور، علت ترک جهاد راحت‌طلبی ایشان بود (ابن عجینه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۴۱۱). نیز مراد از «مقعد» کنایه از هجرت نکردن به

جهاد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۳۵۸)، «خِلاف» مفعول له و تبیین‌کننده علت فرح است؛ یعنی دلیل خرسندی منافقین، مخالفت کردن با پیامبر در ترک مجاهدت با مال و جان به دلیل راحت‌طلبی است (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۴۷۵) که گرمی هوا را توجیهی برای خویش قرار دادند؛ لذا خدای تعالی می‌فرماید: «قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه / آیه ۸۱). لذا می‌توان از تن‌پروری، کسالت و راحت‌طلبی را از موانع هجرت برشمرد که باعث می‌شود انسان در شرایطی مثل جهاد، رسول خدا را تنها گذارده و با توجیهاتی فرار از ادای تکلیف را توجیه کند.

### ۵-۴. فقدان هزینه زندگی

از موانع هجرت سختی‌هایی از قبیل فقدان هزینه‌های معیشتی، خوف گرفتاری به فقر، غربت و ترک وطن است. طبیعی است که رها کردن وطن و رهسپار هجرت شدن، بدون آگاهی از پناهگاه از دشواری‌های هجرت است. قرآن پس از بیان موضع‌گیری‌های مشرکان در برابر مسلمانان، وظیفه مسلمانان را در هجرت تعریف کرده است (عنکبوت / آیه ۵۶) و به بیان نمونه‌ای از موانع هجرت و پاسخ آن می‌پردازد.

از نیازهای اولیه انسان برخوردار بودن از معیشت سالم و تأمین خوراک، پوشاک و مسکن و نیز بی‌نیازی از دیگران است. با توجه به آنکه نیازمندی‌های مهاجر و نوع تأمین او در مسیر هجرت شفاف نیست، افراد تن به سختی‌های محتمل نداده و هجرت نمی‌کنند؛ لذا برخی مؤمنان پس مأموریت به هجرت (مکه به مدینه) نسبت به منطقه‌ای مورد هجرت که زاد و راحله‌ای برای معیشت و کاشانه‌ای برای سکونت نداشته، اظهار ابهام داشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص. ۴۵۵) که خداوند در پاسخ می‌فرماید: «وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و چه بسیار موجوداتی که روزی خود را حمل نکرده جز آنکه خداوند آنان و شما را روزی داده و او شنوای دانا است» (عنکبوت / آیه ۶۰).

با توجه به شأن نزول عمده‌ترین علت استنکاف مسلمانان از هجرت مسئله معیشت آنان بوده است. آسیب‌شناسی این مطلب را می‌توان در ایمان‌نظری (زبان) بر رازقیت الهی، و کفر عملی (توکل بر مخلوق و نه خالق) جستجو کرد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۳) طوری که به دلیل ترس فقر از انفاق امتناع کرده و به مرحله شح و بخل



می‌رسند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص. ۴۸۱) چنان‌که این ترس حتی به کشتن فرزند در جهالت منجر می‌شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص. ۱۵۱)؛ لذا ترس از فقر و نداشتن هزینه‌های جاری زندگی از مشقت‌هایی است که شخص مهاجر آنان به جان می‌خرد که البته این امر بر همگان آسان نبوده و با ایمان و اعتقاد به خدای تعالی این مسیر دشوار هموار می‌شود.

### ۵-۱-۵. غربت

از خصلت‌های ارزشمند علاقه‌مندی به وطن است (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۹۴) به‌گونه‌ای که آبادانی شهرها درگرو حب وطن ذکر شده است (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ق، ص. ۲۰۷) خروج از زادگاه و پذیرش غربت از موانع هجرت است، طوری که قرآن آن را از تکالیف طاقت‌فرسا معرفی می‌کند: «وَلَوْ أَنَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِه لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَنبِيْئًا» و اگر بر ایشان مقرر کرده که خود را کشته یا از خانه‌هایتان خارج شوید، بجز اندکی به آن عمل نمی‌کردند و اگر آنچه را که پند داده شده بودند به‌کار می‌یستند، قطعاً برایشان با ثبات‌تر و بهتر بود» (نساء / آیه ۶۶).

وطن به‌خودی‌خود محبوبیتی ندارد بلکه رها کردن کاشانه‌ای که سال‌ها برای آبادانی آن زحمت کشیده، دشوار است. هجرت پیامبر اکرم مصداق این مطلب است که محبت وطن مانعی سخت است که می‌توان بر آن فایق آمد (ن.ک: شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص. ۲۷۱۴). چنان‌که در مسیر هجرت در جحفه جبریل امین آیاتی را بر حضرت عرضه داشتند: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ؛ قطعاً کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به‌سوی بازگشت‌گاه (مکه) بازمی‌گرداند» (قصص / آیه ۷۵) (ن.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص. ۱۸۷). براین‌اساس حبت به زادگاه و وطن از موانعی است که فرد مهاجر با آن مواجه می‌شود؛ بنابراین عده‌ای به جهت عدم بردباری در سختی هجرت، اقدام به هجرت نمی‌کنند، درحالی‌که عده‌ای دیگر به آسانی از وطن خود دل بریده و اقدام به هجرت می‌کنند.

### ۵-۱-۶. وسوسه‌های شیطان

شیطان به‌عنوان دشمن قسم خورده انسان (اعراف / آیه ۱۶) تلاشش را برای اغوای انسان‌ها به‌کار می‌گیرد و از مسیرهای متعدد درصدد گمراهی انسان است (اعراف / آیه

۱۷) که از جمله آنها ممانعت از هجرت است که از راه‌های متعدد چون وعده دادن به افراد، ایجاد دودلی و دلهره با طرح سؤال‌های گوناگون جهت گمراهی انسان‌ها وارد می‌شود؛ سؤال‌هایی چون آینده خانه و کاشانه، وضعیت همسر و فرزند پس از هجرت. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام فرمودند: شیطان سه موقع در مسیر راه انسان به کمین می‌نشیند:

الف. موقع اختیار دین اسلام، با وسوسه دین آباء و اجدادی.

ب. با وسوسه وطن، مسکن و همسر.

ج. وسوسه تلف مال، کشته شدن در جهاد، بیوه شدن همسر، تقسیم دارایی‌ها و ثروت. سپس در پایان فرمودند هر کس (به این وسوسه‌ها اعتنا نکرده) و هجرت کند و بمیرد، بر خدا ثابت است که او را در بهشت داخل کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص. ۴۲). ذکر این موارد از جهت تمثیل و به دلیل اهمیت آنها است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۳۵). در واقع محور حدیث، هجرت است، به این علت که هجرت یک‌بار از کفر به اسلام و دیگر بار هجرت با هدف جهاد مطرح شده و درنهایت اصل هجرت را بیان کرده است که در هر یک شیطان با ایجاد سؤال‌های مختلف درصدد ناامیدسازی و بازداشتن انسان‌ها از هجرت است.

## ۲-۵. راهکارهای حل مسئله در رفع موانع هجرت

پس از تبیین عوامل و موانع بازدارنده از هجرت انسان، در پاسخ به سؤال فرعی دوم پژوهش به بررسی راهکارها و راه‌حل‌های بیان شده در آموزه‌های دینی در خصوص مسئله هجرت پرداخته خواهد شد.

### ۱-۲-۵. جلوگیری از مرگ‌هراسی

قرآن در آیات متعددی از مرگ به توفی تعبیر می‌کند. توفی در لغت از «وفی» مشتق شده که به دریافت کامل و اخذ تام معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۹). عدم توجه به اشتقاق توفی موجب شده تا برخی اهل لغت و مفسران توفی را مشتق شده از فوت تلقی کنند؛ «یا عیسیٰ اِنِّیْ مُتَوَفِّیْکَ» (آل عمران / آیه ۴۷)، حال آنکه در قرآن، متوفی به معنی امانه به کار برده نشده است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۳۲). پس با موت همه حقیقت انسان گرفته می‌شود منتها از بین نمی‌رود، بلکه از گذر این تحوّل جاودانه می‌شود؛ لذا با این شناخت، از مرگ‌هراسی نخواهد داشت.



انسان چه در صورت هجرت یا عدم آن، طعم مرگ را خواهند چشید؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت / آیه ۵۷) همچنان که ذائق طعم امر مذوق را خواهد چشید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۴۶۱)، اما موت به معنای قطع وابستگی روح از بدن و رها شدن روح است نه موت روح: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت / آیه ۵۷). روح انسان‌ها مرگ را چشیده و در خود هضم خواهد کرد، مثل چشیدن شربت، هضم و جذب آن (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص. ۵۱۲).

قرآن در قبال ناراحتی منافقان مبنی بر دستور جهاد، می‌فرماید؛ «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ؛ مرگ در هر جا باشید به دنبالتان می‌شتابد و روزی شما را در کامش فرو می‌برد، حتی اگر در برج‌های مستحکم باشید» (نساء / آیه ۷۸)، پس چه نیکو که این مرگ قطعی، در مسیری صحیح چون جهاد صورت گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۸) و انسان شهید شود که بهترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۴۰۳).

قرآن در بیان ارزش هجرت و نهراسیدن از مرگ می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هرکس که در راه خدا هجرت کند، در زمین جای گشایشی می‌یابد؛ و هرکس به نیت هجرت به سوی خدا رود و مرگش فرا رسد، یقیناً پاداش او بر خداوند است» (نساء / آیه ۱۰۰). ابهام در اجر و قرار دادنش به‌گونه حق واجب بر خداوند، اعلام موقعیت ویژه اجر و تأییدی بر ثبات آن است و رحمت و غفران متوجه مهاجرانی هست که به‌واسطه برخورداری از ایمان هجرت کردند (مراغی، بی‌تا، ج ۱۵، ص. ۱۳۵). تعبیر «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» بیانگر آن است که در نزد خدای عزوجل اجری جمیل و ثوابی جزیل برای مهاجراست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص. ۵۳)؛ لذاست که قرآن با تبیین این نکته که حقیقت مرگ نابودی نبوده و حیات ابدی است، مؤمنان را به حرکت پویای هجرت تشویق کرده، طوری که اگر در طی هجرت به لقای الهی نائل آیند، پاداش آنها در نزد خداوند خواهد بود.

## ۵-۲-۲. پرهیز از دل‌بستگی

قرآن در جهت رفع مانع از راه مهاجران به تبیین علاقه‌های آن‌ها به اموری که مانع از

هجرت شده، پرداخته و می‌فرماید: اگر علاقه به همسران و فرزندان مانع هجرت شود، بدانید که برخی دشمن شمایند و علاقه به دشمن، شما را از دوست باز می‌دارد و اگر علاقه به منزل‌های آن‌چنانی است، خدای تعالی مسکن مهاجران را تأمین می‌کند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، حتماً در جایگاه‌های بلندی از بهشت جای می‌دهیم، که نهرها از زیر درختانش روان است، درحالی‌که در آنجا ماندگارند» (عنکبوت / آیه ۵۸). در حقیقت افرادی که به خاطر اهداف مقدس هجرت، از امور مورد علاقه خود و حتی محبت‌های حلال دل‌کنند، خداوند در ازای آن مسکن آخرتشان را تأمین می‌کند؛ لذا بهانه‌ای را برای ترک هجرت باقی نمی‌گذارد.

### ۵-۲-۳. دوری از راحت‌طلبی

افراد پیرو تن‌پروری باید از این باور برخوردار شوند که خدای تعالی قسم یاد فرموده که انسان را در مشقت و رنج آفریده است (نجم / آیه ۳۹) به طوری که غرض در سوره بلد زندگی توأمان انسان با رنج است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰، ص. ۳۰۹) ضمن آنکه دنیا مزرعه آخرت بوده و انسان بدون زراعت و کشت نمی‌تواند برداشتی داشته باشد؛ بنابراین آنچه انسان را تن‌پرور می‌کند، نرسیدن به این اعتقاد است که کسب گنج منوط به رنج است، لذا جهت رسیدن به این باور، قسم خداوند بر رنجور بودن انسان راه‌گشا است؛ بنابراین قرآن انسان را به رنجور بودن و ترغیب به عمل صالح و رهایی از راحت‌طلبی متنبه ساخته است (مراغی، بی‌تا، ج ۳۰، ص. ۱۵۷). براین‌اساس و به‌عنوان مثال افرادی که در جنگ تبوک مشارکت نداشته و از چنین باوری بی‌بهره بودند بدین نکته مطلع ساخته و هشدار می‌دهد که گرمی جهنم از تابستان شدیدتر است.

### ۵-۲-۴. کاهش نگرانی هزینه

قرآن به جهت تأمین نظر مسلمین و بر طرف ساختن ترس آنان از مشکلات هجرت نظیر: ترس از تنگدستی و فقر، علاوه بر اصلاح تفکر ایشان نسبت به رازقیت خدای تعالی به بیان الگو نیز پرداخته است:

### الف. اصلاح ساختار فکری مهاجرین

عمدتاً مشکلی که باعث شد مسلمانان از تأمین معاش خود در مسیر هجرت هراس داشته باشند، تصور این مطلب بود که چنانچه در وطن خود بمانند رزقشان تأمین و در



صورت هجرت دچار مشکل خواهند شد. خدای متعال در جهت اصلاح این تفکر می‌فرماید: «وَكَايُنُ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت / آیه ۶۰). این مفهوم در وجهی دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود / آیه ۶).

دابه در لغت مشتق از دباب به معنی حرکت خفیف است که در حیوان و بیشتر درحشرات استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۰۶) و در اصطلاح به معنی موجود زنده دارای جنبش است. با توجه به آیه شریفه؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ» و استعانت از قاعده مفید عموم بودن نکره در سیاق نفی، دابه مختص حیوان نیست، بلکه شامل انسان و حیوان می‌شود، گرچه عرفاً، در نوعی از حیوانات مثل جوجه استعمال می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۲۱۷) و به قرینه آنکه سیاق درصدد بیان وسعت علم خداوند نسبت به موجودات در همه حالت‌ها است، مراد عموم انسان‌ها و حیوانات است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۸).

«کاین» در آیه شریفه برای تکثیر و حمل رزق هم به معنی ذخیره کردن آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۵). آیه اشاره دارد که انسان و سایر موجودها نیازمند رزق هستند و با زبان خداوند را خواننده و او نیز آگاه و شنوا به خواسته‌های آنان است؛ بنابراین دو وصف علیم و سمیع اقتضا دارد که خداوند تأمین‌کننده روزی انسان‌ها باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص. ۱۴۶)، پس عبارت «عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» بر وجوب رزق بر خدا دلالت دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۹) و مشتمل بر این نکات است که؛ تقدیم «عَلَى اللَّهِ» بر متعلقش یعنی «رِزْقُهَا» افاده‌کننده حصر است که رزق جنبندگان تنها بر خداست، دیگر آنکه ترکیب «عَلَى اللَّهِ» و «رِزْقُهَا» بیانگر تکفل خداوند در روزی و عدم اهمال است؛ زیرا «علی» در آیه دلالت بر لزوم و ثبوت می‌کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۱، ص. ۲۰۸). بنابراین تبیین رزق پس از بیان مسئله هجرت، به جهت آن است که واهمه از فقر و امور اقتصادی، موجب پرهیز مسلمانان از هجرت شود و تضمین شدن روزی ایشان دلگرمی بر این موضوع است؛ لذا قرآن بایان تمثیل هجرت مسلمانان به مهاجرت پرندگان در به همراه نداشتن مواد خوراکی، به مسلمانان تذکر می‌دهد که خدای رازق پرندگان همان خدای گروه مهاجر است.

## ب. اصحاب صغه نماد مقاومت

حدود چهارصد نفر از مهاجرین (مکه به مدینه) را اصحاب صغه می‌گفتند که در شهر مدینه خویشاوند و منزلی نداشته و به علت‌هایی مانند: فقدان خویشان، هزینه‌های زندگی و فقر در مسجد مستقر شده بودند؛ لذا قرآن در آیاتی مسلمین را تشویق به انفاق کرده و فقراء را از موارد مصرف صدقه معرفی کرده است (توبه / آیه ۶۰) و با توجه به شأن نزول آیه مقصود اصحاب صغه بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۶۶۶). قرآن ضمن توصیه به کمک به ایشان، بر عزت نفس آنان نیز تأکید دارد: «لَقُرَّاءَ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ بخشش شما برای نیازمندیانی است که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ درحالی که نمی‌توانند در زمین سفر کنند و به دلیل آبرومندی، افراد غیرآگاه، آنان را توانگر می‌پنداشتند، اما آنها را از چهره‌شان می‌شناسی، که با اصرار از مردم درخواستی نمی‌کنند و خداوند به آنچه انفاق می‌کنید، آگاه است» (بقره / آیه ۲۷۳).

آیه ویژگی‌هایی برای اصحاب صغه بیان داشته است، از جمله: الف) محصور بودن یعنی به دلیل اشتغال به جهاد در راه خدا، نبرد با دشمن، آموختن فنون جنگ، تحصیل علم‌های لازم دیگر از کوشش جهت تأمین هزینه بازمانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۳۵۶)؛ ب) عدم توانایی بر تجاریت و کسب؛ ج) آبرومندی و عفت، عدم درخواست کمک و دارای علامت (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص. ۶۷) که بیانگر نهایت عزتمندیشان است، بنابراین با توجه به آنکه مشقت تأمین مسکن (به‌عنوان ضروری زندگی) مانع هجرت آنان نشد، قرآن واگذارکننده مسکن به ایشان را از رستگاران می‌داند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و کسانی که پیش از آن در سرای و ایمان جای گرفته بودند، هرکس به‌سوی آنان هجرت کرده دوست داشته و در دل‌هایشان نسبت به آنچه که به مهاجر داده شده، نیازی نیافته و مهاجرین را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه نیازمند باشند؛ و هرکس خود را از آزمندی نگه دارد، آنان رستگارانند» (حشر / آیه ۹)، چنانچه اطعام یکی از بینوایان صغه توسط یک انصاری که دخترش به غذای به غذای شب محتاج بود به فرموده پیامبر باعث شگفتی اهل آسمان‌ها گردید (واحدی،



۱۴۱۱ق، ص. ۴۳۹). براین اساس هجرت بدون همراه داشتن توشه و معاش عزتمندانه همچون اصحاب صفه امکانپذیر است؛ لذا اینان می‌توانند الگوی مهاجران دیگر در رفع مانع خوف از تأمین معاش باشند.

### ۵-۲-۵. مدیریت مسئله غربت

قرآن با معرفی پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان الگویی از هجرت که محبت به وطن مانع هجرت او نشد به اصلاح تفکر اعتقادی مهاجران پرداخته که خدای متعال آنان را به سرزمین وسیع و گشایش در امور نوید داده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً؛ و هرکس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های [آمن] فراوان و گشایشی خواهد یافت» (نساء / آیه ۱۰۰)؛ «مراغم» مفرد و اسم مکان «رغام» به‌معنی خاک نرم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۵۹) و اراضی مُرَافِعَة به معنی سرزمین‌های امن و مطمئنی است که موافق زندگی متناسب با حیات انسان‌اند و مقصود از آن در آیه سرزمینی است که خدای منان آن را به مهاجران فی سبیل‌الله وعده داده است، بنابراین اگر فردی در سرزمین خودش فاقد آرامش باشد و تکالیف دینی‌اش را نتواند انجام دهد باید هجرت کند و خدای تعالی به وی دو امر را عطا می‌کند؛ مکان و مسکن مناسب برای زندگی و کشاورزی (مُرَافِعًا كَثِيرًا) و گشایش در کارها (وَسَعَةً) و با تحقق این وعده از فشارهای روحی و روانی خارج می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص. ۲۵۱). پس ترک وطن و غربت، از جمله موانع هجرت محسوب می‌گردد که در قرآن ضمن تأکید بر رازقیت خداوند متعال، وسعت معیشت مهاجران و تأمین مسکن آنها، از هجرت رسول اکرم از مکه و موطن خود، به‌عنوان نمونه‌ای از مهاجرت ویژه یاد کرده است.

### ۵-۲-۶. مقابله با وسوسه

قرآن به جهت صیانت انسان از وسوسه شیطان، پناه بردن به حفاظ‌های محکم را به‌عنوان راه رفع این مانع معرفی کرده است: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و اگر وسوسه‌ای شیطانی تحریک کرد، پس به خداوند پناه ببر؛ که او شنوای دانا است» (اعراف / آیه ۲۰۰). واژه استعاذه از نظر لغوی مصدر باب استفعال و به معنای التجاء و پناه به چیزی برای دفع مکروه است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص.

۴۰۲)، «نزغ» همان وسوسه است که آغاز راه اضلال است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص. ۵۱۲) که پناه بردن انسان در لحظه وسوسه شیطان، به دژی محکم بسیار مهم است، که طبق روایات حصون محکم دو امر معرفی شده است:

الف) توحید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (فصلت / آیه ۳۶)، به دلیل آنکه شیطان در حصن الهی یعنی توحید راهی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص. ۵۱۲)، بر این مبنا توحید اصیل برای هر موحد به منزله دژی مستحکم است که نگهبان آن خدای قادر متعال است؛ چنان که در روایت «کلمة لا إله إلا الله حصنی» هر متحصنی با ورود در حصن حصین الله، از آسیب وسوسه در امان خواهد ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۵).

ب) ولایت: علاوه بر موحد بودن، پذیرش ولایت اهل بیت جهت در امان بودن از نفوذ شیطان بسیار مهم است. با پذیرش اهل بیت زندگی موحدانه بوده و در زمان انجام هجرت، شیطان در او نفوذی ندارد. لذا وسوسه‌های شیطان از موانع مهاجر و راه دفع آن موحد بودن و تمسک به ولایت اهل بیت است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت هجرت از مهمترین آموزه‌های دینی از بدو تاریخ در وجود انسان‌ها و سایر موجودات نهادینه شده که به معنی متارکت و کوچ به سرزمین دیگر است که گاه توأم با قصد قربت است. هجرت در آموزه‌های دینی به‌عنوان دستوری سازنده در بیش از ۱۴ آیه قرآن و روایت‌های گوناگون به بیان‌های مختلف مطرح شده است. در حوزه موانع هجرت می‌توان به مواردی چون؛ ترس از مرگ، دل‌بستگی به دنیا (اطرفیان؛ مال و عیال)، راحت‌طلبی، فقدان هزینه زندگی، غربت، وسوسه‌های شیطانی اشاره کرد که با استناد و اعمال راهکارها و پیشنهادهای دینی در حوزه‌هایی مرتبط با هر یک همچون؛ جلوگیری از مرگ‌هراسی، پرهیز از دل‌بستگی، دوری از راحت‌طلبی، کاهش نگرانی هزینه، مدیریت مسئله غربت و مقابله با وسوسه به‌عنوان راهبردهای کلیدی قابل پیشگیری و مرتفع‌سازی هستند.

### بررسی و پیشنهاد

به‌نظر می‌رسد که ما با مباحث هجرت و الگوی شکوفاسازی و پیشرفت در مصادیق متعدد مواجه هستیم. در واقع قرآن هجرت را داری اهداف متعددی می‌داند که هر

یک می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه به‌شمار آمده و سیر تاریخی نیز مؤید همین مطلب است:

(الف) فراگیری دانش: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (به جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابد و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهد؟» (توبه / آیه ۱۲۲). در روایات جهت کسب علم، حتی هجرت به نقاط دوردست توصیه شده است. پیامبر اکرم فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ علم کسب کنید گرچه در چین باشد» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص. ۱۴). در این نوع هجرت هزاران ملک طالب علم را همراهی می‌کنند، همان‌طور که پیامبر فرمودند: کسی که از خانه‌اش برای کسب علم خارج شود، هفتاد هزار ملک او را بدرقه می‌کنند و برایش استغفار می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۱۷۰).

(ب) هجرت برای حفظ دین؛ پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْبًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ؛ کسی که برای حفظ دین و آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کند، مستحق بهشت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص. ۳۱).

(ج) هجرت از ظالمان: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً؛ آنها که بدیشان ستم شد و در راه خدا مهاجرت کردند، جایگاه پاکی در دنیا به ایشان خواهیم داد (نحل / آیه ۴۱).

(د) هجرت از معصیت (هجرت درونی): روح هجرت مقدس فرار از ظلمات به سوی نور، و از عصیان به اطاعت خداوند است. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَلَمْ يَهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا؛ کسی می‌گوید مهاجرت کردم درحالی که مهاجرت واقعی نکرده است، مهاجران آنها هستند که از گناهان هجرت کنند و مرتکب آن نشوند (قمی، ۱۳۴۴ق، ماده هجر).

(ه) هجرت به سوی خدا: در قرآن از زبان حضرت ابراهیم یا حضرت لوط (علیه‌السلام) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص. ۲۳۹) می‌خوانیم: «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او عزیز و حکیم است» (عنکبوت / آیه ۲۶). احتمال دارد که منظور از هجرت از انواع قبلی بوده یا منظور ظاهر آیه باشد؛ یعنی مهاجرت به سمت خداوند جهت وصول به مقام نبوت یا

بالاتر (فیض کاشانی، بی تا، ج ۴، ص. ۱۱۵) و آیه؛ «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَهَّدِينَ» (صافات / آیه ۹۹) می‌تواند شاهد این مطلب باشد.

هجرت در قالب‌های مختلف خود و در محور دینی و اسلامی، از جنبه شکوفاسازی دارای آثار و فواید ثمربخش متعددی همچون؛ راهبرد بهره‌گیری از فرصت‌ها، روش مبارزه با تهدیدها، بزرگ‌ترین سازوکار کسب قدرت، مکانیزم ظرفیت‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و... است. در واقع با هجرت بسیاری از بن‌بست‌ها، انسدادها، تصلب‌ها شکسته شده و افراد از قفس تنگ زمین، شرایط دشوار، غل و زنجیرهای بسته شده زمانه بر پای انسان خدایی رها می‌شوند (رساله فکری تحلیلی حوزه و روحانیت، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۳۴۵). براین‌اساس هجرت رابطه عمیقی با توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا به‌وجود آمدن آنها از ثمرات اجتماعی مهاجرت است؛ بنابراین در فرهنگ اسلامی، هجرت به‌معنای پشت کردن به جاهلیت و بدویت و روی کردن به مدنیت است. پس مهم‌ترین اثر اجتماعی هجرت رسول خدا، گسترش اسلام، تبلیغ، امنیت دینی اجتماعی و متمرکز شدن نظام سیاسی اسلام بود که به‌واسطه آن شالوده پیشرفتی بنا شد که به‌عنوان بزرگ‌ترین شکوفایی تاریخ بشر شناخته می‌شود (ن.ک: عبدالله‌زاده آرانی، ۱۳۸۷) که از مصادیق آن قانون پیامبر و رفتار آن حضرت به عدل و احسان برای همه ملت‌ها بود که وسیله‌ای برای رحمت و پایگاه برای توسعه اسلامی بود (ن.ک: عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص. ۱۹۱۹). همچنین گذشته از اصول معارف، راهکارهای عملی اسلام بر دو محور؛ نماز و زکات می‌تواند به‌عنوان دو رکن چرخه توسعه اسلامی به‌شمار آید؛ زیرا با نماز مقام عبودیت که جوهر و لب معرفت است تحقق یافته و با زکات و انفاق مال، پیشرفت جامعه بشری که مقدمه کسب سعادت و فضیلت است منتظم می‌شود (ن.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص. ۴۱۶)، بر اساس این‌گونه مبانی، تأمین سعادت انسان‌ها و رهایی از گرفتاری‌های زمانه، جز با توسل به آموزه‌های وحیانی، پیروی از انبیاء و تقویت ایمان میسر نبوده و امتیاز پیشرفت و توسعه اسلامی بر پیشرفت غرب در این امر است (ن.ک: شریعتی، ۱۳۴۶، ص. ۲۵۶).



## فهرست منابع

قرآن کریم.

ألوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن أبی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)*. قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب (علیه السلام)*. قم: نشر علامه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.

ابن عجیبه، احمد (۱۴۱۹ق). *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجدید*. قاهره: حسن عباس زکی.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.

بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث.

ببضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *هدایت در قرآن*. محقق علی عباسیان، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*. محقق علی اسلامی، قم: اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه*. محقق عباس رحیمیان، قم: اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (بی تا). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
- دانشنامه اسلامی: <https://wiki.ahlolbait.com>
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم الدار الشامیه.
- رسانه فکری تحلیلی حوزه و روحانیت (۱۳۹۶). *هجرت؛ بزرگ‌ترین راهبرد تمدن‌سازی اسلامی، محسن مهاجرنیا، کد خبر: <https://mobahasat.ir>*
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الاقوال فی وجوه التاویل*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا). *الشماریخ فی علم التاریخ*. تحقیق محمدبن ابراهیم الشیبانی، کویت: الدار السلفیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶). *تفسیر نوین*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق). *خصائص الأئمة (علیه السلام)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الكتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابن جریر (۱۴۰۸ق). *تاریخ طبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*. تهران: انتشارات صدوق.



عبدالله‌زاده آرانی، رحمت‌اله (۱۳۸۷). هجرت و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه اسلام. (پایان‌نامه ارشد الهیات و معارف اسلامی). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۲ق). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). تفسیر الصافی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: مؤسسه دار الهجرة.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.

قمی، عباس (۱۳۴۴ق). سفینه البحار. تهران: دار الاسوه.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دار الكتاب.

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مازندرانی، محمدصالح (۱۳۸۲). شرح الکافی - الأصول والروضه. تهران: مکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.

مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبى الحسين (علیه‌السلام).

مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). *اسباب النزول القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.  
یعقوبی، ابن واضح (۱۳۶۲). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه ابراهیم آیتی، بی جا: انتشارات علمی.

## References

Holy Quran.

- Abdollahzadeh Arani, Rahmatullah (1387). *Hijrah and Social Effects of the Advancement of Islam (The Statement of the Arshad of Islamic Studies and Knowledge)*, Tehran, Daneshgah Imam Sadiq (PBUH). (In Persian)
- Alousi Sayed Mahmoud (1415). *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Alamiyyah. (in Arabic)
- Amly, Ibrahim (1360). *Amly's interpretation*, Tehran, Sadouq publications. (In Arabic)
- Andalusi Abu Hayyan Muhammad Ibn Yusuf (1420). *Al-Bahr Al-Muheet fi Al-Tafsir*, Beirut, Dar Al-Fikr. (In Arabic)
- Arousi Hawizi, Abd Ali bin Juma'a (1412). s., *Interpretation of Noor al-Thaqlain*, Qom, Ismailian publications. (In Arabic)
- Balaghy Najafi Muhammad Jawad (1420). *Alaa al-Rahman in the interpretation of the Qur'an*, Qom, Baniad Ba'ath. (In Persian)
- Balkhi, Muqatil bin Suleiman (1423). *interpretation of Muqatil bin Suleiman*, Beirut, Dar Ihya al-Turath. (In Arabic)
- Banavi Isfahani, Sayedeh Nosrat Amin (1361). *Store of Irfan in Interpretation of the Qur'an*, Tehran, Nahdat Zanan Muslim. (In Persian)
- Baydawi, Abdullah bin Omar (1418). *Lights of Revelation and Secrets of Interpretation*, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Fakhr al-Din Razi Abu Abdullah Muhammad ibn Omar (1420). *Keys to the Unseen*, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409). *Book of Al-Ain*, Qom, published by Hijrat. (In Arabic)
- Fayd Kashani, Mulla Mohsen (1416). s., *Tafsir al-Safi*, Tehran, Al-Sadr Library. (In Arabic)
- Fayd Kashani, *Tafsir al-Safi*, Beirut, Al-Alamy Institute. (In Arabic).
- Fayoumi, Ahmed bin Muhammad (1414). *Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabeer*, Qom, Dar Al-Hijrah Institute. (In Arabic)
- Haqqi Brosoy Ismail, *Interpretation of the Spirit of the Statement*, Beirut, Dar Al-Fikr, Beta. (In Arabic)
- Hurr Ameli, Beta, *Wasa'il Al-Shia*, Beirut: The Arab Heritage Revival House. (In Arabic)
- Ibn Abi Al-Hadid, Abd Al-Hamid (1404). *Explanation of Nahj Al-Balaghah*, Qom, Ayatollah Marashi Al-Najafi Library. (In Arabic)
- Ibn Ajiba, Ahmed bin Muhammad (1419). *The Long Sea in the*



- Interpretation of the Glorious Qur'an, Cairo, Hassan Abbas Zaki. (In Arabic)
- Ibn Ashour Muhammad bin Taher, House of Tahrir and Tanweer, Bina, Beja. (In Arabic)
- Ibn Atheer, Mubarak bin Muhammad (1367). The End in Gharib Al-Hadith and Athar, Qom, Instituted by Ismaili Publications. (In Arabic)
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali (1413). Man Lahdharah al-Faqih, Qom, Islamic Publications Book. (In Arabic)
- Ibn Duraid, Muhammad bin Hassan (1988). Jamharat al-Lughah, Beirut, Dar al-Ilm. (In Arabic)
- Ibn Faris, Ahmad bin Faris (1404). Dictionary of Language Standards, Qom, Islamic Information Office. (In Arabic)
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1414). Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Shahr Ashub Mazandrani, Muhammad bin Ali (1379). Virtues of the Abi Talib family (pbuh), Qom, Alama published. (In Arabic)
- Ibn Shu'bah Harrani, Hasan bin Ali (1404). Tuhfat al-'Uqol on the Family of the Messenger (PBUH) Qom, Publications of the Teachers' University. (In Arabic)
- Ibn Shu'bah Harrani, Hassan Ibn Ali (1404). Tuhf al-'Uqul on the Family of the Messenger (PBUH), Qom, University of Teachers. (In Arabic)
- Islamic danchnameh; <https://wiki.ahlolbait.com> (In Persian)
- Javadi Amlı, Abdullah (1382). Hedayat in the Qur'an, edited by Ali Abbassian, Qom, Israa. (In Persian)
- Javadi Amlı, Abdullah (1388). Tasnim, investigator, Ali Islami, Qom, Israa. (In Persian)
- Javadi Amlı, Abdullah (1389). Dunyanas and Dunyagrāy in Nahj al-Balagha, edited by Abbas Rahimian, Qom Israa. (In Persian)
- Karajki, Muhammad bin Ali (1410). Treasure of Benefits, Qom, Dar Al-Dakher. (In Arabic)
- Killini, Muhammad Ibn Yaqoub (1407). Al-Kafi, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyya. (In Arabic)
- Majlis, Muhammad Baqer (1403). BC, Bihar al-Anwar, Tehran, Islamic Library. (In Arabic)
- Mazandrani, Muhammad Salih (1382). Explanation of Al-Kafi - Al-Usul wa Al-Rawdah, Tehran, Islamic Library. (In Arabic)
- Qomi, Ali Bin Ibrahim (1367). Qomi's interpretation, Qom, Dar Al-Kitab. (In Arabic)
- Qurtubi Muhammad bin Ahmad (1364). The Collector of the Rulings of the Qur'an, Tehran, Nasir Khosrow publications. (In Arabic)
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmed (1405). BC, The Comprehensive Rulings of the Qur'an, Beirut, Arab History Foundation. (In Arabic)
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412). Vocabulary of the Qur'an, Beirut, Dar Al-Qalam, Dar Al-Shamiya. (In Arabic)
- Rasana Fikri, Analytical, Hawza and Spirituality; <https://mobahesat.ir> (In Persian)

- Analytical intellectual media of the domain and clergy (1396):  
<https://mobahebat.ir>; Mohsen Mohajernia, Hijrat; The greatest strategy of Islamic civilization, news code: 15345. (In Persian )
- Sahib bin Abbad, Ismail bin Abbad (1414). Al-Muheet fi al-Lughah, Beirut, The Book World. (In Arabic)
- Shariati, Muhammad Taqi (1346). Tafsir Novin, Tehran, Sehami Inthar. (In Persian)
- Sharif Al-Razi, Muhammad bin Hussain (1406). Characteristics of the Imams (pbuh), Mashhad, Astan Quds Radwa. (In Arabic)
- Shazly, Sayed bin Qutb (1412). In the Shadows of the Qur'an, Beirut, Dar Al-Shorouk. (In Arabic)
- Sheikh Abbas Qomi (1344). AH, Safinat al-Bahar, Tehran, Dar al-Aswa. (In Arabic)
- Suyuti Jalal al-Din (1404). al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Qom, book betrayed by Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Beta al-Shamarekh in the science of history, investigation by Muhammad bin Ibrahim al-Shaibani, Kuwait, the Salafi House. (In Arabic)
- Tabari, Ibn Jarir (1408). BC, Tabari's History, Beirut, Dar al-Kutub al-'Alamiyyah. (In Arabic)
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1375). Tabari's history, translated by Abu al-Qasim Payandeh, Tehran, Asateer publication. (In Arabic)
- Tabarsi, Fadl bin Hassan (1372). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasir Khosrow Publications. (In Arabic)
- Tabatabaei, Syed Muhammad Hussain (1417). Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an, Qom, Islamic Publications Book. (In Arabic)
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahed (1366). classification of Gharar al-Hakam and Durar al-Kalam, Qom, Islamic Tabligat Book. (In Arabic)
- Tusi Muhammad bin Hassan, Beta al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Tusi, Muhammad bin Al-Hassan (1414). Al-Amali, Qom, Dar Al-Thaqafa. (In Arabic)
- Zamakhshari Mahmoud (1407). The Exploration of the Realities of the Mysteries of Downloading and the Eyes of Sayings in the Faces of Interpretation, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi. (In Arabic)

## برنامه‌سازی رسانه‌ای برای سالمندان: مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد<sup>۱</sup>

ملیحه علی‌مندگاری

دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).  
m.alimondegari@yazd.ac.ir

0000-0001-9346-9374

عادلہ امامی

دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران.  
adeleemi66@gmail.com

0009-0005-6754-6731

### چکیده

رسانه به‌عنوان عضوی تأثیرگذار در تمامی عرصه‌های زندگی افراد جامعه نقشی انکارناپذیر دارد. در این میان سالمندان نیازمند نگاه خاص رسانه هستند. فزونی سرعت رشد جمعیت سالمندان در قیاس با رشد جمعیت کشور در کل، نشانگر لزوم آینده‌نگری از جمله برنامه‌سازی در شبکه‌های رادیو و تلویزیونی برای شناخت و کنترل مسائل قابل‌تصور این گروه از جمعیت را، توجیه می‌نماید. هدف این پژوهش، مخاطب‌پژوهی سالمندان یزدی از نگاه کارشناسان این حوزه است. در پژوهش حاضر، تلاش‌ها در این راستا صورت گرفت که ضمن آشنایی با وضعیت گذران زندگی سالمندان یزدی و آگاهی از انتظارات و توقع‌های آنان، در خصوص برنامه‌سازی رسانه‌ای پیشنهادهایی ارائه شود. جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش از طرح تحقیق کیفی و روش تحلیل مضمون استفاده شد. مشارکت‌کنندگان ۱۰ نفر از خبرگان و کارشناسان حوزه رسانه و سالمندی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. داده‌های پژوهش توسط مصاحبه نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شد. طی تحلیل‌های صورت گرفته ۱۰۰ مفهوم در قالب ۲۱ زیرمقوله و ۱۰ مقوله اصلی که شامل: زندگی نازیسته، اهمیت نیازهای مادی و حمایتی، رسالت صداوسیما در قبال سالمندان، پخش برنامه اثرگذار و مفرح در دوران بحران (شیوع پاندمی کووید ۱۹)، راهبردهای خلاقانه و تعاملی ساخت برنامه، زمان‌بندی مناسب پخش برنامه، برنامه‌سازی جنسیت‌محور برای سالمندان، برنامه‌سازی سن‌محور برای سالمندان، برنامه‌سازی برای سالمندان غیربومی و برنامه‌سازی مشوق سالمندی فعال بود، استخراج شد. در راستای حفظ مخاطب به‌عنوان یکی

۱. این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «نیازسنجی و مخاطب‌پژوهی سالمندان شهر یزد» استخراج شده است که به سفارش مدیریت پژوهش صداوسیما مرکز یزد انجام شده بود. بدین‌وسیله از حمایت‌های آن سازمان تقدیر می‌شود.

از اهداف اصلی صداوسیما، پیشنهاد می‌شود همزمان با شناسایی گروه‌های مختلف سنی و جنسی سالمندان و توجه به ویژگی‌های هر گروه، ضمن ارزش قائل شدن به خواست مخاطب سالمند و علاقه‌مندی‌های او، ذائقه‌سازی در مخاطب به صورت بسیار تدریجی و غیرمستقیم صورت گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** مخاطب پژوهی، نیازسنجی سالمندان، برنامه‌سازی رسانه‌ای، سالمندان، شهر یزد.

شاپای الکترونیک: X۶۵۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.371225.1376



## مقدمه و بیان مسئله

سالمندی قسمتی از دوران زیستن انسان را شکل می‌دهد که نیازها و توانمندی‌های خاصی نیز نسبت به سایر گروه‌های جامعه دارا می‌باشد. این امر درون جوامعی که به دنبال آماده‌سازی تسهیلات رفاهی و امنیتی برای گروه سالمندان خود هستند، نوعی پدیده چالشی به حساب می‌آید (محمدزاده، ۱۳۹۴). سالمندی بر اساس آنچه سازمان بهداشت جهانی تعریف می‌کند به معنای گذر از سن ۶۰ سالگی می‌باشد و فی الواقع بخشی از روند طبیعی زندگی انسان است (شیخی و جواهری، ۱۳۹۵).

منظور از سالخوردگی جمعیت، حالتی است که در آن بنابه‌گذار از سطوح باروری و مرگ‌ومیر بالا به سطوح پایین، سهم گروه جوان جامعه از کل جمعیت کم شده و برعکس بر سهم جمعیت سالخورده افزون می‌شود. در حال حاضر تقریباً تمامی کشورهای دنیا در حال رفتن به سوی سالخوردگی جمعیت هستند و آنچه در این خصوص اهمیت قابل ذکری دارد این است که سهم قابل توجهی از این وضعیت به کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته است؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ از هر ۱۰ نفر جمعیت سالمند، تقریباً ۸ نفر در کشورهای در حال توسعه، زندگی کنند. وضعیت ایران در این زمینه ویژه است. بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد (۲۰۱۲)، رشد سالانه جمعیت سالمندان کشور در سال‌های ۱۴۰۵-۱۳۹۰ حدوداً ۴ برابر و در سال‌های ۱۴۳۰-۱۴۰۵ حدوداً ۸ برابر نرخ رشد کل جمعیت کشور خواهد بود. یک نگرانی فزاینده موجود در زمینه رشد جمعیت سالمندان، انزوای اجتماعی است (Chen & Schulz, 2016)، چراکه با افزایش سن، ظرفیت‌های فیزیکی افراد شروع به تحلیل رفتن می‌کند، تحرک محدودی دارند و زمان پاسخ آنها بسیار کند می‌شود. چنین محدودیتی در تحرک، اغلب منجر به مشارکت کمتر در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود که ممکن است باعث افزایش احساس تنهایی و کاهش روحیه و رضایت از زندگی شود (Erickson, 2011; Lin & Chou, 2013). در این وضعیت، رسانه به‌عنوان عضوی تأثیرگذار در پیشگیری و کاهش انزوای اجتماعی در سلامت افراد جامعه نقشی انکارناپذیر دارد و در این میان سالمندان نیازمند نگاه خاص رسانه هستند. چراکه رسانه می‌تواند کیفیت زندگی آنها را با کاهش احساس انزوا، افزایش رفاه روانی و القای احساس توانمندی در آنان بهبود

بخشد (Dumbrell & Steele, 2014). فناوری رسانه‌های اجتماعی این ظرفیت را دارد که به تسهیل ارتباط اجتماعی در میان افراد مسنی که از نظر فیزیکی یا جغرافیایی از خانواده و آشنایان خود دورند، کمک کند (Hutto & et al., 2015). از سوی دیگر رسانه‌های جمعی می‌توانند منابع خوبی برای حمایت از سلامت باشند و شخص سالمند می‌تواند اطلاعات و خدمات مرتبط با سلامت را از این طریق بیابد و پیگیری کند (Yang & et al., 2016). رسانه‌ها به دلیل گستردگی وجودشان در زندگی اشخاص می‌توانند مأخذ اصلی دانسته‌های افراد باشند و سبک زندگی آنان را مورد تأثیر قرار دهند؛ بنابراین رسانه‌ها با ارتقا دادن فهم و ارائه راه‌حل‌های متناسب جهت گذراندن پیری سالم، این قدرت را دارند که با نفوذ بر نوع زندگی سالمندان، آثار متعدد و گوناگونی بر زندگی آنان داشته باشند.

امروزه مخاطبان در میان دریایی از رسانه‌های متکثر قرار گرفته‌اند و هر رسانه می‌کوشد تا پیام‌هایش را بهتر و باورپذیرتر از سایرین به مخاطب برساند. در این میان، رسانه‌های ارتباط جمعی جایگاه ویژه‌ای دارند. به صورت کلی رسانه‌های جمعی، و به طور خاص تلویزیون از منابع تأثیرگذار بر شکل بخشیدن به جایگاه اجتماعی افراد در همه جوامع هستند؛ بنابراین موضوع مخاطب‌پژوهی سالمندان برای رسانه به ویژه صداوسیما اهمیت ویژه می‌یابد. هدف از مخاطب‌پژوهی آن است که از دیدگاه‌ها، خصایص و عقاید مخاطب، شناختی نسبتاً جامع به دست آورد و به برنامه‌ریزان کمک نماید که با توجه به خواست و نیازهای واقعی آنان برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی کنند.

استان یزد بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، از جمله استان‌های با جمعیت کم در کشور محسوب شده و در رتبه ۲۴ سهم جمعیتی در بین استان‌های کشور قرار دارد (۱/۴ درصد جمعیت کل کشور). نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت در سال ۱۳۹۵ برای کل کشور ایران ۶/۱ درصد و برای استان یزد برابر ۵/۹ درصد بوده است. بر این اساس مرحله سالمندی جمعیت از حدود سال ۱۴۲۰ به بعد بر ساختمان سنی استان یزد سایه خواهد افکند.

مرور برنامه‌های پخش شده در صداوسیما مرکز یزد، بیانگر آن است که به صورت ویژه و مشخص، برنامه‌ای برای مخاطبان سالمند تولید نشده است، با این حال در برنامه‌ای نظیر «خونه زندگی» که برنامه ویژه خانواده و زن و موضوع محور است، توجه به مخاطبان سالمندان به عنوان یکی از موضوع‌های اصلی آن مصوب شده است. در این برنامه ضمن طرح یک موضوع و بیان ابعاد و جنبه‌های مختلف آن توسط مجریان برنامه، از یک کارشناس متخصص نیز دعوت می‌شود که درباره موضوع برنامه



راهکارهایی ارائه دهد. یکی از حوزه‌های مختلف موضوعی آن درباره سالمندان، بحث سلامت آنان است که تلاش می‌شود در آن به موضوع‌هایی نظیر خودمراقبتی سالمندان، تغذیه، ورزش سالمندان و... پرداخته شود. همچنین در برنامه مستند تلویزیونی «مردم بالادست» که به معرفی روستاهای استان یزد می‌پردازد، با اهالی روستا از جمله سالمندان گفتگو می‌شود و ضمن بیان خاطره‌ها و تجارب آنان، مسائل و چالش‌های زندگی در آن روستا از زبان سالمندان هم مطرح می‌شود.

با توجه به تولیدهای محدود رسانه‌ای در حوزه سالمندی، ضروریست از هم‌اکنون صداوسیما مرکز یزد در چشم‌انداز و افق آینده‌نگری‌های خود، سهمی از برنامه‌های خود را به این قشر اختصاص داده و پیش‌بینی‌های لازم را اتخاذ نماید. با توجه به این مهم، در این پژوهش تلاش شد تا با کمک گرفتن از خبرگان و کارشناسان حوزه رسانه و سالمندی، مخاطب‌پژوهی از سالمندان جهت برنامه‌سازی و یا آماده نمودن بسته‌های لازم برای برنامه‌سازی آتی در رسانه ملی و صداوسیما مرکز یزد صورت گیرد.

## ۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناخت نیازهای مخاطبان سالمند از برنامه‌های صداوسیما مرکز استانی یزد صورت گرفته است که در این راستا تلاش شده تا به سؤال‌های زیر از دیدگاه خبرگان و کارشناسان حوزه رسانه و سالمندی پاسخ داده شود: نیازهای رسانه‌ای مخاطبان سالمند یزد از برنامه‌های صداوسیما استان کدامند؟ سالمندان چگونه می‌توانند اوقات فراغت خود را (به‌صورت ویژه در دوران شیوع همه‌گیری کرونا) بگذرانند؟ کدام قالب برنامه‌های صداوسیما با چه نوع محتوایی برای برنامه‌سازی جهت سالمندان مناسب است؟ در راستای برنامه‌سازی رسانه‌ای مفیدتر با توجه به نیازهای سالمندان یزدی چه پیشنهادهایی را می‌توان ارائه داد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

تعدادی از پژوهش‌های انجام گرفته به نقش رسانه و تلویزیون در گذران اوقات فراغت سالمندان و فواید و مضرات آن اشاره داشتند. از جمله پژوهش حسینی زارع و همکاران (۱۳۹۹)، که بیشترین فعالیت فراغتی سالمندان تهرانی را تماشای تلویزیون دانستند. شریفیان ثانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر نشان دادند فعالیت‌های فراغتی پس از مراقبت شخصی بیشترین میانگین گذران وقت سالمندان

ایرانی را تشکیل می‌دهد و سن، جنسیت، وضع فعالیت، وضع اقتصادی، سطح تحصیلات، ترتیبات زندگی و وضع معلولیت و ناتوانی اصلی‌ترین متغیرهای مؤثر بر الگوهای گذران وقت سالمندان ایران می‌باشند. جونگ و پارک<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نیز دریافتند اولین فعالیت سالمندان کره‌ای در زمان آزاد تماشای تلویزیون است که فعالیت ایستایی است و می‌تواند موجب بروز اختلال‌های متابولیکی، چاقی و افسردگی شوگرد. در پژوهشی دیگر کاروالیو، سیلوا و ابرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، دریافتند باتوجه به وقت آزاد بیشتر سالمندان و احتمال طرد اجتماعی، تلویزیون می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای پشتیبانی و خدمات سالمندان استفاده شود. پژوهش سیلوا و همکاران (۲۰۱۶)، همچنین نشان داد تلویزیون به‌عنوان یک فناوری توان‌بخش، از طریق کمک از راه دور و یا پشتیبانی از خدماتی که تعامل اجتماعی یا ارائه اطلاعات پزشکی را ارتقا می‌دهد، به سالمندان خدمات ارائه می‌کند.

دسته‌ای دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته پیشین بر نیازهای سالمندان متمرکز بوده‌اند. برای نمونه ارشادسرابی، قصابی چورسی و مسلمی‌زاده (۱۳۹۹)، نشان دادند نیازهای مرتبط با آموزش در میان سالمندان شهرستان سیرجان در سطح متوسط است. علاوه‌بر آن میان نیازهای آموزشی مختلف آنان در شیوه زندگی با متغیرهای جمعیت‌شناختی، وضعیت ابتلا به بیماری‌های مزمن و وضع زندگی (تنها یا غیرتنها)، رابطه وجود دارد. بر اساس یافته‌های قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، نیازهای جسمی سالمندان بیشترین میزان برآورده نشده را داشته است و پس از آن نیازهای اجتماعی در رده دوم قرار می‌گیرد. در مقابل کمترین اولویت را نیز نیازهای محیطی برای ایشان دارا بوده است. در پژوهشی دیگر عرب‌زاده (۱۳۹۶) نشان داد میان متغیرهای ارتباط با سرزندگی ذهنی، رابطه مثبتی وجود دارد و شناخت نیازهای اساسی روان‌شناختی و توجه به آنها راهکاری مؤثر برای سرزندگی ذهنی سالمندان است. تأکید مطالعه گراهام<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) اما، بر روی نیازهای مالی سالمندان بود، یافته‌های او نشان داد سالمندان نیوزیلند دارای بالاترین استاندارد زندگی بودند که ناشی از درآمد کافی برای دریافت مسافرت، تفریح و خدمات رفاهی زندگی بود.

تعدادی از مطالعات گذشته، وضعیت سالمندان در جامعه را مورد مطالعه قرار دادند. مطالعه تطبیقی ریاحی (۱۳۸۷)، در یک فرایند مقایسه‌ای از وضعیت سالمند در

1. Jeong &amp; Park

2. Carvalho, Silva and Abreu

3. Graham

جوامع گذشته و معاصر بیانگر آن بود که تحول‌های ایجاد شده، تنزل جایگاه سالمند در جوامع امروزی را موجب شده است. مداح (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان داد عوامل متعددی باعث میزان رضایت کمتر شهروندان سالمند ایرانی نسبت به سالمندان سوئدی در خصوص چگونگی گذران اوقات فراغت و وضع فعالیت‌های اجتماعی شده است. اما در مقابل بُعد سلامت معنوی میان سالمندان ایرانی بهتر بوده است. چگونگی ایفای نقش مؤثر رسانه در خصوص سالمندان با توجه به این وضعیت را در مطالعه بهشتی، هرمزی‌زاده و زابلی‌زاده (۱۳۹۸)، می‌توان دنبال کرد که به مطالعه روش‌های خاص به‌کار گرفته شده در شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی جهت اعتماد بیشتر مخاطبان به آنان پرداختند. بر اساس نتایج، این شبکه ملاک‌های ویژه جلب اعتماد مخاطب بر اساس تصویر را مستقیماً به‌طور ضمنی نمایش می‌دهد. شریعت و همکاران (۱۳۹۴) نیز دریافتند در حیطه تکریم سالمندان و اجتماع‌پذیری اجتماعی، بیشترین نمره به «نگاه مثبت به سالمندان در رسانه‌های جمعی» اختصاص می‌یابد.

در خصوص تفاوت‌های جنسیتی در نیاز سالمندان نیز مطالعات متعددی صورت گرفته است. از جمله آن‌ها مطالعه دل بونو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) بود که نشانگر وجود تفاوت‌های جنسیتی میان سالمندان به دلیل تفاوت در وضع تاهل بود. از سوی دیگر نشان داد تفاوت‌های جنسیتی ارتباطی با مطروذیت اجتماعی ندارد. اما نتایج مطالعه مداح (۱۳۸۸) نشان داد معضل موجود در خصوص سالمندان زن ایرانی مربوط به عدم توجه کافی آنان به داشتن تحرک و فعالیت فیزیکی است که می‌بایست مورد توجه ویژه‌تری قرار گیرد.

مروری بر پیشینه تجربی ارائه شده در این حوزه بیانگر آن است که وضعیت زندگی سالمندان در سطح مطلوب و کیفیت بالایی نیست و نیازمند اتخاذ سیاست‌های بنیادی جهت بهبود وضعیت سالمندان است. از سوی دیگر همان‌طور که مطالعه کوتو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در بررسی روند پژوهشی در زمینه رسانه‌های اجتماعی و سالمندان نشان می‌دهد هیچ رویکرد پژوهشی غالبی برای این زمینه مطالعاتی وجود ندارد. در حوزه تولیدهای رسانه‌ای ویژه مخاطبان سالمند، مطالعه غنی در ایران و حتی جهان صورت نگرفته است، از این رو انجام ارزیابی جامعی نیازهای مربوط به حوزه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، سلامت جسمی و نیازهای محیطی سالمندان جهت کمک به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صداوسیما در رابطه با مخاطبان سالمند به‌طور جدی

1. Del Bono & et al.

2. Coto & et al.

احساس می‌شود. این پژوهش در راستای شناخت الگوهای استفاده و نیازهای مخاطبان سالمند برنامه‌های صداوسیما یزد و همچنین در جهت ارتقای آگاهی در استفاده از راهکارهایی جهت بهبود کیفیت زندگی سالمندان با استفاده از رسانه و استنتاج و رفع تناقضات موجود در پژوهش‌های پیشین تلاش می‌کند تا به نتایجی کاربردی در این زمینه دست یابد. وجه نوآورانه پژوهش حاضر بررسی موضوع از نگاه خبرگان و متخصصان حوزه‌های سالمندی و رسانه است که پیش‌تر در مطالعات به‌نحوی جامع دنبال نشده است و به‌عنوان یک خلأ، می‌تواند دریچه‌ای جدید برای کمک و راهگشایی بیشتر جهت برنامه‌سازی در حوزه سالمندان باشد.

### ۳. ملاحظه‌های نظری

برای ایجاد حساسیت بیشتر نظری و اشراف لازم موضوعی در خصوص مخاطب پژوهی سالمندان، در این بخش تلاش می‌شود تا رویکردهای نظری متفاوتی که در ارتباط با رسانه و مخاطب و نیازهای دوران سالمندی ارائه شده است، بررسی شود و از این طریق زمینه‌ای برای دستیابی به چهارچوب مفهومی مناسب جهت مشخص نمودن حد و مرز مسئله مورد بررسی در راستای انجام بهتر پژوهش فراهم گردد.

#### ۳-۱- رویکردهای سه‌گانه رابطه رسانه و مخاطب

نوع رابطه رسانه با مخاطب در سه رویکرد اصلی طبقه‌بندی می‌شود:

الف. رویکرد مصلحت‌گرایی یا تجویزی: در این رویکرد با رسانه می‌توان مخاطب را تحت تأثیر کامل قرار داد (پدرسالاری رسانه‌ای).

ب. رویکرد مشتری‌مداری: این رویکرد به مخاطب چون مشتری کالای رسانه نگاه می‌کند و به سمت امیال مخاطبان پیش می‌رود. در این رویکرد سود و زیان بنگاه رسانه ارجح است.

ج. رویکرد دوست‌مداری: این رویکرد مخاطب را دوست دارد و ضمن توجه به نیازها، مصالح آنها را نیز در نظر دارد. در این رویکرد رسانه خود را مسئول رضایت مخاطب و رعایت مصلحت او می‌داند (خجسته باقرزاده، ۱۳۹۴، صص. ۱۱-۱۴).

#### ۳-۲. نظریه استفاده و خشنودی

این نظریه بر اساس مفهوم فعالیت مخاطب بنا شده است و تأکید آن بر سوگیری انتخابی مخاطب در استفاده از رسانه بر پایه نیاز و اهدافی که مخاطب اظهار می‌کند،



است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴). چنین گروه‌هایی را در مقوله‌هایی مثل سن، جنس، درآمد یا مذهب می‌توان طبقه‌بندی کرد (خراسانی، ۱۳۸۶).

### ۳-۳. نظریه رشد اریکسون (انسجام در برابر ناامیدی)

اریکسون رشد شخصیت را به هشت مرحله روانی - اجتماعی تقسیم می‌کند. آخرین مرحله پختگی - پیری را دربرمی‌گیرد که با انتخاب بین انسجام خود و یا ناامیدی روبه‌رو می‌شود. این رویارویی موجب شکل‌گیری نوع ارزیابی زندگی می‌شود که آیا درنهایت احساس رضایت از گذشته دارد، یا در مقابل احساس ناکامی به دلیل فرصت‌های از دست‌رفته و ناامیدی شکل خواهد گرفت؛ بنابراین برای سالمند تداعی دائم گذشته مفید نیست، او باید فعال بماند و در روند طبیعی زندگی قرار گیرد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲).

### ۳-۴. نظریه عدم تعهد

این نظریه توسط کامینگز و هنری<sup>۱</sup> تکمیل شده است و از بحث‌برانگیزترین نظریه‌های جامعه‌شناختی در خصوص پیری می‌باشد (فروغ‌عامری و دیگران، ۱۳۸۱). بر اساس عدم تعهد<sup>۲</sup>، فرد در سال‌های میانی عمر، به فناپذیری و مرگ خود فکر می‌کند و کم‌کم با کاهش ارتباطات و برخورد با اجتماع، خود را از دیگران جدا می‌سازد و بخش مهمی از نقش‌های اجتماعی را ترک می‌کند (لاریجانی و تاج‌مزیانی، ۱۳۹۴). براین اساس کناره‌گیری متقابلی میان شخص سالمند و اشخاص در محیط او رخ می‌دهد، فرد به تدریج کمتر در زندگی اجتماعی مداخله می‌کند و متقابلاً اجتماع نیز کمتر از قبل انواع امتیازها را به او ارائه می‌کند (کاراداک، ۱۳۹۱؛ برقی ایرانی، ۱۳۹۲؛ سترسن و آنجل، ۱۳۹۴).

### ۳-۵. نظریه فعالیت

تأکید نظریه فعالیت<sup>۳</sup> بر آن است که هر چه نقش‌های اجتماعی فرد با کاهش مواجه شود، احساس رضایت از زندگی نیز کاهش می‌یابد (Hillier & Barrow, 2014)؛ بنابراین اگر نقش‌های جدید جانشین نقش‌های قدیمی نشود، سالمند نه تنها با موقعیت بلکه با خود نیز ناسازگار و بیگانه خواهد بود. سالمندی موفق مستلزم آن

1. Comings & Henry  
2. Disengagement Theory  
3. Activity Theory

است که سالمند را عهده‌دار نقش‌های جدیدی که از نظر اجتماع ارزشمند است کرد (برقی ایرانی، ۱۳۹۲؛ McDonald, 2011). نظریه فعالیت، سلامتی را در پیری افزایش داده و این موجب کسب جایگاه، روابط، سرگرمی و علایق جدید می‌گردد (افشارکهن و کولیوند، ۱۳۹۴؛ Boudiny & Mortelmans, 2011؛ فروغ‌عامری و دیگران، ۱۳۸۱).

### ۳-۶. نظریه تداوم یا استمرار

نوگارتن<sup>۱</sup> در نظریه تداوم یا استمرار<sup>۲</sup> معتقد است افزایش سن موجب تغییر افراد نمی‌شود بلکه با تداوم و استمرار رفتارشان بیشتر قابل پیش‌بینی می‌گردد (بک، ۱۹۸۹). سعی سالمندان بر آن است که حتی‌الامکان به فعالیت‌های آشنا پرداخته و افراد آشنا را انتخاب کنند (غلامعلی‌زاده و قرشی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین سالمندی بر مبنای این نظریه، وابسته به چگونگی توانمندی افراد در جهت حفظ و استمرار در تداوم مدل زندگی خود است. به این معنا که فرد دارای سازگاری خوب در دوران جوانی، بتواند آن را در سنین بالاتر هم تداوم بخشد (Brunner & Suddarth, 1988).

### ۳-۷. نظریه مبادله

این نظریه معتقد است روابط و عمل متقابل اجتماعی زمانی کامل طرح می‌شود که تمامی شرکت‌کنندگان آن حس کنند که از روابطشان سود می‌برند. افراد نه‌تنها از پاداش‌های مادی منفعت می‌برند، بلکه از پاداش‌های غیرمادی از قبیل عشق، تایید، احترام و... نیز بهره می‌برند. در نتیجه سالمندانی که نتوانند در این رابطه تبادل کاملی داشته نیز خود را در موقعیتی نارسا حس می‌کنند (سام آرام و احمدی بنی، ۱۳۸۶).

اگرچه نظریه‌های مذکور، هر یک می‌تواند رهیافتی جهت برنامه‌سازی برای سالمندان ارائه کند، اما هیچ‌یک نمی‌تواند آن را به نحوی جامع و کابردی توضیح دهد؛ بنابراین این نظریه‌ها، سازنده شبکه‌ای از اطلاعاتند که بر اساس آنها می‌توان با رویکردی ترکیبی از تلفیق این نظریه‌ها، تصمیم‌های هوشمندانه‌ای جهت برنامه‌سازی سالمندان اتخاذ نمود و در تحلیل و تفسیرهای مطالعه حاضر نیز از آنها بهره‌گیری شده است.

1. Neugarten

2. Continuity Theory

3. Exchange Theory



#### ۴. روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناسایی نیازهای رسانه‌ای سالمندان شهر یزد است، جهت جمع‌آوری داده‌ها از طرح تحقیق کیفی، از روش تحلیل مضمون و از شیوه تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها، استفاده شده است که روشی مناسب برای داده‌های متنی است.

محیط پژوهش این مطالعه شهر یزد، مرکز استان یزد، می‌باشد. این شهر از آن جهت می‌تواند محیطی مناسب جهت پژوهش باشد که به لحاظ شاخص‌های مختلف اقتصادی اجتماعی از قبیل سواد و تحصیلات، شهرنشینی و صنعت و اشتغال، جایگاهی بالاتر از متوسط کشوری دارد. از سوی دیگر همچنان فرهنگ مذهبی و بخش کثیری از ویژگی‌های سنتی خانواده را حفظ کرده است. از این رو بستر اجتماعی جالب توجهی را برای پژوهش فراهم می‌کند.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کیفی، کارشناسان رسانه و خبرنگاران در حوزه نیازسنجی سالمندان (در رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی و علوم ارتباطات و علوم اجتماعی) هستند که هر کدام به نوعی با مسائل، چالش‌ها و نیازهای دوره سالمندی آشنا هستند. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند آغاز شد و تا سطح اشباع داده‌ها ادامه یافت. منظور از اشباع نظری زمانی است که افراد نمونه دیگر چیزی به داده‌ها نیفزایند و تضادی نیز با داده‌های جمع شده نداشته باشند (حریری، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۹). بدین ترتیب اطلاعات این مطالعه از طریق مصاحبه با ۱۰ کارشناس و خبره طی یک دوره ۳ ماهه از ابتدای بهمن ۱۳۹۹ تا پایان فروردین ۱۴۰۰ با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها با سؤال‌های کلی آغاز شد و سپس محتاطانه به سمت سؤال‌های خاص دارای ارتباط با موضوع تحقیق پیش رفت. سؤال اصلی پژوهش در خصوص نیازهای رسانه‌ای مخاطبان سالمند یزد از برنامه‌های صداوسیما استان بود که با سؤال‌های فرعی زیر دنبال شد:

- نوع نگاه شما به مقوله سالمندی چیست؟
- سالمندان یزدی چه نیازهایی در حوزه‌های مختلف (اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، مذهبی، اقتصادی و پزشکی و سلامت روانی) دارند؟
- سالمندان چگونه می‌توانند اوقات فراغت خود را بگذرانند؟
- گذران اوقات سالمندان با توجه به شرایط کنونی شیوع کووید ۱۹، چگونه است؟ چه پیشنهادهایی برای مدیریت بهتر این دوران می‌توان ارائه کرد؟ نقش رسانه‌ها و

وسایل ارتباط جمعی در این زمینه چیست؟

- به نظر شما سالمندان تا چه حد از برنامه‌های صداوسیما استفاده می‌کنند؟
- سالمندان چه نوع محتوایی را مناسب برای پخش از صداوسیما استانی می‌دانند؟ و برای پرداختن به هر محتوا چه قالبی را ترجیح می‌دهند؟
- سالمندان چه زمانی را مناسب‌ترین زمان برای پخش برنامه‌های مرتبط با خود می‌دانند؟
- آیا لازم است در برنامه‌سازی رسانه‌ای سالمندان، نیازهایشان بر حسب جنسیت، گروه سنی (سالمندان جوان و میانسال و سالخورده)، وضعیت بومی/ مهاجر بودن در استان و نیز بر حسب شاغل یا بازنشسته بودن متفاوت دیده شود؟
- ضبط مصاحبه‌ها با رضایت کامل مشارکت‌کنندگان صورت گرفت. پیش از انجام مصاحبه، توضیح‌هایی به افراد مورد مصاحبه داده شد. مدت‌زمان جلسه‌ها بین یک تا یک‌ونیم ساعت متغیر بود. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در این روش منبع اصلی داده‌ها، داده‌های متنی ناشی از گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان است. شیوه تحلیل محتوای کیفی روش مناسبی برای تحلیل داده‌های متنی است (Neuendorf, 2002). تحلیل محتوای کیفی کمک می‌کند معنای آنچه که پاسخگویان می‌گویند با توجه به بستر پاسخگو درک شود. اول قدم در این راستا مشخص کردن جدولی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای مربوط به هر فرد بود که تنوع شرکت‌کنندگان در پژوهش را آشکار می‌کند. سپس متن هر مصاحبه چندبار خوانده شد و از گزاره‌های اصلی، یادداشت‌برداری شد، سپس گزاره‌ها خوانده شد و کلمات کلیدی مشخص شد در مواردی که نیاز به یادداشت‌برداری متن بیشتری بود، به متن مصاحبه مجدداً مراجعه می‌شد و به این ترتیب واحدهای معنایی به شکل گزاره‌هایی از دل متن استخراج گردید. مرحله خواندن مصاحبه‌ها چندین بار تکرار شد بازخوانی‌ها کمک کرد تا جزئیات احساسات و عواطف پاسخگو در زمان مصاحبه یادآوری شود تا با توجه به تمام جزئیات معانی استخراج گردد. در مرحله بعد بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات در کلمات کلیدی، مفاهیم انتخاب شدند سپس مفاهیم در دسته‌بندی انتزاعی‌تر تحت عنوان خرده مقوله‌ها قرار گرفتند.
- در پژوهش‌های کیفی، بیش از پایایی بحث اعتبار مطرح است. برای دستیابی به اعتبارپذیری از سه تکنیک استفاده شد. روش اعتباریابی توسط اعضاء، روش مقایسه تحلیل و مرحله بازرسی خارجی از نظارت ناظر طرح بر مراحل پژوهش. «باورپذیر



کردن گزینشی» مدنظر فلیک به‌عنوان یکی از روش‌های افزایش اعتبار و به معنی مستدل کردن متن با نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شد (رستمی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵، ص. ۹۰). در این پژوهش موارد متعددی از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان بیان شده است. در جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش ارائه شده است. دامنه تغییرات سن پاسخگویان بین ۳۰ تا ۵۰ سال است. سطح تحصیلات مشارکت‌کننده در این پژوهش متفاوت است و از تمام سطوح تحصیلی دانشگاهی در نمونه قرار دارند. ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان متأهل و ۳ نفر مجرد هستند. به لحاظ شغلی نیز تلاش شده تا از حوزه‌های متفاوت مرتبط با سالمندی و رسانه در بین مشارکت‌کنندگان حضور داشته باشند.

#### جدول (۱): ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان در بخش پژوهش، ۱۴۰۰

مشارکت‌کننده	سن	مدرک تحصیلی	وضع تاهل	شغل
۱	۳۰	دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی	متاهل	پژوهشگر حوزه سالمندی
۲	۳۴	کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی	مجرد	فعال حوزه طبیعت‌گردی با سالمندان
۳	۳۶	دکتری جمعیت‌شناسی	متاهل	استاد دانشگاه
۴	۳۶	کارشناسی ارشد سلامت سالمندی	مجرد	کارمند آسایشگاه سالمندان
۵	۳۸	کارشناسی ارشد مددکاری	متاهل	مددکار امور سالمندی
۶	۳۸	کارشناسی ارشد سلامت سالمندی	متاهل	کارمند بخش سلامت سالمندی اداره بهداشت
۷	۳۹	کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی	متاهل	استاد دانشگاه
۸	۴۲	دکتری روان‌شناسی	مجرد	استاد دانشگاه و مددکار اجتماعی
۹	۴۵	کارشناس امور رسانه	متاهل	مجری و تهیه‌کننده
۱۰	۵۰	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	متاهل	رئیس خبرگزاری

## ۵. یافته‌های پژوهش

طی تحلیل‌های صورت‌گرفته از مصاحبه با خبرگان و کارشناسان حوزه سالمندی، ۱۰۰ مفهوم در قالب ۲۱ زیرمقوله و ۱۰ مقوله اصلی طبقه‌بندی شد. یافته‌های پژوهش در قالب مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌ها و مفاهیم، برای درک روشن‌تر در جدول ارائه شده است.

### جدول (۲): مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده از مصاحبه با خبرگان و کارشناسان حوزه

#### رسانه و سالمندی به تفکیک ابعاد ده‌گانه

مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
ارتباط حداقلی سالمندان با محیط پیرامون، تأثیر اهمیت وضعیت اقلیمی و آب و هوا در خانه‌نشینی سالمندان، تفکیک سالمندان شهری و روستایی، سالمندی سالم‌تر در روستاها، عدم فعالیت و پویایی سالمندان شهری، فقر امکانات شهری برای سالمندان.	عدم پویایی به‌علت خانه‌نشینی	
فقر فضاهای عمومی برای سالمندان، محافظه‌کاری سالمندان یزدی، عدم مرآده نزدیک با دیگران، بی‌حوصلگی در برقراری ارتباطات.	انزوایطلبی و عدم تعامل‌گری	
سرکوب‌های ناشی از سبک زندگی باقناعت در یزد، باورهای سنتی سالمندان یزدی، تأثیر دوجانبه اعتقادهای مذهبی سالمندان، بی‌سوادی زنان سالمندان، ازدواج زودهنگام، سلامت بیشتر سالمندان فعلی نسبت به نسل سالمند بعدی.	سنت‌گرایی	زندگی نازیسته
عدم توجه کافی به خود، بی‌توجهی به علایق شخصی، اولویت‌دهی به تأمین نیازهای فرزندان، سختگیری و محافظه‌کاری سالمندان یزدی، آموزش اهمیت به خود به سالمندان یزدی.	حس مسئولیت افراط‌گرایانه	
وابستگی سالمندان و اهمیت دریافت انواع حمایت اجتماعی، اهمیت حمایت دولت از سالمندان، لزوم آگاه‌سازی سالمندان برای استفاده از خدمات.	نیاز به حمایت شدن	اهمیت نیازهای مادی و حمایتی
وجود نیازهای مادی در سالمندان بازنشسته، اهمیت امنیت مالی در دوران سالمندی.	لزوم امنیت مالی	
ایجاد انگیزه نسبت به کار و فعالیت قشر سالمند، تشویق به انجام فعالیت در حد توانایی و ظرفیت سالمند، تغییر فضاهای فرهنگی جافتاده در نسل سالمند به نفع یک زندگی مسالمت‌آمیزتر.	لزوم ایجاد انگیزه فعالیت سالمندان	رسالت صداوسیما در قبال سالمندان



مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
سالمندان به‌عنوان مخاطبان اصلی صداوسیما، نیاز سالمندان به رسانه به‌دلیل اوقات فراغت بیشتر، پرشدن اوقات فراغت سالمندان با برنامه‌های صداوسیما.	سالمندان به‌مثابه مخاطبان بالقوه صداوسیما	
خانه‌نشینی محدودیت ایجاد شده توسط کرونا، افزایش شانس ابتلا به افسردگی در سالمندان در دوران قرنطینه خانگی، تشویق سالمندان به داشتن فعالیت جسمی به‌عنوان وظیفه برای صداوسیما، عدم آشنایی سالمندان با فضای مجازی و نیاز سالمندان به برنامه‌سازی در دوران بحران.	مخاطبان سالمند نیازمند برنامه‌سازی ویژه سالمندان به برنامه‌سازی در دوران بحران.	پخش برنامه اثرگذار اما مفرح در دوران بحران (شیوع کرونا)
آموزش غیرمستقیم نکات بهداشتی مرتبط با بیماری کرونا، برنامه‌سازی اثرگذار به‌جای سریع، برنامه‌سازی آموزشی - ترکیبی، ارائه پیام خاص در قالب برنامه، آموزش استفاده از فضای مجازی و پیشگیری از فریب خوردن.	اثرگذاری به جای صراحت	
نقش برنامه‌سازی رسانه در ایجاد ترس سالمندان از بیماری، عدم پخش برنامه با بار منفی.	ساخت برنامه مفرح	
توجه به علایق رسانه‌ای میان سالمندان، نیاز به برنامه‌های سرگرم‌کننده و مفرح، احساس رضایت از فیلم سینمایی، علاقه به برنامه‌های مستند و در حوزه طبیعت، موسیقی مورد پسند سالمند، توجه به ساخت طنز، علاقه سالمندان به برنامه نوستالژیک سرگرم‌کننده، لزوم ساخت برنامه‌های ترکیبی.	برنامه‌سازی در قالب سرگرمی	
پرشدن خلأ نیازهای رسانه‌ای توسط کانال‌های بیگانه، آسیب پخش فیلتری و سانسور شده، استفاده شبکه‌های ماهواره‌ای از خلأهای برنامه‌سازی داخل، پخش برنامه‌های محبوب در ماهواره، اهمیت بالای مخاطب برای رسانه، تلاش مستمر بیگانگان برای جذب اعتماد مخاطب	زیرکی رسانه‌های بیگانه	راهبردهای خلاقانه و تعاملی ساخت برنامه
توجه به علاقه سالمندان به مورد توجه قرار گرفتن، ساخت برنامه‌های محلی، حضور فعالانه سالمند در ساخت برنامه‌های ویژه سالمندان، برنامه گفتگومحور با حضور سالمندان، ایجاد سایت مختص سالمندان، لزوم ساخت برنامه‌های فرهنگی، ساخت برنامه مصاحبه‌ای با خود سالمندان در حوزه آداب و رسوم محلی، ضبط برنامه در محیط مختص سالمندان، برنامه‌سازی توجه به لوکیشن‌های محلی استان یزد.	برنامه‌های تعاملی با حضور سالمندان	
تخصص و مهارت ناکافی در رابطه با نیازهای سالمندی در بین	لزوم هوشمندی	

مفاهیم	زیرمقوله ها	مقوله های اصلی
کارکنان رسانه، عدم مطالبه‌گری و انگیزه پایین در اهل رسانه، لزوم ایده‌برداری سنجیده از برنامه‌های پرمخاطب رسانه‌های خارجی، افکار نسنجیده موجب حذف برنامه‌های پربیننده، هوشمندی در برنامه‌سازی و جذب مخاطب از هر سن، برنامه‌سازی با برنامه و فکر شده، دورنشدن رسانه از خلاقیت، توجه به ایده‌های اجرا نشده در ساخت برنامه برای سالمندان.	در اهل رسانه	
طراحی برنامه‌های کوتاه‌مدت برای سالمندان، برنامه‌های ساده و قابل درک، پخش فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی قابل فهم برای سالمندان، علاقه پایین به برنامه‌های پزشکی یا علمی، نیاز به پخش سریال‌های ساده.	برنامه با حداقل چالش ذهنی	
در نظر داشتن ساعات استراحت سالمندان، زمان خالی بعد از صبحانه تا قبل از ظهر، اوقات فراغت در ساعات اولیه صبح، نیاز به استراحت بعد از نهار، زمان خالی بین شام و خواب شب، زمان خالی از نماز مغرب و عشا تا قبل از ساعت خواب، توجه به زمان‌های پیش از نماز برای برنامه‌سازی.	پخش برنامه در ساعات اولیه صبح و غروب	زمانبندی مناسب پخش برنامه
عدم وجود تفاوت جنسیتی در نیاز رسانه‌ای، عدم نیاز به ساخت برنامه جنسیت‌محور.	عدم نیاز به برنامه‌سازی جنسیت‌محور	برنامه‌سازی جنسیت محور برای سالمندان
تفاوت سطح سواد بین گروه‌های سنی سالمندان، توجه به نیازهای سالمندان کنونی برای جذب مخاطب، عدم پذیرش سالمندی در سال‌های ابتدایی ورود به سن سالمندی، لزوم ساخت برنامه‌های کوتاه‌تر برای سالمندان گروه سنی بالاتر.	توجه به تفاوت سنی گروه‌های سالمندان	برنامه‌سازی سن‌محور برای سالمندان
اثرگذاری بومی یا غیربومی بودن در برنامه گفتگو‌محور، ساخت برنامه با ارائه راهکارهای آن برای سالمندان مهاجر، آموزش تعامل و ارتباطات برای سالمندان در رسانه.	اهمیت بومی یا مهاجر بودن سالمند	برنامه‌سازی برای سالمندان غیربومی
ایجاد نگاه مثبت به فعالیت در سالمندی توسط صداوسیما، لزوم احیای مشاغل قدیمی با کمک سالمندان، توجه به کارآفرینی در سالمندی، ساخت برنامه‌های آموزشی کسب درآمد برای سالمندان غیرشاغل.	تشویق سالمندان به شاغل بودن و داشتن فعالیت	برنامه‌سازی مشوق سالمندی فعال



## ۵-۱. زندگی نازیسته

تأکید این مقوله بر مفهوم زندگی نازیسته بیانگر حس حسرت نسبت به اعمال و رفتاری است که فرد به دلایلی از آن چشم پوشیده است. زیرمقوله‌های آن شامل «عدم پویایی به علت خانه‌نشینی»، «انزوایلی و عدم تعامل‌گری»، «سنت‌گرایی» و «حس مسئولیت افراط‌گرایانه» می‌باشد. در خصوص زیرمقوله «عدم پویایی به علت خانه‌نشینی»، با نظر به وضعیت کالبد شهری و فقر امکانات و فضای عمومی مختص سالمندان در کنار اقلیم استان یزد، مصاحبه‌شوندگان به خانه‌نشینی سالمندان یزدی که منجر به کم‌حرکی آن‌ها شده اشاره داشتند. کارشناس شماره شش معتقد است این امر ناشی از تنبلی سالمندان یزدی نیست و نوعی اجبار تحمیلی است:

«اقلیم یزد دو فصل بیشتر ندارد، یا گرمه یا سرده و هر دو، فصلایی هستن که سالمند را مجبور می‌کنن در خونه بمونه چون نه تحمل سرمای شدید رو داره و نه گرما. این خانه‌نشینی خیلی توی روحیه آنها اثر داره و به خاطر همین بیماری‌هایی مثل دیابت یا چاقی توی یزد خیلی زیاده».

کارشناس شماره پنج نیز مسئله فقر امکانات را مورد توجه قرار داده و معتقد است یزد، نسبت به دیگر استان‌های نسبتاً توسعه یافته کشور در وضعیت نامناسبی از این حیث به سر می‌برد:

«یزد به لحاظ جاذبه‌ها و فضاهای عمومی در مقایسه با یک شهر نسبتاً توسعه یافته خیلی فقیره و حتی حداقل‌های مورد نیاز رو در فضاهای عمومی هم ندارد».

«انزوایلی و عدم تعامل‌گری» از دیگر مواردی است که با عنایت به بافت فرهنگی استان یزد به آن توجه شد و مصاحبه‌شوندگان به تمایل کم سالمندان یزدی به داشتن ارتباط و محافظه‌کاری آنان اشاره داشتند. برای نمونه کارشناس شماره یک در این باره به مقایسه سالمندان مناطق غربی کشور با استان یزد می‌پردازد:

«من اصالتاً از غرب ایرانم، سالمندان یزدی از نگاه ما بیرونی‌ها خیلی محتاط و محافظه‌کارن، خیلی کم میشه باهاشون ارتباط گرفت درحالی‌که مثلاً پیرزن‌های استان‌های غرب ایران منتظر هستن کسی رو ببینن باهاش صحبت کنن. اما اینجا گاهی توی روستاها میرم سمت پیرزنا که صحبت کنیم خیلی گارد دارن، یعنی فوراً چادرشون رو جلوی صورتشون می‌گیرند و اصلاً فرار می‌کنند».

کارشناس شماره هشت نیز مشهودترین تفاوت سالمندان یزدی با دیگر سالمندان را در تعامل‌ها و مراوده‌های آنها شناسایی کرده:

«اصلی‌ترین مسئله سالمندان یزدی تعاملات ضعیفشونه، چراکه یزد امکانات خاص یا طبیعت سبزی برای بیرون بردن سالمند به اون شکل نداره و شخص سالمند از نظر روانی و اجتماعی در مضیقه هست و در بهترین حالت فقط فرزندان و خانواده خودش رو میبینه».

در ادامه تعدادی از کارشناسان مصاحبه‌شونده، با توجه به بافت سنتی و مذهبی خاص حاکم بر استان یزد، به مفهوم «سنت‌گرایی» در سالمندان یزدی اشاره داشتند. کارشناس شماره چهار با اشاره به این سبک زندگی همراه با قناعت در یزد، احتمال وجود سرکوب در قشر سالمند یزدی را قابل توجه می‌داند:

«سالمندان فعلی یزد به دلیل روحیه قناعت و سازگاری که باهاش بزرگ شدند به نظر می‌رسه آدم‌های سالمی باشند، اما همون مسئله قناعت اگر به درستی منتقل نشده باشه می‌تونه سرکوب‌های زیاد آسیب‌زننده‌ای به دنبال داشته باشه. از سوی دیگر کارشناس شماره پنج نیز به دوسویه بودن تأثیرهای بافت مذهبی اشاره می‌کند:

«سالمندان ما عمدتاً آدمای مذهبی هستن و این از دو جهت قابل بررسیه، اول اینکه آرامش و پذیرششون بالاست و چون توکل دارن سریع ناامید نمیشن، از طرف دیگه بافت مذهبی میتونه باعث بشه که اونا روحیه بانشاطی نداشته باشن».

در مضمون «حس مسئولیت افراط‌گرایانه» کارشناسان به عواملی همچون عدم توجه به لذات شخصی، توجه بیش از اندازه سالمندان یزدی به فرزندان خود و نادیده گرفتن خواسته‌های خود در مقابل دیگران اشاره داشتند. در این باره کارشناس شماره سه با مقایسه وضعیت کلی سالمندان ایرانی و به‌طور خاص سالمندان یزدی با خارجی بیان می‌کند:

«دائماً به فرزند و حتی نوه نتیجه‌ها فکر می‌کنن که تأمین باشن درحالی‌که سالمندان خارجی پول رو خرج خودشون و تفریحاتشون از جمله سفر و لذت‌های این چنینی می‌کنن. باید فرهنگ‌سازی جدی در این زمینه صورت بگیره که سالمند برای راحتی و لذتش خرج کنه».

کارشناس شماره دو با صحبت از مضامین درد دل سالمندان، حسرت اصلی آنها را عدم توجه کافی به خود می‌داند:

«گاهی وقتاً می‌بینم سالمندان موقع درد دل میگن ما هیچ وقت نتونستیم برای خودمون زندگی کنیم، همیشه یا داشتیم خودمون رو وقف بقیه می‌کردیم یا در حال کار و تلاش بودیم به جای لذت یا تفریح».



## ۵-۲. اهمیت نیازهای مادی و حمایتی

تأکید اصلی مقوله حاضر بر لزوم توجه به حائز اهمیت‌ترین نیازهای سالمندان است. زیرمقوله‌های آن نیز شامل «نیاز به حمایت شدن» و «لزوم وجود امنیت مالی» می‌باشد. نیازهای حمایتی سالمندان به وابستگی سالمندان به درک و مورد حمایت قرار گرفتن توسط دولت، خانواده، آشنایان و اطرافیان اطلاق می‌شود. کارشناس شماره هفت با اشاره به اهمیت سلامت روان سالمندان، به نقش حمایت دولت و تأثیر در کیفیت زندگی سالمندان پرداخت.

«اینکه سالمند از نظر روانی در آرامش باشد شایسته در کیفیت زندگی مؤثره، چون یکسری از محدودیت‌های جسمی بدیهه پیش آمدش، ولی اگر شان سالمند از سوی دولت چه از نظر تأمین مالی و چه از نظر فرهنگ‌سازی حفظ بشه، می‌تونه موجب آسایش بیشترشون باشه و حتی همراهی خانوادشون رو بیشتر به دنبال داشته باشه».

کارشناس شماره شش نیز با مقایسه وضعیت سالمندان در گذشته و حال حاضر به لزوم توجه دولت و سازمان‌های مرتبط با امور سالمندان می‌پردازد.

«در قدیم رسیدن فرد به ریش سفیدی نشانه کسوت و منزلتی بود که کسب می‌شد و در کل ابعاد صاحب‌نظر و فعال بود. ولی الان اعتبار و منزلت سالمند به حداقل رسیده و ترجیح میدن از جامعه و بافت فعالش دور باشن پس لازمه سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی و دولتی، خدمات حمایتی و اجتماعی در خوری به ایشان ارائه نمایند».

«لزوم وجود امنیت مالی» از دیگر زیر مقوله‌هایی بود که در نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها حاصل گردید. کارشناس شماره یک با توجه به سختی‌های دوران سالمندی از اهمیت این امر سخن گفت:

«در جوانی همیشه بزرگترانی وجود دارند که حمایتان کنند، اما در کهن‌سالی با این حقیقت تلخ مواجهید که بسیاری از حمایت‌گراتان از دنیا رفته‌اند، قدرت کار هم تضعیف شده، از مستمری یا حقوق بازنشستگی بهره‌مندید، اما دوران پیری دورانی از کوران حوادث و مشکلاته که نمی‌توانید بدون یک اندوخته امن به استقبال آن بروید».

از سوی دیگر کارشناس شماره نه نیز به اهمیت بالای تأمین بودن مالی سالمندان تأکید می‌کند:

«وضعیت اقتصادی سالمندان اهمیت به‌سزایی حتی در سالم بودن سالمندان دارد. سالمندی که مشکلات اجتماعی و اقتصادی ندارد، فشار روانی و استرس

کمتری دارد، شأن اجتماعی بالاتر دارد و اطرافیانش هم با روی گشاده‌تر میان ستمش، شاید این حقیقت تلخی باشد اما واقعیه و من به چشم می‌بینم سالمندی که تأمین مالی نباشه حتی فرزندان هم طردش می‌کنن».

### ۵-۳. رسالت صداوسیما در قبال سالمندان

این مقوله بر مناسب‌سازی بخشی از برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی به‌صورت ویژه برای قشر سالمند استوار است. عمده تأکید در این مقوله بر سهم بالای صداوسیما در فراغت سالمندان یا به عبارت دیگر ایفای نقش قابل توجه‌ای است که در زمان‌های استراحت سالمندان دارد. در خصوص زیرمقوله «لزوم ایجاد انگیزه فعالیت سالمندان»، به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، از آنجاکه جایگاه پیشکسوتان در آموزش و انتقال تجربه به نسل جوان بر کسی پوشیده نیست و استفاده از این قبیل ظرفیت‌ها کاری بسیار ارزشمند است، لازم است فضاهای فرهنگی در زمینه فعالیت داشتن سالمندان تغییر کرده و امکان مناسبی برای حضور این افراد سالمند پیشکسوت در حد توان فراهم گردد. در این مورد کارشناس شماره یک به نقش بالای صداوسیما برای تغییر این ساحت فرهنگی و تأثیرهای این فعالیت برای سالمندان بیان می‌کند:

«سالمندان ما وقتی سنشون میره بالا خودشون رو خان خونه میدونن! صداوسیما باید قبح موضوع را بشکنه و سالمندان را تشویق کنه فعالیت داشته باشنند. اونجوری خودشون رو جدای از جامعه نمی‌بینن و زندگی مسالمت‌آمیزتری با نسل بعد از خود دارنند».

کارشناس شماره نه نیز به نقش صداوسیما در این زمینه تأکید می‌کند:

«صداوسیما باید در جهت دادن امید و انگیزه به سالمند عمل کنه، رسالتش اینه به سالمند بفهمونه اینکه سنش رفته بالا به معنای ناتوانی و خانه‌نشینی او نیست، اتفاقاً الان باید از تجربیاتش استفاده بشه».

زیرمقوله دیگر به‌دست آمده «سالمندان به‌مثابه مخاطبان بالقوه صداوسیما» بود. به عقیده تعدادی از کارشناسان، با توجه به استفاده کمتر سالمندان از دیگر رسانه‌های اجتماعی به سبب بیگانگی با دنیای فناوری و اینترنت و همچنین داشتن اوقات فراغت بیشتر نسبت به نسل جوان، برنامه‌های صداوسیما مورد علاقه سالمندان است و می‌تواند برایشان علاوه بر جذابیت، مفید واقع شود. کارشناس شماره نه سالمندان را اصلی‌ترین بخش مخاطبان صداوسیما می‌داند:

«سالمندان اتفاقاً مخاطبان اصلی صداوسیما هستند. چون بقیه افراد جامعه بیشتر درگیر مسائل درسی و شغلی هستن وقت خالی‌شون رو با گوشی و اینترنت



می‌گذرونن، ولی نسل سالمند خیلی این فضاها رو نمی‌شناسه».

از نظر کارشناس شماره هفت جذب مخاطب سالمند راحت‌تر از سایر مخاطبان عملی می‌شود:

«اگر برنامه‌ها اصولی طراحی بشن قطعاً جذب مخاطب سالمند از مابقی مخاطبان راحت‌تره، چون بقیه افراد هر زمان اراده کنن انواع سرگرمی و فیلم و سریال در اختیارشونه ولی نسل سالمند چندان با این فضا آشنایی ندارن و خیلی بهتر میتونن با تلویزیون مانوس بشن».

#### ۴-۵. پخش برنامه‌های اثرگذار اما مفرح در دوران بحران

با نظر به این مقوله، در دوره کرونا که وضعیت خانه‌نشینی و قرنطینه موجب تعامل و ارتباط کمتر سالمندان با دیگران و فضای خارج از خانه شده، برای جلوگیری از آسیب باید برنامه‌های با موضوع‌ها و محیط‌های شاد و سرگرم‌کننده برای سالمندان در نظر گرفت. زیرمقوله‌ها شامل «مخاطبان سالمند نیازمند برنامه‌سازی ویژه»، «اثرگذاری به‌جای صراحت» و «ساخت برنامه مفرح» می‌باشند. درخصوص زیرمقوله «مخاطبان سالمند نیازمند برنامه‌سازی ویژه»، کارشناسان معتقدند سالمندان تنها تر از قبل شده‌اند و از کمترین وسایل سرگرم‌کننده نیز چنانچه دیگر اقشار جامعه در اختیار دارند بی‌بهره‌اند، در نتیجه شاید تنها مخاطبان تلویزیون دوران بحران محسوب شوند. کارشناس شماره یک با توجه به این امر، تلویزیون را از مهم‌ترین عناصری می‌داند که می‌تواند به‌عنوان ناجی ایفای نقش کند و سالمند را به داشتن فعالیت تشویق کند:

«با توجه به دوره کرونا سالمند خیلی نمی‌تونه اوقات فراغتتش رو بیرون خونه بگذرونه، پس صداوسیما باید به این موضوع توجه کنه و اونا رو هدف برنامه‌سازی قرار بده و اینکه لازمه فعالیت جسمی داشته باشن رو به سالمند گوشزد کنه».

کارشناس شماره هفت نیز نظری مشابه با دیگران با مضمون تمایل بالای سالمندان برای پیگیری برنامه‌های تلویزیونی و فرصت جذب مخاطب برای تلویزیون از طریق همین فرصت پیش آمده دارد:

«من اصلاً نحوه عملکرد صداوسیما رو در دوره کرونا نپسندیدم، تنها کاری که انجام داد ایجاد ترس بین نسل سالمند بود، دائماً در این دوره شنیدیم که افراد با سن بالا در معرض بیشتر مرگ و میرند، خب مشخصه سالمند از دنبال کردن چنین برنامه‌ای لذت نمی‌بره و ترجیح میده تلویزیون خونه خاموش بمونه».

«اثرگذاری به جای صراحت» از دیگر زیر مقوله‌های به‌دست آمده در نتیجه تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته می‌باشد. تعداد زیادی از کارشناسان مورد مصاحبه معتقدند در دوره همه‌گیری ویروس کرونا، بهتر است موارد مربوط به سلامت از تلویزیون به‌صورت آموزشی برای سالمندان پخش شود، اما نکته مورد توجه، چگونگی این آموزش است که لازم است به‌صورت غیرمستقیم و در قالب برنامه ترکیبی سرگرم‌کننده ساخته شوند. به این معنا که برنامه‌های ساخته شده به‌جای صراحت در بیان هدف، اثرگذاری بالایی داشته باشند. کارشناس شماره شش در رابطه با اهمیت و نوع برنامه‌سازی آموزشی برای سالمندان بیان می‌کند:

«اگر اطلاعات را همین‌طوری در قالب هشدار برای مردم نشون بدیم موفقیت آمیز نیست، بلکه باید شیوه کارآمدتر اتخاذ بشه. اینکه صرفاً زیرنویسی داشته باشیم یا تیزر ساده‌ای پخش کنیم درست نیست، لازمه برنامه اثرگذار ساخته بشه؛ مثلاً ما خبری تحت عنوان «تلخ‌ترین روز یک پزشک» رو دادیم، این مطلب تا به امروز ۳۰ هزار تا بازدید داشته و کلی کامنت که تأثیرگذاریش رو می‌رسونه. درحالی‌که اگر فقط در چند جمله ساده می‌نوشتیم دستان خود را بشوید یا فاصله اجتماعی را رعایت کنید و مواردی از این قبیل هیچ‌وقت این تأثیرگذاری را در آن نمی‌دیدیم.»

کارشناس شماره یک نیز در این‌باره نظری مشابه داشته و نظر خود را این‌چنین بیان می‌کند:

«اگر پیام بهداشتی پزشکی برای سالمند وجود داره باید در قالب برنامه‌های کوتاه فیلمی یا سرگرمی بهشون ارائه بشه نه مستقیماً با برنامه پزشکی کسل‌کننده یا علمی که فرضاً وزیر بهداشت یا پزشکی اومده داره کاملاً آکادمیک صحبت میکنه چون بعیده اصلاً متوجه بشن که این داره چی میگه.»

در زیرمقوله «ساخت برنامه مفرح»، کارشناسان به ساخت برنامه‌های شاد با فضای مفرح برای سالمندان در دوران کرونا جهت افزایش روحیه و درنهایت حفظ سلامت آنان تأکید داشتند. در این‌باره کارشناس شماره هفت چنین نظری دارد:

«صدآوسیمالان باید بدونه که رسالتش حفظ روحیه و پمپاژ جو شادی بین سالمندان، پس تمرکز اصلی باید روی تولید محتوایی باشه که اونا رو از انزوای طلبی و افسردگی دور کنه و علاوه بر القای شادی تشویق به فعالیت و همراهی با جامعه و عزیزانشون کنه.»

کارشناس شماره هشت نیز تلویزیون را مقصر اصلی ایجاد حس ترس سالمندان نسبت به بیماری می‌شناسد و تهیه برنامه نوستالژیک را بهترین گزینه برنامه‌سازی



برای آنان می‌داند:

«تلویزیون با بیان مدام این که سالمندان بیش از گروه‌های دیگر در معرض ابتلا و مرگ ناشی از کرونا هستند، سالمند را دچار ترس می‌کند. درحالی‌که می‌تونه با تهیه برنامه نوستالژیک یا فیلم‌های ایرانی قدیمی و خاطره‌انگیزه سرگرمشون کنه و اگه جایی اطلاع‌رسانی و خبررسانی لازمه خیلی ظریف انجام بشه نه آسیب‌زننده».

## ۵-۵. راهبردهای خلاقانه و تعاملی ساخت برنامه

عمده تأکید این مقوله بر آن است که در فضای رقابتی امروز، برای جلب مخاطب و کنار زدن رقبا لازم است ایده‌های خلاقانه به کار گرفته شود. در شرایطی که مردم هزاران راه و هزاران شبکه تلویزیونی خارجی برای پرکردن اوقات فراغتشان دارند، برگرداندن مخاطبی که دیگر به ما اعتماد ندارد امری جبران‌نشده خواهد بود. زیرمقوله‌های این مقوله شامل «برنامه در قالب سرگرمی»، «زیرکی رسانه‌های بیگانه»، «برنامه‌های تعاملی با حضور سالمندان»، «لزوم هوشمندی در اهل رسانه» و «برنامه با حداقل چالش ذهنی» می‌باشد. زیرمقوله «برنامه در قالب سرگرمی» مبتنی بر آن است که تلویزیون می‌بایست علائق سالمندان را در قالب برنامه‌های سرگرم‌کننده بسازد. کارشناس شماره سه در این باره نمونه‌ای را بیان می‌کند:

«برنامه‌ها باید خیلی شادتر باشن و لازمه یک وضعیت نوستالژیک رو با برنامه ترکیب کرد؛ مثلاً کتاب شازده حمام دکتر پاپلی رو در قالب یک داستان روان تعریف کنن و دربارش توضیح داده بشه، سالمندان چون خودشون مربوط به اون دوره هستن فوق‌العاده براشون لذت‌بخشه. از اهمیت پخش موسیقی هم نباید غافل شد».

کارشناس شماره چهار اما با اشاره به دودستگی در سالمندان یزدی و علائق رسانه‌ای آنان، مناسب‌ترین برنامه برای سالمندان را برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده می‌داند:

«سالمندانی داریم که به‌دنبال برنامه‌های مفرح‌کننده سرگرمشون کنه و از طرفی سالمندانی داریم که به‌شدت به مسائل مذهبی علاقه‌مندند، اما نظر شخصی من اینه که ساخت برنامه‌ها باید بره به سمت شاد بودن تا روحیه سالمندان هم در سطح بالا حفظ بشه و جذب بشن».

«زیرکی رسانه‌های بیگانه» نیز از مواردی بود که از توجه کارشناسان دور نماند. کارشناسان مصاحبه‌شونده معتقدند به سبب تنوع موجود، جذب مخاطب به سختی صورت می‌پذیرد و رسانه‌های داخلی با غفلت در حال از دست دادن مخاطبان خود هستند. لازم به ذکر است که از جمله مسائلی که در حوزه برنامه‌سازی توسط

مصاحبه شوندگان مورد توجه قرار گرفت پخش موسیقی برای سالمندان است. کارشناس شماره پنج در این باره چنین نظری دارد:

«شبکه‌های ماهواره‌های خالی ما رو به راحتی پرمی‌کنند چون از نیازها آگاهند و به نفع برنامه‌سازی خود استفاده می‌کنند؛ مثلاً در مورد موسیقی می‌بینیم که کانال‌های مخصوص پخش موسیقی وجود داره و انتخاب موسیقی‌های برتر توسط مردم صورت می‌گیره. یعنی ما خودمان خلأ ایجاد می‌کنیم و اونا این خلأها رو پر می‌کنند».

کارشناس شماره دو نیز مثالی در این رابطه بیان می‌کند:

«یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای، برنامه‌ای داره که آدم رو برمی‌گردونه به ۶۰ سال پیش و نشون میده به چه شکل بوده وضعیت، هر دو نسل سالمند و جوان از دیدنش لذت می‌بره. این قبیل کارو بتونیم کپی کنیم می‌تونه خیلی مخاطب جذب کنه چون خاطرات زیادی رو یاد سالمندان می‌ندازه. همچنین پخش موسیقی که نسل قدیم می‌پسندن در رسانه چیزیه که بهش توجه نمیشه».

در خصوص «برنامه‌های تعاملی با حضور سالمندان» مطابق با گفته کارشناسان، ساخت برنامه‌های دوسویه و تعاملی که حالت منفعل نداشته باشند و موجب همزادپنداری و ارتباط گرفتن مخاطب سالمند با صاحب رسانه گردد، باید مورد توجه قرار گیرد. کارشناس شماره سه ایده خود را در راستای ساخت چنین برنامه‌ای برای سالمندان این چنین بیان می‌کند:

«این همه خونه قدیمی تو یزد داریم که میتونه لوکیشن فیلمبرداری باشه، همیشه سالمندان یزدی و توریست‌های سالمند رو هر هفته توی این خونه‌ها دور هم جمع کرد و یه دورهمی گفتگو محور تشکیل بشه. اصلاً همیشه یک دهکده سالمندان داشته باشیم و اونجا علاوه بر اینکه یک لوکیشن فیلم‌برداری و ضبط برنامه همیشه، محل تفریح و گذران اوقات فراغت سالمندان هم باشه».

کارشناس شماره شش نیز ایده دیگری را در این زمینه بیان می‌کند:

«منی‌دونید یه سالمند چقدر خوشحال میشه از اینکه بهش توجه بشه. پدر خانم من یک خاطره را زمانی که زنده بود شاید برای من ۵۰ بار تعریف کرد و من حفظ بودم، اما همیشه مثل بار اول گوش می‌دادم و طوری واکنش نشون می‌دادم که خیلی برام جالبه. این ایده خوبه که یک برنامه بسازند و اسمش رو بگذارند «جوانان دیروز»، با استفاده از خود سالمندان این برنامه را بسازند، خودشون حرف بزنن و خاطره بگن».



بر اساس زیرمقوله «لزوم هوشمندی در اهل رسانه» لازم است از متخصصان خبره در حوزه تولیدهای رسانه‌ای بهره گرفته شود. این درحالیست که بعضاً دیده می‌شود کارکنان این حوزه، با به‌کارگیری ایده‌های سطحی و غیرحرفه‌ای موجب ساخت برنامه‌های نه‌چندان اصولی و درنهایت ریزش مخاطب می‌گردند و نبوغی که از یک شخص فعال حوزه رسانه انتظار می‌رود را دارا نمی‌باشند. برای نمونه کارشناس شماره شش مثالی در این زمینه مطرح می‌کند:

«شناسایی نیاز هنر رسانه‌ست و بی‌سوادى توى رسانه‌هاى ما بيداد می‌کنه. من خبرنگاری رو می‌شناسم که میکروفون را می‌گرفت جلو مسئول و می‌گفت هر چی دوست داری بگو! اینکه نشد خبرنگاری، باید مطالبه‌گری کنی و به چالش بکشیش، اینو که شخص عادی هم بلده انجام بده».

کارشناس شماره هشت چاره جذب مخاطب بیشتر را به‌کارگیری ایده‌های جدید برنامه‌سازی می‌داند:

«کارهای جدید اگه سنجیده و فکرشده باشه پرمخاطبه. وقتی می‌دونیم سالمند چقدر از مورد توجه قرار گرفتن و بازگویی خاطرات زندگی برای دیگران لذت می‌بیره، چرا با هوشمندی برنامه جدیدی تهیه نکنیم که با حضور خودشون باشه؟ سالمند دیگه به سخنرانی و نصیحت شنیدن از دیگران نیاز نداره، بلکه باید از پتانسیل خودشون برای بها دادن و جذب بیشترشون استفاده کنیم».

بر اساس زیرمقوله «برنامه با حداقل چالش ذهنی»، ایجاد میل و رغبت برای مخاطبان سالمند با ساخت برنامه‌های قابل فهمی که حداقل چالش ذهنی را برای ایشان ایجاد کند، حاصل می‌گردد. کارشناس شماره سه در رابطه با این موضوع معتقد است که باید شرایط و آستانه خستگی سالمندان در نظر گرفته شود:

«مدت برنامه باید مناسب باشه، مثلاً برنامه ۴ ساعته نباید برای سالمند طراحی بشه، برنامه باید کوتاه و سرگرم‌کننده باشه که القای خستگی نکنه».

کارشناس شماره یک نیز نظر خود را در این رابطه این‌چنین بیان می‌کند:

«بعیده که سالمند از برنامه گفت‌وگومحور حتی در حوزه پزشکی لذت بیره. سریالی مثل حضرت یوسف رو حتی چندین بار ممکنه ببینن و تمام اون چند بار لذت بیرن چون قابل فهمه، اما فیلمی مثل جدایی نادر از سیمین که نیاز به چالش ذهنی داشته باشه رو نه».

## ۵-۶. زمان‌بندی مناسب پخش برنامه

با در نظرگیری شرایط ویژه سالمند و ساعات استراحت یا انجام امور شخصی، مناسب‌ترین زمان برای پخش برنامه‌ها در اولویت اول، ساعات اولیه صبح، به لحاظ سحرخیزی سالمندان و همچنین در اولویت دوم، ساعات پیش از اذان مغرب است که استراحت بعد از نهار انجام شده و منتظر اذان برای خواندن نماز، بازدیدهای احتمالی و خواب شبانه‌گاهی هستند (پخش برنامه در ساعات اولیه صبح و غروب). کارشناس شماره چهار در این رابطه چنین نظری دارد:

«صبح برای نماز بیدار میشن، صبحانه میخورن و دیگه بیدارن تا حدود ساعت ۱۱ به بعد که برای نهار و استراحت بعد از نهار یک زمانی صرف میشه. بعد از ظهر و شب هم احتمال وجود فرزندان یا مهمانی‌هایی که بتونه زمان رو پرکنه وجود داره. بنابراین ساعات اولیه صبح یعنی ۷ تا ۱۱ میتونه زمان خوبی باشه».

کارشناس شماره نه نیز در این رابطه می‌گوید:

«صبح‌ها فرزند و نوه و خلاصه همه اطرافیان سالمندان به‌نحوی مشغول درس و کار و این قبیل مسائلمند، سالمندان هم زود از خواب بیدار میشن، پس این زمان بهترین وقتی هست که میشه به دیدن تلویزیون اختصاص بدن، زمان ایدئال بعدی هم زمان پیش از نماز مغربه که نهار و استراحت تمام شده و کاری برای انجام نیست».

## ۵-۷. برنامه‌سازی جنسیت‌محور برای سالمندان

از نظر کارشناسان نیازهای رسانه‌ای دو جنس تفاوت چندانی ندارد و زیرمقوله «عدم نیاز به برنامه‌سازی جنسیت‌محور» به‌دست می‌آید. کارشناس شماره دو در این‌باره معتقد است:

«برنامه باید جهت رفع نیازهای مرتبط با سالمندی دو جنس و به‌صورت کلی در نظر گرفته شود و تفاوت عمده‌ای میان نیازهای رسانه‌ای دو جنس وجود ندارد».

کارشناس شماره چهار نیز معتقد است تفاوت فاحشی در نیاز رسانه‌ای دو جنس وجود ندارد:

«در مورد جنسیت به عقیده من این تفاوت نیاز اونقدری نیست که نیاز باشه برنامه تفکیکی برای سالمندان زن و مرد ساخته بشه».



## ۸-۵. برنامه‌سازی سن محور برای سالمندان

بنا به نظر افراد مورد مصاحبه، میان گروه‌های سنی مختلف سالمندان تفاوت وجود دارد و می‌توان برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای مجزا برای هر گروه سنی با توجه به شرایط ویژه آن گروه سنی در نظر گرفت که در این خصوص زیرمقوله «توجه به تفاوت سنی گروه‌های سالمندان» استخراج شده است. از جمله تفاوت‌های موجود در بین گروه‌های سنی سالمندان، وضعیت سواد آن‌هاست که کارشناس شماره پنج به آن اشاره می‌کند:

«سالمندان بالاتر از ۸۰ سال عمدتاً بی‌سواد یا کم‌سوادند، اما سالخورده‌گان جوانتر مربوط به دوره‌ای هستند که آموزش رسمی جا افتاده بود. هرچه سواد بیشتر باشد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضاهای غیر از تلویزیون هم برایشان بیشتره». کارشناس شماره دو نیز معتقد است برنامه برای سنین بالاتر باید کوتاه‌تر و ساده‌تر باشد:

«معمولاً توانایی جسمی و روحی سالمندان در سنین بالاتر مثلاً ۷۴ تا ۸۵ سال و سالمندان خیلی پیر یعنی بالای ۸۵ سال نسبت به سالمندان جوان‌تر کمتر است. پس لازم است تا برنامه‌هایی کوتاه‌تر و با حداقل خستگی برای سنین بالاتر در نظر گرفته شود».

## ۹-۵. برنامه‌سازی برای سالمندان غیربومی

تمایزات و تفاوت‌های میان سالمندان مهاجر و غیربومی به عقیده مصاحبه‌شوندگان، زیرمقوله «اهمیت بومی یا مهاجر بودن سالمند» را شکل داد. کارشناس یک در این رابطه بیان می‌کند:

«قطعاً کسانی که بومی هستند و با لهجه محلی آشنا هستند برایشان برنامه‌هایی که با لهجه محلی پخش بشه جذابه ولی اگر مهاجر باشند نه؛ بنابراین در برنامه گفتگو محور باشه اثرگذاره».

کارشناس شماره هشت همچنین در این رابطه معتقد است:

«فرق میکنن این دوتا سالمند، چون سالمند بومی معمولاً دغدغه‌مندی‌های مربوط به شهرش رو داره و احتمال اینکه اخبار و گزارش‌های مربوط به استان رو دنبال کنه خیلی بیشتره».

## ۵-۱۰. برنامه‌سازی مشوق سالمندی فعال

در این مقوله با تأکید بر اهمیت اشتغال و فواید آن برای سالمندان، رسالت مهم صداوسیما مسئله تشویق سالمندان به داشتن فعالیت است؛ برای نمونه کارشناس پنج این مسئله را این چنین مورد توجه قرار می‌دهد:

«فعالیت فوق‌العاده اثرگذاره برای سالمند. صداوسیما باید به سالمند بفهمونه بیکار بودن خوب نیست و بهتره فعال باشه. این کار می‌تونه حتی یه کار خونگی خیلی ساده مثل بسته‌بندی باشه».

کارشناس شماره سه در این رابطه این چنین بیان می‌کند:

«سالمندان ما خیلی توانایی‌ها دارن که داره به فراموشی سپرده میشه مثل گیوه‌بافی یا صنایع دستی خاص که اگه امروز به کسی یاد ندن برای همیشه تمومه. پس کارآفرینی در سالمندی خیلی جای کار داره و برنامه‌سازی جهت ایجاد این فرهنگ باید جدی گرفته بشه».

### نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر تلاش بر آن بود تا نیازسنجی برای سالمندان مخاطب صداوسیما و رسانه انجام گیرد. سؤال‌هایی در این زمینه برای فهم نظام فکری کارشناسان در رابطه با این موضوع مطرح شده و به آن سؤال‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان پاسخ داده شد. در ادامه ضمن جمع‌بندی پاسخ‌ها به ارائه پیشنهادهایی در این زمینه پرداخته می‌شود.

در پاسخ به سؤال اول که در مورد نیازهای سالمندان یزدی است، تحلیل پاسخ‌ها نشان داد آنها عمدتاً خشنودی کافی از زندگی ندارند، چراکه غالباً تمایل‌های دیگران به‌ویژه فرزندان خود را ارجح بر خود دانسته‌اند. درحالی‌که حداقل مطالبه‌گری را برای حقوق خود در جامعه دارند. همچنین خانه‌نشینی مدام آنان به دلیل طبیعت آب‌وهوایی استان، موجب انواع بیماری‌های ناشی از کم‌حرکی شده است. تعامل‌گری آنها به‌ویژه با افراد غیربومی محدود است، که محافظه‌کاری این افراد را تشدید کرده است. بعد اعتقادی در برخی به‌گونه‌ای افراطی شکل گرفته و موجب گردیده غالب زنان این نسل به دلیل تفاوت‌های جنسیتی بیش از مردان بی‌سواد باشند، زودتر ازدواج کنند و قناعت بیشتری در زندگی پیشه کنند. یافته‌های حاصل از پاسخ به سؤال فوق را می‌توان در هماهنگی با نظریه عدم تعهد و نظریه



تعاملی تفسیر کرد که بنابر نظریه عدم تعهد، پیرشدن با عدم تعهد متقابل فرد و جامعه همراه است. فرد رفته‌رفته از مداخله در زندگی اجتماعی باز می‌ایستد و اجتماع نیز کمتر از پیش انواع امتیازات را به او عرضه می‌دارد. شخص سالمند هر اندازه این موقعیت ویژه سالمندی خود را بهتر بپذیرد به همان اندازه بهتر با آن سازگار خواهد شد. بنابر نظریه تعاملی نیز تغییرات سنی منتج از واکنش میان خصوصیات هر فرد، شرایط اجتماعی وی و سابقه نحوه واکنش فرد در برابر اجتماع است؛ بنابراین آگاه‌سازی سالمندان در خصوص پذیرش شرایط سالمندی و حقوق خود، توجه و رسیدگی به جسم و روح خود، مسئله‌ای کاملاً ضروری و حائز اهمیت برای سالمندان یزدیست که لازم است توجه ویژه به آن صورت گیرد.

**در پاسخ به سؤال دوم که سالمندان چگونه می‌توانند اوقات فراغت خود را (به‌صورت ویژه در دوران شیوع همه‌گیری کرونا) بگذرانند؛** کارشناسان نقش صداوسیما را اساسی دانستند. تحلیل پاسخ‌ها نشان داد تغییر فضاهای فرهنگی در راستای ایجاد انگیزه برای بیشتر فعالیت داشتن قشر سالمند از وظایف صداوسیماست. بدیهی است که قشر سالمندان کنونی جامعه پذیرش بالایی از برنامه‌های صداوسیما دارد، چراکه به علت دسترسی کمتری که به فضاهای مجازی دارد، اوقات فراغت بیشتری در اختیار دارد و مخاطب اصلی صداوسیما است. جهت عدم ایجاد فضای جدایی طلبانه و انزوای سالمند از اجتماع، صداوسیما می‌بایست با اتخاذ رویکرد دوستمداری خود را مسئول دانسته و علاوه بر حفظ مخاطبانش، با تشویق آنان به داشتن فعالیت در راستای بالا رفتن کیفیت زندگیشان نیز اثرگذار واقع شود. این یافته همسوی با نظریه‌های فعالیت، عدم تعهد و رشد اریکسون است که در این وضعیت رسانه و به‌ویژه تلویزیون، نقش فرهنگ‌سازی در خصوص درگیر کردن سالمندان با اجتماع و پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی در حد توان سالمند را به عهده دارد. بر اساس نظریه فعالیت می‌توان گفت فعالیت جمعی، مسافرت و سرگرمی‌ها نیز در ایجاد یک سالمندی موفقیت آمیز نقش دارند (وندرزندن، ۱۳۹۶). در خصوص گذران اوقات فراغت سالمندان در ایام شیوع بیماری کووید ۱۹، نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و چگونگی مدیریت بهتر این دوران به‌صورت کلی، با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان چنین بیان کرد که ساخت برنامه‌هایی با مضامین شاد در جهت حفظ روحیه خوب در سالمندان و همچنین برنامه‌های آموزش‌محور به‌گونه‌ای که ایجاد ترس و اضطراب در قشر سالمند نداشته باشد و موجب یادگیری بیشتر و در نتیجه داشتن فعالیت بالاتر در قشر سالمند گردد،

باید در اولویت کار صداوسیما قرار بگیرد. به صورت کلی سالمندان اوقات فراغت و زمان آزاد بیشتری نسبت به دیگر اقشار جامعه در اختیار دارند که در حال حاضر با توجه به شرایط ایجاد شده در نتیجه شیوع بیماری کرونا این زمان‌های آزاد برای سالمندان غالباً در فضای خانه طی می‌شود و تعامل‌های آنان با فضای بیرونی و همچنین دیگر افراد بسیار کاهش داشته است. با این اوصاف و با در نظر داشتن آشنایی کمتر سالمندان با فناوری‌های نوین و فضاهای مجازی، امر اهمیت برنامه‌سازی ویژه و اختصاصی برای سالمندان اهمیت دوچندان می‌یابد. از آنجاکه ابتلا به بیماری کرونا با ضعف سیستم ایمنی رابطه مستقیم دارد و روحیه پایین و افسردگی ناشی از خانه‌نشینی و عدم وجود مراوده‌ها می‌تواند منجر به ضعف بیشتر سیستم ایمنی سالمندان در این دوران گردد؛ بنابراین ساخت برنامه‌های شاد و مفرح بایستی در دستور کار صداوسیما و برنامه‌سازی برای سالمندان قرار گیرد و برنامه‌های با بار منفی به حداقل خود برسد تا نگرانی و ترس از ابتلا به بیماری در سالمندان نیز به کمترین میزان خود برسد. نکته دیگر قابل توجه در خصوص این دوران ساخت برنامه‌های آموزشی است، به این معنا که در خصوص این بیماری آگاهی‌سازی صورت گیرد، اما این آگاهی‌سازی با اصول و ظرافت خاص فضاهای رسانه‌ای باید صورت بگیرد و در قالبی که سرگرم‌کننده باشد و به جای صراحت بالا اثرگذاری قابل توجه داشته باشد باید ساخته شود.

**در خصوص میزان استفاده و نوع قالب و محتوای برنامه مورد علاقه سالمندان جهت دنبال کردن از تلویزیون، بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد برای ساخت برنامه با بیشترین رضایت سالمند بایستی راهبردهای خلاقانه به کار گرفته شود. همچنین با در نظر گرفتن شرایط ویژه سالمند از جمله داشتن آستانه تحمل پایین‌تر و احتمال خستگی زودتر و بیشتر نسبت به دیگر گروه‌های سنی، لازم است که برنامه‌های طولانی مدت برایشان در نظر گرفته نشود. برنامه ویژه سالمند نباید دارای پیچیدگی و ابهام باشد. ساخت برنامه با حضور خود سالمندان و تعامل‌گری و گفتگو با خود آنان می‌تواند رضایتشان را به دنبال داشته باشد، کمالینکه استان یزد نیز فضایی با ظرفیت ایجاد حس نوستالژیک دارد که می‌توان به عنوان لوکیشن ساخت برنامه مورد استفاده قرار داد. زیرکی رسانه‌های بیگانه موجب شده خلأهای رسانه‌ای صداوسیما ملی به نحوی هوشمندانه پر شود که این امر نشان از آن دارد که رسانه ملی نیز باید با تبحر بیشتر برای جذب مخاطب، اهمیت بالاتری به علایق و شرایط مخاطب دهد. در این تعامل با ایجاد حس احترام و خودشکوفایی، سالمند**



می‌تواند به غایت رضایت دست‌یافته و بر اساس نظریه تداوم یا استمرار، نیازش به گزینش و ارتباط با فعالیت‌های آشنا و همچنین افراد آشنا، به نوعی رفع گردد و با احساس سود غیرمعنوی در این نوع از برنامه‌سازی، نظریه مبادله نیز هم‌راستای با نتایج حاصل تأیید می‌گردد. یافته‌های حاصل از این بخش همچنین با استفاده از نظریه استفاده و خشنودی با تأکید بر فعالیت مخاطب و نیاز و اهداف او می‌تواند مورد تفسیر قرار گیرد. با این تفاسیر ساخت برنامه‌های تعاملی با سالمندان می‌تواند بر اساس هم‌نوایی با نقش‌های بارز اجتماعی پرمخاطب واقع شود.

کارشناسان درخصوص بهترین زمان پخش برنامه برای سالمندان معتقدند با توجه به شرایط ویژه سالمندان، از جمله سحرخیزی و آنکه از طرف دیگر بقیه غالباً در ساعات اولیه صبح مشغولیت‌های شغلی یا تحصیلی دارند، ساعات اولیه صبح تا قبل از زمان ناهار و نماز، زمان مناسبی است. از سوی دیگر سالمندان اغلب شب‌ها زودتر از دیگر اقشار می‌خوابند و بعد از خواندن نماز و خوردن شام نیاز به استراحت دارند، بنابراین زمان بعد از استراحت ظهر تا قبل از نماز مغرب دومین زمان ایدئال است.

**در راستای برنامه‌سازی رسانه‌ای مفیدتر با توجه به نیازهای سالمندان یزدی**  
پیشنهادهایی که از سوی خبرگان ارائه شده قابل تأمل است. کارشناسان در رابطه با تفاوت‌های جنسیتی برای ساخت برنامه ویژه سالمندان بیان کردند که باوجود تفاوت‌های جنسی اندک، برنامه‌سازی جنسیتی نباید صورت بگیرد چراکه بخش زیادی از نیازهای رسانه‌ای آنان با یکدیگر هم‌پوشانی دارد. تحلیل پاسخ کارشناسان درخصوص تفاوت‌های برنامه‌سازی برحسب گروه سنی سالمندان (سالمندان جوان و سالخورده) نشان از آن داشت که تفاوت میان گروه‌های سنی مختلف سالمندان در نیازهای برنامه‌سازی وجود دارد. ازجمله آنکه سالمندان گروه سنی بالاتر غالباً سطح سواد پایین‌تر دارند، همچنین از نظر وضع جسمی محدودترند و نیاز به استراحت بیشتر دارند. لذا برنامه‌های کوتاه‌تر و ساده‌تری برای آنها بایستی در نظر گرفته شود. از طرف دیگر افراد در سال‌های ابتدایی سالمندی پذیرش کمتری از سالمندی داشته و به دلیل جدایی ناگهانی از فضای کار به ناگاه احساس ناخوشایند بیشتری نسبت به زندگی خود پیدا می‌کنند. این نتایج می‌تواند با استفاده از نظریه‌ای که در خصوص تفاوت سنی سالمندان وجود دارد تحلیل و تفسیر شود. همچنین همسو در تأیید نظریه استمرار می‌توان بیان داشت که شخص سالمند نیاز به برنامه‌های جدید و هیجان‌انگیز برای دنبال کردن ندارد، بلکه به‌نوعی از برنامه‌سازی نیازمند است که به‌گونه‌ای با کودک درون او و آمال درونی‌اش و

همچنین ارزش‌ها و پای‌بندی‌های او در ارتباط باشد. بنابراین در برنامه‌سازی برای سالمندان نیز نایست از چنین نیازهای غیرمادی برای آنان غافل شد و بایست احترام و شأن و منزلت سالمند را در نظر داشت.

تحلیل پاسخ‌ها نشان داد بین سالمندان مهاجر و بومی برای برنامه‌سازی باید تفاوت قائل شد، چراکه معمول است در شبکه‌های ملی برخی از برنامه‌ها، به‌ویژه برنامه‌های گفت‌وگومحور، با لهجه محلی اجر شود و در این‌صورت فردی که غیربومی باشد نمی‌تواند با برنامه ارتباط درستی برقرار کند و رضایت پایینی از برنامه خواهد داشت. صداوسیما می‌تواند با شناسایی و به تصویر کشیدن نیازهای این دو گروه در راستای رفع آن اقدام به برنامه‌سازی کند. کارشناسان بیان کردند از آنجاکه داشتن شغل و انجام فعالیت، می‌تواند در سالمندان ایجاد انگیزه کند که نگاه مثبت‌تری به زندگی داشته باشد، یکی از رسالت‌های مهم صداوسیما تشویق سالمندان به داشتن فعالیت و احیای برخی حرفه‌ها و مشاغل قدیمی توسط سالمندان است تا علاوه بر کسب درآمد بیشتر، حس بهتری به خود در دوران سالمندی داشته باشند. با توجه به این مهم که سیاست‌گذاری رسانه‌ای در جهت توسعه اهداف و هنجارهایی که ساختارهای سیستم رسانه‌ای را شکل می‌دهد دارای ابعاد آشکار و گاه پنهانی می‌باشد (محمدی و نصراللهی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۷)، پیشنهاد می‌شود در راستای حفظ مخاطب به‌عنوان یکی از اهداف اصلی صداوسیما، همزمان با شناسایی گروه‌های مختلف سنی و جنسی سالمندان و توجه به ویژگی‌های هر گروه، ضمن ارزش قائل شدن به خواست مخاطب سالمند و علاقه‌مندی‌های او، ذائقه‌سازی در مخاطب به‌صورت بسیار تدریجی و غیرمستقیم صورت گیرد.

## فهرست منابع

- ارشاد سرابی، رقیه؛ قصابی چورسی، مهدی و مسلمی‌زاده بتول (۱۳۹۹). ارزیابی نیازهای آموزشی سالمندان شهرستان سیرجان در مورد سبک زندگی سالم، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷. *سالمندشناسی*، ۴(۴)، ۶۸-۷۸.
- افشارکهن، جواد و کولی‌وند، شکوبا (۱۳۹۴). مطالعه ساختاریافته کیفیت زندگی سالمندان در ایران (۹۲-۱۳۸۳). *سالمند*. *مجله سالمندی ایران*، ۱۰(۳)، ۱۹۲-۲۰۱.
- برقی ایرانی، زیبا (۱۳۹۲). *اثر بخشی شناخت - رفتار درمانگری سالمندی (CBTO) بر بهبود نشانه‌های مرضی، همبسته‌های شناختی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).



- روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- بهشتی، محمود؛ هرمزی‌زاده، محمدعلی و زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۸). مطالعه اسلوب های اختصاصی شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی برای جلب اعتماد مخاطبان: مطالعه موردی خبر ۶۰ دقیقه. فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری. ۱۳(۳)، ۸۷-۱۱۵.
- حسینی‌زارع، سیده محبوبه؛ تاجور، مریم؛ عبدی، کیانوش، اصفهانی، پروانه و گراوند، بابک و پرورضا، ابوالقاسم (۱۳۹۹). گذران اوقات فراغت و ارتباط آن با سلامت روان سالمندان شهر تهران در سال ۱۳۹۷. سالمند: مجله سالمندی ایران، ۱۵(۳)، ۳۶۶-۳۷۹.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خجسته باقرزاده، حسن (۱۳۹۴). جزوه درسی مدیریت رسانه. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- خراسانی، احمد (۱۳۸۶). رسانه و مدگرایی جوانان. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مدیریت رسانه، تهران، ایران.
- رستمی، میلاد و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی و پیامدهای آن (مطالعه موردی: روستای حسن‌آباد در شهرستان دلفان). توسعه اجتماعی. ۱۱(۱)، ۷۳-۱۰۲.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی موقعیت و جایگاه سالمندان در جوامع گذشته و معاصر. سالمند: مجله سالمندی ایران، ۳(۴)، ۱۰-۲۱.
- سام آرام، عزت‌الله و احمدی، بنی‌زیبا (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت سالمند در خانواده (مقاله پژوهشی). سالمند: مجله سالمندی ایران، ۲(۲)، ۲۶۹-۲۷۹.
- سترسن، ریچارد و آنجل، زاکلین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سالمندی: روندها و نظریه‌ها. ترجمه مجتبی امیری و مرجان صفاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شریعت، فریبا؛ مرادی، فاطمه و قهرمانی، رضا (۱۳۹۴). بررسی نیازهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و ساختار شهری اعضای کانون سالمندان شهر تهران. سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۰(۳)، ۸-۲۵.
- شریفیان‌ثانی، مریم؛ زنجری، نسیم و صادقی، رسول (۱۳۹۵). الگوهای گذران وقت سالمندان ایرانی و هم‌بسته‌های اقتصادی اجتماعی آن. نشریه سالمند، ۱۱(۳)، ۴۰۰-۴۱۵.

- شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه سید یحیی محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- شیخی، محمدتقی و جواهری، محمود (۱۳۹۵). *سالمندان و خدمات اجتماعی در ایران*. فصلنامه جمعیت، ۲۳(۹۵) و ۹۶، ۵۱-۷۰.
- عربزاده، مهدی (۱۳۹۶). *رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با سرزندگی ذهنی در سالمندان*. سالمند، ۱۲(۳)، ۱۷۰-۱۷۹.
- غلامعلی‌زاده، حمزه و قرشی، سیده صدیقه (۱۳۹۴). *بررسی نظریه‌های سالمندی و چگونگی استفاده از آنها در طراحی فضاهای زیست سالمندان*. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- فروغ‌عامری، گلناز؛ گواری، فاطمه؛ نظری، طاهره؛ رشیدی‌نژاد، معصومه و پوران افشارزاده (۱۳۸۱). *تعاریف و نظریه‌های سالمندی*. مجله حیات، ۸(۱)، ۴-۱۳.
- قلی‌زاده، سمانه؛ استاجی، زهرا؛ اکرمی، رحیم و قنبری‌مقدم، اکرم (۱۳۹۸). *شناسایی نیازهای مرتبط با سلامت سالمندان شهر سبزوار در سال ۱۳۹۸*. *سالمندشناسی*، ۴(۳)، ۶۸-۷۵.
- کاراداک، ونسان (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی پیری و پیرشدگی*. ترجمه سوسن کباری، تهران: جامعه‌شناسان.
- لاریجانی، مهدیه و تاج‌مزیانی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). *بررسی عوامل تأثیرگذار بر مطروودیت اجتماعی سالمندان (شهر ورامین)*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۵۹)، ۵۷-۷۴.
- محمدزاده، رحمت (۱۳۹۴). *تحلیل فضاهای گذران اوقات فراغت سالمندان پارک گلستان شهر تبریز و ارائه راهکارها*. *هویت شهر*، ۹(۲۳)، ۴۷-۵۸.
- محمدی، حمید و نصرالهی، اکبر (۱۴۰۰). *راهبردهای رسانه ملی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۰(۳)، ۵۶۷-۵۹۴.
- محمدی، حمید و نصرالهی، اکبر (۱۴۰۰). *راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۰(۱)، ۱۲۷-۱۵۶.
- مداح، سید باقر (۱۳۸۸). *وضعیت فعالیت‌های اجتماعی ونحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان ایران و سوئد*. *سالمند: مجله سالمندی ایران*، ۳(۸)، ۵۹۷-۶۰۶.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵).
- مهدی‌زاده، شهراره (۱۳۸۴). *تلویزیون، مخاطب و نگرش نو*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۴)، ۱۸۵-۲۱۱.
- وندرزندن، جیمز (۱۳۹۶). *روانشناسی رشد*. ترجمه حمزه گنجی، تهران: ساولان.



- Boudiny, K. & Mortelmans, D. (2011). A critical perspective: Towards a broader understanding of 'active ageing'. *Sensoria: A Journal of Mind, Brain and Culture*, (7), 8-14.
- Brunner, Lillian & Suddarth, Doris (1988). *Text book of medical surgical nursing*. Philadelphia: J.B. Lippincott Co.
- Carvalho, D.; Silva, T. & Abreu, J. F. (2019). *Interaction Models for iTV Services for Elderly People*. In book: *Applications and Usability of Interactive TV* (89-98).
- Chen, Y.-R.R.; Schulz, & P.J. (2016). The effect of information communication technology interventions on reducing social isolation in the elderly: a systematic review. *J. Med. Internet Res.* 18(1).
- Coto, M.; Lizano, F.; Mora, S. & Fuentes, J. (2017). *Social Media and Elderly People: Research Trends*. In: Meiselwitz, G. (eds) *Social Computing and Social Media. Applications and Analytics*. SCSSM 2017. Lecture Notes in Computer Science, vol 10283. Springer, Cham.
- Del Bono, Emilia & Sala, Emanuela & Hancock, Ruth & Gunnell, Caroline & Parisi, Lavinia (2007). *Gender, older people and social exclusion: a gendered review and secondary analysis of the data*. ISER Working Paper Series 2007-13, Institute for Social and Economic Research.
- Dumbrell, D. & Steele, R. (2014). Privacy perceptions of older adults when using social media technologies. In: *Healthcare Informatics and Analytics: Emerging Issues and Trends: Emerging Issues and Trends*, 67.
- Erickson, L.B. (2011). *Social media, social capital, and seniors: the impact of Facebook on bonding and bridging social capital of individuals over 65*. In: Presented at the AMCIS.
- Graham, S. E. (2015). *The relationship between standard of living and quality of life for older New Zealanders*. Wellington, New Zealand: Massey University.
- Hillier, S. M. & Barrow, G. M. (2014). *Aging, the individual, and society*. U S A: Cengage Learning.
- Hutto, C.J. & et al. (2015). *Social Media Gerontology: Understanding Social Media Usage Among Older Adults*. 1 Jan. 69-87.
- Jeong E-H. & Park J-H. (2020). *The relationship among leisure activities, depression and quality of life in community-dwelling elderly Koreans*. *Gerontol Geriatr Med.* 6:2333721420923449.
- Lin, S. H. & Chou, W. H. (2013). Developing a social media system for the Taiwanese elderly by participatory design. *Bull. Jpn. Soc. Sci. Des.* 60(3), 39-48.
- McDonald, L. (2011). Retirement. In I.S. Hamilton (Eds.), *An Introduction to Gerontology* (251-282), Cambridge University Press, Chapter DOI: <http://dx.doi.org/10.1017/CBO9780511973697.009>
- Neuendorf, K. A. (2002). *The Content Analysis Guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Population Reference Bureau (2018). *World population data sheet*. Available in English and French at [Worldpopdata.Org](http://Worldpopdata.Org).

- Silva, T.; Abreu, J.; Antunes, M.; Almeida, P.; Silva, v. & Santinha, G. (2016). Interactive Television as a Support to Push Information about Social Services to the Elderly. Academic research paper on "Economics and business".
- Yang, Y.; Yuan, Y.; Archer, N. & Ryan, E. (2016). *Adoption of social media and the quality of life of older adults*. In: Presented at the 2016 49th Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS), 3133-3142.

## References

- Afsharkohan J, Koolivand S. (2015). Structured Study of the Quality of Life in the Elderly in Iran (2004-13). *Salmand: Iranian Journal of Ageing*; 10(3), 192-201. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-764-fa.html>. (In persian)
- Alikhani, V. (2002). Old age from different viewpoints, Tehran, Publications of the Association of Parents and Teachers. <https://www.gisoom.com/book/11066240>. (In persian)
- Ameri G, Govari F, Nazari T, Rashidinejad M, Afsharzadeh P. The adult age theories and definitions. *Journal of Hayat* 2002; 8(1), 4-13. <http://hayat.tums.ac.ir/article-1-307-fa.html>. (In persian)
- Arabzadeh M. Relationship between Basic Psychological Needs and Mental Vitality in the Elderly. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2017; 12(2), 170-179. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-1149-fa.html>. (In persian)
- Barghi Irani, Z. (2013). Effectiveness of cognitive-behavioral therapy for geriatrics (CBTO) on improving disease symptoms, cognitive correlates, master's thesis, general psychology, Payam Noor University. (In persian)
- Beck & et al. *Mental health psychiatric Nursing* (1989). Second edition, st: Louis Washington D.C. Co.
- Beheshti, M.; Hormozizadeh, M. A. & Zabolizadeh, A. (2019). A Study on the Techniques Used in BBC Persian News Broadcasts to Build Trust with the Audience: A Case Study of 60-Minutes News. *Quarterly Scientific Journal of Audio-Visual Media*, 13(31), 87-115. (In persian)
- Bono, Emilia & Sala, Emanuela & Hancock, Ruth & C, Gunnell & Parisi, Lavinia. (2007). Gender, Older People and Social Exclusion. A Gendered Review and Secondary Analysis of the Data. Institute for Social and Economic Research, ISER working papers. [https://www.researchgate.net/publication/5017927\\_Gender\\_Older\\_People\\_and\\_Social\\_Exclusion\\_A\\_Gendered\\_Review\\_and\\_Secondary\\_Analysis\\_of\\_the\\_Data](https://www.researchgate.net/publication/5017927_Gender_Older_People_and_Social_Exclusion_A_Gendered_Review_and_Secondary_Analysis_of_the_Data)
- Boudiny, Kim & Mortelmans, Dimitri. (2011). a Critical Perspective: Towards a Broader Understanding of 'Active Ageing'. *E-Journal of Applied Psychology*. 7. 8-14. 10.7790/ejap.v7i1.232.
- Brunner, Lillian and Suddarth, Doris (1988) *Text book of medical surgical nursing*. Philadelphia: J.B. Lippin cott Co.



- [https://www.researchgate.net/profile/Janice-Hinkle/publication/259563851\\_Hinkle\\_JL\\_Cheever\\_K\\_2014\\_The\\_13th\\_edition\\_of\\_Brunner\\_Suddarth's\\_Textbook\\_of\\_Medical-Surgical\\_Nursing\\_Lippincott\\_Williams\\_Wilkins\\_Philadelphia\\_Pa/links/0c96052c867484f3ca000000/Hinkle-JL-Cheever-K-2014-The-13th-edition-of-Brunner-Suddarths-Textbook-of-Medical-Surgical-Nursing-Lippincott-Williams-Wilkins-Philadelphia-Pa.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Janice-Hinkle/publication/259563851_Hinkle_JL_Cheever_K_2014_The_13th_edition_of_Brunner_Suddarth's_Textbook_of_Medical-Surgical_Nursing_Lippincott_Williams_Wilkins_Philadelphia_Pa/links/0c96052c867484f3ca000000/Hinkle-JL-Cheever-K-2014-The-13th-edition-of-Brunner-Suddarths-Textbook-of-Medical-Surgical-Nursing-Lippincott-Williams-Wilkins-Philadelphia-Pa.pdf)
- Caradec, V. (2011). *Sociologie de la vieillesse et du vieillissement*, Translated by Sosan Kabari, Tehran, Sociologists. <https://www.gisoom.com/book/1825052> . (In persian)
- Carvalho, D., Silva, T., Abreu, J.F. (2019). Interaction Models for iTV Services for Elderly People. In book: *Applications and Usability of Interactive TV* (89-98). <https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-030-81996-5>
- Chen, Y.-R.R.; Schulz & P.J. (2016). The effect of information communication technology interventions on reducing social isolation in the elderly: a systematic review. *J. Med. Internet Res.* 18(1), e18.
- Coto, Mayela & Lizano, Fulvio & Mora, Sonia & Fuentes, Jennifer. (2017). *Social Media and Elderly People: Research Trends*. 65-81. 10.1007/978-3-319-58562-8\_6.
- Dumbrell, Dan & Steele, Robert. (2019). Privacy Perceptions of Older Adults When Using Social Media Technologies. 10.4018/978-1-5225-8897-9.ch085.
- Erickson, Lee. (2011). Social media, social capital, and seniors: The impact of Facebook on bonding and bridging social capital of individuals over 65. 17th Americas Conference on Information Systems, AMCIS 2011.1.
- Gholamalizadeh, H., and Qurashi, S. p. (2015). Examining the theories of aging and how to use them in the design of living spaces for the elderly. International research conference in science and technology. <https://sid.ir/paper/861893/fa>. (In persian)
- Graham, S. E. (2015). The relationship between standard of living and quality of life for older New Zealanders. Wellington, New Zealand: Massey University. <http://hdl.handle.net/10179/7338>
- Hillier, S. M., & Barrow, G. M. (2014). *Aging, the individual, and society*. USA: Cengage Learning. [https://books.google.com/books/about/Aging\\_the\\_Individual\\_and\\_Society.html?id=t-LNAgAAQBAJ](https://books.google.com/books/about/Aging_the_Individual_and_Society.html?id=t-LNAgAAQBAJ)
- Hosseinizare S M, Tajvar M, Abdi K, Esfahani P, Geravand B, Pourreza A. (2020). Leisure Spending Patterns and their Relationship with Mental Health in the Elderly in Iran. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 15(3), 366-379. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-1819-fa.html>. (In persian)
- Hutto, C.J. & Bell, Caroline. (2014). Social Media Gerontology: Understanding Social Media Usage among a Unique and Expanding Community of Users. Proceedings of the Annual Hawaii International Conference on System Sciences. 1755-1764. 10.1109/HICSS.2014.223.

- Iran Statistics Center, General Population and Housing Census (2016). <https://www.amar.org.ir/1395>. (In persian)
- Irshad Sarabi R., Kasabi Choursi M., Muslimizadeh B. (2020), "Evaluation of educational needs of the elderly in Sirjan city regarding healthy lifestyle, 2018-2019", *Gerontology*. 4(4), 68-78. (In persian)
- Jeong, E. H. & Park, J. H. (2020). The Relationship among Leisure Activities, Depression and Quality of Life in Community-Dwelling Elderly Koreans. *Gerontology & geriatric medicine*, (6), 2333721420923449. <https://doi.org/10.1177/2333721420923449>
- Khojaste Bagherzadeh, H. (2015). Textbook of media management, Tehran, University of Radio and Television. (In persian)
- Khojasteh, H., bordbar, M., & AGHILI, S. V. (2018). The Future of Media Consumption: A Delphi Case Study. *Journal of Culture-Communication Studies*, 19(43), 83-106. (in persian).
- Khorasani, A. (2007). Media and young people's fashion orientation, master's thesis in media management. (In persian)
- Larijani, M., & Tajmazinani, A. A. (2015). A Study of Factors Influencing Social Exclusion of the Elderly in Varamin City. *Journal of Applied Sociology*, 26(3), 57-74. [https://jas.ui.ac.ir/article\\_18408.html?lang=en](https://jas.ui.ac.ir/article_18408.html?lang=en). (In persian)
- Lin, S. & Chou, W.H. (2013). Developing a Social Media System for the Taiwanese Elderly by Participatory Design. *Bulletin of Japanese Society for the Science of Design*, 60(3), 39-48. <https://www.semanticscholar.org/paper/DEVELOPING-A-SOCIAL-MEDIA-SYSTEM-FOR-THE-TAIWANESE-Lin-Chou/007b8d5a387865cce48436345c06a4d79de8a774>
- Madah S B. (2008). The Status of Social and Leisure Time Activities in the Elderly Residing In Iran and Sweden. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 3(2), 597-606. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-95-fa.html>. (In persian)
- Mahdzadeh, S. & Khashei, R. (2018). The Role of the Media in Choosing Healthy Life Styles; with Emphasise on Media Consumption of Citizens in Tehran. *Communication Research*, 25(94), 51-78. (In persian)
- McDonald, L. (2011). Retirement. In I.S. Hamilton (Eds.), *An Introduction to Gerontology* (pp: 251-282), Cambridge University Press, Chapter DOI: <http://dx.doi.org/10.1017/CBO9780511973697.009>
- Mehdzadeh, Sh. (2005). Television, audience and new attitude. *Iranian Journal of Sociology*, 6(4), 185-211. [http://www.jsi-isa.ir/article\\_25432.html?lang=en](http://www.jsi-isa.ir/article_25432.html?lang=en). (In persian)
- Mohammadi, H. & Nasrollahi, A. (2021). The Strategies of the National Media for Modern Communication Media Policy Making. *Socio-Cultural Strategy*, 10(3), 567-594. [https://rahbordfarhangi.csr.ir/article\\_139533.html?lang=en](https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_139533.html?lang=en). (In persian)
- Mohammadi, H. & Nasrollahi, A. (2021). The Strategies of the Supreme Council of Cyberspace for Modern Communication Media

- Policymaking. Socio-Cultural Strategy, 10(1), 127-156. [https://rahbordfarhangi.csr.ir/article\\_132693.html](https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_132693.html) . (In persian)
- Mohammadzadeh, R. (2015). A Survey of Quality of Tabriz Elderly Peoples' Leisure Spaces in Bagh-e-Gholastan. *Hoviatshahr*, 9(23), 47-58. [https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article\\_8156.html?lang=en](https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_8156.html?lang=en). (In persian)
- Neuendorf, K. (2017). *The content analysis guidebook*. SAGE Publications, Inc, <https://doi.org/10.4135/9781071802878>
- Nouri Korabsalo, b.; Mati Haq-Shanas, N. & Moini, S.R. (2019). Demographic determinants of the health-oriented lifestyle pattern of the elderly in Qarchak: correlates and policy requirements, *Population Journal*, 111 and 112: 1-24. <https://www.magiran.com/paper/2343937>. (In persian)
- Population Reference Bureau. (2018). *World population data sheet*. Available in English and French at [Worldpopdata.Org](http://Worldpopdata.Org).
- Qolizadeh S.; Staji Z.; Akrami, R. & Ghanbari Moghadam, A. (2019). Identifying the needs related to the health of the elderly in Sabzevar city in 2019. *Elderly Science*, 4(3), 68-75. (In persian)
- Rostami, M. & imani jajarmi, H. (2016). Study of Unemployment from Perspective of Rural the Unemployed and It'S Consequences (Case Study: Hassan Abad Village, Delfan). *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 11(1), 73-102. (in persian)
- Sabbaghchi, M., Askari-Nodoushan, A., & Torabi, F. (2017). Determinants of the Attitude towards Marriage and Family Formation in Yazd City, Iran. *Population Policy Research*, 3(1), 131-162. [https://ppr.nipr.ac.ir/article\\_89816.html?lang=en](https://ppr.nipr.ac.ir/article_89816.html?lang=en) . (In persian)
- Sam aram E., Ahmadi beni Z. (2007). The Investigation Effective Value Factors in Elderly Situation Within Their Family. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*; 2(2), 269-279. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-5-fa.html>. (In persian)
- Schultz, Duane P. & Schultz, Sydney E. (2012) *Theories of personality*. 10th ed. Translated by Seyed Mohammadi, Y. Publishing edit. <https://www.gisoom.com/book/11152608>. (In persian)
- Settersten, R. A. & Jacqueline, L. A. (2015) *Handbook of sociology of aging trends and theories*. Translated by Amiri, M. and Safari, M. University of Tehran Press. <https://www.gisoom.com/book/11151438/1>. (In persian)
- Shariat F.; Moradi F. & Ghahramani R. (2015). Study of Social, Cultural, Economic, Well-Being, and Urban Structure Needs of Tehran Seniors Association Members. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 10(3), 8-25. <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-686-fa.html>(in persian).
- Sharifian Sani M.; Zanjari N. & Sadeghi R. (2016). Time Usage Patterns of Iranian Older Adults and Its Association With Socioeconomic Factors. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 11(3), 400-415 <http://salmandj.uswr.ac.ir/article-1-1132-fa.html>. (In persian)
- Sheikhi M. T., Javaheri, M. (2016). *The elderly and social services in Iran*,


- Population Journal, 23(95), 51-70. <https://www.magiran.com/paper/1837249>. (In persian)
- Shiri, M. & Rostami, E. (2018). Economic, social and demographic characteristics of the elderly based on the results of the general population and housing census 2015, Research Institute of Statistics. <https://iran.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/Ageing.pdf>. (In persian)
- Silva, T. Abreu, J. Antunes, M. Almeida, P. Silva, v. and Santinha, G. (2016). "Interactive Television as a Support to Push Information about Social Services to the Elderly." Academic research paper on "Economics and business".
- Wunderzenden, J. (2016). Developmental Psychology. Translator: Hamze Ganji, Tehran: Savalan Publishing. (In persian)
- Yang, Y.; Yuan, Y.; Archer, N. & Ryan, E. (2016) Adoption of social media and the quality of life of older adults. In: Presented at the 2016 49th Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS), 3133-3142. [https://www.researchgate.net/publication/301281302\\_Adoption\\_of\\_Social\\_Media\\_and\\_the\\_Quality\\_of\\_Life\\_of\\_Older\\_Adults](https://www.researchgate.net/publication/301281302_Adoption_of_Social_Media_and_the_Quality_of_Life_of_Older_Adults)

# واکاوی نشانه‌شناسی تحول معنای اجتماعی - فرهنگی خانه‌های شهری همدان در سه دوره قاجار، پهلوی و معاصر

محمد رضا افشاری بصیر

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.


m\_afsharbasir@yahoo.com

 0000-0002-7028-8367

منوچهر فروتن<sup>۱</sup>


استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

manoucheher.foroutan@gmail.com

 0000-0002-2793-6912

محمد مهدی سروش

استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.  
goodarzorush@gmail.com

 0000-0001-8635-6996

## چکیده

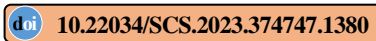
خانه به‌عنوان نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی به دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد. امروزه با دستیابی بشر به فناوری اطلاعات و پیشرفت در زمینه‌های ارتباطات و رایانه، تحولاتی را در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است که مهم‌ترین آنها بحران فرهنگی و بحران هویت و معناست و خانه نیز تحت تأثیر این عوامل، معنایی جدیدی به خود گرفته است. هدف این پژوهش، از نوع کاربردی و در جهت بررسی روند تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از گذشته تا آینده و شناخت عوامل تأثیرگذار بر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه می‌باشد. در این پژوهش، نشانه‌شناسی که یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی که بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه توجه دارد، انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحول معنایی اجتماعی - فرهنگی نیز در مورد همه فضاها و فعالیت‌های خانه به‌طور یکسان اتفاق نیفتاده است، به‌گونه‌ای که در برخی فضاها، معنای خانه به‌کلی تغییر کرده است. در برخی فضاها در

۱. نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

امتداد معنای گذشته، معنای جدید شکل تازه‌ای یافته است و در برخی دیگر همان معنای گذشته در فضاها جاری است.

**کلیدواژه‌ها:** معنای اجتماعی - فرهنگی، نشانه‌شناسی، خانه‌های شهری، شهر همدان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



## مقدمه و بیان مسئله

معنا یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که امروزه در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی، پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است، طوری که در حوزه معماری، جایگاه معانی و انتقال مفاهیم در حد و اندازه، فرم و عملکرد حائز اهمیت بوده است و شناخت بهتر آن زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی معماری، معانی و مفاهیم برخاسته از آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد. از طرفی با توجه به اهمیت پیدا کردن زبان به‌خصوص در ادبیات پسامدرن، معماری را به‌عنوان یک متن می‌دانند، متنی که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده بنا بوده است که ضمن وابستگی معنایی به هم، پیام خود را انتقال می‌دهند و با مخاطب خود به گفتگو می‌نشینند و مخاطب نیز به‌منظور برقراری ارتباط با طرح، به‌دنبال خوانش متن و کشف معنا می‌پردازد. امروزه با ظهور پدیده جهانی شدن، تحولاتی را در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است و با شکستن مرزهای ساختگی و تسخیر جهان موجب ادغام نظام‌های معنایی، حذف بخش‌هایی از این نظام‌ها و در انتها اضافه شدن معناهایی که محصول نوسازی و جهانی‌شدن هستند شده است و این نظام‌های معنایی و هویت‌بخش را به سمت یکسان‌سازی با نمونه‌های مشابه در گوشه‌وکنار جهان هدایت کرده و موجب گسترش ارزش‌های عام و جهان‌شمول بر اساس فرهنگ جهانی نوسازی شده است. این امر نیز در معماری مدرن باعث نفی زبان معماری شده است، زبانی که طی تاریخ هم پای سایر جوانب تمدن انسانی تکوین یافته و نهضت معماری نوین با رویگردانی از آن، گویی واژگان زبان معماری را تا حد عناصر پایه تجسمی تقلیل داده است. خانه به‌عنوان مفهوم پیچیده و نهادی اجتماعی که بر زندگی ساکنان اثرگذار می‌باشد از لایه‌های معنایی مختلفی برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر این عوامل، تحولات معنایی را به خود گرفته است. نشانه‌شناسی یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی، به‌دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساختارمند و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر و در گام اول، به توصیف معنای اجتماعی -

فرهنگی خانه و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن پرداخته و در گام بعدی، به تبیین مدل مفهومی در جهت خوانش معنا به روش نشانه‌شناسی پرداخته شده است.

## ۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

با تحولات و دگرگونی که در شیوه زندگی، تعاملات و ارتباطات اجتماعی، و فضای کالبدی رخ داده است، خانه نیز دستخوش تحولاتی قرار می‌گیرد. معماران این مرز و بوم باید برای این تحولات آماده بوده و گزینه مناسب را برای طراحی و ساخت بناهای امروزی بیابند. هدف این پژوهش بر پایه واکاوی نشانه‌شناسی که هر اثر معماری از جمله خانه به‌مثابه یک متن است، به جستجوی لایه‌های متفاوت تولید متن پرداخته تا مشخص شود که چگونه لایه‌های متن در سطوح مختلف رمزگانی به‌صورت هم‌زمانی و در زمانی با یکدیگر ارتباط داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند و در نهایت بر اساس این روش به تبیین خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه دست یافت. در این پژوهش با بررسی روند تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از گذشته تا آینده، عناصر مفید و کارآمد خانه‌های سنتی و نحوه دگرگونی آنها از گذشته تاکنون، عوامل تأثیرگذار بر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه را شناخت.

در این پژوهش برای شناخت هر چه بیشتر این تحولات، سؤال‌هایی مطرح شده که پاسخ به آنها در شناخت و طراحی خانه امروزی بسیار مؤثر است، از جمله:

- معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟
- چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟
- در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در میان نگرش‌های مختلف بررسی معنای خانه، چهار نگرش اصلی عبارت‌اند از: دیدگاه سنتی، حکمی، دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم اجتماعی، دیدگاه گونه‌شناسی و اقلیمی می‌باشند.

**جدول (۱): بررسی رویکردهای مطالعاتی به معنای خانه**

رویکردهای اصلی به معنای خانه		
رویکرد	دیدگاه	نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه
سنتی - حکمی	خانه محل اجماع ارتباط انسان با خدا - خود - طبیعت و دیگران تبییین و آشکارسازی ارزش‌های معنوی و ازلی خانه	حجت (۱۳۸۷) نگاهی معناگرایانه و انسان‌محور به خانه ایرانی دارد. او در کتاب «مجموعه گفتارهایی درباره خانه»، درباره خانه این‌چنین بیان می‌کند: انسان با چهار ارتباط مهم در زندگی روبه‌رو است: ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با دیگران.
پدیدارشناسی	چیستی خانه هستی‌شناسی سکونت	هایدگر (۱۳۸۱) با زاویه نگاه یک فیلسوف به مسئله سکونت نگاه می‌کند، او توجه خاصی به مفهوم واقعی و چیستی خانه دارد. نوربرگ شولتز (۱۳۸۸) در کتاب «مفهوم سکونت به سوی یک معماری تمثیلی» درباره سکونت و مفهوم خانه اشاره نموده است. او در این کتاب به بررسی مفهوم سکونت و هستی پرداخته است.
علوم اجتماعی	چگونگی ارتباط بین انسان و محیط خانه نشئت گرفته از عوامل اجتماعی، فرهنگی نهادی با عملکرد چندبُعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی	کوپر مارکوس (۱۳۸۲) در مقاله «خانه، نماد خویشتن» با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی یونگ با نگاه ژرف‌تر در رابطه روان انسان با محیط به‌ویژه خانه، در عمق روان انسان و در تاریخ، به ریشه‌دار بودن مفهوم نمادین خانه در روان انسان اشاره می‌کند. در اندیشه راپاپورت (۱۳۸۸) میل به اسکان گزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. آموس راپاپورت با روش انسان‌شناسانه، چگونگی ارتباط بین انسان و محیط را مورد کاوش قرار داده است و معتقد است که نقش تعیین‌کننده فرم خانه از عوامل اجتماعی، فرهنگی نشأت می‌گیرد و این موضوع را به اثبات رسانده است.
گونه‌شناسی - اقلیمی	ساختار و حجم توده نگاه اقلیمی و زیست محیطی به خانه	معماریان (۱۳۸۷) نیز در دو کتاب خود با عنوان «آشنایی با معماری مسکونی ایران» در دو مجموعه گونه برون‌نگرا و گونه درون‌نگرا، به بررسی معماری مسکونی سنتی ایران پرداخته و خانه‌های سنتی ایران را بر اساس اقلیم و فرهنگ دسته‌بندی کرده است.

در زمینه پیشینه پژوهش، پژوهش‌های صورت گرفته را در دو قالب، پژوهش‌هایی که در مورد معنای خانه انجام گرفته و پژوهش‌هایی که در مورد نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته دسته‌بندی نمود.

باتوجه به موضوع پژوهش در قالب معنای خانه، نگاه علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. راپاپورت (۱۳۸۸) در کتاب «انسان‌شناسی مسکن» به مسکن و خانه پرداخته است. او با روش انسان‌شناسانه، چگونگی ارتباط بین انسان و

محیط را مورد کاوش قرار داده است. او معتقد است که نقش تعیین‌کننده فرم خانه از عوامل اجتماعی، فرهنگی نشئت می‌گیرد و این موضوع را به اثبات رسانده است. حائری (۱۳۸۸) پژوهش خود را تحت کتابی با نام «خانه، فرهنگ و طبیعت» منتشر کرد. در این پژوهش به شیوه زندگی و سازمان فضایی و نیز گونه‌شناسی خانه‌ها در شهرهای کاشان، رشت، کرمان، همدان و شیراز پرداخته شده است. قلیچ‌خانی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود تحت عنوان «رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار» به سیر تحول تاریخی خانه ایرانی در عهد قاجار می‌پردازد و با نگاهی همزمان به معماری و کالبد بنا و نیز تحولات اجتماعی و تاریخی ایران، این دگرگونی فضایی را پیگیری می‌کند و در پی آن است که سیر تحول و تأثیرپذیری خانه‌های این دوران را از هر آنچه بیرون کالبد بنا رخ می‌دهد، ترسیم نماید. آزاده آقالطیفی و وحید کلیائی (۱۳۹۷) در طرح پژوهشی مستندنگاری ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن در ساخت‌وسازهای معاصر به خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست در خانه‌های تاریخی سنندج پرداخته‌اند و مباحثی همچون خانه، مسکن و فرهنگ زیستن را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در قالب نشانه‌شناسی معماری نیز پژوهش‌هایی که صورت گرفته‌اند. در کتاب نگاهی به مبانی نشانه‌شناسی نوشته دانیل چندلر (۱۳۸۶) به تعاریف نشانه‌شناسی و شناخت آن پرداخته شده است. او در این کتاب، نشانه‌شناسی را یکی از روش‌های تحلیل متن می‌داند و سپس به تحلیل محتوایی و تحلیل نشانه‌شناسی اشاره می‌کند و نیز به ارتباط آن با زبان‌شناسی می‌پردازد. اکو (۱۹۷۹) در کتاب «نشانه‌شناسی» به موضوع نشانه‌شناسی معماری پرداخته است. او در این کتاب، در زمینه عام نشانه‌شناسی را در معماری بدین صورت مطرح نمود که ارتباط میان فرم اثر معماری و کارکرد آن، فرایندی ارتباطی است. این فرایند ارتباطی همانند سایر فرایندهای ارتباطی قابل تحلیل نشانه‌شناسانه است. نشانه‌ها با هدف دلالت تولید می‌شوند و شیوه تولید آنها به قابلیتشان برای انتقال محتویات مشخص بستگی دارد. از نخستین پژوهش‌های نشانه‌شناسی معماری ایران می‌توان به مقاله‌ای در کتاب «نظریه و عمل» اشاره کرد که به نشانه‌شناسی میدان نقش جهان پرداخته است (سجودی، ۱۳۸۸). فرزانه سجودی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن» به تشریح نشانه‌شناسی لایه‌ای به‌عنوان یکی از انواع نشانه‌شناسی پرداخته است در این پژوهش در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به‌دنبال مفهوم متن می‌آید و متن طرح حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن

رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کند.

امیرعلی نجومیان (۱۳۸۷) در تحلیل نشانه‌شناختی از خانه‌های تاریخی کاشان به مواردی همچون نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا به همراه نشانه‌شناسی فرهنگی اشاره دارد. دباغ و مختاباد امرایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «چهارچوب نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر» به تبیین مدل نشانه‌شناختی از طریق متن معماری و خوانش معماری از طریق نشانه‌شناسی مسجد مبادرت ورزیده‌اند. در مقاله «آفرینش شاعرانه در فضای شهری» به واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز پرداخته شده است و مؤلفه‌هایی همچون نشانه‌شناسی فضای شهری، آفرینش شاعرانه و صنایع ادبی را مورد مذاقه قرار گرفته است (سرمستانی؛ فروتن و طهوری، ۱۳۹۷). علیرضا غفاری (۱۳۹۶) در تحلیل نشانه‌شناختی بافت تاریخی کرمان برپایه ارتباط لایه‌های متن - بافت به مؤلفه‌هایی همچون متن معماری، مناسبت هم‌نشینی و جان‌نشینی، نشانه‌شناسی بافت شهری و لایه‌های متن - بافت اشاره می‌کند. در پژوهشی دیگر با عنوان «برج مسکونی در قاب سینما: واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران» به بررسی چگونگی امکان بهره‌مندی از روش‌های تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی آثار معماری و جستجوی رویه‌ای برای دریافت معانی پرداخته شده است که بیانگر تأثیر بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه مخاطب اثر معماری است (امیرسرداری؛ فروتن؛ معظمی و محمدی، ۱۳۹۸). پناهی و رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نحوه آفرینش فضای معماری» با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت بیان می‌کنند که بینامتنیت و نشانه‌شناسی را می‌توان به‌عنوان روشی برای تحلیل آثار هنری به‌کار برد و معماری به‌عنوان یک اثر هنری را می‌توان متن دانست و برای فهم بهتر فضای معماری همزمان از نشانه‌شناسی و بینامتنیت استفاده کرد.

درمجموع از بررسی پژوهش‌های صورت گرفته این‌گونه بیان می‌شود که روش نشانه‌شناسی به‌عنوان روشی است که امروزه در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، اما با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، کمترین پژوهش‌هایی در زمینه نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته است، حتی پژوهشی که عیناً به بحث نشانه‌شناختی خانه به‌صورت کامل و مفصل پرداخته شده باشد دیده نشده است. از طرفی در این پژوهش، با بررسی سوابق پژوهش در زمینه معنا و مفهوم خانه، پژوهش‌ها بیشتر به سمت گونه‌شناسی، سبک‌شناسی، اقلیمی بررسی خانه‌های مرکز، شمال و جنوب ایران پرداخته شده و نشانه‌شناختی و تحولات معنایی خانه‌های در

منطقه غرب کشور به خصوص شهر همدان بررسی انجام نگرفته است؛ لذا این پژوهش با در نظر گرفتن این موارد در پی انجام پژوهش جدیدی است تا کاستی‌های ایجاد شده در این زمینه را برطرف نماید. این پژوهش در راستای ارتباط نشانه‌شناسی و معماری، که به دنبال تبیین و خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه بر اساس نظریات نشانه‌شناسی و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است.

### ۳. چهارچوب مفهومی

#### ۳-۱. بررسی معنای اجتماعی - فرهنگی خانه

معنای مکان، یک برداشت عمومی و اولیه در مواجهه با مکان حضور انسان است که پس از حضور مداوم در محیط و نه یک‌باره، تداوم پیدا می‌کند و با قضاوت فردی در مود پیرامون خود شکل قوام یافته به خود می‌گیرد که امکان تعالی و تثبیت آن در هماهنگی انسان با محیط، امکان بهره‌مندی از محیط و سودمندی حضور در آن را به خاطر رضایتمندی کاربران فراهم می‌کند. در واقع معنای مکان برآیندی از عوامل متفاوت در تعامل انسان و مکان است که از طریق پیام‌های عناصر مختلف موجود در مکان نمود پیدا می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷).

نگاه معنایی به خانه به‌عنوان یک مکان، سطح بالاتری از معناپذیری مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در فضای شکل گرفته معماری، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. خانه به‌عنوان نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی به‌دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد و چنانچه افرادی که در آن زندگی می‌کنند، بتوانند معنای حاکم بر آن را ادراک نمایند، می‌توانند با آن محیط ارتباط بهتری برقرار نمایند. در این پژوهش با توجه به اینکه خانه نهادی اجتماعی است، رویکرد علوم اجتماعی که به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد در بررسی معنای خانه انتخاب شده است و از این نگاه به تبیین خوانش معنای خانه پرداخته شده است. دل بستن به یک مکان مانند خانه، جنبه سمبلی و رمزی ارتباط بین انسان و مکان (خانه) است که صفاتی درونی از شخص را به یک فضای خاص معماری می‌دهد. این حس تعلق، مبنایی برای ادراک فردی و گروهی در مواجهه با محیط است که به شکل معمول خود در بستر فرهنگی و هویتی یک جمع انسانی روی می‌دهد. پس تعلق به مکان وابسته به احساس و عاطفه هم باشد، در تداوم آن پشتوانه فرهنگی و هویتی را با خود یدک می‌کشد (Altman)

Low, 1993). سکنی گزیدن همواره عملی است جمعی، با این حال اجتماع خانه‌ها در کنار هم، تنها نمود مطلق جامعه نمی باشد. خانه بیش از همه نشانگر آن است که «عضویت اجتماعی» چگونه بر محیط طبیعی، یعنی جایی که زندگی اش در آن به وقوع می‌پیوندد وقوف یافته و توانایی آن را داشته تا دریافت خود را به صورت خانه، یعنی به صورت شکل فضایی مصنوعی که دورنمای مسکونی را در دسترس قرار می‌دهد.

### جدول (۲): دیدگاه نظریه پردازان به معنای خانه از نگاه علوم اجتماعی

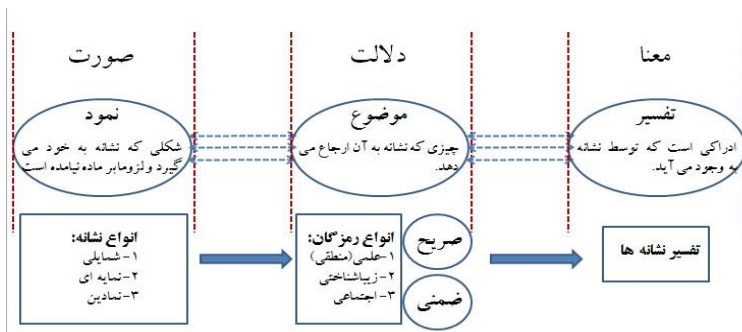
دیدگاه	نظریه پردازان
خانه یک واحد اجتماعی است که در آن پیوندهای قوی فامیلی معنی خانه را شکل می‌دهد.	گانس (۱۹۶۲)
محیط کالبدی انسان ساخت، بیشتر پدیده‌ای اجتماعی است تا فیزیکی	پروشانسکی (۱۹۷۰)
خانه نه تنها یک مکان و ساختار کالبدی است، بلکه بازتاب روانشناختی و معنای اجتماعی نیز دارد.	ساگرت (۱۹۸۵)
خانه یک سیستم اجتماعی - فضایی است که ادغام واحد فیزیکی یا مسکن و واحد اجتماعی یا محل زندگی را نشان می‌دهد.	ساندرز، ویلیامز و گیدنز (۱۹۸۸)
چهار رکن برای خانه قائل شد که عبارت اند از: عوامل کالبدی، زمانی، اجتماعی و فردی.	کنیون (۱۹۹۹)
ارتباط انسان‌ها با خانه‌های خود تحت تأثیر ساختار اجتماعی در کل جامعه است.	کلافام (۲۰۰۵)
معتقد است که ارتباط انسان و محیط می‌تواند بسیار از نحوه ارتباط فعالیت‌ها و معنایی که هر فعالیت دارد، متأثر شود. این بدان معنا است که هر فعالیت می‌تواند بر معنای کلیت مفهوم خانه مؤثر باشد.	مسترز (۲۰۰۹)

در میان رویکردهای مختلف بررسی معنای خانه، این پژوهش توجه به نگاه علوم اجتماعی دارد. یکی از روش‌هایی که از دیدگاه علوم اجتماعی به بررسی معنا می‌پردازد، روش نشانه‌شناسی می‌باشد.

### ۲-۳. لایه‌های معنایی در معماری

نشانه‌شناسی دانشی است که آثار و نشانه‌ها را چون بخشی از زندگی اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌دهد و مطالعه منظم و سامان‌مند همه مجموعه عوامل مؤثر در ظهور و تأویل نشانه‌ها را نشانه‌شناسی می‌نامند. آنچه لازم به ذکر است اینکه نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر می‌باشند (ضمیران،

۱۳۸۳). سوسور نشانه را یک موضوعی فیزیکی و حامل معنا می‌پندارد که از ترکیب دال (تصویر آوایی واژه) و مدلول (تصویر ذهنی و مفهومی واژه) شکل می‌گیرد و از یک ساختار متقابل و همبسته برخوردارند که دلالت خوانده می‌شود. نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از روش‌های واکاوی متن، به‌دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۸۶). هر متن از لایه‌های متعدد و هم‌نشین با یکدیگر تشکیل شده، که دارای پیام‌هایی هستند که درنهایت به رمزگان‌های آن ختم می‌شود. تولید و تفسیر متون به‌وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد؛ بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته، بستگی دارد. منظور از رمزگان، مجموعه نشانه‌هایی است که میان ارسال‌کننده پیام و دریافت‌کننده آن پیوند برقرار می‌کند. بر اساس طبقه‌بندی پیرس سه نوع رمزگان در دانش نشانه‌شناسی قابل تعریف می‌باشد که عبارت‌اند از: رمزگان علمی (منطقی)، اجتماعی و زیباشناختی (Danesi, 2007). مخاطب (تفسیرگر) از طریق رمزگان‌ها و معانی حاصل از متن و با توجه به عمق و سطح دریافت و برداشت‌های ذهنی خود، مفهوم‌سازی می‌کند. در لایه‌های متن، عناصر منفرد آن در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند. دلالت معنایی شامل زیر دلالت مستقیم و ضمنی، رمزگان موجود در طرح، تفسیر مخاطب، معناسازی برای طرح، بازی دال‌ها، توجه به مفاهیم استعاری و کنایی طرح می‌شود (چندلر، ۱۳۸۶). هم‌زمان با سوسور، پیرس اصطلاح نشانه را مطرح و به معرفی انواع نشانه پرداخت. او فرایند نشانگی را مبتنی بر روابط سه‌گانه: ۱- نشانه (صورت ظاهری)، ۲- تعبیر (معنایی) که از نشانه دریافت می‌شود، ۳- مصداق (ارجاع نشانه به آن) بیان می‌کند (احمدی، ۱۳۸۶).



شکل (۱): ساختار الگوی سه‌وجهی نشانه بر اساس دیدگاه پیرس

در تقسیم‌بندی انواع نشانه‌شناسی که عبارت‌اند از: پوزیتیویستی، ساختارگرایانه، پساساختارگرایانه و پدیدایشی (لایه‌ای) روش این پژوهش با توجه به موضوع از نوع نشانه‌شناسی لایه‌ای می‌باشد. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به‌دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن طرح حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۳). هر طرح معماری را می‌توان به‌عنوان یک متن بیان کرد. معماری به‌عنوان یک متن محصول یک فرایند زایشی است که از برهم‌کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شده با آن سعی در دریافت پیام متن و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن می‌پردازد. کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمان‌ها، توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راه‌های دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن وابستگی معنایی به هم یک کلیت واحد را عرضه می‌کنند و از طریق رمزگان علمی (منطقی)، زیباشناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند؛ بنابراین آنچه در معماری به‌عنوان عامل معنا ساز نشانه قابل شناسایی است، در هر سه قالب شمایل، نمایی و نماد می‌تواند نمود یابد.

در معماری سه سری (سه دسته سامانه) با یکدیگر گره می‌خورند.

دسته اول: سامانه مبتنی بر مقتضیات اجتماعی.

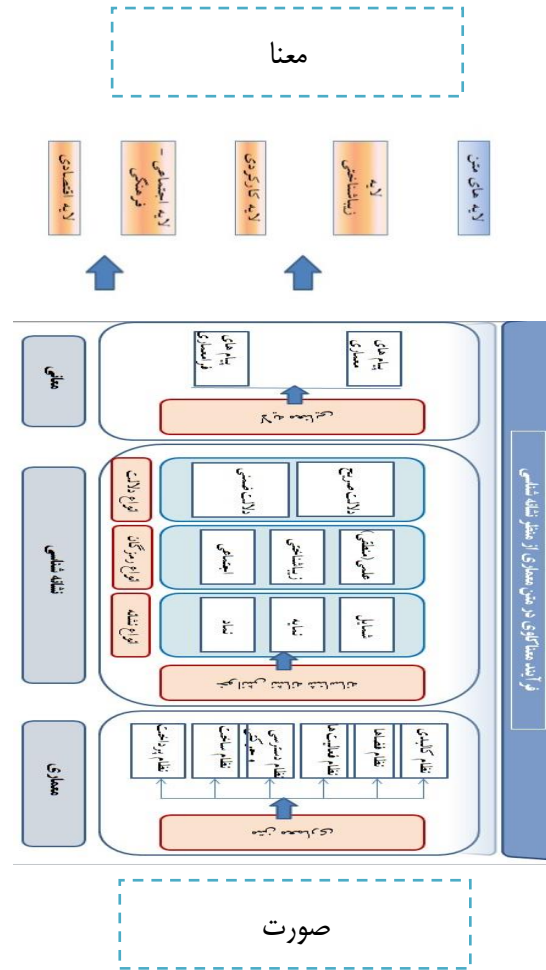
دسته دوم: سامانه مبتنی بر مقتضیات کارکردی.

دسته سوم: سامانه مبتنی بر فرم معماری و مسائل پیرامون آن.

دسته اول رویکردی فرامعماری داشته و پیرامون مسائل جامعه‌شناسی، فرهنگ، انسان‌شناسی، لایه ارتباطی معماری را تشکیل داده‌اند. دو سیستم دیگر از جنس معماری و فضای آن می‌باشند. معنا سازی معماری از برهم‌کنش این سه حادث می‌شود.

خانه نیز به‌عنوان یک متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده است که هر یک نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان هستند و هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر رابطه دارد. لایه‌های متنی خانه در تعامل با یکدیگر و در تأثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند، به‌عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند. باز نمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در واکاوی متن معماری، هر متن به حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به‌وسیله روابط دلالتی و روابط

درون متنی به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل‌دهنده متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمزگشایی و معناسازی برای متن، همت می‌گمارد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی و... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرایند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، متن معماری دارای چندین نظام نشانگی می‌باشد که به صورت روابط هم‌نشینی و هم‌زمانی با یکدیگر، متن لایه‌گون معماری را شکل می‌دهند. این نظام‌ها به وسیله روابط دلالتی و روابط درون‌متنی، پیام‌ها و مجموعه‌ای رمزگان خود را به مخاطب انتقال می‌دهند. دلالت‌ها هم به عنوان شیوه اتصال بین صورت و معنا نمود پیدا می‌کنند و نقش ارتباطی بین آنها می‌باشند. درنهایت با جمع‌بندی مطالب ارائه شده و بررسی آنها، به یک مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست می‌آید که به عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:



شکل (۲): فرایند معناکاوی متن معماری از منظر نشانه‌شناسی

### ۳-۳. معرفی نمونه‌های انتخاب‌شده

شهر همدان یکی از شهرهای غربی و کوهستانی ایران و مرکز شهرستان و استان همدان است. این شهر در دامنه کوه الوند و در بلندی ۱۹۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است و از شهرهای سردسیر ایران به‌شمار می‌آید. همدان قدیمی‌ترین شهر ایران و از کهن‌ترین شهرهای جهان است. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای همدان را «پایتخت تاریخ و تمدن ایران» اعلام کرد. هم‌اکنون استان همدان به دلیل داشتن مراکز تاریخی و دیدنی به‌عنوان پنجمین شهر فرهنگی و توریستی

کشور شناخته می‌شود. همدان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین پایتخت‌های ایران، از قدمت چند هزارساله‌ای برخوردار است، اما آثار باقیمانده در آن از دوره قاجار و پس از آن است. در این میان بیشتر این آثار خانه‌ها هستند. براین اساس نمونه‌های انتخاب شده از سه بازه زمانی دوره قاجار، پهلوی و معاصر که به‌ترتیب خانه نراقی مربوط به دوره قاجار و خانه عبادی مربوط به دوره پهلوی و خانه امدادیان مربوط به دوره معاصر انتخاب شده است.



منبع: (کندلیس، ۱۹۷۳)

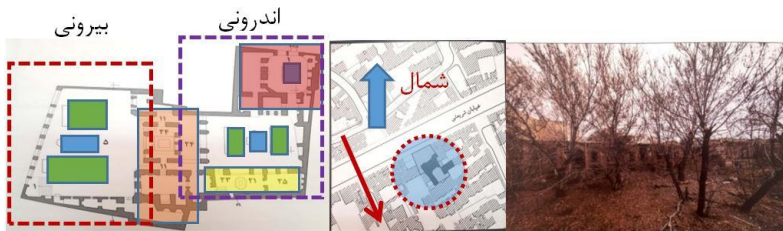
شکل (۳): موقعیت محله‌های شهر همدان در سال ۱۳۳۵

### ۳-۴. واکاوی نمونه خانه‌ها

از آنجاکه درک معانی فضاها و کشف رمزگان به‌کاررفته در آن نیاز به شناخت جامعه‌ای دارد که محیط ساخته شده در آن تجلی یافته است، با بررسی نشانه‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه و جامعه آماری بررسی شده می‌توان به معانی آن نشانه‌ها دست یافت. لذا بر پایه شکل ۳ حاصل از مبانی نظری بررسی شده، نمونه‌ها با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی در معماری در دو لایه معماری و فرامعماری، مسیر شناخت متن معماری به‌صورت مطالعه کتابخانه‌ای و با توجه به اسناد موجود در تحقیقات انجام شده و بازدیدهای میدانی مطالعه و بررسی شد و نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی در جداول گردآوری شده است. با توجه به اینکه پژوهش به‌دنبال تبیین خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه می‌باشد، بررسی‌های صورت‌گرفته بر روی نمونه‌های انتخاب شده مربوط به قسمت لایه‌های اجتماعی - فرهنگی متن خانه است.

### ۳-۴-۱. بررسی خانه نراقی همدان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به صورت کوچه‌های پرپیچ‌وخم، گذرهای بن‌بست و با کوچه‌های دردار است. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله بر اساس مقیاس انسانی تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت ارگانیک می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. خانه نراقی دارای بخش ساخته شده تنها در چهار جبهه حیاط می‌باشد؛ لذا در قالب الگوی خانه‌های چهار طرفه قرار می‌گیرد. توجه به جداره داخلی بنا نسبت به جداره بیرونی آنکه این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه درونگرا می‌باشد. حیاط، محور و اساس ارتباطات درونی بنا را شکل می‌دهد. نقش حیاط خانه به‌عنوان محیطی با نشاط و آرامش‌بخش، مخزن نوری برای فضاهای داخلی، تنفس‌گاه خانه، سازمان‌دهنده فضاهای خانه و ارتباط‌دهنده کلیه فضاها با یکدیگر می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت غیرمستقیم و از طریق ایوان و فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند.



شکل (۴): جاگیری و هندسه خانه نراقی در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش زیستی، زیستی - خدماتی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. فضاهای زیستی بنا از نظر عملکردی بسیار منعطف‌اند و در ساعات مختلف شبانه روز عملکردهای متنوعی را می‌پذیرند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها متناسب با مقیاس انسانی و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس قواره‌بندی فرش می‌باشد. در طبقه همکف، فضای خدماتی مطبخ نیز استقرار دارد. مطبخ در محلی کم‌نور، دودزده و خالی از تزیین‌ها می‌باشد. حمام در خارج از بنا قرار دارد و اهالی خانه جهت استحمام از حمام عمومی استفاده می‌کنند.



شکل (۵): فضای درونی خانه نراقی

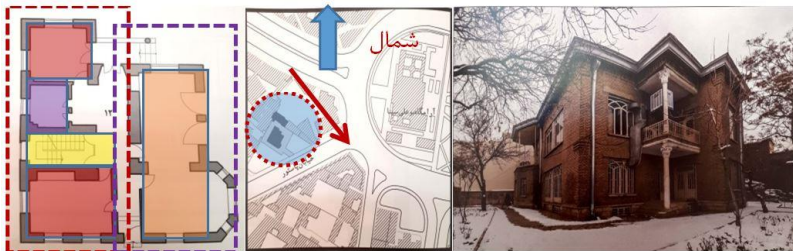
ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. دو سکو در طرفین ورودی به جهت برقراری ارتباط با همسایگان و محله‌ای استراحت دارد، همچنین باعث ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز می‌باشد. درب ورودی دارای دو کوبه مردانه و زنانه جهت اطلاع افراد ساکن خانه می‌باشد. بنا دارای سلسله‌مراتبی است که از فضای عمومی شروع شده به فضای نیمه عمومی رسیده و سپس نیمه خصوصی و در نهایت به خصوصی می‌رسد. با ایجاد فضاهای بینابینی (عبوری) نیز، سلسله‌مراتب فضایی داخلی در بنا به‌وجود آمده است. ارتباط خانه با طبیعت جدا نمی‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد.



شکل (۶): نما و تزیین‌های به‌کار رفته در خانه نراقی

### ۳-۴-۲. بررسی خانه عبادی همدان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به صورت کوچه‌های که نسبتاً به صورت یکسان و گذرهای پهن است. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله نسبتاً بر اساس مقیاس انسانی تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت نسبتاً ارگانیک (نیمه تعریف شده) می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. خانه عبادی دارای بخش ساخته شده در داخل حیاط و حیاط چهار طرف بنا را احاطه کرده است. این نوع بنا در قالب الگوی خانه‌های کوشکی قرار می‌گیرد. توجه به هر دو جداره داخلی و جداره بیرونی بنا که این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه التقاطی (درون‌گرایی و برون‌گرایی) می‌باشد. حیاط، نسبتاً به‌عنوان محور و اساس ارتباطات درونی بنا را شکل می‌دهد. نقش حیاط خانه به‌عنوان محیطی با نشاط و آرامش‌بخش، مخزن نوری برای فضاهای داخلی، نسبتاً تنفس‌گاه خانه و به صورت کم‌رنگ، ارتباط‌دهنده کلیه فضاها با یکدیگر می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت مستقیم و از طریق فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند. و همچنین قرارگیری پله در داخل بنا جهت ارتباط عمودی می‌باشد.



شکل (۷): جاگیری و هندسه خانه عبادی در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش زیستی، زیستی - خدماتی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. فضاهای زیستی بنا از نظر عملکردی نسبتاً منعطف و بر اساس نوع تعریف فضا دارای عملکرد می‌باشند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها ترکیبی از تناسب‌های انسانی و مبلمان داخلی فضاها می‌باشد و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس قواره‌بندی فرش و مبلمان می‌باشد. در طبقه همکف، فضای خدماتی مطبخ نیز استقرار دارد. قرارگیری مطبخ در محلی با نور و جزء فضاهای اصلی بنا و همچنین استفاده از داکت‌هایی جهت تهویه در مطبخ بنا قرار دارد. توجه به بهداشت باعث ورود حمام به داخل بنا و همچنین استفاده همزمان از حمام عمومی وجود دارد.



شکل (۸): فضای درونی خانه عبادی

ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. دو سکو در طرفین ورودی به جهت برقراری ارتباط با همسایگان و محله‌ای استراحت دارد، همچنین باعث ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز می‌باشد. درب ورودی دارای دو کوبه مردانه و زنانه جهت اطلاع افراد ساکن خانه می‌باشد. حرکت از برون به درون بر اساس سلسله‌مراتبی از فضاهای عمومی تا خصوصی و همچنین اتصال فضاهای اصلی به یکدیگر و حذف فضاهای بینابینی (عبوری)، که این امر سبب کم‌رنگ شدن سلسله‌مراتب فضایی داخلی در بنا شده است. ارتباط خانه با طبیعت جدا نمی‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد. در داخل فضاهای بسته نیز، ارتباط با طبیعت از طریق وجود چشم‌انداز از اتاق‌ها به حیاط همچنان برقرار می‌ماند.

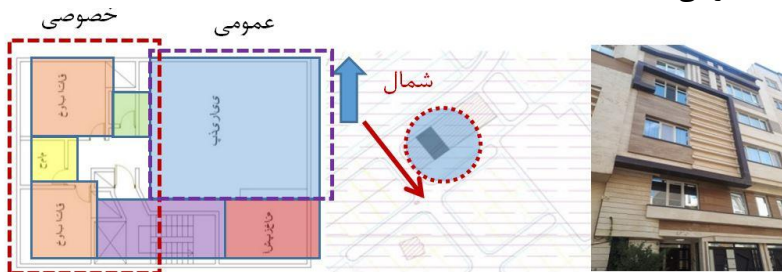


شکل (۹): نما و تزئین‌های به‌کار رفته در خانه عبادی

### ۳-۴-۳. بررسی خانه امدادیان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به صورت کوچه‌های که به صورت یکسان و

گذرهای ماشین‌رو می‌باشد. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله نسبتاً بر اساس تردد خودرو تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت یکپارچه و تعریف شده می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. جهت‌گیری بخش ساخته شده بنا در جبهه شمالی زمین واقع شده و جهت‌گیری اصلی بنا رو به جنوب شرقی می‌باشد. توجه به جداره بیرونی بنا که این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه برون‌گرا می‌باشد. نقش حیاط خانه به‌عنوان مخزن نوری برای فضاهای داخلی، نسبتاً محیطی با نشاط و آرامش‌بخش و تنفس‌گاه خانه می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت مستقیم و از طریق فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند. همچنین قرارگیری پله در داخل بنا جهت ارتباط عمودی می‌باشد. تراس (بالکن) در بنا نقش ایوان را ایفا می‌کند و به‌عنوان ارتباط‌دهنده فضای بسته و فضای باز می‌باشد.



شکل (۱۰): جاگیری و هندسه خانه امدادیان در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش عمومی، خصوصی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها بر اساس مبلمان داخلی فضاها می‌باشد و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس چیدمان مبلمان می‌باشد. فضای خدماتی آشپزخانه (مطبخ) در داخل بنا استقرار دارد. قرارگیری آن در محلی با نور و جزء فضاهای اصلی بنا و همچنین استفاده از تجهیزات مکانیکی جهت تهویه در آشپزخانه بنا قرار دارد. توجه به بهداشت باعث ورود حمام به داخل بنا شده است.



شکل (۱۱): فضای درونی خانه امدادیان

ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. ارتباط مستقیم ورودی به فضاهای داخلی باعث عدم ارتباط با واحد همسایگی شده است. درب ورودی یکسان و قرارگیری آیفون جهت اطلاع به اهالی خانه می‌باشد. حرکت از برون به درون بدون توجه به سلسله‌مراتب عبوری و عبور از فضاهای عمومی به خصوصی و وجود راهروهای ارتباطی جهت جداسازی قلمروهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی در بنا می‌باشد. ارتباط خانه با طبیعت کم‌رنگ می‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد.



شکل (۱۲): نما و تزیین‌های به‌کار رفته در خانه امدادیان

به جهت درک رابطه میان عناصر به‌کار رفته، فضاهای ساخته شده (دال) و سنجش معنای دریافت شده توسط مخاطب (مدلول) پس از بررسی عوامل فردی، اجتماعی و محیطی در کلیه فضاهای نمونه‌های مورد بررسی و ارزیابی عوامل معنایی بر اساس نشانه‌های موجود در آنها، بر اساس مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به‌دست‌آمده که به‌عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح شده است که در شکل ۲ نمایش داده شده است. در طول دوران مختلف، معماری تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است؛ لذا تحلیل معماری بر پایه دانش نشانه‌شناسی بدون در نظر گرفتن عوامل مختلف فرامعماری و معماری امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این پژوهش رویکرد نشانه‌شناسی در معماری در دو لایه (لایه معماری و فرامعماری) تعریف شد. لایه فرامعماری برگرفته از جامعه و پارامترهای فرهنگی و اجتماعی است و لایه معماری به ساختار معماری می‌پردازد. در واقع جهت خوانش هر اثر معماری بررسی لایه فرامعماری به جهت شناخت روش زندگی مؤثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان و تأثیر آن بر لایه معماری و نشانه‌های انتخابی در هر دوره ضروری می‌باشد. در این قسمت به تحلیل لایه‌های متن معماری که در این پژوهش به بررسی مباحث اجتماعی - فرهنگی که زیرلایه فرامعماری می‌باشد و از آن پیام معنایی فرامعماری استنباط می‌شود پرداخته شده است. هر کدام از این پیام‌ها در قالب رمزگانی ارائه می‌شوند و مخاطب به‌دنبال رمزگشایی این پیام‌هاست تا بتواند متن معماری را قرائت کرده و برای آن معنا بسازد. طراح هر طرح و متن معماری را با توجه به قراردادهای و در حیطه ادبیات جامعه خود رمزگذاری می‌کند. مخاطب با ژرف‌نگری در لایه‌های متعدد طرح (لایه‌های کارکردی، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی، فرهنگی و لایه هرمنوتیکی) و دریافت روابط به معناسازی برای آن می‌پردازد. جدول ذیل بیان‌کننده ویژگی‌های خانه‌های دوره قاجار، پهلوی و معاصر و نشانه متناسب با آن بر اساس لایه‌های فرامعماری که به مباحث فرهنگی، اجتماعی پرداخته شده است، می‌باشد.

جدول (۴): بررسی لایه‌های معنایی نمونه‌های انتخابی

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیر لایه‌ها	لایه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به ارزش‌های دینی و معنوی</li> <li>- پنهان‌سازی درون خانه در راستای حفظ حریمت خانه</li> <li>- اعتقاد داشتن به سنت، مذهب و باورهای جامعه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دیوارهای بلند و بدون گشودگی به بیرون (درون‌گرایی)</li> <li>- تقسیم فضاها به اندرونی و بیرونی</li> <li>- طراحی بر اساس فرهنگ و سبک زندگی جامعه</li> </ul>	دوره قاجار	ایدئولوژی	اجتماعی - فرهنگی	فرامعماری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- کم‌رنگ شدن توجه به ارزش‌های معنوی و توجه به نگرش‌های غرب‌گرا</li> <li>- نمایان ساختن درون خانه</li> <li>- کم‌رنگ شدن باورها و اعتقادات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه هم‌زمان به درون و بیرون نما (التقاطی)</li> <li>- وجود هم‌زمان اندرونی و بیرونی</li> <li>- طراحی بر اساس فرهنگ جامعه و همچنین ورود فرهنگ بیگانه</li> </ul>	دوره پهلوی و بیرونی			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به ارزش‌های دنیوی و عرفی جامعه</li> <li>- کاهش پنهان‌سازی و نمایش خویش</li> <li>- تحت تأثیر فرهنگ جهانی شدن و مدگرایی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به نمای خارجی و وجود پنجره‌های کشیده و شفافیت در نما (برون‌گرایی)</li> <li>- طراحی بر اساس سبک‌های جدید، مصالح و فناوری روز</li> </ul>	دوره معاصر			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- انجام تمامی فعالیت‌ها و مناسبات خانواده</li> <li>- پدرسالاری در خانه و تمامی فعالیت زیر نظر مرد خانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- فضای خانه قابلیت استفاده و عملکرد فردی و اجتماعی</li> <li>- فضای خانه مکانی برای استراحت مرد و محل کار زن تعریف شده است.</li> </ul>	دوره قاجار	سنت		
<ul style="list-style-type: none"> <li>- انجام تمامی فعالیت‌ها و مناسبات خانواده</li> <li>- مدیریت همزمان پدر و مادر خانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- فضای خانه قابلیت استفاده و عملکرد فردی و اجتماعی</li> <li>- فضای خانه مکانی برای استراحت و کار مرد و زن تعریف شده است.</li> </ul>	دوره پهلوی			

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیر لایه‌ها	لایه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانه به‌عنوان مکان استراحت اعضای خانه</li> <li>- توجه به نظرهای تمامی اعضای خانه و خانواده‌سالاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- فضای خانه قابلیت استفاده فردی دارد.</li> <li>- فضای خانه مکانی برای استراحت اهالی خانه (خانواده)</li> </ul>	دوره معاصر			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانه به‌عنوان محل دائم زندگی</li> <li>- عدم وجود نقش دولت در زمینه خانه‌سازی</li> <li>- استفاده همزمان چندین خانوار با طیف متفاوت سنی در خانه</li> <li>- افزایش ارتباط میان اعضاء خانواده و اطرافیان</li> <li>- تقسیم وظایف زنان در خانه و مردان در بیرون</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طراحی بر اساس نیازهای حال و آینده</li> <li>- فضاهای متعدد و اتاق‌های زیاد جهت برگزاری مراسم مختلف</li> <li>- طراحی خانه بر اساس سنت‌ها، روش‌های فردی و نیاز کارفرما</li> <li>- چند کاربردی بودن فضاها</li> <li>- تنوع فضاها و ازدیاد اتاق‌ها</li> </ul>	دوره قاجار			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانه به‌عنوان محلی برای زندگی و رفع نیاز روزمره</li> <li>- توجه دولت بر شیوه زندگی خانواده</li> <li>- استفاده تک خانوار در خانه و مستقل شدن و جداسدن افراد از دواج کرده خانواده</li> <li>- کم‌رنگ شدن ارتباط اجتماعی اعضاء خانواده و اطرافیان</li> <li>- حضور فعالیت زنان در بیرون خانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طراحی بر اساس نیازهای حال و در صورت امکان به آینده</li> <li>- فضاهای نسبتاً متعدد و اتاق‌های نسبتاً زیاد جهت برگزاری مراسم مختلف</li> <li>- طراحی خانه بر اساس ترکیبی از سنت‌ها و نگرش‌های غرب، روش‌های فردی و نیاز کارفرما و دولت</li> <li>- محدود شدن کاربری فضاها</li> <li>- کاهش تنوع فضاها و اتاق‌ها</li> </ul>	دوره پهلوی	ساختار خانواده		
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانه به‌صورت موقت و رفع نیاز روزمره</li> <li>- تأثیر سیاست دولت بر تعداد فرزندان و خانه‌دار کردن خانوارها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طراحی خانه بر اساس برآوردن نیازهای حال</li> <li>- تعداد فضای محدود</li> <li>- زندگی مستقل و آپارتمان نشینی</li> </ul>	دوره معاصر			

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیرلایه‌ها	لایه
- تأثیر قوانین و ضوابط شهری - استفاده تک‌خانوار در خانه و مستقل شدن و جداسدن افراد ازدواج کرده خانواده - کاهش ارتباط اجتماعی و محدود شدن روابط اعضا خانواده - تقسیم وظایف مشترک بین زنان و مردان در خانه و بیرون	- الگو بر اساس تعداد خواب ساکنین به‌صورت مستقل				

#### ۴. روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس مدلی که دانایی‌فرد و همکاران در سال ۱۳۸۳ ارائه کرده‌اند بیان شده است. این الگوی چندلایه، فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس این مدل، یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متأثر از لایه بالاتر است.

#### جدول (۳): روش پژوهش بر اساس مدل ساندرز

نوع پژوهش	لایه پژوهش
پارادایم تفسیرگرا	فلسفه پژوهش
نظری	جهت‌گیری پژوهش
تطبیقی	رویکرد پژوهش
کیفی	روش‌شناسی پژوهش
میدانی و کتابخانه‌ای	روش گردآوری داده
تحلیل محتوا - کیفی (شیوه تحلیل نشانه‌شناسی)	راهبرد پژوهش
توصیفی - تحلیلی	اهداف پژوهش
مشاهده - اسناد و مدارک	ابزار گردآوری داده

جامعه آماری در این پژوهش، خانه‌های شهری همدان و روش نمونه‌گیری بر اساس معیارهای دسته‌بندی شده از چارچوب نظری می‌باشند و حجم نمونه‌ها نیز بر اساس آثار باقیمانده از دوره قاجار به بعد و همچنین گونه‌های ساخت بنا که در قالب سه‌گونه درون‌گرا، التقاطی (ترکیبی از درون‌گرایی و برون‌گرایی) و برون‌گرایی که همه

معیارها را پوشش می‌دهد، انتخاب شده است. برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نشانه‌شناسی لایه‌ای استفاده شده است. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن - طرح حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ای است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند. طرح معماری به عنوان یک مفهوم تکراری، در هر لایه طرح معماری، متنی در کنش متقابل با لایه‌های متنی دیگر است. هر لایه از طرح معماری می‌تواند دامنه متن‌بودگی خودش را گسترش دهد. هر لایه نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان است. هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر ارتباط دارد. لایه متنی در تعامل با سایر لایه‌ها و همه لایه‌ها در تأثیرپذیری متقابل از هم هستند؛ زیرا، لایه متنی به عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابد و به همین منوال تفسیر می‌شود. لایه‌های متن معماری را می‌توان در دو دسته کلی، لایه‌های معماری و لایه‌های فرامعماری تقسیم‌بندی کرد که لایه‌های معماری به ساختار، فرم و حجم، رابطه فضایی، سیر کلاسیون و درنهایت پیکره‌بندی معماری می‌پردازد که از آنها پیام‌های کالبدی دریافت می‌گردد و لایه‌های فرامعماری به مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته می‌شود که از آنها پیام‌های فرامعماری استنباط می‌گردد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بوده است که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟ چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟ در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

ابتدا به این پرسش که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟ پاسخ داده می‌شود که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه در دو عامل روابط اجتماعی و فعالیت‌ها خود را نشان می‌دهند که روابط اجتماعی به موارد همسایگی، رابطه درون فرهنگی، رابطه با بافت محله و ارتباط سیاست با ویژگی‌های محیطی خانه و خانواده ارتباط دارند و عامل فعالیت‌ها نیز به عملکرد و کارکرد فضاها و جایگاه افراد در خانه و خانواده مرتبط می‌باشد و در جهت شناخت عوامل اجتماعی - فرهنگی، روش نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی، قابلیت انجام و شناخت معنای اجتماعی - فرهنگی را می‌دهد.

پرسش دیگر، چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟ با تحلیل بر روی نمونه‌ها و نگاه بر روی معنای اجتماعی - فرهنگی خانه، دو عامل روابط اجتماعی و فعالیت‌های که در خانه رخ داده است بررسی قرار گرفته است و با مقایسه در سه دوره زمانی قاجار، پهلوی و معاصر، تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی در خانه شهری همدان به دست آمد.

### ۵-۱. تغییرها در حیطه روابط اجتماعی

در گذشته محلات ایرانی به صورت کوچه‌های پرپیچ‌وخم، گذرهای بن‌بست و با کوچه‌های دردار بوده که افراد ساکن در این محل‌ها روابط اجتماعی قوی با یکدیگر داشتند حتی ساکنان برای انجام کارهای روزانه خود به این محل‌ها می‌آمدند، و به صورت جمعی فعالیت می‌کردند. خانه سنتی در توافق و هماهنگی با دیگر اجزای شهر است و این توافق نه به قانون و اجبار، که به پیروی از اصول واحد که برای یک انسان کامل طراحی شده است، به دست می‌آید؛ اما امروزه با گذر زمان و ورود ماشین‌ها به محل زندگی افراد چنین فضایی از بین رفته است و کمتر همسایه‌ای یافت می‌شوند که از احوال هم جویا باشند، مطرح کردن عنوان واحد همسایگی در این طرح نه به معنای مطلق واحد همسایگی غربی بلکه به فضایی متناسب با خصوصیات زندگی جمعی در عین رعایت حریم خصوصی در جامعه امروز و بازنگری به مفهوم محلات و توجه به جامعه نوین ماشینی امروز و رفع نیازهای آن ضمن تقویت روابط و تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد.

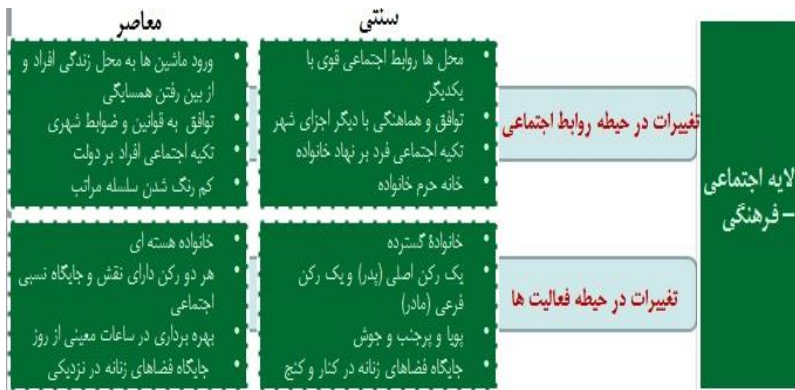
در گذشته تکیه اجتماعی فرد بر نهاد خانواده است (قومیت، صنف و گروه اجتماعی) طراحی خانه‌ها بر اساس نیازهای حال و آینده خانواده‌ها صورت می‌گرفت در حالی که امروزه بیشتر تکیه اجتماعی افراد بر دولت است و سیاست دولت بر تعداد فرزندان و خانه‌دار کردن خانوارها تأثیر گذار بود و خانواده از حالت خانوار به تعداد افراد کمتری (۲ نفر یا ۳ نفری) تقلیل یافته است و همچنین قوانین و ضوابط شهری بر طراحی خانه تأثیر می‌گذاشت و طراحی‌ها بر اساس نیازهای حال صورت می‌گرفت.

خانه مکانی است که در اسلام برای آن قواعد خاص وجود دارد که اصلی‌ترین قاعده «اذن دخول» است. علاوه بر آن خانه حرم خانواده است و از این رو حریمیت در آن امری هم شمرده می‌شود. ورودی نیز یکی از با اهمیت‌ترین بخش‌های خانه سنتی است. در خانه‌های سنتی پس از درب ورودی، هشتی قرار دارد که نقش مؤثری در ایجاد سلسله‌مراتب ورود به خانه دارد. ورودی جزو فضاهایی است که می‌تواند

پاسخگوی روابط اجتماعی از نوع روابط فرد با جامعه باشد. عقب‌نشینی ورودی از گذر، از بعد دینی نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است. اما در خانه‌های معاصر برخی فضاها مانند ورودی همچنان عملکرد و معنای خویش را تا حدی حفظ کرده‌اند. ورودی همچنان به‌عنوان فضایی است که در سامان‌دهی فضا و عمومی و خصوصی بودن فضا نقش دارد؛ اما صرف نزدیکی به آن مانند گذشته معنا نمی‌دهد بلکه نوع دسترسی به آن تعیین‌کننده است.

## ۵-۲. تغییرها در حیطة فعالیت‌ها

تحولات جامعه زندگی خانواده را نیز تغییر داد. خانواده‌ای که در ابتدای دوران معاصر از خانواده گسترده به هسته‌ای تبدیل شده بود و آن زمان دارای یک رکن اصلی (پدر) و یک رکن فرعی (مادر) بود، با تحولات جامعه دگرگون شد. خانواده جدید دو رکن اساسی داشت. هر دو رکن دارای نقش و جایگاه نسبی اجتماعی بودند. از این‌رو خانه‌ای که تا آن زمان همواره بدون حضور زن نبوده است، به یک‌باره در بازه‌های زمانی از روز بدون حضور او خالی از سکنه شد. خانه‌ای که تمامی ایام پویا و پرجنب و جوش بود، در ساعات معینی از روز مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفت. جایگاه فضاهای زنانه نیز تغییر یافته بود. آشپزخانه از کنج تاریک آن حیاط به داخل فضای اصلی زندگی و سپس آرام آرام بدون مرز در زندگی خانواده قرار گرفت. تأسیسات و امکانات رفاهی نیز سبب شد که فضاهای خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده در کنار هم باشند. فضای مهمان‌خانه رو به دیگر فضاهای خانه باز شد و به آرامی جایگاه ویژه خود را از دست داد. با توجه به آنکه مکان و رویداد به شدت به هم وابسته هستند و این دو در پیوند با یکدیگر خاطرات می‌سازند، بدین ترتیب تغییر آن زندگی که با آیین‌های روزانه و موسمی، خاطرات متعددی را از مکان‌های مختلف خانه ایجاد می‌نمود، به دور از چنین آیین‌هایی بر نحوه ارتباط با خانه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. بدین صورت با خانه و انسان‌های بدون خاطره روبه‌رو می‌شود.



شکل (۱۳): بررسی سیر تحول معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از سنتی تا معاصر

پرسش آخر، در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟ مدت‌هاست که عدم رضایت ساکنان از سکونت در کالبد مسکن امروزی، متخصصان و حتی مردم عادی را به یادآوری کیفیتی از سکونت در مسکن سنتی واداشته است. کیفیتی که گویا در کالبد مسکن امروزی یافت نمی‌شود. به عبارت بهتر به طور مداوم، خانه سنتی با خانه امروزی مقایسه می‌شود. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که زندگی امروزی، کاملاً جدا از زندگی گذشته نیست، از این رو نمی‌توان ادعا نمود که خانه‌های امروزی، هیچ‌وجه اشتراکی با خانه‌های گذشته ندارند اما در زندگی امروز کیفیاتی را از دست داده‌ایم و گاهی حتی نمی‌دانیم که آنها چه بوده‌اند و به همین کیفیات زندگی بسنده کرده‌ایم. فراموش کرده‌ایم که چگونه می‌زیسته‌ایم، فراموش کرده‌ایم که خانه فرای مسکن است و کیفیاتی فرای نیازهای جسمانی به ما عرضه می‌کند. فراموش کرده‌ایم تعامل با خانه ما ریشه‌دار می‌کند، فراموش کرده‌ایم می‌توانیم اهل خانه خود باشیم و حتی فراموش کرده‌ایم که این دنیا گذراست. زندگی معاصر ما را در بند خود، فراموش از گذشته کرده است.

دستیابی به ویژگی‌های نهفته درخانه‌های سنتی جهت آسایش، آرامش و حفظ امنیت همواره مورد توجه معماران بوده است. بر همین اساس الگوبرداری ازخانه‌های سنتی می‌تواند یکی از اقدام‌های مؤثر در طراحی الگوی مسکن مناسب در عصر جدید باشد. با توجه به اهمیت نوع طراحی و به‌کارگیری شاخص‌های سازگار با محیط در خانه‌های سنتی و نوع معماری حاکم در آنها، بررسی آنها می‌تواند در طراحی خانه‌های جدید و طراحی مسکن مؤثر باشد؛ چراکه تبعات پیشرفت انرژی و سهولت استفاده از وسایل سرمایش و گرمایش مکانیکی، منجر به افزایش مصرف انرژی و کم‌رنگ شدن نقش کالبد و عناصر معماری در تأمین شرایط آسایش شده است.

## نتیجه‌گیری

هر متن یک نظام و شبکه دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید. هر کدام از اجزای این شبکه وسیع به عضوی دیگر اشاره دارند. هر جزء، یک نشانه است که مخاطب را به بازنویسی و بازتولید متن دعوت می‌کند. بنای معماری مشابه یک متن قابل خوانش است و خواندن متن در واقع تأویل نشانه‌های آن توسط یک کاربر فضای معماری می‌باشد. بنابراین معماری هم نوعی زبان است؛ نظامی است از واژه‌های وابسته به هم. اثر معماری شبیه به متن نگارشی و خوانشی است از کلمه‌ها، احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده بنا که دارای وابستگی معنایی به هم می‌باشند. هر اثر معماری با رمزگان‌های زیباشناختی به همراه رمزگان‌های اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند. طرح معماری شبکه‌ای از نشانه‌هاست که به‌طور مجرد واجد معنای خاصی نیستند و فقط در بافتار شبکه‌گون متن دلالت‌گری خود را نشان می‌دهد. طرح معماری از شناخت، تفسیر، تأویل و معناسازی منتج می‌شود که نیازمند روش یا دانشی هست که در قالب نشانه‌شناسی جای می‌گیرد و شامل مراحل شناختن رمز عناصر (شبکه متن) و شناختن روابط عناصر (درون متن) و تأویل معنای متن می‌باشد. نشانه‌شناسی با درک و دریافت پدیده‌های جهان، از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در پدیده‌ها حاصل می‌شود و بر پایه روابط دلالتی برای پدیده‌های اجتماعی به آفرینش و تولید معنا می‌پردازد. کاربرد علم نشانه‌ها به لایه‌هایی فراتر از نشانه‌های ملموس و محسوس، توجه به دلالت‌های ضمنی و کشف ساحت غیابی متن برمی‌گردد. با مبانی نشانه‌شناسی، امکان رسیدن به مدلی تحلیلی از نشانه‌شناسی معماری برای شناخت، ارزیابی و تحلیل معماری وجود دارد؛ مدلی که زمینه دریافت معنا و مفهوم این‌گونه معماری را فراهم کند.

در این پژوهش، سیر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه شهری را با رویکرد معناشناسی بررسی و معنا را در کیفیت‌های مورد توجه، در قالب رویکرد نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از رویکردهای معناشناسی بررسی کرده است. در پایان آنچه می‌توان گفت این است که زندگی هر روز تحولی به خود می‌دید و خانه محل زندگی خصوصی و مقابله با هجمه تحولات بیرونی بود. در این زمان زندگی دوگانه درون و بیرون شکل گرفته بود. با این وجود گرایش به مدرن شدن خانه و خانواده را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. از سویی با به‌وجود آمدن معنای جدید خیابان، خانه‌ها به سمت برونگرایی متمایل شدند و از سوی دیگر با تغییر نقش زنان در جامعه و گسترش آموزش به آنها،

خانواده از جایگاه‌های سنتی خود فاصله گرفت. حرکت ضد دینی جامعه نیز به نوعی باورهای قشرهای مختلف را هدف قرار داد و آنها را دچار تغییر کرد. در ادامه با دگرگونی‌های بیشتر در ارکان خانواده، گرایش به مصرف و بیرون رفتن برخی از فعالیت‌ها از خانه و بسیاری موارد دیگر، موجی از تغییر به درون خانه و خانواده راه یافت. حضور رسانه‌ها و تحولات فرهنگی جامعه از یک سو و تغییرات اقتصادی نیز از سوی دیگر روندی را ایجاد کرد که فرهنگ سکونت ایرانی را از فرهنگ سکونت گذشته خود متفاوت نمود. این تغییر به همراه تغییر فناوری و الگوی ساخت‌وساز منجر به تحولی در عرصه معماری شد. نکته حائز اهمیت این است که تحول معنای اجتماعی - فرهنگی در مورد همه فضاها و فعالیت‌ها به‌طور یکسان اتفاق نیفتاده است، به‌گونه‌ای که در برخی فضاها، معنای خانه به‌کلی تغییر کرده است. در برخی فضاها در امتداد معنای گذشته، معنای جدید شکل تازه‌ای یافته است و در برخی دیگر همان معنای گذشته در فضاها جاری است.

### فهرست منابع

- آقالطیفی، آزاده و کلیائی، وحید (۱۳۹۷). خانه‌های تاریخی سنندج، خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست. نشریه صفا، (۲۸)، ۱۱۱-۱۳۱.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- امیرسرداری، یاسر؛ فروتن، منوچهر؛ معظمی، منوچهر و محمدی، مریم (۱۳۹۸). برج مسکونی در قاب سینما؛ واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران. *نشریه علمی - پژوهشی باغ نظر*، (۷۴)، ۱۷-۳۰.
- پناهی، سیامک و رحیمی، رحیم (۱۳۹۸). *بررسی نحوه آفرینش فضای معماری با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت نمونه موردی موزه یهود برلین، دانیل لیبسکیند*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و بازآفرینی شهری، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرآیندها و معیارهای طراحی خانه*. تهران: مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی.

- حبیب، فرح (۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، (۲۵)، ۵-۱۴.
- حجت، مهدی (۱۳۸۷). درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات نشر صفا.
- دباغ، امیرمسعود و مختاباد امرایی، مصطفی (۱۳۸۹). تأویل معماری پست مدرن از منظر نشانه‌شناسی. نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، (۹)، ۵۹-۷۲.
- راپاپورت، اموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه فرح حبیب، تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان، تهران: انتشارات کسری.
- زارعی، محمدابراهیم؛ حاتمی مجد، فائزه و محمدیان منصور، صاحب (۱۳۹۷). خانه‌های قدیمی همدان. تهران: انتشارات نشر طلایی.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی کاربردی. مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در واکاوی متن هنری. مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. تهران: انتشارات علم.
- سرمستانی، محمد؛ فروتن، منوچهر و طهوری، نیر (۱۳۹۷). آفرینش شاعرانه در فضای شهری: واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز. نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، (۳۴)، ۶۷-۷۸.
- شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۷). معنا در معماری غرب. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۸). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران: نشر آگه.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۳). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- غفاری، علیرضا (۱۳۹۳). تحلیل ساختار شکل در معماری ایران، از رویکرد نشانه‌شناختی معماری (مطالعه موردی: بازارهای ایران). (رساله دکتری معماری).

- دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.  
 قلیچ‌خانی، بهنام (۱۳۹۱). *رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار*.  
 (رساله دکتری معماری). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم  
 تحقیقات، تهران، ایران.
- کندلیس، ماندالا (۱۹۷۳م). *نقشه‌های قدیمی شهر همدان*. همدان: انتشارات دانشگاه  
 بوعلی سینا.
- کوپر مارکوس، کلر (۱۳۸۲). *خانه نمادی از خویشتن*. ترجمه احمد علی‌قیان، تهران:  
 فصلنامه فرهنگستان هنر.
- لنگ، جان (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات  
 دانشگاه تهران.
- محمدی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌های*. مجموعه  
 مقالات نشانه‌شناسی مکان به کوشش دکتر فرهاد ساسانی، تهران: نشر سخن.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). *معماری ایرانی*. تهران: انتشارات سروش دانش.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷). *تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان*. نشریه نامه  
 معماری و شهرسازی، سال یکم، (۱).
- نیلندر، اولو (۱۳۹۰). *معماری خانه*. ترجمه محمدصادق فلاحت، زنجان: انتشارات  
 دانشگاه زنجان.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱). *شعر، زبان و اندیشه رهایی: مقاله (انسان شاعرانه سکنی  
 می‌گزیند)*. ترجمه عباس منوچهری، تهران: انتشارات مولی.
- Danesi, Marcel. (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto, University of Toronto Press.
- Eco, U. (1995). *The search for the perfect language*. Blackwell, Oxford, Fontana Press, London.
- Jencks, C. (1977). *The languages of postmodern Architecture*, Academy Edition, London.
- Peirce, CS. (1998). *Pragmatic 7 Pragmatism in Baldwin, JM*, Dictionary of Philosophy & Psychology, Vol II, New York.
- Rappaport, A. (1973). *Australian Aborigines and the Definition of Place in P. Oliver (ed), Shelter, Sign and Symbol*. London.
- Rappaport, A. (1982). *House Form and Culture*, Englewood Cliffs 1969.
- Rappaport, A. R. E. Kantor (1985). *Complexity and Ambiguity in Environmental Design, in American Institute of Planners Journal*.

## References

- Agha Latifi, Azadeh. Kilai, Vahid. (2017). Historical houses of Sanandaj, reading the body through the lens of culture, *Safeh Magazine*, (28), 111-131. (In persian)
- Ahmadi, Babak. (2006). Text structure and interpretation, publishing center, Tehran, first edition. (In persian)
- Amirsardari, Yasir. Humble, humble. Moazzami, Manouchehr. Mohammadi, Maryam. (2018). A residential tower in the frame of the cinema; Semiotic analysis of tall residential buildings in the cinema after the Islamic revolution of Iran, *Bagh Nazar scientific-research journal*, (74), 17-30. (In persian)
- Candlesticks, mandalas. Consulting Engineers. (1973). Old maps of Hamedan city, Boali Sina University Publications, Hamedan. (In persian)
- Chandler, Daniel. (2006). Basics of semiotics, (Mehdi Parsa, translator). Soura Publishing House, Tehran. (In persian)
- Cooper Marcus, Clare. (2002). A house is a symbol of oneself, (translated by Ahmad Alijan). *Quarterly magazine of Art Academy*, Tehran. (In persian)
- Dabbagh, Amir Massoud and Mokhtabad Amrai, Mustafa. (2009). Interpretation of post-modern architecture from the perspective of semiotics, *Hoyt Shahr scientific-research journal*, (9), 59-72. (In persian)
- Danai Fard, Hassan. Alwani, Seyyed Mehdi. Azar, Adel. (2003). Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach, Safa Publishing House, Tehran. (In persian)
- Danesi, Marcel. (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto, University of Toronto Press.
- Eco, U. (1995). *The search for the perfect language*. Blackwell, Oxford, Fontana Press, London.
- Ghaem, Gisu (1995). The common language of housing construction in Iran's past architecture, *Safeh magazine*, 6th year, (22), 22-27. (In persian)
- Ghaffari, Alireza. (2013). Analyzing the structure of form in Iranian architecture, from the semiotic approach of architecture (case study: Iran's markets), doctoral dissertation in architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Department of Research Sciences, Tehran. (In persian)
- Habib, Farah (2005). Hive mining in the meaning of the shape of the city, *Scientific-Research Journal of Fine Arts*, (25), 5-14. (In persian)
- Haeri, Mohammad Reza. (2008). House, culture, nature: architectural investigation of historical and contemporary houses in order to formulate house design processes and criteria, *Housing and Urban Development Research Center*, Ministry of Roads and Urban Development, Tehran. (In persian)
- Hojjat, Mehdi. (2007). Lessons from Iran's traditional architecture, collection of speeches of the first and second consensus on architectural topics, Isfahan, Isfahan Municipal Cultural and Recreational Organization. (In persian)
- Jencks, C. (1977). *The languages of postmodern Architecture*, Academy

- Edition, London.
- Lang, John (2016). Creation of architectural theory, (translated by Alireza Einifar). Tehran University Press, Tehran. (In persian)
- Memarian, Gholamhossein. (2007). Iranian Architecture, Soroush Danesh Publishing House, Tehran. (In persian)
- Mohammadi, Maryam. (2010). Examining the form of the city from the perspective of the semiotics of layers, a collection of articles on the semiotics of place by Dr. Farhad Sasani, Sokhon Publishing House, Tehran. (In persian)
- Najoomian, Amir Ali. (2007). Semiotic analysis of historical houses of Kashan, Journal of Architecture and Urban Development, Year 1, (1). (In persian).
- Nilander, first (2010). Architecture of the house, (translated by Mohammad Sadegh Falahat). Zanjan University Press. (In persian)
- Panahi, Siamak. Rahimi, Rahim. (2018). Examining the way of creating an architectural space with emphasis on the concept of semiotics and intertextuality of the Jewish Museum of Berlin, Daniel Libeskind, Proceedings of the first international conference on civil engineering, architecture and urban regeneration, Tehran. (In persian)
- Peirce, CS . (1998). Pragmatic 7 Pragmatism in Baldwin, JM , Dictionary of Philosophy & Psychology, Vol II, New York.
- Qalichkhani, Behnam (2011). An analytical approach to the evolution of the Iranian house during the Qajar era, doctoral dissertation in architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Department of Research Sciences, Tehran. (In persian)
- Rappaport, A. (1973). Australian Aborigines and the Definition of Place in P.Oliver (ed), Shelter, Sign and Symbol. London.
- Rappaport, A. (1982). House Form and Culture, Englewood Cliffs 1969.
- Rappaport, A. R.E. Kantor . (1985). Complexity and Ambiguity in Environmental Design, in American Institute of Planners Journal.
- Rappaport, Amos (2004). the meaning of the built environment; An approach in non-verbal communication, (translated by Farah Habib). Publication of Urban Processing and Planning Company, Tehran. (In persian)
- Rappaport, Amos. (2008). Anthropology of housing, (translation by Khosrow Afzalian). Kasri Publications, Tehran, second edition. (In persian)
- Sarmastani, Mohammad. Humble, humble. Tahuri, Nair. (2017). Poetic creation in the urban space: semiotic analysis of the urban space of Bagh Boland, Shiraz, Hoyt Shahr scientific-research journal, (34), 67-78. (In persian)
- Schultz, Christian Norberg. (2007). Meaning in Western architecture, (translated by Mehrdad Qayyomi Bidhandi). Art Academy publication. (In persian)
- Schultz, Christian Norberg. (2008). The concept of dwelling: towards an allegorical architecture, (translated by Mahmoud Amir Yar Ahmadi). Agh Publishing, Tehran. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Applied semiotics, articles of the first consensus on

- art semiotics, Tehran: Art Academy. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Layered semiotics and its application in the analysis of artistic text, articles of the first consensus on art semiotics, Tehran: Art Academy. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Semiotics: Theory and Practice, Science Publications, Tehran. (In persian)
- Zarei, Mohammad Ibrahim. Hatami Majed, Faezeh. Mohammadian Mansour, owner. (2017). Old houses of Hamedan, Golden Publishing House, first edition. (In persian)
- Zimran, Mohammad (2003). An introduction to the semiotics of art, Qaseh publishing house, Tehran. (In persian)




# نقدی بر جایگاه خانواده در تحقق حق بر سلامت در گستره توسعه پایدار (موردکاوی آسیب‌شناسی انحراف همجنس‌گرایان از خانواده طبیعی برای کودکان)<sup>۱</sup>

## سوده کریمی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تحصیلات تکمیلی پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


soode.karimi@pnu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

## محیا صفاری‌نیا

استادیار دانشکده پردیس خاوران دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.


saffarinia@isu.ac.ir

 0000-0001-5532-5476

## حسن خسروی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

h.khosravi@pnu.ac.ir

 0000-0002-7416-1400

## چکیده

اهداف توسعه پایدار به‌عنوان سندی جهانی با چشم‌اندازی بلندمدت تا سال ۲۰۳۰ هدف‌گذاری شده‌اند. در تحقق اهداف این سیاست بین‌المللی، خانواده به‌عنوان نخستین کانونی که رشد و تربیت اعضا در آن صورت می‌گیرد در نظر گرفته می‌شود. این مقاله در راستای پاسخ به این سؤال اساسی که در نیل به اهداف توسعه پایدار خانواده چه نقشی ایفا می‌نماید و چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؟ باتوجه به اینکه حق بر سلامت به‌عنوان یکی از اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار در ابعاد مختلف روحی، جسمی، معنوی و اجتماعی، هدف‌گذاری شده‌اند و خانواده اولین کانون حفظ و اعطای این حق به اعضا محسوب می‌شود؛ بنابراین نظر به آموزه‌های دینی همه ادیان الهی و برخی فلاسفه، هرگونه انحراف از مسیر طبیعی خانواده موجب اختلال در سلامت اعضای آن به‌ویژه کودکان خواهد بود، به‌همین دلیل این مقاله با هدف آسیب‌شناسی اتحادهای مدنی هم‌جنس‌گرا و آسیب‌های حاصل از فرزندپذیری توسط این گروه‌ها با روشی توصیفی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع مبانی حقوق بشری تحکیم نهاد خانواده در پرتو توسعه پایدار، دانشگاه تحصیلات تکمیلی پیام نور می‌باشد.

تحلیلی با جنبه کاربردی و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است که نتایج حاصل از آن دلالت بر این دارد که با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناسی زن و مرد؛ با در نظر گرفتن دو جنس کاملاً متفاوت به‌نظر می‌رسد هر کودک برای برای کمال رشد و سلامت خود نیازمند مادر و پدر می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اهداف توسعه پایدار، خانواده، کودک، همجنس‌گرایان، حق بر سلامت.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.374747.1380

## مقدمه و بیان مسئله

شناسایی برخی عناصر در صحنه بین‌المللی دارای آثار و پیامدهایی می‌باشد و شناسایی خانواده نیز دارای همین آثار و تبعات است که در صورت به رسمیت شناختن واحدی اجتماعی به‌عنوان خانواده، روابط درونی افراد آن نیز قانون‌مند شده و دارای حقوق و تکالیف می‌شوند و از منظر جامعه مورد حمایت واقع می‌شود؛ با توجه به اینکه در اوایل قرن بیستم روان‌پزشکان هم‌جنس‌گرایی را نوعی بیماری در نظر گرفتند و هم‌جنس‌گرایی جزء اختلال‌های رفتار جنسی طبقه‌بندی شد، اما در سال ۱۹۷۳ انجمن روان‌پزشکی آمریکا هم‌جنس‌گرایی را از فهرست بیماری‌های روانی حذف نمود و این گروه‌ها به مرور زمان در سایه حمایت قانون و اعطای برخی حقوق قرار گرفتند، سازمان بهداشت جهانی نیز در سال ۱۹۹۲ دگرباشی و هم‌جنس‌گرایی را از فهرست بیماری‌ها و مشکلات روانی مرتبط با بهداشت خارج کرد (غمامی و مقدمی خماسی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴)، لیکن استفاده غیرآناتومیک و غیرفیزیولوژیک از دستگاه تولید مثل، عملکرد فرد را در حوزه‌های متعددی از زندگی مانند عملکرد جنسی، سلامت جسمانی، تشکیل خانواده، والدگری و فرزندپروری و... مختل می‌نماید (مرعشی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰) در همین راستا شناسایی انواع مختلفی از اتحادهای مدنی در برخی اسناد بین‌المللی و آراء قضایی به‌عنوان خانواده، نزاعی طولانی در بین گروه‌های دوستدار خانواده و گروه‌های حامی حقوق سایر اتحادهای شبه‌خانواده به‌وجود آورد؛ زیرا در نتیجه این شناسایی خانواده طبیعی و کارکردهای آن در معرض آسیب قرار می‌گرفت، به‌همین علت، شناخت ابعاد مسئله در صورت اعطای حقوق خانواده طبیعی به سایر گروه‌ها اهمیت می‌یابد، اعطای حق والد شدن یا سایر حقوق اختصاصی خانواده هسته و طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ماهوی این کانون و سایر گروه‌ها منجر به تضعیف پایه‌های اساسی تشکیل جامعه (خانواده) خواهد شد و آثار مخرب آن اعضای خانواده به‌ویژه کودکان را در معرض آسیب قرار می‌دهد، همچنین حق بر سلامت در گستره اهداف توسعه پایدار در صورت شناسایی هم‌جنس‌گرایان به‌عنوان خانواده با ابهام مواجه خواهد شد؛ زیرا در ابعاد مختلف سلامت این گروه از اقلیت‌های جنسی در معرض آسیب هستند. بدین جهت نگارنده در پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن ارائه ادله، خوانشی

مجدد در خصوص خانواده طبیعی بر مبنای مستندات فلسفی مبتنی بر حقوق طبیعی داشته باشد و با تقریر هم‌جنس‌گرایی در زمینه‌های متعدد، حق والدگری این گروه را به جهت رد یا پذیرش فرزندخواه‌گی توسط آنها بررسی نماید.

## ۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل جایگاه خانواده در تحقق اهداف توسعه پایدار و آسیب‌شناسی انحراف از خانواده طبیعی به‌ویژه برای کودکان می‌باشد. بدین‌منظور برخی از اهداف توسعه پایدار که هم‌گرایی بیشتری با نهاد خانواده دارند از ابعاد مختلف واکاوی شده و با توجه به منفعت عالی‌ه کودکان به‌عنوان ضعیف‌ترین اعضای خانواده که امکان انتخاب والدین خود را ندارند و به رشد عقلی و جسمی کامل نرسیده‌اند، هم‌زیستی هم‌جنس‌گرایان در تقابل با خانواده طبیعی تحلیل می‌شود.

با امعان نظر به مطالب فوق‌الذکر این سؤال‌های اساسی مطرح می‌شود که:

- ۱- در نیل به اهداف توسعه پایدار خانواده چه نقشی ایفا می‌نماید؟
- ۲- حق بر سلامت به‌عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار چگونه توسط خانواده طبیعی محقق می‌گردد؟
- ۳- چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؟
- ۴- هم‌جنس‌گرایی بر اشخاص هم‌جنس‌گرا و فرزندخواندگان آنها چه تأثیری دارد؟
- ۵- چگونه قوانین مشابه تأثیر متفاوتی بر زوج‌های هم‌جنس‌گرای مرد و زوج‌های هم‌جنس‌گرای زن دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهشی

در ارتباط با پژوهش پیش‌رو یافته‌های مرتبط و همسویی از سوی برخی پژوهشگران صورت پذیرفته، از جمله:

- ۱- خانواده در اسناد حقوقی بین‌المللی حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳)، اثری است که در آن محیا صفاری‌نیا در سال ۱۳۹۳ ضمن بررسی تحولات جامعه بشری اسناد بین‌المللی از زمان کهن و به بحث در ارتباط با مفهوم‌شناسی خانواده و اصول حاکم بر آن در اسناد بین‌المللی پرداخته است. محتوای این اثر تنها بخشی از محتوای رساله حاضر را پوشش می‌دهد و در خصوص توسعه پایدار و خانواده، نویسنده قصد ارائه مطلب نداشته است.

۲- محمدجواد جاوید (جاوید، ۱۳۹۱) در سال ۱۳۹۱ در کتاب نقد مبانی فلسفی حقوق بشر، انسان‌شناسی حقوق بشر را با توجه به هستی‌شناسی و چیستی طبیعت بررسی نموده و در بخش دوم نظریه حقوق قراردادی بشر را بیان و در نهایت نظریه‌ای در باب شهروند قانونی مطرح نموده است. محتوای این کتاب اگرچه در بحث مبانی مشابهت با رساله حاضر دارد؛ لیکن، هدف مؤلف بررسی موضوع خانواده یا توسعه پایدار در کتاب خود نبوده است.

۳- ریچل وودوارد و تریش وینتر در کتابی با عنوان نگاه انتقادی به نحوه درک جنسیت یعنی معنای مرد یا زن بودن در ارتش معاصر بریتانیا (Woodward & Winter, 2007)، با نگاهی انتقادی به سیاست‌ها و عملکردهایی که هویت جنسیتی را در ارتش بریتانیای معاصر شکل می‌دهد و با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، پیامدهای سیاسی و عملی آن را بررسی کرده است که به‌عنوان جنبه‌ای کاربردی از موضوع پژوهش حاضر می‌توان به آن اشاره داشت.

نوآوری و وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های مختلف در حوزه بین‌المللی و داخلی این است که این پژوهش به‌عنوان پژوهشی میان‌رشته‌ای با بررسی مبانی فلسفی و روان‌شناختی و... به تشریح مبنایی انسان‌شناسی پرداخته است؛ سپس با امعان نظر به مبانی حقوق بشری از زاویه اهداف توسعه پایدار موضوع استحکام خانواده را بررسی کرده است، در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده موضوع تحکیم خانواده به این ترتیب بررسی نشده است.

### ۳. ملاحظه‌های نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

**خانواده:** خانواده در اصطلاح کوچک‌ترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر و فرزندان آنها است (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۴۷۲) تعریف شده است. دودمان، خاندان، تبار مجموعه افراد دارای پیوند نسبی یا سببی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند (معین، ۱۳۶۳ و دهخدا، ۱۳۴۱). در اعلامیه جهانی حقوق بشر خانواده به‌عنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع، معرفی و مستحق حمایت جامعه و دولت بیان شده است و برای هر زن و مرد بالغی با این حق شناسایی شده است که بدون هیچ محدودیتی از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر ازدواج نموده و هنگام انحلال آن برای زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی باشند. کنوانسیون

منع تبعیض علیه زنان، خانواده را یک ساختار اجتماعی، قانونی، مذهبی و اقتصادی تعریف کرده و در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) خانواده به عنوان واحد طبیعی و بنیادی جامعه بیان شده است<sup>۱</sup> (CEDAW General Recommendation CEDAW/C/GC/29, 2013). کمیته حقوق بشر<sup>۲</sup> در اظهار نظر عمومی خود در سال ۱۹۹۰ در مورد خانواده، اظهار داشت: که مفهوم خانواده ممکن است از برخی جهات از ایالت به ایالت و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. با وجود این آنچه در همه ایالت‌ها و کشورها از وحدت مفهومی برخوردار است، خانواده هسته و طبیعی می‌باشد؛ همان خانواده‌ای که تشکیل‌دهنده هر جامعه و محل پرورش نسل‌های آتی است.

**ازدواج:** زناشویی و ازدواج<sup>۳</sup> از منظر ریشه‌شناختی از اصطلاح لاتین ماریتاتوس<sup>۴</sup> گرفته شده و به معنای اتحاد و یکپارچگی میان زن و مرد در قالب قراردادی مشخص، سوگند تعهد و وفاداری یا اعلامیه‌ای رسمی<sup>۵</sup> است. از منظر اصطلاح‌شناسی واژه ازدواج، به معنای اتحاد و پیوستگی میان دو نفر است که از زاویه دید اجتماع به رسمیت شناخته شده و برای طرفین حقوق و مسئولیت به بار می‌آورد (Haviland; Prins & Bunny McBride, 2011, p. 209). این تعریف از سوی جامعه‌شناسانی ارائه شده که در پی به رسمیت شناختن اتحادهای مدنی هم‌جنس‌گرایان هستند.

**هم‌جنس‌گرا:** هم‌جنس‌گرایی - کشش جنسی برای (یا روابط جنسی با) افراد هم‌جنس (Webster, 2023).

**توسعه پایدار:** اصطلاح توسعه پایدار نخستین بار در یکی از تصمیم‌های شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد<sup>۶</sup> در سال ۱۹۷۵ به کار برده شد، بعد از آن توسعه پایدار در (جهانی‌پور و توحیدی، ۱۴۰۰، ص. ۶۴۲) دهه هشتاد میلادی و در

1. CEDAW General Recommendation No 29 on Economic consequences of Marriage, Family relations and their dissolution under article 16 of the Convention, CEDAW/C/GC/29 (26 February 2013) para 1. CEDAW General Recommendation No 29 paras 7, 8. See also CEDAW General No 28 on the Core Obligations of States Parties under art 2 of the Convention, CEDAW/C/GC/28 (16 December 2010).

2. HR

3. Marriage

4. Maritatus

5. c. 1300, mariage, "action of entering into wedlock;" also "state or condition of being husband and wife, matrimony, wedlock;" also "a union of a man and woman for life by marriage, a particular matrimonial union;" from Old French mariage "marriage; dowry" (12c.), from Vulgar Latin \*maritaticum (11c.), from Latin maritatus, past participle of maritare "to wed, marry, give in marriage" (see marry (v.)). The Vulgar Latin word also is the source of Italian maritaggio, Spanish maridaje, and compare mariachi.

6. UNEP: United Nations Environment Programme

سال ۱۹۸۳ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح گردید. در سندی که گروه‌های برون‌تلند در کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تحت عنوان آینده مشترک ما ارائه داد، تمرکز بر نگرانی جدی نسبت به محیط زیست و تلاش برای بالا بردن سطح زندگی فقرا در جهان بود و قرار گرفتن توسعه پایدار به‌عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی درخواست شد؛ بنابراین از دهه هشتاد میلادی کلیدواژه توسعه پایدار در ادبیات حقوق بین‌الملل ورود یافت. پس از فراز و فرودهای بسیار، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ کلیه کشورهای عضو سازمان ملل موظف شدند سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت دستیابی به اهداف هفده‌گانه تلاش نمایند.

### ۲-۳. مبانی نظری

نظریه‌های دو گروه از فلاسفه مقدم و مؤخر در خصوص ازدواج به‌عنوان پیش‌شرط خانواده، حائز اهمیت می‌باشد. عده‌ای مانند سنت آگوستین، امانوئل کانت و گاهی زیگموند فروید، با دیدگاه بدبینانه در فلسفه جنسی، معتقدند انگیزه و عمل به اعمال جنسی همواره مخالف شأن و منزلت انسانی است و جوهره و نتایج این انگیزه را با اهداف و آرزوهای مهم‌تر و والاتر وجودی انسان ناسازگار می‌بینند و تهدیدی برای انسانیت انسان می‌دانند (Mill, 2021). کانت معتقد است که فعالیت جنسی شخص مورد علاقه را در حد یک شیء پایین می‌آورد و انحطاط ذات انسانی است (Kant, 1963, p. 163). برنارد بامیریم<sup>۱</sup> هم به این نکته اشاره می‌کند که «تعامل جنسی - از نظر فیزیکی، روان‌شناختی، عاطفی و حتی فکری اساساً فریب‌دهنده است» (Baumrin, 1984, p. 300).

در مقابل دیدگاه اسلام مبتنی بر این موضوع است که ارضای تمایلات جنسی در نظام خانواده و با پیش‌شرط ازدواج، امری پسندیده است و در صورت فراهم نبودن شرایط باید عفت پیشه کرد<sup>۲</sup>. تنها الگوی مورد پذیرش به‌عنوان خانواده در اسلام وجود دو جنس در کنار یکدیگر است، در همین راستا موافقان تمایلات جنسی را سازوکاری می‌دانند که به‌طور طبیعی افراد را هم از نظر جنسی و هم غیرجنسی پیوند می‌دهد؛ اما آکویناس و ناگل معتقدند آنچه در تمایلات جنسی انسان غیرطبیعی است انحراف است و آنچه در جنسیت انسانی غیرطبیعی یا انحراف است، صرفاً چیزی است که با جنسیت طبیعی انسان ناسازگار است. آکویناس بر اساس

1. Bernard Baumrim

۲. ولیستغف الدین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله (نور / آیه ۳۳).

مقایسه تمایلات جنسی انسان‌ها و تمایلات جنسی حیوانات پایین‌تر (به‌ویژه پستانداران) نتیجه می‌گیرد که آنچه در تمایلات جنسی انسان طبیعی است، انگیزه جنسی دگرجنس‌گرا است. این نوع از رابطه توسط خدای مسیح طراحی شده است؛ جهت حفاظت از گونه‌های حیوانی از جمله انسان و از این‌رو این نوع رابطه، طبیعت اولیه ماهیت رابطه جنسی انسان است. آمیزش جنسی با حیوانات پست‌تر (حیوان‌گرایی)، فعالیت جنسی با افراد همجنس خود (همجنس‌گرایی) و خودارضایی از نظر آکویناس اعمال جنسی غیرطبیعی هستند و دقیقاً به‌همین دلیل غیراخلاقی هستند. اگر آنها عمداً مطابق میل شخص انجام شوند، عمداً نظم طبیعی جهانی را که خدا آفریده است و خداوند دستور داده است که به آن احترام گذاشته شود، برهم می‌زنند (Aquinas, 1964, pp. 153-154). در این مقاله نویسنده نیز همراه با نظر اسلام و گروه موافقان به استدلال می‌پردازد، اما با تأکید بر این نکته که همراه با دیدگاه اندیشمندان مسلمان، هر نوع رابطه جنسی‌ای مورد تأیید نیست؛ امروزه در بسیاری از جوامع، در کنار کمرنگ شدن مفهوم سنتی خانواده (خانواد گسترده) و خانواده نوین (خانواده هسته‌ای) که هر دو مبتنی بر پیوندهای خونی و ازدواج هستند، مفهومی از خانواده در حال رشد است که مبتنی بر خون یا ازدواج نیست (مثل زوج‌های ناهمجنس‌گرای ازدواج‌نکرده یا زوج‌های همجنس‌گرا) البته گروه‌های دوستدار خانواده، این نهاد را متشکل از زن و مرد ازدواج کرده و فرزندان آنها دانسته‌اند و سایر قالب‌ها برای تشکیل زندگی مشترک میان دو همجنس را غیراخلاقی و فاقد نام خانواده می‌دانند. کاهش نرخ ازدواج و زاد و ولد، افزایش نرخ ازدواج‌های غیررسمی، طلاق و خانواده متشکل از پدر یا مادر به همراه فرزندان، افزایش اشتغال زنان و افزایش فردگرایی در روابط خصوصی، که در زندگی خانوادگی رخ داده، از جمله موارد انحراف خانواده از مسیر طبیعی بودن به‌شمار می‌آیند که موجب فروپاشی خانواده است (موسوی و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۴۹۲).

#### ۴. روش پژوهش

با عنایت به اینکه این مقاله به بررسی وضع موجود خانواده طبیعی و برخی انواع انحراف از مسیر خانواده طبیعی و آثار آن بر روی سلامت کودکان می‌پردازد، ویژگی‌ها و اوصاف پدیده‌های هدف را با روش توصیفی - تحلیلی پژوهش شده است. به‌همین علت در ابتدا با بررسی اسناد مختلف در حوزه‌های مرتبط با نقش خانواده در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و باتوجه به هدف نیل به سلامتی، با تمرکز بر گروه

هم‌جنس‌گرایان به‌عنوان یکی از انواع انحراف از خانواده طبیعی، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی را مورد بازبینی قرار داده است؛ با این هدف که زوایای متعدد آثار بر روی سلامتی کودکان با استفاده از نمونه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده، دعاوی دادگاه‌ها و نتایج ارائه شده تبیین شود. این پژوهش جهت بهره‌برداری در سیاست‌گذاری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جنبه کاربردی دارد و اطلاعات مقاله به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی در سال ۱۴۰۱ جمع‌آوری شده است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. نقش خانواده در نیل به اهداف توسعه پایدار

در پاسخ به سؤال اساسی مقاله در خصوص اینکه خانواده در نیل به اهداف توسعه پایدار چه نقشی ایفا می‌نماید بیان نکات ذیل ضروری است:

سیاست‌های مرتبط با خانواده که آمیخته با فرهنگ و تمدن هر کشور است یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌های عمومی ملی برای تأثیرگذاری دولت‌ها بر استاندارد زندگی نسل‌های آینده است. این موضوع به مبانی تفکری فلسفی دولت‌ها در خصوص خانواده وابستگی و ارتباط مستقیم دارد.

بسیاری از سیاست‌های توسعه پایدار از جمله کاهش فقر، حمایت از کودک، بهبود سلامت و آموزش را با محوریت خانواده و با لحاظ شرایط اختصاصی هر کشور می‌توان حاصل نمود. هدف توسعه پایدار پیشرفت‌های اجتماعی است که در صد است که تا سال ۲۰۳۰ محقق شوند. اگرچه که نقش خانواده‌ها در دستیابی به اهداف توسعه تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود، اما به نظر می‌رسد بر این واقعیت اتفاق نظر وجود دارد که، ثبات و انسجام جوامع عمدتاً بر استحکام خانواده استوار است. در واقع، دستیابی به اهداف توسعه پایدار بستگی به این دارد که خانواده‌ها تا چه حد توانمند شوند تا در دستیابی به آن اهداف مشارکت کنند؛ بنابراین، در یک رابطه دو سویه، سیاست‌های متمرکز بر بهبود رفاه خانواده‌ها مطمئناً به نفع توسعه خواهند بود (Report of the United Nations Secretary-General, 2010, p. 4).

نکته مهم این است که از بین بردن فقر و کاهش آن از جمله اهداف توسعه پایدار می‌باشد و یک عامل استرس‌زا برای بشر محسوب می‌شود. فقر خانواده می‌تواند بر عملکرد و ثبات خانواده تأثیر بگذارد، که این موضوع می‌تواند در سلامت روان، رفاه و افزایش خشونت بین‌فردی مؤثر باشد (Richardson & et al., 2020, pp. 8-32).

به‌طور کلی، شواهد بیانگر این است که خانواده‌های توانمند به‌عنوان واحدهای حمایتی عمل می‌کنند و منابع مهمی شامل زمان، منابع مالی، منابع فیزیکی، مراقبت بین‌فردی و امنیت عاطفی را برای افراد فراهم می‌نمایند. پیشرفت خانواده‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر پیشرفت جوامعی که آنها بخشی از آن هستند، تأثیر می‌گذارد. از این نظر، خانواده‌ها بسترهای مهم اساسی را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار فراهم می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان نقش خانواده‌های توانمند را در توسعه پایدار نادیده گرفت (Richardson & et al., 2020, pp. 8-34).

آنچنان‌که ملاحظه شد این کانون خانواده است که می‌تواند حصول بسیاری از اهداف توسعه پایدار را به‌عنوان اولین محیط رشدی اعضای جامعه، تسریع بخشد، این نقش حائز اهمیت موجب می‌شود حفظ خانواده به‌عنوان مقدمه واجب، ضروری شمرده شود و به‌همین ترتیب هر آنچه که باعث تضعیف این کانون شود، قاعداً دستیابی به رفاه، رفع فقر و... را سخت می‌نماید. البته در این رویکرد، تفاوت دیدگاه‌های کشورهای مختلف می‌تواند مسیر متفاوتی را در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار انتخاب نماید؛ به‌عنوان مثال، با در نظر گرفتن برابری در اصول اساسی انسانی، تبعیض مثبت در راستای عدالت توزیعی و کرامت بشری در دو سطح ذاتی و اکتسابی و داخلی و خارجی در بستر ارزش حیات به‌عنوان سرمنشأ کلیه حقوق، خانواده در جهت نیل به تعالی، سوق داده می‌شود و در این راستا، بر زدودن فقر و آموزش و برابری جنسیتی سایر اهداف توسعه پایدار مرتبط با خانواده هدف‌گذاری می‌گردند.

## ۵-۲. ابعاد حق بر سلامت

در پاسخ به دومین سؤال مقاله حاضر در خصوص نقش خانواده در حق بر سلامت مروری بر اسناد مرتبط با این حق مفیده‌فایده به نظر می‌رسد. در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد به‌صورت تلویحی حق بر سلامت اشاره شده، همچنین ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتباط با حق بر تأمین سطح زندگی و سلامتی افراد و برخورداری از شرایط زندگی شرافتمندانه در وضعیت‌هایی مانند بیماری، همچنین در خصوص مادر و کودکان به حق بر مراقبت‌های تخصصی و کمک از دولت اشاره شده است که جمع مواردی که مطرح شد، موجب ایجاد استانداردهایی برای زندگی سالم خواهد شد.

در ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌صراحت حق بر سلامت تأکید شده و دلالت بر آن دارد که دولت‌های عضو میثاق، حق هر کس به

تمتع از بهترین حالت سلامتی و روحی ممکن الحصول را به رسمیت می‌شناسند. این نکته حائز اهمیت است که در این ماده حق بر سلامت جسم و حق بر سلامت روحی به صورت مجزا اشاره شده است.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۲۰۰۰ حق بر سلامتی را به عنوان یک حق بشری که برای اعمال سایر حق‌های بشری ضروری است؛ معرفی کرده است. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی در ماده ۵، بند ه دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حق هر فرد را نسبت به سلامتی عمومی، مراقبت پزشکی و خدمات تأمین اجتماعی را تضمین نمایند.

ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، بر حق کودک برای برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشت دلالت دارد.

در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی نیز بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادین هر انسان شناخته شده است و این سازمان، در ماده یک اساسنامه خود دلالت بر دستیابی همه به بالاترین سطح ممکن برای سلامت به عنوان هدف دارد، همچنین در تعریفی فاخر سلامتی را حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی (https://www.who.int/about/governance/constitution, 2022) و نه صرفاً فقدان بیماری یا ناتوانی تعریف کرده است.

آنچنان که از مستندات فوق قابل استدلال است، اینکه حق بر سلامتی اولاً، به طیف وسیعی از اعمالی که ایجاد شرایط زندگی سالم می‌کنند، اشاره دارد و ثانیاً، استنباط می‌شود که ابعاد سلامت جنبه‌های مختلف دارد و سلامت جسم، سلامت روح یا روان و سلامت اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ قاعداً در صورت تحکیم خانواده دستیابی به این سطوح از سلامتی در بستر کانونی که اولین بستر حمایتی افراد است به ساده‌ترین شیوه‌ها قابل حصول است؛ اما باید در نظر داشت که نمی‌توان سلامتی را بدون نظر گرفتن بعد معنویت متعادل تصور کرد.

تاکنون، جامعه علمی جهان، نقش مثبت اعمال معنوی و معنویت را در درمان سرطان، فشار خون، افسردگی و استعمال دخانیات تثبیت کرده است. به گفته برخی دانشمندان اگر طب نوین واقعاً یک هنر شفابخش است، نه تنها باید به بدن افراد، بلکه به ذهن و روح آنها نیز بپردازد، همچنین نه تنها باید با سازوکار بیماری، بلکه با معنای آن در زندگی روزمره مردم نیز سروکار داشته باشد. باید تشخیص دهد که قدرت شفای دیگران و شفا یافتن به ورای بعد فیزیکی نیاز دارد (Dhar; Chaturvedi, 2013, p. 2). در این خصوص اگرچه دولت‌ها نقش به‌سزایی می‌توانند

ایفا نمایند؛ اما در صورت وجود خانواده‌های سالم، که اعضای آن در خانواده بر اساس ارزش‌های والای انسانی رشد و پرورش می‌یابند و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، دستیابی به سلامت معنوی از اولین سال‌های زندگی برای افراد نهادینه خواهد شد. کودکان در سال‌های ابتدایی زندگی که ذهن و روحشان پرورش می‌یابد لازم است که در کانونی رشد یابند که تضمین‌کننده این بعد از سلامتشان باشد تا بتوانند در مسیر کرامت اکتسابی قدم بردارند. والدین و سایر اعضای خانواده می‌توانند به‌عنوان مروج اولیه زندگی سالم عمل کنند. عملکرد خانواده - یا ناکارآمدی - می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی برای نوجوانان داشته باشد. خانواده‌ها همچنین می‌توانند منبع استرس و افسردگی باشند که سلامت روح را به‌خطر می‌اندازد. همچنین، خانواده‌های بسیار ناکارآمد نیز می‌توانند مرتکبین خشونت و آزار خانگی را در خود جای دهند که منجر به آسیب جسمی، بستری شدن در بیمارستان و خودکشی شوند و به‌تبع این آسیب‌ها را در اجتماع نیز وارد نمایند و سلامت اجتماعی نیز به خطر افتد؛ بنابراین حمایت از محیط‌های خانواده سالم و خانواده‌هایی که می‌توانند رفتارهای سالم را ترویج کنند؛ می‌تواند به دستیابی به طیفی از اهداف توسعه پایدار کمک کند؛ به‌عنوان مثال، کودکانی که از نظر جسمی و روحی سالم هستند نسبت به سایرین توانایی یادگیری، فعالیت اجتماعی و بازی بیشتری دارند. بزرگسالان سالم از نظر جسمی در مقایسه با هم‌تایان ناسالم خود احتمالاً در کار بهره‌ورتر هستند و مسئولیت‌های مراقبتی خود را انجام می‌دهند و بزرگسالانی که سلامت روانی خوبی دارند، کمتر رفتارهای پرخطر از جمله خطر مشارکت در جرایم خشونت‌آمیز را انجام می‌دهند.

### ۵-۳. تعاملات حق بر سلامت و حمایت از خانواده طبیعی

در پاسخ به این سؤال که چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؛ بررسی موضوع خانواده طبیعی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ضرورت دارد:

**خانواده طبیعی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای:** بسیاری از اسناد بین‌المللی به موضوع طبیعی بودن خانواده صریحاً یا تلویحاً اشاره داشته‌اند که برخی از آنها ذکر می‌گردد: ماده ۱۰ بند یک میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد: «خانواده که عنصر اساسی جامعه است، باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد؛ به‌ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت

نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را برعهده دارد<sup>۱</sup>. آنچه از متن ماده ۱۰ حاصل می‌شود آن است که:

۱- خانواده نهادی طبیعی است (بخش نخست ماده)؛

۲- خانواده یک موجود و هویت مستقل است که دولت‌ها موظف به حمایت از آن در حد اعلا‌ی خود هستند (بخش نخست ماده)؛ این تعهد در قاعده تأمین و تسهیل حداکثری حقوق خانواده معنا می‌یابد.

۳- ازدواج اگرچه تنها مدخل تشکیل خانواده نیست، اما حداقل یکی از مهم‌ترین درگاه‌های ورود به نهاد خانواده است (بخش دوم ماده)؛

ماده ۲۳ از فصل سوم میثاق، طی ۴ بند به حق بر خانواده اختصاص دارد: خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و دولت را دارد. طبق ماده ۲۳ خانواده واحد طبیعی و اساسی اجتماع است و حق هر زن و مردی که به سن ازدواج رسیده، در تشکیل خانواده و ازدواج به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین با مبنا قراردادن طبیعی بودن خانواده باید بیان کرد که هم‌جنس‌گرایان یکی از اشکال انحراف از خانواده طبیعی محسوب می‌شوند.

مقدمه کنوانسیون حقوق کودک: «دولت‌ها با به رسمیت شناختن اینکه خانواده واحد طبیعی و بنیادین اجتماع است و می‌بایستی تحت حمایت جامعه و دولت قرار گیرد؛ باید همه اقدام‌های لازم و شایسته را برای تضمین حمایت از این نهاد به‌ویژه خانواده‌های کارگران مهاجر به‌عمل آورند<sup>۲</sup>». بند ۱۶ ماده سیدا: «دولت‌های عضو باید اقدام‌های لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به‌عمل آورند و به‌خصوص بر پایه تساوی حقوق زن و مرد امور زیر را تضمین کنند: ز: حقوق شخصی یکسان به‌عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل<sup>۳</sup>؛ طبق نص صریح سیدا؛ زن و مرد باید دارای حقوق

1. Art 10: "The States Parties to the present Covenant recognize that: The widest possible protection and assistance should be accorded to the family, which is the natural and fundamental group unit of society, particularly for its establishment and while it is responsible for the care and education of dependent children. Marriage must be entered into with the free consent of the intending spouses.

2. Article 77 para 0: "States Parties, recognizing that the family is the natural and fundamental group unit of society and is entitled to protection by society and the State, shall take appropriate measures to ensure the protection of the unity of the families of migrant workers".

3. Article 01 para. g: "States Parties shall take all appropriate measures to eliminate discrimination against women in all matters relating to marriage and family relations and in particular shall ensure, on a basis of equality of men and women ... (g) The same personal rights as husband and wife, including the right to choose a family name, a profession and an occupation".

شخصی یکسان به عنوان زوج و زوجه (زن و شوهر) باشند. عبارات فوق صریحاً این معنا را در خود دارد که تشکیل خانواده از دو جنس متفاوت و بر پایه زناشویی میان یک زن و یک مرد است؛ چراکه در پیوندهای همجنس‌گرا دو طرف یا زوج هستند یا زوجه و دو نقش جنسیتی هم‌زمان در این پیوندها دیده نمی‌شود؛ بند ب ماده ۵ این سند نیز به گونه‌ای دیگر همین موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد: «دولت‌های عضو، اقدامهای مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد: ب: حصول اطمینان از اینکه تعلیم و تربیت خانواده، شامل درک صحیح از مادری به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان می‌شود»<sup>۱</sup>؛ متن صریح این ماده نیز تربیت در نهاد خانواده را مسئولیت مشترک زن و مرد می‌داند و این بدین معنا است که اساساً خانواده طبیعی مذکور در لایحه حقوق بشر که این سند نیز در مقدمه و مواد اولیه خود تبعیت از آن را تأیید نموده، متشکل از یک زن و یک مرد است (مقدمی خمایی، ۱۳۹۸، ص. ۸۳). بند الف ماده ۱۳ از حقوق مساوی زن و مرد در بهره‌مندی از مزایای خانوادگی سخن به میان آورده و بند ۱ ماده ۹ نیز از عدم تغییر تبعیت زنان پس از ازدواج پرده‌برداری کرده است. در هر دوی این موارد آنچه حائز اهمیت است آن است که بر تصویر طبیعی خانواده یعنی خانواده غیرهمجنس صحه گذاره است. با این توضیح حمایت از خانواده سالم بی‌تردید از ضروری‌ترین وسایل دستیابی به حق بر سلامت در ابعاد مختلف است. در این میان اگرچه بیوه شدن، اعتیاد، طلاق و... بر سلامت کانون خانواده به‌عنوان مسیر دستیابی به اهداف توسعه پایدار مؤثر است؛ اما یکی از انحراف‌های دیگر از مسیر خانواده طبیعی، اتحاد‌های همجنس در اشکال مختلف می‌باشند. در بخش‌های آتی چگونگی اثرگذاری این اتحادها که اساساً تحدیدکننده خانواده طبیعی محسوب می‌شوند، بر ابعاد مختلف سلامت مورد بررسی قرار داده می‌شود.

#### ۴-۵. ابعاد حق بر سلامت در هم‌زیستی‌های همجنس‌گرایان و فرزندخواندگان آنان

جهت بررسی این موضوع بررسی خلاصه تفاوت‌های جنس زن و مرد از ابعاد گوناگون

1. Article 2 para b: "States Parties shall take all appropriate measures: (b) To ensure that family education includes a proper understanding of maternity as a social function and the recognition of the common responsibility of men and women in the upbringing and development of their children, it being understood that the interest of the children is the primordial consideration in all cases".

در راستای پاسخ به سؤال‌ها مفید به نظر می‌رسد. تفاوت‌های جنسی غیرفیزیکی ناشی از نقش‌های اجتماعی با واسطه فرهنگی است؛ که توسط پسران و مردان و دختران و زنان اتخاذ می‌شود (GEARY, 1998, p. 226). در حالت فیزیکی و در حالت عادی تمایز دستگاه تناسلی مؤنث و مذکر در جنین به وجود یا عدم هورمون‌های مردانه بیضه‌ها وابسته است. اگر این هورمون‌ها موجود باشند، در جنین ساختارهای خارجی و داخلی تناسلی مذکر پدید می‌آید. اگر موجود نباشند، جنین به صورت دختر رشد می‌کند (دنی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳). الگوی تفاوت‌های جنسیتی در دوران نوزادی نشان می‌دهد، که دختران و پسران به‌طور متفاوتی جهت‌گیری، پردازش و واکنش نشان می‌دهند. تفاوت بازی‌ها، در پستانداران، فرزندپروری بازی اغلب در ماده‌های جوانی مشاهده می‌شود که هنوز اولین فرزند خود را ندارند. در تعدادی از این گونه‌ها، فرزندپروری زود هنگام (مثلاً مراقبت از خواهر و برادر) تفاوت جنسیتی در بازی‌های حرکتی تا حدی به انواع مختلف فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که پسران و دختران در آن شرکت می‌کنند (GEARY, 1998, p. 241). تفاوت‌های مربوط به جنسیت در کل مغز و همچنین در هر منطقه خاص مغز وجود دارد (Xin; Zhang; Tang & Yang, 2019, p. 9). این تفاوت‌های ساختاری مغز مرتبط با جنسیت ممکن است به تفاوت‌های جنسیتی در شناخت، کنترل عاطفی و اختلال‌های عصبی مرتبط باشد تحقیقات حجم بیشتری را در مخرجه مردان نسبت به زنان نشان داده‌اند و این تفاوت به‌ویژه در نیمکره‌های مخرجه و ورم قدامی مشهود است (-Raz; Gunning-Dixon; Head; Williamson & Ackera, 2001, pp. 1161-1167). دخترها توانایی کلامی بالایی دارند، پسرها در توانایی بصری - فضایی سرآمدند، روابط اجتماعی برای زن‌ها از مردها مهم‌تر است و زن‌ها در روابط اجتماعی خود، حساس‌تر و ظریف‌تر هستند (دبلیو سانتراک، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۳-۲۹۴). آستانه حس درد و حس لمس دختران از بدو تولد پایین‌تر از پسران است. در صورتی که به تفاوت‌های محیطی نیز در نظر گرفته نشود، تفاوت‌های غیرمحیطی زن و مرد که فارق از هر نوع فرهنگ و محیط، باعث تمایز زن و مرد از یکدیگر می‌شوند، باعث تفاوت در نوع عملکرد و برخورد آنها در اجتماع و تفاوت برخورد اجتماع با آنها می‌شود. با لحاظ خلاصه تفاوت‌های زن و مرد، باتوجه به تفاوت‌هایی که اختصاراً بیان شد هم‌زیستی‌های هم‌جنس‌گرا ابتدا به جهت سلامت خود و سپس از منظر فرزنددانی که آنها به سرپرستی می‌پذیرند بررسی می‌گردد.

در خصوص سلامت روان، افرادی که به هر گروه اقلیت تعلق دارند، از استرس به

حاشیه راندن خود و تبعیض و انگ درونی و همچنین عوامل استرس‌زای تبعیض روزانه، انتظار طرد شدن، خود‌بی‌ارزشی به‌دلیل همجنس‌گرا بودن و هراس درونی، پنهان کردن هویت و سایر اشکال انگ زدن یا برچسپ زدن رنج می‌برند.

بررسی‌ها خطر ابتلا به اختلال‌های روانی، خودکشی و خودآزاری عمدی که مرتبط با سلامت روانی و جسمی هستند، را در افراد همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا در مقایسه با افراد دگرجنس‌گرا ۱,۵ تا ۵ برابر بیشتر نشان می‌دهد (Frisch; Moseholm; Andersson; Bernhard Andresen & Graugaard, 2019, p. 764). بدیهی است در صورتی که همین افراد زندگی مشترک تشکیل دهند و یا کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرند به همین میزان آمار احتمال خودکشی والدین بالاتر از والدین دگرجنس‌گرا خواهد بود. به‌علاوه اینکه افراد دوجنسه کمتر با جامعه خود ارتباط دارند (Salfas; Jonathon Rendina & Parsons, 2019, pp. 300-309). مجموع این موارد در بعد وسیع‌تر سلامت اجتماعی را نیز تهدید می‌نماید.

البته فراتر از این متغیرهای اجتماعی و محیطی، باید توجه داشت که عوامل ژنتیکی نیز ممکن است به‌عنوان یک عامل مشترک در زمینه رفتار جنسی و اختلال‌های روانی مانند افسردگی نقش داشته باشند (Ganna & et al., 2019, pp. 365-882). باتوجه به اینکه اقلیت‌های جنسی در معرض این آسیب‌های سلامت هستند؛ قاعدتاً در صورتی که با ازدواج در یک اتحاد مدنی قرار گیرند، افرادی با همین جنبه‌های نامطلوب سلامت روان به تشکیل اتحاد پرداخته‌اند که اساساً این کانون را هم در معرض آسیب قرار می‌دهند. اگرچه که قانون‌نگاری‌های اخیر در برخی از کشورها در تلاش در جهت احترام به حق سلامت این اقلیت بوده‌اند؛ تا میزان برابری را در میان این اشخاص و سایر افراد دگرجنس‌گرا ایجاد نمایند، اما در تصمیم‌گیری‌های کلان امکان اغماض در خصوص جنبه‌های فقدان سلامت روان این گروه وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال، در خصوص فرزندپذیری یا والد شدن اقلیت‌های جنسی که مستقیماً یک کارکرد خانوادگی است می‌توان به این موضوع اشاره داشت، که آیا اقلیت‌های جنسی‌ای که خود در معرض آسیب‌های سلامتی از جنبه‌های مختلف هستند باید حق بر والد شدن داشته باشند؟ آیا حیات به‌عنوان ارزشی بنیادین در جدال با سایر حقوقی همچون توزیع برابری جنسیتی برخلاف صفات جنس زن و مرد می‌تواند مغلوب شده و موجباتی برای تولد فرزندانی شود که از مسیری به‌جز مسیر طبیعی زاده شده‌اند؟ صرفاً به این علت که دو شخص همجنس تمایل به هم‌زیستی با یکدیگر داشته‌اند که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده

پزشکی در سطح جهان به عوارض شدید سلامتی این نوع اجتماع‌ها در ابعاد مختلف تأکید نموده‌اند؟

## ۵-۵. چگونگی والد شدن در همجنس‌گرایان

با رویکردی انسان‌شناختی می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه قوانین مشابه تأثیر متفاوتی بر زوج‌های همجنس‌گرای مرد و زوج‌های همجنس‌گرای زن دارد؟ باتوجه به اینکه گروه‌های همجنس‌گرا از مسیر طبیعی والد شدن خارج شده‌اند؛ بنابراین برای دولت‌هایی که حق بر ازدواج و در تعاقب آن حق فرزندپذیری را برای این گروه‌ها به رسمیت می‌شناسند ضروریست تا قوانینی را وضع نمایند در جهت حمایت از برخی روش‌ها تا به دو زن یا دو مرد امکان والد شدن را اعطا کنند، اما در اثنا تشریح قوانین، قانون با عوامل دیگری ترکیب می‌شود و امکان دسترسی به مادری برای زنان در زوج‌های همجنس‌گرا را افزایش دهد و درعین حال امکان والدشدن را برای زوج‌های همجنس‌گرای مرد محدود کند. در همین راستا اسپانیا سومین کشور در جهان بود که ازدواج همجنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۵ قانونی کرد و اولین ایالتی بود که امکان پذیرفتن ازدواج را به زوج‌های همجنس اعطا کرد (Imaz, 2017, pp. 5-11). اما در خصوص والد شدن مردان آنها برای طی مسیر پدر شدن از طریق رحم اجاره‌ای (Gross, 2012) با مخالفت قابل توجهی در اسپانیا مواجه شدند، این نابرابری بین زن و مرد در رابطه با تولید مثل را می‌توان با تداوم الگوهای فرهنگی پدری و مادری که توسعه مدل‌های جدید خانواده و دگرگونی روابط جنسیتی را محدود می‌کند، توضیح داد و همین موضوع، به تفاوت‌های اساسی جنس زن و مرد در کانون خانواده اشاره دارد که حتی کشورهایی که به‌طور رسمی، اقلیت‌های جنسی را مورد شناسایی قرار داده‌اند، نمی‌توانند به‌صورت عملی از آن چشم‌پوشی کنند، به دلیل اینکه ماهیت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است و اتفاقاً بحث تبعیض مثبت و عدالت توزیعی در راستای همین تفاوت‌ها قابل ارائه و اعمال است. در این رابطه توجه به قوانین فرزندخواندگی و قانون کمک باروری انسان مفید به‌نظر می‌رسد.

در اسپانیا رحم جایگزین شامل احتمال تشکیل جنین با تخمک اهدایی زنی که مایل به مادر شدن است؛ اما نمی‌تواند نوزاد را حمل کند هم می‌شود. اما حتی در صورت دریافت تخمک زن از همسرش، زن به دلیل ارتباط ژنتیکی با فرزند، مادر نمی‌شود، بلکه مادر شدن او با ازدواج او با زنی که نوزاد را حمل کرده و به‌دنیا آورده،

تعیین می‌شود. به این معنا که صرف تولد فرزند توسط شریک زندگی باعث مادر شدن طرف مقابل نمی‌شود و لازم است زنی که فرزندی دنیا نیاورده است، فرزند شریک خود را - برخلاف ازدواج‌های دگرجنس‌گرایانه - به فرزندخواندگی بپذیرد.

قوانین مربوط به دسترسی به والدین، عدم تقارن قابل توجهی بین مردان و زنان، هم به‌عنوان افراد مجرد و هم به‌عنوان زوج‌های همجنس، ایجاد می‌کند، علی‌رغم این واقعیت که به‌طور رسمی درمان برای هر دو یکسان است.<sup>۱</sup>

زنان می‌توانند بدون هیچ‌گونه مانع قانونی به لقاح مصنوعی دسترسی داشته باشند، چه مجرد باشند و چه با زن دیگری ازدواج کرده باشند. که این امکان به دلایل فیزیولوژیکی برای مردان امکان‌پذیر نیست.

اکثریت قریب به اتفاق زنانی که می‌خواهند مادری را با همسر خود به اشتراک بگذارند، ازدواج و لقاح با اسپرم از یک اهداکننده ناشناس را انتخاب می‌کنند؛ زیرا این تضمین می‌کند که هر دو زن در شرایط برابر در برابر قانون و در امن‌ترین حالت مادر شوند (Imaz, 2017, pp. 5-11) وابسته بودن به یک جنس مخالف در فرزندآوری بارزترین جلوه طبیعت اولیه مسیر والد شدن است و در هر صورت همجنس‌گرایان در این مرحله به جنس مخالف خود نیازند می‌شوند.

در شرایط به ظاهر مساوی، مردان همجنس‌گرا در پایین‌ترین پله از نردبان دسترسی به والدین شدن قرار دارند. آنها از دسترسی به والدین شدن از طریق ابزارهای بیولوژیکی از طریق فرزندخواندگی و از طریق فناوری‌های کمک باروری منع می‌شوند به این دلیل که بر اساس قوانین حاکم بر والدین، مادر شدن بدون پدر امکان‌پذیر است، درحالی‌که عکس آن، عملاً غیرممکن است این تبعیض به دلایل خاص تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناسی زن و مرد است.

از قانون باروری ۱۹۸۸ - اسپانیا به زنان، به‌تنهایی یا به‌عنوان بخشی از یک زوج همجنس، امکان مادر شدن را از طریق لقاح مصنوعی از یک اهداکننده ناشناس ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه یک زن مجرد می‌تواند به این روش‌ها دسترسی داشته باشد، فرزندان که از طریق این روش‌ها به دنیا می‌آیند، کودکانی هستند که تنها یک فرزندخواندگی دارند: فرزندخواندگی مادر. این موضوع برخلاف فرانسه، جایی که بحث‌های عمده‌ای در مورد آسیب یا عواقبی که محرومیت از شخصیت پدر می‌تواند

۱. قانون به زوج‌های لژیبن اجازه می‌دهد از روشی به نام روپا ۱۱ (که این روش شامل کاشت جنین در رحم یک زن است که از طریق IVF تخمکی که از همسرش به‌دست آمده و با اسپرم اهداکننده ناشناس تلقیح شده است) استفاده کنند (Imaz, 2017, pp. 5-11).

برای فرزندان ایجاد کند یا نیاز به یک رابطه سه‌گانه به منظور تضمین رشد سالم کودک وجود داشته باشد، وجود دارد و سلامت کودکان به فرزندخواندگی پذیرفته شده توسط این نوع از هم‌زیستی‌ها را تهدید نماید. در این رابطه اولین سولروت<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) از «خسوف پدران» صحبت کرد تا به این موضوع اشاره کند که چگونه در پیکربندی مجدد خانواده در جوامع نوین، پدران جایگاهی را که به‌طور سنتی به آنها اختصاص داشت؛ از دست داده‌اند، بدون اینکه این فقدان منجر به تخصیص مجدد فضای جدیدی برای آنها شود.

در این پیکربندی مجدد خانواده، زنان اغلب خودکفا هستند و قادر به برآوردن نیازهای خانواده به‌تنهایی می‌باشند و به‌عبارتی که سولروت ابداع کرده است، به «جنس اولیه والدین» تبدیل می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، در اعطای نظام‌مند حضانت فرزند به مادر در مراحل طلاق، زنان خانواده ایجاد می‌کنند (Alberdi Alonso, 1999, pp. 157-190). خانواده متشکل از یک زن و یک مرد که در برخی اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، به‌دلیل ویژگی‌های خاص فیزیولوژیکی و روان‌شناسانه توانمندی والد شدن را با سیر مسیر طبیعی دارند؛ اما هر گونه انحرافی از این مسیر دولت‌ها را به چالش‌های متعددی دچار می‌نماید که بعضاً منجر به وضع قانون‌های نابرابر با هدف ایجاد برابری بین خانواده طبیعی و سایر اتحادهای مدنی می‌شود؛ قوانینی که برای مردان همجنس‌گرا سخت‌گیرانه‌تر اعمال می‌شود تا حدی که بعضاً پدر شدن آنها را ناممکن می‌سازد در واقع تلاش برخی کشورها در جهت اعطای حق والد شدن به این اشکال نوظهور به‌صورت برابر بین همه گروه‌ها اجرایی نمی‌شود و قوانین فرزندپذیری و مادری ساده‌تر از گروه‌های هم‌جنس مرد است.

## ۵-۶. قاعده سببیت و قاعده بالذات در سنجش سلامت فرزندان

### اتحادهای مدنی همجنس‌گرا

در بحث حق بر سلامت از ابعاد مختلف و با امعان نظر به این مهم که با مبنا قراردادن اسناد حقوق بشری در خصوص افراد، با این پیش‌فرض که هدف حفظ منافع کودکان است؛ باید به این پرسش پاسخ داد که همجنس‌گرا بودن والد یا والدین با توجه به اینکه در کنار هم قرار گرفتن دو هم‌جنس به‌عنوان زوج، خلاف طبیعت بشری است آیا برای کودک مضر است و به سلامت جسم یا روح و یا هویت او آسیب می‌رساند؟

1. Évelyne Sullerot

(Carter, 2006, p. 210) در پاسخ به این سؤال اگرچه بررسی موردی نسبت به همه ابعاد مختلف سلامت روان در پرونده‌های مختلف رسیدگی شده، یافت نشده، اما به‌طور کلی و درخصوص حق بر سلامت، به رویه عملی محاکم دادرسی ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود که برای سنجش این مهم به یکی از دو روش سنجش سببیت<sup>۱</sup> یا قاعده بالذات<sup>۲</sup> توسل می‌شود. به این دلیل که با توجه به کامن‌لا بودن نظام حقوقی آمریکا وجود یک رأی در آرای داوری نیز می‌تواند مبنای صدور سایر آراء قضایی در سایر محاکم گردد. در برخی پرونده‌ها از ابتدا دادگاه از ورود به ماهیت دعوا خودداری کرده و دعوا را رد نموده است؛ به‌عنوان مثال، دادگاه عالی فیلادلفیا در خصوص فرزندپذیری اتحادهای مدنی مردان به این شیوه برخورد کرده است (The Associated Press, 2005). در برخی موارد با استدلال عدم شناسایی موضوع توسط قانون به رد دعوا پرداخته مانند موردی که یک زوج همجنس‌گرای زن که در کالیفرنیا ازدواج کرده بودند، به‌دنبال فرزندخواندگی برای فرزند بیولوژیکی خود بودند. دادگاه استیناف مدنی آلاباما درخواست آن‌ها را رد کرد، به این علت که قانون آلاباما ازدواج این زوج را به‌رسمیت نمی‌شناسد ( Same Sex Adoption Cases, 2021). به‌صورت کلی به‌نظر می‌رسد قضات در قاعده سببیت به بررسی شواهدی که ممکن است همجنس‌گرایی والدین منجر به آسیب‌دیدگی کودکان بشوند می‌پردازند؛ در آرای که مبنای سنجش قاعده سببیت است؛ قضات بدون در نظر داشتن ابعاد مختلف سلامت، بعضاً اشاراتی به یک یا دو مورد از ابعاد سلامت داشته‌اند. مطابق با چهارچوب سنجش سببیت، قاضی تمامی ادله و شواهد موجود در جهت بررسی منفی گرایش جنسی والد یا والدین کودک را به‌کار می‌گیرد؛ در صورتی که شواهدی دال بر آسیب دیدگی روانی یا جسمانی و... کودک، ناشی از گرایش جنسی والدین مشاهده شود، دادگاه بلافاصله حق حضانت یا فرزندخواندگی را سلب می‌کند. بار اثبات این امر بر عهده والد دگرجنس‌گرا است؛ به‌عنوان مثال، در قضیه لین علیه لین<sup>۳</sup> دادگاه به‌واسطه آسیب روحی طفل از گرایش جنسی والد همجنس‌گرا، حق حضانت بعد از طلاق را از وی سلب نمود ( Haney-Caron & Heilbrun, 2014, p. 20). در روش دوم یعنی استفاده از قاعده بالذات دادگاه بر این امر تمرکز می‌کند، که آیا رفتار و منش والد همجنس‌گرا به‌خودی‌خود، منفی است و لازم نیست تأثیر آن بر

1. Nexus Test

2. Per Se Rule

3. Layne v. Layne

کودک به اثبات برسد؟ این رویکرد در حال حاضر در ایالت ویرجینیا استفاده می‌شود. در قضیه روه علیه روه<sup>۱</sup> دیوان عالی ویرجینیا در نهایت چنین رأی داد که: «رفتارهای غیراخلاقی و نامشروع پدر همجنس‌گرا؛ وی را به سرپرستی نامناسب برای فرزندانش بدل کرده است...» (Doerhoff, 1999, pp. 959-960). استدلال مقوم این رأی می‌تواند تحکیم‌کننده اصل مدعای مطرح شده در خصوص اثبات عدم صلاحیت اتحادهای مدنی در پذیرش فرزند باشد. چراکه در این رأی نفس عمل همجنس‌گرایی به‌عنوان عمل غیراخلاقی و نامشروع در نظر گرفته شده است.

در همین راستا، استون<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) با جمع‌آوری تبلیغات کمپین از سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۳ دریافت که «کودکان با مادر و پدر از عملکرد بهتری برخوردار خواهند بود» او در رهبری مخالفان از سال ۲۰۰۰ به بعد نقش اساسی داشت. اگرچه آنچنان که بیان شد؛ نگرش‌ها در مورد حقوق همجنس‌گرایان به‌طور قابل توجهی آزاداندیش شده است، بسیاری از مردم در ایالات متحده هنوز در مورد عواقب برابری ازدواج برای فرزندان که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، اطمینان کافی ندارند. ترکیب اجتماعی - جمعیت‌شناختی زوج‌های همجنس مستقیماً با الگوی پیامدهای سلامتی در میان کودکان خانواده از طریق ساختاردهی دسترسی آنها به منابع و مزایای حمایت‌کننده سلامت مرتبط است (Cenegy; Denney & Kimbro, 2017, pp. 8-21).

هر چند در برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده شده است که کودکان تربیت‌یافته توسط والدین غیرهمجنس، همانند کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، در طیفی از عامل‌های سنجشی قرار دارند، از جمله سلامت، مهارت‌های اجتماعی مشکلات رفتاری بهزیستی روان‌شناختی و آموزش قرار دارند. شایان ذکر است تقریباً یک‌چهارم فرزندان خانواده‌های زوج‌های همجنس در فقر زندگی می‌کنند (Goldberg; Gartrell & Gates, 2014, pp. 1-37). این عامل در کنار سایر عوامل احتمالی تهدید سلامت مانند استرس اقلیت، بالاتر بودن آمار خودکشی و... جهت ارزیابی حق بر سلامت فرزندان این اتحادها ضروریست که مورد توجه قرار گیرد.

علاوه‌براین، بسیاری از زوج‌های همجنس که فرزندان خود را بزرگ می‌کنند، ممکن است انواع مختلفی از هم‌زیستی را تشکیل دهند که در آن کودکان تحت پوشش بیمه سلامت متفاوتی قرار دارند و با این طرح‌های بیمه متفاوت که از طریق

1. Roe v. Roe

2. Stone

پوشش‌های مختلف (یعنی دولتی، خصوصی یا بیمه مبتنی بر کارفرما)، به مراقبت‌های بهداشتی کودکان می‌پردازند و با توجه به نوع هم‌زیستی‌ها نوع حمایت این بیمه‌ها نیز متفاوت می‌شود. مدیریت این مسائل برای زوج‌های همجنس که در یک سیستم مراقبت بهداشتی که در آن احساس برچسب‌زنی یا انگ‌زنی می‌کنند؛ یا وضعیت سرپرستی قانونی آنها به چالش کشیده می‌شود، ممکن است دشوار باشد (Goldberg; Gartrell & Gates, 2014, pp. 1-37). هرچند شواهد محدودی که تا به امروز در مورد سلامت کودکان در خانواده‌های زوج‌های همجنس وجود دارد، نشان می‌دهد که منابع اجتماعی - اقتصادی به‌تنهایی برای رفع کمبودهای سلامت در میان کودکانی که با شرکای همجنس زندگی می‌کنند نسبت به شرکای متأهل با همجنس‌های متفاوت کافی نیست.

البته افزایش پذیرش اجتماعی و سیاسی روابط همجنس‌گرایان در دهه‌های اخیر ممکن است با محیط‌های حمایت‌کننده‌تر که در آن زوج‌های همجنس می‌توانند خانواده بسازند هم‌زمان باشد (Biblarz & Savci, 2010, pp. 480-497). این مسئله ممکن است تبعیض اقتصادی خانواده‌های زوج همجنس را به دلیل وضعیت اقلیت جنسی خود کاهش دهد، اما با مبنا قراردادن قاعده بالذات (Amanda K. & Dudley, 2011, pp. 1005-1031)، اگر اصل مسئله تربیت و رشد کودکان در اتحادیه‌های مدنی همجنس مدنظر قرار داده شود، سایر حمایت‌ها نیز در گستره همین نحوه تفکر اشاعه خواهند شد؛ بنابراین هرچند سایر حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی یا... در جهت ایجاد برابری اتحادیه‌های مدنی در تلاش باشند، اصل موضوع تحت رشد و تربیت قراردادن یک کودک در این نوع از اتحادیه‌های مدنی تغییری نمی‌کند، چراکه با مدنظر قراردادن هدف برابری در توسعه پایدار تنها عرضیات مسئله برطرف می‌شود و این اتحادیه‌ها با سهولت بیشتری امکان زندگی خواهند داشت و شاید روزی در برابری کامل با خانواده‌های دگر جنس قرار گیرند که این نوشتار قصد ورود به این مبحث را ندارد، اما شواهدی که حکایت گردید و در مطالب آتی مستدل می‌شود، به مسئله اصلی نگاه به موضوع رشد کودک در این اتحادیه‌ها اشاره داشته، چراکه مسئله فرزندپذیری یکی از کارکردهای اصلی «خانواده طبیعی» است. علاوه بر اینکه با توجه به نیاز کودک به دو جنس در جهت رشد و تکامل وجود دو شخص همجنس جهت تربیت کودک موجبات رشد و تکامل او را به نحو احسن فراهم نمی‌آورد. کودک جهت رشد تمام و کمال نیازمند وجود یک زن به‌عنوان مادر با تمامی ویژگی‌های یک زن و به وجود پدر با تمامی ویژگی‌های یک مرد در کنار خود نیاز دارد.

## ۵-۷. حق بر آموزش کودکان در اتحادهای مدنی همجنس‌گرا

در این رابطه پژوهش‌های مختلف نتایج مختلفی را دلالت دارند و در نتایجی متفاوت. روزنفلد (ROSENFELD, 2010, pp. 755-775) از داده‌های سرشماری (۲۰۰۰) ایالات متحده استفاده کرد و دریافت که کودکانی که والدین همجنس دارند، به همان اندازه احتمال پیشرفت عادی در مدرسه را دارند؛ که کودکان دارای والدین متفاوت جنسی امکان پیشرفت دارند.

بالی‌ن‌حال، آلن، پاکالوک و پرایس (Douglas; Pakaluk & Price, 2014)، با استفاده از داده‌های مشابه روزنفلد (ROSENFELD, 2010, pp. 755-775)، ارتباط منفی بین والدین همجنس و پیشرفت تحصیلی را تخمین زدند، اما آنها از روشی متفاوت برای محاسبه وضعیت اجتماعی - اقتصادی استفاده کردند.

به‌طور مشابه، با استفاده از داده‌های سرشماری کانادا در سال ۲۰۰۶، آلن (Allen; Walker & Renee McCann, 2013, pp. 139-158) تخمین زد که احتمال فارغ‌التحصیلی از دبیرستان در کودکانی که والدین همجنس دارند کمتر از کودکانی است که والدینشان با جنس متفاوت است. اخیراً، واتکینز (Watkins, 2018, pp. 799-821) در جامعه آمریکا پیشرفت در مدرسه را به‌عنوان یک نتیجه مورد تجزیه و تحلیل مجدد قرار داد و هیچ تفاوت قابل توجهی بین کودکان همجنس‌گرا در مقابل والدین با جنس‌های متفاوت پیدا نکرد. بوئرتین و برناردی (Boertien & Bernardi, 2019, pp. 477-501) با گسترش تحلیل‌ها از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵، این یافته‌ها را تأیید کردند و هیچ تفاوتی بین کودکان همجنس‌گرا در مقابل والدین متفاوت، صرف‌نظر از اینکه وضعیت اجتماعی - اقتصادی چگونه محاسبه می‌شود، پیدا نکردند. اگرچه این مطالعات از نمونه‌های بزرگ استفاده می‌کنند، اما داده‌های سرشماری تنها تصویری مقطعی از ساختار خانواده را ارائه می‌دهند. در نتیجه، این مطالعات عملکرد مدرسه کودکانی را که از بدو تولد توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، تجزیه و تحلیل نمی‌کند، بلکه عملکرد مدرسه کودکانی را که در هر مقطع زمانی با والدین همجنس زندگی می‌کردند، بررسی می‌کند. در نتایج کلی در خصوص این مسئله، این یک محدودیت مهم است؛ زیرا بسیاری از کودکان پس از جدایی والدین از شریک جنسی متفاوت با یک زوج همجنس زندگی می‌کنند و بنابراین از بدو تولد توسط والدین همجنس بزرگ نشده‌اند. علاوه‌براین، جدایی والدین ممکن است تأثیر منفی مستقلی بر نتایج مدرسه داشته باشد. در نتیجه،

مطالعات مبتنی بر این داده‌ها ممکن است به اشتباه ضریب منفی را به زندگی با والدین همجنس نسبت دهند؛ زیرا ارتباطها ممکن است به سمت پایین سوگیری کنند. چندین دیدگاه نظری از حوزه‌های جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد دلالت دارد که کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند احتمالاً عملکرد بدتری در مدرسه دارند.

در همین راستا اشاره به چند نظریه راهگشا می‌باشد؛ اول، نظریه تخصص دلالت دارد بر اینکه کودکان ممکن است به پدر و مادری از هر جنس نیاز داشته باشند؛ زیرا والدین در سبک‌های فرزندپروری متفاوتند و مادران و پدران مهارت‌های متفاوتی را آموزش می‌دهند (Allen; Walker & Renee McCann, 2013, pp. 139-158). با توسل به این فرضیه می‌توان نیازهایی که با وجود دو جنس در کنار کودک برطرف می‌شود را با زمانی که کودک در یک اتحاد همجنس قرار دارد، مقایسه نمود.

دوم، نظریه انتخاب خویشاوند استدلال می‌کند؛ از آنجایی که والدین بار اقتصادی، جسمی و روانی را در تربیت فرزندان متحمل می‌شوند، رفتار تبعیض‌آمیزی از خود نشان می‌دهند و بیشتر روی کودکان بیولوژیکی سرمایه‌گذاری می‌کنند (Hamilton, 1964, pp. 1-16). نظریه تبعیض دلالت دارد بر اینکه والدین همجنس ممکن است به دلیل تمایلات جنسی خود با عوامل استرس‌زای بیشتری مواجه شوند مانند انگ مداوم از سوی جامعه و بازخورد منفی از طرف خانواده و دوستان، که صحت نقش‌های آن‌ها را به‌عنوان والدین زیر سؤال می‌برند و علاوه بر بُعد روانی بعد اجتماعی سلامت آن‌ها نیز با خلل مواجه می‌شود. این موضوع علاوه بر والدین سلامت اجتماعی کودکان در اتحاد‌های مدنی همجنس را نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عنوان مثال، برخی دانشمندان در پژوهش‌های خود دریافتند که مدارس در تعامل با والدین همجنس نسبت به والدین دگرجنس با تردید برخورد می‌کنند. فرزندان والدین همجنس ممکن است تحت تأثیر تبعیض والدین خود قرار گیرند و در نتیجه عملکرد بدتری در مدرسه داشته باشند. فرزندان والدین همجنس نیز می‌توانند تبعیض را مستقیماً با آزار و اذیت در مورد گرایش جنسی والدین خود تجربه کنند. اگرچه که بیان شده فرزندان والدین همجنس زن دارند؛ دوز دو برابری مادری را دریافت می‌کنند، اما آنها از نعمت پدر محروم هستند هر چند برخی دانشمندان معتقدند که والدین همجنس زن به نسبت والدین همجنس مرد و دگرجنس زمان بیشتری را با فرزندان خود می‌گذرانند. به‌همین علت نظریه جبران خسارت دلالت دارد که کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، احتمالاً اگر گفته نشود

بهتر؛ به اندازه کودکان والدین دگرجنس، حتی در صورت تبعیض نسبت به زوج‌های همجنس، عملکرد خوبی خواهند داشت (Mazrekaj; De Witte & Cabus, 2020, pp. 830-856). باوجوداین، این مسئله در صورت صحت تنها یک بعد از ابعاد نیازهای فرزندخواندگان والدین همجنس را دربرمی‌گیرد. لیکن با وجود نتایج تحقیقات اشاره شده؛ حتی اگر توجه والدین زن را در مواجهه با مسائل تحصیلی و آموزشی کودکان مورد توجه قرار دهیم، اما از مواجهه مداوم این افراد با جامعه و گروه دوستان و خویشان امکان غفلت نیست و مسئله انگ‌زنی و تحت تأثیر قرار گرفتن بعد سلامت اجتماعی و روانی این افراد همواره در تحقیقات باید مدنظر قرار داده شود؛ زیرا کودکی که برخلاف رویه عموم اجتماع همواره با دو زن و یا دو مرد به‌عنوان والدین خود در اجتماعات مختلف حضور می‌یابد، ناگزیر از تحمل برچسب‌هایی است که به او منتسب می‌شود و این کودک است که بار سنگین روانی این موضوع را چه‌بسا از ابتدای سال‌های رشد متحمل می‌شود و از نظر روانی و اجتماعی آسیب می‌بیند؛ بنابراین قانون‌گذار در تلاش در جهت ایجاد برابری و اعطاء حق والد شدن به اتحاد‌های مدنی از آسیب‌های عمده‌ای که کودکانی که بدون حق انتخاب در این اتحادها قرار گرفته‌اند، چشم‌پوشی نموده و موجب به خطر انداختن حق بر سلامت این فرزندخواندگان شده است. به‌همین علت و با هدف حفظ حقوق کودکان ضرورت دارد قانون‌گذار با نگاهی وسیع به حمایت از خانواده و اتخاذ سیاست‌گذاری‌های حمایتی، به وضع قوانینی بپردازد که از گسترش فرزندان در این نوع اتحادها ممانعت به عمل آورد.

### ۵-۸. هویت جنسی کودک در اتحاد‌های همجنس‌گرا

مسئله مصلحت کودک در مواجهه با والدین همجنس‌گرا به نگرانی‌هایی در حوزه هویت جنسی، مشکلات روان‌پزشکی و سوءاستفاده جنسی دامن می‌زند (Garnets & Kimmel, 2003, p. 537). یعنی در معرض آسیب قرار گرفتن بعد سلامت روانی، جسمی و اجتماعی این کودکان به نحو توأمان.

آنچنان که در آراء داوری ملاحظه شد، یکی از موضوع‌هایی که در خصوص کودکان خانواده‌های همجنس‌گرا مطرح می‌شود مسئله هویت جنسی ایشان است. مخالفان همجنس‌گرایی بر این باورند که تمایلات جنسی والدین در خانواده‌های همجنس سبب می‌شود کودک به همجنس‌گرایی گرایش یابد (Mallon, 2004, p. 13). بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بر این باورند که روابط میان والدین

نقش مؤثری در شکل‌گیری و رشد ابعاد اجتماعی، عاطفی، شناختی، رفتاری و جسمانی کودک دارد (Reynolds; Houlston; Coleman & Harold, 2014, p. 1) و البته بعد سلامت معنوی اگرچه مورد بررسی قرار نگرفته است در همین طبقه‌بندی و بررسی قرار خواهد گرفت.

باوجوداین چگونه می‌توان نقش والدین در شکل‌گیری هویت و گرایش جنسی را انکار کرد؟ بی‌تردید کودکی که در قالب الگوی همجنس‌گرا رشد می‌کند با کودکی که در محیط خانواده طبیعی تربیت می‌گردد، هویت‌ها و گرایش‌های جنسی متفاوتی را تجربه می‌کنند؛ چراکه اولی در فضایی رشد می‌کند که فاقد یکی از جنسیت‌های طبیعی و بالتبع هویت جنسی کامل است و دیگری با درک مختصات هر دو جنسیت، هویت جنسی و جنسیتی طبیعی را فهم می‌کند. این مسئله می‌تواند در تفسیر اصل مصلحت‌عالیه کودک مورد توجه قرار گیرد (Victoria, 2001, p. 560).

باتوجه به گروه‌های مختلف موافق و مخالف قاعداً وحدت رویه‌ای در این خصوص وجود ندارد، اما علاوه بر آرائی که سابقاً به آن‌ها اشاره شد به چند مورد دیگر اشاره می‌شود، قضیه بنت علیه اورورک<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) که در طی آن دادگاه حضانت را از مادر همجنس‌گرا به واسطه نقش وی در تعلیم گرایش جنسی خود سلب نمود. قاضی پرونده در ادله رد دعوی خواهان چنین ذکر نمود که: «با توجه به این حقیقت که در اینجا والد همجنس‌گرا و کودک صغیر هر دو مؤنث هستند، دادگاه بر این باور است که این مسئله می‌تواند به صورت ویژه بر کودک اثرگذار باشد چراکه امکان الگوگیری دختر بچه را افزایش می‌دهد...»<sup>۲</sup>.

پسینیک<sup>۳</sup> و استارک<sup>۴</sup> در گزارشی برای یونیسیف با عنوان «نقش والدگری بر مصلحت‌عالیه کودک و حمایت از والدین کودکان»<sup>۵</sup> می‌گویند: «والدین در حوزه رفتاری، عاطفی و ارتباطی اجتماعی با دیگران، نقش الگو را برای فرزندان خود ایفاء می‌کنند. کودکان از والدین خود می‌آموزند و اصول اخلاقی، شیوه حل مسائل و رفتارهای اجتماعی را شکل می‌بخشند» (Pećnik & Starc, 2010, p. 17). (در این موضوع تلویحاً مسئله سلامت معنوی کودکان نیز مورد اشاره قرار داده شده است).

1. Bennett v. O'Rourke

2. "In light of the fact that here the homosexual parent and the minor child are both female, we consider this factor particularly important because of the increased chance of role-modeling..."

3. Pećnik

4. Starc

5. Parenting in the Best Interests of the Child and Support to Parents of the Youngest Children

مشابه رأی مذکور در قضیه جی.ای. علیه اف.جی.دی<sup>۱</sup> مجدداً صادر شد. دادگاه بدوی حق حضانت را از مادر بیولوژیک همجنس‌گرا سلب نمود و در نهایت دیوان عالی ایالت میزوری نیز با تأیید رأی دادگاه بدوی اعلام کرد که مبنای قانونی این رأی تناقض میان گرایش جنسی مادر با سلامت فرزندانش می‌باشد (Doerhoff, 1999, pp. 951-953).

این موضوع یکی از مهم‌ترین استندهایی است که در رد فرزندپذیری اتحادهای همجنس‌گرا می‌توان بیان نمود، در این نمونه علاوه بر اینکه دادگاه ورودی به سایر حقوق همجنس‌گرایان نداشته است، اما مسئله فرزندپذیری این گروه‌ها را کاملاً مجزا بررسی کرده است چراکه فی‌الواقع منفعت و مصلحت کودک به‌عنوان شخصی مستقل باید مطمع‌نظر قرار داده شود.

### نتیجه‌گیری

این خانواده طبیعی است که بستر مناسبی جهت دستیابی به آموزش، رهایی از فقر و دسترسی به سلامت و سایر اهداف توسعه‌ی پایدار را فراهم خواهد آورد و اساساً هر آنچه خلاف این سیر طبیعی و فطری باشد، انحراف از کانونی محسوب می‌شود که اساس ساخت جامعه است. با وجود این تفاوت در مبانی فلسفی، فرهنگی، اعتقادی و... کشورهای مختلف، تفاوت در دیدگاه‌ها و مصادیق را در جامعه بین‌المللی کنونی رقم می‌زند و به همین دلیل است که رویه واحدی در خصوص آرای قضایی و عملکرد دولت‌ها مشاهده نمی‌شود. برخی از کشورها نیز مانند جمهوری اسلامی ایران اساساً به دلایل متعدد امکان اجرایی‌سازی اهداف ۱۷گانه سند توسعه پایدار را در کشور خود ندارند، به این دلیل که سند توسعه پایدار لزوماً برای یک کشور تدوین نشده است، اما با امعان نظر به اهمیت خانواده طبیعی و میزان تأثیرگذاری آن در سایر ارکان اجتماع و باتوجه به عدم وحدت رویه در خصوص تعریف دقیق خانواده و ابعاد آن به نظر می‌رسد معیار قرار دادن یک نوع خانواده به‌عنوان خانواده طبیعی می‌تواند علاوه بر اینکه مصلحت طفل را در خانواده تأمین کند و رویه بین‌المللی یکسانی را هم به وجود بیاورد؛ بنابراین چه با مبنا قرار دادن قواعدی که در موارد فوق به آنها اشاره شد و چه برخی آرای صادره در محاکم، که به عدم تشابه خانواده طبیعی و اتحادهای مدنی اذعان داشته‌اند؛ مصلحت فرزندان در اتحادهای مدنی قابل خلل است، به این دلیل که این کودکان در هویت جنسی، مسائل اجتماعی، آموزش و... در معرض دوگانگی، تحدید و تعرض می‌باشند و اساساً وجود زن و مرد در کنار کودک باعث بهره‌مندی او از همه ظرفیت‌های دو جنس می‌شود و رشد و هویت

1. JA.D. v. F.J.D (1998)

جنسی کامل‌تری خواهد داشت، همچنین منابع اجتماعی - روان‌شناختی حکایت از آن دارد که افراد دوجنسه در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت روان، به‌ویژه افسردگی و خودکشی قرار دارند و مسئله مصلحت کودک در مواجهه با والدین همجنس‌گرا به نگرانی‌هایی در حوزه هویت جنسی، مشکلات روان پزشکی و سوء استفاده جنسی دامن می‌زند؛ بنابراین با توجه به اصل برابری به‌عنوان یکی از اصول ثابت حقوق بشری، در صورت اعطای برخی حقوق به اتحادهای مدنی، به‌عنوان گروه‌هایی که در جوامع فعلی زندگی می‌نمایند؛ فرزندخواندگی با همه جهاتی که منتهی به مصلحت کودک می‌شود؛ نباید به‌عنوان یک حق در اتحادهای مدنی محسوب گردد؛ زیرا با وجود تفاوت ماهوی در شاکله اصلی خانواده طبیعی به دلیل حضور دو جنس متفاوت در کنار یکدیگر، اصالتاً امکان ایجاد برابری بین این کانون و سایر هم‌زیستی‌ها وجود ندارد که در تعاقب آن در تلاش برای ایجاد برابری حقوقشان باشیم. بدین جهت و با در نظر گرفتن وضعیت‌های نامطلوب جدیدالوقوع در سایر کشورها مانند وضعیت نارسایی جنسی<sup>۱</sup> (که وضعیت پریشانی روانی به دلیل عدم تطابق بین هویت جنسی و جنسیت بیولوژیکی است) پیشنهاد می‌شود:

- ۱- باتوجه به اسناد متعدد الزام‌آور و غیرالزام‌آور بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مفاهیم متعالی هر سند را به‌صورت داخلی بازنویسی نموده و به‌صورت اسنادی بومی، بالحاظ جمیع شرایط کشور اجرایی نماید.
- ۲- نظام آموزشی علاوه بر آگاهی دادن به خانواده‌ها در خصوص تهدیدهای پیش‌رو، راه‌حل‌های مسئله را قبل از وقوع ارزیابی نماید.
- ۳- جمهوری اسلامی ایران باتوجه به اسناد مترقی بالادستی حمایت از خانواده مانند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، اصول و مبانی سیاست‌های تحقیقاتی مسائل زنان، سیاست‌های کلی خانواده، راهبردهای داخلی حفظ و تکریم خانواده، می‌تواند تهدید همجنس‌گرایی به‌عنوان یکی از اشکال انحرافی از مسیر خانواده طبیعی را نیز مورد تدقیق قرار دهد و در خصوص راه‌های مقابله با آن قبل از وقوع و افزایش بازاندیشی نماید.
- ۴- جمهوری اسلامی ایران باتوجه به مبانی فرهنگی اسلامی و تمدنی خود به ارائه مدل خانواده طبیعی به جهت رسمیت‌بخشی به آن در محیط بین‌الملل و همراه نمودن سایر کشورها در جهت حمایت از خانواده طبیعی که مورد پذیرش همه ادیان الهی است بپردازد.

## فهرست منابع

- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۱). *نقد مبانی فلسفی حقوق بشر*. تهران: مخاطب.
- جهانی‌پور، محمدرضا و توحیدی، احمدرضا (۱۴۰۰). جایگاه «توسعه پایدار» در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رویه دولت‌ها. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۶۴۱-۶۶۰، (۲)۵۱.
- دبلیو سانتراک، ج (۱۳۸۳). *زمینه روانشناسی سانتراک*. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دنی، نانسی دبلیو (۱۳۹۶). *جنسیت انسانی: همه چیز درباره مسائل جنسی انسان*. تهران: ثالث.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). *لغتنامه دهخدا*. تهران: سیروس.
- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۳). *خانواده در اسناد حقوقی بین‌المللی حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات راه رشد.
- غمامی، سید مهدی و مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). *چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰)*. *فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی*، ۲۴(۱)، ۶-۳۲.
- مرعشی، سید علی (۱۳۹۵). *نقد حذف خودارضایی و همجنسگرایی از فهرست اختلالات جنسی در DSM*. *نشریه مطالعات تحول در علوم انسانی*، ۷(۷)، ۸-۲۷.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ نامه فارسی معین*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). *حمایت از نهاد خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر*.
- موسوی، سیدفضل‌الله و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۹). *بررسی جایگاه خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر*. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۲)، ۴۹۱-۵۱۱.
- Alberdi Alonso, I. (1999). *La nueva familia española*. Taurus. España: Taurus.
- Allen, K. R.; Walker, A. J. & Renee McCann, B. (2013). *Handbook of marriage and the family: Third edition (Feminism and Families)*. Springer.
- Amanda K, B. & Dudley L, P. (2011). The Economic Cost of Homosexuality: Multilevel Analyses. *SOCIAL FORCES Journal*, 1005-1031.
- Aquinas, St. Thomas (1964). *Summa Theologia*. Cambridge: Blackfriars.

- Baumrin, B. (1984). *Sexual Immorality Delineated in Robert Baker and Frederick Elliston, eds.* New York: Buffalo.
- Biblarz, T. & Savci, E. (2010). Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender Families. *Journal of Marriage and Family*, 480-497.
- Boertien, D. & Bernardi, F. (2019). Same-Sex Parents and Children's School Progress: An Association That Disappeared Over Time. *Demography*, 56(2), 477-501.
- Carter, K. J. (2006). The Best Interest Test and Child Custody: Why Transgender Should Not Be a Factor in Custody Determinations. *Health Matrix: The Journal of Law-Medicine*, 16(1), 209-236.
- Cenegy, L.; Denney, J. & Kimbro, R. (2017). Family Diversity and Child Health: Where Do Same-Sex Couple Families Fit? *Journal of Marriage and Family*, 1-21.
- Dhar, N.; Chaturvedi, S. & Nandan, D. (2013). Spiritual health, the fourth dimension: a public health perspective. *WHO South-East Asia Journal of Public Health*, 2(1), 3-5.
- Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology*, 33(8), 813– 822.
- Doerhoff, H. C. (1999). Assessing the Best Interests of the Child: Missouri Declares That a Homosexual Parent Is Not Ipso Facto Unfit for Custody. *MISSOURI LAW REVIEW*, 64(4), 949-986.
- Douglas, A. W.; Pakaluk, C. & Price, J. (2014). "Normal Progress through School: Further Results." In *No Differences? How Children in Same Sex Households Fare: Studies from Social Science* edited by A. Samuel. Princeton. *Witherspoon Institute.NJ*.
- Frisch, M.; Moseholm, E.; Andersson, M.; Bernhard Andresen, J. & Graugaard, C. (2019). Sexi Denmark. *Key findings from Project SEXUS 2017-*, 764.
- Ganna, A.; Verweij, K. J.; Nivard, M. G.; Maier, R.; Wedow, R.; Busch, A. S. & et al. (2019). Large-scale GWAS reveals insights into the genetic architecture of same-sex sexual behavior. *HUMAN GENETICS*, 365-882.
- Garnets, L. & Kimmel, D. (2003). *Psychological Perspectives on Lesbian, Gay, and Bisexual Experiences*. Columbia: Columbia University Press.
- GEARY, D. C. (1998). *Male, Female The Evolution of Human Sex Differences*. Washington: America Psychological Association.
- Goldberg, A.; Gartrell, N. & Gates, G. (2014). Research Report on LGB-Parent Families. *The Williams Institute*, 1-37.
- Gross, M. (2012). *Choisir la paternité gay*. Eres, Toulouse.
- Hamilton, W. D. (1964). The Genetical Evolution of Social Behaviour. *Journal of Theoretical Biology*, 7(1), 1-16.
- Haney-Caron, E. & Heilbrun, K. (2014). Lesbian and Gay Parents and Determination of Child Custody: The Changing Legal Landscape and Implications for Policy and Practice. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 19-29.
- Haviland, W. A.; Prins, H. E. & Bunny McBride, W. (2011). *Cultural*

- Anthropology: The Human Challenge*. Belmont. (A. Berg, Ed.) Yolanda Cossio.  
<https://www.nbcnews.com/id/wbna6807912>  
<https://www.who.int/about/governance/constitution>. (2022). Retrieved 10  
 27, 2022, from <https://www.who.int>  
<https://www.merriam-webster.com/dictionary/homosexual.2022.28.10>  
 (accessed 17 4, 2023).
- Imaz, E. (2017). Same-sex parenting, assisted reproduction and gender asymmetry: reflecting on the differential effects of legislation on gay and lesbian familyformation in Spain. *reproductive biomedicine and society online*, 5-11.
- Kant, Immanuel (1963). *Lectures on Ethics*. Translated by Louis Infield. New York: Harper and Row.
- Kane, H. S.; Slatcher, R. B.; Reynolds, B. M.; Repetti, R. L. & Robles, T. F. (2014). Daily Self Kant, I. (1963). *Lectures on Ethics*. (L. Infield, Trans.) New York: Harper and Row.
- Kane, Heidi S.; Richard B. Slatcher, Bridget M. Reynolds, Rena L. Repetti & Theodore F. Robles (2014). Daily Self-Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology* (American Psychological Association), 33(8), 813-822.
- Mallon, G. (2004). *Gay Men Choosing Parenthood*. Columbia: Columbia University Press.
- Mazrekaj, D.; De Witte, K. & Cabus, S. (2020). School Outcomes of Children Raised by Same-Sex Parents: Evidence from Administrative Panel Data. *American Sociological*, 85(5), 830-856.
- Mill, J. (2021). Philosophy of Sexuality. (B. D. James Fieser, Ed.) *Internet Encyclopedia of Philosophy*.
- Pećnik, N. & Starc, B. (2010). *Parenting in the Best Interests of the Child and Support to Parents of the Youngest Children*. Geneva: UNICEF.
- Report of the United Nations Secretary-General. (2010). *A/66/62-E/2011/4*.
- Reynolds, J.; Houlston, C.; Coleman, L. & Harold, G. (2014). *Parental conflict: Outcomes and interventions for children and families*. Cambridge: Bristol University Press, Policy Press.
- Richardson, D.; Dugarova, E.; Higgins, D.; Hirao, K.; Karamperidou, D.; Mokomane, Z. & et al. (2020). *Families, Family Policy and the Sustainable Development Goals*. UNICEF Office of Research – Innocenti.
- Robles, T. (2014). Marital Quality and Health: Implications for Marriage in the 21st Century. *Current Directions in Psychological*, 427-432.
- ROSENFELD, M. J. (2010). NONTRADITIONAL FAMILIES AND CHILDHOOD PROGRESS THROUGH SCHOOL. *Demography*, (47), 755-775.
- Salfas, B.; Jonathon Rendina, H. & Parsons, J. T. (2019). What is the Role of the Community? Examining Minority Stress Processes among Gay

- and Bisexual Men. *HHS Author Manuscripts*, 4(3), 300-309.
- Slatcher, R. B. (2010). Marital Functioning and Physical Health: Implications for Social and Personality Psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 7(4), 455-469.
- UN Economic and Social Council. (2000, August 11). *General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant)*. Retrieved 10 28, 2022, from <https://www.refworld.org/>  
<https://www.refworld.org/docid/4538838d0.html>
- Victoria, C. (2001). What about the children? Arguments against lesbian and gay parenting. *Women's Studies International Forum*, 24(5), 555-570.
- Watkins, C. S. (2018). School Progress Among Children of Same-Sex Couples. *Population Association of America*, 1-23.
- Woodward, R. & Winter, T. (2007). *Sexing the Soldier The politics of gender and the contemporary British Army*. New York: Routledge.

## References

- Al Kajbaf, H. (2012). The concept and position of the right to health in international human rights documents. *Medical Law Quarterly*, 139-170.
- Alberdi Alonso, I. (1999). *La nueva familia española*. Taurus. España: Taurus.
- Allen, K. R., Walker, A. J., & Renee McCann , B. (2013). *Handbook of marriage and the family: Third edition (Feminism and Families)*. Springer.
- Amanda K, B. & Dudley L, P. (2011). The Economic Cost of Homosexuality: Multilevel Analyses. *SOCIAL FORCES Journal*, 1005-1031.
- Aquinas, St. Thomas (1964). *Summa Theologia*. Cambridge: Blackfriars.
- Baumrin, B. (1984). *Sexual Immorality Delineated* in Robert Baker and Frederick Elliston, eds. New York: Buffalo
- Bauwens, J. (2022, 5 22). [www.frcblog.com/2022/03/transgenderism-has-science-problem/](http://www.frcblog.com/2022/03/transgenderism-has-science-problem/). Retrieved from family research council.
- Beckes, L., & Coan, J. A. (2011). Social baseline theory: The role of social proximity in emotion and economy of action. *Social and Personality Psychology Compass*, 976-988.
- Biblarz, T., & Savci, E. (2010). Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender Families. *Journal of Marriage and Family*, 480-497.
- Boertien , D., & Bernardi , F. (2019). Same-Sex Parents and Children's School Progress: An Association That Disappeared Over Time. *Demography*, 56(2), 477-501.
- Burman, B., & Margolin, G. (1992). Analysis of the Association Between Marital Relationships and Health Problems: An Interactional Perspective. *Psychological Bulletin*, 112(1), 39-63.

- Carter, K. J. (2006). The Best Interest Test and Child Custody: Why Transgender Should Not Be a Factor in Custody Determinations. *Health Matrix: The Journal of Law-Medicine*, 16(1), 209-236.
- Cenegy, L., Denney, J., & Kimbro, R. (2017). Family Diversity and Child Health: Where Do Same-Sex Couple Families Fit? *Journal of Marriage and Family*, 1-21.
- Dehkhoda, A. (1341). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Siros.
- Denny, N. W. & Cadagno, D. (2016). *Everything about human sexual issues, human sexuality*, Tehran: third.
- Dhar, N., Chaturvedi, S., & Nandan, D. (2013). Spiritual health, the fourth dimension: a public health perspective. *WHO South-East Asia Journal of Public Health*, 2(1), 3-5.
- Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology*, 33(8), 813– 822.
- Doerhoff, H. C. (1999). Assessing the Best Interests of the Child: Missouri Declares That a Homosexual Parent Is Not Ipso Facto Unfit for Custody. *MISSOURI LAW REVIEW*, 64(4), 949-986.
- Douglas, A. W., Pakaluk, C., & Price, J. (2014). "Normal Progress through School: Further Results." In *No Differences? How Children in Same Sex Households Fare: Studies from Social Science* edited by A. Samuel. Princeton. Witherspoon Institute.NJ.
- Economic consequences of Marriage, Familyrelations and their dissolution under article 16 of the Convention ,( 2013)CEDAW General Recommendation CEDAW/C/GC/29
- Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1987). The Impact of Attributions in Marriage: A Longitudinal Analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(3), 510-517.
- Fretté v. France, 36515/97 (The European Court of Human Rights February February 26, 2002).
- Frisch , M., Moseholm, E., Andersson, M., Bernhard Andresen, J., & Graugaard, C. (2019). Sexi Denmark. Key findings from Project SEXUS 2017-, 764.
- Ganna, A., Verweij, K. J., Nivard, M. G., Maier, R., Wedow, R., Busch , A. S., et al. (2019). Large-scale GWAS reveals insights into the genetic architecture of same-sex sexual behavior. *HUMAN GENETICS*, 365-882.
- Garnets, L., & Kimmel, D. (2003). *Psychological Perspectives on Lesbian, Gay, and Bisexual Experiences*. Columbia: Columbia University Press.
- GEARY, D. C. (1998). *Male, Female The Evolution of Human Sex Differences*. Washington: America Psychological Association.
- Ghamami, Seyyed Mehdi (2018). *Moghadami Khammami, Nilofar (2018). The fundamental challenges of the Islamic Republic of Iran in facing the Sustainable Development Document (2030 Document)*, *Islamic Government Scientific Research Quarterly*, 21(1), 6-32.
- Goldberg, A., Gartrell, N., & Gates, G. (2014). *Research Report on LGB-Parent Families*. The Williams Institute, 1-37.

- Gross, M., 2012. *Choisir la paternité gay*. Eres, Toulouse
- Habibi, A.; Ghobadi, N. & Gharanjad, G. (1383). *Sustainable Development in a Changing World: Transitional Institutions, Growth, and Quality of Life*. Country Management and Planning Organization, Vice President of Support Affairs, Center for Scientific and Publications.
- Hamilton, W. D. (1964). The Genetical Evolution of Social Behaviour. *Journal of Theoretical Biology*, 7(1), 1-16.
- Haney-Caron, E., & Heilbrun, K. (2014). Lesbian and Gay Parents and Determination of Child Custody: The Changing Legal Landscape and Implications for Policy and Practice. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 19-29.
- Haviland, W. A., Prins, H. E., & Bunny McBride, W. (2011). *Cultural Anthropology: The Human Challenge*. Belmont. (A. Berg, Ed.) Yolanda Cossio
- <https://www.merriam-webster.com/dictionary/homosexual.2022/28/10> (accessed 2023/4/17)
- <https://www.nbcnews.com/id/wbna6807912>
- <https://www.who.int/about/governance/constitution>. (2022). Retrieved 10 27, 2022, from <https://www.who.int/>.
- Imaz, E. (2017). Same-sex parenting, assisted reproduction and gender asymmetry: reflecting on the differential effects of legislation on gay and lesbian familyformation in Spain. *reproductive biomedicine and society online*, 5-11.
- Jahanipour, M. & Tawhidi, A. (1400). The position of "sustainable development" in international law with emphasis on the procedure of governments. *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 51(2), 641-660.
- Javed, M. (2011). *Criticism of the philosophical foundations of human rights*. Tehran: Address.
- Kane, H. S., Slatcher, R. B., Reynolds, B. M., Repetti, R. L., & Robles, T. F. (2014). *Daily Self Kant, I. (1963). Lectures on Ethics. (L. Infield, Trans.) New York: Harper and Row*
- Kane, Heidi S.; Richard B. Slatcher, Bridget M. Reynolds, Rena L. Repetti, & Theodore F. Robles (2014). *Daily Self-Disclosure and Sleep in Couples*. *Health Psychology (American Psychological Association)* 33, no. 8 , 813-822.
- Kant, Immanuel (1963). *Lectures on Ethics*. Translated by Louis Infield. New York: Harper and Row.
- Kerkhoven and Hinke v. the Netherlands, 15666/89 (The European Commission of Human Rights May 19, 1992).
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). Marriage and Health: His and Hers. *Psychological Bulletin*, 127, 472-503.
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). Marriage and health: His and hers. *Psychological Bulletin*, 127(4), 472-503.
- L. FEDEWA , A., W. BLACK, W., & AHN, S. (2015). *Children and Adolescents With Same-Gender Parents: A Meta-Analytic Approach in*




- CHILDHOOD PROGRESS THROUGH SCHOOL. *Demography*, 47, 755-775.
- Safarina, M. (2013). Family in international legal documents rights and duties, achievements and challenges. Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute.
- Salfas, B., Jonathon Rendina, H., & Parsons, J. T. (2019). What is the Role of the Community? Examining Minority Stress Processes among Gay and Bisexual Men. *HHS Author Manuscripts*, 4(3), 300–309.
- Slatcher, R. B. (2010). Marital Functioning and Physical Health: Implications for Social and Personality Psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 7(4), 455-469.
- Smietana, M. (2011). Family-based affirmative action? Subversion and resilience strategies of gay father families. (PhD diss.). Universidad de Barcelona., 13.
- Snyder, D. K., Simpson, J. A., & Hughes, J. N. (2006). Emotion regulation in couples and families: Pathways to dysfunction and health. Washington, DC: AMERICAN PSYCHOLOGICAL ASSOCIATION.
- Umberson, D., & Kroeger, R. A. (2016). Gender, Marriage, and Health for Same-Sex and Different-Sex Couples: The Future Keeps Arriving. *National Symposium on Family Issues*, 189–213.
- UN Economic and Social Council. (2000, August 11). General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant). Retrieved 10 28, 2022, from <https://www.refworld.org/https://www.refworld.org/docid/4538838d0.html>
- Victoria, C. (2001). What about the children? Arguments against lesbian and gay parenting. *Women's Studies International Forum*, 24(5), 555–570.
- W. Santrock, J. (1383). The field of Santrak psychology, translated by Mehrdad Firouzbakht. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Watkins, C. S. (2018). School Progress Among Children of Same-Sex Couples. *Population Association of America*, 1-23.
- Whisman, M. A., & Baucom, D. H. (2012). Intimate Relationships and Psychopathology. *Clin Child Fam Psychol Rev*, 15(1), 4-13.
- Whisman, M., Sheldon, C., & Goering, P. (2000). Psychiatric Disorders and Dissatisfaction With Social Relationships: Does Type of Relationship Matter? *Journal of Abnormal Psychology*, 109(4), 803-808.
- Wittgens, C., Fischer, M. M., Buspavanich, P., Theobald, S., Schweizer, K., & Trautmann, S. (2022). Mental health in people with minority sexual orientations: A meta-analysis of population-based studies. *Acta Psychiatr Scandinavia*, :357–372.
- Woodward, R., & Winter, T. (2007). Sexing the Soldier The politics of gender and the contemporary British Army. New York: Routledge.

# قواعد فقهی عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل با تحلیل مضمون دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

## قربان آهنگری کیاسری

استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.


ghkiasari@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

## محسن مروتی شریف‌آباد

پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


morovati25@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

## محمود سرافراز

استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.


m\_sarafaz110@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

## هادی کاظم‌زاده

دکترای مدرسی معارف گرایش تاریخ و تمدن، پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

Hadi.kazemzadeh@chmail.ir

 0000-0000-0000-0000

## چکیده

سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل در سه دهه اخیر موجب کاهش جمعیت و شروع بحران سالمندی در کشور شده است. موضوع این پژوهش تبیین ابعاد فقهی این سیاست‌گذاری‌هاست؛ زیرا ابعاد فقهی این موضوع برای برخی از سیاست‌گذاران روشن نیست و این ابهام ممکن است در تصمیم‌گیری‌های کلان مسیری در تعارض با فقه و شریعت پیش‌روی آنان نهد. براین‌اساس، هدف از نگارش این مقاله در گام اول تبیین موضوع تحدید نسل و سپس استخراج حکم شرعی آن با استناد به قواعد فقهی است تا مشکل مذکور مرتفع گردد. برای تبیین موضوع نیاز است تعریف، آثار و پیامدهای تحدید نسل از دیدگاه خبرگان روشن شود، بدین‌منظور مراجعه به دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به جهت اشراف سیاسی و اجتماعی به موضوع، گزینه‌ای مطلوب است؛ براین‌اساس مسئله پژوهش این است که تحدید نسل از دیدگاه مقام معظم رهبری چه تعریف، آثار و پیامدهایی داشته و مطابق این تبیین حکم شرعی آن با استناد به قواعد فقهی چیست؟ این پژوهش با روش کیفی تحلیل مضمون انجام شد، یافته‌ها حاکی است کاهش جمعیت از منظر ایشان سبب تضعیف نظام، ضرر به مسلمین، مساعدت و سلطه دشمن است که بر اساس تحلیل مضمون، قابل تطبیق با قواعد

فقهی «نفی سبیل»، «حفظ کیان اسلام»، «حرمت اعانه بر اثم» و «لاضرر» می‌باشد، نتیجه این تطبیق عدم جواز فقهی سیاست‌گذاری‌هایی است که موجب تحدید نسل در کشور می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** قواعد فقهی، جمعیت، تحدید نسل، سیدعلی خامنه‌ای.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵X-۶۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.374296.1379

## مقدمه و بیان مسئله

تا اوایل دهه ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ پایینی افزایش می‌یافت؛ زیرا با آنکه بر پایه فرهنگ ایرانی و مذهبی زادوولد زیاد بود، اما مرگ‌ومیر ناشی از نبود بهداشت، سرعت رشد را کاهش می‌داد. با رشد بهداشت در کشور، نرخ رشد جمعیت در فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ افزایش داشته و به ۳/۱۳ درصد رسید (شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵). تا اواسط دهه ۱۳۴۰ دولت سیاست‌گذاری مشخصی درباره تحدید موالید نداشت، سال ۱۳۴۱ موضوع جمعیت در برنامه عمرانی کشور گنجانده شد و سال ۱۳۴۵ دولت وقت سیاست رسمی خود را مبنی تحدید موالید اعلام کرد و ایران بیانیه جهانی تحدید موالید را امضاء نمود (حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۵). بدین ترتیب و با سیاست‌گذاری‌های دولت وقت، نرخ رشد جمعیت بعد از سال ۱۳۴۵ کاهش یافت. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه تغییر کرد و رشد جمعیت افزایش یافت. اولین سرشماری رسمی سال ۱۳۶۵ پس از انقلاب، متوسط نرخ جمعیت را ۳/۲ و آمار جمعیت را ۴۹ میلیون نفر گزارش نمود. در دهه پایانی ۱۳۶۰ مسئولین وقت سیاست کاهش جمعیت را پیش گرفتند و نرخ رشد جمعیت بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ با سرعت زیادی کاهش یافته، به ۱/۹۶ رسید، این میزان کاهش جمعیت در جهان فقط منحصر به ایران بود (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۱). نیکولاس ابرشتات، محقق آمریکایی نرخ کاهش جمعیت در جهان را ۳۳ درصد، در جهان اسلام، ۴۱ درصد و در ایران اسلامی، ۷۰ درصد گزارش داده است (Aberstadt, 2013). بر اساس گزارش آینده‌پژوهانه سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، در صورتی که نرخ باروری در ایران به همین صورت ادامه یابد، در سال ۱۴۵۹ رشد جمعیت متوقف می‌شود. طبق آمارهای سال ۲۰۱۲ م. سازمان ملل، در سال ۲۰۵۰ ایران جزو پیرترین کشورهای دنیا خواهد شد، در حالی که در زمان انتشار این آمار، ایران با ۸ درصد سالمند، جزو جوان‌ترین کشورهای جهان بوده است (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۳). با توجه به این داده‌ها می‌توان دریافت سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل در سه دهه اخیر، کشور را در آستانه بحران سالمندی قرار داده است و نیاز جدی به اصلاح و تغییر دارد. آیت‌الله خامنه‌ای تغییر این سیاست‌ها را «ضروری‌ترین فرایض مسئولین و آحاد مردم» و آن را سیاست حیاتی کشور معرفی کردند (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰). کم‌توجهی و

سستی نسبت به اصلاح این سیاست‌ها کشور را با تهدیدهای جدی دشمن مواجه کرده و «برایشان بهترین چیز است» (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳). مشکل آن است که برخی از سیاست‌گذاران نسبت به ابعاد شرعی موضوع تحدید نسل اطلاع کافی ندارند. برای حل این مشکل ابتدا باید موضوع تحدید نسل تبیین گردد، سپس حکم شرعی آن با استناد به قواعد فقهی استخراج شود. برای تبیین موضوع نیاز است تعریف، آثار و پیامدهای تحدید نسل از دیدگاه خبرگان روشن شود، بدین‌منظور مراجعه به دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به اشراف سیاسی و اجتماعی ایشان گزینه‌ای مطلوب است، براین‌اساس مسئله پژوهش این است که موضوع «تحدید نسل» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چه تعریف، آثار و پیامدهایی داشته و بر اساس این تبیین حکم شرعی آن با استناد به قواعد فقهی چیست؟

## ۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف کلی در این پژوهش استخراج حکم شرعی سیاست‌های تحدید نسل است و اهداف جزئی پژوهش تعریف، آثار و پیامدهای این سیاست‌گذاری‌ها و تطبیق آن با قواعد فقهی است، با توجه به این اهداف پرسش‌های این تحقیق پژوهش یق به‌صورت زیر سامان می‌یابد:

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: حکم فقهی سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل چیست؟

پرسش‌های فرعی به شرح زیر می‌باشند:

۱- تحدید نسل از دیدگاه مقام معظم رهبری چگونه تبیین می‌شود؟

۲- تحلیل مضمون سازمان‌دهنده و فراگیر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

۳- مضامین فراگیر با چه قواعد فقهی و چگونه قابل تطبیق و تحلیل است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی پیرامون مسئله جمعیت تدوین شده است؛ نظیر: «جمعیت ایران، افزایش یا کاهش» از اکرم حسینی مجرد که به وضعیت جمعیت جهان در گذشته و حال، طرح‌های جهانی کاهش جمعیت در کشورهای درحال توسعه، سیر تحولات جمعیت و چالش‌های انتقال جمعیت در ایران و بحران پیش‌رو و راهکارها پرداخته است؛ «چالش‌های جمعیتی پیش‌رو» از عباس نعمت‌اللهی که به‌طور خلاصه و کاربردی چالش‌های جمعیتی کشور ایران را بررسی کرده است؛ «جمعیت و قدرت ملی» از کاظم

سام دلیری و فتح‌الله کلانتری که با استفاده از اظهارات افراد متخصص، آثار مثبت و منفی جمعیت بر قدرت ملی را بررسی کرده‌اند؛ «کاهش جمعیت و فرزندآوری (مصوبات، چالش‌ها و راهکارها)» از سیده فاطمه محبی که سعی کرد با در نظر گرفتن مجموعه سیاست‌ها، مصوبات و مقررات مرتبط با جمعیت و تحلیل و تبیین چالش‌های فرزندآوری و افزایش جمعیت، راهبردها و راهکارهایی مقتضی در خصوص شاخص‌های جمعیتی ایران ارائه نماید؛ «جمعیت در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» از مصطفی جمالی که با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب در مسئله جمعیت سیاست‌های جمعیتی موجود و عوامل کاهش جمعیت، ضرورت اصلاح سیاست‌های موجود و سپس راهبردهای علمی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی افزایش نرخ رشد جمعیت را مورد ارزیابی قرار داده است؛ «باید برگردیم: دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) درباره جمعیت» از صالح قاسمی که نگارنده در آن به موضوع‌های جمعیت جوان و فرصت‌ها، تحدید نسل و تهدیدها، سیاست‌های جمعیتی، بایدها و نبایدها و درنهایت به موضوع جمعیت جهان، مسلمین و غیرمسلمین پرداخته است و نیز مقاله‌هایی چون «رابطه هدایت تشریعی با سیاست‌ها و چالش‌های جمعیتی» از سیدمرتضی موسوی و محمد جعفری که نویسندگان در آن به این نتیجه رسیدند که بهترین سیاست جمعیتی آن است که در هماهنگی کامل با مجموعه آموزه‌های هدایت تشریعی الهی تدوین شود تا نیازهای مادی و معنوی انسان را پاسخ داده و چالش‌های فراروی افزایش جمعیت را برطرف یا کاهش دهد؛ «هبانی فقهی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری» از محسن ملک افضلی اردکانی و سیدمحمدعلی هاشمی که نویسندگان با بررسی سیاست‌های جمعیتی در بُعد کمی، به این نتیجه رسیدند که این سیاست چه با رویکرد کنترلی و چه با رویکرد ازدیاد موالید، نه‌تنها محذوری شرعی در پی نداشته، بلکه از جهاتی دارای مبانی و مستندات مورد پذیرش شرع است؛ علاوه‌براین کتاب و مقاله‌های دیگری نیز در این زمینه به نگارش درآمده است،

درمجموع می‌توان این نتیجه را از کارهای انجام شده استخراج کرد:

- ۱- کاهش شدید رشد جمعیت در سه دهه اخیر کشور را به زودی با بحران سالخوردگی و از دست دادن جمعیت جوان روبرو خواهد کرد؛ این موضوع سرزندگی، شادابی و پویایی جامعه را کاهش داده و زمینه بیماری‌های روحی و روانی را در جامعه افزایش می‌دهد؛
- ۲- رشد کمی سالخوردگان هزینه‌های بهداشتی و درمانی و پرستاری کشور را

به شدت افزایش می‌دهد؛

- ۳- هزینه‌های نگهداری از سالمندان بر فرزندان تحمیل می‌شود و بخش مهمی از درآمد خانوارها را از بین می‌برد؛
- ۴- کاهش جمعیت نیروی مولد کشور را تقلیل داده و مانع رشد اقتصادی کشور می‌گردد؛
- ۵- کشور را به ورود نیروی جوان از کشورهای دیگر مجبور می‌کند و این موضوع می‌تواند برای کشور تهدید امنیتی داشته باشد؛
- ۶- ورود نیروی کار از کشورهای دیگر موجب تعارض فرهنگی می‌گردد که باید برای این تقابل و تعارض برنامه‌ریزی نمود تا فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی آسیب نبیند؛
- ۷- کاهش جمعیت جوان کشور نیروی نظامی و دفاعی کشور را به شدت تضعیف می‌کند و تهدیدی سرزمینی در پی خواهد داشت؛
- ۸- عدم توازن بین رشد اقلیت‌ها در ایران و نگاه قومی و مذهبی موجود، می‌تواند بستری خطرناک برای تجزیه ایران فراهم نماید.

این نتایج محصول تلاش محققان در حوزه جمعیت است تفاوت پژوهش پیش‌رو با پژوهش‌های انجام شده آن است که در هیچ‌کدام از این نوشته‌ها: ۱- نظرهای آیت‌الله خامنه‌ای جهت تبیین موضوع به صورتی جامع تحلیل و بررسی نشده است؛ ۲- این دیدگاه‌ها بر قواعد و مبانی فقهی عرضه نشده است تا ابعاد فقهی این ساست‌گذاری‌ها روشن شود، در این پژوهش به صورتی نسبتاً جامع این دو موضوع بررسی می‌شود.

### ۳. تعریف مفاهیم

با توجه به آنکه واژه‌های «فقه» و «قواعد فقهی» در علوم مختلف معنای مختلفی دارند، در این بخش به تبیین این دو واژه در این پژوهش می‌پردازیم:

#### ۳-۱. فقه

«فقه» در لغت، نوعی آگاهی است که با استنتاج، تعمق، تأمل و شکافتن کلام همراه باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص. ۵۲۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۳۷۰). این واژه در زبان آیات، روایات و ادبیات متشرعین، تا عصر امام صادق (علیه‌السلام) در دو معنای فهم عمیق دین و مجموعه کامل دین به کار می‌رفت، از این منظر فقیه عالمی دینی بود که نسبت به همه شاخه‌ها و رشته‌های دین شناخت کافی داشته باشد که در اصطلاح امروز به چنین فردی اسلام‌شناس گفته می‌شود. اما از عصر امام صادق

(علیه‌السلام) به بعد به واسطه گسترش علوم اسلامی، واژه «فقه» در زبان احادیث و متشرعان به جهت استعمال زیاد در معنای احکام عملی و فرعی، کم‌کم حقیقت در این معنا شد؛ یعنی از جهت محدوده تطبیق این واژه (نه در اصل معنا که ادراک دقیق باشد) اصطلاح جدیدی نزد فقها و متشرّعه به‌وجود آمد که آن را بدون نیاز به قرینه در معنای احکام عملی و فرعی اراده می‌کردند درحالی‌که پیش از این نیاز به قرینه داشت. از این عصر در کلمات فقها و اصولیون، فقه، آگاهی به احکام شرعیّه عملیه‌ای است که از راه ادلّه تفصیلیّه حاصل می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص. ۸۱-۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، صص. ۳۴-۳۷).

### ۳-۲. قواعد فقهی

قواعد جمع قاعده و در لغت به‌معنای پایه و اساس آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۳۶۱). قواعد فقهی، آن دسته از احکام و دستورهای کلی است که در ابواب گوناگون فقه جریان داشته و منشأ استنباط احکام جزئی می‌شود، مانند: قاعده «لا ضرر» که هر جا ضرری متوجه شخص شود، مطرح می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۲۳) مراد این پژوهش از قواعد فقهی، برخی از اوامر و نواهی مولوی شارع است که می‌توان به آنها برای استنباط حکم فقهی سیاست‌گذاری تحدید نسل استناد کرد.

### ۴. روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی تحلیل مضمون تدوین شده است؛ در طراحی شبکه مضامین، ابتدا براساس یک رویه مشخص و با کلیدواژه‌های «جمعیت»، «فرزندآوری»، «نسل»، «پیری» و سایر واژگان مرتبط در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای جستجو شده و مطالب مرتبط، استخراج و کدگذاری شد. سپس مطالب به‌دست‌آمده، به این‌صورت نظام‌مند شدند: متن اصلی و پایه، اصل بیانات رهبر انقلاب در موضوع افزایش و کاهش جمعیت است؛ مضامین سازمان‌دهنده مقوله‌های به‌دست آمده از تلخیص یا برداشت از متن اصلی یا پایه است؛ و مضامین فراگیر، اصول حاکم بر این بیانات است (ر.ک: Stirling-Attride, 2001, p. 28 به نقل از: داودی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های پراکنده و نیز داده‌های متنی و تبدیل آن به داده‌های تفصیلی است (Clarke & Braun, 2006).

## ۵. یافته‌های پژوهش

چنان‌که در سؤال‌های پژوهش تصریح شد، پرسش اول پیرامون تبیین اصل موضوع تحدید نسل از دیدگاه مقام معظم رهبری بود و پرسش دوم درباره اکتشاف و استخراج مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده دیدگاه‌های ایشان بود که در این بخش به جهت ارتباط این دو پرسش، آن دو را جدول زیر پاسخ می‌دهیم:

جدول (۱)

ردیف	متن اصلی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	امروز اگر ما به فکر تکثیر نسل نباشیم، مسئله فرزندآوری را امروز اگر چنانچه برایش فکر نکنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر، دیر خواهد بود؛ کشوری خواهیم شد که عنصر لازم برای حرکت پیشرفت راه، یعنی جوان راه، به‌قدر کافی در اختیار نخواهد داشت. امروز باید به فکر فردا بود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).	کاهش جمعیت سد راه پیشرفت کشور است و موجب ضررهای اقتصادی، علمی و ... است.	ضرر به مسلمین
۲	یکی از پرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳).	کاهش جمعیت موجب عقب‌ماندگی و ضرر به کشور است.	ضرر به مسلمین
۳	اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الان به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).	کاهش جمعیت سد راه پیشرفت کشور است و موجب ضررهای اقتصادی، علمی و ... است.	ضرر به مسلمین
۴	قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است... قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید ... امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).	افزایش جمعیت سبب تقویت کشور در برابر دشمنان است و کاهش جمعیت باعث تضعیف نظام و سلطه دشمن می‌شود.	تضعیف نظام سلطه دشمن
۵	جامعه پیر نمی‌تواند به آن قله‌ها برسد؛ همه پیشرفت‌های ما تا امروز به برکت حضور جوان‌ها بوده. بنده گفته‌ام که پیرها بلاشک نقش ایفا می‌کنند، اما موتور، جوان‌هایند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۸/۲۸).	کاهش جمعیت سد راه پیشرفت کشور است و موجب ضررهای اقتصادی، علمی و ... است.	ضرر به مسلمین
۶	اگر این جامعه محروم بماند از یک جمعیت قابل جوان، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد شد	کاهش جمعیت جوان کشور موجب سلطه دشمن است و کمک و همراهی	سلطه دشمن

ردیف	متن اصلی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	(خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۸/۲۸).	هرگونه اقدامی که باعث کاهش جمعیت شود در حقیقت همراهی و کمک به اهداف دشمن است.	با دشمن
۷	وقتی که عده زیاد است، افراد صالح در آن قهراً زیادترند، توانایی‌ها قهراً بیشتر است، نیروی انسانی قهراً راقی‌تر است؛ این چون طبیعی است اگر چنانچه جمعیت زیاد باشد. جمعیت کم، مقهور واقع می‌شود. امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است؛ با اینکه مشکلاتی هم دارند اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای آنها توانسته موفقیت‌هایی را به‌وجود بیاورد. بنا بر این نسل باید افزایش پیدا کند؛ اینکه من تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، به خاطر این است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱/۶).	پیشرفت در پرتو جمعیت بیشتر است و کاهش جمعیت مانع پیشرفت کشور شده و موجب ضرر عموم مردم و کشور می‌گردد.	ضرر به مسلمین
۸	ما چند سال قبل اصرار کردیم، گفتیم - در سخنرانی، در جلسات خصوصی با مسئولین - که موانع تولید نسل را بردارید؛ مسئولین هم قبول کردند، تصدیق کردند حرف ما را، منتها در مدیریت‌های میانی متأسفانه موانعی وجود دارد؛ آنچنان‌که باید و شاید به این نسخه اسلامی که «تَتَاكْحُوا تَتَّأَسَلُوا تَكْتُرُوا فَآبَى أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» عمل نمی‌کنند، [اما] به نسخه غربی عمل می‌کنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).	کاهش جمعیت و عمل به نسخه غرب مبنی بر ضرورت تحدید نسل در ایران، مانع پیشرفت کشور و موجب ضرر به ملت و کشور است.	ضرر به مسلمین
۹	غربی‌ها با افزایش عدد مسلمان‌ها مخالفند، با افزایش عدد ملتی که جوان‌هایش می‌توانند در عرصه ظاهر بشوند و کشور را به اوج برسانند، معلوم است که مخالفند. ما نباید کار را جوری پیش ببریم که مقصود آنها عملی بشود؛ باید جوری حرکت بکنید که مقاصد اسلامی تأمین بشود، این وظیفه ما است، وظیفه مسئولین ما این است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۱۱).	غرب با افزایش تعداد مسلمین به‌شدت مخالف است زیرا این ویژگی باعث توانمندی کشور در مقابل دشمن و کاهش جمعیت باعث تضعیف نظام و سلطه دشمن می‌شود.	تضعیف نظام سلطه دشمن کمک و همراهی با دشمن
۱۰	این جمعیت، این کشور، با این ظرفیت، با این امکانات چهارفصلی که کشور ما دارد، می‌تواند از لحاظ مادی پیشرفت کند، مشکلات معیشت مردم برطرف بشود؛ راهش این است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۱۱).	افزایش جمعیت موجب پیشرفت مادی و کاهش جمعیت باعث عقب‌ماندگی اقتصادی کشور می‌گردد.	ضرر به مسلمین

ردیف	متن اصلی	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۱	معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛ ... تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور ... [از] مهم‌ترین معروف‌ها اینها است و همه موظفند در راه این معروف‌ها تلاش کنند؛ امر کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۶/۱۳).	تکثیر نسل موجب تقویت و تحدید نسل موجب تضعیف نظام اسلامی است.	تضعیف نظام
۱۲	مسئله جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۶/۱۳).	افزایش جمعیت موجب اقتدار ملی تقویت نظام است و کاهش جمعیت نتیجه عکس دارد.	*تضعیف نظام
۱۳	مسئله کاهش جمعیت مسئله بسیار مهمی است. برای آن دشمنانی که در اوائل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهن‌سال و میان‌سال و از کار افتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً می‌کنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۰).	کاهش جمعیت موجب تضعیف نظام اسلامی و زمینه ساز سلطه دشمن است و هر گونه اقدامی که باعث کاهش جمعیت شود در حقیقت همراهی و کمک به اهداف دشمن است.	سلطه دشمن کمک و همراهی با دشمن
۱۴	با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۰).	کاهش جمعیت موجب عقب‌ماندگی کشور در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور شده و موجب ضرر به مسلمین، تضعیف نظام اسلامی می‌گردد.	ضرر به مسلمین تضعیف نظام
۱۵	[افزایش جمعیت موجب] ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت [کشور است] (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۰).	افزایش جمعیت موجب ارتقا و پویایی کشور است و کاهش آن موجب رکود و عقب‌ماندگی شده و زمینه ساز ضرر به مسلمین می‌گردد.	ضرر به مسلمین
۱۶	تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ ... اگر خدای ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند — وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا — به آن سرنوشت دچار شدند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).	کاهش جمعیت در نهایت باعث ویرانی بنیاد خانواده و گسترش فساد خواهد شد.	ضرر به مسلمین
۱۷	ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن	افزایش جمعیت جوان باعث	تضعیف نظام

ردیف	متن اصلی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست‌ونه سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است، فوق‌العاده است... هم این رشد مهم است، هم این دارایی‌ای که فعلاً داریم مهم است، ده میلیون دانش‌آموخته دانشگاه‌ها داریم؛ ... نتیجه این شده که طبق گزارش پایگاه‌هایی که رتبه علمی کشورها را مشخص می‌کند، ما در رتبه پانزدهم دنیا هستیم ... این آن زیرساخت اساسی است: نیروی انسانی (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).	قدرت یافتن کشور در همه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و... است و این کشور را در مقابل دشمن تقویت می‌نماید و به عکس کاهش نیروی انسانی سبب تضعیف نظام است.	
۱۸	مسئله جمعیت. یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسئله جمعیت است؛ مسئله جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسئله جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می‌کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل‌ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).	کاهش جمعیت بسیار خطرناک است و مفهوم این خطر آن است که پیری جمعیت هم از نظر داخلی موجب ضرر به همه ارکان کشور می‌گردد و هم از نظر خارجی موجب تهدید و سلطه دشمن می‌شود.	* ضرر به مسلمین * سلطه دشمن
۱۹	مسئله جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).	کاهش جمعیت به مرحله‌ای می‌رسد که ضرر آن قابل جبران نیست.	ضرر به مسلمین
۲۰	امروز در بعضی از همین کشورهای غربی از کاهش باروری دارند زبان می‌بینند و پشیمانند، و در بعضی از کشورهای غربی مطلقاً کاهش باروری وجود ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۶).	کاهش جمعیت موجب زیان کشور و ضرر به مسلمین است	ضرر به مسلمین
۲۱	مسئله تحدید نسل برای کشور ما خطر است؛ ... محدود کردن نسل، برای کشور ما یک خطر بزرگی است. ... با این روند کنونی، کشور در آینده دچار مشکل فراوان خواهد شد؛ کشور دچار پیری عمومی خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۱).	کاهش جمعیت خطر بزرگی برای کشور است از نظر داخلی موجب ضرر به همه ارکان کشور می‌گردد و هم از نظر خارجی موجب تهدید و سلطه دشمن می‌شود.	ضرر به مسلمین سلطه دشمن
۲۲	این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را این‌ها حل	نسل جوان مشکلات را حل می‌کند و نسل پیر مانع پیشرفت و موجب ضرر به همه ارکان کشور می‌گردد.	ضرر به مسلمین

ردیف	متن اصلی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳)		
۲۳	فرزندآوری و تکثیر نسل یکی از آن وظایف مهم و اساسی است که بایستی انجام بگیرد که هر دوی اینها - هم ازدواج زودهنگام و بهنگام، و هم تکثیر نسل - جزو نیازهای حیاتی امروز کشور و فردای کشور است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲)	افزایش جمعیت از نیازهای حیاتی امروز و فردای کشور است؛ بنابراین برای حفظ نظام اسلامی ضروری است و کاهش آن موجب تضعیف نظام است.	تضعیف نظام
۲۴	کثرت جمعیت جوان یکی از امتیازات کشور است و در صورت استمرار سیاست‌ها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سال‌های آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی بنام «سالمندی عمومی» خواهیم شد. کشور بدون جمعیت جوان، یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق، بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید به‌طور جدی دنبال و پیگیری شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵).	کاهش جمعیت و سالمندی عمومی مانعی برای پیشرفت کشور است.	ضرر به مسلمین
۲۵	امروز جمعیت جوان ما یک پدیده است، یک نعمت است؛ چون جوان، منشأ حرکت و چشمه جوشان انگیزه و حرکت و نشاط و ابتکار و نوآوری است، کار را جوان می‌کند، اگر چنانچه این [جوانی جمعیت] بیست سال دیگر از دست رفت - [چون] این جوان را که نمی‌شود وارد کرد - کشور ضرر خواهد کرد؛ از امروز نباید بگذاریم... مسئله جوانی جمعیت یک توانمندی بسیار بزرگ و مهمی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).	جوانی جمعیت که از افزایش آن به دست می‌آید سبب تحرک و پیشرفت و یک توانمندی بزرگ است و فقدان آن تضعیف نظام و ضرر به مسلمین است.	*تضعیف نظام *ضرر به مسلمین
۲۶	ثروت اصلی برای هر ملتی، نیروی انسانی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۴/۲۶).	نیروی انسانی سرمایه کشور است و جلوگیری از تحقق آن فقیر کردن و ضربه زدن به کشور است.	*تضعیف نظام *ضرر به مسلمین
۲۷	من به جوانان عزیز عرض کنم که برای سازندگی کشور، نیروی کار، خیلی مهم است. دشمن سعی می‌کند نیروی کار را از ملت ایران بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۲۸).	کاهش جمعیت مانع سازندگی کشور است. هر گونه اقدامی که باعث کاهش جمعیت شود در حقیقت موجب سلطه دشمن و کمک به اهداف اوست.	*ضرر به مسلمین *سلطه دشمن *کمک و همراهی با دشمن

منبع: (محقق ساخته)

با توجه به تحلیل انجام شده، متن نظرهای آیت‌الله خامنه‌ای در ضمن مضامین سازمان‌دهنده گردآوری شده و در نهایت تمام مضامین ذیل چهار محور یا مضمون فراگیر مطابق جدول شماره (۲) تجمیع شد.

### جدول (۲)

ردیف	مضمون فراگیر	شماره ردیف مضمون فراگیر
۱	سلطه دشمن بر مسلمین	۲۸-۲۱-۱۸-۱۳-۹-۶-۴
۲	تضعیف نظام	۲۶-۲۵-۲۳-۱۷-۱۴-۱۲-۱۱-۹-۴
۳	کمک و همراهی با دشمن	۲۸-۱۳-۹-۶
۴	ضرر به مسلمین	۲۸-۲۷-۲۶ -۲۴-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۱۴-۱۰-۸-۷-۵-۳-۲-۱

منبع: (محقق ساخته)

سؤال سوم پژوهش، پیرامون تطبیق مضامین استخراج شده با قواعد فقهی و تحلیل این تطبیق است. در ادامه به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت: مضامین فراگیر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل بر چهار قاعده فقهی مطابق جدول شماره (۳) قابل تطبیق است که در ادامه ضمن توضیح مختصر هر یک از این قواعد، تطبیق مضامین بر آنها را اثبات کرده و حکم شرعی عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل را استخراج می‌کنیم.

### جدول (۳)

ردیف	مضامین فراگیر	قواعد فقهی
۱	سلطه دشمن بر مسلمین	نفی سبیل
۲	تضعیف نظام	حفظ کیان مسلمین
۳	کمک و همراهی با دشمن	حرمت تعاون بر ائمه و عدوان
۴	ضرر به مسلمین	لاضرر

منبع: (محقق ساخته)

### ۵-۱. قاعده «نفی سبیل»

قاعده «نفی سبیل» در مباحث سیاسی، اقتصادی و در روابط بین جوامع اسلامی و غیراسلامی و همچنین در رابطه فردی بین مسلمانان و کافران، به صورت یک قانون

کلی استفاده می‌شود و به معنای عدم تشریح احکامی است که تسلط کفار بر مسلمین پیامد آن است و اگر حکمی به ظاهر چنین باشد، این قاعده بر آن حاکم بوده و آن را تخصیص می‌زند؛ از مستندات این قاعده آیه «وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / آیه ۱۴۱) است (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص. ۱۵۷-۱۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۱۸۸). در اینکه مراد از نفی سبیل نفی تشریحی است (ر.ک: فاضل موحد لنگرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۲۳۶) یا تکوینی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص. ۱۸۹) یا هر دو (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۷۲۱) میان فقها و مفسرین تفاوت آراء وجود دارد، ولی آنچه مسلم است: قاعده «نفی سبیل» بر پایه «نفی تشریحی» بنیاد یافته است. این قاعده در بسیاری از مسائل فقهی مثل ازدواج زن مسلمان با کافر و یا اجیرشدن مسلمان برای کافر که موجب خفت و وهن او شود، حمایت از کشورهای اسلامی که از سوی کفار تجاوز نظامی شد، روابط تجاری، سیاسی با کفار که موجب استیلا کفار شود و غیره (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۹۶، ج ۳، صص. ۳۶-۴۰) کاربرد دارد، طبق این قاعده هر حکم، قرارداد و اقدامی در جامعه اسلامی که سبب برتری و تسلط کافر بر مسلمان شود، مشروع نیست.

## ۲-۵. تحلیل و تطبیق

آیت‌الله خامنه‌ای سلطه دشمن با کاهش جمعیت را مرتبط با هم دانسته و معتقدند اگر جامعه از یک جمعیت جوان محروم بماند، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد شد (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف (۶) ایشان پیری مردم یک کشور را سبب سلطه و برعکس افزایش نسل جوان را مانع مهمی مقابل سلطه می‌داند (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف (۹)، از نگاه ایشان بهترین دستاورد برای دشمن جمعیت کم یک کشور است و دشمن برای رسیدن به این هدف قطعاً برنامه‌ریزی کرده و متحمل هزینه می‌شود (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف (۱۳)). بنابراین تحدید نسل سبب سلطه دشمن می‌شود، و سیاست‌گذاری‌هایی که در راستای آن باشد، مطابق مفاد قاعده نفی سبیل مشروعیت نخواهد داشت.

## ۳-۵. قاعده «حفظ کیان اسلام»

بر پایه قاعده فقهی «حفظ کیان اسلام» یا «مصلحت» حفظ حاکمیت سیاسی اسلام واجب و اعمال فردی یا سیاست‌گذاری‌های اجتماعی ضد آن فاقد مشروعیت است (ر.ک: نائینی، ۱۴۲۴ق، صص. ۳۹-۴۰؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص. ۳۲۹؛ عمید زنجانی، ۱۳۹۶، ج ۴، ص.

۲۵۳). به تصریح قرآن اقامه و حفظ دین، فریضه است (شوری / آیه ۱۳) و این مهم جز با تشکیل حکومت میسر نیست؛ امر به اطاعت از خداوند، رسول و اولی الامر (نساء / آیه ۵۹)، نهی از اختیار مخالفت با حکم خدا و رسول (احزاب / آیه ۳۶) و این‌گونه آیات، ضرورت تشکیل حکومت را اثبات می‌کند و این علت موجه بعد از تشکیل حکومت نیز به‌عنوان علت مبقیه استمرار دارد. این ضرورت در پاسخ استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای به خوبی مشهود است: «... اگر مکلف طبق تشخیص خود احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند، حتی اگر در معرض کشته شدن باشد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۲۱۹).

#### ۴-۵. تحلیل و تطبیق

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تکثیر نسل از مؤلفه‌های اقتدار و ابزارهای قوت نظام اسلامی (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۴، ۱۲، ۲۵)، نیاز حیاتی امروز و فردا، ضامن پیشرفت ایران در عرصه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۹، ۱۷، ۲۳ و ۲۶) و بر اساس مفهوم مخالف همراه با قرائن، سیاست‌گذاری تحدید نسل ضد موارد مذکور بوده و محکوم به حرمت است.

#### ۵-۵. قاعده «حرمت اعانه بر اثم و عدوان»

«حرمت اعانت بر اثم» از قواعد مورد اجماع مسلمین و مبین عدم مشروعیت تعاون بر اثم بوده و مهم‌ترین مستند آن، نص آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده / آیه ۲) است. علامه طباطبایی واژه «اِثْم» را به کردار ناپسندی که سبب دوری از زندگی سعادت‌مندان و «عداون» را به تجاوز نسبت به حق مردم و تهدید امنیت جانی، مالی و عرضی آنان تفسیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص. ۲۶۶)؛ دیگر مستندات این قاعده سیره عقلا، اجماع فقها و روایات هستند. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَىٰ مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظَّالِمَةِ وَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاهُ أَوْ رَبَطَ كَيْسًا أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةً قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۱۸۱)؛ هر چند در صدق قاعده به مطلق قصد یا تحقق خارجی اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما قدر متیقن بین فقها آن است که قصد و تحقق خارجی توأمان نامشروع است (ر.ک: مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص. ۲۹۷؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۱۳۶؛ فاضل موحد لنگرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۳۶۶).

## ۵-۶. تحلیل و تطبیق

به تصریح آیت‌الله خامنه‌ای سیاست‌های تحدید نسل مصداق معاونت دشمن است (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۶)؛ زیرا هدف میانی دشمن از بین بردن نیروی سازندگی و کار برای هدف نهایی سلطه است (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۹ و ۱۳ و ۲۷)؛ بنابراین هر اقدامی در راستای کاهش جمعیت کشور، فاقد مشروعیت است.

## ۵-۷. قاعده «لا ضَرَر و لا ضِرَار فی الاسلام»

این قاعده از قواعد مشهور و پرکاربرد در فقه و به معنی نفی یا نهی از هر گونه ضرر و زیان به خود و دیگران در اسلام است. مهم‌ترین سند این قاعده حدیث نبوی «لا ضَرَر و لا ضِرَار فی الاسلام» است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این جمله را درباره علت حکم به کندن درخت خرما صادر کرد که سمره بن جندب در باغ انصاری داشت (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ص. ۴۷۶). در معنای این قاعده میان فقها اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ برخی آن را به معنای نفی احکام ضرری [نفی تشریح حکمی که سبب ضرر بر مسلمانان شود] تفسیر کرده‌اند (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص. ۴۶۰)، برخی آن را همانند حکم «لا شک لکثیر الشک»، انتفاء حکم به انتفاء موضوع می‌داند؛ یعنی هر موضوعی که موجب ضرر به مسلمین گردد حکمی بر آن بار نخواهد شد (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۳۸۱)، برخی آن را نفی ضرر غیرمتدارک می‌داند؛ یعنی هر که موجب اضرار به دیگران شود، باید آن را جبران نماید و ضرر بدون جبران در دین اسلام یافت نمی‌شود (نراقی، ۱۳۷۵، ص. ۴۹)، برخی معتقدند «لا» در این قاعده، لای ناهیه است و استعمال آن به صورت مجاز است، به این معنا که کسی نباید موجب اضرار به دیگران شود (اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۴)، امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نیز نهی در این قاعده را به نهی حکومتی تفسیر می‌کند (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص. ۵۳۲-۵۳۳). مطابق این دیدگاه ضرر زدن به دیگران در اسلام حرام است. هرچند تفاوت این دیدگاه‌ها، احکام وضعی و تکلیفی متفاوتی را ایجاد می‌کنند، اما قدر متیقن آنها که از مسلمانات شرعی بین همه مسلمین است، آن است که از منظر شریعت اسلام، ضرر زدن به افراد جامعه جایز نیست.

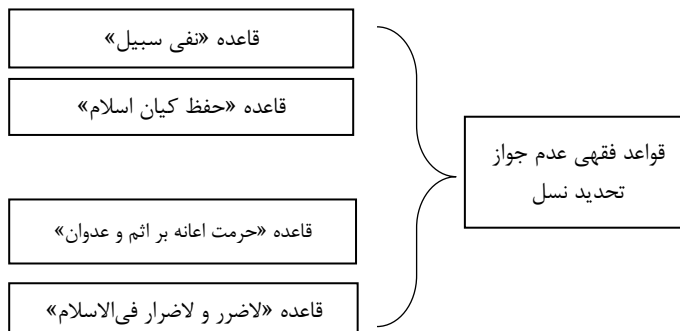
## ۵-۸. تحلیل و تطبیق

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تحدید نسل ضربه به کشور و مردم یک جامعه است؛ به اعتقاد ایشان جمعیت جوان کشور منشأ حرکت و چشمه جوشان انگیزه و حرکت و

نشاط و ابتکار و نوآوری است و اگر جمعیت جوان کشور کاهش یابد کشور قطعاً دچار ضرر خواهد شد. (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۲۵). ایشان بر این باورند اگر نسل جوانی که امروزه در اختیار داریم جایگزین نشوند، کشور از پیشرفت باز خواهد ماند و دچار عقب‌ماندگی و ضرر می‌شود (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۱ و ۲)، از نگاه ایشان سالمندی فراگیر ضربه بزرگی به کشور خواهد زد و آنچه مانع این ضربه و زیان می‌شود و عامل اصلی سازندگی کشور است، نیروی کار جوان است و بدون داشتن نیروی جوان کشور از سازندگی باز خواهد ماند (ر.ک: جدول شماره (۱)، ردیف ۱۰، ۱۸، ۲۴ و ۲۷). بنابراین هر نوع اقدام و سیاست‌گذاری که سبب تحدید نسل شود، مطابق مفاد قاعده «لاضرر» فاقد مشروعیت می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

با بررسی نظرهای آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع تحدید و افزایش نسل و تطبیق آن با اهم قواعد فقهی، می‌توان به جرئت به «عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل» حکم کرد. چراکه «تحدید نسل»، مطابق دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پیامدهای زیان‌باری مثل توقف تمام پیشرفت‌ها و سازندگی در کشور، از بین رفتن مؤلفه‌های اقتدار و ابزارهای قوت نظام، کهنسالی و ازکارافتادگی نصف جمعیت، کمک و همراهی با دشمن و غیره را به دنبال خواهد داشت که برآیند آنها عبارت است از: ضرر به مردم، ضربه زدن به نظام اسلامی و سلطه دشمن که بر اساس قواعد فقهی «نفی سبیل»، «حفظ کیان اسلام»، «حرمت اعانت بر اثم و عدوان» و «لاضرر» هیچ‌یک جایز نیست. بنابراین شمای کلی الگوی عدم جواز سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، بر چهار قاعده فقهی، به شکل زیر قابل تطبیق خواهد بود:



منبع: (محقق ساخته)

شکل (۱)

## پیشنهادها و توصیه‌ها

- ۱- تبیین موضوع تحدید نسل با تکیه بر آرای سایر اندیشمندان و خبرگان این حوزه؛
- ۲- استنباط حکم شرعی سیاست‌گذاری‌های تحدید نسل با استناد به سایر منابع استنباط در فقه.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).

آیت‌اللهی، زهرا و دیگران (۱۳۹۹). *مهارت‌های زندگی خانوادگی در آیینه آیات و روایات*، قم، دفتر نشر معارف.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دار صادر.

اصفهان‌ی، فتح‌الله بن محمد جواد (۱۴۱۰ق). *قاعده لاضرر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل‌الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).

حسینی، حاتم (۱۳۸۶). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان: دانشگاه ابوعلی سینا.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸-۱۴۰۱). «*فزایش جمعیت/تحدید نسل/فرزندآوری*». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای،

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2630>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). «*تحدید نسل*». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21137>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). «*بلاغ سیاست‌های کلی جمعیت*». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>

- خامنهای، سیدعلی. (۱۳۹۱). *اجوبه الاستفتائات*. قم: زمزم هدایت.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۳ق). *تهذیب الاصول*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- محمدداودی، امیرحسین و دیگران (۱۳۹۵)، *آمار توصیفی در علوم رفتاری*. تهران: روانشناسی و هنر.
- شوازی، عباس و حسینی چاوشی، محمدجلال (۱۳۷۹). ارزیابی روش فرزندان خود برای برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵. *نامه علوم اجتماعی*، (۱۹)، ۱۰۵-۱۳۵.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق). *منیه المرید*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۶). *قواعد فقه*. تهران: سمت.
- فاضل موحد لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). *القواعد الفقہیہ*. قم: چاپ مهر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). *المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*. قم: دارالحديث.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *زبدۃ البیان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبه الجعفریہ.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). *القواعد الفقہیہ*. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).
- ملک افضلی اردکانی، محسن و هاشمی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴). *مبانی فقهی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران «با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری»*. حکومت اسلامی، (۷۶)، ۵-۳۰.
- موسوی، سیدمرتضی و جعفری، محمد (۱۳۹۵). *رابطه هدایت تشریعی با سیاست‌ها*

- و چالش‌های جمعیتی. معرفت فرهنگی اجتماعی، (۲۹)، ۶۷-۹۰.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۸۰/۱۲/۲۷). بیانات در دیدار کارگزاران نظام [پایگاه اطلاع‌رسانی]. بازیابی ۲۴ بهمن ۲۰۲۲، از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۸۴/۱۱/۱۸). بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی [پایگاه اطلاع‌رسانی]. بازیابی ۲۴ بهمن ۲۰۲۲، از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3330>
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۸۷/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش [پایگاه اطلاع‌رسانی]. بازیابی ۲۴ بهمن ۲۰۲۲، از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5648>
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۳/۳/۴). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی [پایگاه اطلاع‌رسانی]. بازیابی ۲۴ بهمن ۲۰۲۲، از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26518>
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۴۰۰، ۲۸ نوامبر). بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی [پایگاه اطلاع‌رسانی]. بازیابی ۲۴ بهمن ۲۰۲۲، از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49633>
- نائینی، محمدحسین (۱۴۲۴ق). *تنبيه الأمه و تنزیه المله*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵). *عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- Aberstadt & Apoorva (2013). On “Fertility decline in the muslim world: A vertible sea-change, still curiously Unnoticed”.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, (1), 385-405.
- Braun, Virginia & Victoria Clarke (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2).

## References

The Holy Quran (In Persian)

Akhund Khorasani & Mohammad Kazem (1409). Sufficiently basic. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (In Persian)

Ardabili Mosque, Ahmad Bin Mohammad. (Beta). Zubadah al-Bayan in the rules of the Qur'an. Tehran: Al-Jaafaria Library. (In Persian)

Attride-Stirling, J. (2001) Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*. (1), 385-405.

Braun, Virginia; Victoria Clarke. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 83.

Faiz Kashani, Mollah Mohsen (1417). Al-Mahja Al-Bayda in Tahdeeb al-Ahaya (Vol. 1-8). Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)

Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1409). Kitab al-Ain (Vol. 1-9). Qom: Migration. (In Persian)

Fazel Mohed Lankarani, Mohammad (1416). Jurisprudence rules. Qom: Printing Mehr. (In Persian)

Ibn Manzoor (1414). Arab language (Vol. 1-15). Beirut: Dar Sader. (In Persian)

Imam Khamenei & Seyed Ali (1391). Answers to Al-Astiftaat (Vol. 1-2). Qom: Zamzam Hedayat. (In Persian)

Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah (1389). Imam's book (v. 1-21). Tehran: Organization and Publishing Institute of Imam Khomeini's Works (RA). (In Persian)

Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah (1421). Kitab al-Ba'i (Vol. 1-5). Tehran: Organization and Publishing Institute of Imam Khomeini's Works (RA). (In Persian)

Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah (1423). Tahhib al-Asul (Chapter 1-2). Tehran: Organization and Publishing Institute of Imam Khomeini's Works (RA). (In Persian)

Islamic Revolution Cultural Research Institute. (18February2018). Statements in the meeting of Air Force personnel [information base]. Retrieved February 24, 2022, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3330> (In Persian)

Islamic Revolution Cultural Research Institute. (19February2018). Statements in the meeting of commanders and employees of the Air Force [information base]. Retrieved on February 24, 2022, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5648> (In Persian)

Islamic Revolution Cultural Research Institute. (27March1380). Statements in the meeting of system agents [information base]. Retrieved February 24, 2022, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111> (In Persian)

Islamic Revolution Cultural Research Institute. (28November1400). Statements in visual communication with the people of East Azerbaijan [information base]. Retrieved February 24, 2022, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49633> (In Persian)

Islamic Revolution Cultural Research Institute. (4June2013). Statements in


- the meeting of representatives of the Islamic Council [information base]. Retrieved on February 24, 2022, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26518> (In Persian)
- Jazayeri, Abdullah bin Nouraldin, (Beta), *Al-Tahfa al-Sunniyyah fi Sharh al-Nakhba al-Mohsaniyyah*, Tehran: Mohagheq Kitab. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1368-1401). "Population increase/generational limitation/childbearing", information base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Imam Khamenei, access at: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2630> (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2012). "Thadid Nasl", the information database of the Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Imam Khamenei, access at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21137> (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2013). "Communication of the general policies of the population", the information base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Imam Khamenei, access at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440> (In Persian)
- Kilini, Muhammad bin Yaqub (1429). *Al-Kafi* (Chapter 1-15). Qom: Dar al-Hadith. (In Persian)
- Makaram Shirazi, Naser (1411). *Jurisprudence rules*. Qom: School of Imam Amir al-Mu'minin, peace be upon him. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1427). *Encyclopedia of Makarn Jurisprudence*, Qom: School of Imam Ali bin Abi Talib, peace be upon him. (In Persian)
- Melk Afzali Ardakani, Mohsen, Hashemi, Seyed Mohammad Ali (2014). *Jurisprudential foundations of the population policies of the Islamic Republic of Iran "with emphasis on the thoughts of the Supreme Leader"*, *Islamic Government*, (76), 5-30. (In Persian)
- Mohammad Davoudi, Amir Hossein & et al. (2015). *Descriptive Statistics in Behavioral Sciences*. Tehran: Psychology and Art. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1372). *The collection of works of master Shahid Motahari* (28 volumes), Qom: Sadra. (In Persian)
- Mousavi Bojanvardi, Seyyed Hasan (1419). *Al-Qasas al-Fiqhiyah* (7th volume), Qom: Al-Hadi Publishing. (In Persian)
- Mousavi Bojunordi, Seyyed Hasan (1419). *Jurisprudence rules*. Qom: Al-Hadi. (In Persian)
- Mousavi, Syed Morteza, Jafari, Mohammad (2015). *The relationship between legislative guidance and population policies and challenges*, *Marafet Social Cultural*, (29), 67-90. (In Persian)
- Naini, Mirza Mohammad Hossein (1424). *Chastisement of the Nation and Tanzih of the Nation*, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Qom Theological Seminary. (In Persian)
- Naini, Mirza Mohammad Hossein (1424). *Punishment of the nation and reformation of the nation*. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Naraghi, Ahmad bin Mohammad Mahdi (1375). *The results of the days in explaining the rules of the rulings and the ammunition of the halal and*

- haram issues. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Omid Zanjani, Abbas Ali (1396). Rules of jurisprudence (Chapter 1-4). Tehran: Side. (In Persian)
- Shaykh al-Sharia Isfahani & Fathullah bin Mohammad Javad (1410). Rule. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Sheikh Ansari, Morteza bin Mohammad (1415). Al-Makasab (Vol. 1-6). Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. (In Persian)
- Sheikh Ansari, Morteza bin Mohammad (1428). Faraed al-Asul (Vol. 1-4). Qom: Jamal al-Fakr al-Islami. (In Persian)
- Sheikh Hur Aamili, Mohammad bin Hasan (1409). The means of the Shiites (Chapter 1-30). Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them. (In Persian)
- Tabatbayi, Seyyed Mohammad Hossein (1374). Translation of Tafsir al-Mizan. (Syed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, translator) (Vol. 1-20). Qom: Society of teachers of Qom seminary. (In Persian)
- Tarihi, Fakhreddin (1375). Majma Al-Baharin (6 vols), Tehran: Mortazavi. (In Persian)
- The second martyr, Zain al-Din bin Ali (1409). Manieh Al-Merid Qom: Al-Mahad Al-Islami School. (In Persian)
- Tousi, Abu Jaafar Mohammad bin Hasan (1407). Al-Khilaf (Chapter 1-6). Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Tousi, Abu Jaafar Muhammad bin Hasan (1407). Al-Khalaf (6th c), Qom: Islamic Publications Office attached to the Qom Seminary Society of Teachers. (In Persian)




## ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی سازمانی (مطالعه موردی: سازمان‌های غیرانتفاعی ایران)


### علی نورپور

دانشجوی مقطع دکتری، گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.  
nourpour019@gmail.com  0000-0000-0000-0000

### پرویز ساکتی

استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).  
Ppparviz@gmail.com  0000-0002-9849-7144

### حبیب‌آ... طاهرپور کلانتری

استادیار گروه مدیریت مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.  
habtaherk@yahoo.com  0000-0002-7861-6441

### چکیده

کارآفرینی اجتماعی سازمانی را می‌توان «پیگیری رفتار کارآفرینانه در سازمان‌ها برای ایجاد ارزش اجتماعی» تعریف نمود؛ بنابراین شناسایی ابعاد کارآفرینی اجتماعی و رابطه بین این ابعاد، به درک ما از این پدیده و ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی کمک به‌سزایی می‌نماید که هدف اصلی این مقاله می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرای پژوهش، با توجه به اینکه تأکید بر شناخت ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی است، از روش نمونه موردی و زمینه‌ای استفاده شده که با توجه به موضوع پژوهش، از طریق پرسشنامه، به شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی و ارتباط این مؤلفه‌ها در ۱۰ سازمان غیرانتفاعی ایران به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه پرداخته شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل همبستگی کانونی استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۴ بعد اصلی کارآفرینی اجتماعی شامل ابعاد سازمانی، راهبردی، پیش‌برنده محیطی و پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی می‌باشد که بعد سازمانی متشکل از ۷ مؤلفه شامل فرهنگ سازمانی کارآفرینانه - منابع سازمان - عقلانیت اقتصادی - کنترل و ارزیابی عملکرد - ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار کارکنان - ارتباطات سازمانی - ساختار سازمانی مناسب و بُعد راهبردی شامل ۲ مؤلفه شامل ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار رهبران راهبردی - مأموریت چشم‌انداز محور و بُعد پیش‌برنده محیطی شامل ۳ مؤلفه شامل حمایت‌های دولت و شهرداری - محیط اقتصادی مناسب - محیط اجتماعی مناسب و یک مؤلفه شامل پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی مبتنی بر اقدام‌های اولیه می‌باشد و میان تمامی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی، همبستگی وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی اجتماعی سازمانی، سازمان‌های غیرانتفاعی، ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی، کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی سازمانی.

شاپای الکترونیک: X۶۵۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.341540.1301

## مقدمه و بیان مسئله

سازمان‌ها برای برآورده کردن انتظارات ذی‌نفعان، معمولاً راهبردهای جدیدی را دنبال می‌کنند که لازمه آن شروع ابتکارهایی برای تعریف مجدد مفهوم کسب‌وکارهایشان و پاسخگویی به تقاضاها برای محصولات و خدمات جدید می‌باشد. با توجه به این نظرها می‌توان گفت: کارآفرینی اجتماعی سازمانی دو مفهوم کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی را تلفیق و تبیین می‌کند؛ بنابراین برای درک بهتر مفهوم کارآفرینی اجتماعی سازمانی لازم است به مفاهیم کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی اشاره کنیم.

فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی به اقدام‌هایی گفته می‌شود که ضمن برخورداری از ویژگی‌های عمومی کارآفرینی یعنی داشتن ماهیت نوآورانه، خلاقانه و کسب‌وکارانه، جهت‌گیری اصلی آنها به جای سود فردی یا گروهی به سوی اهداف اجتماعی نظیر هماوایی و همبستگی جمعی، مقابله با محرومیت، یأس و درماندگی باشد (Mair, J- Robinson, J & Hockerts, K., 2006). زهرا شاکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) با ترکیب بیش از بیست تعریف، کارآفرینی اجتماعی را این‌گونه تعریف نموده است: «کارآفرینی اجتماعی، فعالیت‌ها و فرایندهایی است متعهد به کشف، تعریف و بهره‌برداری از فرصت‌ها به‌منظور ارتقای ارزش‌های اجتماعی که با اقدام‌های جدید و مدیریت سازمان‌های موجود به شیوه نوآورانه انجام می‌شود» (صالحی صدقیانی، ۱۳۸۹).

از تعاریف جدید کارآفرینی اجتماعی این‌گونه پیداست که با به‌کارگیری کارآفرینی، سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های غیرانتفاعی از حالت انفعالی خارج شده و به جستجوی فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری و کسب درآمد اقدام می‌کنند (اسدی و دیگران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین بخش غیرانتفاعی به ۳ دلیل: ۱- پایداری مالی، ۲- توانایی رفع نیازهای متنوع ذی‌نفعان و ۳- در جهت پاسخگویی به تغییرهای محیطی، به‌سمت کارآفرینی اجتماعی گرایش پیدا کرده‌اند؛ زیرا این سازمان‌ها علی‌رغم جذب سرمایه و منابع مالی، با تغییرهای محیطی و افزایش نیاز افراد نیازمند به خدمات روبه‌رو هستند و دولت‌ها و سرمایه‌گذاران اجتماعی نیز به‌راحتی حاضر به سرمایه‌گذاری در این سازمان‌ها نیستند و تنها در شرایطی حاضر به تداوم سرمایه‌گذاری و کمک هستند که

1. Zahra Shaker

این سازمان‌ها قادر به اجرای مأموریت و اثبات مشروعیت خود باشند. از طرف دیگر، کارآفرینی سازمانی، کارآفرینی در درون سازمان از قبل تأسیس شده و موجود است. در این حالت، فرد کسب‌وکار جدیدی خلق نمی‌کند بلکه ساختارهای دیوان‌سالارانه و فرسوده یک سازمان در حال فعالیت را اصلاح و متحول کرده، خلاقیت و نوآوری را به سازمان تزریق می‌کند. به این ترتیب شیوه‌های تولید دگرگون شده و محصولات بهتر و جدیدتری ارائه خواهد شد. در دنیای رقابتی امروز، وجود روح کارآفرینانه در سازمان‌ها می‌تواند مزیت رقابتی مهمی محسوب شود (پیکارگو و علی‌اصغری، ۱۳۸۷). بر طبق گفته آنتونیک و هیسریچ (Antonicic & Hisrich, 2004)، کارآفرینی سازمانی شامل پیگیری، ایجاد یا راه‌حل‌های جدید برای مشکلات سازمان (شرکت) است.

بررسی ادبیات موضوع در مورد کارآفرینی سازمانی و کارآفرینی اجتماعی نشان‌دهنده این امر است که ممکن است هر دوی کارآفرینی سازمانی و کارآفرینی اجتماعی سازمانی دانش مشابهی در مورد بازار داشته باشند، اما هر دوی آنها به وسیله ارزش‌های مختلف به دست می‌آیند و بنابراین نیاز به مهارت‌های مختلف دارند. کارآفرینی سازمانی می‌خواهد موفقیت تجاری ایجاد کند بنا بر تنها نیاز به مهارت‌های مربوط به کارآفرینی دارد، اما در کارآفرینی اجتماعی سازمانی، سود اجتماعی بوجود می‌آید و نیاز به مهارت‌های اجتماعی و کارآفرینی است.

درواقع کارآفرینی سازمانی و کارآفرینی اجتماعی سازمانی هر دو نوع، نوآوری را ایجاد می‌کنند و در آنها موفقیت سازمانی بسیار مهم و بااهمیت است. در کارآفرینی سازمانی، نوآوری متمرکز بر نتایج مالی نسبت به مقیاس نفوذ متفاوت است. در حالی که در کارآفرینی اجتماعی سازمانی مقیاس نفوذ به مراتب مهم‌تر است. مقیاس‌های موفقیت کارآفرینی سازمانی و کارآفرینی اجتماعی سازمانی بر اهمیت ایجاد ارزش مالی و حفاظت از ایده یکی است، اما کارآفرینی اجتماعی سازمانی به‌طور اضافی در مورد تأثیر اجتماعی که باید واجد مقیاسی بزرگ باشد اشاره می‌کند؛ بنابراین کارآفرینی اجتماعی سازمانی، فرایند کشف، تعیین و بهره‌برداری از فرصت‌ها از طریق ریسک‌های سازمانی (داخلی و خارجی)، تغییر و نوآوری راهبردی است که منجر به ایجاد ارزش اجتماعی می‌گردد. آستین و همکاران (Austin, J. E., Stevenson, H. & Wei-, Skillern, J., 2008) آن را به‌عنوان فرایند توسعه قلمرو و قابلیت شرکت و فرصت‌های متقابل که از طریق نفوذ نوآورانه منابع در کنترل و خارج از کنترل سازمان با هدف ایجاد همزمان ارزش اجتماعی و اقتصادی، توصیف می‌کنند.

برای ایجاد ارزش اجتماعی، شناخت محیط خارجی امری اجتناب‌ناپذیر است. محیط خارجی نه تنها فرصت‌های جدید پیشنهاد می‌کند بلکه موجب چالش‌های پیچیده‌ای که سازمان‌ها (شرکت‌ها) باید به‌طور خلاق پاسخگوی آن باشند، می‌شود (Austin & Reffico, 2009).

با توجه به این مباحث می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که عنصر متمایز کارآفرینی اجتماعی سازمانی با کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی در ایجاد «ارزش اجتماعی» است. کارآفرینی اجتماعی سازمانی سعی می‌کند از دانش خود در مورد بازار و سازمان به اندازه مهارت‌های اجتماعی و مربوط به کارآفرینی‌شان استفاده کند. کارآفرینی اجتماعی سازمانی تمایلی برای نفوذ در مقیاس بسیار زیاد و تغییر نظام‌مند دارد. در فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی نیازهای کاری و اجتماعی مورد استفاده سازمان به‌عنوان یک اهرم برای تغییر اجتماعی استفاده می‌شود. درحالی‌که هدف کارآفرینی اجتماعی سازمانی هر نوع نوآوری با تأثیر بسیار زیاد همراه با توجه به سودبخشی برای سازمان است. موفقیت کارآفرینی اجتماعی سازمانی از لحاظ مالی به همان اندازه در اصطلاحات خاص موقعیتی با توجه به تأثیرهای اجتماعی مطلوب اندازه‌گیری می‌شود (Hemingway, 2005; Austin & Reffico, 2009).

## ۱. اهداف و پرسش‌ها

به دلیل نقشی که کارآفرینی اجتماعی سازمانی در حل مسائل اجتماعی، رشد و عملکرد کسب‌وکار و در نتیجه توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند و با توجه به آثار مفیدی که کارآفرینی در سازمان‌های غیردولتی در عرصه ارزش‌های اجتماعی دارد، شناسایی الگوهای کارآفرینی اجتماعی سازمانی در این‌گونه سازمان‌ها امری ضروری و پیش‌نیاز برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌باشد که لازمه رشد و توسعه هر کشوری است؛ بنابراین مهم است که ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی کشور شناسایی شده و از طریق به‌کارگیری آنها، به الگوی کارآفرینی اجتماعی سازمانی در این سازمان‌ها دست یافت. در نتیجه اهداف این پژوهش این است که با کسب نظرها و دیدگاه‌های بنیان‌گذاران، مدیران، کارمندان، داوطلبان و حامیان سازمان‌های غیرانتفاعی، ضمن شناسایی همه ابعاد کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های غیرانتفاعی نسبت به طراحی الگوی کارآفرینی اجتماعی سازمانی سازمان‌های ایرانی اقدام نموده و گامی به‌سمت به‌فعل درآمدن قابلیت‌های بالقوه و نهادینه‌سازی آن در کشور بردارد

این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال‌های است: مؤلفه‌های ابعاد چهارگانه «پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی»، «راهبردی»، «پیش‌برنده محیطی» و «سازمانی» کارآفرینی اجتماعی سازمانی کدامند؟ ارتباط بین مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی چگونه است؟ و مدل بهینه جهت تقویت ارتباط مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی کدام است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

شهرزاد حداد<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل کارآفرینی اجتماعی شرکتی ویژه اقتصاد دانش با تمرکز بر زمینه اقتصادی رومانی» به‌طور خاص به چهارچوب کارآفرینی اجتماعی سازمانی به‌عنوان یک راهبرد نوآوری تحول‌آفرین برای رشد شرکت متوسل می‌شود و اینکه کارآفرینی اجتماعی سازمانی چگونه در شرکت‌ها ظاهر می‌شود؟ «شرکت چگونه منابع خود را برای ایجاد یک محصول/خدمات/رویکرد نوآورانه به‌منظور مقابله با موضوع اجتماعی بسیج می‌کند؟ شرکت چگونه به توسعه محلی کمک می‌کند؟ از نتایج حاصله از این مطالعه موردی این پژوهش است که وقتی شرکت دارای مزیت رقابتی نهایی است، باید از آن استفاده کند و با استفاده از آن، رقابت در بازار و رقابت‌پذیری محصولات ارائه شده را افزایش دهد. این کار آسان نیست و مستلزم بسیج داخلی و خارجی است. علاوه‌براین، کارآفرینی اجتماعی سازمانی در این مورد در نوآوری تحول‌آفرین تحقق می‌یابد و نه تنها برای شرکت بلکه جامعه محلی که در آن فعالیت می‌کند نیز سود می‌رساند. مشکل اجتماعی که شرکت با آن روبه‌رو بود به‌عنوان یک کاتالیزور برای بسیج منابع شرکت و در توسعه یک رویکرد جدید که هدف آن آموزش جمعیت و توانمندسازی آن بود، عمل کرد.

علاوه بر ماهیت مشکل‌ساز تعریف مفهوم تقریباً گریزان کارآفرینی اجتماعی سازمانی، برخی از محققان به مسائل پیشینیان و نتایج با تمرکز بر عوامل محیطی، عوامل سازمانی و نتایج سازمانی پرداخته‌اند. تصویری<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) بر اساس تحقیقات در پایان‌نامه دکتری خود، در مورد شرکت‌های هندی این‌گونه استدلال می‌کند که کارآفرینی اجتماعی سازمانی به‌عنوان موتور ایجاد ارزش اجتماعی، سودآوری بلندمدت و مشروعیت، به شرایط تقاضا و انتظارات ذی‌نفعان از محیط خارجی

1. Shahrazad Hadad

2. Tasavori, Misagh

بستگی دارد. پشتیبانی مدیریت، جهت‌گیری شبکه‌ای به‌سمت سازمان‌های بخش اجتماعی و در دسترس بودن منابع مالی از عوامل تأثیرگذار است. تلاش‌های دیگری به‌سمت انطباق و اعتبارسنجی ابزارهای اندازه‌گیری انجام شده است که فرصت‌های کارآفرینی اجتماعی سازمان‌ها را در محیط‌های خاصی مانند صنعت مراقبت از سالمندان استرالیا شناسایی می‌کند (Hazelton & Murray Gillin, 2011). با جمع‌آوری تمام تعاریف موجود، می‌توان طرحی از این نوع کارآفرینی به‌شرح ذیل ترسیم کرد: الف) در یک سازمان اتفاق می‌افتد. ب) دستور کار مسئولیت اجتماعی را ترویج می‌کند. ج) در کنار سوده‌های تجاری به دست می‌آید. د) به‌منظور حل مشکلات اجتماعی انجام می‌شود.

چند سال قبل از او، آستین و رفیکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) عناصر کلیدی خاصی را برای کارآفرینی اجتماعی سازمانی مانند محیط توانمند (برای تغییر و متعهد به ایجاد ارزش اجتماعی)، کارآفرین اجتماعی شرکتی (قهرمان، ارتباط خوب، خالق) شناسایی کردند.

از محققین ایرانی می‌توان به مدل ابطحی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره نمود که به استفاده از مدل ویرواردنا و مورت (۲۰۰۶) و مدل سلیوان و همکاران (۲۰۰۳) به ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌ها اقدام کرده‌اند. عناصر اصلی این مدل مفهومی شامل: نوآوری، آینده‌مداری، مدیریت ریسک، قضاوت‌های متعادل و مناسب، فضیلت و شایستگی‌های کارآفرینان و شناسایی و شکار فرصت‌هاست که تحت تأثیر عوامل پایداری، پویایی‌های محیطی و مأموریت‌های اجتماعی عمل می‌کند. به‌طور کلی، مرور اجمالی در پیشینه نظری و تجربی کارآفرینی اجتماعی سازمانی گویای این واقعیت است که محققان مختلف با رویکردهای مختلفی به مفهوم‌سازی کارآفرینی اجتماعی پرداخته‌اند.

همچنین از الگوهای ایرانی الگوی سیدمحمد مقیمی و همکارانش (۱۳۸۷) است که به بررسی ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی و اثربخشی عملکرد در سازمان‌های غیردولتی زنان پرداخته است و یافته‌های او نشان‌دهنده تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر میزان نوآوری و توجه به اصول کسب‌وکار و فرهنگ خطرپذیری در سازمان‌های مذکور می‌باشد.

مدل دیگری که در حوزه کارآفرینی اجتماعی سازمانی ارائه شده است، مدل

1. Austin & Reffico

ویراوردنا و مورت<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) است. مدل کارآفرینی اجتماعی این دو نظریه پرداز با هدف دستیابی به مأموریت‌های اجتماعی و حل مسائل اجتماعی ارائه شده است و دارای هفت متغیر، پویایی محیطی، نوآوری، آینده‌مداری، مدیریت ریسک، پایداری، مأموریت اجتماعی و شناسایی و شکار فرصت است. از نظر آنان، کارآفرینی اجتماعی تحت سه بُعد نوآوری، آینده‌مداری و مدیریت ریسک یک مدل چندبُعدی را شکل می‌دهد. سه عامل محدودکننده این مدل، محیط، مأموریت اجتماعی و پایداری است. در نتیجه، آنان بر این باورند که کارآفرینی اجتماعی تحت مدل چندبُعدی متشکل از مؤلفه‌های مذکور مفهوم‌سازی می‌شوند.

در پژوهش کریستین همینگوی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در زمینه کارآفرینی اجتماعی سازمانی (تحت عنوان: ارزش‌های شخصی به‌عنوان یک کاتالیزور برای کارآفرینی اجتماعی شرکت‌ها) یک چهارچوب مفهومی برای CSR<sup>۳</sup> ارائه می‌شود و افراد را به‌عنوان کارآفرینان اجتماعی سازمانی فعال یا ناامید طبقه‌بندی می‌شوند. بی‌تفاوت‌ها که با ارزش‌های فردی یا جمع‌گرایانه‌شان متمایز می‌شوند. در نتیجه در بحث از ماهیت ارزش‌ها، این مقاله نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌ها می‌توانند به‌عنوان محرک‌های رفتار ما عمل کنند و به ارزش‌های کارآفرین توجه ویژه‌ای می‌کند؛ بنابراین بحث موجود در مورد عاملیت اخلاقی را با حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت پیوند می‌دهد. همچنین اندرو لیوایز یک مدل چهار بُعدی مطرح می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: برنامه‌های کارآفرینانه، اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه و عوامل حیاتی موفقیت در کارآفرینی اجتماعی (Lewise, 2003). بررسی این الگو نشان می‌دهد که لیوایز در این الگو به‌خوبی توانسته است عوامل مؤثر چهارگانه را گردآوری کند به‌شکلی که یک نمایه قابل‌فهمی از کارآفرینی اجتماعی را به نمایش بگذارد، اما نقطه ضعف این الگو این است که به ابعاد اجتماعی، ابعاد مؤثر در راه‌اندازی و ابعاد محیطی نپرداخته است.

مورت، ویراوردنا و کارنگی<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۳ تحقیقی تحت عنوان «مفهوم‌سازی کارآفرینی اجتماعی» انجام دادند. در این مقاله نویسندگان ضمن بیان نظریه‌ها و رویکردهای کارآفرینی بر اهمیت فرایند کارآفرینی اجتماعی که منجر به ایجاد مؤسسات اجتماعی می‌گردد، تأکید داشته و کارآفرینی اجتماعی را به‌عنوان یک ساختار چندبُعدی

1. Weerawardena, Jay and Mort  
 2. Christine A. Hemingway  
 3. Corporate Social Responsibility  
 4. Mort, G. S., Weerawardena, J., Carnegie, K

تعریف می‌کنند و در ادامه مدلی از کارآفرینی اجتماعی در سال ۲۰۰۳ ارائه می‌دهند که مدل کارآفرینی آنها شامل چهار بُعد است. در بُعد نخست، کارآفرینی اجتماعی متعهد به مأموریت‌های اجتماعی بوده و برای دستیابی به آن به دنبال ایجاد ارزش‌های اجتماعی بهتر از رقبای خودند که نتیجه آن در رفتارهای مختلف کارآفرینان نمود پیدا می‌کند. در بُعد دوم، کارآفرینان اجتماعی واجد قضاوت‌های متوازن و متعادل، یگانگی در هدف و آینده‌مداری در مواجهه با پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی‌اند. بُعد سوم مدل این دو پژوهشگر حکایت از این دارد که کارآفرینی اجتماعی فرصت‌هایی را برای ایجاد ارزش اجتماعی بهتر کشف و شناسایی می‌کنند. در بُعد چهارم این مدل، کارآفرینان اجتماعی ویژگی‌های نوآوری، آینده‌مداری و ریسک‌پذیری را در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و مهم خود در نظر می‌گیرند.

این مدل یکی از جامع‌ترین مدل‌ها است که با رویکرد چندبُعدی برای اولین بار ارائه شده است و مهم‌ترین نقطه‌قوت همان چندبُعدی بودن مدل است، اما تنها ضعف این مدل آن است که به موضوع ایجاد درآمد یعنی بُعد اقتصادی که از ابعاد محیطی و سازمانی متأثر می‌باشد در این مدل پرداخته نشده است.

کوبین و اسلاوین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) مدل کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌ها را با سه ویژگی اصلی برای برتری کارآفرینی تجاری ارائه داده‌اند و بر این باورند که کارآفرینان تجاری در تصمیم‌گیری‌های خود براساس آن عمل می‌کنند. این سه ویژگی عبارت‌اند از: تحمل مخاطره، آینده‌مداری و نوآوری. این دو محقق معتقدند کارآفرینی اجتماعی، به مانند کارآفرینان تجاری، در تصمیم‌گیری‌های خود باید از این سه ویژگی استفاده کنند. این مدل از جمله اولین مدل‌هاست که ارائه شده است، اما یک مدل تک‌بُعدی محسوب می‌شود؛ زیرا غالباً به موضوع ویژگی‌های فردی کارآفرینان اجتماعی پرداخته است.

از متفکران مسلمان نیز می‌توان از شاکر زهرا (۱۹۹۳) یاد کرد که در مدل خود، ابعاد سازمانی (فرهنگ سازمانی، ارتباطات سازمانی، کنترل و ارزیابی، ساختار) و محیطی (پویایی محیط، شدت رقابت) را به‌عنوان ابعاد کارآفرینی سازمانی معرفی نموده است.

با توجه به هدف این پژوهش بایستی بتوان این مؤلفه‌ها را در شکل و قالبی پیاده کرد که قابل استفاده برای سازمان‌های غیرانتفاعی باشد. این چیزی هست که در غالب مدل‌های ارائه شده به دلیل تأکید بر هویت کارآفرینی اجتماعی کمتر به آن پرداخته

1. Covin, J. G., & Slevin, D. P.

شده است. این در حالی است که مفاهیم (از جمله مفاهیم کارآفرینی اجتماعی) زمانی می‌توانند هویت یابند که بر یک پایه درست و تعریف شده مستقر شوند؛ لذا چیدمان مؤلفه‌ها و عوامل در قالب دسته‌بندی‌های رایج عوامل سازمانی (درونی و بیرونی) بر پایه کارآفرینی سازمانی می‌تواند پایه خوبی برای ایجاد مدل‌های جدید کارآفرینی اجتماعی سازمانی باشد که در این پژوهش به‌عنوان یک نوآوری مطرح شده است. بنابراین در جدول ذیل مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی توأمان مطرح شده است؛ زیرا در این پژوهش از تلفیق این مدل‌ها بهره‌گیری شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### جدول (۱): ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی

ابعاد	پژوهش/مدل
مزیت رقابتی دانش‌محور، نوآوری تحول‌آفرین و توان بسیج منابع	شهرزاد حداد (۲۰۱۸)
شرایط تقاضا و انتظارات ذی‌نفعان از محیط خارجی، دسترس بودن منابع مالی و پشتیبانی مدیریت، جهت‌گیری	تصوری (۲۰۱۲)
سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی فردی، بُعد تخصصی (ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری) و بُعد عمومی (ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی)	انصاری و دیگران (۱۳۸۹)
نوآوری، آینده‌مداری، مدیریت ریسک، قضاوت‌های متعادل و مناسب، فضیلت و شایستگی‌های کارآفرینان و شناسایی و شکار فرصت‌ها	ابطحی و دیگران (۲۰۰۹)
میزان نوآوری و توجه به اصول کسب‌وکار و فرهنگ خطرپذیری	سیدمحمد مقیمی (۱۳۸۷)
محیط توانمند، ویژگی‌های فردی و فرصت‌های کارآفرینی اجتماعی	آستین و رفیکو (۲۰۰۹)
رفتار نوآورانه، مدیریت خطرپذیری، رفتار پیش‌فعال، محیط، رسالت اجتماعی، کشف و شناخت فرصت‌ها و ماندگاری و بقا.	مورت و ویراوردنا (۲۰۰۶)
ارزش‌های فردی و جمعی (بعد اخلاقی)	کریستین همینگوی (۲۰۰۵)
بعد سازمانی (ارتباطات سازمانی، کنترل و ارزیابی، پایش محیطی، ارزش‌های مبتنی بر رقابت) و بُعد محیطی (پویایی، فرصت‌های فناوری، تقاضا برای محصولات جدید و وضوح رقابتی)	مدل آنتونسیک و هیسریچ (۲۰۰۴)
بعد سازمانی، مشخصات فردی، تصمیم به اقدام، برنامه‌ریزی امکان کسب‌وکار کارآفرینانه و دسترسی به منابع	کوراتکو و همکاران (۲۰۰۵)
شناسایی فرصت اجتماعی، قدرت درایت، فضیلت کارآفرینانه و ویژگی عمومی کارآفرینی (رفتار نوآورانه، ریسک‌پذیری و رفتار بیش‌فعالانه).	لا و دیگران (۱۹۹۸)
بُعد سازمانی (راهبرد، ساختار، منابع شرکت، فرهنگ و اندازه سازمانی)، بُعد راهبردی (استقلال، نوآوری، ریسک‌طلبی و بیش‌فعالی) و بُعد محیطی	مدل دس و لامپکین (۱۹۹۶)

ابعاد	پژوهش/مدل
(قدرت تحرک و پویایی، پیچیدگی و ویژگی‌های صنعت)	
بُعد سازمانی (ارزش‌های مدیریت عالی، فرهنگ سازمانی)، بُعد راهبردی (مأموریت، راهبرد تجارب کسب‌وکار، شیوه‌های رقابتی) و بُعد محیطی (قدرت تحرک و پویایی، خبرگی فنی، شدت رقابت و خصومت، تغییر چرخه عمر)	مدل کوین و اسلوین (۱۹۹۱)
بُعد سازمانی (فرهنگ سازمانی، ارتباطات سازمانی، نظارت و ارزیابی، ساختار) و بُعد محیطی (پویایی محیط، شدت رقابت).	مدل شاکر زهرا (۱۹۹۱)
بُعد سازمانی (راهبرد، ساختار، فرایند، ارزش‌ها و عقاید محوری سازمان)، بُعد راهبردی (ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار رهبران راهبردی) و بُعد محیطی (رقابتی، فنی، اجتماعی و سیاسی).	مدل گاث و گینزبرگ (۱۹۹۰)

منبع: (محقق)

### ۳. چهارچوب نظری

در مبانی نظری و تعریف‌های کارآفرینی اجتماعی این حقیقت وجود دارد که انگیزه کارآفرینان اجتماعی سازمانی ضمن افزایش ثروت سهامداران و منفعت‌های شخصی، خلق ارزش اجتماعی نیز است و به‌عنوان یک محرک مطرح می‌باشد؛ بنابراین شکل سازمانی این نوع کارآفرینی نیز باید بتواند به‌طور کارآمد منابع را برای حل مسائل بسیج کند (Moizer & Tracey, 2010; Trivedi, 2010). آوستین در مطالعات خود که ازجمله اولین مطالعات مؤثر در زمینه کارآفرینی اجتماعی است اذعان داشته است کارآفرینی اجتماعی یک فعالیت کارآفرینانه است که عمدتاً از طریق آن یک مأموریت اجتماعی به انجام می‌رسد که هم دارای مشخصه‌های کسب‌وکارهای تجاری و هم سازمان‌های غیرانتفاعی می‌باشد (Austin & et al., 2006). پردو و مک‌لین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نیز اذعان دارند که مأموریتی که در پاسخ به نقصان حضور دولت در مسائل اجتماعی و اقتصادی است.

از نظر دولت‌ها، کارآفرینی اجتماعی سازمانی (در قالب بنگاه‌های اجتماعی) می‌تواند راه‌حلی مناسب برای ناتوانی دولت در تأمین رفاه باشد؛ و درنهایت، از نظر کسب‌وکار و شرکت‌های تجاری، کارآفرینی اجتماعی سازمانی یک فرصت بازاری جدید و نوعی توسعه در سرمایه‌گذاری و مسئولیت اجتماعی قلمداد می‌شود (Greico, )

1. Peredo & Mclean

2015). در مجموع می‌توان گفت: هدف از کارآفرینی اجتماعی سازمانی ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل اجتماعی حل نشده، قرار دادن ارزش آفرینی اجتماعی در سرفصل مأموریت‌ها به منظور بهبود زندگی فردی و اجتماعی و افزایش بهزیستی و رفاه اجتماعی است (OECD, 2010).

بنابراین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که یک توافق جمعی بر «خلق ارزش اجتماعی» در مطالعات مربوط به کارآفرینی اجتماعی سازمانی وجود دارد (Austin & et al., 2006؛ پرودو و مک‌لین، ۲۰۰۶). منظور از ارزش‌های اجتماعی هم شامل همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، محیطی و رفاهی می‌شود. همچنین به جهت نوع‌شناسی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌ها دو مکتب فکری غالب در مبانی نظری وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- اقدام‌های مبتنی بر مأموریت اجتماعی صرف، ۲- راهبرد کسب درآمد. مکتب فکری مأموریت اجتماعی از سوی گریگوری دبیز ارائه شده است. به باور دبیز مأموریت اصلی اجتماعی تلاش برای توسعه ارزش‌های اجتماعی، تشویق نوآوری و اثرگذاری اجتماعی است. در مقابل، «جربوشه و مک‌کلارج» (JerrBoschee & Mcclurg, 2003) با ارائه راهبرد کسب درآمد بر این باورند که مؤسسه‌های اجتماعی باید به کسب درآمد اقدام کنند؛ زیرا تنها این راهبرد می‌تواند موجبات پایداری سازمانی را فراهم کند.

در ضمن با توجه به هویت دوگانه کارآفرینی اجتماعی سازمانی، موضوع هویت سازمانی از موضوع‌هایی هست که پژوهشگران در مطالعات کارآفرینی اجتماعی، علاقه و افری به آن نشان می‌دهند (Moss & et al., 2010; Robinson & et al., 2014)؛ زیرا نظریه هویت سازمانی، چهارچوبی برای هر نوع کارآفرینی اجتماعی بدون در نظر گرفتن هدف، ترکیب ذی‌نفعان و مقیاس عملیاتی لحاظ می‌نمایند. در واقع موضوع هویت سازمانی از آن جهت اهمیت دارد که امکان ارزیابی سازمان‌های با هدف اجتماعی را که دارای هویت دوگانه هستند را فراهم می‌کند و همچنین تعیین‌کننده عملکرد سازمان‌ها است؛ زیرا کارآفرینی اجتماعی به‌طور ذاتی ویژگی‌هایی از بخش اجتماعی و همچنین از بخش کارآفرینی دارد، درحالی‌که اهداف و منابع اصلی این دو بخش اغلب متفاوتند (Tracey & Phillips, 2007)؛ بنابراین بهتر است این سازمان‌ها، به منظور حفظ مشروعیت‌شان در بین ذی‌نفعان متعدد و تهیه و تأمین نیازهای هر دو بخش به حفظ هویت دوگانه خود توجه ویژه داشته باشند؛ بنابراین لازم است اهداف و منابع هر دو بخش اجتماعی و اقتصادی را هماهنگ نمایند (Thompson; Alvy & Lees, 2000).

آنچه به عنوان ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی مطرح است اینکه تأثیر یک عامل یا چند عامل برای رسیدن به اهداف کارآفرینانه اجتماعی یک سازمان چقدر است؟ اما چون اهداف چندگانه‌ای در این گونه سازمان‌ها مطرح است؛ لذا یک عامل ناکافی به نظر می‌رسد و لازم است که برای کسب و کارهای اجتماعی (همچون سازمان‌های غیرانتفاعی) به عنوان یک ساختار چند عاملی در نظر گرفته شود (Dees & Emerson, 2002; Tucker, 2010). با توجه به بررسی مدل‌ها و پژوهش‌های مربوط به کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی به شیوه مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های آنها، مؤلفه‌هایی که تقریباً در تمامی پژوهش‌ها دارای اشتراک بودند، با توجه به واکاوی مفاهیم و نظریات موجود در باب کارآفرینی اجتماعی سازمانی، واحدهای معنایی متأثر از کارآفرینی اجتماعی سازمانی به عنوان الزام‌های مفهومی اولیه (بنیادی) کارآفرینی اجتماعی سازمانی استخراج گردید.

بر اساس مدل ویرواردنا و مورت<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) که کارآفرینی اجتماعی تحت سه بُعد نوآوری، آینده‌مداری و مدیریت ریسک یک مدل چندبُعدی را شکل می‌دهد و عوامل محدودکننده این مدل، محیط، مأموریت اجتماعی و پایداری است. در نتیجه، این محققان بر این باورند که کارآفرینی اجتماعی تحت مدل چندبُعدی متشکل از مؤلفه‌های مذکور مفهوم‌سازی می‌شوند؛ بنابراین چهارچوب تحقیق که الهام گرفته از مدل مذکور می‌باشد، بر ابعاد اجتماعی، سازمانی و محیطی به صورت گسترده‌تری پرداخته است که در ادامه پژوهش ارائه خواهد شد. بنابر این، ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی (که به بهترین شکل زمینه را برای شکل‌گیری کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی فراهم می‌کنند) عمدتاً در ۴ دسته اصلی شامل: ابعاد پیش‌برنده راه‌اندازی، سازمانی، راهبردی و پیش‌برنده محیطی قابل دسته‌بندی می‌باشند.

1. Weerawardena, Jay and Mort



### کارآفرینی اجتماعی سازمانی

نمودار (۱): مدل نظری پژوهش

#### ۴. روش پژوهش

لازم است تا واحدهای معنایی متأثر از کارآفرینی اجتماعی و سازمان‌های غیرانتفاعی در ایران، بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان، قابلیت سنجش و ارزیابی دو فرض اصلی تحقیق را داشته باشند؛ لذا به نظر پژوهشگران این پژوهش (۱۳۹۹)، پس از انجام تعدیل‌هایی به دلایل ناهمسخ و کم‌اهمیت بودن تعداد بسیار اندکی از مؤلفه‌ها یا مؤلفه‌هایی که خود در بطن مؤلفه دیگری قرار داشتند و همچنین تطبیق بیشتر آنها با شرایط سازمان‌های بومی ایران (و الگوهای داخلی که در پیشینه پژوهش شرح داده شد)، کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های بومی ایران متشکل از ۴ بُعد شامل ابعاد پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی - راهبردی - پیش‌برنده محیطی و سازمانی است. به‌گونه‌ای که ابعاد مزبور، همگی دارای اجزا و ویژگی‌های مختلفی هستند که برای تعیین هر یک از آنها، نیاز به ارائه شاخص‌هایی است که در پرسشنامه پژوهش، قابل ارائه به‌عنوان گویه باشند؛ بنابراین، با توجه به اینکه ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی سازمانی و بسط نظریه‌ها و آزمون فرضیه‌ها در موقعیت مسائل واقعی کارآفرینی اجتماعی سازمانی در ده سازمان غیرانتفاعی ایران، متشکل از بنیان‌گذاران یا مدیران، کارمندان، داوطلبان و حامیان این سازمان‌ها می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند

به‌عنوان نمونه پژوهش (که واجد شرایط ذیل بودند) انتخاب شدند.

- حداقل یک نمونه کارآفرینی اجتماعی در یکی از زمینه‌های اجتماعی (اشتغال، فقر، آموزش، بهداشت، محیط زیست و توانمندسازی) انجام داده یا در حال انجام باشند.
- ثبت قانونی شده باشند.
- امکان اطلاعات تماس و تجزیه و تحلیل داشته باشند و تمایل به پاسخگویی داشته باشند.

روش پژوهش به‌کار گرفته شده، بر اساس هدف، توسعه‌ای - کاربردی است و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ که بخش تحلیلی تحقیق، به‌صورت مطالعات اکتشافی و میدانی و بخش توصیفی یا مطالعات نظری (اسنادی)، با هدف استخراج و تبیین معیارهای موضوع پژوهش و آزمون آنها، با روش تحلیل محتوای متون و با تکیه بر پیشینه نظری و عملی موضوع پژوهش، واکاوی منابع موجود اعم از کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و فیش‌برداری از آنها و أخذ نظریه‌های دست‌اندرکاران کارآفرینی اجتماعی سازمانی، صورت گرفته و متعاقب استخراج ابعاد مفهومی تحقیق، در این بخش، ضمن تصویرسازی آنچه که هست، به چگونگی روابط موجود بین مؤلفه‌های پژوهش پرداخته شده و دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن تشریح و تبیین و ارائه شده است که مبنای تنظیم پرسشنامه با سؤال‌های بسته و با طیف لیکرت است.

از نظر روش اجرای پژوهش، با توجه به اینکه تأکید بر شناخت ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی است، از روش نمونه‌موردی و زمینه‌ای استفاده شده که با توجه به موضوع پژوهش، از طریق پرسشنامه، به شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی و ارتباط این مؤلفه‌ها، ۱۰۰ نفر از دست‌اندرکاران سازمان‌های غیرانتفاعی در ده سازمان غیرانتفاعی ایران، به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه پرداخته شده است.

#### جدول (۲): سازمان‌های شرکت‌کننده در پژوهش

تعداد پاسخگویان	مکان مؤسسه	رسالت اجتماعی	نام مؤسسه
۵	زنجان	حمایت از زنان و خانواده‌های آسیب‌پذیر	روزبه
۱۱	تهران	توانمندسازی معلولین	رعد
۱۵	تهران	نگهداری درمان و توانبخشی از معلولان، سالمندان و بیماران	که‌بیزک
۹	اصفهان	اشتغال‌زایی و توانمندسازی	امام حسین (علیه‌السلام)

۸	تهران	توانمندسازی بانوان	آتنا
۱۵	تهران	توانمندسازی نوجوانان	محسنین
۱۲	تهران	حمایتی سلامت	محب
۷	تهران	توسعه اجتماعی پایدار جامعه ایرانی	رسالت
۹	اصفهان	زنان سرپرست خانوار	صدیقین
۹	تهران	پشتیبانی، حمایت و توانمندسازی کودکان بدرسپرست	نیکوکاران شریف

منبع: (محقق)

بدین صورت مؤلفه‌های اصلی پژوهش، که متشکل از ۴ بُعد اصلی کارآفرینی اجتماعی سازمانی، شامل ابعاد پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی، راهبردی، پیش‌برنده محیطی و سازمانی است، همگی دارای مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و جنبه‌های مختلفی هستند که شناسایی ریز ابعاد هر یک از مؤلفه‌های مشخص شده، مبنای تدوین پرسشنامه قرار گرفته است تا بر این اساس بتوان به تبیین فرضیه‌های پژوهش پرداخت. با توجه به ابعاد ذکر شده، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۵۴ سؤال بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. به انتهای پرسشنامه یک سؤال باز هم اضافه شد تا اگر پاسخ‌دهندگان به جز موارد قید شده در پرسشنامه، مورد دیگری را به‌عنوان مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی موردنظر، اضافه کنند.

از آنجایی که برای توصیف متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای مستقل و وابسته فرایند کارآفرینی اجتماعی سازمانی، تحلیل همبستگی کانونی یا متعارف یا بنیادی<sup>۱</sup>، به‌عنوان شکل تعمیم‌یافته رگرسیون چندگانه صورت گرفت؛ لذا قبل از بررسی مدل‌های رگرسیونی، برای آزمون رابطه خطی بین شاخص‌های این پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. این آزمون نشان خواهد داد که آیا محقق اجازه انجام رگرسیون را دارد یا خیر و از طرفی، در مدل رگرسیونی خود، کدام معیارها را می‌تواند وارد نماید؛ زیرا معیارهای مستقلی اجازه ورود به مدل رگرسیونی را دارند که همبستگی آنها با متغیر یا متغیرهای وابسته، معنادار باشد. کاربرد اصلی ضریب همبستگی پیرسون زمانی است که متغیرها از نوع پارامتری باشند؛ بدین معنا که توزیع طبیعی داشته باشند و در سطح فاصله‌ای/نسبی باشند. برای گردآوری داده‌ها، از ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش یعنی پرسشنامه که توسط جامعه آماری تکمیل شده، استفاده شده است.

## 1. Canonical Correlation Analysis

همچنین به منظور سنجش پایایی معیارهای کارآفرینی اجتماعی سازمانی، بر اساس پرسشنامه‌های پاسخ داده شده، ضریب پایایی، از طریق آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار کلی آن برابر ۰,۹۸۸ گردید.

پس از جمع‌آوری امتیازهای مؤلفه‌های نهایی پژوهش، برای پرداختن به ارتباط میان این مؤلفه‌ها در کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران، از تحلیل‌های رگرسیونی استفاده شده است و در ابتدا آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها در نرم‌افزار SPSS، از طریق بررسی چولگی و کشیدگی داده‌ها صورت گرفت تا استفاده از روش‌های آماری پژوهش، منجر به نتیجه‌گیری اشتباه نگردد. در ادامه از آنجایی که برای توصیف متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای مستقل و وابسته فرایند کارآفرینی اجتماعی سازمانی، تحلیل همبستگی کانونی یا متعارف یا بنیادی، به‌عنوان شکل تعمیم‌یافته رگرسیون چندگانه صورت خواهد گرفت؛ لذا قبل از بررسی مدل‌های رگرسیونی (چندگانه)، برای آزمون رابطه خطی بین معیارهای تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

از آنجاکه پرسشنامه میان ۱۰۰ نفر از دست‌اندرکاران سازمان‌های غیرانتفاعی توزیع شد، برای تحلیل پرسشنامه‌ها از آمار توصیفی استفاده شد. جدول شماره ۲ فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش را بر حسب متغیرهای جنس، سابقه و میزان تحصیلات نشان می‌دهد.

جدول (۳): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

جنسیت		سابقه کار مرتبط			تحصیلات	
زن	مرد	کمتر از ۱۰ سال	۱۰ تا ۲۰ سال	بیشتر از ۲۰ سال	دیپلم و کمتر از دیپلم	کاردانی و کارشناسی و دکتری
۵۶ درصد	۴۴ درصد	۳۴ درصد	۵۶ درصد	۱۰ درصد	۲۹ درصد	۵۴ درصد و ۱۷ درصد

منبع: (محقق)

سؤال اول: مؤلفه‌های ابعاد چهارگانه «پیش‌برنده راه‌اندازی»، «راهبردی»، «پیش‌برنده محیطی» و «سازمانی» کارآفرینی اجتماعی سازمانی کدامند؟  
با توجه به چهارچوب نظری و اهداف پژوهش، فرضیه نخست به‌دنبال یافتن

مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران به روش مطالعه موردی و از طریق انجام مصاحبه با بنیان‌گذاران، مدیران، کارمندان، داوطلبان و حامیان ۱۰ سازمان غیرانتفاعی می‌باشد که یافته‌های پژوهش نشانگر این است که یافته‌های پرسشنامه‌ها با یافته‌های حاصل از مدل‌ها و پژوهش‌های مرتبط تطبیق داشت و کلیه ابعاد بجز بعد پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی که در بین پاسخ‌ها تکرار شده بود، در واقع شاید به این دلیل که اهمیت بیشتری در کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایرانی دارد. به‌ویژه اینکه بیشترین شکست سازمان‌های ایرانی در همین مرحله اتفاق می‌افتد. مروری بر مبانی نظری نشان می‌دهد که بُعد سازمانی در این راستا از میان نکاتی که پاسخ‌دهندگان از میان ابعاد مختلف ذکر کرده بودند، این موضوع بیشتر مورد تأکید قرار گرفته بود.

بر اساس تحلیل حاصل از پرسشنامه‌ها می‌توان گفت که به‌رغم گستردگی مؤلفه‌ها، شاخص‌های مذکور به‌شرح ذیل مورد توجه قرار گرفت که قابل دسته‌بندی در ابعاد اصلی کارآفرینی اجتماعی سازمانی شامل ابعاد چهارگانه (سازمانی، پیش‌برنده مرحله راه‌اندازی، راهبردی و پیش‌برنده محیطی) بودند. که مؤلفه‌های ذکر شده به‌شرح ذیل می‌باشد:

- مؤلفه‌های سازمانی شامل فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، منابع سازمان، عقلانیت اقتصادی، کنترل و ارزیابی عملکرد، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار کارکنان، ارتباطات سازمانی و ساختار سازمانی مناسب.

- مؤلفه‌های راهبردی شامل ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار رهبران راهبردی و مأموریت چشم‌اندازمحور.

- مؤلفه‌های پیش‌برنده محیطی شامل حمایت‌های دولت و شهرداری - محیط اقتصادی مناسب و محیط اجتماعی مناسب.

- مؤلفه‌های پیش‌برنده راه‌اندازی که کلیه اقدام‌های اولیه راه‌اندازی را شامل می‌شود.

**سؤال دوم: ارتباط بین مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی چگونه است؟ مدل بهینه جهت تقویت ارتباط مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی کدام است؟**

تحلیل رگرسیونی کارآفرینی اجتماعی سازمانی و ارتباط میان این مؤلفه‌ها با به‌کارگیری روش تحلیل همبستگی کانونی (بنیادی)، با استفاده از نرم‌افزار SPSS می‌باشد؛ که بر اساس نتایج تحلیل همبستگی کانونی، متداول‌ترین آماره برای آزمون

سطح معنی‌داری، لامبدای ویلکز می‌باشد که سطح معناداری اولین همبستگی کانونی را نشان می‌دهد. براین اساس اگر  $p$  به دست آمده کوچک‌تر از  $0.05$  باشد، می‌توان قضاوت کرد که دو مجموعه از متغیرها به‌طور معناداری به‌وسیله همبستگی کانونی پیوند داشته‌اند. مطابق با خروجی که در ستون سطح معناداری و با وجود مقدار عددی  $sig=0.042$ ، با احتمال ۹۹ درصد همبستگی کانونی بین ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی با اثربخشی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران وجود دارد و لذا فرض اولیه وجود ارتباط میان ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی با اثربخشی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد.

از طرفی، زمانی که بیش از یک همبستگی کانونی (یا همان متغیر کانونی) استخراج گردد، می‌توان از مقدار ریشه کانونی<sup>۱</sup> یا همان مقدار ویژه<sup>۲</sup> (که مجذور ضریب همبستگی کانونی است) برای ارزیابی اینکه تا چه حد می‌توان یکی از مجموعه متغیرها را پیش‌بینی کرد، استفاده نمود. درحقیقت ریشه کانونی یا همان مقدار ویژه، تخمینی از مقدار واریانس مشترک بین دو متغیر کانونی است. هر متغیر کانونی دارای یک مقدار ویژه بوده و معمولاً اولین همبستگی کانونی، مهم‌تر از دیگر همبستگی‌هاست. در این پژوهش، اولین همبستگی یا متغیر یا تابع کانونی، بیش از ۹۹ درصد از واریانس  $Y^*$  (کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران) را تبیین می‌کند؛ لذا این بخش نیز تأیید دوباره‌ای بر درستی فرض  $H1$  می‌باشد. ضرایب همبستگی ساختاری<sup>۳</sup> یا همان بارهای کانونی<sup>۴</sup>، عبارت است از همبستگی ساده خطی یک متغیر اصلی (مستقل یا وابسته) با متغیر کانونی متناظرش که می‌توان از آنها به‌عنوان عامل‌های بارگذاری نام برد و این شبیه بارهای عاملی است که در تحلیل عاملی نیز وجود دارد؛ درواقع متغیرهای کانونی استخراج شده از هر مجموعه، همانند عوامل یا متغیرهای پنهان در تحلیل عاملی هستند.

زمانی که محقق با یک متغیر وابسته کمی و مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل سر و کار داشته باشد، می‌تواند برای پیش‌بینی تغییرهای متغیر وابسته، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده کند؛ اما در پژوهش پیش‌رو با مجموعه‌ای از متغیرهای وابسته و مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل سروکار داریم؛ لذا ارتباط میان مؤلفه‌های

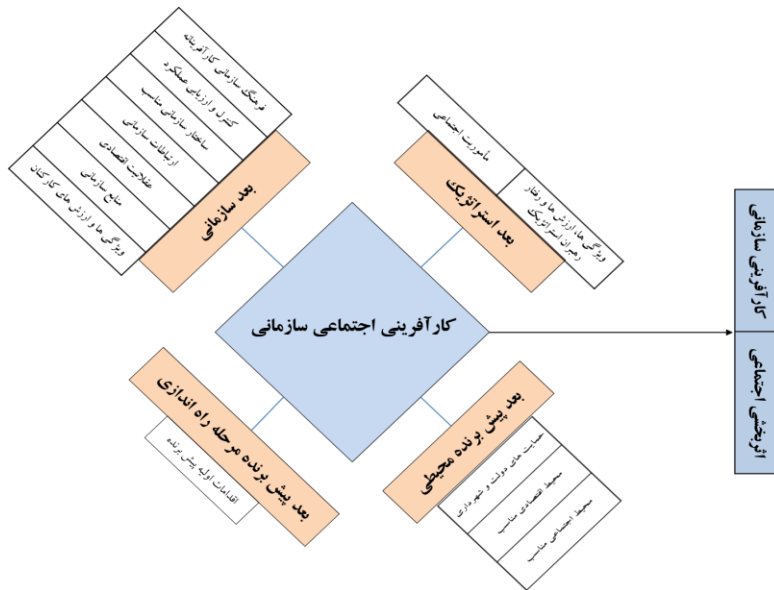
---

1. Canonical root  
2. Eigen Value  
3. Structure Correlation Coefficient  
4. Loading Canonical

کارآفرینی اجتماعی سازمانی به‌عنوان متغیرهای مستقل با مؤلفه‌های اثربخشی اجتماعی و کارآفرینی سازمانی به‌عنوان متغیرهای وابسته از طریق تحلیل همبستگی کانونی (همبستگی بنیادی) مدنظر قرار می‌گیرد.

منطق حاکم بر روش تحلیل همبستگی کانونی (بنیادی)، به‌دست آوردن ترکیب خطی از متغیرهای هر یک از مجموعه‌های  $X^*$  و  $Y^*$  است، به‌طوری‌که همبستگی بین دو ترکیب خطی محاسبه شده یا همان همبستگی کانونی، به حداکثر برسد، اما این روش با به‌دست آوردن فقط یک ترکیب خطی و در ادامه، فقط یک همبستگی کانونی بین مجموعه‌ای از متغیرها به اتمام نمی‌رسد؛ بلکه ممکن است با توجه به متغیرهای مورد استفاده، چندین جفت ترکیب خطی به‌دست آید که هر یک از این ترکیب‌های خطی، همبستگی کانونی<sup>۱</sup> (یا تابع کانونی یا متغیر کانونی<sup>۲</sup> یا بُعد معنی‌دار) مربوط به خود را خواهند داشت؛ یعنی متغیرهای کانونی، ترکیب‌هایی خطی هستند که نماینده جمع بهینه شده دو یا چند متغیرند و درواقع یک نوع از متغیرهای پنهان هستند. به‌بیانی دیگر، یک متغیر کانونی یا همان تابع کانونی، همبستگی یا ارتباط بین دو ترکیب خطی است که یکی از این ترکیب‌های خطی، از مجموعه متغیرهای مستقل و دیگری از مجموعه متغیرهای وابسته حاصل شده است. بنابراین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان ابعاد ۴گانه کارآفرینی اجتماعی سازمانی (سازمانی، راهبردی، پیش‌برنده محیطی و پیش‌برنده راه‌اندازی) و میان تمامی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی، همبستگی وجود دارد. این همبستگی‌ها همگی در سطح ۰,۵ خطا معنادار می‌باشند؛ بنابراین می‌توان تمام این شاخصها را وارد تحلیل همبستگی کانونی (شکل تعمیم یافته رگرسیون خطی) نمود؛ لذا با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل پیشنهادی پژوهش (شامل ۴ بُعد اصلی و ۱۳ مؤلفه) به شکل زیر (نمودار شماره ۱) ارائه می‌شود:

1. Canonical Function  
2. Canonical Variable



نمودار (۱): مدل پیشنهادی پژوهش

## نتیجه‌گیری

اکنون با توجه به یافته‌های حاصل از بررسی تعاریف آورده شده در متون علمی و ادبیات نظری و همچنین اثبات فرضیه‌های پژوهش، می‌توان به تبیین الگوی کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران اقدام نمود. ارائه این تعریف مفهومی، در پاسخ به پرسش‌های آغازین پژوهش است:

بر اساس نتایج سؤال اول این پژوهش (مبنی بر شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران)، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۱۳ مؤلفه شامل «اقدام‌های اولیه پیش‌برنده - فرهنگ سازمانی کارآفرینانه - کنترل و ارزیابی عملکرد - ساختار سازمانی مناسب - ارتباطات سازمانی - عقلانیت اقتصادی - منابع سازمانی - ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار کارکنان - ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار رهبران راهبردی - مأموریت اجتماعی (بیانیه مأموریت) - حمایت‌های دولت و شهرداری - محیط اقتصادی مناسب - محیط اجتماعی مناسب» می‌باشند که با نتایج به‌دست‌آمده از اکثر پژوهش‌های مندرج در جدول شماره ۱ تطبیق دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نتایج مستخرج از آزمون مدل مفهومی پژوهش با نتایج مدل‌های کارآفرینی اجتماعی مرت، ویراواردنا و کارنگی (۲۰۰۳) و الگوی پیشنهادی منوچهر

انصاری (۱۳۸۹) و مدل‌ها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه کارآفرینی سازمانی، از جمله با مدل‌های لامپکین و دس<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، کوراتکو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، آنتونسیک و هیستریچ<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) و الوانی و همکاران (۱۳۹۵) تطبیق دارد.

بنابراین با توجه به نمودار شماره ۱، می‌توان گفت تفاوت مدل این پژوهش با سایر مدل‌های کارآفرینی اجتماعی کارآفرینی سازمانی، این است که محققان برحسب شرایط موجود سازمان‌های ایرانی عمدتاً بر ابعاد زمینه‌ای محیطی و ویژگی‌های فردی تأکید داشته و کمتر بر موضوع نهادینه‌سازی کارآفرینی اجتماعی پرداخته‌اند؛ لذا در بررسی ابعاد کارآفرینی اجتماعی سازمانی در این پژوهش، بر همه ابعاد آن در قالب ابعاد کارآفرینانه و اجتماعی توجه شده است؛ بنابراین در مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های کارآفرینی اجتماعی که در بخش پیشینه پژوهش اشاره شد، می‌توان گفت: افزون بر تأیید کلی الگوهای ارائه شده قبلی، الگوی به‌دست‌آمده، در مدل ما مقولات بیشتر و جامع‌تری به شرح ذیل حاصل شده است:

۱- بعد پیش‌برنده راه‌اندازی که بر مرحله استقرار و توسعه کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی تأکید دارد برای سازمان‌هایی که قصد ورود به کارآفرینی اجتماعی دارند یا به‌تازگی وارد این فرایند شده‌اند، می‌تواند مبنای کار قرار گیرد. این موضوع که در دغدغه‌های پژوهشی محققین نیز کاملاً پیداست، نشانگر آن است که سازمان‌های ایرانی درگیر کارآفرینی اجتماعی، به‌علت بی‌توجهی به اهمیت اقدام‌های این مرحله، عمدتاً در همان ابتدای کار متوقف می‌شوند؛ بنابراین با توجه به محدودیت منابع و افزایش برخی چالش‌های اقتصادی، اندک مؤسساتی که موفق به عبور از مراحل اولیه رشد در کشور شده‌اند؛ بنابراین نیاز به چارچوب و معیارهایی دارند که در راه‌اندازی اولیه و مراحل رشد با کمک آنها بتوانند راهبردهای خود را جهت‌دهی نمایند که این موضوع در مدل این پژوهش در قالب ابعاد چهارگانه (راهبردی، راه‌اندازی، سازمانی و محیطی) لحاظ شده است.

۲- در مدل ارائه شده هم به بُعد سازمانی (درون‌سازمانی) و هم به بُعد محیطی (برون‌سازمانی) توجه شده است. این به این معنی است که مؤسسه‌ها می‌توانند ضمن مدیریت مسائل سازمانی خاص سازمان خود، همزمان به عوامل خارجی نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند و از این طریق همه ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر

1. Lumpkin and Dess

2. Kuratko & et al.

3. Antoncic & Hisrich

نهادینه‌سازی کارآفرین اجتماعی سازمانی را مدیریت و نهادینه نمایند.

۳- از نکات متمایز مدل ارائه شده در این پژوهش اینکه، ضمن شناسایی سازه‌های تشکیل‌دهنده کارآفرینی اجتماعی، اقدام به تلفیق آن با مدل‌های کارآفرینی سازمانی (شرکتی) نموده است که قابلیت اجرایی یافته و در نوع خود نوآوری در ارائه مدل کارآفرینی اجتماعی سازمانی محسوب می‌شود و می‌تواند پایه و بستر ایجاد مدل‌های آتی در آینده باشد.

۴- از طرف دیگر در مدل ارائه شده موضوع و مفهوم کارآفرینی، فرای از گرایش کارآفرینانه (EO) و در قالب کارآفرینی سازمانی نمود یافته است؛ زیرا در این قالب، عمل کارآفرینانه و نتایج بازارمحور مدنظر می‌باشد و می‌تواند در دستیابی به سطح بالاتر عملکرد، رشد و سودآوری سازمانی در کارآفرینی اجتماعی نقش مهمی ایفا نماید.

### پیشنهادها

۱- با توجه به شناسایی بعد راهبردی کارآفرینی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی ایران (در این پژوهش) و قائم به‌فرد بودن جوامع ایرانی، بایستی ریز ابعاد آن یعنی ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتار رهبران راهبردی به‌عنوان یک خصیصه مهم تلقی شده و برای نهادینه‌سازی کارآفرینی اجتماعی سازمانی با پایبندی سازمان به مأموریت اجتماعی یعنی خلق ارزش اجتماعی از طریق توانمندسازی افراد، توسعه گروه هدف و تنوع خدمات اجتماعی اقدام نمود. لازمه این کار این است که با پیاده‌سازی کارآفرینی در سازمان، خلاقیت و نوآوری در سازمان پرورش یابد و مسئولیت‌پذیری برای حل مشکلات سازمان از طریق راه‌حل‌های نوآورانه مورد پذیرش واقع شود.

بدین‌ترتیب سازمان از طریق نهادینه‌سازی کارآفرینی موجبات تحقق راهبردهای متنوع منتج از ابعاد کارآفرینی سازمانی شامل ایجاد مدل‌های کسب‌وکار جدید، فرایندهای داخلی جدید، استفاده از روش‌های جدید برای ارائه محصول یا خدمت، تخصیص بودجه برای میزان مخارج و تسهیلات پژوهش و توسعه بیشتر در جهت معرفی محصولات جدید، استفاده از فناوری‌های نوین، ایجاد کسب‌وکارهای جدید در درون سازمان (تأسیس واحدهای جدید) و بهره‌برداری از بازاهای جدید، تغییر راهبردهای رقابتی برای توانمندی رقابتی، بهسازی مستمر فرایندها، محصولات و خدمات، ابداع برنامه‌های مختلف برای بهبود بهره‌وری واحدها و وجود عملیات مشخص برای افزایش هماهنگی و ارتباط بیشتر آنها، فراهم آمده و بدین‌ترتیب بهبودها و پیشرفت‌های بزرگی در سازمان و نهایتاً توسعه ثروت اجتماعی را شاهد خواهیم بود.

۲- از موضوع‌های مهم در مرحله راه‌اندازی، توجه ویژه به کارگیری درست نیروهایی است که بایستی با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاصی برای این نیروها باشد که زمینه فعالیت و همکاری انسان‌دوستانه را فراهم می‌نماید. از دیگر مواردی که لازم است بنیان‌گذاران مؤسسات اجتماعی در نظر بگیرند این است که بایستی از به کارگیری مؤسس به‌عنوان مدیر مجموعه پرهیز نمایند؛ زیرا به کارگیری مؤسس به‌جای مدیر مجموعه باعث می‌شود که به‌جای بهره‌گیری از ظرفیت ایشان در موضوع‌های کلان، درگیر امور اجرایی جزئی شود. همچنین به بنیان این‌گونه سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود در مرحله ابتدایی کار، به‌جای تمرکز بر نوآوری در ارائه محصولات و خدمات، از راه‌حل‌های تقلیدی بهره‌گیری نماید تا آغاز مناسبی را داشته باشند.

۳- در خصوص بُعد سازمانی، درست است که هدف سازمان‌های اجتماعی کسب سود نیست، اما این به معنی این نیست که این سازمان‌ها دغدغه این موضوع ندارند؛ بلکه هدف اصلی سازمان‌های اجتماعی، به‌ثمر رساندن مأموریت اجتماعی‌شان می‌باشد، اما برای اجرای این مأموریت‌ها نیاز به پشتیبانی‌های مالی دارند؛ زیرا جذب منابع از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی نیز محدود است. لذا لازم هست سازمان‌ها توجه خاصی به ایجاد درآمد برای پشتیبانی طرح‌های اجتماعی خود داشته باشد که این موضوع در قالب کارایی مالی (اقتصادی) بایستی که مورد پیگیری قرار گیرد.

در رابطه با ساختار باید گفت بنگاه‌های اجتماعی غالباً به‌صورت سازمان‌های ترکیبی شکل می‌گیرند که هم خصوصیات غیرانتفاعی دارند و هم برای انجام مأموریت‌محور هستند؛ بنابراین شکل سازمانی این نوع کارآفرینی نیز باید بتواند به‌طور کارآمد منابع را برای دستیابی به مأموریت سازمان بسیج کند و درخصوص فرهنگ سازمانی باید نوآوری، شناسایی و کشف فرصت‌ها، ریسک‌پذیری، پیشگامی، اشتراک دانش و یادگیری سازمانی به‌عنوان ارزش‌های اصلی از طریق اعمال تغییر در سازمان حاکم شود که لازمه آن تشخیص گروه‌های موافق و تأثیرگذار جهت ایجاد هم‌دلی و توافق عمومی برای تغییر و تمرکز بر آموزش و نهادینه‌سازی این ارزش‌ها به‌عنوان جزئی از پروسه تغییر می‌باشد؛ زیرا تأکید بر نوآوری در سازمان، مدیریت تأمین و ارائه خدمت به افراد بیشتر و ارتقا خدمات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به کارگیری دانش حاصل شده در سازمان، یادگیری را به عمل مرتبط کرده و بیانگر پیشرفتی سودمند می‌باشد. با فراهم‌سازی زمینه و توجه بیشتر به مؤلفه‌های سازمانی فوق، می‌توان کارآفرینی را در سازمان‌ها نهادینه کرد، و به اجرای راهبردهای متنوع ابعاد کارآفرینی سازمانی پرداخت.

همچنین با توجه به نقش کلیدی ارتباطات سازمانی، باید گفت ارتباطات درون سازمانی در همه سازمان‌ها به جهت تبادل دانش و تجربیات و جریان نوآوری دارای اهمیت می‌باشد، اما علاوه بر این موضوع ارتباطات برون سازمانی در سازمان‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری دارا می‌باشد؛ زیرا موجب گسترش شبکه‌های اجتماعی با مخاطبان و ایجاد پیوندهای جدید با بازیکنان کلیدی یا با کسانی که دارای منابع و تخصص ارزشمندی هستند می‌شود که می‌تواند به نفع سازمان باشد.

مدیریت منابع (جذب و استفاده بهینه) نقشی تعیین‌کننده در شروع و تداوم فعالیت‌های سازمان‌های اجتماعی دارد؛ زیرا این سازمان‌ها در ازای خدماتی که به مشتریان (گروه‌های نیازمند) ارائه می‌نمایند، هیچ‌گونه وجهی دریافت نمی‌نمایند؛ لذا برای تداوم فعالیت و خدمت‌رسانی، توصیه می‌شود سازمان راهبرد خاصی را برای جذب منابع (دریافت کمک‌های مردمی) در پیش بگیرد. همچنین در مورد عملکرد سازمانی، هیچ سازمانی بدون اندازه‌گیری عملکرد خود قادر به کسب موفقیت نمی‌باشد؛ زیرا تشخیص شرایط مطلوب و حرکت به سمت آن در صورتی که نامعلوم و مبهم باشد امکان‌پذیر نیست. در ضمن وجود آمار و اطلاعات دقیق و به‌هنگام مربوط به عملکرد یک سازمان اجتماعی از قبیل تعداد طرح‌هایی که تأمین مالی شده، تعداد ایده‌های جدیدی که ارائه شده و تعداد خدمات/محصولاتی که معرفی شده، قدرت آن سازمان را در پاسخگویی به ذی‌نفعان و همچنین جذب سرمایه‌گذاران ارتقاء می‌بخشد.

۴- در خصوص بُعد پیش‌برنده محیطی، نکته قابل توجه این است که دولت‌ها بایستی بتوانند زمینه فعالیت سازمان‌های اجتماعی را از طریق حمایت‌های مالی و غیرمالی با شرایط مناسب فراهم نمایند. همچنین دولت‌ها (حکومت‌ها) با تدوین قوانین (به‌ویژه معافیت مالیاتی) می‌تواند زمینه رشد و توسعه فعالیت‌های این‌گونه سازمان‌ها را تسهیل نمایند. محیط اقتصادی مناسب نیز تاحدی در پیشبرد اهداف کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های غیرانتفاعی مؤثر است؛ لذا اینکه دولت‌ها بتوانند یک محیط باثبات و رقابتی در فضای اقتصادی کشور ایجاد کنند. این موضوع هم بر توان سرمایه‌گذاری مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد و همچنین می‌تواند در امکان رقابت موفقیت‌آمیز کسب‌وکارهای این سازمان‌ها تأثیرگذار باشد.

اینکه کارهای عام‌المنفعه از سوی جامعه مورد پذیرش قرار گیرد کار را برای سازمان‌های فعال اجتماعی تسهیل می‌نماید؛ لذا پیشنهاد می‌نمایند دولت‌ها و همچنین سازمان‌های غیردولتی اجتماعی، بخشی از فعالیت‌های خود را بر بهره‌گیری از درون‌مایه‌های فرهنگی جامعه متمرکز نمایند تا به این طریق زمینه مشارکت مردم در این‌گونه فعالیت‌ها فراهم گردد. البته لازمه این کار این است که در وهله اول نسبت به ارتقاء اعتماد در سطح جامعه و سرمایه اجتماعی اقداماتی صورت گیرد.

## فهرست منابع

- ابطحی، سیدحسین؛ شریفزاده، فتاح و ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۸۸). بررسی مفاهیم نظریه‌ها و مدل‌های کارآفرینی و ارائه مدل مفهومی. *مدیریت فرهنگ سازمان*، ساله هشتم، (۲۱)، ۸۲-۱۱۲.
- انصاری، منوچهر؛ احمدپور داریانی، محمود و بهروز آذر، زهرا (۱۳۸۹). ویژگی‌های فردی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی اجتماعی در مؤسسه‌های خیریه استان تهران. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، سال دوم، (۸)، ۳۷-۶۴.
- الوانی، مهدی؛ کهن هوش‌نژاد، رضا؛ صفری، سعید و خدامرادی، سعید (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه صنایع غذایی). *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، سال بیست‌وپنجم، (۸۲)، ۱-۲۷.
- صالحی صدقیانی، جمشید (۱۳۸۹). بررسی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد مشخصه‌های رفتاری. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، سال دوم، (۷)، ۶۷-۹۴.
- مقیمی، سیدمحمد؛ روستا، مریم و حیدری، محمدمهدی (۱۳۸۷). بررسی ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی و اثربخشی عملکرد در سازمان‌های غیردولتی زنان. *مجله علمی پژوهشی مطالعات زنان*، سال اول، (۲).
- Antoncic, B. & Hisrich, R. D. (2004). Corporate Entrepreneurship Contingencies and Organizational Wealth Creation. *The Journal of Management Development*, 23(6), 518-550.
- Austin J. & Reficco E. (2009). *Corporate Social Entrepreneurship*.
- Austin J.; Stevenson H. & Wei-Skillern J. (2006). Social and Commercial Entrepreneurship: Same, Different, or Both? *ENTREPRENEURSHIP THEORY and PRACTICE*. *Baylor University*, 1-22.
- Austin, J. E.; Stevenson, H. & Wei-Skillern, J. (2006). Social and commercial entrepreneurship: Same, different, or both. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30(1), 1-22.
- Covin, J.G. & Slevin, D.P. (1991). A conceptual model of entrepreneurship as firm behavior. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 16(1), 7-25.
- Dees, J.; Gregory, Emerson, Jed & Economy, Peter (2001). *Enterprising Nonprofits: A Toolkit for Social Entrepreneurs*. John Wiley & Sons, Inc.
- Dess, G. G. & Lumpkin, G. T. (2005). The Role of Entrepreneurial Orientation in Stimulating Effective Corporate Entrepreneurship. *The Academy of Management Executive*, 19(1), 147-156.
- Dess, G. G. & Lumpkin, G. T. (2005). The Role of Entrepreneurial Orientation in Stimulating Effective Corporate Entrepreneurship. *The Academy of Management Executive*, 19(1), 147-156.
- Guth, W. D. & Ginsberg, A. (1990). Corporate entrepreneurship. *Strategic Management Journal*. *Special Issue*, (11), 5-15.

- Greico C. (2015). *Conceptualizing Social Entrepreneurship Where We Are and How to*.
- Hadad Shahrazad (2018). *Corporate social entrepreneurship versus social intrapreneurship: same idea. different trajectories?*
- Hazelton & Murray Gillin (2017). *From Compliance Culture in Elder care to Resident Focus Innovation as Social Entrepreneurship-A Global Opportunity*.
- Hemingway C. (2005). *Personal Values as A Catalyst for Corporate Social Entrepreneurship*.
- Jerr Boschee and Jim McClurg (2003). *Towards a Better Understanding of Social Entrepreneurship Some Important Distinctions*.
- Kuratko, D. F.; Ireland, R. D.; Covin, J. G. & Hornsby, J. S. (2005). A model of middle-level managers' entrepreneurial behavior. *Entrepreneurship Theory and Practice*, (29), 699-716.
- Lewis, K. and C. Massey (2003). Youth entrepreneurship. In *Entrepreneurship: New Perspectives in Global Age*, edited by A. de Bruin and A. Dupuis, 206--226. Aldershot: Ashgate.
- Low, M. B. & MacMillan, I. C. (1988). Entrepreneurship: Past research and future challenges. *Journal of Management*, (14), 139-161.
- Mair, J- Robinson, J. & Hockerts, K. (2006). Social Entrepreneurship, chapter 8: Social Entrepreneurship : How Intentions to Create a Social Venture are formed: Johanna Mair and Ernesto Noboa, 121-139.
- Mair, J. & Marti, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of world business*, 41(1), 36-44.
- Moizer, J. & Tracey, P. (2010). Strategy Making in Social Enterprise: the Role of Resource Allocation and its Effects on Organizational Sustainability. *Systems Research and Behavioral Science*, 27(3), 252-565.
- Mort, G. S.; Weerawardena, J. & Carnegie, K. (2003). Social entrepreneurship: Towards conceptualization. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 8(1).
- Moss, T. W.; Short, J. C.; Payne, G. T. & Lumpkin, G. T. (2010). Dual identities in social ventures: An exploratory study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(4), 805-830.
- OECD (2010). *SMEs, Entrepreneurship and Innovation*. [http://rosted.nu/attachments/File/2010/SMEs\\_Entrepreneurship\\_and\\_Innovation\\_2010.pdf](http://rosted.nu/attachments/File/2010/SMEs_Entrepreneurship_and_Innovation_2010.pdf).
- Sakhdari, K. (2016). *Corporate Entrepreneurship: A Review and Future Research Agenda*.
- Robinson, J. & Hockerts, K. (2014). *Social Entrepreneurship*, Palgrave Macmillan. New York, NY.
- Tasavori, M. (2012). *Corporate social entrepreneurship at the bottom of the economic pyramid: antecedents and outcomes in India*. Doctoral thesis, The University of Manchester, UK.
- Thompson, J. L.; Alvy, G. & Lees, A. (2000). Social entrepreneurship: A new look at the people and the potential. *Management Decision*, (38), 328-338.
- Tracey, Paul & Phillips, Nelson (2007). The Distinctive Challenge of

- Educating Social Entrepreneurs: A Postscript and Rejoinder to the Special Issue on Entrepreneurship Education. *Academy of Management Learning & Education*, 6(2), 264-271.
- Trivedi, C. (2010). Toward a Social Ecological Framework for Social Entrepreneurship. *The Journal of Entrepreneurship*, 19(1), 63-80.
- Tucker (2010). *Impact Investment and Alternative Capital Channels: Funding Social Enterprise Success and Scale*.
- Weerawardena, Jay & Mort, Gillian Sullivan (2006). Investigating social entrepreneurship: A multidimensional model. *Journal of World Business*, (41), 21-35, University of Queensland, Australia.
- Zahra, S. A. (1991). Predictors and Financial Outcomes of Corporate Entrepreneurship: An Exploratory Study. *Journal of Business Venturing*, 6(4), 259-285.

## References


- Alwani, Mehdi; Kohnhoshnejad, Reza; Safari, Saeed and Khodamoradi, Saeed (2015). factors affecting organizational entrepreneurship (case study of food industries), scientific-research quarterly of management studies (improvement and transformation), twenty-fifth year, (82), winter 2015- pages 1-27.
- Ansari, Manouchehr, Ahmadvour Dariani, Mahmoud and Zahra Behrouz Azar (2019). personal characteristics affecting the development of social entrepreneurship in charitable institutions of Tehran province, *Entrepreneurship Development Quarterly*, 2nd year, 8th issue, (89), from p. 64-37.
- Antonicic, B. & Hisrich, R. D. (2004). Corporate Entrepreneurship Contingencies and Organizational Wealth Creation. *The Journal of Management Development*, 23(6), 518-550.
- Asadi, Mehri; Razavi, Seyed Mostafa and Farastkhah, Maqsood (2013). social entrepreneurship model in organizing street children, *Entrepreneurship Development Quarterly*, third year, (12), summer, 65-83.
- Austin J, Reficco E. (2009). *Corporate Social Entrepreneurship*.
- Austin J.; Stevenson H.; Wei-Skillern J. (2006). Social and Commercial Entrepreneurship: Same, Different, or Both? *ENTREPRENEURSHIP THEORY and PRACTICE*, Baylor University, 2006 Jan, 1-22.
- Bacq, S. & Janssen, F. (2011). The multiple faces of social entrepreneurship: A review of definitional issues based on geographical and thematic criteria. *Entrepreneurship & Regional Development: An International Journal*, 23(5), 373-403.
- Brooks, A. C. (2009). *Social entrepreneurship: a modern approach to social venture creation*, Pearson education international.
- Dees, J. Gregory, Emerson, Jed and Economy, Peter (2001). *Enterprising Nonprofits: A Toolkit for Social Entrepreneurs*, John Wiley & Sons, Inc.
- Defourny, J. & Nyssens, M. (2013). Social co-operatives: When social enterprises meet the cooperative tradition. *Journal of Entrepreneurial*

- and Organizational Diversity, 2(2), 11-33.
- Dess, G. G. & Lumpkin, G. T. (2005). The Role of Entrepreneurial Orientation in Stimulating Effective Corporate Entrepreneurship. *The Academy of Management Executive*, 19(1), 147-156.
- Gandy, Justin D. (2012). *The Relation Between Social Entrepreneurship And Organizational Effectiveness*, Dallas Baptist University. April, 2012.
- Hadad Shahrazad, Cantaragiu R. (2018). Corporate social entrepreneurship versus social intrapreneurship: same idea, different trajectories?
- Hemingway C. (2005). *Personal Values as A Catalyst for Corporate Social Entrepreneurship*.
- Johnson, S. (2000). Literature review on social entrepreneurship, Canadian Center for Social Entrepreneurship Publisher.
- Jond, Hassan & Zaafarian, Reza (2018). the prospect of realizing organizational social entrepreneurship with a view to the social responsibility of companies based on next generation networks.
- Luke B. & Chu V. (2003). Social enterprise versus social entrepreneurship: An examination of the 'why and 'how' in pursuing social change.
- Miller, T. L. & Wesley, C.L. (2010). Assessing mission and resources for social change: An organizational identity perspective on social venture capitalists' decision criteria. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 705-733.
- Moizer, J. & Tracey, P. (2010). Strategy Making in Social Enterprise: the Role of Resource Allocation and its Effects on Organizational Sustainability. *Systems Research and Behavioral Science*, 27(3), 252-565.
- Mort, G. S.; Weerawardena, J. & Carnegie, K. (2003). Social entrepreneurship: Towards conceptualization", *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 8(1).
- Moss, T. W.; Short, J. C.; Payne, G. T. & Lumpkin, G. T. (2010). Dual identities in social ventures: An exploratory study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(4), 805-830.
- OECD (2010). *SMEs, Entrepreneurship and Innovation*, [http://rosted.nu/attachments/File/2010/SMEs\\_Entrepreneurship\\_and\\_Innovation\\_2010.pdf](http://rosted.nu/attachments/File/2010/SMEs_Entrepreneurship_and_Innovation_2010.pdf).
- Sakhdari, Kamal (2016). Corporate Entrepreneurship: A Review and Future Research Agenda. *Journal of Technology Innovation Management Review* 6(8).
- Salehi Sedekiani, Jamshid (2009). social entrepreneurship investigation with the approach of behavioral characteristics, *Entrepreneurship Development Quarterly*, second year, seventh issue, from pp. 67-94.
- Seelos, C. & J. Mair (2005). Creating new business models to serve the poor. *Business Horizons*, (48), 241-6.
- Seelos, C. & Mair, J. (2005). Social entrepreneurship: Creating new business. *Journal of Business Horizons*, 48(1), pp.241-246.
- Sharir, M. & Lerner, M. (2006). Gauging the success of social ventures initiated by individual social entrepreneurs. *Journal of World Business*, 41(1), 6-20.


- Short, J. C.; Moss, T. W. & Lumpkin, G. T. (2009). Research in social entrepreneurship: past contributions and future opportunities, *Strategic Entrepreneurship Journal*.
- Short, J. C.; Payne, G. T.; Brigham, K.; Lumpkin, G. T. & Broberg, C. (2009). Family firms and entrepreneurial orientation in publicly traded firms: A comparative analysis of the S & P 500. *Family Business Review*, (22), 9-24.
- Simsek, Z. & Heavey, C. (2011). The Mediating Role of Knowledge-Based Capital for Corporate Entrepreneurship Effects on Performance: Study of Small- to Medium-Sized Firms. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 5(1), 81-100.
- Stevens, Robins & et al. (2014). The Social and Economic Mission of Social Enterprises: Dimensions, Measurement, Validation, and Relation, *ENTREPRENEURSHIP THEORY and PRACTICE*, Baylor University, January, 1-32.
- Thompson, J. L.; Alvy, G. & Lees, A. (2000). Social entrepreneurship: A new look at the people and the potential. *Management Decision*, (38), 328-338.
- Tracey, Paul & Phillips, Nelson (2007). The Distinctive Challenge of Educating Social Entrepreneurs: A Postscript and Rejoinder to the Special Issue on Entrepreneurship Education, *Academy of Management Learning & Education*, 6(2), 264-271.
- Trivedi C. & Stokols D. (2011). Social Enterprises and Corporate Enterprises: Fundamental Differences and Defining Features.
- Trivedi, C. (2010). Toward a Social Ecological Framework for Social Entrepreneurship. *The Journal of Entrepreneurship*, 19(1), 63-80.
- Weerawardena, Jay & Mort, Gillian Sullivan (2006). Investigating social entrepreneurship: A multidimensional model, *Journal of World Business*, (41), 21-35, University of Queensland, Australia.
- Whetten, D. A. & Godfrey, P. C. (1998). *Identity in organizations: Building theory, through conversations*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Zahra, S.; Rawhouser, H. N.; Bhawe, N.; Neubaum, D. O. & Hayton, J. C. (2008). Globalization of social entrepreneurship. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 2(2), 117-131.
- Zare, Reza & Safari Dashtaki, Mohammad, Designing and explaining the paradigm model of social entrepreneurship with the approach of empowering women heads of households (Case study: Imam Khomeini Relief Committee (RA) Fars Province), *Women in Development and Politics Quarterly*, Article 8, 17(1), spring 2018, page 147-171.

# خوانش پسااستعماری سفرنامه «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران» مادام کارلاسرنا (مورد مطالعه: شهر رشت)

هادی نوری

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول).  
h.k.noori@gmail.com  0000-0002-3747-917X

معصومه شادمنفعت

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان،  
رشت، ایران.  
shamila.shadmanfaat@gmail.com  0000-0002-0891-307X

## چکیده

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی ماهیت سفرنامه‌نویسی به‌مثابه نوعی دانش مربوط به شرق است. مسئله این است که آیا این دانش سفرنامه‌نویسی از عینیت برخوردار است یا حامل پیش‌داوری‌های نظام‌مند گفتمان شرق‌شناسی است؟ کشف دوگانگی‌ها و تحلیل سلسله‌مراتب حاکم بر آنها مسئله اصلی پژوهش حاضر است. با توجه به کیفی بودن نوع پژوهش، از ادبیات پسااستعماری نه به‌مثابه چهارچوب نظری بلکه برای تفسیر نظری خوانش متن استفاده می‌شود. روش تحقیق واسازی است که بر اساس طبقه‌بندی هشت‌گانه دیوید بوژه انجام می‌گردد. جامعه آماری کتاب سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران مادام کارلاسرنا است و نمونه پژوهش فصل ۵۳ کتاب (روایت از شهر رشت) می‌باشد که به‌شیوه هدفمند انتخاب شده است. نتایج پژوهش حاکی از وجود تقابل‌های دوگانه شرق و غرب در نمونه مورد بررسی و سلسله‌مراتب حاکم بر آنها بر اساس قاعده کلی فرادستی غرب و فرودستی شرق است. باین‌همه، سوبه دیگر و استثنائات موجود در متن موجود امکان نفی پی‌رنگ مسلط هجوآمیز را فراهم می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** شرق‌شناسی، واسازی، پی‌رنگ، استعمار، ایران‌شناسی، سفرنامه، مادام کارلاسرنا.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.380412.1395

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین منابع شناخت ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع، سفرنامه‌ها هستند (میرزایی و پروین، ۱۳۸۲، ص. ۸۰). اغلب جهانگردان پس از اتمام سفر و بازگشت به سرزمین خود، اقدام به نگارش و تفسیر تجارب و خاطرات سفر خویش در قالب سفرنامه می‌کردند که با وجود نواقص و کاستی‌های ساختاری و روشی از اسناد معتبر تاریخی به‌شمار می‌آیند و تصویر روشنی از اوضاع اجتماعی - فرهنگی، آداب و رسوم و سنن ارائه می‌کنند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ص. ۱۲).

سفرنامه‌هایی که از دوران قاجار به‌جا مانده‌اند در مقایسه با سایر سفرنامه‌های درباره ایران، دارای جایگاه برجسته‌تری هستند؛ از این جهت که در دوره قاجار و به پیامد باختر زمین، تغییرهای بنیادینی به‌وقوع پیوست (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴). درواقع ورود نوسازی و فرهنگ اروپایی به ایران در دوره قاجار امکان‌های گوناگونی در عرصه‌های مختلف فراهم کرد (محمدی و یاقوتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). ایران برای بسیاری از این سیاحان، مقصد اصلی و هدف سفر و برای برخی دیگر راهی برای گذر به هند و چین بود؛ براین‌مبنا، سفرنامه‌های اروپایی بی‌شماری - از جمله سفرنامه مورد بررسی در این پژوهش - از دوران قاجار به‌جا مانده که اسناد قابل تأملی برای پژوهش‌های ایران‌شناسی به‌شمار می‌روند (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۵).

ازسویی دیگر گسترش استعمار اروپایی‌ها با آغاز شرق‌شناسی همزمان بود. به‌طوری‌که گفتمانی از دانش شکل‌گرفت که شرق را زیر سایه و آگاهی غرب قرار داده و توصیف می‌کرد. به‌عبارت‌دقیق‌تر، شرق‌شناسی مطالعات مرتبط با زبان‌ها، آداب و رسوم، موقعیت جغرافیایی، مذاهب و مردم‌شناسی شرق را به‌نفع غرب بازنمایی می‌کرد (هال، ۱۳۸۶، ص. ۳۷). درمقابل نیز تلاشی صورت‌گرفت که برای آشکار ساختن و از جا کندن ادعاهای حقیقت (داعیه اروپا مدار) طراحی شده بود و نقد پسااستعماری نام گرفت (پری، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۷). براین‌مبنا دانش نهادینه شده در بستر گفتمان‌های غربی حول محور و تحت سلطه استعمار و جغرافیای سیاسی بود. بدین‌صورت که گفتمان‌های اروپایی - در بافت سفرنامه‌ها - بازنمایی و بازتولید می‌شد.

براین‌اساس، بازسازی شرق بر پایه‌های انگاره‌های غربی در قالب گفتمان (شرق‌شناسی) و با بینشی خودمحور و برتربودگی افراط‌گرایانه شکل گرفت.

از طرفی دیگر، اندیشمندان پسااستعماری به گفتمان شرق‌شناسی واکنش نشان داده و با تحلیل و نقد شرق‌شناسی آن را به‌چالش کشیدند و با آشکار ساختن این مسئله بزرگ که شرق حقیقی به واقع شناخته نشده و همواره نسخه ضعیف و مخدوش از آن به نمایش گذاشته شده است، به مقابله با گفتمان شرق‌شناسی پرداختند. متعاقباً، سفرنامه‌های با محوریت ایران‌شناسی که به‌منزله نخستین اسناد پژوهش‌ها در این زمینه بودند، به‌عنوان قسمتی از طرح وسیع شرق‌شناسی با این چالش مواجه شد که، روایت‌های سفرنامه‌نویسان و سیاحان کم‌ارزش، غیرواقعی و همراه با پیش‌داوری است (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴). به‌عبارت‌بہتر، وجهه‌ای که در سفرنامه‌های خارجی در مورد شرق در مقایسه با غرب به‌چشم می‌خورد، موجد یک بعد آسیب‌شناختی نیز بود (بینشی مبتنی بر سوگیری، یک‌جانبه‌گرایی، خودبرتربینی و سرشار از افراط و تفریط) (میرزایی و پروین، ۱۳۸۲، ص. ۸۰).

مسئله این است که اروپاییان به طرق گوناگون - در این‌جا نگارش جانب‌دارانه سفرنامه - از قبیل غیریت‌سازی، برتربودگی، تک‌محوری، ناهم‌زمان‌سازی و نظایر آن در تلاش برای جداسازی، متفاوت و برتر ساختن غرب از شرق بودند و هدف‌محوریشان از این اقدام‌ها نمایش و ساختن هویت برتر برای غربی‌ها بود. به‌طورکلی در گفتمان شرق‌شناسی هدف اصلی ایجاد تفاوت بین انسان برتر غربی و فرد دون‌مایه شرقی بود (کرانی؛ احمدیان و کریمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۴).

از این‌جهت، توجه به خوانش و گفتمان حاکم بر متون و آثار ادبی دارای نگاه شرق‌شناسانه و حامل گفتمان استعماری ضرورت دارد. واقعیت غیرقابل‌انکار در مورد برخی از روایت‌های سفرنامه‌ها نیز غرض‌ورزی‌ها و پیش‌داوری‌هایی است که در مورد فرهنگ ایرانی و ایرانیان وجود دارد که از طریق تطابق آنها با سایر اسناد و نوشته‌ها، تمیز دادن آنها از واقعیت موجود به‌راحتی قابل درک است " بنابراین، مسئله اصلی پژوهش استخراج دوگانگی‌های شرق و غرب در متن سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان* (۱۸۸۳) کارلا سرنا (۱۸۸۴-۱۸۲۰م) است. کاربست نظریه‌های پسااستعماری و روش‌سازی به فهم این امر کمک می‌کند که بین نگاه از بیرون (بازنمایی شرق‌شناسانه) کارلا سرنا از رشت و نگاه از درون (بازنمایی شرق یک منتقد شرق‌شناسی) چه دوگانگی، سلسله‌مراتب و تفاوت‌هایی وجود دارد. فهم مسئله پژوهش با رجوع به این پرسش اساسی میسر می‌گردد که آیا متن این بخش از سفرنامه دارای دوگانگی‌های شرق و غرب است؟

اهمیت شهر رشت به‌عنوان نمونه انتخابی از سفرنامه کارلا سرنا جهت‌سازی و

ارائه خوانش پسااستعماری در این است که شهر رشت در کنار تبریز و تهران پیشگام مشروطیت بود و زودتر از اکثر شهرهای ایران پذیرای نمادها و نهادهای تجدد را پذیرا شدند (کسروی، ۱۳۵۴؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۳). نخستین قرائت‌خانه‌های ایران در رشت تأسیس گردید (خمامی‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۶۳). رشت پیش‌تاز تأسیس مدرسه پیشرفته، شهرداری، بیمارستان، تلفن‌خانه‌های مرکزی، تلگراف‌خانه، تئاتر، سینما، روزنامه، عکاسی، دبیرستان‌های دخترانه و دیگر مظاهر فرهنگ و تمدن پیشرفته است (فخرائی، ۱۳۵۴، ص. ۳۴۵؛ میرابوالقاسمی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۳؛ سرتیپ‌پور، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۷؛ یوسفدهی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). بنابراین، شهر رشت نمونه مناسب یک محیط فرهنگی متجدد است که واسازی نحوه بازنمایی غربیان از آن می‌تواند بیانگر نحوه برساخت شرق‌شناسانه بخش مهمی از جامعه ایرانی، یعنی مناطق دروازه تجدد به ایران، در دوره معاصر باشد.

وجه راهبردی چنین پژوهش‌های در موضوع هویت قرار دارد. از آنجاکه مسئله هویت در نسبت به بین خود و دیگری شکل می‌گیرد و مبتنی بر یک رابطه متقابل و دوسویه است، از متن چنین خوانش‌هایی می‌توان به نسبت میان دانش و قدرت دست یافت و سازوکارهای سلطه غربی و سوژگی انسان ایرانی برملا کرد. این نکته حایز اهمیت است که سلطه تنها به مقوله اقتصادی یا نظامی منحصر نمی‌گردد بلکه از طریق نوعی «امپریالیسم فرهنگی» و هژمونی فکری میسر و تحکیم می‌شود که خوانش‌های واسازانه رمزگشایی سازوکارهای چنین هژمونی است.

### ۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

این پژوهش با هدف خوانش انتقادی متون غربی و فهم نحوه بازنمایی غرب از شرق (در نمونه مورد بررسی شهر رشت) انجام می‌شود. در راستای این هدف اصلی به دنبال کشف و برملاسازی ساختار پنهان حاکم بر متن، بخش‌های مسلط و به حاشیه رانده شده آن، امکانات متناقض درون به مثابه دریچه بازتاب واقعیت، قواعد و استثنائات و احتمال برساخت معانی تازه نهفته در متن است. براین اساس، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- تقابل‌های دوگانه حاکم بر متن کدامند؟
- ۲- سلسله‌مراتب حاکم بر تقابل‌های دوگانه چگونه است؟
- ۳- صداهای معترض موجود در متن کدام است؟
- ۴- سویه دیگر حاکم بر متن چیست؟

- ۵- پی‌رنگ حاکم بر متن چیست؟
- ۶- قاعده کلی و استثنائات موجود در متن کدامند؟
- ۷- حرف ناگفته‌ای در متن چیست؟
- ۸- دیدگاه جدید ناشی از سازماندهی مجدد متن چیست؟

## ۲. پیشینه پژوهش

شمار کتاب‌های به‌چاپ‌رسیده در مورد سفرنامه‌ها به دو گروه کلی قابل بخش‌بندی است. در گروه اول آثاری که به فهرست‌نگاری توصیفی سفرنامه‌ها (نگاه کلی و فاقد توصیف محتوایی) پرداخته‌اند. آثاری از قبیل «فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران» (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۵)، درمقابل آثاری که بر موضوع‌های ویژه از جمله توصیف یک شهر، فرهنگ و آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی، آیین‌های ملی و مذهبی همچون عید نوروز و مراسم عاشورا متمرکز هستند مانند «کرمانشاهان در سفرنامه سیاحان» (کشاوری، ۱۳۸۳)، «خلقیات ما ایرانیان» (جمال‌زاده، ۱۳۴۵)، «ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه» (جوادی، ۱۳۷۸) و «سفر اروپاییان به ایران» (شیبانی، ۱۳۹۴).

در زمینه تحلیل سفرنامه‌ها نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله مقاله‌های «تحلیل سفرنامه‌های ایرانیان دوره قاجار از کرمانشاه» (کرانی؛ احمدیان و کریمی، ۱۳۹۷)، «شمایل‌شناسی تصویر زن در دوره قاجار با تأکید بر سفرنامه‌ها، نگارگری‌ها و عکس‌های برجای مانده از این دوره» (زارعی و طهماسبی‌زاده، ۱۳۹۷)، «اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها» (شعبانی و جلالی مشایخی، ۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه» (مهماندار، ۱۳۹۱)، «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری» (صوفی و زاور، ۱۳۹۱)، «آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه» (صفری، ۱۳۸۸)، «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری» (کریمی، ۱۳۸۶)، مواردی از این قبیل است.

از آنجایی که در پژوهش حاضر از رویکرد پسااستعماری و روش واسازی استفاده شده است در ادامه مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته بر مبنای رویکرد مذکور خواهیم داشت: «خوانش پسااستعماری خسی در میقات با تکیه بر نظرهای فرانس قانون» (حسنی و مهرکی، ۱۴۰۰)، «خوانش پسااستعماری بازنمایی کردها در

گفتمان شرق‌شناسانه، مورد مطالعه سفرنامه کلودیوس جیمز ریچ» (سجادی، ۱۳۹۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی (واسازی) خودآگاهی زن در جدال با ساختارهای سنتی و پیشرفته در رمان‌های سیمین دانشور» (محمدی و یاقوتی، ۱۳۹۷)، «واسازی روایت، خوانشی از نقاشی‌های هانیبال الخاص» (شیبانی، ۱۳۹۸)، «بایسته‌ها و شرایط کاربست واسازی دریدا در نقد متون، نقد و تحلیل کتاب واسازی متون آل‌احمد» (شاکری، ۱۳۹۷)، «تحلیل منطق واسازانه روایت رستم و سهراب» (اکبری‌زاده، ۱۳۹۶)، «خوانش پسااستعماری رمان جزیره سرگردانی» (حاجتی و رضی، ۱۳۹۵)، «خوانش پسااستعماری تجربه مهاجرت در رمان انگلستان لولیتا اثر واسینی الاعرج از دیدگاه هومی بابا» (فاتحی؛ میرزایی و سن‌سبلی، ۱۳۹۵)، «روایت‌های از یک سازمان پرداز: تحلیلی پسامدرن از دیزنی به‌مثابه یک تامارالند» (بوژه، ۱۳۹۴)، «مطالعات پسااستعماری، تلاش متن‌محور در جهت وارونه‌سازی چشم‌اندازها» (انصاری و درودی، ۱۳۹۳)، «نقد پسااستعماری روایت سریال قهوه تلخ از مدرنیته سیاسی ایرانی: با تأکید بر روش واسازی» (منتظر قائم و غلامی، ۱۳۹۱)، «بررسی جنبه‌های پسااستعماری نمایشنامه جزئیات اثر سوزان گلاسهیل» (مهروند، ۱۳۹۱)، «صوفی شالوده‌شکن؛ غزالی و واسازی عارفانه متن» (تاجیک، ۱۳۹۰)، «واسازی عشق در غزلیات سعدی» (نجومیان، ۱۳۹۰)، «خوانش واسازی، بررسی کتاب ساختارشکنی داگلاس جی. اتکینز» (Lindsay, 1985)، «تحلیل واسازی شخصیت‌ها در فیلم نامه زتوپیا» (Batubara; Nasution & Prata, 2020) و «واسازی به‌عنوان روش نقد فیلم» (Kumar & Shikha, 2018).

با مرور ادبیات مرتبط ارائه‌شده می‌توان مطالعات شرق‌شناسی را به دو دسته مطالعات خارجی (از نگاه بیرون) و مطالعات داخلی (از نگاه درون) تقسیم‌بندی کرد. به‌نظر می‌رسد که پژوهشگران داخلی نیز از گفتمان شرق‌شناسی پیروی کرده و به‌نوعی ناخودآگاه با مرکز قرار دادن خویش اجازه خود روایتی را از فرودستان سلب کرده‌اند. سرزمین ایران به‌جهت موقعیت مکانی، راهبردی و منابع و به‌دلیل پیشینه تاریخی، فرهنگ و تمدن همواره مورد توجه سایر اقوام و ملل به‌ویژه اروپاییان قرار داشته است؛ باوجوداین در زمینه بررسی سفرنامه‌های اروپایی و تحلیل واسازی آنها تحقیق‌های اندکی صورت گرفته، به‌همین دلیل در پژوهش حاضر برآنیم تا به واسازی و خوانش پسااستعماری شهر رشت با در سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های مادام کارلاسرنا* بپردازیم.

### ۳. ملاحظه‌های نظری

رویکرد پسااستعماری متشکل از نظریه‌های مختلفی است که هر کدام، از جنبه‌های مختلف و متعدد به مطالعه استعمار پرداخته‌اند؛ بنا به تقسیم‌بندی سارا میلز (میلز، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵)، این مطالعات در دو دسته کلی جای می‌گیرند: رویکرد اول تحت عنوان «گفتمان استعماری» به بررسی الگوهای گفتمانی شرق‌شناسانه معطوف شده‌اند که فرانتس فانون و ادوارد سعید را می‌توان بنیان‌گذار این رویکرد در نظریه پسااستعماری دانست. از دیگر محققان این دسته می‌توان به لوئیس پرات، رابرت یانگ و پیتر هولم اشاره کرد.

فانون نخستین اندیشمندی است که مسئله «دیگری» را در رابطه میان استعمارگر و استعمارزده مطرح کرد. او در کتاب پوست سیاه، صورتک‌های سفید، متأثر از هگل، وضعیت انسان استعمارزده را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که در جایگاه «دیگری» قادر به ایفای نقش خود نیست (شاهمیری، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۳-۱۱۰؛ گاندی، ۱۳۹۱، ص. ۳۷). فانون استدلال می‌کند که وضعیت استعماری چنان فرد استعمارزده را دربرگرفته که او همیشه در حال مقایسه کردن خود با «دیگری» سفیدپوست است. هر وضعیتی که پیدا می‌کند، بر اساس رابطه پیوستگی و از پادآمدن «دیگری» استوار می‌باشد. من مردی خویش را بر ویرانه‌های اطراف خود بنا می‌کنم (فانون، ۱۳۵۵، ص. ۲۱۹).

ادوارد سعید با دو کتاب شرق‌شناسی (۱۳۹۰) و فرهنگ و امپریالیسم (۱۳۸۲) شناخته می‌شود. از نظر سعید، سلطه استعماری غرب بر شرق از طریق گفتمان‌های هنری، علوم انسانی، علوم اجتماعی و نیز به‌وسیله شکل‌های مستقیم‌تر سلطه، مانند حاکمیت سیاسی و سرکوب نظامی صورت می‌گیرد (مورتون، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۶). بخش بزرگ اندیشمندان، از شاعران و داستان‌نویسان گرفته تا فیلسوفان، نظریه‌پردازان سیاسی، اقتصاددانان، و مدیران بی‌طرف به تفاوت اساسی بین شرق و غرب چونان نقطه آغاز باور دارند (سعید، ۱۳۹۰، ص. ۲۱). محصل شرق‌شناسی است که «عبارت است از نوعی سبک غربی در رابطه با ایجاد سلطه، تجدید ساختار، داشتن آمریت و اقتدار بر شرق» (سعید، ۱۳۸۲، ص. ۱۶).

رویکرد دوم مطالعات پسااستعماری، که باید به‌نوعی نقطه مقابل رویکرد اول تلقی شود، مطالعاتی هستند که بیشتر متأثر از نظریه‌های روان‌کاوی هستند تا نظریه گفتمان و مسئله اصلی آنها بیشتر تأثیر پیروزی‌های استعماری در

ساختارهای اجتماعی و شکل‌بندی‌های گفتمانی فعلی است. اولین سنگ‌بنای شکل‌گیری نظریه پسااستعماری، کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید است و پس از آن اندیشمندانی مانند گایاتری چاکراواتی اسپیواک و هومی بابا در این وادی قدم گذاشتند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۶۷-۶۸).

رویکرد پسااستعماری ضمن پرسشگری درباره هویت و زیر سؤال بردن نگاه مبتنی بر تقابل خودی و دیگری، معتقد به نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی با تأکید بر هویت سیال چندلایه و تغییرپذیر است. در این میان بر فضاهای بینابینی، بینامتنی و بینادهنیت‌ها تأکید می‌ورزد و نوعی دانش میان‌رشته‌ای را با آمیختگی نگاه‌های مختلف بنیان می‌نهد (دهشیری، ۱۳۹۰، ص. ۸۶).

رویکرد اسپیواک در مطالعات پسااستعماری متمرکز به خوانشی جدید از گروه‌های به حاشیه رانده شده با زمینه‌ای عمدتاً فمینیستی است و در وادی به چالش کشیدن ساختارهای سلطه به فاعلیت‌بخشی اقشار در حاشیه و فرودست توجه ویژه‌ای دارد (تسلیمی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۵). اسپیواک خواهان به گوش رساندن صداهای خاموش و به حاشیه رانده شده است که از متون استعماری حذف شده‌اند؛ در واقع همان: صدای سوژه عامی استعمارزده و بومی فرودست (میلز، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۳). او در این زمینه بر روی تجربه‌های تاریخی زنان فرودست متمرکز می‌شود و به اثبات محدودیت کاربرد نظریه‌های اروپایی در بازنمایی زندگی و تاریخ زنان جهان سوم می‌پردازد (مورتون، ۱۳۹۲، ص. ۹۶).

هومی بابا در کتاب *موقعیت فرهنگ* (۱۹۹۴) می‌گوید: «نقد پسااستعماری، ناظر بر نیروهای نابرابر و ناهمسان از بازنمایی فرهنگی است که در به‌دست آوردن اقتدار سیاسی و اجتماعی در چهارچوب نظم جهان جدید، در حال رقابت هستند» (Bhabha, 1994, p. 171). او بر خلاف دیگر اندیشمندان استعمارگرا باور دارد که استعمارزده همیشه دیگری نیست و دارای فضایی است که می‌تواند عقیده و تمایلات خود را به سبک خود و در قالب واژگان دلخواه به غیر و دیگری بیان دارد (گانندی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۴). هومی بابا تقابل‌های برساخته از شرق و غرب و سیاه و سفید را رنگ باخته می‌داند و با طرح ایده پیوندخوردگی بر سیالیت و تفاوت فرهنگ‌ها تأکید می‌کند که در آن مرزبندی سنتی میان فرهنگ‌ها برداشته شده و تعامل بین فرهنگ‌ها حاکم است. ایده‌ای که در آن تمام هویت‌هایی که در بستر تاریخ حاشیه‌نشین شده‌اند جایگاه خود را دارند و چیز دیگری به نام فرهنگ غالب و مغلوب معنا ندارد (مورگیلبرت، ۱۳۸۶، صص. ۵۳-۵۴). هومی بابا توجه را به آنچه در خط مرزی بین این فرهنگ‌ها

است بینابین یا آستانه جلب می‌کند. بینابین و آستانه همانند راه پله‌ای است که مفهوم هویت در درون آن در حال حرکت بین بالا و پایین، نژاد و رنگین‌پوست و سفید است (Bhabha, 1994, p. 5). فضای آستانه‌ای پلکانی میان قلمروهای بالا و پایین است که از دوقطبی شدن هویت‌ها جلوگیری می‌کند؛ لذا گفتمان پسااستعماری، خود در فضایی آستانه‌ای ساکن است (Ashcroft, 2007, p. 118).

در مجموع، خوانش پسااستعماری نوعی از ادبیات است که بر گفتمان استعماری استوار بوده و مخاطره‌ها و پیامدهای استعمار را در نظر می‌گیرد و نسبت به آن حالت تدافعی داشته و واکنش نشان می‌دهد. از آنجاکه روش پژوهش حاضر از نوع کیفی است کاربست نظریه‌های پسااستعماری در این پژوهش نه‌به‌مثابه چهارچوب نظری، بلکه برای تفسیر نظری خوانش واسازی صورت می‌گیرد.

#### ۴. روش پژوهش

واسازی اصطلاحی است که دریدا ابداع کرد. در واقع Deconstruction در فارسی دارای معادل‌هایی همچون بنیان‌فکنی، شالوده‌شکنی، ساخت‌شکنی، واسازی می‌باشد که مقصود از آن روش خاصی از خوانش متن است و هدفش متزلزل ساختن کانون یا مرکز متن بر پایه عناصر معنا شناختی برگرفته از پیرامون آن می‌باشد. به باور دریدا، رویکرد ساختاری مانعی برای بازی متن محسوب شده و هیچ متنی دارای ساختار منسجم نبوده و همواره از منظر معنای ساختاری با خود در تناقض می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، خالقان معنا، مؤلف و یا خواننده نیستند؛ بلکه یک متن امکان‌های متناقض و بی‌شماری را جهت تفسیر و معنا خلق می‌کند و در این بین پروسه مرگ مؤلف تکمیل می‌گردد. در نگاه دریدا، واسازی به‌واقع بیش از آنکه یک روش پژوهش باشد نوعی تحلیل محسوب می‌گردد که هدف آن معنازدایی از متن و در پی آن روشن ساختن ظرفیت درونی متن است (دریدا و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۳۱). او واسازی را یک فلسفه یا یک مرحله منظم نمی‌داند؛ بلکه معتقد است واسازی رخ می‌دهد و به عبارت بهتر، واسازی به مانند آن‌تروپی می‌ماند که تماماً ما را احاطه می‌کند (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۸۲).

با وجود انکار دریدا مبنی بر روش بودن واسازی، برخی از دریدایی‌ها مانند دیوید بوژه نظام‌مندسازی واسازی و استفاده از واسازی به‌عنوان یک راهبرد برای نقد روایت گرفته‌اند. واسازی درواقع کشف روابط بین دوگانگی‌های درون روایت‌هاست و در زمان استفاده از این روش دقت و احتیاط ضروری است. دیوید بوژه واسازی را نوعی

تحلیل انتقادی پسامدرن در نظر می‌گیرد و الگویی هشت مرحله‌ای برای نقد و اسازی طراحی می‌کند (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶).

#### ۴-۱. الگوی هشت مرحله‌ای و اسازی

##### ۴-۱-۱. جستجوی دوگانگی

در ابتدا باید فهرستی از مفاهیم دو وجهی و تعابیر دو قطبی که توسط روای در متن داستان به کار گرفته شده است تهیه کنیم (این امر شامل مفاهیمی که تنها به یک جنبه آنها اشاره شده نیز می‌گردد)؛ به‌عنوان نمونه در داستان‌هایی که مردم‌محورند، مردان در مرکز و زنان (دیگری) در حاشیه هستند و اشاره به اصطلاحی مشخص برای جفت آنها صدق می‌کند.

##### ۴-۱-۲. باز تفسیر سلسله‌مراتب

در این مرحله نگاه به داستان سلسله‌مراتبی است، به‌عبارت‌بهرتر، بررسی یک روایت یا سلسله‌مراتبی از یک رویداد از نظرگاه ویژه می‌باشد. درواقع داستان عموماً دارای اشکالی از تفکر سلسله‌مراتبی است که در اینجا می‌بایست برتری یکی از مفاهیم دوگانه بر دیگری تحلیل و باز تفسیر شود.

##### ۴-۱-۳. صداهای واکنشی (یاغی)

در مرحله سوم از و اسازی نفی اقتدار تک‌صدایی صورت می‌گیرد، مراکز روایی طرد و به‌حاشیه رانده می‌شوند و درواقع کشف صداهای ابراز نشده و خاموش مورد توجه است. در اینجا ما به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که: صداهای فرودست کدامند؟ کدام صداهای خاموش مانده و در مقایسه با صداهای دیگر سلسله‌مراتبی‌اند؟

##### ۴-۱-۴. شناسایی سویه دیگر داستان

داستان‌ها دارای نظم یکسان نبوده و سویه‌های مختلفی دارند. در مرحله چهارم به‌دنبال آنیم که دریابیم سویه دیگر داستان (معمولاً طرد شده، مکتوم و حاشیه‌ای) چگونه است؟ در اینجا وارونه‌سازی حکایت رخ می‌دهد (به کنترل درآوردن حاشیه، سرورته‌کردن، از مراحل پسین به مراحل پیشین رفتن).

#### ۴-۱-۵. نفی پیرنگ

داستان‌ها دارای پیرنگ، خط سیر، متن، سناریو، نحوه اجرا و چهارچوبی هستند در اینجا می‌خواهیم آنها را باسازی کنیم؛ به‌عنوان نمونه اگر حکایت هجوآمیز است آن را به‌صورت عاشقانه بازتفسیر کنیم.

#### ۴-۱-۶. یافتن استثناء

برای یافتن استثنا در حکایت باید منطق حاکم بر داستان را کشف کرده و حتی گاهی اصول و قواعد را نادیده بگیریم، درواقع هر استثنا در حکایت به‌نحوی که افراطی و عبث به‌نظر برسد، بیان می‌گردد.

#### ۴-۱-۷. ردگیری بین خطوط

در مرحله هفتم به‌دنبال کشف آنچه که در حکایت بیان نشده هستیم و با پُر کردن جاهای خالی و علائم راهنما هر آنچه که برای تکمیل حکایت لازم است را اضافه می‌کنیم.

#### ۴-۱-۸. بازسازی مجدد متن

هدف از اجرای مراحل یک تا هفت و اسازی، رسیدن به نگاهی نو است. دیدگاه جدید (با وجود دوگانه‌گرایی‌هایش، صداها یا خاموشش یا نظرگاه خاصش) موجب ساماندهی مجدد حکایت می‌گردد و بازتفسیر حکایت موجب تغییر دوگانگی و حاشیه‌ها می‌شود. درواقع ما حکایت را بازتفسیر می‌کنیم تا کنش‌های جدید نوشته شود و مرکزی وجود نداشته باشد (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۸۳).

#### ۴-۲. جامعه آماری، نمونه پژوهش و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کتاب سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران اثر مادام کارلاسرنا سیاح زن ایتالیایی است که در سال ۱۸۸۳ در پاریس منتشر شده و شامل ۵۷ فصل است. نمونه پژوهش فصل ۵۳ (مربوط به روایت از شهر رشت) است و شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند است، نمونه مورد نظر به‌علت تناسب با هدف پژوهش و بر اساس این مسئله انتخاب شد که به‌نوعی دروازه تجدد به جامعه ایران و پذیرای مظاهر تمدن نوین بود؛ لذا با استفاده از تحلیل و اسازی در سال ۱۴۰۱ به تحلیل آن فصل پرداخته می‌شود.

## ۳-۴. شرح کوتاه سفرنامه

سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران اثر مادام کارلاسرانا است. فصل مورد بررسی که درباره شهر رشت شامل بخش‌های مختلف وقوع طاعون در رشت، نحوه تدفین طاعون‌زده‌ها، سنگسار زنی زناکار، معماری خانه‌های رشت، مدرسه‌های رشت، موقعیت شهر، محصولات، طبیعت و درختان است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

## ۵-۱. یافتن تقابل‌های دوتایی

جدول (۱): تقابل‌های دوتایی یافت شده از سفرنامه

بازار سنتی	بازار سرمایه‌داری
معماری ایرانی	معماری اروپایی
ایرانی بی‌سروپا	اروپایی متشخص
قافله‌سالار ایرانی	قافله‌سالار ارمنی
پزشکان اروپایی	پزشکان ایرانی
مذهب	علم
ذائقه ایرانی	ذائقه اروپایی
دولت لایق	دولت نالایق
زن ایرانی	مرد ایرانی
نحوه محاسبه ایرانیان	نحوه محاسبه اروپاییان
دختران فقیر	دختران ثروتمند
دختران باسواد	دختران بی‌سواد
ملا	مرید
سید	عامی
میرزا	امی
تکیه‌های پایتخت	تکیه‌های محلی
عقلانیت	عدم عقلانیت
مردم استان گیلان	مردم ایران

## ۵-۲. بازتفسیر سلسله‌مراتب تقابل‌ها

**بازار سنتی / بازار سرمایه‌داری:** گزارش راوی سفرنامه از شهر رشت با تفاسیر مربوط به مکان‌ها از جمله بازار آغاز می‌شود. وی حال‌وهوای بازار محلی را متفاوت با بازارهای اروپایی توصیف کرده و از آن تحت عنوان بازار آسیایی (کم‌ارزش) یاد می‌کند که سبک و سیاق و محصولات متفاوتهای از بازارهای اروپایی دارد. این نگاه که ناشی از به‌رسمیت نشناختن تفاوت‌های اجتماعی دو ساحت تمدنی است به توصیف سلسله‌مراتبی ختم می‌شود که در آن تقابل بر اساس فرادستی بازار سرمایه‌داری بر فرودستی بازار سنتی است.

**معماری ایرانی / معماری اروپایی:** در جریان توصیف‌ها، رشت بیش از آنکه منظره یک شهر را داشته باشد؛ درحقیقت وضع و منظره دهکده بزرگی را دارد. از نگاه راوی خانه‌های با بام‌های شیب‌دار و پوشیده از سفال، بیشتر شبیه به ساختمان‌های اروپایی هستند تا ایرانی. با این اوصاف معماری اروپایی که در اینجا معماری خانه‌های رشت بدان شباهت دارد درمقابل معماری ایرانی قرار می‌گیرد. بازهم تفاوت‌های دو ساحت تمدنی نادیده گرفته می‌شود و با نگاهی یک‌جانبه‌انگار زمینه‌ساز تشکیل سلسله‌مراتبی بر مبنای تقابل فرادستی معماری اروپایی بر فرودستی معماری ایرانی فراهم می‌گردد.

**ایرانی بی‌سروپا / اروپایی متشخص:** مادام کارلاسرنا در این سفرنامه اشاره می‌کند که وی (اروپایی متشخص، یا همان دیگری) به محض ورود به شهر رشت، از طرف عده زیادی افراد بی‌سروپا (غیر، ایرانی و یا شرقی) احاطه شد. از این توصیف جانب‌دارانه، نگاه از بالا به پایین و برتر بودگی قابل‌رویت است که در آن نویسنده به شکلی آشکار در مسیر فرودست‌سازی انسانی ایرانی و در نتیجه خاموش‌سازی صدای او به‌نفع فرادست‌سازی جهان غربی است؛ بنابراین سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی فرد اروپایی بر فرودستی فرد ایرانی است.

**قافله‌سالار ایرانی / قافله‌سالار ارمنی:** در بخشی از متن اشاره می‌شود که سیاحان زمانی که قافله‌سالار ایرانی (شرقی) سفرشان را هدایت می‌کرد، برایشان ناراحت‌کننده و پُردردسر بود، درمقابل در زمان عزیمت به رشت که قافله‌سالارشان یک ارمنی (غربی) بود، از آن شخص به‌نیک‌ی یاد کرده و وی را ارمنی خوب و دوست‌داشتنی خطاب می‌کردند. بدین ترتیب، سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی قافله‌سالار ارمنی بر فرودستی قافله‌سالار ایرانی است.

**پزشکان ایرانی / پزشکان اروپایی:** در زمان نگارش این سفرنامه، طاعون در رشت شیوع داشت و بی‌داد می‌کرد، تقابل تشخیص پزشکان اروپایی (طاعون) و پزشکان ایرانی (یک مرض بومی) در مورد این بیماری قابل تأمل است. کارلاسرنا نظر پزشکان اروپایی را کاملاً صحیح می‌داند و می‌گوید با توجه به شیوع طاعون در ماه آوریل در رشت، پزشکان اروپایی توانسته بودند این بیماری به‌شدت مسری را تشخیص دهند، اما پزشکان ایرانی با آنها هم‌عقیده نبودند؛ بنابراین سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی پزشکان اروپایی بر فرودستی پزشکان ایرانی است.

**مذهب / علم:** به بیان راوی سفرنامه، به تشخیص پزشکان و نگاه علمی طاعون مسری بوده و باید از مناطقی که این بیماری در آنجا بیشتر شیوع داشت دوری می‌شد، اما نویسنده می‌گوید اعتقادات و مذهب در مقابل این تفکر علمی قرار گرفت و باعث شد بیماری به‌سرعت در رشت و اطراف آن شایع شود، به‌ویژه در جاهایی که امامزاده وجود داشت و مردم برای از بین بردن بیماری به دعا و زیارت در آنجا متوسل می‌شدند، میزان «تلفات بیماری بیش از جاهای دیگر بود». نکته این است که کارلاسرنا با نادیده انگاشتن تفاوت بافت اجتماعی و فرهنگی به نتیجه‌گیری تقابل مذهب و علم/ شرق و غرب می‌رسد و سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی علم بر فرودستی مذهب قرار می‌گیرد.

**ذائقه ایرانی / ذائقه اروپایی:** بر طبق گزارش‌های سفرنامه موضوع تعجب‌آور از دید راوی این بود که حتی یک ارمنی یا اروپایی از طاعون صدمه ندید و در اینجا به برتری بخشیدن نوع ذائقه و مصرف خوراک اروپایی‌ها در مقابل ایرانی‌ها اشاره شد: «علت عمده عدم آسیب طاعون به اروپایی‌ها ممکن است مربوط به رژیم غذایی آنها باشد. چون غذای اصلی ایرانیان را برنج، ماهی نمک‌سود، میوه و سبزی‌های خام تشکیل می‌دهد. درحالی‌که غذای اروپایی‌ها از لحاظ موارد مورد نیاز بدن، کامل‌تر و سالم‌تر است». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی ذائقه اروپایی بر فرودستی ذائقه ایرانی است و به‌شکلی آشکار نوعی ذات‌انگاری به مبنای خودبرترپنداری غرب از هر جهت حتی در تغذیه منتهی می‌گردد.

**دولت لایق / دولت نالایق:** مادام کارلاسرنا به‌عنوان یک اروپایی، عدم تشخیص تعداد قطعی تلفات بیماری را، نالایقی دولت ایرانی می‌داند؛ چون از طرف دولت قانونی مبنی بر ثبت اسامی و مشخصات فوت‌شدگان وجود ندارد. درجایی دیگر می‌گوید در ایران تصمیم‌هایی که از طرف دولت گرفته می‌شود فقط بر روی کاغذ

ارزش دارد و به مرحله اجرا در نمی‌آید. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی دولت اروپایی بر فرودستی دولت ایرانی است.

**زن ایرانی/ مرد ایرانی:** این تقابل بین زن و مرد در ماجرای سنگ‌سار یک زن که توسط راوی سفرنامه گزارش شده، مشهود است. تفسیر مادام کارلاسرنا از واقعه برتری مرد بر زن، تهمت زدن نابه‌جا به یک زن بی‌گناه و توجیه آن از نگاه مردسالارانه و مذهبی در جامعه ایران آن‌زمان است. وی می‌گوید هنگام سنگ‌سار آن زن تمام اروپاییان از جمله خودش مات و مبهوت بوده و این صحنه را تأسفبار و گوشه‌ای از آیین مردسالارانه و مذهبی کشور ایران قلمداد می‌کند. نویسنده غربی در روایت این واقعه تنها به شکل رویداد توجه دارد و بر مبنای اندیشه غربی به روایت قانون یا رسم شرقی می‌پردازد و از دل آن سلسله‌مراتب تقابل بر اساس فرادستی مرد ایرانی بر فرودستی زن ایرانی نتیجه می‌گیرد. در حالی که اگر از منظر فرهنگ شرق یا ایران به رویداد می‌نگریست، می‌توانست به این نتیجه برسد که مجازات هر عملی بسته به خاص‌بودگی فرهنگی متفاوت خواهد بود و درک فرهنگی متفاوتی می‌طلبد.

**نحوه محاسبه ایرانیان / نحوه محاسبه اروپاییان:** نحوه محاسبه ایرانیان که در آن زمان با حروف انجام می‌شد در مقابل نحوه محاسبه اروپاییان که با عدد بود، قرار می‌گیرد: «برای حساب کردن ایرانی‌ها به جای اعداد از علائم استفاده می‌کنند. برای بیان شماره نیز آنها حروف الفبا را به کار می‌برند؛ مثلاً در کلمه رشت حرف ر یعنی ۲۰۰، حرف ش یعنی ۳۰۰ و حرف ت نشان‌دهنده رقم ۴۰۰ است. می‌گویند حاصل جمع این اعداد، تاریخ بنای شهر رشت را به تاریخ هجری به دست می‌دهد». سلسله مراتب این تقابل بر اساس فرادستی محاسبه اروپایی بر فرودستی محاسبه ایرانی است.

**دختران فقیر / دختران ثروتمند:** در تفسیر متن، دختران ثروتمند علاوه بر یادگیری دانش در مقابل دختران فقیر، نواختن ساز موسیقی یا خواندن آواز را هم آموزش می‌بینند. سلسله‌مراتب این تقابل مبتنی بر فرادستی دختران ثروتمند بر فرودستی دختران فقیر است.

**دختران باسواد / بی‌سواد:** دختران باسواد و تحصیل‌کرده در مقابل دختران بی‌سواد به حفظ اشعاری شاعران ملی مانند سعدی و حافظ می‌پردازند که برخی بیت‌های آن نزد همه به ضرب‌المثل تبدیل شده است. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی دختران باسواد بر فرودستی دختران بی‌سواد است.

**ملا / مرید:** بر طبق گزارش‌ها در بحث آموزش، برتری ملا بر مریدان خود (شاگردان) وجود است. به نحوی که ملا در مکتب‌خانه‌ها روی زمین می‌نشیند و دختران و پسران به‌شکلی مختلط دور او گرد می‌آیند و وی در مرکز توجه قرار می‌گیرد. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی ملا بر فرودستی مرید است.

**سید / عامی:** به‌گفته مادام کارلاسرنا در رشت آن‌زمان نوعی برتری افراد سید (فرزندان روحانیون) نسبت به افراد عادی وجود داشت. به‌نحوی که سید بودن و فرزند روحانی بودن نسبت به سایرین دارای امتیاز بود: «مدرسه‌هایی در رشت وجود داشت که به‌طور معمول فرزندان ملاها در آن تحصیل می‌کردند، تا حرفه پرسود ملایی از پدر به فرزند منتقل شود. برخی از آنها (سید) یعنی از اعقاب پیامبر هستند». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی سید بر فرودستی عامی است.

**میرزا / امی:** طبق مستندات سفرنامه در آن زمان یک‌سری افراد که داعیه باسوادی داشتند خود را برتر از سایر افراد بی‌سواد قلمداد می‌کردند. آنها در ابتدای نام خویش کلمه «میرزا» را یدک می‌کشیدند تا برتری خود را نسبت به افراد امی نمایش دهند. به باور مادام کارلاسرنا این افراد که خود را میرزا معرفی می‌کردند از نظر اطلاعات عمومی در زمینه تاریخ و جغرافی و مسائل دیگر حتی از معلومات یک شاگرد مدرسه ابتدایی معمولی اروپایی هم کمتر بودند. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی میرزا بر فرودستی امی است.

**تکیه‌های پایتخت / تکیه‌های محلی:** در متن سفرنامه در تفسیر تکیه‌های عزاداری نوعی تقابل دیده می‌شود: «بازیگران، نوحه‌خوانان، ساززن‌ها، آرایش صحنه‌ها، لباس‌ها به‌کلی رنگ و بوی محلی داشت و از آن زرق‌وبرق و جاه‌وجلال و تکیه‌های پایتخت، دیگر خبری نبود». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی تکیه‌های پایتخت بر فرودستی تکیه‌های محلی است.

**عقلانیت / عدم عقلانیت:** کارلاسرنا با نگاهی غربی و توأم با عقلانیت مناسک و مراسم مذهبی ایرانیان را در سفرش به رشت به تصویر می‌کشد. این نگاه بیانگر عدم عقلانیت شرقی (مناسک مذهبی) است که درمقابل عقلانیت غربی قرار می‌گیرد. او از ملایی سخن می‌گوید که در هنگام موعظه بالای منبر خود به مؤمنان عنوان می‌کند: «کسانی که در دل خود احساس اشک و اندوه نکنند، شایسته حضور در چنین مجالس مذهبی و مراسم مقدسی نیستند. همین جمله برای سرازیر شدن سیل اشک از چشم‌ها کافی بود. این اندوه و تأثر به هر شکل که ظاهر گردد، آدم نمی‌تواند از

خوش‌باوری و ساده‌لوحی حاضران مجلس تعجب نکند». توصیف سرنا مجدد بر مبنای اندیشه ذات‌انگار صورت می‌گیرد. غرب عاقل در برابر شرق احساسی حکایت از مرکزگرایی حاکم بر متن است که در آن غرب مرکز و محور جهان قرار می‌گیرد و همه اندیشه و مناسک دیگر به‌عنوان غیر به‌حاشیه رانده شده و از رسمیت می‌افتند. در نتیجه سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی عقلانیت بر فرودستی عدم عقلانیت است.

**مردم/استان گیلان / مردم ایران:** مادام کارلاسرنا در ستایش مردم رشت آنها را در تقابل با سایر مردم ایران توصیف می‌کند: «مردم استان گیلان از جهت مهربانی و ملامت که در ظاهرشان نیز پیداست، با ویژگی‌های اخلاقی دیگر ایرانیان تفاوت زیادی دارند. آنها با لهجه خاصی صحبت می‌کنند، که ویژه خودشان است و در گوش طنین بسیار خوش‌آیندی دارد». لحن و محتوای توصیف نویسنده نشانه غفلت از تفاوت فرهنگی و جغرافیایی درون سرزمینی است و لذا بر اساس همان اندیشه مرکزگرا به سلسله‌مراتب فرادستی مردم گیلان بر فرودستی مردم ایران می‌رسد.

### ۳-۵. صداهای معترض (یاغی)

اصلی‌ترین صدای معترض و فرودست در این بخش از سفرنامه را می‌توان صدای زنان دانست؛ توصیف کارلاسرنا به‌گونه‌ای است که انگار زنان در مقابل مردان به‌حاشیه رانده شده‌اند. او در روایت خود از سنگ‌سار یک زن توسط مردان (به‌ویژه ملای محل) آن زن را فرد مظلومی به‌نمایش می‌کشد که از طرف مردان در مظان اتهام رابطه نامشروع قرار گرفته و نمی‌تواند از خود دفاع کند. مثال دیگر تقلای افراد برای به‌جا آوردن مناسک دینی (در نقش فرودست) است که انگار با دغل‌بازی و حيله‌گیری بر آنها اعمال می‌شود؛ باین‌همه، صدای اعتراض آنها در خط سیر داستان خاموش می‌ماند. همچنین اقوام جنازه‌هایی که بر اثر طاعون در قبرهایی قرار گرفتند که با آهک و مواد شیمیایی پُر شد؛ درحالی‌که حتی یک نفر از مرده‌شورها با شستن جنازه‌ها به این بیماری مبتلا نشدند.

### ۴-۵. سوبیه دیگر روایت

اصلی‌ترین پیش‌فرض و اساسی رخدادهای آن در متن و عدم تحمیل چیزی بر متن است. در متن سفرنامه مادام کارلاسرنا نیز می‌توان به مواردی از و اساسی در خود متن اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال در جایی از متن راوی مردم شهر رشت را (به‌دلیل بالا بودن تعداد

مدارس) اهل آموزش و یادگیری توصیف می‌کند، درحالی‌که رویکرد کلی روایت نقد شیوه آموزش و کیفیت تحصیلی در شرق است. نمونه دیگر ستایش راوی از خصوصیات اخلاقی گیلانیان در انتهای متن است که با گفتمان و روایت مرکزی داستان از ابتدا و در طول متن متناقض بوده و کاملاً وارونه است؛ زیرا همواره شرقی‌ها در کل متن با خصوصیات هم‌چون افراد بی‌سروپا، غیرعقلانی، ساده‌لوح و منفعل مورد نقد قرار گرفته بودند. بر مبنای مصداق‌های واسازی در خود متن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فهم بهتر نسبت به هر موضوعی با فراغت از نگاه مسلط امکان‌پذیر است.

### ۵-۵. نفی پی‌رنگ

پی‌رنگ یا نقشه داستان در این بخش از سفرنامه دارای ساختار، چهارچوب و نظم و ترتیب منطقی حوادث است. نقل وقایع سفرنامه آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان بر اساس توالی زمانی منظم و علیت بازگو شده است؛ به‌عنوان مثال شیوع بیماری طاعون در رشت آن زمان مورد توصیف و همچنین علت مرگ افراد، چگونگی شیوع بیماری و تلفات و پیامدهایی که به‌همراه داشت بر اساس توالی زمانی و چرایی مورد واکاوی قرار گرفته است. بر طبق تعریف پی‌رنگ از ارسطو، در این بخش از سفرنامه نیز ساختار اصلی دارای سه بخش است. آغاز روایت که در پی حادثه دیگری نیامده (توصیف مناظر شهر، ویژگی‌های مکانی و...)، میانه که هم به‌دنبال رویدادهایی آمده و هم با رویدادهای دیگر دنبال می‌شود (وقوع طاعون و به‌دنبال آن مرگ‌ومیر افراد، موضوع سنگ‌سار یک زن و...)، و بخش پایان که نتیجه طبیعی و منطقی رویدادهای پیشین است. بر اساس پی‌رنگ این سفرنامه اگر رویدادی از آن حذف یا جابه‌جا شود، وحدت آن به‌کلی به‌هم می‌ریزد.

این متن در ابعاد مختلف دارای پی‌رنگ‌های فرعی نیز می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در بخش بازگو کردن مناسک مذهبی (تعزیه‌خوانی) پی‌رنگ روایت آبرونی یا هجوآمیز است و نویسنده حاضرین جمع را که تحت تأثیر ملا تمام داراییشان را می‌بخشند خوش‌باور و ساده‌لوح خطاب کرده که گویی هرگز نمی‌توانند از این ظلمت و حیل‌گری اعمال‌شده آگاه و رهایی یابند. حال اگر این روایت به‌صورت عاشقانه تعریف می‌شد به شکل درامی بود که افراد فرودست از طریق دستیابی به آگاهی تحت سلطه قرار نمی‌گرفتند و به بخشیدن اموال خود تن نمی‌دادند و سویه روایت به‌کل تغییر می‌کرد.

همچنین در مورد سنگ‌سار زن نیز پی‌رنگ داستان حالت هجوآمیز به خود می‌گیرد. نویسنده از این حادثه به‌عنوان واقعه‌ای غم‌انگیز و بی‌سابقه یاد می‌کند که روابط سلطه فرادست بر فرودست بر این روایت حاکم است (تهمت‌زدن به یک زن از طرف مردان و ملای محل). روایت سرنا این‌گونه است که التماس بی‌حاصل زن از ملا، انعطاف‌ناپذیری ملا نسبت به زن و آرام بودن وجدان او، عدم داشتن جسارت اعتراض توسط سایرین حتی مسیحیان؛ همگی گویای تحت ستم بودن زن و استیصال او می‌باشد و رهایی از موقعیت غیرممکن است، اما اگر پی‌رنگ روایت تراژدی می‌بود، سنگ‌سار زن که در مظان اتهام قرار گرفته و دچار شکست‌شده حالت غم‌انگیز و تراژدی به داستان می‌بخشید؛ و بر اساس پی‌رنگ روایت امید بود که سلطه‌گران (کسانی که به زن تهمت زدند) با دستیابی به عقلانیت و کنار گذاشتن افکار سنتی و مذهبی بر محدودیت‌های ذهنی خود فائق آیند و به‌عبارتی بهتر رهایی در آینده قابل‌امکان بود. نکته مهم در این بخش وجود امکان‌های متعدد، متفاوت و حتی متناقض در متن است و نشان می‌دهد که مرکزیت معنای عمل سنگ‌سار یا تعزیه-خوانی در چهارچوب و بر مبنای پی‌رنگ مسلط صورت می‌گیرد و با تغییر پی‌رنگ حاکم بر داستان می‌تواند معنایی دیگر از عمل سنگ‌سار یا تعزیه‌خوانی داشت. اگر پی‌رنگ داستان برگرفته و مبتنی بر فرهنگ شرق و یا دین اسلام باشد معنای کنش تغییر خواهد یافت؛ لذا معنا برخلاف روایت مسلط نویسنده متزلزل است.

## ۵-۶. استثناء

قاعده کلی این بخش از سفرنامه این است که «ایرانی‌ها سواد درست و حسابی ندارند»، «ایرانی‌ها مذهبی، منفعل و ساده‌لوح هستند»، «ایرانی‌ها غیرعقلانی و غیرمنطقی عمل می‌کنند»، «زنان ایرانی فرودست و به‌حاشیه‌رانده شده‌اند»، «ایرانیان تجمل‌گرایند». اگر بخواهیم استثنایی برای این قاعده‌های فوق ذکر کنیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از استثناهای این روایت دختران رشت هستند که به مدرسه می‌روند و علاوه بر یادگیری دانش، خیاطی بلدند، بر نواختن یک آلت موسیقی مسلط بوده و آواز می‌خوانند و همچنین اشاعر شاعران ملی همچون حافظ و سعدی را از بر هستند. نمونه دیگر استثنا اشاره به خصوصیات اخلاقی مثبت گیلانیان و ملایمت و مهربانی و پویا بودن آنها دارد که در متن سفرنامه از آنان به‌عنوان استثنا و افرادی که از نظر خصوصیات اخلاقی با سایر ایرانیان تفاوت به‌سزایی دارند، یاد شده است. نمونه دیگر استثنا تکیه‌های عزاداری شهر رشت است

که بازیگران، نوحه‌خوانان، ساززن‌ها، آرایش‌صحنه‌ها، لباس‌ها به کلی رنگ‌وبوی محلی داشت و از آن زرق‌وبرق و جاه‌وجلال و تکیه‌های پایتخت و سایر شهرها خبری نبود.

### ۵-۷. ردگیری بین خطوط

با توجه بیشتر به خط سیر روایت درمی‌یابیم که در بخش‌هایی از توصیف‌ها، خاموش بودن افراد دلیلی بر ناآگاهی آنها نبوده است؛ بلکه صرفاً جنبه ظاهری دارد. نمونه این امر در عدم اعتراض مسیحیان نسبت به سنگ‌سار زن نمایان است. نویسنده روایت می‌کند که آنها از اعمال سلطه ناعادلانه بر زن آگاه بودند، اما برای هم‌رنگی با جماعت سکوت پیشه کردند. همچنین خاموش بودن افرادی که بخشی از پول خود را در مجلس تعزیه‌خوانی می‌بخشیدند دلیل بر ناآگاهی از حيله‌گری و سلطه اعمال‌شده نبوده، بلکه عملی مبتنی بر عقاید مذهبی آنها بوده است.

مثالی دیگر عدم توافق پزشکان محلی با پزشکان اروپایی بر سر تشخیص بیماری طاعون بود. وابستگی پزشکان محلی به طب سنتی و پایبندی آنها به داروهای دست‌ساز و طبیعی سبب این اختلاف‌نظر شد و این در حالی بود که تشخیص طاعون از سوی پزشکان اروپایی (در آن زمان طاعون در بسیاری از نقاط جغرافیایی با علائم مشابه شیوع داشت) امری بدیهی به نظر می‌رسید.

اگر بخواهیم به‌طور کلی بین خطوط این روایت را بخوانیم باید بگوییم که راوی داستان قصد به‌سخره گرفتن نظام دولتی ایران و همچنین فضای مذهبی، سنتی و مردسالارانه حاکم بر جامعه ایرانی دارد. در طول روایت نیز عبارت‌های مختلفی جهت فراخوانی مردم به مقاومت علیه دولت به چشم می‌خورد.

### ۵-۸. سازماندهی مجدد

در این مرحله لازم است به بازسازی مجدد سلسله‌مراتب دوگانگی‌هایی پرداخته شود که در سفرنامه موجود بود. به‌عبارتی، بازخوانی مجدد روایت مدنظر است. در بخش معرفی دوگانگی‌ها عنوان شد که تقابل اصلی میان نگاه شرقی (ایرانی) و غربی (اروپایی) است. برای بازنمایی این کلان‌تقابل مجموعه تقابل‌های دوتایی در روایت استفاده شده که سویه منفی آن به سمت شرق نسبت داده می‌شود. همچنین گونه روایتی این سفرنامه به‌صورتی است که مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده بر راوی واقع است. در این حالت خواننده در دنیای داستان توسط راوی هدایت می‌شود. این نوع روایت دست راوی را باز می‌نهد و او خدای‌وار (با نگاهی غربی) بر همه رویدادهای

داستان مسلط است و می‌تواند تمام کنش و واکنش‌های شخصیت‌های داستان را بر اساس نگاه و فرهنگ خاص خود روایت کند. راوی خود از شخصیت‌های سفرنامه است و به بیان داستان سفر خود می‌پردازد. درواقع کارلاسرنا در مقام راوی وظیفه روایت‌گری ماجراهای سفر را بر عهده داشته و در تفاسیر خود نگاه غربی را اعمال کرده است و نوعی برتربودگی غرب بر شرق در برخی اشارات به‌وضوح نمایان است. براین اساس وظیفه ما این نیست که در قالب بازسازی دوباره به بازنمایی غرب به‌عنوان دیگری شرق اقدام ورزیم؛ بلکه می‌توان با تدارک بازی آزاد تقابل‌های کشف شده در متن، به‌دنبال راهی دیگر و تفسیری مناسب با فرهنگ شرقی و اسلامی باشیم که زیر سایه ارزش‌های دیگری (نگاه اروپامحور) نباشد.

### نتیجه‌گیری

ادبیات پسااستعماری در تلاش است تا با نقد گفتمان سنتی استعمار، باور تحمیلی چیرگی ارزش‌های فرهنگی غرب و اروپاییان بر مردم تحت استعمار را از میان ببرد و هویت و فرهنگ بومی این ملت‌ها دوباره رونق گیرد، به‌ویژه از راه بررسی انتقادی متونی که با رویکرد نژادپرستانه و استعماری نگاشته شده‌اند (حسینی و مهرکی، ۱۴۰۰، ص. ۷۴).

مسئله اصلی این پژوهش جستجوی دوگانگی‌های شرق و غرب و آشکار ساختن گفتمان شرق‌شناسی حاکم بر متن سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان* مادام کارلاسرنا است. جهت واکاوی مسئله پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی بودیم که آیا متن این بخش از سفرنامه دارای دوگانگی‌های شرق و غرب (سوءگیری، افراط و تفریط، اروپامحوری) است؟

تحلیل واسازی سفرنامه مذکور بیانگر نگرش انتقادی نویسنده به شرق و تداوم سلطه فرهنگی غرب (در قالب نگارش جانب‌دارانه اروپامحور متن سفرنامه) بر مردم کشورهای جهان سوم - در اینجا ایران - بود. همان‌گونه که سعید با الهام از فوکو تأکید داشت، شناخت و درک جهان شرقی در گفتمان استعماری به‌منظور سلطه بر این جهان است؛ به‌عقیده سعید، مفاهیم غرب و شرق به‌صورت مفاهیم متقابل یا دیگری در زمینه اندیشه‌ها، خصوصیات و تجربیات تاریخی تعریف می‌شوند. بر مبنای این دیدگاه، انواع مختلف تقابل‌ها و دوگانگی‌ها در متن سفرنامه یافت شد؛ تقابل‌هایی (تقابل بازار سنتی / بازار سرمایه‌داری، تقابل معماری ایرانی / معماری اروپایی، تقابل ایرانی بی‌سروپا / اروپایی متشخص، تقابل قافله‌سالار ایرانی / قافله‌سالار ارمنی، تقابل

پزشکان ایرانی / پزشکان اروپایی، تقابل مذهب / علم، تقابل ذائقه ایرانی / ذائقه اروپایی، تقابل دولت لایق اروپایی / دولت نالایق ایرانی) که همواره بازتفسیر سلسله‌مراتب آنها بر اساس فرادستی نگرش غربی و فرودستی نگرش شرقی بود.

به‌طور کلی، در سفرنامه آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان (مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار) رگه‌های بسیاری از شرق‌شناسی به‌چشم می‌خورد. به‌طوری‌که در متن روایت بسیاری از دوگانگی‌های شرق و غرب وجود داشته و روای سفرنامه (مادام کارلاسرنا) قاعده کلی (گفتمان شرق‌شناسی) را مبنی بر آن قرار داده که ایرانی‌ها بی‌سواد، نالایق، مذهبی، منفعل، ساده لوح، غیرعقلانی، غیرمنطقی، فرودست و به‌حاشیه رانده‌شده هستند. درواقع کارلاسرنا در روایت ماجراهای سفرنامه نگاه غربی خود را بر ماجرا اعمال کرده و نوعی برتربودگی غرب بر شرق در برخی اشارات به وضوح نمایان است. در این روایت‌سازی تفاوت‌های دو ساحت تمدنی غرب و ایران نادیده انگاشته می‌شود و نویسنده به‌شکلی آشکار در مسیر فرودست‌سازی انسان ایرانی و درنتیجه خاموش‌سازی صدای او به‌نفع فرادست‌سازی جهان غربی است. کارلاسرنا با بی‌توجهی به تفاوت بافت اجتماعی و فرهنگی به نتیجه‌گیری تقابل مذهب و علم / شرق و غرب می‌رسد و سلسله‌مراتب خاص غربی مبنی بر فرادستی علم بر فرودستی مذهب را برای ایران تجویز می‌کند، حتی این نوع ذات‌گرایی که بر مبنای خودبرپنداری غرب استوار است به سطح تغذیه ملت‌ها هم می‌رسد. نتیجه این نادیده‌انگاری ذات‌انگار مقوله «تفاوت» فرهنگی این است که غرب عاقل مرکزیت متن و درنتیجه جهان اجتماعی را در اختیار می‌گیرد و شرق احساسی همراه با همه اندیشه و مناسک آن را به‌عنوان غیر به‌حاشیه می‌راند و از رسمیت می‌اندازد. برهمین اساس، سنگ‌سار به پای عدم عقلانیت نوشته می‌شود و به مردسالاری و مذهب متصل می‌گردد و تعزیه‌خوانی به دغل‌بازی و ساده‌لوحی تعبیر می‌گردد، خاص‌بودگی فرهنگی نادیده انگاشته می‌شود و حتی استثناءهای درون متن به‌حاشیه رانده می‌شود. درحالی‌که وقتی از دریچه واسازی و خوانش پسااستعماری به روایت رویدادها می‌نگریم، می‌بینیم که حتی خود چنین متن استعماری هم واجد امکان‌های متناقض و متعدد خلق معنای درون‌متنی است و نشان از آن دارد که متن / واقعیت فاقد ساختاری منسجم است و با معنزدایی از متن می‌توان شاهد بازی آزاد زبانی بود. چندان‌که اگر نفی پی‌رنگ مسلط بر متن شود ظرفیت‌های درونی متن / واقعیت نمایان می‌گردد. اینجاست که سویه دیگر این متن شرق‌شناسانه حاکی از خصایل اخلاقی خوب ایرانیان و پیگیری دانش و آموزش و موسیقی دارد. سویه‌ای که

نافی قاعده حاکم شرق‌شناسی است.

### پیشنهادهای کاربردی

از منظر پسااستخارگرایان، آنچه واقعیت خوانده می‌شود تنها از دریچه متن قابل فهم است؛ زیرا که زبان و گفتمان به جهان معنا می‌دهد. متون نوشته شده درباره ایران چه از جانب غربیان باشد یا نویسندگان بومی، حامل معنایی خاص در بطن گفتمان معین است. از این رو، پیشنهاد می‌گردد دو دسته متون هدف خوانش و اسازانه قرار گیرند: (۱) متون استعماری غربی از جمله سفرنامه‌ها و متون تاریخی دانشگاهی؛ (۲) متون اجتماعی روشنفکران یا مطلعان بومی، به‌ویژه از منظر اندیشه هومی بابا که باور دارد استعمار و هژمونی فرهنگی غرب فرایندی دوسویه و با همکاری بومیان انجام می‌گیرد نه تک‌جانبه و توسط غربیان.

### فهرست منابع

- اکبری‌زاده، محسن (۱۳۹۸). تحلیل منطق و اسازانه روایت رستم و سهراب. *پژوهشنامه ادب حماسی*، (۱۵)، ۷۳-۹۲.
- انصاری، منصور و درودی، مسعود (۱۳۹۳). مطالعات پسااستعماری، تلاش متن‌محور در جهت وارونه‌سازی چشم‌اندازها. *جستارهای سیاسی معاصر*، (۱۲)، ۱-۲۳.
- بوژه، دیوید (۱۳۸۷). تحلیل و اسازایی. ترجمه حسن محدثی، *وسایل ارتباط جمعی رسانه*، (۱)، ۷۹-۹۹.
- بوژه، دیوید (۱۳۹۴). روایت‌های از یک سازمان داستان‌پرداز: تحلیلی پسامدرن از دیزنی به‌مثابه یک تامارالند. ترجمه اسماعیل عالی‌زاد و نیلوفر باغبان مشیری و عباس جنگ، *جامعه، فرهنگ، رسانه*، (۱۷)، ۱۴۳-۱۹۳.
- پری، بنیتا (۱۳۸۸). *نهادینه‌شدن مطالعات پسااستعماری*. ترجمه جلیل کریمی، مجموعه مقالات درباره مطالعات فرهنگی، تهران: چشمه.
- پوراحمد جکتاجی، محمدتقی (۱۳۵۵). *فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی*. تهران: کتابخانه ملی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۵). صوفی شالوده‌شکن؛ غزالی و اسازایی عارفانه متن. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، (۱)، ۴۰-۵۴.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۸). *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران*. تهران: کتاب آرمه.

- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*. تهران: کتابخانه فروغی.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸). *ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه*. تهران: نشر بوته.
- حاجتی، سمیه و رضی، احمد (۱۳۹۵). خوانش پسااستعماری رمان جزیره سرگردانی. *متن‌پژوهی ادبی*، (۶۸)، ۴۱-۶۵.
- حسنی، زهرا و مهرکی، ایرج (۱۴۰۰). خوانش پسااستعماری خسی در میقات با تکیه بر نظرات فرانتس فانون. *زبان و ادبیات فارسی شفای دل*، (۷)، ۶۹-۸۴.
- حقیقی، شهین؛ فرروزانی، فرزانه؛ محمدی‌بدر، نرگس و گرجی، مصطفی (۱۳۹۷). خوانش پسااستعماری شخصیت‌های نمایشنامه ماه غسل اثر غلامحسین ساعدی. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، (۳۱)، ۶۴-۸۶.
- خامی‌زاده، جعفر (۱۳۷۹). *تاریخ کتابخانه‌های گیلان*. قم: پارسایان.
- دانش‌پژوه، فریدون (۱۳۸۰). *سفرنامه تا پخته شود خامی*. تهران: نشر ثالث.
- دریدا، ژان؛ گریچللی، سایمون؛ لاکلائو، ارنستو و رورتی، ریچارد (۱۳۸۵). *دیکانسترکشن و پراگماتیسم*. ترجمه شیوا رویگریان، تهران: نشر گام نو.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). از شرق‌شناسی تا مطالعات پسااستعماری، با رویکردی میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، (۴)، ۶۱-۸۹.
- زارعی، محمدابراهیم و طهماسبی‌زاده، ساره (۱۳۹۷). شمایل‌شناسی تصویر زن در دوره قاجار با تأکید بر سفرنامه‌ها، نگارگری‌ها و عکس‌های برجای مانده از این دوره. *زن در فرهنگ و هنر*، (۴)، ۶۹-۸۴.
- زاگرس‌زند، محمدتقی (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی پژوهش ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره قاجار. *مطالعات ملی*، (۱۱)، ۱۵۴-۱۷۹.
- سجادی، بختیار (۱۳۹۸). خوانش پسااستعماری بازنمایی کردها در گفتمان شرق‌شناسانه، مورد مطالعه سفرنامه کلودیوس جیمز ریچ. *مطالعات تاریخی فرهنگی*، (۳۹)، ۷۴-۵۵.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۷۰). *نام‌ها و نامداران گیلان*. رشت: گیلکان.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲). *فرهنگ و امپریالیسم*. ترجمه اکبر افسری، تهران: توس.
- سعید، ادوارد (۱۳۹۰). *شرق‌شناسی*. ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- شاگری، سیدرضا (۱۳۹۷). *بایسته‌ها و شرایط کاربست و اسازی دریدا در نقد متون، نقد و تحلیل کتاب و اسازی متون آل‌احمد*. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های*

علوم انسانی، (۲)، ۱۵۵-۱۷۱.

شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹). نظریه و نقد پسااستعماری. تهران: علمی.

شعبانی، امامعلی و مشایخی جلالی، مریم (۱۳۹۴). اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها. مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، (۵)، ۱۲۴-۱۰۵.

شیبانی، ژان (۱۳۹۴). سفر اروپاییان به ایران. ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران: علمی - فرهنگی.

شیبانی، فیروزه (۱۳۹۸). واسازی روایت، خوانشی از نقاشی‌های هانیبال الخاص. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، (۱)، ۲۷-۴۴.

صفری، سهیلا (۱۳۸۸). آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه). گنجینه اسناد بهار، (۷۳)، ۱۰-۱۴.

صوفی، علیرضا و زاور، علی‌اکبر (۱۳۹۱). سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری. تاریخ در آدینه پژوهش، (۱)، ۲۱-۴۸.

فاتحی، سیدحسن؛ میرزایی، فرامرز و سن‌سبلی، بی‌بی راحیل (۱۳۹۵). خوانش پسااستعماری تجربه مهاجرت در رمان انگلستان لولیتا اثر واسینی الاعرج از دیدگاه هومی بابا. پژوهشنامه نقد ادب عربی، (۱۳)، ۱۷۱-۱۹۸.

فانون، فرانسیس (۱۳۵۵). پوست سیاه صورتک‌های سفید. ترجمه محمدمامین کاردان، تهران: خوارزمی.

فخرآئی، ابراهیم (۱۳۵۴). سردار جنگل: میرزا کوچک‌خان. تهران: جاویدان.

کرانی، زهرا؛ احمدیان، قدرت و کریمی، جلیل (۱۳۹۷). تحلیل سفرنامه‌های ایرانیان دوره قاجار از کرمانشاه با رویکرد پسااستعماری. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، (۲۲)، ۱۲۳-۱۴۵.

کریمی، علی (۱۳۸۶). بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری. زریبار، (۱)، ۳۱-۶۲.

کسروی، احمد (۱۳۵۴). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.

کشاوری، اردشیر (۱۳۸۳). کرمانشاهان در سفرنامه سیاحان. کرمانشاه: نشر طاق بستان.

گاندی، لیلیا (۱۳۹۱). پسااستعمارگرایی. ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

محمدی، الهام و یاقوتی، هدی (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی خودآگاهی زن در

- جدال با ساختارهای سنتی و مدرن مورد مطالعه: رمان‌های سیمین دانشور. پژوهش‌نامه زنان، (۴)، ۷۷-۱۰۰.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: نشر سخن.
- منتظر قائم، مهدی و غلامی، فرزاد (۱۳۹۱). نقد پسااستعماری روایت سریال قهوه تلخ از مدرنیته سیاسی ایرانی: با تأکید بر روش واسازی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۲۸)، ۱۲۲-۱۴۶.
- مورتون، استفان (۱۳۹۲). گایاتری چاکراواتی اسپیواک. ترجمه نجمه قابل، تهران: بیدگل.
- مورگیلبرت، بارت (۱۳۸۶). هومی بابا. ترجمه پیمان کریمی، فصلنامه زیربار، (۶۳)، ۵۱-۵۶.
- مهروند، احد (۱۳۹۱). بررسی جنبه‌های پسااستعماری نمایشنامه جزئیات اثر سوزان گلاسیل. پژوهش ادبیات معاصر جهان، (۳)، ۷۳-۵۵.
- مهماندار، سرور (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه. (کارشناسی ارشد). زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- میرابوالقاسمی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۷). گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما. رشت: انتشارات گیلان و تالش.
- میرزایی، حسین و پروین، امین (۱۳۸۲). نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت. تحقیقات فرهنگی، (۹)، ۷۷-۱۰۵.
- میلز، سارا (۱۳۹۲). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۵). واسازی عشق در غزلیات سعدی. سعدی‌شناسی، (۱۴)، ۱۸۸-۲۰۰.
- هال، استورات (۱۳۸۶). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه.
- یوسفدهی، هومن (۱۳۹۳). استانداران گیلان از آغاز تا ۱۳۵۷. گیلان: ایلیا.

Ashcroft, Bill (2007). *Post-colonial Studies reader; The Key Concepts*, London: Routledge.

Batubara, A. S. A; Nasution, S. N. & Pratama, D. R. (2020). Deconstruction Analysis of Characters in Movie Script Zootopia. *Journal of Culture, Arts, Literature, and Linguistics*, 6(2), 155-164.

Bhabha, Homi k. (1994). *The Location of Culture*. London: Routledge.

Kumar, R. & Shikha, S. (2018). Deconstruction as a method of Film

Criticism. <https://www.semanticscholar.org/>.

Lindsay ,C. (1985). *Reading Deconstruction*. Deconstructive Reading by G. Douglas Atkins. Rocky Mountain Modern Language Association, 39(2), 140-129.

## References

- Akbarizadeh, Mohsen (2018). Analysis of the constructive logic of the narrative of Rostam and Sohrab. Research paper on epic literature. (15), 73-92. (In Persian)
- Ansari, Mansour. and Droodi, Massoud (2014). Post-colonial studies, a text-based effort in the direction of inverting perspectives. *Contemporary Political Essays*, (12), 23-1. (In Persian)
- Ashcroft, Bill. (2007). *Post-colonial Studies reader; The Key Concepts*, London: Routledge.
- Batubara, A. S. A. Nasution, S. N. & Pratama, D. R. (2020). Deconstruction Analysis of Characters in Movie Script Zootopia. *Journal of Culture, Arts, Literature, and Linguistics*, 6(2), 155-164.
- Bhabha, Homi k. (1994). *The Location of Culture*. London: Routledge.
- Bouje, David (2007). Analysis of Deconstruction. Translated by Hassan Mohaddisi, *Mass Communication Media*, (1), 79-99. (In Persian)
- Bouje, David (2007). *Narratives from a Storytelling Organization: A Postmodern Analysis of Disney as a Tamaraland*. Translated by Ismail Alizad, Nilofar Baghban Moshiri and Abbas Jang, *Society, Culture, Media*, (17), 143-193. (In Persian)
- Daneshpashooh, Fereydoun (1380). *A travel book to be cooked*, Khami, Tehran: Third publication. (In Persian)
- Dashiri, Mohammad Reza (2010). From oriental studies to post-colonial studies, with an interdisciplinary approach in humanities. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, pp. 61-89. (In Persian)
- Derrida, Jean. Gritchelli, Simon. Laclau, Ernesto. Rorty, Richard (2015). *Deconstruction and Pragmatism*, translated by Shiva Roygarian, Tehran: Gam No Publishing. (In Persian)
- Fanon, Franz. (1355). *Black skin of white faces*, translated by Mohammad Amin Kardan, Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Farmer, Ardeshir. (1383). *Kermanshah in the travel book of tourists*. Kermanshah: Taq Bostan Publishing House. (In Persian)
- Fatehi, Seyyed Hasan. Mirzaei, Faramarz. San Sabli, Bibi Raheel. (2015). "Post-colonial reading of the experience of migration in the novel *Lolita's Fingers* by Wasini Al-Araj from the point of view of Homi Baba". *Criticism of Arabic Literature*, (13), 171-198. (In Persian)
- Gandhi, Leila. (2011). *Postcolonialism*. Translated by Maryam Alamzadeh and Homayoun Kaka Soltani, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Hajti, Samia and Razi, Ahmad. 2015. "Postcolonial reading of the novel


- Wandering Island". Literary text research, (68), 41-65. (In Persian)
- Hall, Stuart. (1386). The West and the rest: Discourse and power, translated by Mahmoud Tahid, Tehran: Age publishing house. (In Persian)
- Hosni, Zahra and Mehraki, Iraj (1400). "Khesi's postcolonial reading in Miqat based on Frantz Fanon's comments". Persian language and literature Shafai Del, (7), 84-69. (In Persian)
- Hostess, server. (1391). A comparative study of Iranian and European travelogues in the Qajar era based on eight travelogues. Master's degree in Persian language and literature, Tabriz University, Tabriz. (In Persian)
- Jamal Zadeh, Mohammad Ali (1345). The nature of us Iranians. Tehran: Foroughi Library. (In Persian)
- Javadi, Hassan (1378). Iran from the perspective of European tourists from the earliest days to the beginning of the Safavid era. Tehran: Boteh Publishing. (In Persian)
- Karani, Zahra. Ahmadiyan, Ghodrat. Karimi, Jalil. (2017). Analyzing the travelogues of Qajar period Iranians from Kermanshah with a post-colonial approach". Historiography and Historiography, (22), 145-123. (In Persian)
- Karimi, Ali (1386). Reflection of cultural identity of Iranians in Safavid and Qajar travelogues. Zaribar, (1), 62-31. (In Persian)
- Kumar, R. & Shikha, S. (2018). Deconstruction as a method of Film Criticism. <https://www.semanticscholar.org/>
- Lindsay ,C. (1985). Reading Deconstruction. Deconstructive Reading by G. Douglas Atkins. Rocky Mountain Modern Language Association, 39(2), 140-129.
- Mantar Qaim, Mehdi. and Gholami, Farzad. (1391). Post-colonial criticism of the narrative of the bitter coffee series on Iranian political modernity: with an emphasis on the method of deconstruction. Cultural Studies and Communication, (28), 146-122. (In Persian)
- Mehron, Ahad. (2011). "xamination of the postcolonial aspects of Susan Glaspell's play Details. Contemporary World Literature Research, (3), 73-55. (In Persian)
- Mills, Sarah. (2012). Conversation. Translated by Fattah Mohammadi, Zanjan: Third millennium. (In Persian)
- Mirzaei, Hossein. & Parveen, Amin (1382). Another show: the position of the West in the travelogues of the period of the rise of constitutionalism. Cultural Research, (9), 105-77. (In Persian)
- Mohammadi, Elham. And Yaquti, Hoda. (1397). "ociological analysis of women's self-awareness in the conflict with traditional and modern structures studied in the novels of Simin Daneshvar. Women's Journal, (4), 77-100. (In Persian)
- Morgilbert, Bart (1386). Homi Baba, translated by Peyman Karimi, Zaribar Quarterly, (63), 56-51. (In Persian)
- Morton, Stephen. (1392). Gayatri Chakravati Spivak, translated by Najma

- Ghabi, Tehran: Bidgol. (In Persian)
- Najoomian, Amir Ali. (2015). The construction of love in Saadi's lyrical poetry. *Sadiology*, (14), 188-200. (In Persian)
- Perry, Benita (2008). "Institutionalization of postcolonial studies. Translated by Jalil Karimi, a collection of articles on cultural studies, Tehran: Cheshme. (In Persian)
- Pourahmad Jaktaji, Mohammad Taghi (1355). Descriptive list of English travelogues. Tehran: National Library. (In Persian)
- Real, Shahin. Farrozani, Farzaneh. Mohammadi Badr, Narges. Gerji, Mustafa (2017). Post-colonial reading of characters in the play *Honeymoon* by Gholamhossein Saedi. *Comparative Literature Research*, (31), 64-86. (In Persian)
- Safari, Sohaila (2008). Archives in Iranian travelogues of the Qajar period (from the beginning of the Qajar to the constitution). *Bahar Document Treasure*, (73), 10-14. (In Persian)
- Said, Edward (1382). *Culture and Imperialism*, translated by Akbar Afsari, Tehran: Tos. (In Persian)
- Said, Edward (1390). *Orientalism*. Translated by Lotfali Khonji, Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Sajjadi, Bakhtiar. (2018). Post-colonial reading of Kurdish representation in Orientalist discourse, a case study of Claudius James Rich's travelogue. *Historical-Cultural Studies*, (39), 55-74. (In Persian)
- Shabani, Imam Ali. & Meshaikehi Jalali, Maryam (1394). Social conditions of the Persian Gulf in the Qajar era with an emphasis on travelogues. *Persian Gulf Cultural and Political Studies*, (5), 105-124. (In Persian)
- Shahmiri, Azadeh (1389). *Postcolonial theory and criticism*. Tehran: Scientific. (In Persian)
- Shakri, Seyyed Reza. (2017). The requirements and conditions of using Derrida's deconstruction in text criticism, criticism and analysis of Al-Ahmed's book *Deconstruction of Texts*. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, (2), 155-171. (In Persian)
- Shibani, Firzoh (2018). Narrative reconstruction, a reading of Hannibal's paintings. *Art Academy Research Journal*, (1), 27-44. (In Persian)
- Shibani, Jean (2014). *European travel to Iran*. Translated by Seyyed Ziauddin Deshiri, Tehran: Scientific-Cultural. (In Persian)
- Sufi, Alireza & Zavar, Ali Akbar (1391). Hajj pilgrimage in the Qajar period based on travelogues of Qajar period dignitaries. *History in Adina Research*, (1), 21-48. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2015). Foundation-breaking Sufi; Ghazali and the mystical reconstruction of the text. *Journal of Political Science*, (1), 54-40. (In Persian)
- Taslimi, Ali (2008). *Propositions in contemporary Iranian literature*. Tehran: Kitab Armeh. (In Persian)
- Zagros Zand, Mohammad Taghi (1389). Comparative study of the research of Western Iranology and Orientalism based on the representation of Iranian people's culture in the travelogues of Europeans during the


- Qajar period. *National Studies*, (11), 154-179. (In Persian)
- Zarei, Mohammad Ibrahim. and Tahmasbizadeh, Sara (1397). The iconography of the image of women in the Qajar period with an emphasis on the travelogues, paintings and photographs left over from this period. *Women in Culture and Art*, (4), 84-69. (In Persian)

# بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی<sup>۱</sup>


عصمت حیدری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
esmatheydari@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

باقر ساروخانی

استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).  
b.saroukhani@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

افسانه ادریسی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
Edrisiafsaneh@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

## چکیده

در کنار تغییر و تحول‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، خانواده نیز دستخوش تغییرهایی هم در شکل و هم در محتوا شده است. ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در زمینه‌های مختلف از جمله فرزندآوری نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته، به گونه‌ای که امروزه شاهد گسترش پدیده تک‌فرزندی در بسیاری از خانواده‌ها هستیم. این پژوهش با هدف بررسی میزان تأثیر عوامل اجتماعی (اشتغال زنان، سن ازدواج، فردگرایی و تحصیلات زنان) در کلان‌شهر تهران بر گرایش به تک‌فرزندی در بین زنان انجام شده است. پژوهش حاضر تحقیقی پیمایشی است که در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل شهر تهران هستند که ۴۲۰ نفر به‌عنوان نمونه از بین آن‌ها انتخاب شدند. انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفته و ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین گرایش به تک‌فرزندی با میزان فردگرایی، سن ازدواج، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال رابطه مثبت معناداری وجود دارد. درنهایت می‌توان گفت زنان امروزی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی که به برخی از آنها اشاره شد به هویتی جدید دست یافته‌اند که با باروری زیاد در تقابل است.

**کلیدواژه‌ها:** اشتغال، تحصیلات، فردگرایی، سن ازدواج، جوانی جمعیت.

شاپای الکترونیک: X-۶۵۵۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.384914.1409

۱. این مقاله از پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی استخراج شده است.

## مقدمه و بیان مسئله

سطح باروری در ایران در سال‌های اخیر روند کاهشی داشته است. الگوی سنی باروری در سال‌های اخیر از الگوی زودرس فرزندآوری به سمت الگوی دیررس فرزندآوری تغییر کرده است. آخرین نرخ باروری کلی برای ایران در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) برابر با ۱/۶۱ درصد گزارش شده است که نسبت به سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) که برابر با ۱/۶۹ بوده است، کاهش یافته است (گزارش وضعیت نرخ باروری در ایران، ۱۳۹۸).

جامعه ایران در چند دهه گذشته تغییرات مختلف ارزشی و نگرشی در زمینه باروری، ازدواج و خانواده را تجربه کرده است. نسل جدید، فرزند را مصلح آسایش و پُرهزینه می‌داند و با توجه به اینکه والدین دیگر تحقق خواسته‌های خود را در فرزندان نمی‌یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. پس از گذشت سال‌ها گرایش افراد به دو فرزندگی شکل گرفت و با تغییرهای عدیده صورت گرفته در سطح زندگی، در حال حاضر شاهد گسترش پدیده تک‌فرزندی هستیم. گرایش به داشتن فرزند کمتر نشانه آن است که زنان به کشف‌های جدیدی دست یافته‌اند از جمله آنکه از محیط کوچک خانه بیرون آمده‌اند، تحصیل می‌کنند، در مناسبات اجتماعی شرکت کرده و در همه عرصه‌ها فعالیت کرده و البته قصد دارند برای فرزندان کمتر خود مادران بهتری باشند. در واقع زنان امروز هویت خود را در جاهای دیگری جز در خانه و مادر شدن جستجو می‌کنند. در میان زنان، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که به نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است (حسینی و بگی، ۱۳۹۳).

اکنون پدیده تک‌فرزندی به شاخصه‌ای از زندگی پیشرفته تبدیل شده است و بسیاری از زوج‌های جوان از آن استقبال می‌کنند. این عامل باعث شده تا سن باروری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن کاهش یابد (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۶). کاهش سطح باروری باعث انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای شده و تمایل به فرزندآوری در والدین کاهش یافته است. این کاهش مداوم مولید در خانواده‌ها منجر به افزایش خانواده‌های تک‌فرزند شده است و علاقه والدین به تک‌فرزندی در حال عمومیت یافتن است (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۸).

باروری به عنوان یکی از جریان‌های عمده جمعیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در

چگونگی توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع در سطح خرد و کلان دارد. تصمیم‌گیری در مورد تعداد و کم‌وکیف افزایش آن نیز به تصمیم میلیون‌ها نفر مربوط می‌شود. این جریان تصمیم‌گیری، رشد پایین جمعیت را به دنبال می‌آورد (ترابزاده، ۱۳۹۳). امروزه در ایران با کاهش تمایل به فرزندآوری روبه‌رو هستیم و میزان باروری فعلی، سطح لازم برای جایگزینی مناسب نسل‌ها را ندارد. کاهش نرخ باروری و به هم‌ریختگی در توازن سنی کشور، می‌تواند آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر کشور وارد کند (منتظری، ۱۳۹۵، ص. ۴).

برای دستیابی به متغیرهای مناسب طی مطالعات عمیقی که در ابتدای کار پیرامون موضوع صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که زندگی پیشرفته که بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفت و کم‌کم به کشورهای دیگر تسری یافت به نحو بارزی فرزندآوری را تحت تأثیر قرار داد. برخی از مشخصه‌های جامعه پیشرفته عبارت‌اند از: اشتغال و تحصیلات زنان، فردگرایی، بالا رفتن سن ازدواج و جامعه‌پذیری جنسیتی که بعضی از آنها به عنوان متغیر برگزیده شدند.

با توجه به عمومیت یافتن تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی، بر آنیم تا علل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به تک‌فرزندی را بررسی نماییم. با بررسی تأثیر سن ازدواج، اشتغال، تحصیلات و فردگرایی بر گرایش زنان تهرانی به تک‌فرزندی می‌توان راهکارهای مناسب برای بهبود و اصلاح آن ارائه نمود، چراکه جامعه نیاز به جمعیت فعال و پویایی دارد که نشاط و سلامت جامعه را تأمین کند و اتخاذ هر گونه برنامه و سیاستی در حوزه جمعیت و آسیب‌های جمعیتی بدون شناسایی عوامل پذیرش تک‌فرزندی در جامعه، بی‌ثمر و غیرقابل اجرا است. از این‌رو این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که ویژگی‌های جامعه پیشرفته در کلان‌شهر تهران به چه میزان بر گرایش به تک‌فرزندی در بین زنان تهرانی تأثیر دارد.

## ۲. اهداف و سؤال‌های پژوهش

### ۲-۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی رابطه میان سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی،
- ۲- شناسایی رابطه میان فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی،
- ۳- مقایسه گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال،
- ۴- مقایسه گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات.

## ۲-۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا میان سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا میان فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد؟
- ۴- آیا گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد؟

## ۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد.
- ۴- بین زنان با سطح تحصیلات مختلف از نظر گرایش به تک‌فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

## ۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی پیرامون گرایش به تک‌فرزندی انجام شده است که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

فروتن و یعقوبی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای دریافتند که تک‌فرزندی الگوی مطلوب ایرانیان نیست و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ترکیان و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۰۰ نفر از شهروندان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز جامع خدمات سلامت شهری و روستایی شهرستان خمینی شهر استان اصفهان دریافتند گرایش والدین به تک‌فرزندی در رابطه با متغیرهای تأمین آینده تحصیلی، امنیت شغلی فرزندان و افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند جدید و نداشتن درآمد کافی است. خانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۲۱۰ نفر از مادران و ۲۱۰ نفر از فرزندان مجرد دریافتند که میزان تحصیلات، محل سکونت، اشتغال، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و نگرش منفی نسبت به فرزند با الگوی تک‌فرزندی رابطه مثبت و معناداری دارد. هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۰۰ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله متأهل ساکن شهر شیراز دریافتند که سن ازدواج، وضعیت اقتصادی، نگرش به فرزندآوری، رضایت زناشویی، اشتغال و تحصیلات با تک‌فرزندی رابطه معناداری دارد. حمیدی‌فر و همکاران

(۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه عمیق با ۱۳ نفر از افراد بی‌فرزند که حداقل ۵ سال بی‌فرزندی ارادی داشتند، دریافتند هزینه و مسئولیت فرزندآوری، محدودیت اجتماعی فرزند برای والدین، مخاطرات بارداری و اشتغال زنان، تمایل والدین به فرزندآوری را کاهش می‌دهد. رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه از ۲۰ نفر از زنان دارای یک فرزند بالای ۵ ساله شهر شهریار دریافتند تک‌فرزندی نتیجه تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری و تغییرهای نگرشی نسبت به فرزندآوری است. نتایج پژوهش محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۴۲ نفر از زنان شاغل در سازمان‌های دولتی شهر کرمان نشان داد که نگرش منفی پاسخگویان نسبت به آینده، فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی و رضایت‌مندی زناشویی به‌طور مستقیم و میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به‌طور غیرمستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صادقی و سرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۶۰ نفر از زنان ساکن منطقه ۱ و ۱۹ شهر تهران دریافتند عدم حمایت اجتماعی، اشتغال زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان بر فرزندآوری مؤثر است. نتایج پژوهش خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه عمیق با ۱۴ نفر حاکی از آن است که تک‌فرزندی در رابطه با نگرش‌ها و احساسات و فضای غیرحمایتی جامعه و خانواده است. چمنی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۰۰ نفر از زنان متأهل تهرانی دریافتند تعداد کم فرزندان در ارتباط با میزان تحصیلات، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، اشتغال و یا در انتظار شاغل شدن، فردگرایی، مدیریت بدن و آرمان‌گرایی و نگرش منفی به فرزند است. نتایج پژوهش ابراهیم‌پور و عبادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۶۰ نفر از دختران دوره پیش‌دانشگاهی و مادرانشان در ساری نشان داد که برابری جنسیتی، میل به پیشرفت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و هنجارهای جامعه رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق از زنان شهر مشهد در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که میزان دینداری، فردگرایی و توجه به ارزش‌های خانوادگی با فرزندآوری ارتباط دارد. طاووسی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دریافتند بین جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، مشارکت اجتماعی با تمایل به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش گلپایگانی

(۱۳۹۴) در مقاله‌ای با مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان متأهل در شهر تهران حاکی از آن است که نگرش منفی به فرزند، عدم امنیت شغلی، آزادی فردی، استقلال طلبی و کاهش حمایت خانوادگی از عوامل مؤثر بر کاهش مولید و تک‌فرزندی است. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۱۰ زن همسر دار ۱۵ الی ۵۰ ساله شهر تبریز دریافتند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نگرانی از آینده و عدم حمایت دولت و خانواده و اشتغال زنان با باروری در ارتباط است. عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۲۴ زن متأهل شاغل در بخش دولتی و خصوصی در سنین ۲۴ تا ۳۶ دریافتند نگرش منفی به فرزند، رضایت زناشویی، استقلال طلبی، حمایت والدین، تحصیلات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه مثبت دارد.

فرانسیزکا و مکارینی (Francesca & Mencarini, 2018) در مقاله‌ای با مطالعه ۱۲ زوج استرالیایی که صاحب یک فرزند بودند دریافتند رضایت از زندگی زناشویی، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی و وضعیت اقتصادی در گرایش زوجین به تک‌فرزندی مؤثر هستند. ریتا تستا و همکاران (Rita & et al., 2016) در پژوهش خود با نگاهی به مطالعات بین‌المللی در حوزه باروری دریافتند عدم حمایت والدین، اشتغال زنان و عدم امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی و عدم توافق زوجین بر فرزندآوری بر گرایش والدین به تک‌فرزندی مؤثر است. مطابق تحقیق باسو و دسای (Basu & Desai, 2016)، مهم‌ترین عامل در گرایش افراد به تک‌فرزندی عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی است. نتایج پژوهش سیلا و همکاران (Celia & et al., 2016) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۳۸ زوجین چینی که در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال هستند، حاکی از آن است که اشتغال زنان، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم زندگی زناشویی، افزایش سن ازدواج، نگرش منفی به فرزندآوری بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر دارد. کنته (Conteh, 2014) در پایان‌نامه‌ای با تأکید بر نظریه اقتصادی استرلین و نظریه اشاعه و با استفاده از اطلاعات جمعیتی و بهداشتی سرالئون در سال ۲۰۰۸ که از ۲۹۳۱ زن ۱۵ تا ۳۴ ساله نظرسنجی کرده بودند، دریافت که اندازه خانواده (تعداد فرزند) متأثر از درآمد خانواده، تحصیلات زن، فرهنگ و مذهب، عدم حمایت والدین و فشار همسر است. نتایج تحقیق پردهان و سخر (Pradhan & Sekher, 2014) نشان داد که شهرنشینی، تحصیلات، اشتغال و وضعیت اقتصادی با گرایش به تک‌فرزندی رابطه معناداری دارند. توکو (Toko, 2013) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۵۲۲ نفر از والدین دریافت نگرش والدین،

تحصیلات، درآمد و تجربه فردی بر فرزندآوری مؤثر است. در پژوهش‌های فوق، به عوامل گوناگونی که بر فرزندآوری تأثیر می‌گذارد، اشاره شده که شامل موارد زیر است:

شرایط اقتصادی و اجتماعی، تأمین آینده تحصیلی، امنیت شغلی فرزندان، افزایش مشکلات اقتصادی، نداشتن درآمد کافی، میزان تحصیلات، محل سکونت، نگرش منفی نسبت به فرزند، سن ازدواج و تأخیر در ازدواج، رضایت زناشویی، هزینه و مسئولیت فرزندآوری، محدودیت اجتماعی فرزند برای والدین، مخاطرات بارداری، اشتغال زنان، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری، فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی، میزان مطالعه، استفاده از رسانه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، مدیریت بدن، آرمان‌گرایی، برابری جنسیتی، میل به پیشرفت، هنجارهای جامعه، میزان دینداری، توجه به ارزش‌های خانوادگی، جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، مشارکت اجتماعی، عدم امنیت شغلی، آزادی فردی، استقلال‌طلبی، نگرانی از آینده و عدم حمایت دولت و خانواده، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی، عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم‌زندگی زناشویی، شهرنشینی، تجربه فردی. در اغلب پژوهش‌هایی که به آنها اشاره شد تأثیر متغیرهای مختلف بر فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و کمتر به موضوع تک‌فرزندی پرداخته شده است درحالی‌که تک‌فرزندی علاوه بر اینکه کمیت جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد بر کیفیت جمعیت نیز اثرگذار است چراکه افرادی که تنها فرزند خانواده هستند، به لحاظ نوع تربیت حاکم بر این خانواده‌ها، نمی‌توانند از حداکثر توانمندی‌های خود بهره بگیرند و درنهایت نمی‌توانند در پیشبرد جامعه به اندازه کافی مؤثر باشند. در واقع ما با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به تک‌فرزندی این خلأ تحقیقاتی را پر کرده‌ایم. همچنین در تحقیقات انجام شده در حوزه فرزندآوری، متغیر فردگرایی با رویکرد نوسازی اجتماعی به‌ندرت مورد بررسی قرار گرفته که در پژوهش حاضر مورد مذاقه قرار گرفته است.

## ۵. چهارچوب نظری پژوهش

گذار جمعیت‌شناختی، فرایند نوسازی باروری در جمعیت‌های انسانی است که طی دو مرحله کاهش مرگ‌ومیر و سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. بر اساس این نظریه

جوامع، نوسازی را از یک وضعیت پیشامدرن مرگومیر و باروری بالا به یک وضعیت پسامدرنی که در آن هر دو پایین هستند، تجربه می‌کنند. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است. کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد، که فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴، ص. ۶۷).

در رویکرد نوسازی استدلال می‌شود، که عوامل فرهنگی و نه ساختاری نحوه نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهد. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند، که کاهش باروری ناشی از اشاعه ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری است. نظریه اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل موالید در جهان می‌پردازد. در کشورهایی که باروری کاهش یافته اعمالی که به محدودیت باروری منجر می‌شود، ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت که موفق‌تر، ثروتمندتر و تحصیل کرده‌تر هستند، انجام می‌شود و به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی گسترش می‌یابد (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴).

در جریان نوسازی بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار کرد (محمودیان، ۱۳۸۳). گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است، نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبودیافته زنان به خصوص مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است. به نظر طرفداران این دیدگاه، رشد فناوری که ناشی از افزایش روند صنعتی شدن است، باعث تغییرهای ساختاری اقتصاد می‌شود. اقتصاد جدید سبب ایجاد صنایع خدماتی و رشد مشاغل طبقه متوسط شده است که اشتغال زنان از ویژگی‌های آن است. اغلب تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه و فرزندان کمتر آنان است (مشفق؛ مرادی ثانی و حسین خانی، ۱۳۹۵). در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری، جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را برعهده می‌گیرند؛ بنابراین مطابق با تغییر کارکرد خانواده شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. به این معنا که تصمیم‌های فردی زوجین جایگزین تصمیم‌های فامیل درباره باروری می‌شود، بنابراین نوسازی از این طریق باعث

افزایش سن ازدواج و کاهش باروری می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۱). دگرگونی نقش‌های جنسیتی یکی دیگر از تحولات مهمی است، که رخ داده است. زنان امروزی دیگر به همان اندازه گذشته بر اساس زندگی خانوادگی و خدمت‌رسانی به مردان تعریف نمی‌شوند. با وجود آنکه برابری کامل بین زن و مرد رخ نداده است، اما تقسیم‌بندی سنتی پیرامون دو جنس تغییر کرده است، هر چند میزان و نحوه این تغییرات در جوامع پیشرفته غربی و جوامع در حال توسعه متفاوت است، فردی شدن، قلمرو جدیدی برای کنش و تصمیم‌گیری و فرصت‌های جدیدی پیش‌روی زنان بازمی‌کند. زنان تا اندازه زیادی دیگر به نقش‌های جنسیتی محدود نیستند و می‌توانند با شایستگی و تلاش، زندگی‌نامه خود را شکل دهند (هیر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰).

به اعتقاد گیدنز شاخص‌های خانواده‌های امروزی در حال دگرگونی هستند، این دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و به مرور در حال جهانی‌شدن هستند، این جهانی‌شدن تا اندازه زیادی اجتناب‌ناپذیر و مثبت است، اما در روی دیگر سکه با خود، مشکلات زیادی به همراه می‌آورد (گیدنز، ۱۴۰۰). ویلیام گود<sup>۲</sup> نظریه همگرایی را در مورد خانواده مطرح می‌کند، که بر اساس آن دگرگونی‌های نظام خویشاوندی نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی است، بدین ترتیب که همراه با دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان، دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز رخ می‌دهد و در نتیجه سازمان‌های سطوح خرد نظیر خانواده به‌طور اجباری خود را با دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌دهند (گود، ۱۳۵۲). از نظر اولریش بک<sup>۳</sup>، موقعیت اجتماعی و استقلال زنان احتمالاً یک عامل مداخله‌گر مهم بین نوسازی و باروری است، با افزایش درآمد زنان، میزان باروری کاهش می‌یابد و یا به‌عبارت‌دیگر به علت افزایش هزینه نگهداری از فرزند تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. باو همچنین معتقد بود که نوسازی، مشکلات و تناقضات نهادهای پیشرفته را چند برابر و تداوم آن‌ها را تهدید می‌کند. طبق این نظریه اگر دریافت افراد از آینده خود نامطمئن باشد ممکن است به‌خاطر اجتناب از خطر، تصمیم به کاهش باروری بگیرند (علیزاده سیوکی و دیگران، ۱۳۹۳).

از نظر مک‌دونالد<sup>۴</sup> دستیابی به برابری جنسیتی عامل اصلی کاهش مولید است.

1. Heer
2. Good, W.
3. Beck, U.
4. McDonald

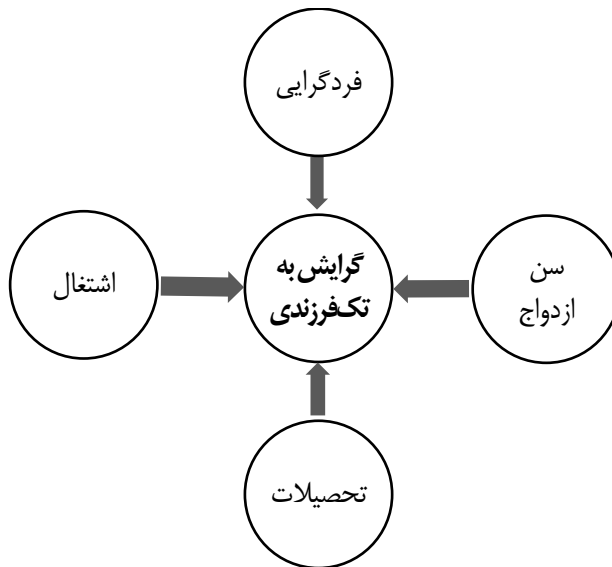
براین اساس تغییر نگاه به وضعیت زنان در جامعه چه از سوی مردان و چه از سوی زنان، شاید یکی از اساسی‌ترین محورهای کاهش مولید باشد؛ زیرا با ورود زنان به عرصه اجتماعی، جایگاهشان در جامعه تغییر می‌کند (به نقل از پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷). زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان از جمله تحصیلات و اشتغال دست یابند و ازدواج و مادر شدن را به جهت از دست ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر انداخته یا به تک‌فرزندی اکتفا می‌کنند (به نقل از: خلج‌آبادی و سرایی، ۱۳۹۵). چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه نوسازی اینکلس و اسمیت<sup>۱</sup> است. از نظر اینکلس و اسمیت نوسازی، فرایندی اجتماعی - روانی است که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید نوین را کسب می‌کنند (به نقل از: از کیا، ۱۳۸۱). نوسازی یک نوع شیوه زندگی و فکری به‌وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف می‌کند و آینده‌نگری و رسیدن به یک زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند (به نقل از: محمودیان و ذراهمکی، ۱۳۹۳، ص. ۴). نوگرایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده، موجب کاهش فرزندآوری است؛ بنابراین هر قدر میزان نوگرایی والدین افزایش یابد، احتمال داشتن فرزند کمتر، بالا می‌رود. در جریان نوسازی میزان استفاده از فناوری، سطح تحصیلات زنان، حضور و مشارکت در جامعه و فعالیت مدنی، اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌یابد و موقعیت زنان بهبود یافته و با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش فرصت‌های شغلی زنان، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، میزان باروری کاهش می‌یابد (به نقل از: مشفق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۵). نوسازی از طریق تغییر ساختار خانواده که در نتیجه صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات، دسترسی به رسانه‌ها و امکانات پیشرفته رخ داده، موجب کاهش باروری زوجین می‌شود. اینکلس و اسمیت معتقدند افراد نوگرا به‌دلیل ویژگی‌هایی مانند عمل‌گرایی، پذیرش تجربه‌های جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی و جهانی، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی و ریسک‌پذیری تحت تأثیر اندیشه جدید و منفعت‌طلبانه هستند که می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به میزان باروری مؤثر باشد (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴ به نقل از: وحیدنیا، ۱۳۹۵، ص. ۳۵).

در جامعه فعلی که ارزش‌های آن اعضای جامعه را به سمت کنش‌های عقلانی معطوف به هدف فردی پیش می‌برد، منفعت، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار افراد

1. Inkeles, A. & Smith, D. H.

است. پدیده باروری در جامعه جدید به کنشی یک‌طرفه مبدل شده است که در آن فرزندان، کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند. اگر در گذشته انتظار می‌رفت فرزندان خدماتی نظیر دستگیری از والدین را انجام دهند، امروزه بنابر مقتضیات زمان و مکان نمی‌توان انتظار داشت فرزندان عصای دست روزگار پیری باشند (به نقل از: محمدی و صیفوری، ۱۳۹۵، ص. ۵۶).

## ۶. مدل نظری پژوهش



شکل (۱): مدل نظر پژوهش

## ۷. روش پژوهش

### ۷-۱. شرح روش تحقیق، جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد اثبات‌گرایی و روش کمی انجام گرفته است. این پژوهش از نوع پیمایشی است. از نظر کاربرد این پژوهش بنیادی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل زنان متأهل شهر تهران است که در سال ۱۳۹۹ در تهران سکونت داشته‌اند. باتوجه به تارنمای مرکز آمار ایران، آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ است که تعداد زنان دارای همسر در نقاط شهری تهران برابر است با

۱،۶۳۴،۲۹۶ که حجم جامعه آماری را تشکیل می‌دهد. با جای‌گذاری اعداد فوق در فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد که برای بالا بردن ضریب اطمینان ۴۲۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. از آنجا که حجم جامعه آماری خیلی گسترده است و اطلاعاتی از صفات جامعه آماری در دسترس نیست، از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا شهر تهران را بر اساس نواحی جغرافیایی به سه حوزه شمال، جنوب و مرکز تقسیم نموده و از هر حوزه به صورت تصادفی، یک منطقه (شهرداری) انتخاب شد. از حوزه شمال تهران، منطقه ۳، از حوزه جنوب تهران، منطقه ۱۵ و از حوزه مرکز تهران، منطقه ۱۲ در نظر گرفته شد.

## ۲-۷. بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد

ابزار مورد نیاز در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد به کار گرفته شد. لاوشه<sup>۱</sup> یک روش پُرکاربرد را برای سنجش اعتبار محتوا ابداع کرد. این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران در خصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص را اندازه‌گیری می‌کند (نقل از: میرزایی، ۱۳۸۹). مطابق این روش می‌توان گفت که گویه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش به علت توافق نظر داوران مبنی بر مناسب بودن، دارای اعتبار محتوا است. برای تعیین قابلیت اعتماد از روش آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بدین ترتیب که با انجام یک پژوهش مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل ۳۰ نفر از زنان دارای متأهل ساکن شهر تهران که به صورت تصادفی انتخاب شدند، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد و طبق جدول زیر همگی بالای ۰،۷۰ به دست آمد که در علوم انسانی این میزان قابل قبول است.

جدول (۱): بررسی آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد سؤال‌ها	میزان آلفای کرونباخ
گرایش به تک‌فرزندی	۱۸	۰،۸۲
فردگرایی	۱۶	۰،۷۲

## ۳-۷. تعریف متغیرها

گرایش به تک‌فرزندی: گرایش به تک‌فرزندی، قصد و تمایل زوجین برای داشتن تنها

یک فرزند در طول دوران ازدواج که بنابر توافق قبلی دو طرف است، که در سه بُعد: ۱- نگرش به تعداد فرزندان و ۲- تمایل به فرزندآوری و ۳- قصد به فرزندآوری بر اساس جدول زیر در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای است.

### جدول (۲): ابعاد محوری عناصر مفهومی گرایش به تک‌فرزندی

ابعاد	گویه‌ها
تعداد فرزندان	خانواده‌ها برای تعیین تعداد فرزندان خود بر اساس وضعیت اقتصادی تصمیم می‌گیرند.
	هر چه تعداد فرزندان یک خانواده بیشتر باشد، فرزندان بهتر تربیت می‌شوند.
	فرزندان زیاد باعث افزایش قدرت و نفوذ خانواده در اجتماع می‌شود.
	فرزندان به خواهر و برادر احتیاج دارند.
	فرزندان به محکم شدن پیوند ازدواج زن و شوهر کمک می‌کنند.
	داشتن فرزندان زیاد موجب سلب آرامش و آسایش پدر و مادر می‌شوند.
	مراقبت از فرزندان در بعضی از مواقع برای والدین خسته‌کننده و کسالت‌آور است.
	هر چه تعداد فرزندان خانواده کمتر باشد، موفقیت تحصیلی بیشتری دارند.
	افزایش تعداد فرزندان باعث می‌شود زنان نتوانند به راحتی به مشاغل بیرون از خانه بپردازند.
	داشتن فرزند زیاد باعث می‌شود به همسر توجه کمتری شود.
تربیت	با در نظر گرفتن تمام شرایط تک‌فرزندی را ترجیح می‌دهیم.
	دلمان می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
	همسرم دلش می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
	تمایلی به داشتن فرزند جدید نداریم چون فکر می‌کنیم نمی‌توانیم از او نگهداری و تربیت کنیم.
فشار	قصد به دنیا آوردن فرزند دیگری را داریم.
	برنامه‌ریزی برای آوردن فرزند دیگر را کرده‌ایم.
	فشار و توصیه دیگران نظر ما در فرزندآوری را تغییر نمی‌دهد.
	اگر فرزندم پسر باشد حاضر نیستم فرزند دیگری بیاورم.

منبع: (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵ و برگرفته از: شمس‌الدینی، ۱۳۹۴)

**فردگرایی:** در این پژوهش، فردگرایی بر اساس دیدگاه تریاندیس<sup>۱</sup> با دو رویکرد مثبت (فردگرایی افقی<sup>۲</sup>) و منفی (فردگرایی عمودی<sup>۳</sup>) مورد سنجش قرار گرفته است.

1. Triandis H.
2. horizontal individualism
3. vertical individualism

است. باتوجه به تعریف نظری، شاخص‌های فردگرایی افقی عبارت‌اند از: خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکاء به نفس (متکی بودن به خود) و انتخاب اهداف شخصی که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند و فردگرایی عمودی (منفی) بر اساس ویژگی‌های جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی بر اساس جدول زیر در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای سنجیده شده است.

جدول (۲): ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر فردگرایی

ابعاد	خرده ابعاد	شاخص‌ها
رتبه‌ای خودباوری	خوداتکایی	برای شروع کارهایم نیازی نیست دیگران به من تذکر بدهند و خودم آغازکننده هستم.
		نسبتاً به خودم وابسته‌ام تا به دیگران.
	خودباوری	فکر می‌کنم لیاقت چیزهایی که به‌دست آورده‌ام را دارم.
		آدم بسیار منظم و برنامه‌مندی هستم.
رتبه‌ای خودمحوری	فاصله عاطفی	اهداف مشخصی در زندگی دارم و سعی می‌کنم به آنها دست پیدا کنم.
		در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم.
		بدون دیگران هم می‌توانم به اهدافم برسیم.
	خودمحوری	دوستی‌های من با دیگران سطحی است و عمقی ندارد.
		در کار ابتدا خودم را در نظر می‌گیرم و نظر خودم مهم است.
		دوست ندارم برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم کاری انجام دهم.
	جاه‌طلبی	مهم تلاش و سعی من است و نظر دیگران چندان اهمیتی ندارد.
		هر کس باید برای آینده‌اش خودش تصمیم بگیرد.
		برای رسیدن به موفقیت به هر قیمت تلاش می‌کنم.
		هنگام تصمیم‌های مهم خودم را در نظر می‌گیرم.
رقابت	بدون رقابت ممکن نیست بتوان جامعه خوبی داشت.	
	ترجیح می‌دهم با دیگران همکاری کنم تا با آنها به رقابت بپردازم.	

منبع: (ن.ک: خواجه نوری؛ پرنیان و جعفری، ۱۳۹۲)

وضعیت اشتغال زنان در سطح سنجش اسمی با سه گزینه خانه‌دار، شاغل و دانشجو، سن ازدواج در سطح سنجش Scale با یک سؤال باز و سطح تحصیلات در سطح سنجش رتبه‌ای با پنج گزینه دیپلم و پایین‌تر، فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا مورد پرسش قرار گرفت.

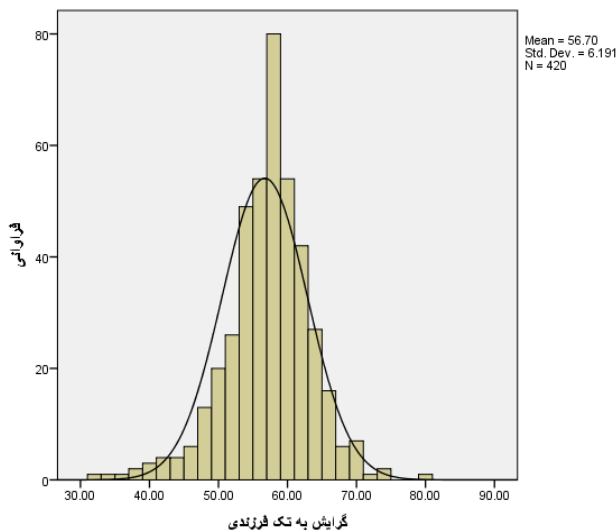
## ۸. یافته‌های پژوهش

### ۸-۱. مروری بر یافته‌های توصیفی

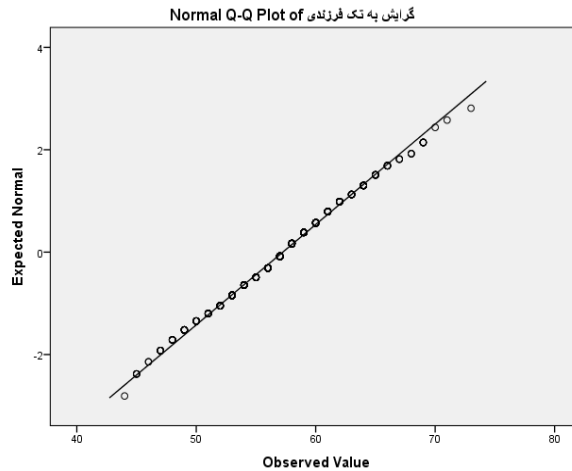
میانگین سن پاسخگویان ۳۶ سال، میانه سن پاسخگویان ۳۸ سال و نما ۲۹ سال است. میانگین سن ازدواج پاسخگویان، ۲۳ سال، میانه سن ازدواج پاسخگویان ۲۴ سال و نما برابر ۲۵ است. بیشتر پاسخگویان دو فرزند (۳۴ درصد) و یا یک فرزند (۳۳ درصد) دارند. تحصیلات بیشتر پاسخگویان (۳۷ درصد) کارشناسی و پس از آن فوق دیپلم (۳۲ درصد) است. گرایش به تک‌فرزندی میان اکثر پاسخگویان (۸۵ درصد) پاسخگویان متوسط است و فردگرایی اکثر پاسخگویان (۷۸ درصد) متوسط است.

### ۸-۲. بررسی به‌هنجار بودن متغیر وابسته

لازم به ذکر است به‌هنجار بودن متغیر گرایش به تک‌فرزندی با استفاده از آزمون‌های کولموگورف - سمیرنف، نمودار Q-Q، نمودار Box Plot، نمودار هیستوگرام و مقایسه انواع میانگین‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه نشان داد که این متغیر دارای توزیع به‌هنجار است؛ به‌عنوان نمونه، نمودار هیستوگرام و نمودار Q-Q آورده شده است:



نمودار (۱): نمودار هیستوگرام



نمودار (۲): نمودار Q.Q

### ۸-۳. آزمون فرضیه‌ها

بررسی فرضیه ۱- بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن ازدواج و گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی

سن ازدواج	گرایش به تک‌فرزندی		
.294**	1	R	گرایش به تک‌فرزندی
.000		Sig	
417	420	N	سن ازدواج
1	.294**	R	
	.000	Sig	
417	417	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری  $Sig=0,000$  با سن ازدواج همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با  $r=0,29$  شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. بالا رفتن سن ازدواج فرصت داشتن فرزندان بیشتر را از افراد سلب

می‌کند و زوجین به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از داشتن بیش از یک فرزند اجتناب می‌ورزند.

بررسی فرضیه ۲- بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.

**جدول (۵): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فردگرایی و گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی**

فردگرایی	گرایش به تک‌فرزندی		
.267**	1	R	گرایش به تک‌فرزندی
.000		Sig	
420	420	N	
1	.267**	R	فردگرایی
	.000	Sig	
420	420	N	

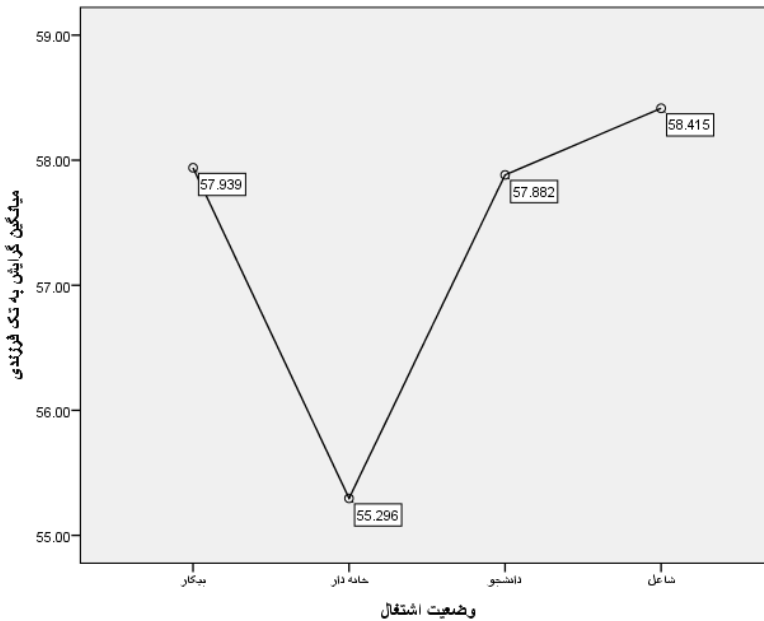
گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری  $Sig=0,000$  با فردگرایی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با  $r=0,26$  شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. افزایش فردگرایی با افزایش مولفه‌های خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکا به نفس، جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی می‌تواند همراه باشد. در واقع با افزایش فردگرایی، توجه فرد به خود و نیازهایش افزایش می‌یابد و داشتن فرزند بیشتر فرد را از توجه به خویشتن بازمی‌دارد، به این ترتیب گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد.

بررسی فرضیه ۳- گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد.

**جدول (۶): آزمون F (تحلیل واریانس) گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال**

Sig	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات	
.000	8.143	298.252	3	894.757	بین گروهی
		36.625	414	15162.862	درون گروهی
			417	16057.620	مجموع

از آنجایی که متغیر گرایش به تک‌فرزندی در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد و محقق قصد مقایسه میانگین این متغیر را در بین چهار گروه دارد، در نتیجه از آزمون F مستقل استفاده می‌نماییم. نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری  $Sig=0.00$  و میزان  $F=8.14$  حاکی از آن است که میزان گرایش به تک‌فرزندی در بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد؛ بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه  $H_0$  رد می‌گردد.



### نمودار (۳): نمودار خطی مقایسه میانگین گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال

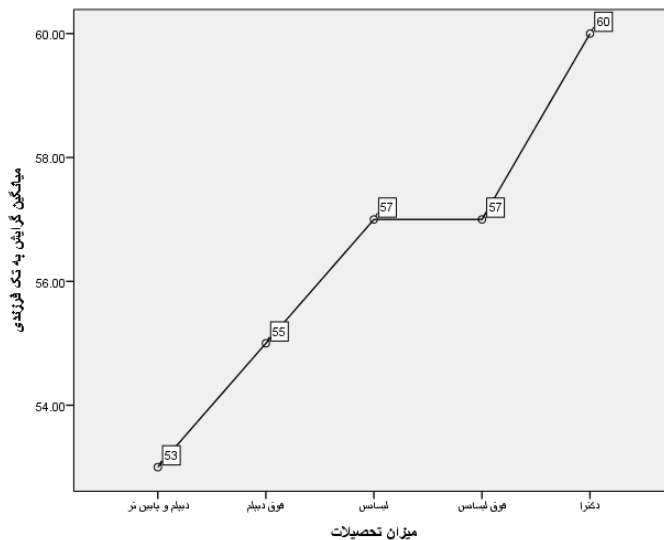
با توجه به نتایج نمودار فوق، مشاهده می‌شود که میانگین گرایش به تک‌فرزندی میان افراد شاغل بیشترین میزان و بعد از آن به ترتیب، بی‌کار و دانشجو می‌باشد و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. افراد خانه‌دار فرصت بیشتری برای فرزندداری در اختیار دارند؛ بنابراین گرایش به تک‌فرزندی در میان افراد خانه‌دار نسبت به افراد شاغل که مشغول کار هستند و دانشجویان که مشغول تحصیل هستند، کمتر است.

بررسی فرضیه ۴- بین زنان با سطح تحصیلات مختلف از نظر گرایش به تک‌فرزندی تفاوت معناداری دارد.

**جدول (۷): آزمون F (تحلیل واریانس) گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی بین گروه‌های مختلف سطح تحصیلات**

Sig	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	
.010	6.587	234.099	4	936.397	بین گروهی
		35.542	412	14643.099	درون گروهی
			416	15579.496	مجموع

از آنجایی که متغیر گرایش به تک‌فرزندی در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد و محقق قصد مقایسه میانگین این متغیر را در بین پنج گروه دارد، در نتیجه از آزمون F مستقل استفاده می‌نماییم. نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری Sig=0.01 و میزان F=6.58 حاکی از آن است که میزان گرایش به تک‌فرزندی در بین گروه‌های مختلف سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد؛ بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه  $H_0$  رد می‌شود.



**نمودار (۴): نمودار خطی مقایسه میانگین گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات**

با توجه به نتایج نمودار فوق مشاهده می‌شود که میانگین گرایش به تک‌فرزندی

میان افراد با تحصیلات دکترا بیشترین میزان و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

پدیده تک‌فرزندی در جوامع در حال توسعه موضوعی نوظهور است و خلأ تحقیقاتی در این حوزه چشمگیر است که در بخش پیشینه به برخی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اشاره شد؛ بنابراین ضرورت دارد با انجام تحقیقات گسترده ابعاد مختلف آن بررسی شود و این پژوهش در این راستا صورت گرفته است. پدیده تک‌فرزندی در دو سطح قابل مطالعه است؛ سطح کلان معطوف به برنامه‌ریزی‌های دولت‌هاست و سطح خرد معطوف به نگرش‌ها و به تبع آن کنش‌هاست که مدنظر این تحقیق بوده است. یافته‌های پژوهشی سطح خرد می‌توانند دستاوردهای مهمی را در برنامه‌ریزی‌های کلان فراهم آورند. در این پژوهش هم باروری تحقق یافته بررسی شده است که مربوط به متأهلینی است که دارای یک یا چند فرزند هستند و هم باروری مطلوب مورد مطالعه قرار گرفته است که شامل متأهلینی است که هنوز فرزندی ندارند.

نتایج نشان می‌دهد با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. نورویل و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) دریافتند نرخ باروری تحت تأثیر سن ازدواج و به تعویق انداختن ازدواج است. در مطالعه دیگری در کشور فرانسه نیز بر همین موضوع تأکید شده است. می‌توان گفت در همه تحقیقاتی که در زمینه باروری صورت گرفته است عامل سن به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر باروری مطرح شده است. تأخیر در ازدواج به‌دلیل طولانی بودن دوره تحصیلات و اشتغال و سخت‌گیری در انتخاب همسر و عوامل دیگر، فرصت فرزندآوری را کاهش می‌دهد.

نتایج فرضیه دوم حاکی از آن است که با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. از نظر بک و بک - گرنشایم<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) خوش‌گذرانی و خودخواهی نسل جوان و فعالیت زنان برای آزادی، عامل اصلی کاهش باروری است. امروزه مفاهیمی چون فردگرایی و خودشکوفایی، آزادی انتخاب، پیشرفت فردی و سبک زندگی، متغیرهایی هستند که رفتار باروری را تبیین می‌کنند. زوجین تنها به این دلیل دارای بچه می‌شوند یا نمی‌شوند که نیازهای

1. Norville & et al.

2. Beck & Beck-Gernsheim

خصوصی و شخصی خود را برآورده سازند. تمایل به فردگرایی و ارتقاء سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. در این حالت زنان و مادران احساس می‌کنند که با حضور فرزند آرزوها و آمال شخصی‌شان به خطر می‌افتد. بنابراین گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می‌یابد (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲). یکی از مشخصات جامعه امروزی، فردگرایی است که مؤلفه‌های زیادی دارد از جمله توجه به حقوق فردی، آسایش و رفاه، پیشرفت شغلی. در این میان فرزندآوری به‌عنوان عاملی که در بطن خود از خودگذشتگی و نادیده گرفتن آسایش فردی را به همراه دارد به ناچار محکوم به عقب‌نشینی است و این‌گونه است که زنان ترجیح می‌دهند دیرتر ازدواج کنند، دیرتر فرزندآوری داشته باشند و به حداقل فرزند اکتفا کنند. به‌این‌ترتیب با افزایش فردگرایی، تمایل به باروری کمتر می‌شود و تمایل به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد. محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) نیز به این نتیجه رسیدند که بین فردگرایی و میزان تک‌فرزندی رابطه مستقیم برقرار است. چمنی و همکاران (۱۳۹۴) نیز رابطه فوق را تأیید کرده‌اند که این‌که رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز بر آن صحه گذاشته‌اند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه سوم میانگین گرایش به تک‌فرزندی میان افراد شاغل بیشترین میزان و بعد از آن به ترتیب، بیکار و دانشجو است و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. افراد خانه‌دار فرصت بیشتری برای فرزندآوری در اختیار دارند. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که خانه‌دار بودن زنان در بالا بردن سطح باروری زنان مؤثر است. فرانسیزکا و مکارینی (۲۰۱۸) دریافتند حفظ شغل و موقعیت اجتماعی و شغلی ایجاب می‌کند، والدین به یک فرزند اکتفا کنند. سیلا و همکاران (۲۰۱۶) هم اعلام کردند؛ اشتغال تمام‌وقت و بودن فرصت شغلی برای زنان بی‌فرزند باعث شده که تمایل به فرزندآوری در بین زوجین کم باشد. نورویل و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند میزان باروری در ارتباط با اشتغال زنان است.

نتایج فرضیه چهارم نشان داد که گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری دارد. به این معنا که با بالا رفتن سطح تحصیلات گرایش به تک‌فرزندی هم افزایش می‌یابد. کما این‌که خانی و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیده بودند. همچنین هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) رابطه عوامل فوق را تأیید کرده‌اند. در فرهنگ ما نیز توجه به علم‌آموزی مورد توجه قرار گرفته است، اما می‌توان همزمان با تشکیل خانواده و باروری نیز به این مهم پرداخت. البته لازمه آن،

کار فرهنگی است که محتاج زمان طولانی است.

بر همین اساس موفقیت پایدار سیاست‌گذاری‌های جمعیتی مستلزم توجه کافی به مناطق مختلف کشور و منوط به مطالعات دقیق علمی ناظر بر رویکردهای جمعیتی ساکنین مناطق مختلف در سرتاسر ایران است. در کشور ما در مقاطعی از تاریخ، سیاست دولتمردان بر فزونی جمعیت و در مقاطعی بر کنترل و کاهش آن بوده است. به نظر می‌رسد این سیاست‌ها نیازمند توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و گرنه مسئله‌ساز می‌شود. در شرایط فعلی که اهتمام دولتمردان بر افزایش رشد جمعیت است، نباید از نیازهای جمعیتی که اضافه می‌شوند غافل شوند.

باتوجه به اینکه تأخیر در ازدواج عامل مهمی در فرزندآوری است توصیه می‌شود همه امکانات برای تسهیل ازدواج به کار گرفته شود؛ مثلاً با بالا بردن میزان وام ازدواج و تسریع در آن؛ امتیاز قائل شدن برای افراد متأهل به شکل‌های مختلف و ایجاد نگرش مثبت به ازدواج در جوانان از راه‌های مختلف می‌توان شرایط ازدواج آسان را فراهم آورد.

مسئولان وظیفه دارند شرایط ازدواج به موقع را فراهم نمایند. البته علاوه بر عوامل اقتصادی به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی نیز در تأخیر در ازدواج بسیار اهمیت دارد و باید تمهیدهای لازم در این زمینه اندیشیده شود. از جمله عوامل فرهنگی که در بالا رفتن سن ازدواج نقش به‌سزایی دارد، آیین و رسوم و آداب سخت‌گیرانه‌ای است که همچنان در فرهنگ ما رواج دارد؛ به‌عنوان نمونه مراسم بازدید از جهیزیه که بسیاری از خانواده‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. تعدد مراسم نیز می‌تواند دست و پاگیر باشد، از جمله مراسم حنابندان و پاتختی. همچنین شیوه برگزاری برخی مراسم همراه با دشواری‌هایی است؛ به‌عنوان نمونه اصرار بر حضور تمامی بزرگان فامیل در مراسم بله‌برون که به علت اعمال نظر برخی از آنان در فرایند ازدواج، گاهی منجر به برهم خوردن مراسم می‌شود. عوامل فرهنگی ذکر شده و عواملی از این قبیل با ارائه آموزش‌هایی برای خانواده‌ها قابل اصلاح است. این آموزش‌ها از طریق رسانه‌های مختلف و شبکه‌های اجتماعی که مخاطبان فراوانی دارد، نیز قابل اجرا می‌باشد.

باتوجه به اینکه اشتغال زنان مانع مهمی در فرزندآوری محسوب می‌شود پیشنهاد می‌شود همه امکانات برای رفاه حال زنان شاغل به کار گرفته شود؛ مثلاً دورکاری، کار نیمه‌وقت با حقوق کامل، مرخصی زایمان طولانی‌تر، دادن کمک هزینه مهدکودک یا ایجاد مهدکودک رایگان، پوشش بیمه‌خدمات درمانی برای مادر و

کودک. از آنجاکه فردگرایی سهم بالایی در کاهش فرزندآوری دارد توصیه می‌شود کار فرهنگی در این زمینه صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، مردان هم در جامعه آماری در نظر گرفته شوند. چون امروزه مردان و زنان در مورد داشتن یا نداشتن فرزند و همچنین تعداد فرزندان با هم تصمیم می‌گیرند.

## فهرست منابع

- ابراهیم‌پور، محسن و عبادی، صفیه (۱۳۹۴). تفاوت‌ها و ترجیحات نسلی در فرزندآوری (نظرها و نگرش‌ها) مطالعه مورد: شهرسازی. *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال هفتم، (۱۰)، ۷۸-۵۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه.
- پیلتن، فخرالسادات و رحمانیان، محمد (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل در شهر جهرم. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، (۲)، ۱۲۱-۱۳۴.
- تراب‌زاده، پگاه (۱۳۹۳). *تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به باوری با استفاده از روش نظریه میدانی*. همایش ملی چالش‌های خانواده ایرانی، ۱-۱۶.
- ترکیان و لاشانی، سمانه؛ صاحب جانی، زهرا؛ زمانی علویچه، فرشته؛ حیدری، زهرا و شوشتری مقدم، زهرا (۱۳۹۸). فرزندآوری: عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده. *نشریه پایش*، تابستان، سال هجدهم، (۳)، ۲۴۱-۲۴۹.
- چمنی، سولماز؛ شکرپیگی، عالیه و مشفق، محمود (۱۳۹۴). مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متأهل شهر تهران). *فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، پاییز، سال پنجم، (۲۰)، ۱۳۷-۱۶۵.
- حاجیان، بهجت و مکتوبیان، مریم (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان از فرزندآوری. *فصلنامه جمعیت*، تابستان، (۲۲)، ۳۶-۱۱.
- حسینی، حاتم و بگی، بلال (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان. *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، بهار، سال هجدهم، (۱)، ۴۳-۳۵.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمدمامین و عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۵). جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*

- ایران، تابستان، سال یازدهم، (۲۱)، ۱۰۱-۱۳۵.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین و عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۹۷). مقایسه میان نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. *مسائل اجتماعی ایران، زمستان، سال نهم، (۲)*، ۴۹-۷۶.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، بهار، سال هجدهم، (۷۱)*، ۳۰-۵۸.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی؛ حسینی، زینب و شیخی، محمدتقی (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، زمستان، سال یازدهم، (۲۲)*، ۴۳-۸۲.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و ریاحی، محمدناصر (۱۳۹۶). جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری. *مطالعات راهبردی زنان، سال نوزدهم، (۷۵)*، ۷-۳۱.
- رضوی‌زاده، ندا؛ غفاریان، الهه و اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری. *راهبرد فرهنگ، پاییز، سال هفتم، (۳۱)*، ۷۳-۹۸.
- شمس‌الدینی، حسین (۱۳۹۴). بررسی نگرش به فرزندآوری با تأکید بر مؤلفه‌های سبک زندگی در بین زنان مراجعه‌کننده به شبکه‌های بهداشت شهر تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صادقی، حنا و سرایی، حسن (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، تابستان، سال پنجم، (۲۷)*، ۱-۳۲.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، محمداسماعیل؛ حائری مهریزی، علی‌اصغر؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی (۱۳۹۴). فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی. *نشریه پایش، پاییز، سال چهارم، (۵)*، ۵۷۹-۶۰۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری در شهر سیرجان. *نشریه زن در توسعه و سیاست، بهار، سال یازدهم، (۱)*، ۴۵-۶۴.
- علیزاده سیوکی، هادی؛ کشاورز، محسن؛ جعفری، احمد؛ رضانی، حسن و صیادی، غلامعلی (۱۳۹۳). تأثیر برنامه آموزشی بر آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تربت حیدریه. *مجله علوم پزشکی تربت حیدریه، تابستان، سال یکم، (۱)*، ۴۴-۵۵.
- عنایت، حلیمه و پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش

- به فرزندآوری. *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، تابستان، سال چهارم، (۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- فروتن، یعقوب و بیژنی، حمیدرضا (۱۳۹۹). تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، تابستان، سال پانزدهم، (۲۹)، ۲۶۵-۲۹۱.
- قاسمی اردهابی، علی؛ راد، فیروز و ثوابی، حمیده (۱۳۹۳). بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین. *مطالعات راهبردی زنان*، سال شانزدهم، (۶۴).
- قاسمی اردهابی، علی؛ منافی آذر، رضا و محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان متأهل شهرستان اهر. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، پاییز، سال بیست و یکم، (۸۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
- گززارش وضعیت نـرخ بـاروری در ایـران (۱۳۹۸):  
<https://nih.tums.ac.ir/UpFiles/Documents/613776ed-7680-4095-9471-0c20eaf23c13.pdf>
- گلیپایگانی، زهرا (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مؤثر بر تغییر نگرش خانواده‌های ایرانی در خصوص کم‌فرزندآوری با نگاه به سیاست‌های جمعیتی*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی - روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ۱-۱۵.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه ویدا ناصحی، تهران: نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدی، نعیم و صیفوری، بتول (۱۳۹۵). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان*. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، پاییز، سال یازدهم، (۳۶)، ۷-۴۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). *سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان*. *نامه علوم اجتماعی*، تابستان، سال هفتم، (۲۴)، ۲۷-۵۳.
- محمودیان، حسین و ذراهمی، احمد (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج*. *نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۳(۲۳)، ۱-۲۵.
- مرتضوی، مهناز؛ حسینیان، سیمین؛ رسولی، رؤیا و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۸). *تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین*. *خانواده‌پژوهی*، تابستان، سال پانزدهم، (۵۸)، ۲۵۱-۲۶۶.
- مشفق، محمود؛ مرادی ثانی، قدرت و حسین‌خانی، سحر (۱۳۹۵). *تحلیلی بر رابطه*

اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور. *فصلنامه جمعیت، تابستان، سال بیست و سوم، (۹۶)، ۱-۲۴.*

منتظری، علی (۱۳۹۵). *بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران.* تهران: مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی.

میرزایی، خلیل (۱۳۸۹). *طرح و پایان‌نامه‌نویسی.* انتشارات جامعه‌شناسان.

وحیدنیا، نرگس (۱۳۹۵). *نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی.* سلامت اجتماعی، ۳(۴)، ۲۹۹-۳۰۶.

هاشمی‌نیا، فاطمه؛ رجبی، ماهرخ و یاراحمدی، علی (۱۳۹۶). *بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان در بین زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر شیراز.* *جامعه‌شناسی کاربردی، پاییز، سال بیست و هشتم، (۳)، ۶۱-۷۸.*

هیر، دیوید (۱۳۸۰). *جامعه و جمعیت، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت.* ترجمه یعقوب فروتن، تهران: دانشگاه مازندران.

- Basu, A. M. & Desai, S. (2016). Hopes, dreams and anxieties: India's one-child families. *Asian population study*, 12(1), 4-27.
- Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence*. London: sage.
- Celia, CH. & Chan, C.Timothy, CH. (2016). Perceived importance of childbearing and attitudes toward assisted reproductive technology among Chinese lesbians in Hong Kong: implications for psychological well-being. *Public health information*, 106(5), 1221-1229.
- Conteh. Kh. (2014). *Socio-economic and Cultural Factors Influencing Desired Family Size in Sierra Leone*. Master Thesis College of Bowling Green.
- Francesca, L. & Mencarini, M. (2018). Parents' subjective well-being after their first child and declining fertility expectations. *Demographic Research*, 9(39), 285-314.
- Norville, Claire. Gomez Rocio., L. Brown, Robert (2016). Some causes of fertility rates movements. *merican Enterprise Institute Washington Times*, 7(13), 1-29.
- Pradhan, I. & Sekher, T.V. (2014). Single-Child Families in India: Levels, Trends and Determinations. *Asian Population Studies*, 10(2), 163-175.
- Rita, Testa, M. & Cavalli, L. Rosina, A. (2016). The Decision of Whether to Have a Child: Does Couple Disagreement Matter. *Vienna Institute of Demography Austrian Academy of Sciences*, 12(14), 1-27.
- Toko, W. (2013). A study of parents' beliefs and attitudes toward childbearing and education. *Maternal and Child Health Journal*, 11(2), 189-98.


## References

- Afrini, Fateme; Akbari, Nahid & Montazeri, Ali (2018). Relationship between social support and intention to have children in women living in Tehran, *Payesh Journal*, 17(3), 328-315. (In Persian)
- Agha, Homa (1986). Study of fertility in Iran and its relationship with indicators of economic and social status, Shiraz: Demographic Center of Shiraz University. (In Persian)
- Aghaari Heer, Tawakul; Farrokhi Nekaristan, Mina; Latifi Majra, Sayeda Sediqa (2016). Having children as a risk (qualitative study of low birth rates in Tabriz city), *Council Quarterly Women's Strategie Studies*, 19(73), 7-33. (In Persian)
- Arjamand Siahposh, Ishaq; Broumand Nahid (2016). Investigating the social and cultural factors affecting the tendency to have children in Andimeshk city with an emphasis on lifestyle (a case study of married women under 35 years old), *SOCIOLOGICAL STUDIES OF YOUTH*, 6 (21), 9-24. (In Persian)
- Azkiā, Mustafa & Ghafari, Gholamreza (2009). *Sociology of development*, Tehran: Keyhan. (In Persian)
- Bakhtiari Far, Ayatollah (2017). Sociological study of the effect of economic and social class on the value system of women in Isfahan city, *Shushtar Azad University Social Sciences*, Year 11, Autumn 2016, (3), 177-206. (In Persian)
- Barber, William J. (1991). *The course of economic ideas: a comparative study of classical and neoclassical schools and Marx and Keynes*, translated by Habibullah Teymuri, Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization. (In Persian)
- Ebrahimpour, Mohsen; Ebadi, Safia (2015). Generational Differences and Preferences in Childbearing in the City of Sari (Opinions and Attitudes), *Journal of Population Association of Iran*, 8(16), 55-78. (In Persian)
- Inglehart, Ronald (1994). *Cultural transformation in advanced industrial society*, Translator: Maryam Vetter, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Islamzadeh, Ali (2018). *Psychology of an only child*, Tehran: Academic. (In Persian)
- Janinibellotti, Elena (2002). *If you have a daughter, Sociology and psychology of character formation in girls*, Translator: Mohammad Jaafar Powendeh, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Oktaei, Rosita (2005). *Fertility decline in Iran and social, economic and cultural factors affecting it, with emphasis on the role of family planning between 1986-1996 (case study: Isfahan city)*, Master's thesis, Sociology, Isfahan university. (In Persian)
- Parvinian, Fariba; Rostamalizadeh, Wali Allah & Habibi, Reza (2018). The effect of today's lifestyle of women on the rate of childbearing; A case study of Qazvin city, *Women and Society (Sociology of Women)*, Year 9, (4), 39-72. (In Persian)
- Pejhan, Ali & Afshari, Parwaneh (2018). *Attitude of disabled women*


- towards having children in Tehran, the quarterly journal of Social Work Research, (11), April 2016, 152-184. (In Persian)
- Piltan, Fakhrosadat & Rahmadian Mohammad (2015). Investigating Factors Affecting the Tendency toward Childbearing among Married Men and Women (Case of Study: Men and Women aged 25 to 45 years Old in Jahrom), Journal of Iranian Social Development Studies (JISDS), 7(2), 121-134. (In Persian)
- Tarabzadeh, Pegah (2014). Sociological analysis of factors affecting fertility attitude using field theory method, National Conference on Iranian Family Challenges. (In Persian)
- Turkian Velashani, Saheb Jan; Zamani Alvijah, Fereshteh; Heydari & Shushtri Moghaddam, Zahra (2019). Having children: driving and inhibiting factors, Journal of Payesh, 18(3), 241-249.

# چالش کاوی بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی؛ با رویکرد داده‌بنیاد<sup>۱</sup>


صفیه رضایی

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران.  
safiyeh.rezaee@gmail.com  0000-0002-2559-3362

محمد رحیم عبوضی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
danesh.mr@yahoo.com  0000-0005-1450-9802

عباسعلی رهبر

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران.  
aa.rahbar@ut.ac.ir  0000-0003-4170-1316

## چکیده

یکی از موضوع‌های مطرح در مطالعات سیاست‌گذاری، استفاده از رویکردهای آینده‌نگرانه و بهره‌گیری از دانش و ابزار آینده‌پژوهی است. این مبحث مورد اجماع است که اگر مطالعات سیاست‌گذاری بدون تکیه بر رویکردهای آینده‌نگرانه صورت گیرند، خلأها و نقصان‌های متوالی بر چرخه سیاست‌گذاری پُر تکرار می‌شود. این مسئله در سیاست‌گذاری فرهنگی به واسطه اهمیت مقوله فرهنگ و با توجه به لایه‌ای بودن عدم قطعیت‌ها و متغیرها پُراهمیت‌تر است؛ با این حال در ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری همواره چالش‌هایی وجود داشته که بستر بهره‌گیری سیاست‌گذاری از آینده‌پژوهی را نامتوازن ساخته است. هدف این نوشتار، بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری است و این سؤال اصلی مطرح است که چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟ برای پیشبرد پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش کیفی مصاحبه عمیق و نظریه داده‌بنیاد بهره گرفته شده است. این پژوهش با رویکرد کاربردی نگارش شده است که بر اساس یافته‌های آن، چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری بیش از آنکه مربوط به سطوح نهادی و سیاسی باشد مربوط به عدم نهادینگی علمی آینده‌پژوهی است که مستقیم و غیرمستقیم

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

با مؤلفه فرهنگ آموزشی در ارتباط است. به عبارتی موضوعهای مرتبط با فرهنگ آموزشی و علمی بیشترین سهم چالش‌انگیزی را در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی را دارا هستند.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی، چرخه سیاست‌گذاری، چالش، سیاست‌گذاری فرهنگی، نظریه داده‌بنیاد.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



## مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌گذاری و به‌ویژه سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران که در بستر آن، حفظ ارزش‌ها و توسعه آرمان‌ها مورد تأکید است، جایگاه مهمی دارد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱، ص. ۵۶). با این حال از آنجایی که سیاست‌گذاری، علمی عملیاتی یا علم سیاست در عمل تعریف شده است، مستعد چالش‌هایی است که فرایند آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این چالش‌ها گاه از جانب سیاست‌گذاران و گاه در قالب چرخه سیاستی رخ می‌دهد. ناآگاهی سیاست‌گذاران و نداشتن تسلط بر فرایند سیاستی، عدم لحاظ ارزیابی مسائل، عدم قدرت نظارت بر چرخه سیاستی، ناکارآمدی بخش اجرای سیاست‌ها، فقدان چابکی چرخه سیاستی، عدم صورت‌بندی به موقع مسائل، تداخل مسائل سیاستی، ساده‌سازی بیش از اندازه مسائل و عدم شکل‌گیری صحیح چرخه سیاستی از چالش‌های قابل ذکر است.

در مواقعی دامنه این چالش‌ها به شدتی است که ماهیت فرایند سیاست‌گذاری دچار نقصان می‌شود. البته با توجه به نوین بودن رویکردهای علوم بین‌رشته‌ای همچون سیاست‌گذاری این چالش‌ها به‌طور معمول طبیعی است، اما آن‌جا که سخن از مسائل نوظهور و پیچیدگی مسئله‌های ناشناخته می‌شود، صحبت از اهمیت رویکردهای آینده‌نگر و بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی برای مهار چالش‌های حوزه سیاست‌گذاری بسیار مطرح می‌شود. در واقع دانش آینده‌پژوهی به‌عنوان علمی بین‌رشته‌ای و به تعبیری فرارشته‌ای با ظرفیت‌های محتوایی و روشی که دارد قابلیت کمک به سیاست‌گذاران در پیش‌بینی مسائل نوظهور و غلبه بر بحران‌های مختلف را دارا است (عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۵۳). به عبارتی، دانش آینده‌پژوهی فرصت‌های متناوبی را برای عرصه سیاستی می‌تواند فراهم کند که با توسل به آنها خلأها و چالش‌های چرخه سیاست‌گذاری مرتفع می‌شود. در این راستا این اعتقاد وجود دارد که می‌توان با همگرایی بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، ساده‌سازی مفاهیم پیونددهنده بین آنها و ایجاد ساختار محتوایی همسان و قابل فهم، زمینه‌ساز عمیق رویکردهای آینده‌نگرانه در روند سیاست‌گذاری را فراهم کرد. این نکته در سیاست‌گذاری فرهنگی با وجود انباشت موانع و مسائل قابل بررسی، مضاعف است. با این حال، چالش‌های مختلفی برای پیوند و بهره‌گیری بیشتر عرصه سیاست‌گذاری از دانش آینده‌پژوهی وجود دارد؛ البته پرداختن به این موضوع در این نوشتار در حالی

است که تاکنون چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری و به‌ویژه سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران بررسی نشده است؛ ضمن اینکه حتی در میزان اثربخشی آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی اتفاق‌نظر میان برخی نخبگان وجود ندارد. این در حالی است که فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و لزوم آینده‌پژوهی در چرخه سیاستی بسیار مهم و اساسی است؛ چراکه سیاست‌گذاری فرهنگی فرایندی بلندمدت است و می‌طلبد که سیاست‌گذاران فرهنگی با محتوای آینده‌پژوهی انس علمی بیشتری داشته باشند.

از این‌رو در این نوشتار سعی داریم با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و روش کیفی مصاحبه عمیق و در قالب نظریه داده‌بنیاد، به بررسی آن چالش‌ها بپردازیم؛ بنابراین ضمن پرداختن به اهمیت بهره‌گیری از فرصت‌های آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری به این سؤال اصلی خواهیم پرداخت که چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟ بدیهی است در این نوشتار، تمرکز بر ساختار و چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی است و لزوماً ماهیت فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی و موضوع‌های مرتبط با آن مدنظر قرار ندارد. رویکرد کلی در این نوشتار، سیاست‌گذاری برای توسعه فرهنگ با تأکید بر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی و رویکردهای آینده‌نگرانه است.

## ۲. هدف و پرسش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد. هدف اصلی پژوهش نیز بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی است. «چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی چیست؟» پرسش اصلی پژوهش است. ضمن اینکه اهداف پژوهش در قالب «توصیف<sup>۱</sup>»، «تبیین<sup>۲</sup>»، «فهم<sup>۳</sup>» و نیز «برآورد تأثیر<sup>۴</sup>» تمرکز دارد. بدیهی است که زنجیره توصیف و تبیین و در ادامه فهم از موضوع بر بستر و مبنای روش و ابزارهای پژوهشی صورت می‌گیرد که خود می‌تواند مولد واکاوی و چینش موضوع‌های مرتبط در این حوزه باشد. در این نوشتار از ابزارهای کیفی پژوهشی همچون نظرهای خبرگانی بهره گرفته شده که تکمیل‌کننده فرایند تبیین و فهم از موضوع است.

1. Description
2. Explanation
3. Understanding
4. Impact estimation

### ۳. پیشینه پژوهش

بررسی روند مطالعات کتابخانه‌ای در حیطه دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری نشان از آن دارد که مطالعات صورت گرفته تنها به صورت کلی به ارتباط بین این دو علم بین‌رشته‌ای پرداخته‌اند، اما تاکنون از منظر واکاوی و چالش‌های بهره‌گیری از این دو دانش پرداخته نشده است. در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و از دریچه این بستر سیاستی نیز، به شاکله آینده‌پژوهی نیز کمتر پرداخته شده است. در زمینه پردازش ارتباط بین دو دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، حوزه بررسی مطالعاتی پژوهش‌های داخلی بیشتر بر بسط مفاهیم و معرفی این دو علم است و واکاوی، چالش‌های و تولید محتوای مشترک به صورت منسجم انجام نشده است. در حوزه مطالعات خارجی نیز بیشتر در حیطه اهمیت ارتباط آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری پژوهش انجام شده و به‌ویژه به حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز پرداخته نشده است. در مجموع نگرش کلی به آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در حوزه مطالعات داخلی و خارجی تمرکز بر معرفی این دو دانش و صرفاً بیان کلیات است. البته از آنجاکه دو دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، نوپدید محسوب می‌شوند، نگرش‌های مطالعاتی تمرکز بر اتصال بر مفاهیم فناورانه دارد و تمایل به اتصال پژوهشی در حوزه فرهنگی کمتر است. به‌عنوان نمونه، مهدی رضایی قادی به همراه حسین رفیع در پژوهشی تحت عنوان «بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی»، با نگاه کلی تنها به ضرورت توجه به نگاه آینده‌نگرانه در مسیر سیاست‌گذاری تأکید کرده‌اند. همچنین داوود غرایاق زندی در پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری عمومی: مفاهیم و روش‌ها»، کوشیده است دو ساحت آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را روشن کند و بر اهمیت آینده‌پژوهی در علم سیاست صحنه گذارد. کریستین بورچ در کتابی تحت عنوان «مشارکت و تعامل در آینده‌پژوهی»<sup>۱</sup>، به بسترهای تعامل و برهم‌کنش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی می‌پردازد. «پیتر دلون»، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعات آینده و سیاست‌گذاری»<sup>۲</sup>، به بررسی ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری می‌پردازد. سایسا مائو در پژوهشی تحت عنوان «به‌کارگیری آینده‌پژوهی در ترسیم سیاست‌ها»<sup>۳</sup>، به این مسئله می‌پردازد که چگونه توجه و کاربرد آینده‌پژوهی می‌تواند توانایی سیاست‌گذاران را در امر تصمیم‌گیری بیشتر کند.

1. participation and interaction in foresight
2. Future studies and policy
3. Applying foresight to policy design

بدیهی است که پژوهش‌های کنونی یا در بیان کلیات متوقف شده‌اند یا در حوزه‌های فناوری و برنامه‌ریزی راهبردی در ارتباط با حوزه حکمرانی ورود کرده‌اند و وارد مباحث زیرساختی اجتماعی و فرهنگی نشده‌اند. نکات قوت دیده شده در این پژوهش‌ها، تأکید بر واژگان سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی است. از نقاط ضعف این مطالعات، تمرکز صرف پژوهشگران به محوریت بیان کلیات در این عرصه است.

#### ۴. ملاحظه‌های نظری

##### ۴-۱. تعریف مفاهیم

**الف. سیاست‌گذاری فرهنگی:** سیاست‌گذاری، تجلی حکومت در عمل است؛ (رضایی قادی و رفیع، ۱۴۰۰، ص. ۴۶) که خمیرمایه شکل‌گیری آن، حل یک مسئله عمومی است (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۰-۱۳۲) فرایندی که مسئله‌ای را در عرصه عمومی شناسایی و برای آن راه‌حل می‌دهد (Sabatier, 1991, p. 144). از این‌نگاه، سیاست‌گذاری شیوه مشخص شکل دادن به عمل تعریف می‌شود؛ فرایندی که در چهار مرحله طرح مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست قابل تجمیع است (کاظمی، ۱۳۷۹، ص. ۱۶). در این راستا سیاست‌گذاری فرهنگی روند تصمیم‌گیری در حیطه فرهنگی محسوب می‌شود. در واقع مجموعه اقدام‌هایی است که هدف و جهت آن، توسعه فرهنگ است (اجلالی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶). بدیهی است که این فرایند از ارزش‌ها و آرمان‌های مورد تأیید نظام الهام می‌گیرد و در جهت توسعه فرهنگ و ارزش‌های والا و اصیل مورد تأکید است.

**ب. آینده‌پژوهی:** آینده‌پژوهی، علمی است که هدف آن ابداع، یا کشف سنجش ارزیابی و طرح آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است (Bell, 2011, p. 166). در واقع آینده‌پژوهی یک علم کاربردی و عملگرا است که از دو مؤلفه متمایز توصیفی و تجویزی و رویکرد هنجاری - اکتشافی تشکیل شده است. وجه توصیفی آن، بر گمانه‌زنی در زمینه روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه‌ای استوار است. وجه تجویزی آینده‌پژوهی در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که در آینده چه باید اتفاق بیفتد؟ این جنبه از آینده‌پژوهی، حاکی از تأثیرپذیری آن از «مسائل»، «ارزش‌ها»، «نیازهای مشخص» و «اراده‌ها» است که بر عنصر تغییر متمرکز است (عیوضی، ۱۳۹۹، ص. ۷۳). در این فرایند، عنصر تغییر از مفاهیم راهبردی و از عمق معنایی بالایی برخوردار است. بدیهی است که وندل بل،

اهداف آینده‌پژوهی را بررسی آینده‌های ممکن، بررسی آینده‌های محتمل، بررسی تصویرهای آینده، بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی، بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال، تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی، افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن و ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن دانسته است (Bell, 2011, p. 212).

#### ۴-۲. چهارچوب مفهومی

در این پژوهش، برای چالش کاوی بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی، چهارچوبی تحلیلی ارائه شده است. این چهارچوب مشتمل بر سه سطح مهم است؛ سطح نخست تأکید بر اهمیت آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران دارد؛ سطح دوم، تمرکز بر سیاست‌گذاری فرهنگی و تأکید بر رفع خلأها و نقصان‌های چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی دارد و سطح سوم به معرفی و چالش کاوی ارتباط بین دو دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در راستای رفع خلأهای سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران اختصاص دارد. البته در این پژوهش سیاست‌گذاری فرهنگی به‌لحاظ ساختار و روند سیاستی مشابه با سطوح سیاست‌گذاری دیگر و البته به‌لحاظ ماهیت و موضوع مورد پردازش متفاوت تلقی می‌شود.

در توضیح سه سطح بیان شده باید افزود، آینده‌پژوهی و مطالعات آینده‌نگر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی با وجود مختصات مهم آن در ایران دارای اهمیت است؛ چراکه به‌طور معمول سیاست‌گذاری فرهنگی فرایندی بلندمدت است و این مسئله اهمیت توجه به بنیان‌های دانشی آینده‌پژوهی همچون تصویرسازی از آینده سیاست‌ها، عدم قطعیت‌ها و شگفتی‌سازها را بیشتر یادآوری می‌کند. بدیهی است که غفلت از مطالعات آینده‌نگر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند چرخه سیاستی را درگیر شگفتی‌سازها و پدیده‌های نوظهور غیرقابل کنترل کند (عیوضی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۲). از این رو در بررسی موضوع، دو بخش کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد؛ نخست: تأکید بر اهمیت آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران؛ دوم: کاوش چالش‌های عرصه بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف تعمیق موضوع و ارائه راهبرد؛ لازم به تأکید است که در این نوشتار، چرخه و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی مورد نظر است و موضوع‌های مرتبط با فرهنگ در محوریت پژوهش قرار ندارد.



منبع: (یافته‌های محقق)

شکل (۱): چهارچوب مفهومی پژوهش

### ۴-۳. فرصت‌های آینده پژوهی در چرخه سیاست گذاری فرهنگی

به تعبیر بسیاری از آینده پژوهان، علم آینده پژوهی علم مطالعه تغییرهاست و از آنجایی که حیات خود را از علوم اجتماعی در بستر علوم انسانی که عرصه تقابل است، می‌گیرد (عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۵۴)، طبیعتاً در ارتباط علوم دیگر همچون سیاست گذاری نیز محل مجادله و بحث و کنکاش خواهد بود، اما از آنجاکه چهارچوب سیاست گذاری فرهنگی، نیازمند لحاظ رویکردهای پیش‌تدبیری است، آینده پژوهی در دو سطح گفتمان و محتوا و ابزار و روش می‌تواند خلأهای سیاست گذاری را مرتفع سازد. این اعتقاد وجود دارد که تنوع و چندبُعدی بودن پدیده‌های محیط سیال و چند بازیگری عرصه سیاست گذاری ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری در ارتباط با آینده پژوهی از ظرفیت روش‌های ترکیبی استفاده کند (کمالی، ۱۳۹۶، ص. ۷۶)؛ چراکه محیط سیاست گذاری محیطی پیچیده، اتفافی و پیش‌بینی‌ناپذیر است و چالش سیاست‌گذار این است که این محیط نااطمینان را ثبات دهد (مولر، ۱۳۷۸، ص. ۵۰). در واقع مطالعات سیاست گذاری درصدد پاسخ به این سؤال‌هاست که چه کسی و با چه هدفی سیاست‌های عمومی را شکل می‌دهد؟ این سیاست‌ها چگونه اجرا می‌شوند و چه نتایج و آثاری در پی دارند؟ به‌طور معمول نیز سیاست‌گذاری با وجود تعریف مدل‌های کاربردی، در چرخه صورت‌بندی مسئله، تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی قابل تعریف می‌باشد.

بدیهی است که سیاست‌گذار فرهنگی زمانی با مسئله مواجه می‌شود که پدید آمده است. در واقع سیاست‌گذار دچار غافل‌گیری می‌شود. در نگاهی دیگر غافل‌گیری جزء ذات بینشی سیاست‌گذاری است و همواره چالش محسوب می‌شود. درحالی‌که اگر رویکرد آینده‌نگرانه در پیش‌بینی مسائل لحاظ شود امکان ارائه راهکارهای

بهینه‌تر خواهد شد. می‌توان گفت، آینده‌پژوهی و مطالعات آینده‌پژوهانه به سیاست‌گذار قدرت عمل‌گرایی بیشتری خواهد داد که در کنار رویکرد ذهنی‌گرایی بتواند تجسم و تصور بهتری از آینده داشته باشد. ضمن اینکه عمل‌گرایی توأم با هوشمندی در آینده‌پژوهی موجب مطلوبیت، اثربخشی و موفقیت در آینده خواهد شد. پس ویژگی کنش‌گرایانه آینده‌پژوهی به‌لحاظ ماهیت این علم، شرایط را به گونه‌ای در خواهد آورد تا سیاست‌گذاران با هوشمندی به استقبال آینده بروند و مانع از غافل‌گیری و از دست دادن فرصت‌های آینده شوند (Malaska, 2003, p. 13).

بدیهی است که ویژگی‌هایی همچون نوگرایی، خلاقیت، تغییر و به‌روزر بودن در دانش آینده‌پژوهی می‌تواند فرصت‌های مؤثری در چرخه سیاستی به‌وجود آورد. به‌ویژه اینکه در هر کدام از مراحل، پیدایی و طرح مسئله، تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی، لحاظ افق دید آینده‌نگرانه اهمیت دارد؛ چراکه در عرصه سیاستی، گاه یا مسئله به‌خوبی صورت‌بندی یا به‌درستی شناسایی نمی‌شود؛ گاه مسائل کلان و همیشگی با مسائل آنی و نوظهور اشتباه گرفته می‌شود و گاه به‌درستی ابزارهای سیاست‌گذاری قابلیت ارزیابی سیاست‌های اجرا شده را ندارند.

به‌عبارتی چالش‌های متصور در فرایند سیاست‌گذاری را می‌توان را در پیدایی مسئله، تدوین راهکارها و ارزیابی‌ها دانست. در واقع در تمام طول چرخه سیاست‌گذاری خلأهایی وجود دارد که گاه سیاست‌گذار یا از درک آن غافل است یا توجهی نمی‌کند؛ به‌عنوان نمونه، سیاست‌گذاری‌ها در چهارچوب طرح بسته‌های سیاستی طوری تدوین می‌شوند که قطعیت کامل را مدنظر دارند؛ از این‌رو سیاست‌ها مبتنی بر داده هستند. این مسئله باعث می‌شود که عدم قطعیت‌ها در نظر گرفته نشود. در واقع نگاه سیاست‌گذار به آینده قطعی و قطعیت کامل باعث می‌شود که از توجه به آینده‌های محتمل، ممکن و باورپذیر غفلت شود (کوثری و رحمتی، ۱۳۹۸، ص. ۵۰). این مسئله به دلیل عدم دانش کافی در شناخت و دسته‌بندی معرفتی آینده‌های محتمل، باورپذیر، ممکن و ناشناخته نیز هست؛ این‌گونه است که ابزار تجزیه و تحلیل سیاست در سیاست‌گذاری قادر به ورود به عرصه عدم قطعیت‌ها نیست یا نمی‌تواند ارتباط مناسب معرفتی با آن برقرار کند.

در مجموع دانش آینده‌پژوهی در حوزه گفتمان و ابزار می‌تواند در چرخه سیاستی مؤثر باشد. بدیهی است که در ابتدای چرخه سیاستی فرهنگی، آنچه باعث می‌شود که مسئله به‌خوبی شناسایی نشود عواملی از جمله: کلی و دستوری بودن برنامه‌ها، نبود روش‌شناسی، ضعف نظری و نگرش تک‌بعدی صرف است که آینده‌پژوهی

می‌تواند بستر تعدیل نگرش‌های تک‌بعدی باشد. درواقع آینده‌پژوهی به انعطاف و سیالیت سیاست‌گذاری فرهنگی کمک می‌کند. ضمن اینکه رویکرد آینده‌نگرانه می‌تواند سیاست‌گذاران را در صورت‌بندی مسائل، تدوین سیاست‌ها و حتی اجرایی‌سازی کمک کند. تاجایی که می‌توان گفت با وجود چهارچوب آینده‌پژوهی در مطالعات و عملیات سیاستی تمامی خلأها و نقصان‌ها در مرحله اجرا انباشت نمی‌شود و ارزیابی سیاست‌ها نیز تسهیل می‌شود؛ چراکه آینده‌پژوهی به تعمیق و نهادینگی مراحل پیش از ارزیابی سیاستی کمک می‌کند (قرونه و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۸۶۱).

بدیهی است که دخیل کردن ابزارهای آینده‌پژوهی به‌عنوان بستر روش‌شناسی در چرخه سیاست‌گذاری می‌تواند راهگشا باشد. ابزارهایی همچون: دلفی سیاستی<sup>۱</sup>، سناریونگاری<sup>۲</sup>، تحلیل ساختاری و تحلیل روند<sup>۳</sup>، رهنگاشت<sup>۴</sup>، چشم‌اندازسازی<sup>۵</sup>، شبیه‌سازی<sup>۶</sup>، تشکیل آزمایشگاه اجتماعی و سیاستی<sup>۷</sup>، تحلیل SWOT و نرم‌افزارهای بررسی داده در این راستا مورد مثال هستند. البته با وجود تمام مزیت‌هایی که از ارتباط بین دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری بیان شد باز هم چالش‌هایی وجود دارد که مانع گسترش و نهادینگی این ارتباط می‌شود.

درمجموع، ظرفیت‌های آینده‌پژوهی می‌تواند سیاست‌گذاری‌ها را تکامل بخشد، اما پیوند این دو دانش یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که آینده‌پژوهان با آن مواجه هستند. همین امر باعث شده که در زمینه ارتباط و پیوند این دو علم به بیان کلیات اکتفا شود. همان‌طور که بیان شد گاه خلأهای چرخه سیاست‌گذاری مانع بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری می‌شوند و گاه عدم بهره‌گیری از آینده‌پژوهی و بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و فرصت‌های آن، ایجادکننده نقصان و خلأهای چرخه سیاستی است.

## ۵. روش پژوهش

جهت‌گیری این پژوهش که در سال ۱۴۰۱ انجام شده، کاربردی است. نوع پژوهش کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه از نوع عمیق و باز و بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد است.

1. Policy delphi
2. Scenario writing
3. Structural analysis and trend analysis
4. Mapped the way
5. Vision making
6. Simulation
7. Social and political laboratory

در این راستا، با ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید حوزه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری در قالب مصاحبه عمیق و باز، در موضوع مورد نظر کسب اطلاع شد و در نهایت در قالب نظریه داده‌بنیاد پیاده شد؛ بدیهی است که منظور از نظریه داده‌بنیاد، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری شده‌اند. در واقع به جای اینکه مطالعه از نظریه از پیش تصور شده‌ای شروع شود از بطن داده‌های واکاوی شده احصا می‌شود (Strauss & Corbin, 1998, p. 95). این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را فراهم می‌کند و به جای آزمون فرضیه‌ها، به ارائه چهارچوبی مفهومی یا ظهور نظریه‌ای می‌انجامد (جابری‌منش و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۸۰). در واقع نظریه زمینه‌ای و داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که از داده‌ها به دست آمده و از راه پژوهش تجزیه و تحلیل شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

طبق این توضیح، روند کار در این پژوهش، به صورتی بود که پس از مطالعه و بررسی فراوان و بهره‌مندی از نظر مشاوران و افراد متخصص حوزه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، فرایند مصاحبه عمیق با ۱۲ از خبرگان انجام شد؛ مصاحبه با نمونه‌گیری به صورت هدفمند، تا جایی پیش رفت که پس از گفتگو با فرد دهم، داده‌ها به مرحله اشباع رسید و افراد مصاحبه‌شونده سخن جدیدی مطرح نمی‌کردند. باین حال برای اطمینان از اجماع به وجود آمده، مصاحبه تا فرد دوازدهم ادامه یافت. راهنمای نمونه‌گیری نظری، سؤال‌ها و مقایسه‌هایی است که حین تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با افراد بروز می‌یافتند و موجب کشف مقوله‌های مناسب، خصوصیات و ابعاد آن شدند. جزئیات تعداد نمونه و سمت هر یک از مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره یک آمده است.

#### جدول (۱): مصاحبه‌شونده، سمت و تحصیلات

شماره مصاحبه‌شونده	سمت	تحصیلات
مصاحبه‌شونده شماره ۱	مدیر پژوهش در سازمان صدا و سیما	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۲	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۳	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری توسعه
مصاحبه‌شونده شماره ۴	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتری سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۵	نماینده سابق مجلس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری توسعه
مصاحبه‌شونده شماره ۶	استاد و پژوهشگر در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۷	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای مطالعات آینده‌پژوهی

شماره مصاحبه شونده	سیمت	تحصیلات
مصاحبه‌شونده شماره ۸	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکترای سیاست‌گذاری عمومی
مصاحبه‌شونده شماره ۹	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی راهبردی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۰	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی راهبردی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۱	پژوهشگر ارشد در دانشگاه دفاع ملی	دکترای آینده‌پژوهی
مصاحبه‌شونده شماره ۱۲	پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی	دکترای سیاست‌گذاری عمومی

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. سؤال پژوهش

چه چالش‌هایی در روند بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد؟

در راستای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان به دقت مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. به این صورت که، کدگذاری داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها انجام شد. در واقع، به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده و با هدف دقت‌سنجی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها واژه‌به‌واژه نوشته شد. سپس مفاهیم احصاشده دسته‌بندی شد. در این قسمت پایایی و روایی مطالب توسط خبرگان دوباره بازبینی شد. به این صورت که پس از دسته‌بندی مطالب، محتوای احصا شده به خبرگان بازگردانده و مورد بازبینی قرار گرفت. سپس تمام مصاحبه‌ها، دوباره جزء‌به‌جزء مرور شدند و در نهایت مفاهیم محوری از بطن آنها احصا شد که در نظریه داده‌بنیاد به آن کدگذاری محوری<sup>۱</sup> می‌گویند.

در مرحله کدگذاری انتخابی نیز تمامی مفاهیم مرتبط حول یک محور دسته‌بندی شدند. در روش نظریه داده‌بنیاد، فرایند رفت و برگشت میان داده‌ها و تحلیل آنها پیوسته انجام می‌شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه دارد. همچنین قبل از کدگذاری متن مصاحبه نوشته‌شده به مصاحبه‌شونده بازگردانده شد تا بررسی و مرور شود و در صورت صحت، مفاهیم را تأیید کند. همچنین از روش نظارت متخصص استفاده شد. در نهایت کدگذاری در قالب مدل پارادایمی<sup>۲</sup> مرکب از شریط زمینه‌ای، شریط علی و شریط مداخله‌گر، فرایندها و پیامدها حول مقوله مرکزی

1. Axial coding  
2. Paradigm model

تدوین شد که در مجموع همان چالش‌های مورد بحث در بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در روند سیاست‌گذاری فرهنگی هستند. بدیهی است بیان ریز موارد بیان شده ممکن نیست، به‌همین جهت نیاز به تلخیص داده‌ها و منظم نمودن موارد و حذف حواشی بود که در ادامه انجام شده است. در ادامه جدول کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب نظریه داده‌بنیاد ارائه شده است. سپس در قالب نمودار، مدل پارادایم منطقی حاصل از داده‌های مصاحبه بر مبنای این نظریه، ترسیم شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل، پرداخته شده است.

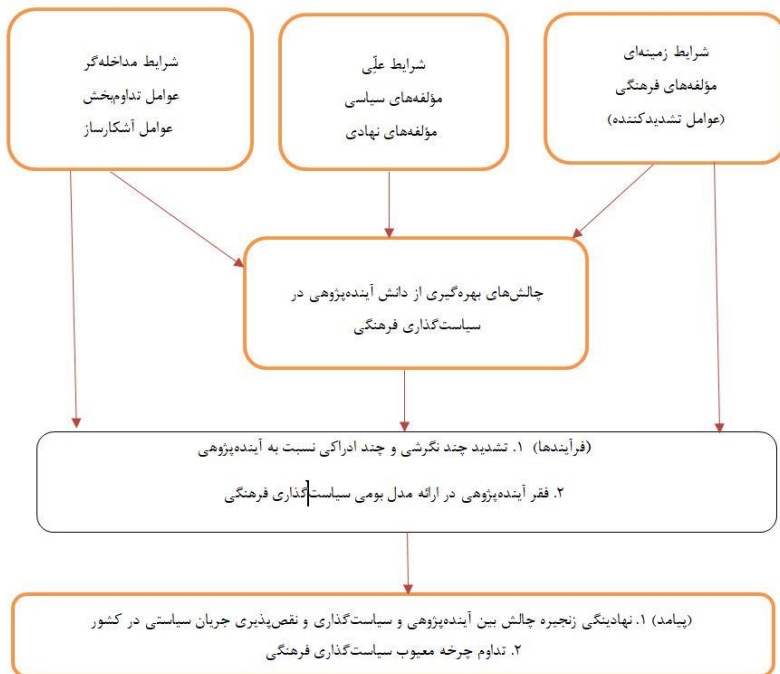
### جدول (۲): کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل زمینه‌ساز	مؤلفه‌های گفتمانی	عدم تناسب دیدگاه و کنش سیاست‌گذاران با اندیشه تغییر وضع موجود، عدم اندیشه و گفتمان آینده‌نگر در سیاست‌گذاران، گسترش آینده‌پژوهی در بستری نوین و ماندن شاکله سیاست‌گذاری در فضای سنتی، گفتمان سنتی مانع توسعه آینده‌پژوهی، اندیشه حفظ وضع موجود مانع بهره‌گیری از آینده‌پژوهی، اندیشه تغییر لازمه سیاست‌گذاری آینده‌نگر، تحولات نرم‌افزاری پی‌درپی و بی‌توجهی گفتمان‌های مسلط داخلی به این تحولات، نبود نظام معنایی و گفتمان آینده‌نگر
	مؤلفه‌های سیاسی	نادیده‌انگاری بستر حکمرانی شبکه و منابع قدرت آن، عدم فهم مشترک و اجماع سیاسی سیاست‌گذاران، ذهنیت تقدیرگرایانه حاکم بر سیاست‌گذاران، حاکمیت سیاسی اقتدارگرا، وجود چالش‌های قدرت، از هم‌گسیختگی سیاسی، نبود تقسیم کار تخصصی، ابهام در وظایف سیاسی، پراکندگی مراجع و منابع قدرت، تعارض در سیاست‌گذاری‌ها ناشی از ناهماهنگی حکمرانان، وجود حاکمیت چندگانه، عدم وجود حکمرانی شبکه‌ای
عوامل تداوم‌بخش	مؤلفه‌های نخبگانی	فقدان حلقه اتصال بین نخبگان آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاران، عدم تسلط نخبگان روی مسائل عملی و نظری آینده‌پژوهی، کم‌توجهی و غفلت نخبگان به آینده‌پژوهی، عدم آشنایی کافی نخبگان علوم اجتماعی نسبت به آینده‌پژوهی، نبود نخبه‌سالاری
	مؤلفه‌های علمی و دانشگاهی	عدم ارتباط مؤثر نظام بروکراسی با نظام علمی و دانشگاهی در مسیر حل مسئله، نوپا بودن دانش آینده‌پژوهی، عدم اعتماد سیاست‌گذاران به آینده‌پژوهی به‌عنوان علمی بلوغ‌یافته، عدم وضوح ابعاد علمی و عملی آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاران،

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		عدم توانایی نظام دانشگاهی برای صورت‌بندی مسائل با روش‌های آینده‌نگر، عدم نهادینگی دانش آینده‌پژوهی در دانشگاه‌ها، گسترش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در فضای غیرعلمی، عدم پیوستگی فضای دانشگاهی با فضای سیاسی و حکمرانی، عدم تمهیدات لازم برای به‌کارگیری نخبگان در اندیشه‌های سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، فقدان متخصصان بین‌رشته‌ای آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، عدم تفکر چند بعدی در بین سیاست‌گذاران، عدم پیوند بین مراکز فکری و دانشگاهی و اتاق فکرها، عدم ادراک برخی نخبگان دانشگاهی نسبت به حکمرانی و سیاست‌گذاری
	مؤلفه‌های محیطی	عدم اطمینان محیطی و بی‌ثباتی، فقدان محیط مناسب برای بروز و ظهور خلاقیت‌های فردی، نگره داشتن سطوح انتظارات جامعه در سطح نیازهای اساسی، بی‌ثباتی و بحران محیطی مانع سیاست‌گذاری آینده‌نگر
عوامل تشدیدکننده	مؤلفه‌های فرهنگی	عدم باورپذیری سیاست‌گذاران به حوزه آینده‌پژوهی، رویکردهای ایدئولوژیک مانع گسترش علم آینده‌پژوهی، ذهنیت تقدیرگرایانه حاکم بر سیاست‌گذاران مانع گسترش علم آینده‌پژوهی، عدم حوصله سیاست‌گذاران برای تحلیل‌های چند روایتی و تمایل به تحلیل‌های تک‌خطی، تلاش برای توسعه خطی و تقلید از غرب و کشورهای توسعه یافته، نبود ارزش‌های فرهنگی نسبت به تأکید اهمیت آینده‌پژوهی، روزمرگی و نبود فرهنگ مطالعه و فکر در میان سیاست‌گذاران، سطحی‌نگری در آینده‌پژوهی، نگاه به آینده‌پژوهی به‌عنوان یک مؤلفه سطح بالا و اعتبار علمی، مغفول و مهجور بودن فرهنگ بهره‌گیری از آینده‌پژوهی، عدم باورمندی مدیران سیاست‌گذار نسبت به علوم بین‌رشته‌ای، جذابیت دستاوردهای سیاستی کشورهای بیگانه و احساس خودتحمیری، غلبه نگاه سنتی به مقوله سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، سانسور کردن رویدادها توسط سیاست‌گذاران به‌دلیل ترس از بیان آینده
عوامل آشکارساز	مؤلفه‌های نهادی	ضعف فعالیت نهادی و درون‌سیستمی، نادیده‌انگاری بستر حکمرانی شبکه و منابع قدرت آن، رواج سیاست‌گذاری بالا به پایین، کم‌ثباتی سیاسی و شکنندگی نهادی، چندحاکمیتی در سیاست‌گذاری، عدم انسجام و عدم همسویی و عدم هماهنگی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
در نهادهای سیاست‌گذار، محفلی و بسته بودن فرایند سیاست‌گذاری، ناآشنایی سازمان‌ها و نهادها با ادبیات آینده‌پژوهی		
خلاً سیاست‌گذاری در مرحله اجرا و ارزیابی و پیش‌ارزیابی، توالی سیاست‌های غلط گذشته، خلاً در پیدا کردن و حل مسئله سیاست‌گذاری، نداشتن پیوست آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری‌ها، مهجور و حتی ناشناخته بودن آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری خرد و نسبت دادن آن با سیاست‌گذاری کلان	خلأهای چرخه سیاستی	

منبع: (یافته‌های نگارنده)



منبع: (یافته‌های نگارنده)

### شکل (۲): مدل کیفی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری بر اساس مدل گراندد تئوری

## ۲-۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### ۲-۶-۱. عوامل زمینه‌ساز

**الف. مؤلفه‌های گفتمانی:** به نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از چالش‌های بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری فرهنگی، ادراکات متفاوت نسبت به آینده‌پژوهی از جانب سیاست‌گذاران و حکمرانان است؛ به عبارتی برخورد سیاست‌گذاران به لحاظ گفتمانی نسبت به آینده‌پژوهی در چند حالت است؛ نخست اینکه برخی سیاست‌گذاران تفکر آینده‌نگر را قبول ندارند؛ دیگر اینکه برخی سیاست‌گذاران به مفهوم آینده‌پژوهی واقف هستند، اما اعتقادی به عملکرد و کارکرد آن در چرخه سیاستی ندارند؛ همین امر باعث می‌شود که چهارچوب ارتباطی آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دو گانه گفتمانی شکل گیرد که ایجادکننده چالش‌های پیوند بین این دو علم خواهد بود. در واقع یا سیاست‌گذاران باور به نظام گفتمانی آینده‌پژوهی ندارند یا از ایجاد نظام معنایی هم‌پیوند با آینده‌پژوهی غفلت می‌ورزند. در واقع گفتمان سنتی سیاست‌گذاری همواره مانع تفکر جدید و نوگرایانه است؛ منظور از سنت در اینجا مفاهیم اعتقادی، ایدئولوژیک یا مذهبی نیست، بلکه منظور شاکله قدیمی و کهنه‌ای است که سال‌ها بر اساس یک برنامه از پیش تعیین‌شده، سیاست می‌نویسد. برخی از سیاست‌گذاران فرهنگی نیز هستند که آینده‌پژوهی را می‌پذیرند، اما سعی دارند که به آن نگاهی ابزاری و نه رویکردی داشته باشند. این چالش فکری و زمینه‌ای ناشی از تعصب یا دگم‌اندیشی یا فضای سیستم نهادی یا ضرورت‌های حکمرانی و نیز ناهمترازی‌های سیاست‌گذاری‌های فرهنگی است که می‌تواند به صورت عمیقی چالش‌برانگیز باشد.

**ب. مؤلفه‌های سیاسی:** به اعتقاد نخبگان شرکت‌کننده در مصاحبه، نادیده‌انگاری حکمرانان نسبت به آینده‌نگری و بخشی‌نگری آنها از عوامل مهم زمینه‌ساز در حیطه چالش‌های سیاسی است. نبود رویکرد مشارکتی و عدم انسجام بین سیاست‌گذاران فرهنگی و سیاستمداران نیز به تبعیت از این غفلت خود مزید علت شده است؛ تاجایی که این مسئله مورد تأکید قرار می‌گیرد که آینده‌پژوهی بیشتر بر خرد جمعی و رویکرد مشارکتی تأکید دارد و این مختصات با تمایل‌های سیاست‌گذاران و حکمرانانی که از کار گروهی هراس دارند، متناسب نیست. در کنار این مسئله، عدم درک مناسب سیاسی از آینده‌پژوهی خود عامل زمینه‌سازی است که می‌تواند ناشی از عوامل زیرساختی دیگری همچون نبود همگنی سیاسی میان سیاست‌گذاران باشد؛

به باور بسیاری از صاحب‌نظران این مسئله به دلیل عدم نخبه‌سالاری و شایسته‌سالاری است که خود باعث ازهم‌گسیختگی سیاسی و ابهام در وظایف سیاست‌گذاران می‌شود. وجود چالش‌های قدرت و برخی ذهنیت‌های سنتی و تقدیرگرا مانع پذیرش رویکرد آینده‌پژوهانه می‌شود. این نگاه سنتی و تقدیرگرایانه به باور بسیاری از صاحب‌نظران حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند در بسیاری از حاکمیت‌های اقتدارگرا و حتی طرفدار مردم‌سالاری نیز وجود داشته باشد. دلیل زمینه‌ای دیگر که می‌تواند این نگاه سنتی و تقدیرگرایانه را تقویت کند رویکردهای ایدئولوژیک صرف است که در عین بی‌ثباتی محیطی نوعی ازهم‌گسیختگی سیاسی را منتج می‌شود. درواقع رویکردهای تقدیرگرایانه اجازه ورود عناصر نوگرا به مباحث سیاستی را نمی‌دهد. از آنجایی که علم آینده‌پژوهی به‌روز و نوگرا است، خود در بستر این تقدیرگرایی نوعی بدعت محسوب می‌شود. همین امر باعث می‌شود که بسیاری از سیاست‌مداران و مسئولان سیاست‌گذار یا توجهی به این دانش نکنند یا آن را جدی نگیرند.

## ۲-۲-۶. عوامل تداوم‌بخش

**الف. مؤلفه‌های نخبگانی:** به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، در عرصه نخبگانی هنوز تصویر روشنی از آینده‌پژوهی شکل نگرفته و در نتیجه به گمراهی نخبگانی دامن زده است. همین امر باعث شده است که حلقه ارتباطی مستحکمی بین سیاست‌گذاران فرهنگی و آینده‌پژوهان شکل نگیرد. در نتیجه، تسلط نخبگان روی مسائل عملی و نظری آینده‌پژوهی کمتر شود. این عدم تسلط هم به دلیل کم‌توجهی به مباحث آینده‌پژوهی هم به دلیل عدم آشنایی نخبگان سیاست‌گذاری فرهنگی با مفاهیم و گفتمان آینده‌پژوهی است. ضمن اینکه بسیاری از نخبگان دانشگاهی با مقولات حکمرانی، سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی و در مجموع علوم بین‌رشته‌ای آشنایی کافی ندارند. همین امر باعث می‌شود که ارتباط مؤثری بین نخبگان عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی و آینده‌نگری پیش نیاید. ضمن اینکه، نوعی بستر رقابتی در شاکله دانشگاهی و در مورد علوم مادر و پایه با علوم بین‌رشته‌ای و جدید همچون سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی وجود دارد که از گسترش علوم بین‌رشته‌ای جلوگیری می‌کند؛ این بستر رقابتی به دلیل ترس از به حاشیه رفتن علوم مادر نیز به وجود آمده است. از این رو مفاهیم کاربردی در حیطه علوم بین‌رشته‌ای، قدرت بروز و ظهور در عرصه دانشگاهی را به مانند علوم پایه پیدا نکرده‌اند؛ به عنوان نمونه، برخی نخبگان

علوم سیاسی و صاحب‌نظران دانشگاهی تمایلی به بهره‌گیری و استفاده از مفاهیم آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری ندارند. این امر باعث می‌شود که در مراحل بالاتر و سیاستی نوعی خلأ نسبت به بهره‌گیری از علوم کاربردی و اثرگذار به‌وجود آید. در واقع زنجیره‌ای از ناآگاهی، بی‌توجهی و غفلت و ترس از تغییر در رفتار نخبگان سایه افکنده است که می‌تواند به‌عنوان عامل میانجی در مسیر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چهارچوب سیاستی چالش‌برانگیز باشد.

### ب. مؤلفه‌های علمی و دانشگاهی

ادراک‌های متفاوت از مفاهیم و میزان اثرگذاری دانش آینده‌پژوهی از جانب نخبگان علمی یکی از چالش‌های مهم در بستر دانشگاهی است. نخبگان بر این اعتقاد هستند که فقر منابع علمی در حوزه آینده‌پژوهی و کمبود محتوای درخور دانشگاه‌ها، این مسئله را تشدید کرده است. این امر البته به دلیل جدید و نوپا بودن آینده‌پژوهی نسبت به سیاست‌گذاری است که برگرفته از علوم سیاسی، اقتصادی و مدیریت می‌باشد. همین مسئله باعث شده است که آینده‌پژوهی که علمی میان‌رشته‌ای است نتواند در بین دانشگاهیان شناخته شود. ضمن اینکه در حیطه سیاست‌گذاری آموزشی در دانشگاه‌ها زمینه پیوند این دو علم برقرار نشده است. اگر این دو علم در فضای دانشگاهی پیوند مؤثر علمی داشته باشند متخصصان چندجانبه تربیت می‌شوند که سیاست‌گذاری آینده‌نگر را تحقق می‌بخشند. بدیهی است زمانی که زمینه پیوند این دو علم در عرصه دانشگاهی فراهم شود نظام دانشگاهی قدرت وافرتری برای صورت‌بندی مسائل با روش‌های آینده‌نگر پیدا می‌کند. این شاکله قطعاً می‌تواند قابل نفوذ به فضای حکمرانی و اجرایی نیز باشد و طبیعتاً عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی از آن متأثر می‌شود.

### ۳-۲-۶. عوامل تشدیدکننده

**الف. مؤلفه‌های محیطی:** این اعتقاد از جانب مصاحبه‌شوندگان وجود دارد که برای سیاست‌گذاری فرهنگی نیازمند مختصات سیاستی هستیم که آینده‌نگر باشد و با افق چندین‌ساله برنامه‌نگاری کند؛ بدیهی است که آینده‌پژوهی نیز دانشی است که بستر این مختصات سیاستی با وجود دربرگیرندگی مفاهیم آینده‌نگری می‌تواند فراهم کند. البته به اعتقاد خبرگان، پیش‌نیاز ایجاد و تداوم چنین محیط آینده‌گر سیاستی که بستر ظهور و بروز خلاقیت و نوآوری سیاستی است، محیط متناسب و باثبات است. خبرگان معتقدند زمانی که محیط اجتماعی و سیاسی بی‌ثبات است یا بحران‌های

پایای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی وجود دارد، طبیعتاً سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند.

**ب. مؤلفه‌های فرهنگی:** به اعتقاد نخبگان، عدم‌باورپذیری به دانش آینده‌پژوهی از جانب سیاست‌گذاران ناشی از زمینه‌های فرهنگی است که می‌تواند رویکردهای ایدئولوژیک و سنت‌گرایی نیز در آن دخیل باشد. حتی ذهنیت تقدیرگرایانه حکمرانان یا سیاست‌گذاران نیز ناشی از زمینه‌های فرهنگی است که یا مستقیم برگرفته از بطن فرهنگ سیاسی است یا ناشی از تلقین‌های ناهموار و ناهمسویی است که از ابتدای رشد و نمو فراگرفته‌اند. این فرهنگ سیاسی محدود که به‌لحاظ جامعه‌شناسی در بستر جامعه روبه‌گذار و کوتاه‌مدت شکل گرفته، زمینه‌ساز ذهنیتی است که عرصه سیاست‌گذاری را نیز کوتاه‌مدت و زودبازده فرض می‌کند. این ذهنیت زودبازده با محتوای آینده‌پژوهی که بر دوراندیشی و تفکر بلندمدت متمرکز است، نمی‌تواند قرابت پیدا کند. از این رو طرح این دیدگاه مهم دانسته می‌شود که بررسی چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در مختصات سیاستی نباید بستر سیاسی یا دانشگاهی ملاک قضاوت باشد که نیاز است سیاست‌گذاران به‌عنوان عاملیت انجام امور سیاسی در گستره روان‌شناسی سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرند. هر چند به نظر تأمل در این رویکرد کمی بی‌نتیجه و بی‌ثمر به نظر برسد، اما می‌تواند مسیری را برای حل چالش‌ها و در مقابل افزایش فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه دانش آینده‌پژوهی باز کند. در واقع تمام عوامل از جمله چالش‌های علمی و دانشگاهی، نخبگانی، گفتمانی و سیاسی در بستری از چالش‌های فرهنگی شکل می‌گیرند که در نهایت بازخورد آن در بخش‌های ذکر شده نمایان می‌شود. ضمن اینکه این چالش‌ها خود مکمل یا تقویت‌کننده همدیگر هستند؛ مثلاً در کم‌حوصلگی سیاست‌گذاران در کاربرد رویکردهای آینده‌نگر، تلقین نتیجه‌محوری و زودبازده بودن اهداف اهمیت دارد. در واقع همین ذهنیت‌های کوتاه‌مدت، زودبازده و سلیقه‌محورانه ناشی از فرهنگ سیاسی سیاست‌گذارانه است که مانع تفکر آینده‌نگر در سیاست‌گذاری فرهنگی شده است.

در واقع این فرهنگ سیاسی که نگاه تک‌خطی و تک‌محوری را می‌پذیرد، توان چندروایتی را ندارد. به‌عبارتی، این نگاه، سناریومحوری را در سیاست‌گذاری فرهنگی که متشکل از رویکرد چند روایتی است را نمی‌پذیرد. این کنش ناشی از تفکر محدود و زودبازده در عرصه سیاستی است و از آنجاکه حصول به نتیجه سریع را مطلوب فرض می‌کند از این رو آینده‌اندیشی و کنش‌ورزی در عرصه آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری آینده‌نگر را بی‌بهره می‌داند و مطلوبیت مؤثری در قالب آن ترسیم نمی‌کند.

## ۶-۲-۴. عوامل آشکارساز

**الف. مؤلفه‌های نهادی:** زمانی که بستر نهادی ضعیف باشد یا سیستم قدرت نتواند چابکی لازم را در عرصه سیاستی داشته باشد نمی‌توان توقع داشت که سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ با جدیت فعالیت کنند. ضمن اینکه اگر دستگاه‌ها و نهادها در عرصه سیاستی تک‌محور باشند و نقش حکمرانی محلی و شبکه‌ای را در دستور کار نداشته باشند لزوماً نوعی قدرت یکپارچه شکل می‌گیرد (کميجانی و عیوضی، ۱۴۰۰، ص. ۳۲) که پذیرای هیچ علم و دانشی نیست. این سیستم‌ها در دنیای امروز سریع‌تر آسیب می‌بینند؛ چراکه به دلیل حجم چالش‌ها و بحران‌های نوظهور توان مقابله ندارند و از این رو شکننده می‌شوند. شکنندگی نهادها خود باعث نوعی بی‌نظمی نهادی می‌شود که در بستر قدرت رو به زوال شکل گرفته است. در واقع این‌گونه نهادها با نوعی نظم بی‌نظمی مواجه می‌شوند که ارمان آن بی‌ثباتی سیاسی است. بدیهی است که زنجیره بی‌ثباتی نهادی قابل اشاعه سریع به بدنه سیاستی است و البته که توان و قدرت دور اندیشی را از آنها می‌گیرد و در نهایت تنها در جهت حل بحران بر می‌آیند یا روزمره یا بی‌تفاوت می‌شوند.

**ب. خلأهای چرخه سیاست‌گذاری:** آشکاترین عواملی که منعکس‌کننده چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی است، مربوط به خلأهای چرخه سیاستی در بستر نهادی است. آنچه درباره چرخه سیاستی باید بیشتر مورد بحث قرار داد، نقش سیاست‌های غلط است که می‌تواند بستر مانع‌سازی برای جلوگیری از رویکردهای آینده‌نگرانه باشد. توالی سیاست‌های غلط گذشته ناشی از تکرار روندهای اشتباه یا تأکید بر رویکردهای ناصحیح گذشته می‌تواند نوعی گذشته‌گرایی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را تقویت کند. گذشته‌گرایی باعث می‌شود که توجه به آینده کمتر و باورهای اشتباه و دور از ذهن، جای رجوع به آینده و بسترسازی برای ساختن آینده را بگیرد. همین گذشته‌گرایی مانع جدی در مسیر پیدا کردن مسئله و حتی حل مسئله است. گذشته‌گرایی، تک‌جانبه‌گرایی و توالی غلط‌پنداری از سیاست‌ها بسیار نامطلوب است؛ چراکه باعث می‌شود که سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ با واقعیت‌ها کمتر انس بگیرند و در فضایی اشتباه قرار بگیرند.

## ۶-۲-۲. فرایندها

فرایندها مؤلفه‌های اثرگذار و فعالی هستند که در سیر پدیده مورد نظر، بسترسازی و

روان‌سازی می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۸، ص. ۶۶). در مدل داده بنیاد کنونی، مجموعه عوامل زمینه‌ای، میانجی و مداخله‌گر و علی، تحت چهارچوب چالش‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی، باعث نضج، نمو و تشدید فرایند چندنگرشی و چندادراکی به دانش آینده‌پژوهی می‌شوند. به اعتقاد نخبگان صاحب‌نظر در این موضوع، هر چه دامنه ارتباط و همگرایی بین دانش سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی تحت چالش‌ها و مسائل مختلف کمتر شود، میزان شناخت از آینده‌پژوهی کمتر و دامنه تعاریف این دانش بیشتر می‌شود؛ چراکه نهادینه نمی‌شود و محل برداشت و تعاریف مختلف قرار می‌گیرد. این مسئله باعث می‌شود که دیدگاه‌ها نسبت به این علم فزونی بگیرد و چهارچوب‌های عامیانه آن گسترش بیاید. این مسئله در توسعه علم آینده‌پژوهی رویکردی منفی است و اصلاً مطلوب تلقی نمی‌شود. درواقع اگر در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی رویکرد آینده‌نگر، غالب، غایت و جهت‌ده نباشد، حوزه سیاستی نمی‌تواند تفاوت بحران را با غیربحران به خوبی تشخیص دهد و معمولاً مسائل وقتی رخ می‌دهند، سیاست‌گذاران فرهنگی امکان ورود پیدا می‌کنند و طبیعتاً این شرایط بسیار غافلگیرکننده برای آنها خواهد بود. در صورتی که آینده‌پژوهی در قالب گفتمان و مفاهیم و ابزارها می‌تواند نه تنها به تناسب شرایط الگویی قابل فهم و بومی ارائه دهد که با طبقه‌بندی از شرایط و آینده‌های ممکن، مطلوب و محتمل و زیرمجموعه‌های مفهومی همچون قطعیت<sup>۱</sup>، عدم قطعیت<sup>۲</sup>، شگفتی‌ساز<sup>۳</sup>، سیگنال‌های ضعیف و قوی<sup>۴</sup>، پدیده‌های نوظهور<sup>۵</sup> و... می‌تواند شرایط را برای سیاست‌گذاران قابل تحلیل و فهم کند. البته با وجود چالش‌های زمینه‌ای، علی و میانجی مطرح شده نمی‌توان به وضوح گفت که بیشترین بهره را سیاست‌گذاران می‌توانند از آینده‌پژوهی بگیرند.

### ۶-۲-۳. پیامدها

پیامدها، نتایجی هستند که در اثر فرایندها پدیدار می‌شوند (بازرگان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱). درواقع فرایندهای مولد که ناشی از عوامل زمینه‌ای، علی و میانجی هستند می‌توانند چرخه معیوب سیاست‌گذاری فرهنگی را تداوم دهد. فرایند خلأ و نقصان در چرخه سیاستی نیز تا جایی پیش می‌رود که مزایا و تأثیرهای سیاست‌گذاری نیز

1. Certainty
2. Uncertainty
3. Surprising
4. Weak and strong signal
5. Emerging phenomena

زیر سؤال می‌رود. به عبارتی از آنجاکه دانش سیاست‌گذاری نیز در ایران هنوز در اوایل توسعه و قبول علمی است، در صورت معیوب بودن چرخه و خلأ در جریان سیاستی متهم به ناکارآمدی می‌شود. اگر شرایطی را تصور کنیم که چالش‌های مختلف سیاسی، نهادی، گفتمانی، فرهنگی، محیطی و علمی و نخبگانی وجود نداشته باشند یا اثرگذاری کمتری در ارتباط بین سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی داشته باشند، آن زمان می‌توان فرصت‌ها و ظرفیت‌های بازگو شده را گسترده‌تر در ارتباط و بهره‌گیری سیاست‌گذاری از آینده‌پژوهی توضیح داد؛ برعکس اگر راهکاری برای رفع چالش‌های بازگو شده ارائه نداد یا اراده‌ای برای اجرای راهکارها نباشد در نهایت آنچه منتج خواهد شد زنجیره‌ای از چالش است که در مسیر ارتباط و بهره‌گیری سیاست‌گذاری از دانش آینده‌پژوهی به وجود می‌آید. این زنجیره چالش می‌تواند مانع ایجاد زنجیره ارتباطی بین این دو عرصه مورد بحث باشد. بدیهی است که جریان سیاستی کارآمد نیازمند دریچه آینده‌نگرانه‌ای است که در صورت زنجیره چالشی به ناکارآمدی می‌گراید. باید در نظر گرفت فرصت‌هایی که آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران به همراه دارد به طور قطع می‌تواند خلأهای عرصه سیاست‌گذاری را کاهش دهد (Hilbert, 2009, p. 880). ضمن اینکه آینده‌نگری و رویکردهای آینده‌نگر می‌تواند با پیش‌بینی و تصویرسازی از آینده متکثر، در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی، زیرساخت پویا ایجاد کند. به‌طور معمول، عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی عرصه سلیقه‌های کنترل‌گر و رهاکننده<sup>۱</sup> است که با لحاظ رویکرد آینده‌نگر نوعی تجمیع سلیقه و اتفاق نظر بهتر در جامعه سیاست‌گذاران این عرصه در جهت پیشبرد و توسعه فرهنگ مطلوب شکل می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار ابتدا به بیان اهمیت بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در عرصه سیاست‌گذاری و سپس به بررسی فرصت‌هایی که آینده‌پژوهی می‌تواند برای چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی به همراه داشته باشد، پرداختیم. سپس با رویکرد داده‌بنیاد، به بررسی چالش‌هایی که در مسیر بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری فرهنگی وجود دارد، پرداختیم. به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، چالش‌های بهره‌گیری از آینده‌پژوهی در بستر سیاست‌گذاری فرهنگی بیش‌ازآنکه مربوط به سطوح نهادی و سیاسی باشد، مربوط به عدم نهادینگی علمی آینده‌پژوهی است که مستقیم و

1. Controlling and releasing tastes

غیرمستقیم با مؤلفه فرهنگ آموزشی در ارتباط است. بیان این گفته‌ها، این مؤلفه ذهنی را بسیار تقویت می‌کند که بیشترین چالشی که بر سر راه استفاده از دانش آینده‌پژوهی در حوزه سیاستی است مربوط به مقوله فرهنگی مسئولان، فرهنگ آموزشی غالب بر دانشگاه‌ها و عدم سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی به‌صورت توأمان در دانشگاه‌ها است؛ به‌بیان‌دیگر آنچه باعث اندک‌شماری فرصت‌های بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در محور سیاست‌گذاری محسوب می‌شود، غلبه فرهنگی است که مشخصات آن غفلت، سبک‌شماری و بحران‌گونه‌پنداری عرصه سیاست‌گذاری است؛ ضمن اینکه سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی تاکنون به‌صورتی نبوده است که علوم کارآمد بین‌رشته‌ای را پذیرا باشد. به‌همین دلیل نخبگان راهکارهایی از جمله: شناسایی بستر سیاست‌گذاری فرهنگی به‌منظور کاربست آینده‌پژوهی در راستای رفع خطاها و خلأهای آن؛ تقویت کارنهادی و درون‌سیستمی از جانب آینده‌پژوهان و سیاست‌گذاران؛ ارتباط بیشتر کانون‌های سیاست‌گذاری با مراکز و اندیشکده‌های آینده‌پژوهی و پیرو آن همگامی و نظارت متخصصان آینده‌پژوهی بر فرایند سیاست‌گذاری؛ شناسایی و به‌کارگیری افراد با ذهنیت چندبُعدی و تفکر چندمحوری، الزام سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به داشتن پیوست آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از افراد با دانش و باتجربه از مراکز سیاست‌گذاری دنیا که در حوزه آینده‌نگاری آموزش دیده باشند، ایجاد و توسعه آموزش‌های دوره‌ای آینده‌پژوهی در نظام اداری و اجرایی کشور، انجام پژوهش‌ها و تولیدهای علمی در باب ارتباط و تعامل دانش آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را پیشنهاد داده‌اند.

ضمن اینکه پیشنهاد شده است که نباید در عرصه آموزش آینده‌پژوهی لزوماً به ابزار و روش‌های این رشته توجه شود. در این راستا یکی از آفت‌های آینده‌پژوهی، حضور افرادی است که صرف داشتن مطالعات فنی و مهندسی در جهت گسترش کارگاه‌های ابزار و روش و مبتنی بر نرم‌افزار تأکید می‌کنند. بدیهی است معرفی آینده‌پژوهی صرفاً به‌عنوان روش، نوعی ضدتبلیغ برای این دانش محسوب می‌شود. باید توجه داشت که تأکید صرف بر روش می‌تواند آفت جدی و مهم در فهم مسائل نیز باشد؛ چراکه در عرصه سیاسی تلقی ابزارگونه از آینده‌پژوهی می‌شود و همان‌طور که توضیح داده شد این دانش به‌صورت عمیق در بستر سیاست‌گذاری نهادینه نمی‌شود؛ به‌علاوه اینکه زمانی سخن از بومی‌سازی دانش آینده‌پژوهی می‌شود مهم‌ترین مسئله ایجاد و گسترش مؤثر این دانش در سطوح دانشگاهی است تا به این وسیله در عرصه اجرایی حکمرانی قابل بهره‌گیری شود.

**پیوست شماره یک**

بسمه تعالی
استاد گرام، / فرهیخته ارجمند/ سوالات زیر به منظور بررسی ارتباط دانش، آینده پژوهی و سیاستگذاری و نیز بررسی فرصت ها و چالش های بهره گیری از دانش، آینده پژوهی، در رفع خلاء های سیاستگذاری توسعه در کشور، تنظیم شده است: ضمن تشکر از صبر و حوصله جنابعالی، در پاسخ به سوالات خواهشمندم که پاسخ به سوالات را در چند پاراگراف مطرح بفرمایید:
1. به نظر شما چه چالش های، را می توان در روند بهره گیری از دانش، آینده پژوهی، در سیاستگذاری توسعه در کشور مثال زد؟
الف) چالش های سیاسی و نهادی
ب) چالش های فرهنگی
ج) چالش های علمی و نخبگانی
د) چالش های محیطی
موارد دیگری که به نظر شما مهم است ذکر بفرمایید.
2. به نظر شما دانش، آینده پژوهی، چه فرصت های، را می تواند در مسیر سیاستگذاری توسعه کشور فراهم سازد؟
الف) فرصت های علمی و نخبگانی
ب) فرصت های سیاسی و نهادی
ج) فرصت های فرهنگی
د) فرصت های محیطی
موارد دیگری که به نظر شما مهم است ذکر بفرمایید.
3. به نظر شما بکارگیری روش های آینده پژوهی، در کدام یک از مراحل، چرخه سیاستگذاری (یافتن مسأله، تعریف مسأله، هدنگذاریها، بدیل های آینده و تعیین و تدوین راهکار، اجرا و ارزیابی)، موثر می باشند؟ (در صورت آگاهی از عناوین روش ها لطفا نام بپسند)
4. چه راهکارهایی، را برای بهره گیری بهتر از دانش، آینده پژوهی، در روند سیاستگذاری توسعه در کشور پیشنهاد می کنید؟

**فهرست منابع**

- اجلایی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنايي روبه ها و شیوه ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار.
- جابری منش، عذرا و دیگران (۱۳۹۸). فهم شکل گیری صمیمت سازمانی با استفاده از روش داده بنیاد. مجله مدیریت سازمان های دولتی، ۷(۲).
- دانایی فرد، حسن؛ حیدری، محمدمهدی؛ عادل، آذر و قلی پور، رحمت الله (۱۳۹۴). فهم خاتمه خط مشی های عمومی در ایران، پژوهشی بر مبنای نظریه داده بنیاد.

اندیشه مدیریت راهبردی، ۹(۱)، ۱۱۰-۱۳۲.

رضایی قادی، مهدی و رفیع، حسین (۱۴۰۰). بررسی کاربردهای آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاری عمومی. *سیپهر سیاست*، ۸(۲۷)، ۲۱-۴۶.

شریفی، علیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. *مجلس و راهبرد*، ۱۹(۶۹).

عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی سیاسی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۵(۷۹)، ۱۳۹-۱۵۰.

عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۹). *مبانی آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه شاهد.

عیوضی، محمد رحیم (۱۴۰۰). *آینده‌پژوهی اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.

فراستخواه، مسعود (۱۳۸۸). *ارزیابی کیفیت آموزش عالی کاربردی از نظریه مبنایی*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

قرونه، حسن و دیگران (۱۳۹۵). طبقه‌بندی ابزارهای پیش‌ارزیابی سیاست با رویکرد آینده‌پژوهی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۲).

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۹). *مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی*. تهران: دفتر نشر اسلامی.

کمالی، یحیی (۱۳۹۶). *روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی*. *فصلنامه سیاست*، ۴۷(۳)، ۵۲-۷۶.

کميجانی، علی و عیوضی، محمد رحیم (۱۴۰۰). *سیمای حکمرانی مطلوب در ایران*. *فصلنامه راهبرد*، ۳۰(۱۰۰)، ۶۵-۸۹.

کوثری، سحر و رحمتی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۸). *مطالعات آینده و نقش آن در سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری*. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۱۱(۲)، ۳۳-۵۰.

مولر، پیر (۱۳۷۸). *سیاست‌گذاری عمومی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.

Bell, W. (2011). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society*, London and New Brunswick: Transaction Publishers.

Hilbert, Martin (2009). foresight for policy making. *Technological forecasting and social change*, 76(7).

Leitner, markus (2018). *foresight for policy and decision-makers*. institutional strengthening.

Malaska, Pentti (2003). *Futures and Penetration to the Futures*. Acta Futura Fennica, Helsinki.

Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*. Political Science and Politics June.


Strauss, A. L. & Corbin, Juliet (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. london: sage.

## References


- Bazargan, abbas (2009). *An introduction to qualitative and mixed research methods*, Tehran: didar publication.
- Bell, W. (2011). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society*, London and New Brunswick: Transaction Publishers.
- Danaei fard.H., heidari. M. adel azar & gholi por rahmatollah (2016) Understanding the termination of public policies in Iran, a research based on foundational data theory. *Strategic management thought*, 9(1), 110-132.
- Ejlali, parviz (2001). *Policy making and cultural planning in Iran*. Tehran: An publication.
- Eyvazi, mohammad Rahim (2017). Political future research. *Strategy Quarterly*, 25(79), 150-139.
- Ferasatkah, Masood (2010). *Evaluation of the quality of applied higher education from the basic theory*. Tehran: Higher Education Research and Planning Institute.
- Gharone, hasan et al. (2017). Classification of policy pre-evaluation tools with a future research approach. *Public Policy Quarterly*, 2(2), 880-861.
- Hilbert, martin (2009). *Foresight for policy making*. Technological forecasting and social change, 76(7), 22-60.
- Jabri Manesh, Ezra et al. (2020). Understanding the formation of organizational intimacy using the foundation data method. *Management Journal of Government Organizations*, 7(2), 80-50.
- Kamali, yahya (2018). Metacomposite methodology and its application in public policy. *Politics Quarterly*, 47(3), 52-76.
- Kazemi, Aliasghar (2001). *Political management and government policy*. Tehran, Islamic publication office.
- Komijani, ali & eyvazi, mahammdRahim (2020). The appearance of desirable governance in Iran. *Strategy Quarterly*, 30(100), 65-89.
- Kosari, s. & Rahmati, F. (2020). Future studies and its role in science, technology and innovation policies. *Science and Technology Policy Quarterly*, 11(2), 50-33.
- Malaska, Pentti (2003). *Futures and Penetration to the Futures*. Acta Futura Fennica, Helsinki.
- Moler, pier (2000). *Public policy*, Translation by hamidreza malekmahammadi. Dadgostar publication.
- Rezaei Ghadi, Mehdi & Rafi, Hossein (2022). Examining the applications of future research in public policy. *The domain of politics*, 8(27), 46-21.
- Sabatier, Paul (1991). *Towards Better Theories of the Policy Process*, Political Science and Politics June.
- Strauss, A. L. & Corbin, Juliet (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. london: sage.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (2009). *The principles of qualitative research method*. The basic theory of procedures and practices, Translated by Buyuk Mohammadi, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.

## شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی


زهرا مقیمی

استادیار گروه مدیریت، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران (نویسنده مسئول).  
shadi.moghimi@gmail.com  0000-0002-3797-6192

وحید حاجیلو

استادیار، گروه مدیریت کسب‌وکار، جهاد دانشگاهی، ارومیه، ایران.  
vahid\_sun62@yahoo.com  0000-0001-6790-5686

علیرضا محمدی

دکترای مدیریت دولتی، مدرس و پژوهشگر دانشگاه، تهران، ایران.  
civil.mohammadi@yahoo.com  0000-0008-9804-7919

### چکیده

تعاملات اجتماعی نقش مهمی در عملکرد فردی، گروهی و سازمانی ایفا می‌کند. به‌همین دلیل، ایجاد یک الگوی تعاملاتی مطلوب، برای موفقیت کسب‌وکار امری حیاتی است. از سوی دیگر در دنیای امروز که به‌عنوان عصر ارتباطات نام‌گذاری شده است، نقش رسانه‌های اجتماعی مجازی در بهبود ارتباطات و افزایش پیوندهای اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. براین‌اساس این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی انجام گرفته است. پژوهش دارای رویکرد کمی است و از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه کارکنان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به تعداد ۴۸۰۰ نفر می‌باشد که با استفاده از جدول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۳۸۱ نفر به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. همچنین تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان و خبرنگاران مدیریت رسانه، از طریق نمونه‌گیری هدفمند برای تشکیل پانل خبرگی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن توسط ضرایب CVI و CVR مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش دلفی و سیستم استنتاج فازی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد سطح مطلوب تعاملات اجتماعی ۲/۸۵ می‌باشد و زمانی محقق می‌شود که سطح اعتماد ۲/۸۸، ارتباطات ۲/۴۴ و هماهنگی ۲/۲۶ باشد. این امر بدان معناست که اعتماد مهم‌ترین بعد تعاملات اجتماعی است. همچنین بر اساس نتایج، مهم‌ترین کارکرد رسانه در راستای افزایش اعتماد، انعکاس مطالبات می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تعاملات اجتماعی، اعتماد، ارتباطات، هماهنگی، رسانه‌های مجازی، استنتاج فازی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.383928.1403

## مقدمه و بیان مسئله

تعامل اجتماعی اساسی‌ترین عنصر سازنده زندگی اجتماعی است و کم‌وکیف آن، کیفیت زندگی را متأثر می‌سازد. تمایل ذاتی و طبیعی انسان به اجتماعی زندگی کردن، افراد را به سوی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران سوق داده و تداوم حیات اجتماعی را فراهم می‌سازد. پوتنام<sup>۱</sup> معتقد است گسترش مفهوم نظری تعامل اجتماعی از جامعه‌شناسی نشئت گرفته است و سایر علوم از قبیل علوم سیاسی و اقتصاد بر این مسئله اتفاق نظر دارند (افجه‌ای و سلطانی، ۱۳۹۰). تعاملات اجتماعی فرایندی است که از طریق آن دو یا چند انسان همدیگر را از راه‌های کلامی، جسمانی یا عاطفی تحت تأثیر قرار می‌دهند، عمل متقابل دوسویه‌ای که در آن طرفین بر همدیگر تأثیر می‌گذارند (ساروخانی، ۱۳۸۰).

صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مطالعه تعامل اجتماعی را می‌توان از دو منظر؛ توصیف و ارزیابی جنبه‌های رفتاری گوناگون تعامل اجتماعی و مطالعه آثار عوامل موقعیتی و تفاوت‌های فردی این رفتارها مورد بررسی قرار داد. به اعتقاد آنان افزایش یا کاهش ارتباطات و تعاملات اجتماعی می‌تواند افزایش و کاهش بسیاری از مسائل اجتماعی سطوح خرد و کلان سازمان را تبیین کند.

ازسوی‌دیگر رسانه‌ها نقش زیادی در بهبود و تعمیق تعاملات اجتماعی دارند و از این طریق بخش عظیمی از رسالت توسعه را بر دوش دارند. فعالیت رسانه‌ها در موقعیت مناسب اجتماعی منجر به افزایش اعتماد بین‌فردی و اعتماد به ساختارهایی می‌شود که رسانه در آن به فعالیت می‌پردازد. ویژگی اصلی رسانه‌ها فراگیر بودن آنهاست. آنها وظیفه حراست از محیط را بر عهده دارند و باید همبستگی کلی را بین اجزاء جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی ایجاد کنند (رحمان‌زاده و غفاری، ۱۳۹۰). اگرچه کارکرد رسانه‌های جمعی در هدایت افکار عمومی، اعتمادسازی، مشارکت، همبستگی اجتماعی و آگاهی‌بخشی برهمگان آشکار شده است، اما تأثیرگذاری مثبت رسانه منوط به آگاهی از بازخورد مخاطبان درباره کارکردهای خود است. به‌هرحال می‌توان گفت بخش عمده راهکارهای بهبود تعاملات اجتماعی از مسیر رسانه می‌گذرد و نقش رسانه‌ها در این خصوص، نقشی کلیدی و انکارناپذیر است.

1. Putnam

انقلاب ارتباطات، نوع جدیدی از تعاملات را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی است به وجود آورده است. رسانه‌های پیشرفته مخاطبان گسترده و متعددی دارند که مطالب خود را از طریق شبکه اینترنت به آن‌ها عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی فضای مجازی شکل می‌گیرد و اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها از طریق واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند و مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> (SMPs) به دلیل پیشرفت در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی که نوآوری‌های پویایی را ایجاد کرده‌اند، به منبع کلیدی موفقیت بسیاری از سازمان‌ها در محیط تجاری پیچیده امروزی تبدیل شده‌اند (Alalawneh, Al-omar & alkhathib, 2022). این فناوری‌ها شامل ابزارهای ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی است که اشتراک‌گذاری اطلاعات و همکاری در بستر وب را تسهیل کرده است. تعامل در شبکه‌های اجتماعی مجازی نوع ارتباطات را دگرگون کرده و ادراک افراد از اطلاعات جاری در اجتماع را تحت تأثیر قرار داده است (عزیزیان؛ مزیدی شرف‌آبادی و اسلامی، ۱۳۹۹).

ارتباطات و تعاملات اجتماعی با متغیرهای متعددی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارند. در صورت افزایش این متغیرها، سطح تعاملات اجتماعی بهبود می‌یابد. در رابطه با سایر متغیرها و مفاهیم اجتماعی که در ارتباط با پیوندهای اجتماعی نقش ایفا می‌کنند - یعنی می‌توانند آن را تقویت یا تضعیف کنند - نیز ادبیات بسیار وسیعی موجود است. این امر حاکی از اهمیت حیاتی این موضوع در توسعه فردی و سازمانی می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که فرایند توسعه، رابطه پایداری با تعامل بین فردی و مشارکت فعال گروه‌های اجتماعی دارد. با وجود این باید اذعان داشت که مطابق تحقیقات، اجتماعات ایرانی از ضعف شدید تعاملات اجتماعی و آثار مخرب گسترده و عمیق آن رنج می‌برد (باقری؛ صدیق اورعی و یوسفی، ۱۳۹۸).

اغلب یافته‌های موجود، حاکی از وجود تعاملات منفعت‌طلبانه در اجتماعات ایرانی است؛ یعنی اصل تعامل از مطلوبیت برخوردار نیست و مطلوبیت تعامل برای شخص، نفعی است که برای او از یک تعامل حاصل می‌شود (قنبری برزینان؛ میرزایی و همتی، ۱۳۹۵). این امر سبب افزایش تعاملات غیراخلاقی در سازمان‌ها و گسترش فساد اداری شده است (شهابی، ۱۳۹۵). در نیم‌قرن گذشته، ضعف کار جمعی و مشارکتی در

حوزه‌های مختلف، همواره مورد تأکید محققان و مدیران داخلی و خارجی بوده است. در تحلیل چرایی کیفیت پایین تعاملاتی در کشور، غالباً زمینه‌های فرهنگی از اصلی‌ترین علل این پدیده دانسته شده است (تسلیمی؛ فرهنگی و رازنهان، ۱۳۸۹). این در حالی است که رسانه‌ها نقش مهمی در غنی‌سازی فرهنگی و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارها برعهده دارند. درواقع رسانه‌های جمعی از عوامل اجتماعی کردن افراد محسوب می‌شوند و به شکل مستقیم بر مؤلفه‌های مؤثر بر تعاملات اجتماعی اثرگذارند. صداوسیما به‌عنوان رسانه ملی، تاکنون نقش مهمی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی بر عهده داشته و توانسته به تقویت انسجام اجتماعی، تحکیم هویت ملی و مقابله با امواج مخرب بپردازد. با تکامل و توسعه فناوری، رسانه ملی از لحاظ محیطی و محاطی تحت تأثیر فناوری‌های نوین و به‌ویژه فضای مجازی قرار گرفته است. این در حالی است که حضور رسانه ملی در این فضا تاکنون بیشتر از طریق ایجاد تارنماها برای پشتیبانی برنامه‌ها و امکان ارائه اطلاعات اضافی بوده است؛ درحالی‌که فضای مجازی قابلیت زیادی برای استفاده دارد و می‌تواند فرصتی برای رسانه ملی باشد تا در دستیابی به اهداف اجتماعی خود به‌گونه‌ای موفق‌تر عمل نماید. صداوسیما دارای تعداد انبوهی از مخاطبان در داخل و خارج کشور است و بهره‌گیری از فضای مجازی می‌تواند منجر به تعاملات نزدیک و گسترده سازمان با آنان گردد.

ازسوی‌دیگر توجه به آینده رسانه ملی باید بخش ناگسستگی تصمیم‌گیری‌های امروز باشد. ورود فناوری‌ها و رسانه‌های نوین باعث شده رسانه‌های فعلی، لقب رسانه‌های سنتی را بگیرند و با پیامدهایی مانند حذف و یا جایگزینی روبه‌رو شوند؛ لذا برای سازمان صداوسیما لازم است که همواره با آینده‌نگری، از روندها و تغییرهای پیشرو اطلاع دقیق حاصل کند تا بتواند برای منطبق کردن سیاست‌ها و راهبردهای سازمان با شرایط آینده برنامه‌ریزی کند. براین‌اساس با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی در سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

## ۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

### ۱-۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی؛
- ۲- شناسایی روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش

رسانه‌های مجازی؛

۳- تعیین ترکیب مطلوب ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی.

## ۲-۱. سؤال‌های پژوهش

۱- ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی کدامند؟

۲- روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی به چه صورتی است؟

۳- ترکیب مطلوب ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی چگونه است؟

## ۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

از آنجاکه محقق درصدد پاسخگویی به سؤال‌ها است، لذا پژوهش فرضیه ندارد. متغیر وابسته نیز «تعاملات اجتماعی» می‌باشد.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. پیشینه‌های داخلی

پژوهش‌های مختلفی پیرامون تعاملات اجتماعی و نقش و تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر آن، در داخل کشور انجام گرفته است. در خصوص پیشینه موضوعی مقاله می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

قوامی؛ صرافی‌زاده و عالم تبریز (۱۴۰۱) در پژوهشی با بررسی تعاملات اجتماعی مشتریان در رسانه‌های دیجیتال نتیجه گرفتند سازمان‌ها قادرند تشخیص دهند که کاربران رسانه‌های دیجیتال با کدام یک از محتواهای منتشرشده تحت تأثیر قرار گرفته‌اند تا با بهره‌گیری از این کُنش‌ها و واکنش‌ها، آنها را به سمت تحقق اهداف سازمانی سوق دهند. آنچه در یافته‌های این پژوهش حائز اهمیت است آن است که اعتماد الکترونیکی در تعاملات فضای مجازی نقش به‌سزایی دارد و بهبود سازوکارهای ایجاد امنیت و حفظ حریم خصوصی کاربران منجر به ارتقای سطح اعتماد و بالتبع آن بهبود تعاملات اجتماعی می‌گردد.

محمودبابویی، ذوالفقاری و بیات (۱۴۰۰) پژوهشی با هدف شناسایی عملیات روانی

- رسانه‌ای مؤثر بر تعاملات سازمانی در مدیریت بحران‌های انجام دادند. پژوهش‌ها دارای رویکرد آمیخته می‌باشد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و مدل تأیید عاملی سه سطحی در نرم‌افزار Smart PLS انجام گرفت. نتایج نشان داد فعالیت رسانه‌ها در امیدافزایی، و شفافیت و صداقت در ارائه اطلاعات بر تعاملات سازمانی اثرگذارند. همچنین از یافته‌های پژوهش می‌توان استنباط کرد در شرایط بحرانی، بهره‌گیری از فضای مجازی منجر به بهبود ارتباطات بین‌سازمانی، افزایش پاسخگویی دستگاه‌ها و رضایت مردم، و در نهایت بهبود تعاملات سازمانی می‌گردد.

خدادی؛ محترم و جعفری (۱۳۹۸) با انجام پژوهشی در خصوص تأثیر پذیرش رسانه اجتماعی بر عملکرد شرکت‌ها نتیجه گرفتند، پذیرش واقعی رسانه‌های اجتماعی بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. در تحلیل این امر باید گفت نخستین گام در بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی در تحقق اهداف سازمانی، پذیرش نقش مؤثر این فضا در افزایش عملکرد فردی و گروهی است که از بهبود مجاری ارتباطی و تعاملاتی در بستر فضای مجازی نشئت می‌گیرد.

باقری و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی مسئله تعامل در جامعه ایرانی نتیجه گرفتند اجتماعات ایرانی با ضعف تعاملات و عواطف مثبت و افزایش تعاملات سرد مواجه شده‌اند. منظور از ضعف تعاملات، پایین بودن رفتارهای همیارانه، پایین بودن میزان مشارکت، ضعف کارهای تیمی و ضعف در انجام فعالیت‌های داوطلبانه است. واضح است بروز چنین علایمی در سازمان‌ها، بهره‌وری سازمانی را به میزان چشمگیری کاهش می‌دهد. بر همین اساس محققان معتقدند، موضوع تعاملات اجتماعی از مسائل عمده کشور در شرایط کنونی است که باید در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گیرد.

محمودی رجا؛ توفیقیان فر و محمودی (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه مصرف رسانه‌های ارتباطی و تعاملات اجتماعی بیان کردند بین میزان استفاده از رسانه‌های الکترونیکی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجاکه افزایش مشارکت اجتماعی به تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود تعاملات اجتماعی می‌انجامد؛ لذا می‌توان گفت عضویت در شبکه‌های مجازی یکی از راهکارهای مؤثر برای افزایش تعاملات است. در اغلب سازمان‌های امروزی، کارکنان برای اطلاع از آخرین اخبار و رویدادها، در شبکه‌های مجازی سازمان عضو هستند و مشارکت فعال دارند. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد بین سطح استفاده از رسانه‌های الکترونیکی و میزان اعتماد اجتماعی و رعایت هنجارها رابطه معناداری وجود ندارد.

میرزایی شیرینی؛ محبی و نوروزی (۱۳۹۶)، با بررسی نقش رسانه‌های جمعی بر سرمایه اجتماعی نشان دادند بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با هنجارهای اجتماعی، رابطه مستقیم وجود دارد. در واقع رسانه‌ها می‌توانند هنجارهایی خاص را در جامعه ترویج دهند (و یا جلب حمایت برای هنجارهای موجود) و یا با ظهور برخی هنجارهای اجتماعی مقابله کنند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر سطح اعتماد اجتماعی اثرگذار است.

اعظمی و اکبری (۱۳۹۶) با انجام پژوهشی دریافتند بررسی و تحلیل پیامدهای سازمانی مانند تمایل به ترک شغل، عملکرد شغلی زیردستان، رضایت شغلی زیردستان، درک عدالت رویه‌ای، باید با در نظر گرفتن نقش و اثر تعاملات اجتماعی باشد. نتایج تحقیق این محققان نشان داد تعاملات اجتماعی بر پیامدهای سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تحلیل این امر باید گفت وجود شبکه‌های ارتباطی و تعاملاتی اثربخش، بر آرامش روانی و عملکرد شغلی کارکنان اثرگذار است. در چنین فضایی، اطلاعات از طریق مجاری رسمی و به صورت شفاف در اختیار همگان قرار می‌گیرد و سطح عدالت ادراک شده و رضایت شغلی را در تمام سازمان افزایش می‌دهد. بسیاری از تعارضات سازمانی که به ترک خدمت منجر می‌گردد به دلیل عدم توانایی در برقراری ارتباط و ضعف در تعاملات است.

در خصوص پیشینه توصیفی مقاله می‌توان به پژوهش علی‌ئی؛ طالبی و قدسی (۱۳۹۵) اشاره کرد. پژوهشگران در تحقیقی با عنوان واکاوی کاربری رسانه ملی در ارتقای سرمایه اجتماعی نتیجه گرفتند بین بسیاری از کارکردهای رسانه و تعاملات اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. محققان با بررسی کارکردهای سه‌گانه صداوسیما دریافتند این سازمان در بخش «نظارت بر محیط» از کارنامه موفق‌تری برخوردار بوده و در سایر کارکردها عملکرد ضعیف‌تری داشته است.

## ۲-۲. پیشینه‌های خارجی

در خصوص پژوهش‌های خارجی انجام گرفته مرتبط با موضوع تحقیق می‌توان به پژوهش دنش، دوهرلر و لی (۲۰۲۲) اشاره کرد. محققان با انجام تحقیقی نتیجه گرفتند محتوای بصری مؤثر تولید شده توسط سازمان در رسانه‌های اجتماعی بر میزان مشارکت کارکنان تأثیرگذار است. بر این اساس می‌توان گفت علاوه بر محتوای مطالب، شکل ظاهری و فرمت انتقال مطالب نیز بر جلب نظر و واکنش‌پذیری مخاطبان اثرگذار است.

کای و پرونوویچ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نشان دادند شدت استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر جامعه‌پذیری تازه‌واردین تأثیر دارد و استفاده از آنها توان عملکردی فرد را افزایش می‌دهد. بسیاری از قواعد نانوشته و هنجارهای غیررسمی از طریق شبکه‌های مجازی سازمانی به تازه‌واردین انتقال داده می‌شود و از این طریق به سازگاری فرد با محیط سازمان کمک شایانی می‌کند.

از سوی دیگر نامیسانگو و کانگ (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند تعامل در رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت، تبادل و همزیستی سازمانی اثرگذار است و شناسایی الگوی این تأثیرگذاری به بهبود تعاملات بین سازمان و عموم کمک زیادی خواهد کرد. براین اساس می‌توان از رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری مؤثر در ایجاد سازگاری و انعطاف‌پذیری بهره‌گرفت و همگرایی سازمانی را تقویت کرد.

در نهایت با مرور و جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت هر یک از تحقیقات انجام گرفته از زاویه دید خاص خود به موضوع نگاه کرده و پژوهش جامعی که به بررسی تمام ابعاد و تأثیر رسانه‌های مجازی بر آنها پردازد صورت نگرفته است. اغلب تحقیقات، بهبود تعاملات اجتماعی را از طریق تأکید بر ارتقای سطح اعتماد تبیین کرده‌اند. این در حالی است که مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی همه‌جانبه، کارکردهای رسانه‌های مجازی را در بستر ابعاد سه‌گانه تعاملات اجتماعی مشخص کرده و به تجزیه و تحلیل پرداخته است؛ لذا پژوهش از این جهت دارای نوآوری است. به‌لحاظ روش‌شناسی نیز به‌دلیل بهره‌گیری از سیستم استنتاج فازی و ترکیب‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها، مقاله دارای نوآوری می‌باشد.

### ۳. ملاحظه‌های نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

انسان‌ها برای رفع نیازهای متقابل خود با یکدیگر، به تعاملات اجتماعی روی می‌آورند. تعامل یک عنصر اساسی برای تشکیل گروه و تداوم زندگی اجتماعی است. درواقع گروه اجتماعی، مجموعه‌ای از اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند است. افزون‌براین، شخصیت، فرهنگ، ساختار اجتماعی و دیگر دستاوردهای انسان از آثار تعاملات اجتماعی مستمرند (باقری و دیگران، ۱۳۹۷). تعامل، کنش اجتماعی دوسویه است و تعاملات بین اشخاص، در بستر رابطه اجتماعی بین آن دو صورت می‌گیرد. مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان کنشگران اجتماعی - اعم از

اشخاص و گروه‌ها - اصطلاحاً شبکه اجتماعی نامیده می‌شود. میزان و نحوه تعاملات اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مختلف، ممکن است متفاوت باشد. آنچه بازگوکننده میزان و نحوه تعاملات اجتماعی است، سرمایه اجتماعی نام دارد. اجتماعات انسانی از جمله سازمان‌ها، نیازمند تعاملات مستمر و انسجام است. اگر نحوه تعاملات اجتماعی، مورد توافق طرفین تعامل باشد، تعامل ادامه می‌یابد و در غیر این صورت، موجب ترک یا تعارض می‌شود (باقری؛ صدیق اورعی و فرزانه، ۱۳۹۹).

از آنجاکه منابع انسانی از مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان محسوب می‌شوند نحوه تعاملات اجتماعی بین آنها در عملکرد فردی و سازمانی بسیار مؤثر است. در واقع حیات سازمان‌ها در شرایط پیچیده و رقابتی کنونی، مستلزم برقراری ارتباطات صحیح و تعاملات سازنده درون و برون‌سازمانی می‌باشد. از سوی دیگر پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و امکان برقراری ارتباط از هر نقطه‌ای از جهان، امکانات جدیدی را برای سازمان‌ها به ارمغان آورده است. جذب مشتریان بین‌المللی، دورکاری کارکنان، کنفرانس‌های ویدیویی، فضاهای کاری مجازی مشترک و غیره، روش‌های سنتی انجام کار را دگرگون کرده و نحوه تعاملات اجتماعی را تغییر داده است. در چنین شرایطی تعامل به نزدیکی فیزیکی محدود نمی‌شود و نزدیکی فیزیکی نیز تعامل را تضمین نمی‌کند. این امر سازمان‌ها را به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین جهت افزایش تعاملات سازمانی ترغیب کرده است. در این میان رسانه‌های اجتماعی نقش پررنگی را ایفا کرده‌اند. رسانه اجتماعی، رسانه‌ای است که برای تعامل و انتشار محتوا در محیط اینترنت از طریق تعامل اجتماعی طراحی شده، دسترسی‌پذیری بسیار زیادی دارد و از فنون انتشار مقیاس‌پذیر در آن استفاده شده است. به عبارت دیگر مجموعه تارنماها و ابزارهایی است که در فضای ایجاد شده به وسیله رسانه‌های نوین از قبیل اینترنت و تلفن‌های همراه ایجاد شده و توسعه یافته‌اند و برای اشتراک‌گذاری مطالب و بیان نظرها و تجربه‌ها استفاده می‌شوند مانند: وبلاگ‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها، شبکه‌های اجتماعی مجازی (مانند فیسبوک و توئیتر) و شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه (همچون واتساپ، اینستاگرام و غیره).

رسانه‌های اجتماعی به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد، آوردگاه جدیدی را برای کنشگران اجتماعی ساخته و پرداخته کرده‌اند و به عنوان یک واسطه بین سازمان، کارکنان، رقبا و ذی‌نفعان ایفای نقش می‌کنند. می‌توان گفت رسانه‌های اجتماعی مجازی، به افقی، تعاملی و متکثر شدن ارتباطات کمک کرده‌اند و فرصت جدیدی پیش‌روی تعاملات انسانی قرار داده‌اند.

### ۳-۲. مبانی نظری

روابط یا تعاملات اجتماعی اشاره به مجموعه وسیعی از ارتباطات کلامی / غیرکلامی، مستقیم / غیرمستقیم و عینی / نمادین بین دو و یا تعداد بیشتری از افراد دارد. روابط اجتماعی، که از عاملیت فردی مشتق شده است، شکل‌دهنده ساختار اجتماعی است (Wu; Hua; Yang & Yin, 2018). موضوع مهم روابط و تعاملات اجتماعی، انتقال پیام از فردی به دیگری برای نیل به خواسته‌ها/نیازهای فرستنده پیام است، امری که فرد ارسال‌کننده پیام شاید نتواند به‌تنهایی برآورده سازد (Erickson, 2017). امروزه مقوله تعاملات اجتماعی، دیگر تنها به شکل حقیقی متصور نیست و فضای مجازی و ارتباطات در آن بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشری (حداقل در جوامع دارای دسترسی به اینترنت) تلقی می‌شود (Chen & Lin, 2018). ارتباطات و تعاملات اجتماعی تا به آن حد حائز اهمیت‌اند که حتی در اموری چون ادراک درد نیز تأثیر دارند (Pink; Leopold & Engelhardt, 2014)؛ امری که در ظاهر مسئله‌ای شخصی بوده و فقط مؤلفه‌های زیستی در آن دخیل است. براین‌اساس تمام سازمان‌ها برای بقا و موفقیت نیازمند سطح مناسبی از روابط و تعاملات اجتماعی درون سازمانی (با کارکنان) و تعاملات اجتماعی برون‌سازمانی (با سایر افراد و گروه‌ها همچون مشتریان، رقبای، سهامداران و...) می‌باشند (رحمان سرشت؛ عباس‌زاده و امیدوی پسند، ۱۳۹۴). درواقع جامعه سازمانی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که اعضا با قرارگرفتن در شبکه آن، با تمام کسانی که به آن تعلق دارند، نسبت‌هایی پیدا می‌کنند و زندگی اجتماعی (در محیط سازمانی) که نوعی زندگی اخلاقی و ارزشی نیز می‌باشد، نتیجه چنین روابط جمعی است. صرف‌نظر از وسعت و گستردگی یک سازمان، شرط لازم و مهم برای تداوم حیات اجتماعی آن، میزان و نوع روابط اجتماعی است که در آن سازمان موجود است (حبیب‌زاده؛ عباس‌زاده و هنرور، ۱۳۹۳). مفهوم روابط اجتماعی، مقوله‌ای است که اگر از متن جامعه (سازمانی) جدا شود، چیزی به نام جامعه «سازمان» باقی نخواهد ماند.

بر اساس نظر هانگ و یانگ (۲۰۰۹)، تعامل اجتماعی به حوزه‌ای اشاره دارد که اعضای سازمان بر اساس اعتماد و ارتباط و تشریک مساعی با یکدیگر تعامل و تقابل دارند. هوانگ و لی (۲۰۰۹)، بر این باورند که تعامل اجتماعی (اعتماد متقابل، ارتباط مؤثر و هماهنگی)، ممکن است انگیزه و توانمندی اعضای سازمانی را برای نوآوری تضمین کند. آنها اعتماد را درک مثبت از عدالت و حقیقت بین مبادله (معامله)

شرکاء تعریف کرده‌اند. هماهنگی درجه‌ای است که کارکنان احساس می‌کنند محیط کار آنها به خوبی سازماندهی و یکپارچه شده است (یزدانی؛ حمیدی‌زاده و کاملی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، سیکورا و فریسز (۲۰۱۴) معتقدند که تعاملات اجتماعی می‌تواند از طریق توجه به فرهنگ سازمانی، ملاحظیات سیاسی و جو سازمانی گسترش یابد. لین (۲۰۰۸) معتقد است تعامل سازمانی شامل تعهد افراد به سازمان، بخش و گروهشان است. عمل طبق قاعده و توافق، اگر در طول زمان استمرار یابد، برای طرف تعامل پیش‌بینی‌پذیر و اطمینان‌آور می‌شود. این اطمینان به تعهد شخص یا سازمان در آینده، اعتماد نام دارد (باقری و دیگران، ۱۳۹۸). رسانه‌ها می‌توانند اعتماد اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند. کلمن<sup>۱</sup> رسانه‌های جمعی را در تعاملات انسانی به عنوان عامل سومی در نظر می‌گیرد که در ارتباط بین طرفین نقش یک واسطه مشورتی را ایفا می‌کنند. از نظر کلمن، رسانه‌های همگانی به گونه فزاینده‌ای تبدیل به واسطه‌ای می‌شوند که افراد به قضاوت آنها در مورد امور مختلف اعتماد می‌کنند؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که رسانه‌ها از طریق فراهم آوردن اطلاعات کافی پیرامون حوادث و رویدادها، زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی می‌شوند (عطایی و زرندی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، ارتباطات نیز از عناصر مهم تعامل اجتماعی به شمار می‌آیند. تعاملات سازمانی زمانی شکل می‌گیرد که افرادی برای ایجاد ارتباط با یکدیگر وجود داشته باشند و ناگزیر از همکاری و معاضدت با یکدیگر باشند (رحمان سرشت، ۱۳۹۳، ج ۱). ارتباطات برای تمامی گروه‌ها و اجتماعاتی که برای انجام هدف معینی گردهم آمده‌اند ضروری است. به همین دلیل در سازمان‌ها، وجود زیرساخت‌های مورد نیاز برای استقرار و پیاده‌سازی ارتباطات مؤثر امری حیاتی است و بستر تعامل بین کارکنان را فراهم می‌آورد (Özhan, 2009). البته وجود ارتباطات به تنهایی نمی‌تواند شکل‌دهنده تعاملات سازمانی باشد و عامل مهم‌تر هماهنگی بین اعضای سازمان است. به تعبیر برنارد، سازمان متشکل از مجموعه منظم فعالیت‌ها یا اقدام‌های هماهنگ و آگاهانه دو یا بیشتر از دو نفر است. در واقع، هماهنگی به مثابه چسبی است که فعالیت‌های اعضای سازمان را به هم متصل می‌کند به گونه‌ای که فعالیت‌های به هم وابسته که برای تحقق اهداف مورد نیاز است به صورت شفاف با هم سازگار می‌گردند (Rathnam; Mahajan & Whinston, 1995).

صاحب‌نظران معتقدند به موازات رشد وسایل ارتباط جمعی و کاربرد گسترده آنها،

---

 1. Coleman

آگاهی و دانش عمومی به سرعت افزایش یافته و موجبات رشد و توسعه فرهنگی و به تبع آن افزایش تعاملات اجتماعی را فراهم آورده است (محمودیان؛ مقدس و جهان شاهی، ۱۳۹۶). امروزه رسانه‌های اجتماعی جزء لاینفک سازمان‌ها محسوب شده و منجر به توسعه تعاملات و فعالیت‌های سازمانی شده‌اند. در واقع رسانه‌های اجتماعی تسهیل‌کننده ارتباطات و تعاملات برخط بین افراد هستند (عدلی‌پور؛ زرین‌کفش و مظفری، ۱۳۹۵). با ورود رسانه‌های اجتماعی به زندگی افراد، نوع جدیدی از روابط بین مردم شکل گرفته است. ضمن اینکه این رسانه‌ها نقش مهمی در بالا بردن سطح سواد اطلاعاتی عمومی داشته‌اند (صراطی شیرازی و گل تاجی، ۱۳۹۷). در سازمان‌های امروزی، رسانه‌های اجتماعی، چشم‌انداز روشنی در مورد بهبود خدمات‌رسانی و رشد تعاملات اجتماعی ارائه کرده‌اند (Slive; Poorisat & Kim, 2019) و شبکه‌های اجتماعی نوعی راهبرد برای روابط عمومی سازمان محسوب می‌شوند (عزیزیان و دیگران، ۱۳۹۹). پژوهشگرانی که درباره کارکردهای رسانه‌های نوین به اظهار نظر پرداخته‌اند، کارکردهای متفاوتی برای آنها بیان کرده‌اند. هارولد لاسول<sup>۱</sup>، رسانه‌ها را انتقال‌دهنده فرهنگ، اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر می‌داند و معتقد است این کارکرد رسانه‌ها با گسترش بنیان تجربه مشترک، انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد. مک‌کوایل معتقد است که همدلی اجتماعی، همدات‌پنداری با دیگران و احساس تعلق، تعامل اجتماعی، کمک به اجرای نقش‌های اجتماعی و توانا ساختن فرد به ایجاد پیوند با گروه، سازمان و جامعه، از خدماتی است که رسانه‌ها ارائه می‌دهند و از آن طریق می‌توانند همبستگی اجتماعی را تحکیم نمایند (مک‌کوایل، ۱۳۸۸). بدین ترتیب رسانه‌های ارتباط جمعی از طریق کاهش انزوای اجتماعی و تقویت احساس مشترک با سایر اعضا، موجب نوعی احساس تعلق می‌شوند؛ به طوری که هویت جمعی در رأس سایر هویت‌ها قرار می‌گیرد. در نتیجه تعهد عمومی تقویت شده و این نیز متعاقباً باعث افزایش اعتماد و امید می‌گردد (چلیپی، ۱۳۹۳). هارولد لاسول در مجموع برای رسانه‌های جمعی سه کارکرد اصلی تعریف کرده است که عبارت‌اند از: ۱- نظارت بر محیط (نقش خبری) که به معنای نظارت، مراقبت، تهیه و رساندن اخبار است؛ ۲- همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط (نقش راهنمایی) که عبارت است از: «تبیین، تفسیر و اظهار نظر درباره معنای رویدادها و اطلاعات، جلب حمایت برای قدرت و هنجارهای موجود و جاافتاده، اجتماعی کردن، هماهنگ کردن فعالیت‌های پراکنده،

ایجاد وفاق اجتماعی، تنظیم اولویت‌ها و درجات شأن مردم»؛ ۳- انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر (نقش آموزشی) که به معنای انتقال اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه‌واردهاست.

### ۳-۳. چهارچوب نظری پژوهش

از آنجاکه مسائل اجتماعی را نمی‌توان تنها با تأکید بر یک نوع نظریه تبیین کرد، لذا مقاله حاضر با رویکردی ترکیبی از تمام نظریه‌های مرتبط با اهداف تحقیق بهره برده است. در این پژوهش، تعامل اجتماعی به میزان تعامل اعضای سازمان با یکدیگر از نظر اعتماد، ارتباطات و هماهنگی اشاره دارد (Chen & Huang, 2007). اعتماد محور اساسی تعاملات است و باعث افزایش انسجام و پیوستگی اجتماعی می‌شود. ارتباطات نیز از عناصر مهمی است که بدون آن تعامل کارآمد شکل نمی‌گیرد و اثربخشی ارتباطات منوط به هماهنگی بین افراد، اقدام‌ها و راهبردهای سازمانی است. کارکردهای رسانه نیز بر اساس نظریه لاسول، شامل نظارت بر محیط، همبستگی اجتماعی و انتقال فرهنگی در نظر گرفته شده است. براین اساس مدل پژوهش را می‌توان به صورت جدول ۱ نشان داد:

جدول (۱): مدل مفهومی پژوهش

کارکردهای رسانه تعاملات اجتماعی	نظارت بر محیط (نقش خبری)	همبستگی اجتماعی (نقش راهنمایی)	انتقال فرهنگی (نقش آموزشی)
اعتماد	صحت محتوا - اعلام دستاورد های سازمان‌ها - انعکاس مطالبات	تبیین بی‌طرفانه	تقویت همگرایی
ارتباطات	تناسب مطالب با نیاز مخاطبان	هدایت افکار عمومی	جلب حمایت برای هنجارهای موجود - تزریق امید
هماهنگی	تعامل نهادهای رسانه‌ای	هویت‌سازی	تساوی جنسیتی، تنوع قومیتی

### ۴. روش پژوهش

مقاله حاضر دارای رویکرد کمی است و در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ انجام گرفته است. همچنین از نظر هدف جزو پژوهش‌های کاربردی، از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات پیمایشی می‌باشد. پژوهش

دارای دو بخش کلی می‌باشد. در بخش اول پس از شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های موضوع از ادبیات و مبانی نظری، از روش دلفی جهت پالایش و رسیدن به توافق جمعی استفاده شده است.

در بخش دوم معناداری عوامل تأیید شده بررسی شده و ترکیب‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها مشخص شده است. بدین‌منظور پرسشنامه‌ای بر اساس مؤلفه‌های مستخرج از روش دلفی، طراحی و در جامعه آماری توزیع گردید تا روابط بین ابعاد و مؤلفه‌ها مورد آزمون قرار گیرد. درنهایت به‌منظور دستیابی به سطح مطلوب تعاملات اجتماعی از طریق استنتاج فازی اقدام به ترکیب‌بندی ابعاد گردید و قوانین استنتاج نیز از طریق پرسشنامه خبره و توسط پانل خبرگی مشخص شدند.

#### ۴-۱. جامعه آماری

جامعه مورد مطالعه کارکنان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به تعداد ۴۸۰۰۰ نفر است.

#### ۴-۲. حجم نمونه

از آنجاکه سازمان صداوسیما، مراکز استانی خود را در پنج منطقه اصلی طبقه‌بندی کرده است، علاوه بر تهران، از هر یک از مناطق پنج‌گانه نیز یکی از مراکز مدنظر قرار گرفت. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۱ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

جدول (۲): حجم نمونه

حجم نمونه	فراوانی	مناطق	مراکز	حجم نمونه	فراوانی	مناطق	مراکز	حجم نمونه	فراوانی	مناطق	مراکز
۱۰٪	۳۸	منطقه ۳	هرمزگان	۱۷٪	۶۴	منطقه ۲	آذربایجان غربی	۱۳٪	۵۰	منطقه ۱	گلستان
۳۴٪	۱۳۰	منطقه ۴	تهران	۱۴٪	۵۳	منطقه ۵	سمنان	۱۲٪	۴۶	منطقه ۱	آبادان
								۱۰۰٪	۳۸۱		جمع کل

#### ۴-۳. روش نمونه‌گیری

با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه آماری انتخاب گردید. همچنین برای تشکیل پانل خبرگی، تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان و خبرگان مدیریت رسانه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. شاخص‌های مورد استفاده در تعیین افراد

خبره عبارت‌اند از: دارای مدرک دکترای مدیریت رسانه یا مدیریت منابع انسانی و حداقل ده سال سابقه کار مرتبط؛ و علاقه‌مند به مشارکت در نظرسنجی.

#### ۴-۴. فرایند و ابزار گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها میدانی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از کتابخانه‌های اینترنتی و نشریه‌های معتبر استفاده شد و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت طراحی گردید. از آنجاکه پس از انجام روش دلفی، تعداد ۱۲ مؤلفه در مدل باقی ماند برای طراحی پرسشنامه ۴۸ گویه در نظر گرفته شد (هر مؤلفه با ۴ گویه تبیین گردید) که گویه‌های ۱ تا ۲۰ آن مربوط به بعد اعتماد با مؤلفه‌های تبیین بی‌طرفانه (A)، تقویت همگرایی (B)، صحت محتوا (C)، اعلام دستاوردهای سازمان‌ها (D)، و انعکاس مطالبات (E) می‌باشد. گویه‌های ۲۱ تا ۳۲ آن مربوط به بعد ارتباطات با مؤلفه‌های تناسب مطالب با نیاز مخاطب (F)، جلب حمایت برای هنجارهای موجود (G)، و تزریق امید (H) می‌باشد. گویه‌های ۳۴ تا ۴۸ نیز مربوط به بعد هماهنگی با مؤلفه‌های تعامل نهادهای رسانه‌ای (I)، تساوی جنسیتی (J)، هویت‌سازی (L)، و تنوع قومیتی (M) می‌باشد.

برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه از نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا استفاده شده است. همچنین جهت ارزیابی روایی سازه‌ای از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و پایایی نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا برای تعیین CVR از پانل خبرگان درخواست گردید که هر آیتم را براساس طیف سه قسمتی (ضروری است، مفید است ولی ضروری نیست، ضرورتی ندارد) بررسی کنند، سپس مقدار CVR براساس فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_E - N/2}{N/2}$$

که در فرمول بالا  $n_E$  تعداد افراد خبره‌ای است که به گزینه «ضروری است»، پاسخ داده‌اند و  $N$  تعداد کل افراد خبره است. مقدار CVR محاسبه شده برای هر آیتم براساس جدول لاوشه، برای ۱۲ خبره باید بیشتر از ۰٫۵۶ باشد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر CVR برای تمام آیتم‌ها بیشتر از حداقل مقدار قابل قبول است. برای تعیین CVI نیز سه معیار سادگی، اختصاصی بودن (مرتبط بودن) و وضوح به صورت یک طیف لیکرت چهار قسمتی برای هر یک از گویه‌ها

توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. امتیاز CVI به‌وسیله تجمیع امتیازات موافق برای هر گویه که رتبه ۳ و ۴ کسب کرده‌اند، تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه شد و حد پذیرش نیز نمره بالای ۰,۷۹ در نظر گرفته شد (فابریگر و ویگنر، ۲۰۱۱). همچنین جهت بررسی سهم هر گویه در تبیین سازه مورد نظر از تحلیل عاملی مرتبه اول استفاده گردید. بارهای عاملی به‌دست آمده، در جدول ۳ گزارش شده است و از آنجا که برای تمام گویه‌ها بیش از ۰,۷ می‌باشد دلالت بر روایی مناسب پرسشنامه دارد. جهت بررسی پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که طبق نتایج جدول ۳، میزان آن برای تمام گویه‌ها از حد آستانه ۰,۷ بالاتر است، لذا پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

**جدول (۳): گویه‌ها و مقادیر CVI، CVR، آلفای کرونباخ و بارهای عاملی**

ردیف	گویه	CVI	CVR	آلفای کرونباخ	بارعاملی (CFA)
۱	رسانه‌ها با تبیین بی‌طرفانه رویدادها، همبستگی اجتماعی را افزایش داده و تعاملات را بهبود می‌بخشند (q <sub>1</sub> )	۰,۸۸	۰,۹۸	۰,۷۸	۰,۷۲
۲	بی‌طرفی در ارائه اخبار و اطلاعات به جلب اعتماد سازمانی می‌انجامد (q <sub>2</sub> )	۰,۸۶	۰,۸۲	۰,۸۵	۰,۷۱
۳	جهت‌گیری و غرض‌ورزی در تبیین رخدادها می‌تواند به شکاف منجر شده و گروه‌های متعارضی پدید آورد (q <sub>3</sub> )	۰,۹۲	۰,۸۸	۰,۸۴	۰,۸۴
۴	رعایت حرفه‌ای‌گرایی رسانه‌ای و تحلیل منطقی رویدادها، به افزایش درک و گفتمان عمومی منجر می‌شود (q <sub>4</sub> )	۰,۸۹	۰,۹۲	۰,۷۹	۰,۸۱
۵	تقویت همگرایی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه در بهبود تعاملات اجتماعی است (q <sub>5</sub> )	۰,۸۳	۰,۷۷	۰,۷۹	۰,۸۸
۶	رسانه‌ها با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی مانند پیوستگی و جمع‌گرایی می‌توانند سطح اعتماد را افزایش دهند (q <sub>6</sub> )	۱	۱	۰,۹۱	۰,۸۳
۷	کیفیت تعاملات اجتماعی از طریق جایگزینی فرهنگ جمع‌گرایی و همگرایی به جای فردگرایی بهبود می‌یابد (q <sub>7</sub> )	۰,۹۴	۱	۰,۷۶	۰,۸۸
۸	انسجام سازمانی با تأکید بر همگرایی و تمرکز بر اهداف مشترک تقویت می‌گردد (q <sub>8</sub> )	۰,۹۱	۰,۸۷	۰,۸۲	۰,۸۶
۹	از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتمادسازی در رسانه، صحت محتواست (q <sub>9</sub> )	۰,۹۱	۱	۰,۸۸	۰,۹۲
۱۰	جو بی‌اعتمادی ناشی از نشر اکاذیب از مطلوبیت تعاملات اجتماعی کاسته و موجب سوءظن می‌گردد (q <sub>10</sub> )	۰,۸۴	۰,۸۵	۰,۹۷	۰,۷۵
۱۱	صحت مطالب رسانه‌ای باعث بهبود گفتمان عمومی شده و تمایل به مشارکت و اظهار نظر را بالا می‌برد (q <sub>11</sub> )	۰,۸۹	۰,۸۳	۰,۹۱	۰,۷۳
۱۲	انتشار محتوای صحیح از مجاری رسمی، باعث کاهش شایعات و	۰,۸۸	۰,۹۱	۰,۷۵	۰,۸۵

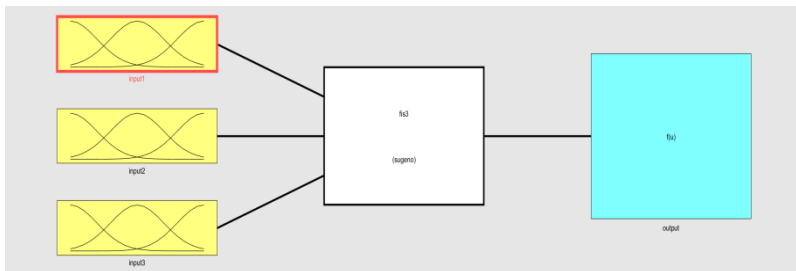
ردیف	گویه	CVI	CVR	آلفای کرونباخ	بارعاملی (CFA)
	افزایش اعتماد سازمانی می‌شود (q12)				
۱۳	رسانه‌ها با اعلام دستاوردهای سازمان‌ها می‌توانند به جلب اعتماد و حمایت عمومی کمک کنند (q13)	۰,۹۶	۰,۸۶	۰,۸۳	۰,۸۸
۱۴	انعکاس دستاوردهای سازمان، عاملی انگیزش‌بخش در راستای ارتقای عملکرد و افزایش تعاملات است (q14)	۱	۰,۷۹	۰,۸۴	۰,۹۸
۱۵	تأکید بر نقاط قوت و موفقیت‌ها، باعث تقویت روحیه جمعی و افزایش ارتباطات و تعاملات می‌گردد (q15)	۰,۹۲	۰,۶۹	۰,۸۷	۰,۹۳
۱۶	گفتگو در خصوص دستاوردهای جمعی می‌تواند نقطه اشتراک مباحثات اجتماعی باشد (q16)	۰,۹۴	۰,۸۲	۰,۷۲	۰,۸۹
۱۷	انعکاس مطالبات توسط رسانه‌ها به جلب اعتماد عمومی و بهبود تعاملات اجتماعی می‌انجامد (q17)	۰,۹۰	۰,۸۸	۰,۸۲	۰,۹۴
۱۸	اهتمام رسانه به بیان خواسته‌ها و مطالبات عمومی در ایجاد همدلی و مطالبه‌گری عمومی اثرگذار است (q18)	۰,۸۴	۰,۶۸	۰,۷۷	۰,۹۵
۱۹	رسانه از مؤثرترین مجاری اعلان مطالبات برخاسته از تعاملات اجتماعی است (q19)	۰,۹۳	۰,۹۲	۰,۷۳	۰,۹۴
۲۰	بیان نیازهای جمعی از طریق مجاری رسانه‌ای منجر به تخلیه هیجان‌های اجتماعی و برخورد منطقی می‌گردد (q20)	۰,۸۹	۰,۸۳	۰,۸۱	۰,۸۸
۲۱	یکی از عوامل مؤثر در بهبود ارتباطات اجتماعی، تناسب مطالب رسانه‌ها با نیاز مخاطب است (q21)	۰,۸۱	۰,۷۶	۰,۸۰	۰,۹۴
۲۲	گسترش ارتباطات اجتماعی منوط به درک مشترک طرفین از محتوا و داشتن نقاط اشتراک است (q22)	۰,۸۸	۰,۸۸	۰,۸۵	۰,۸۷
۲۳	تناسب محتوای رسانه، بر کیفیت تعاملات اجتماعی در سطوح مختلف اجتماع تأثیرگذار است (q23)	۰,۹۲	۰,۹۵	۰,۸۴	۰,۸۳
۲۴	بسیاری از تعارضات اجتماعی ناشی از عدم تناسب محتوای مطرح شده بین طرفین است (q24)	۰,۹۱	۰,۸۲	۰,۷۹	۰,۸۶
۲۵	بقا و تداوم زندگی اجتماعی سازمان در گرو رعایت هنجارها و ارزش‌های سازمانی است (q25)	۰,۹۵	۰,۸۷	۰,۸۳	۰,۸۹
۲۶	جلب حمایت برای هنجارهای موجود از وظایف رسانه‌های سازمان جهت بهبود تعاملات اجتماعی است (q26)	۰,۸۴	۰,۹۱	۰,۹۲	۰,۸۷
۲۷	رسانه‌ها می‌توانند چهارچوب‌های رفتاری و هنجاری را در تعاملات اجتماعی، شکل‌دهی و قالب‌بندی کنند (q27)	۰,۸۶	۰,۷۵	۰,۹۳	۰,۸۸
۲۸	رسانه‌ها در شکل‌دهی هنجارها و یا از بین بردن ناهنجاری‌ها بیشترین نقش را بر عهده دارند (q28)	۰,۹۱	۰,۸۷	۰,۸۲	۰,۹۳
۲۹	امید مشترک یک اجتماع، انگیزه تلاش، ظرفیت تاب‌آوری، و	۰,۹۵	۰,۷۸	۰,۸۷	۰,۸

ردیف	گویه	CVR	CVI	آلفای کرونباخ	بارعاملی (CFA)
	سطح ارتباطات اجتماعی را افزایش می‌دهد (q20)				
۳۰	امیدآفرینی و تزریق نشاط منجر به بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی می‌شود (q30)	۰,۷۳	۰,۸۲	۰,۸۳	۰,۷۹
۳۱	بزرگ‌نمایی اخبار منفی و ناامیدکننده به انزوا و یأس اجتماعی می‌انجامد (q31)	۰,۸۵	۰,۸۳	۰,۷۵	۰,۷۶
۳۲	امید به آینده، تحمل تعارضات و ناملایمات زندگی اجتماعی را راحت‌تر می‌کند (q32)	۰,۸۷	۰,۹۱	۰,۷۴	۰,۹۰
۳۳	تعامل نهادهای رسانه‌ای، سطح هماهنگی را در تعاملات اجتماعی افزایش می‌دهد (q33)	۰,۹۲	۰,۸۸	۰,۷۴	۰,۷۷
۳۴	رسانه‌ها می‌توانند از طریق تعامل، در افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به امری خاص اثرگذار باشند (q34)	۰,۹۱	۰,۹۱	۰,۷۶	۰,۹۱
۳۵	آگاهی بخشی عمومی در گرو تعامل نهادهای خبری در پرداختن به مسائل اجتماعی است (q35)	۰,۷۹	۰,۹۰	۰,۷۹	۰,۹۳
۳۶	انتشار اخبار ضدونقیض از رسانه‌ها باعث ایجاد ناهماهنگی و بی‌نظمی اجتماعی می‌شود (q36)	۰,۸۳	۰,۸۸	۰,۷۶	۰,۸۴
۳۷	رعایت تساوی جنسیتی از پیش‌نیازهای ضروری در برقراری تعاملات مؤثر است (q37)	۰,۸۸	۰,۸۹	۰,۸۱	۰,۸۸
۳۸	تبعیض جنسیتی و سیاست‌های ناعادلانه از کیفیت ارتباطات سازمانی کاسته و تعارضات را افزایش می‌دهد (q38)	۰,۷۶	۰,۸۵	۰,۹۰	۰,۸۳
۳۹	رسانه‌ها با ترویج برابری جنسیتی، بر فرهنگ جمعی اثرگذار بوده و تعاملات مستمر را تسهیل می‌کنند (q39)	۰,۸۴	۰,۸۲	۰,۷۸	۰,۹۴
۴۰	نخستین گام در برقراری ارتباطات مطلوب اجتماعی، احترام به تساوی حقوق طرفین است (q40)	۰,۹۲	۰,۸۴	۰,۷۹	۰,۸۹
۴۱	هویت‌سازی منجر به ایجاد هماهنگی در بین احزاب و گروه‌های متعدد و پراکنده می‌شود (q41)	۰,۹۳	۰,۹۱	۰,۸۶	۰,۸۲
۴۲	برای تقویت تعاملات اجتماعی باید بر ایجاد یک پیکره و هویت واحد تأکید کرد (q42)	۱	۰,۹۶	۰,۹۳	۰,۸۷
۴۳	رسانه با تأکید بر هویت جمعی، روحیه فردگرایی و تعارض منافع در ارتباطات اجتماعی را کاهش می‌دهد (q43)	۰,۷۷	۰,۸۹	۰,۷۷	۰,۹۳
۴۴	داشتن هویت واحد مانند چسبی است که عناصر مختلف را به هم پیوند می‌دهد (q44)	۰,۹۴	۰,۸۵	۰,۷۳	۰,۹۲
۴۵	برقراری تعاملات اجتماعی مطلوب در گرو پذیرش تنوع قومیتی و گوناگونی فرهنگی است (q45)	۰,۹۱	۰,۹۶	۰,۸۴	۰,۸۱
۴۶	رسانه‌ها با تبیین تفاوت‌های فرهنگی و نحوه رویارویی با آنها به	۰,۸۳	۰,۸۲	۰,۷۹	۰,۸۶

بارعاملی (CFA)	آلفای کرونباخ	CVI	CVR	گویه	ردیف
				ایجاد هماهنگی در ارتباطات کمک می‌کنند (q46)	
۰,۹۴	۰,۹۵	۰,۹۳	۰,۸۹	پیوند اقوام و خرده فرهنگ‌های سازمان، به‌منزله فرصتی برای توسعه و بهبود شبکه تعاملاتی سازمان است (q47)	۴۷
۰,۸۹	۰,۹۱	۰,۸۵	۰,۸۷	مدیریت تنوع در سازمان از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای و روابط عمومی تسهیل می‌گردد (q48)	۴۸

#### ۴-۵. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای رسیدن به توافق نظری در خصوص ابعاد و مؤلفه‌ها، از روش دلفی فازی سه مرحله‌ای استفاده گردید. ارسال پرسشنامه‌ها از طریق مراجعه حضوری، پست الکترونیکی و برنامه‌های پیام‌رسان انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از استنتاج فازی و با بهره‌گیری از نرم افزار متلب طی مراحل زیر صورت گرفته است: مرحله اول مربوط به طراحی اولیه سیستم است و ورودی و خروجی سیستم مشخص می‌شود (مطابق شکل ۱). در این پژوهش، طراحی سیستم استنتاج فازی به روش سوگنو صورت گرفته است. ابعاد موضوع شامل: اعتماد، ارتباطات و هماهنگی به‌عنوان ورودی‌های سیستم، و تعاملات اجتماعی به‌عنوان خروجی سیستم در نظر گرفته شدند.



شکل (۱): طراحی سیستم استنتاج فازی

مرحله دوم فازی‌سازی است. در این مرحله متغیرهای کلامی از طریق تعریف توابع عضویت، فازی‌سازی می‌شوند. به‌منظور فازی‌سازی برای متغیرهای ورودی و خروجی از تابع عضویت مثلثی استفاده شده است. برای ورودی‌ها از تابع عضویت مثلثی با سه سطح کم، متوسط و زیاد بهره گرفته شده و برای خروجی از پنج متغیر زبانی خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم بهره گرفته شده است.

مرحله سوم ایجاد پایگاه قوانین فازی است. قواعد استنتاج فازی مجموعه‌ای از قواعد اگر - آنگاه هستند که قلب سیستم فازی را تشکیل می‌دهد. هر قانون از دوبرخش مقدم (اگر) و تالی (آنگاه) تشکیل شده است که بخش تالی همواره یک عبارت اسمی ولی بخش مقدم معمولاً شامل چندین عبارت اسمی (چندین شرط) است که با رابط «و» منطقی با هم مرتبط می‌شوند. براین‌اساس قوانین ضروری استنتاج مشخص می‌شوند. برای ساخت قوانین، بخش مقدم آن از طریق پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد که با توجه به دانش خود پاسخ دهند. سپس پاسخ‌های خبرگان تجمیع و قوانین فازی تدوین شد. پس از آن قوانین حاصله در موتور استنتاج وارد و از آن برای تحلیل داده‌ها و مدل‌سازی استفاده شد.

مرحله چهارم استنتاج است. در این پژوهش موتور استنتاج فازی بر اساس روش Mamdani ایجاد شد. استنتاج مربوط به قسمت نتیجه یا پیامد هر قاعده فازی است. برای سیستم‌هایی که دارای یک خروجی هستند به ازای هر قاعده فازی یک استنتاج انجام می‌شود.

مرحله پنجم نافازی‌سازی است. منظور از نافازی‌سازی تبدیل مجموعه فازی حاصل در خروجی انبوهش به یک مقدار منفرد و دقیق است. این مقدار منفرد مقداری در دامنه تعریف شده برای متغیر خروجی است که نشان می‌دهد با توجه به ورودی، چه مقداری برای خروجی با توجه به سیستم استنباط فازی تعریف شده انتظار می‌رود. در این پژوهش جهت فازی‌زدایی از روش مرکز جرم استفاده شده است. نمودار استنتاج فازی ترکیبی از نمودارهای ارائه شده در این بخش است. این نمودار به‌صورت همزمان همه بخش‌های یک فرایند استنتاج فازی را نشان می‌دهد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. یافته‌های مربوط به سؤال اول

ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی کدامند؟

پس از شناسایی و استخراج ابعاد و مؤلفه‌ها از مبانی نظری، برای رسیدن به توافق نظری از روش دلفی فازی سه مرحله‌ای استفاده گردید. بدین‌منظور ابتدا پرسشنامه‌ای با ۱۳ سؤال (که هر سؤال بیانگر یک مؤلفه می‌باشد) طراحی شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت که تمام پرسشنامه‌ها جامع و کامل عودت داده شد. در این پرسشنامه از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده گردید. باتوجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله اول و مقایسه آن با نتایج مرحله دوم، نظرسنجی درخصوص مؤلفه‌هایی که اختلاف نتایج بین دو مرحله کمتر از حد آستانه  $0/2$  بود؛ متوقف گردید. براین‌اساس مؤلفه هدایت افکار عمومی به‌دلیل آنکه میانگین غیرفازی شده نظرهای خبرگان در مورد آن کمتر از ۷ بود، از مدل حذف گردید. هفت مؤلفه نیز برای نظرسنجی مجدد وارد مرحله سوم شدند. در این مرحله پرسشنامه سوم تهیه و همراه با نقطه‌نظرهای قبلی هر فرد و میزان اختلاف آن با میانگین دیدگاه سایر خبرگان، مجدداً به خبرگان ارسال گردید. بر اساس نتایج به‌دست آمده در این مرحله، تمام ۷ مؤلفه در مدل باقی ماندند (جدول ۴). درنهایت در طی سه مرحله نظرسنجی، از بین ۱۳ مؤلفه اولیه، یک مؤلفه حذف شد و مدل نهایی دارای ۱۲ مؤلفه گردید (جدول ۵).

#### جدول (۴): نتایج دور سوم نظرسنجی به همراه میانگین دیدگاه خبرگان

ردیف	مؤلفه‌ها	max	mod	min	میانگین دیفازی مرحله دوم	میانگین دیفازی مرحله سوم	تفاضل میانگین غیرفازی شده دو مرحله
۱	صحت و درستی مطالب	5.605073	7.699791	8.964413	7.561441791	7.496326	0.065116
۲	اعلام دستاوردهای سازمان‌ها	4.398766	6.346882	8.147104	7.322233323	7.293519	0.028714
۳	انعکاس خواسته‌ها و مطالبات مردم	5.222692	7.303964	8.768247	7.2011323	7.251358	0.05023
۴	تعامل نهادهای رسانه‌ای	3.595043	5.736986	7.559066	7.683675658	7.598213	0.085462
۵	تساوی جنسیتی	6.27349	8.170287	9.340947	8.049264295	8.123546	0.07428
۶	توجه به هویت	6.053127	7.9801	9.178058	7.858597843	7.793216	0.065382
۷	تنوع قومیتی	5.537081	7.654029	8.873292	7.504414637	7.523146	0.01873

## جدول (۵): مدل تحلیلی پژوهش به همراه نماد اختصاری متغیرها

تعاملات اجتماعی			مفهوم
هماهنگی	ارتباطات	اعتماد	ابعاد
(I) تعامل نهادهای رسانه‌ای (J) تساوی جنسیتی (L) هویت‌سازی (M) تنوع قومیتی	(F) تناسب مطالب با نیاز مخاطب (G) جلب حمایت برای هنجارهای موجود (H) تزریق امید	(A) تبیین بی‌طرفانه (B) تقویت همگرایی (C) صحت محتوا (D) اعلام دستاوردهای سازمان‌ها (E) انعکاس مطالبات	مؤلفه

## ۵-۲. یافته‌های مربوط به سؤال دوم

روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی به چه صورتی است؟

در این قسمت (مرحله تست مدل) برای گردآوری داده‌ها، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه در جامعه آماری توزیع گردید (۱۰ درصد بیشتر از حجم نمونه تعیین شده) تا در صورت عدم برگشت بعضی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۸۱ پرسشنامه معتبر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در اختیار باشد. در بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان نیز مشخص گردید: به لحاظ سنی؛ بیشترین تعداد پاسخ‌دهنده مربوط به گروه سنی بیشتر از ۴۵ سال (۴۷ درصد) و کمترین تعداد پاسخ‌دهنده مربوط به گروه سنی کمتر از ۳۰ سال (۵/۲ درصد) می‌باشد. به لحاظ جنسیت؛ ۳۲ درصد پاسخگویان زن و مابقی مرد بودند. به لحاظ تحصیلات؛ بیشترین فراوانی مربوط به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد (۴۹ درصد) و به لحاظ سابقه خدمتی، اغلب پاسخگویان دارای سابقه خدمت ۱۶ تا ۲۵ سال (۵۶/۳ درصد) می‌باشند.

برای بررسی کیفیت مدل ساختاری از شاخص استون - گایسلر استفاده شده است. این معیار، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در صورتی که یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب، حاکی از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن است. همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، مقادیر به‌دست آمده برای متغیرهای تحقیق، بیش از مقدار ۰/۳۵ است که حاکی از قدرت پیش‌بینی قوی سازه‌های برون‌زای مدل است.

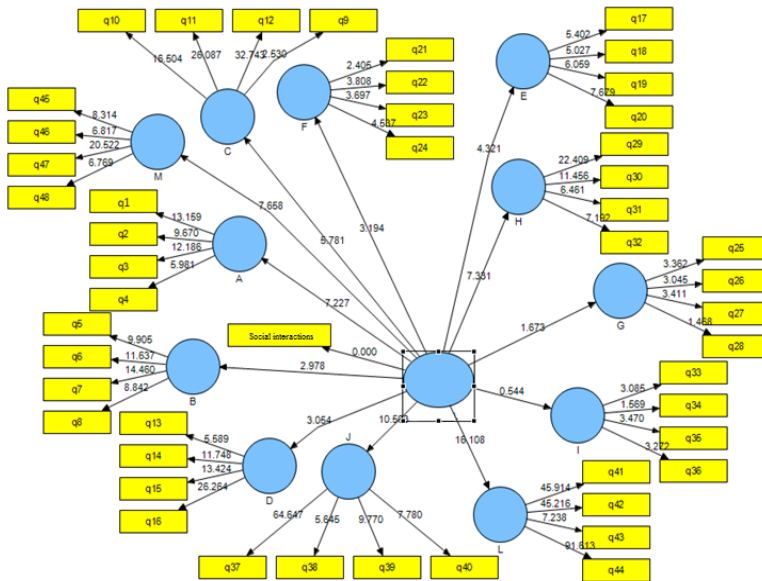
برای سنجش روایی تشخیصی در سطح سازه از دو جدول Latent Variable Correlations و AVE از خروجی الگوریتم PLS بهره گرفته شده است. از آنجاکه بر

اساس نتایج به‌دست آمده، مقادیر قطر اصلی برای هر متغیر پنهان از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای پنهان انعکاسی موجود در مدل بیشتر می‌باشد، لذا روایی تشخیصی مدل در سطح سازه مورد تأیید است (جدول ۶).

**جدول (۶): روایی تشخیصی با معیار فورنل - لارکر، شاخص استون - گایسلر و برازش مدل**

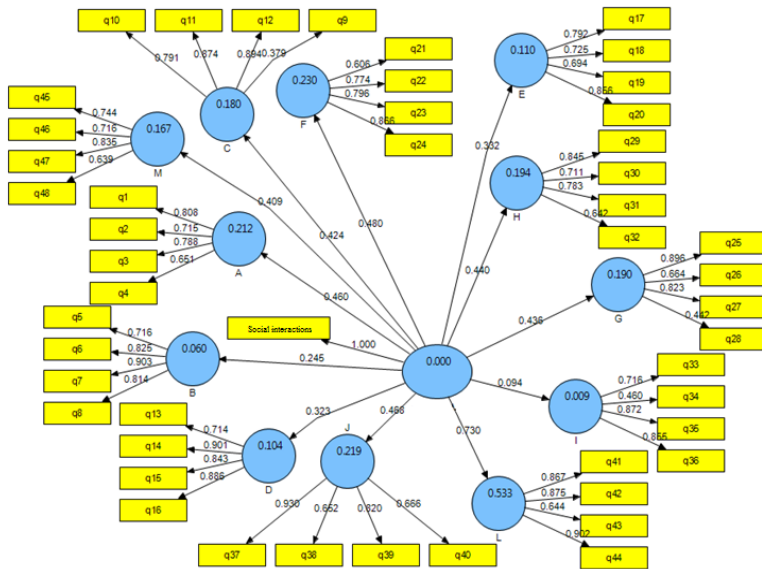
مؤلفه‌ها	شاخص استون-گایسلر				برازندگی مدل			روایی تشخیصی در سطح سازه		
	مطلق			نسبی	مدل بیرونی	مدل درونی	A	B	C	
اعتماد	۰/۷۹			۰/۷۸	۰/۹	۰/۷۷				
ارتباطات	۰/۸۵			۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۷۳	۰/۱۱			
همانگی	۰/۸۴			۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۴۱	۰/۰۲	۰/۴۱		

از معیار GOF نیز برای برازش و تعیین اعتبار مدل استفاده شده است. این معیار، چهار شاخص مطلق، نسبی، مدل درونی و مدل بیرونی دارد. هر چقدر این شاخص‌ها به یک نزدیک‌تر و از ۰/۵ بیشتر باشند به معنای برازش بهتر مدل است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها در دامنه قابل قبول قرار دارند که حاکی از برازندگی مطلوب مدل است. نتایج برازش مدل در اشکال ۲ و ۳ نشان داده شده است.



**شکل (۲): بررسی معناداری مدل**

در شکل ۲ معناداری روابط بین سؤال‌ها با مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها با مفهوم اصلی (بهبود تعاملات اجتماعی) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمام روابط بین سؤال‌ها و مؤلفه‌های پژوهش معنادار است. در بررسی روابط بین مؤلفه‌ها با مفهوم اصلی نیز، به غیر از روابط بین متغیرهای «جلب حمایت برای هنجارهای موجود (G)» و «تعامل نهادهای رسانه‌ای (I)» سایر متغیرها به دلیل اینکه دارای عدد تی بالاتر از حد آستانه ۱,۹۶ می‌باشند، معنی‌دار هستند؛ لذا این دو متغیر از مدل حذف شده و تعداد مؤلفه‌های مدل از ۱۲ مؤلفه به ۱۰ مؤلفه کاهش می‌یابد.



شکل (۳): بررسی ضرایب بتای مدل

پس از بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها، مطابق شکل ۳، میزان بار عاملی بین متغیرها بررسی شده است. بار عاملی مقدار عددی است که شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرایند تحلیل مسیر مشخص می‌کند. هر چه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان بار عاملی بین متغیرها با بهبود تعاملات اجتماعی به ترتیب برای تبیین بی‌طرفانه (A) ۰,۴۶۰، تقویت همگرایی (B) ۰,۲۴۵، صحت محتوا (C) ۰,۴۲۴، اعلام دستاوردهای سازمان‌ها (D) ۰,۳۲۳، انعکاس مطالبات (E) ۰,۳۳۲، تناسب مطالب با نیاز مخاطب (F) ۰,۴۸۰، تزریق امید (H) ۰,۴۴، تساوی جنسیتی (J) ۰,۴۶۶،

هویت‌سازی (L) ۰,۷۳۰ و تنوع قومیتی (M) ۰,۴۰۹ است. در این بررسی همان‌طور که مشخص است متغیرهای هویت‌سازی، تناسب مطالب با نیازهای مخاطب و تساوی جنسیتی بیشترین همبستگی را با بهبود تعاملات اجتماعی برقرار کرده‌اند. علاوه بر این با توجه به شکل ۳، در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، مؤلفه هویت‌سازی با ضریب تعیین ۰,۵۳۳ بیشترین سهم را در تبیین بهبود تعاملات اجتماعی دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان مدل کاربردی پژوهش را به‌صورت شکل ۴ ارائه کرد:



شکل (۴): مدل کاربردی پژوهش

### ۳-۵. یافته‌های مربوط به سؤال سوم

ترکیب مطلوب ابعاد و مؤلفه‌های بهبود تعاملات اجتماعی با تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی چگونه است؟

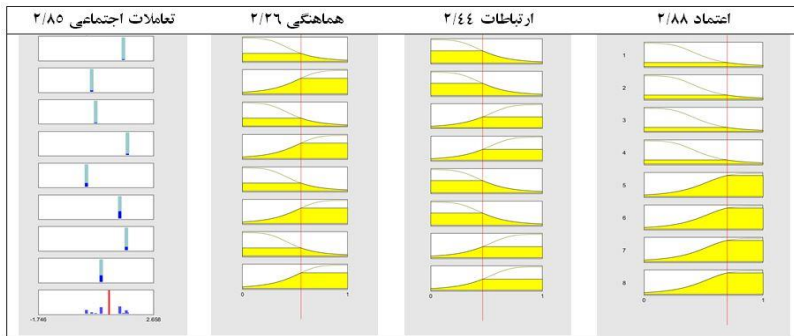
پس از تست مدل، برای دستیابی به ترکیب مطلوب مؤلفه‌ها جهت حداکثر کردن متغیر وابسته از سیستم استنتاج فازی و نرم‌افزار متلب استفاده شد. پس از طراحی سیستم، متغیرهای ورودی و خروجی بر اساس متغیرهای کلامی در بازه [۰ ۳] مورد قضاوت خبرگان قرار گرفتند و براین‌اساس قوانین استنتاج تدوین گردید که برخی از آنها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول (۷): برخی از قوانین ضروری استنتاج

میانگین	آنگاه			اگر عوامل		
	تعاملات اجتماعی			هماهنگی	ارتباطات	اعتماد
	ضعیف	متوسط	خوب			
۳			*	قوی	قوی	قوی
۲,۹		*		متوسط	متوسط	قوی
۲,۸		*		ضعیف	ضعیف	قوی
۲,۶		*		قوی	قوی	متوسط
۱,۵	*			متوسط	متوسط	متوسط
...				...	...	...

جدول ۷ بخشی از پرسشنامه‌ای است که براساس قوانین ضروری پژوهش طراحی شده و در اختیار ۱۲ خبره منتخب قرار گرفته است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود ابعاد هماهنگی، ارتباطات و اعتماد در حالت‌های مختلف مورد قضاوت خبرگان قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، خبره اول در حالتی که اعتماد (قوی)، ارتباطات (قوی) و هماهنگی (قوی) باشد، سطح تعاملات اجتماعی را خوب در نظر گرفته است. از آنجاکه در کدگذاری سطوح مختلف، برای متغیر کلامی خوب عدد (۳)، برای متوسط عدد (۲) و برای ضعیف عدد (۱) در نظر گرفته شده است. بنابراین دامنه اعداد در نهایت بین ۱ تا ۳ خواهد بود. همچنین از آنجاکه برای هر یک از مقایسات ۱۵ پاسخ مختلف به‌دست می‌آید، لذا از میانگین هندسی برای تبدیل ۱۵ پاسخ به یک پاسخ قابل فهم برای سیستم، استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود نتایج میانگین هندسی در ستون «میانگین» نمایش داده شده است.

در شکل ۵ نیز سطح تعاملات اجتماعی به ازای ترکیب‌های متفاوت ابعاد نشان داده شده است. مقادیر به‌دست آمده بین ۰ تا ۳ متغیر است و هر چقدر به ۳ نزدیک‌تر باشد بیانگر مطلوبیت بیشتر است. مقادیری از ورودی‌ها که به ازای آنها سطح خروجی حداکثر می‌شود در سطر بالا توسط نرم‌افزار ارائه شده است.



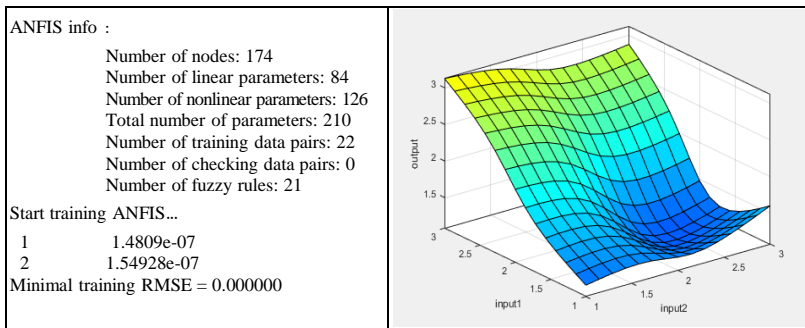
شکل (۵): دستیابی به ترکیب مطلوب ابعاد مدل

از آنجاکه سیستم‌های استنتاج فازی می‌توانند رفتار یک پدیده یا فرایند را صرفاً در قالب استفاده از قواعد توصیفی و تجربی بدون نیاز به شناخت مدل دقیق تحلیلی فرمول‌بندی کنند، دارای اهمیت هستند. در استنتاج فازی، مقدار خروجی به ازای یک سیگنال ورودی مشخص می‌گردد. همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود خروجی تمام قواعد با هم ترکیب شده و یک مجموعه مرکب فازی را شکل داده‌اند. روش ترکیب قواعد از نوع سوگنو است که با استفاده از یک‌سری داده‌های آموزشی موجود، مقادیر بهینه را مشخص می‌کند. با توجه به این شکل، در مطلوب‌ترین حالت، سطح تعاملات اجتماعی ۲/۸۵ از ۳ می‌باشد و زمانی حاصل می‌گردد که سطح اعتماد ۲/۸۸، ارتباطات ۲/۴۴ و هماهنگی ۲/۲۶ باشد. این یافته نشان می‌دهد که در بهترین حالت سطح تعاملات اجتماعی به میزان ۰/۱۵ از حالت ایدئال فاصله دارد. به عبارت دیگر براساس امکانات و ظرفیت‌های موجود، سطح تعاملات اجتماعی حداکثر تا ۲/۸۵ قابل افزایش است. البته این امر نیز در صورتی محقق می‌گردد که سطح هر یک از ابعاد از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌های عملیاتی به میزان مشخص شده در ترکیب افزایش یابد. نتایج مربوط به این قسمت در سطر اول جدول ۸ ارائه شده است. سطرهای دیگر جدول مربوط به ترکیب مطلوب مؤلفه‌ها برای تعیین سطح بهینه هر یک از ابعاد است. بدین صورت که فرایند استنتاج برای مؤلفه‌های هر یک از ابعاد نیز به‌طور جداگانه اجرا شد. یعنی هر بار بر روی یکی از ابعاد تمرکز گردید (بدون در نظر گرفتن ارتباط آن بعد با سایر ابعاد) و ترکیبات متفاوت مؤلفه‌ها برای رسیدن به سطح بهینه آن بعد مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده می‌شود مؤلفه انعکاس مطالبات بیشترین سهم را در ترکیب مطلوب اعتماد دارد. مؤلفه تزریق امید بیشترین سهم را در ترکیب مطلوب ارتباطات دارد و مؤلفه هویت‌سازی نیز بیشترین سهم را در ترکیب مطلوب هماهنگی دارد.

جدول (۸): ترکیب مطلوب ابعاد و مؤلفه‌ها

آنگاه			اگر	
هماهنگی	ارتباطات	اعتماد	تعاملات اجتماعی	
			۲/۸۵	۲/۸۸ اعتماد
				۲/۴۴ ارتباطات
				۲/۲۶ هماهنگی
		۲/۳۴		۱/۳۳ تبیین بی طرفانه
				۲/۴ تقویت همگرایی
				۱/۸۴ صحت محتوا
				۲/۱۵ اعلام دستاوردهای سازمان‌ها
				۲/۵۴ انعکاس مطالبات
				۲/۷۱ تزریق امید
	۲/۵۱			۲/۳۳ تناسب مطالب با نیازها و مخاطب
۲/۵۶				۲/۶۵ تساوی جنسیتی
				۲/۷۱ هویت‌سازی
				۲،۶۸ تنوع قومیتی

برای اعتبارسنجی مدل نیز از روش تحلیل رفتار خروجی استفاده شده است. در این روش رفتار خروجی به ازای دو ورودی ثابت و یک ورودی متغیر بررسی می‌شود و چنانچه بر نظریه ادبیات یا نظرهای افراد خبره منطبق باشد، اعتبار سیستم طراحی شده مورد تأیید است و در غیراین صورت باید اصلاح شود. در شکل ۶ یکی از این رفتارها نشان داده شده است. در این شکل، رفتار خروجی (تعاملات اجتماعی) بر اساس رفتار متغیرهای ورودی اعتماد (input1) و ارتباطات (input2) بررسی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود به ازای افزایش متغیرهای ورودی، متغیر خروجی نیز افزایش یافته است. بر اساس قوانین استنتاج که توسط خبرگان معین گردید افزایش ارتباطات تا حد مشخصی به بهبود تعاملات اجتماعی می‌انجامد و در این حد آستانه در صورت عدم هماهنگی، کیفیت تعاملات کاهش می‌یابد. تقعر منحنی در شکل ۶ به‌همین دلیل است. با گذشت از این بازه، مجدداً تعاملات افزایش می‌یابد. مطابق شکل هر چقدر اعتماد سازمانی بیشتر باشد، تقعر کمتر شده و تأثیر ناهماهنگی کمتر می‌شود. با توجه به تأیید نتایج حاصل توسط خبرگان، اعتبار مدل مورد تأیید قرار گرفت.



شکل (۶): اعتبار سنجی مدل

### نتیجه‌گیری

تعاملات اجتماعی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه است و به‌همین دلیل جوامع در تلاشند تا کیفیت تعاملات اجتماعی را بهبود بخشند. در این میان، «رسانه‌ها»، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر انسجام و ارتباطات اجتماعی، از کارکرد مؤثری در این خصوص برخوردار بوده و نقش مهمی را در جهت‌دهی و تقویت تعاملات اجتماعی بر عهده دارند. براین‌اساس در این پژوهش، نقش رسانه در بهبود تعاملات اجتماعی بررسی شده است. پس از مرور مبانی نظری و شناسایی ابعاد موضوع، مؤلفه‌های مدل از ادبیات تحقیق و طبق نظر خبرگان شناسایی گردید. سپس با استفاده از تکنیک استنتاج فازی، ترکیبی از ابعاد که سطح تعاملات اجتماعی را ماکزیمم می‌کند، مشخص شد. نتایج نشان داد در حالت مطلوب، سطح تعاملات اجتماعی سازمان ۲/۸۵ می‌باشد (سطح ماکزیمم ۳ است) و زمانی حاصل می‌گردد که سطح اعتماد ۲/۸۸، ارتباطات ۲/۴۴ و هماهنگی ۲/۲۶ باشد. این یافته نشان می‌دهد بین سطح تعاملات اجتماعی در حالت مطلوب (۲/۸۵) و سطح ایدئال (۳) شکاف وجود دارد. این امر به‌دلیل دخالت عواملی است که بر کیفیت تعاملات اجتماعی اثرگذارند و در این پژوهش دیده نشده‌اند. همچنین این یافته نشان می‌دهد که در ترکیب مطلوب، سهم اعتماد نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشتر است و برای داشتن تعاملات اجتماعی مطلوب، اعتماد نسبت به سایر ابعاد دارای اهمیت بیشتری می‌باشد؛ لذا می‌توان گفت اعتمادسازی، مهم‌ترین وظیفه رسانه در راستای بهبود تعاملات اجتماعی است. جهان پیشرفته بیش از هر چیز به اعتماد نیازمند است تا زمانی که افراد، خانواده خود را ترک می‌کنند و وارد ارتباطات و شبکه‌های پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شوند قادر به حفظ روابط اجتماعی باشند. اگرچه اعتماد در دنیای واقعی اهمیت زیادی دارد، اما در فضای مجازی بسیار بااهمیت‌تر است

و این امر به این دلیل است که اعتماد تحت شرایط تغییر و بی‌ثباتی نقش ویژه‌ای دارد. زمانی که معیارها، قوانین، سیاست‌ها و اصول سنتی وجود ندارند، افراد برای هدایت به روابط شخصی روی می‌آورند که کیفیت این روابط تا حد زیادی با سطح اعتماد تعیین می‌شود. این یافته با نتایج ساروخانی؛ نظری و وثوقی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. این محققان دریافته‌اند بین تمامی ابعاد اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد ارتباطات انسانی رابطه وجود دارد و حضور اعتماد بر شدت، حجم، کیفیت و کمیت ارتباطات انسان‌ها می‌افزاید و ارتباطات افراد نیز بر حجم و شعاع اعتماد می‌افزاید. همچنین این یافته با نتایج قدم‌پور و زندکریمی (۱۳۹۷) نیز مطابقت دارد. این پژوهشگران دریافته‌اند ارتباطات سازمانی متغیر اعتماد نقش میانجی‌گری بر عهده داشته و موجب بهبود تعاملات و تسهیم اطلاعات می‌گردد.

از سوی دیگر در خصوص بعد اعتماد، نتایج نشان داد سطح مطلوب اعتماد ۲/۳۴ می‌باشد و مؤلفه انعکاس مطالبات توسط رسانه‌ها دارای بیشترین سهم در ترکیب مطلوب آن می‌باشد. در واقع رسانه‌های مستقل و کارآمد می‌توانند با بیان و تجمیع خواسته‌ها، تحقق آنها را از سوی تصمیم‌گیرندگان مطالبه کنند. این نتیجه با نتایج یاری و فرجوند (۱۳۹۵) همخوانی دارد. این پژوهشگران بیان کردند رسانه‌ها باید پایگاه مناسبی برای ایجاد مشارکت و شناسایی نیازها و تقاضاها باشند تا از یکسو مطالبات را منعکس کرده و از سوی دیگر در خصوص فعالیت‌های انجام گرفته اطلاع‌رسانی نمایند. دنیای مجازی در مجموع شاید محاسبه‌ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد، اما در نهایت بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است. بر این اساس از آنجاکه رسانه‌های مجازی ابزار انعکاس مطالبات هستند، نخستین گام در جلب اعتماد عمومی آن است که از جانب کلیه کارکنان، مطالبه‌گر باشند. از آنجاکه بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین بعد تعاملات اجتماعی شناسایی گردید و انعکاس مطالبات نیز مهم‌ترین مؤلفه آن می‌باشد؛ لذا می‌توان گفت مؤلفه «انعکاس مطالبات توسط رسانه» مهم‌ترین عامل در بهبود تعاملات اجتماعی است.

در خصوص بعد ارتباطات نتایج نشان داد سطح مطلوب ارتباطات ۲/۵۱ است و مؤلفه تزیق امید دارای بیشترین سهم در ترکیب مطلوب آن می‌باشد. این یافته با نتایج رضایی و قانعی (۱۳۹۹) که یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه را تقویت امید و نشاط دانسته‌اند، همخوانی دارد. امیدآفرینی می‌تواند از طریق انعکاس خدمات مثبت انجام گرفته و یا مقایسه نقاط قوت فعلی در مقایسه با گذشته صورت گیرد و

نقش و ظرفیت رسانه‌های مجازی در انجام این امر انکارناپذیر است. در خصوص بعد هماهنگی نیز نتایج نشان داد سطح مطلوب ۲/۵۶ می‌باشد و مؤلفه هویت‌سازی دارای بیشترین سهم در ترکیب مطلوب آن می‌باشد. این یافته با نتایج شافر - مک‌دانیل (۲۰۰۴) همخوانی دارد. وی معتقد است شکل‌دهی هویت افراد از مهم‌ترین کارکردهای رسانه است که موجب جامعه‌پذیری و همبستگی و هماهنگی می‌شود. در دنیای امروزی دیگر نمی‌توان فرض کرد عناصر سازنده هویت محدود و محصور به عوامل و جوامع محدودی چون خانواده شوند و در فرایند هویت‌سازی افراد، رسانه نقش تأثیرگذاری دارد؛ لذا برای بهبود انسجام و هماهنگی در سازمان باید با بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های شبکه‌های مجازی، در راستای ایجاد هویت سازمانی و تأکید بر منافع جمعی به‌جای منافع فردی اقدام کرد.

درنهایت می‌توان گفت با توجه به مطالب بیان شده، برای بهبود تعاملات اجتماعی، رسانه‌های مجازی باید در نخستین گام بر افزایش سطح اعتماد متمرکز شوند. این امر میسر نمی‌گردد مگر آنکه رسانه در وهله اول معتمد و قابل اطمینان باشد - یعنی بی‌طرفی، شفافیت و صداقت در ارائه مطالب را سرلوحه اقدام‌های خود قرار دهد و در جلب اعتماد متقابل بکوشد - و دیگر آنکه با اتخاذ سیاست اعتمادسازی، فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای سامان‌دهی کند که از ایجاد التهاب، ناامیدی، سرخوردگی و ترویج انفعال و بی‌تفاوتی در جامعه دوری کرده و در افزایش اعتماد عمومی بکوشد.

### پیشنهادها و توصیه‌ها

از آنجاکه اعتماد مهم‌ترین نقش را در بهبود تعاملات اجتماعی سازمان بر عهده دارد پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها با اتخاذ موضع بی‌طرفانه در انعکاس مطالب در فضای مجازی؛ و رعایت حرفه‌ای‌گرایی و اطمینان از صحت و سقم اطلاعات، سطح اعتماد عمومی را افزایش دهند. درعین حال از آنجاکه انعکاس مطالبات مهم‌ترین نقش را در اعتمادسازی دارد پیشنهاد می‌گردد از اتخاذ رویکرد یک‌طرفه و منفعلانه در شبکه‌های مجازی سازمان پرهیز گردد و با توجه به نظرها و بازخورد مخاطبان یک فضای تعاملی مجازی ایجاد گردد به‌گونه‌ای که خواسته‌ها و نیازهای عمومی قابل مطرح شدن و پیگیری باشد.

ازسوی دیگر با توجه به نقش مؤثر امیدآفرینی در بهبود ارتباطات پیشنهاد می‌گردد شبکه‌های مجازی جهت برجسته کردن نقاط قوت، اطلاع‌رسانی در خصوص

دستاوردهای مهم سازمان، و ترسیم تصویر مطلوب و منطقی از آینده سازمان به کار گرفته شوند تا از این طریق امید و آرامش روانی کارکنان افزایش یافته و سطح کیفی تعاملات درون و برون سازمانی بهبود یابد.

در نهایت با توجه به نقش مؤثر هویت‌سازی در بهبود هماهنگی و متعاقباً تسهیل تعاملات سازمانی پیشنهاد می‌گردد از بستر رسانه‌های مجازی جهت همسو کردن منافع فردی و سازمانی استفاده شود تا کلیه کارکنان هویت سازمانی خود را بر هویت فردی مقدم بدانند. در این خصوص ترویج فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی و نهادینه کردن این واقعیت که موفقیت فردی در گرو موفقیت جمعی است یکی از تدابیر هویت‌سازی جمعی است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. به دلیل بیماری کرونا و پیامدهای ناشی از آن امکان ملاقات حضوری و توجیه پاسخگویان پرسشنامه‌ها محقق نشد و گردآوری داده‌ها از طریق فضای مجازی انجام گرفت که احتمال خطای آن بیشتر از مراجعه حضوری می‌باشد. همچنین علی‌رغم تأکید ادبیات پژوهش بر هدایت افکار عمومی به‌عنوان یکی از کارکردهای انسجام‌بخش رسانه، این مؤلفه از مدل این پژوهش حذف گردید؛ لذا به محققان آتی پیشنهاد می‌گردد نقش این مؤلفه در افزایش تعاملات اجتماعی را با تعمق بیشتری مورد بررسی قرار دهند.

## فهرست منابع

- اعظمی، محسن و اکبری، پیمان (۱۳۹۶). تحلیل تأثیر تعاملات اجتماعی و راهبرد منابع انسانی بر پیامدهای سازمانی. *مطالعات مدیریت راهبردی*، (۳۲)، ۷۴-۵۷.
- افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر و سلطانی، سیده‌مانلی (۱۳۹۰). تأثیر تعامل اجتماعی بر نوآوری صنعت بیمه. *پژوهشنامه بیمه*، (۳)۲۶، ۷۹-۱۰۱.
- باقری، مهدیه؛ صدیق اورعی، غلامرضا و فرزانه، احمد (۱۳۹۹). مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی. *مسائل اجتماعی ایران*، (۲)۱۱، ۳۳-۶۴.
- باقری، مهدیه؛ صدیق اورعی، غلامرضا و یوسفی، علی (۱۳۹۸). مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران. *مسائل اجتماعی ایران*، (۱)۱۰، ۵۳-۸۰.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)*. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

- تسلیمی، محمدسعید؛ فرهنگی، علی‌اکبر و رازنهان، فیروز (۱۳۸۹). مدل اثرگذاری فرهنگ ملی بر کار تیمی در ایران. *راهبرد فرهنگ*، (۱۰ و ۱۱)، ۱۶۱-۱۲۸.
- چلپی، مسعود (۱۳۹۳). *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- حبیب‌زاده، اصحاب؛ عباس‌زاده، محمد و هنرور، حسین (۱۳۹۳). مطالعه ارتباط اعتماد اجتماعی با آنومی اجتماعی در بین رانندگان. *نشریه مطالعات پژوهشی راهور*، ۳(۸)، ۳۳-۵۸.
- خدادی، نهال؛ محترم، رحیم و جعفری، معصومه (۱۳۹۸). تأثیر پذیرش رسانه اجتماعی بر عملکرد شرکت‌های واردکننده پوشاک (مورد مطالعه: اینستاگرام). *مجله مدیریت بازاریابی*، (۴۲)، ۱-۲۱.
- رحمان سرشت، حسین (۱۳۹۳). *تئوری‌های سازمان و مدیریت: از تجددگرایی تا پسا تجددگرایی*. دوران تجددگرایی، مدرنیسم. تهران: نشر دوران.
- رحمان سرشت، حسین؛ عباس‌زاده، حسن و امیدی پسند، رضا (۱۳۹۴). *رابطه تعامل اجتماعی و مدیریت دانش*. دومین همایش ملی فرهنگ سازمانی و منابع انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- رحمان‌زاده، سیدعلی و غفاری معین، زهرا (۱۳۹۰). بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در میان اقوام ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران. *مطالعات رسانه‌ای*، ۶(۱۳)، ۲۳۳-۲۴۹.
- رضایی، سعید و قائدی، محمدرضا (۱۳۹۹). نقش رسانه ر تقویت سرمایه اجتماعی در گام دوم انقلاب اسلامی. *مطالعات میان فرهنگی*، ۱۶(۴۷)، ۱۴۵-۱۷۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). درآمدی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر؛ نظری، فهیمه و وثوقی، منصور (۱۳۹۶). نقش اعتماد اجتماعی بر ارتباطات انسانی در خانواده. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۷(۲۳)، ۱-۳۰.
- شهبایی، محمود (۱۳۹۵). *علل و آثار فساد سیاسی و اداری (از توصیف و تبیین وضع موجود تا ترسیم وضع مطلوب)*. مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صراطی شیرازی و گل تاجی، محمدرضا؛ حقیقی کفاش، مهدی و نظری، مهسا (۱۳۹۷). تأثیر فعالیت‌های خلق ارزش در جوامع برند، بر خرید مجدد مشتریان و وفاداری به برند در رسانه‌های اجتماعی. *مدیریت برند*، ۴(۷)، ۱۸۱-۲۱۴.

- عدلی پور، مهدخت؛ زرین کفش، لیلا و مظفری، افسانه (۱۳۹۵). الگوی موجود و مطلوب ساختار تشکیلاتی روابط عمومی دانشگاه‌های دولتی (بررسی دیدگاه مدیران روابط عمومی). *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۳(۳)، ۱۰۹-۱۲۲.
- عزیزیان، محمد؛ مزیدی شرف‌آبادی، علی محمد و اسلامی، حسین (۱۳۹۹). بررسی عوامل در به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی با تأکید بر روابط عمومی. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۱)، ۵۰۹-۵۴۲.
- عطایی، پری و زرنودی، مرجان (۱۳۹۴). بررسی چگونگی تأثیرپذیری سرمایه اجتماعی از اینترنت مورد مطالعه. *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، امارات متحده عربی.
- علینی، محمدولی؛ طالبی، ابوتراب و قدسی، امیر (۱۳۹۵). واکاوی کاربست رسانه ملی در ارتقای سرمایه اجتماعی. *راهبرد دفاعی*، ۱۴(۵۳)، ۱۲۵-۱۵۴.
- قدم‌پور، عزت‌اله و زندکریمی، مریم (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین ارتباط سازمانی و تسهیم دانش با نقش میانجی اعتماد سازمانی در میان دبیران مدارس. *مطالعه کتابداری و علوم اطلاعات*، ۱۰(۲۵)، ۱۰۳-۱۲۸.
- قنبری برزیان، علی؛ میرزایی، حسین و همتی، رضا (۱۳۹۵). *سیمای فردگرایی خودخواهانه (با تأکید بر پژوهش‌ها و پیمایش‌های داخلی ۱۳۹۲-۱۳۷۰)*. مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- قوامی، علی؛ صراف‌زاده، اصغر و عالم تبریز، اکبر (۱۴۰۱). تعاملات اجتماعی مشتریان در رسانه‌های دیجیتال و تأثیر آن بر کشف فرصت‌های کارآفرینانه سازمانی. *فصلنامه مدیریت توسعه و تحول*، ۴۸(۴)، ۶۱-۶۹.
- محمودبابویی، محمودرضا؛ ذوالفقاری، حسین و بیات، بهرام (۱۴۰۰). عملیات روانی - رسانه‌ای مؤثر بر تعامل سازمانی برای مدیریت بحران. *انتظام اجتماعی*، سال سیزدهم، ۳(۳)، ۱۹۳-۲۲۱.
- محمودی رجا، زکریا؛ توفیقیان‌فر، علی حسن و محمودی، سید محمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه مصرف رسانه‌های ارتباطی و تعاملات اجتماعی معلمان. *نشریه رسانه*، ۱(۱).
- محمودیان، حسین؛ مقدس، سعید و جهان‌شاهی، منیژه (۱۳۹۶). بررسی نقش مصرف رسانه‌ای بر سرمایه اجتماعی مهاجرین شهر بهارستان. *فصلنامه علمی -*

پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، (۲).  
 مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی. ترجمه پرویز  
 اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.  
 میرزایی شیری، یوسف؛ محبی، مهدی و نوروزی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی نقش  
 رسانه‌های جمعی بر سرمایه اجتماعی استان زنجان. پنجمین همایش ملی  
 مدیریت و حسابداری، جیرفت.  
 یاری سمیه و فرجوند، اسفندیار (۱۳۹۵). بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی بر  
 مشارکت شهروندان در فرایند بودجه‌بندی مشارکتی. مدیریت دولتی (دانش  
 مدیریت)، ۱۱(۳)، ۳۵۵-۳۷۶.  
 یزدانی، حمیدرضا؛ حمیدی‌زاده، علی و کاملی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سبک  
 رهبری و جو سازمانی بر مدیریت دانش با توجه به نقش میانجی ساختار  
 سازمانی و تعامل اجتماعی. مدیریت فناوری اطلاعات، ۷(۱)، ۱۹۹-۲۱۶.

- Alalawneh A. A.; Al-Omar SYS & Alkhatib S. (2022). The Complexity of Interaction between Social Media Platforms and Organizational Performance. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 8(169). <https://www.mdpi.com/journal/joitmc>.
- Chen C. J. & Huang J. W. (2007). How organizational climate and structure affect knowledge management-The social interaction perspective. *International Journal of Information Management*, (27), 104-118.
- Chen, C. & Lin, Y. (2018). What drives live-stream usage intention? The perspectives of flow, entertainment, social interaction, and endorsement. *Telematics and Informatics*, 35(1), 293-303.
- Dhanesh G.; Duthler G. & Li K. (2022). Social media engagement with organization-generated content: Role of visuals in enhancing public engagement with organizations on Facebook and Instagram. *Public Relations Review*, 48(2), 102174.
- Erickson, F. (2017). Conceiving, noticing, and transcribing multi-modality in the study of social interaction as a learning environment. *Linguistics and Education*, (41), 59-61.
- Huang, JW & Yong, H. L. (2009). The mediating effect of knowledge management on social interaction and innovation performance. *International Journal of Manpower*, 30(3), 285-301.
- Huang, J. W. & Li, Y. H. (2009). The mediating effect of knowledge management on social interaction and innovation performance. *International journal of manpower*, 30(3), 285-301.
- James Coleman (1990). *Foundations of Social Theory*. Harvard University Press.

- Kaye, M. E. & Perunovic, Z. (2020). Performance in publicly funded innovation networks (PFINs): The role of inter-organisational relationships. *Industrial Marketing Management*, (86), 201-211.
- Lin W. (2008). The exploration factors of affecting knowledge sharing - The case of Taiwan's high-tech industry. *Expert Systems with Applications*, 35(3), 661-676.
- Namisango F, & Kang K. (2019). Organization-public relationships on social media: The role of relationship strength, cohesion and symmetry. *Computers in Human Behavior*, (101), 22-29.
- Nicole Schaefer-Mcdaniel (2004). *Conceptualizing social capital among Young people*.
- Özhan Tingoy (2009), Communication in knowledge management practices: a survey from Turkey. *Problems and Perspectives in Management*, 7(2).
- Pink, S.; Leopold, T. & Engelhardt, H. (2014). Fertility and social interaction at the workplace: Does childbearing spread among colleagues? *Advances in Life Course Research*, (21), 113-122.
- Rathnam, S.; Mahajan V. & Whinston A. B. (1995). Facilitating Coordination in Customer Support Teams: A Framework and Its Implications for the Design of Information Technology. *Management Science*, 41(12), (Dec. 1995), 1900-1921.
- Slive, C. T.; Poorisat, T. & Kim, S. H. (2019). Third-person effect in the context of public relations and corporate communication. *Public Relations Review*, 101823.
- Sikora, D. M. & Ferris, G. (2014). Strategic human resource practice implementation: The critical role of line management. *Human Resource Management Review*, 24(3), 271-281.
- Wu, X.; Hua, R.; Yang, Z. & Yin, J. (2018). The influence of intention and outcome on evaluations of social interaction. *Acta Psychologica*, (182), 75-81.

## References

- Adlipour, Mahdokht; Zarin Kafsh, Leila; Mozafari, Afsana (2015). The existing and desirable model of public relations organizational structure of public universities (examining the opinions of public relations managers), *media studies*, 13(3), 109-122.
- Afjeei, S.Ali Akbar; Sultani, S.Maneli (1390). The impact of social interaction on insurance industry innovation, *Insurance Research Journal*, 26(3), 79-101.
- Akhtar Mohagheghi, Mehdi; Rabiei, Ali; Farhangi, Ali Akbar (2021). Presenting the model of using social networks in order to promote social capital, *Quarterly Journal of Cultural Research in Iran*, 14(1(53)):127-145.
- Aliyi, Mohammad vali, Talebi, Abu Torab, Soltanifar, Mohammad, Qudsi, Amir (2015). Analyzing the use of national media in promoting social capital, *Defense Strategy*, 14(53), 125-154.
- Ammar Ali Alalawneh, Saleh Yousef S. Al-Omar, Saleh Alkhatib (2022). The Complexity of Interaction between Social Media Platforms and Organizational Performance, *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 8(169).
- Atayi, Pari; Zarandi, Marjan (2014). Examining how social capital is influenced by the Internet, the second international conference on modern researches in management, economics and humanities, United Arab Emirates.
- Azami, Mohsen; Akbari, Payman (2016). Analysis of the impact of social interactions and human resources strategy on organizational outcomes, *Strategic Management Studies*, No. 32, pp. 57-74.
- Azizian, Mohammad; Mazidi Sharafabadi, Ali Mohammad; Islami, Hossein (2019). Examining the factors in the use of social media with emphasis on public relations, *Political Sociology of Iran*, 3(1), 509-542.
- Bagheri, Mahdia; Sadiq Orei, Gholamreza; Yousefi, Ali (2017). The problem of social interaction in Iranian society, *Iranian social issues*, 10(1), 53-80.
- Bagheri, Mahdia; Sediq Orei, Gholamreza; Farzaneh, Ahmed (2019). The issue of social interaction in the Iranian family, *Iranian social issues*, 11(2), 33-64.
- Chalapi, Masoud (2013). *Theoretical and comparative analysis in sociology*, Tehran: Nei Publishing.
- Fatuma Namisango, Kyeong Kang (2019). Organization-public relationships on social media: The role of relationship strength, cohesion and symmetry, *Computers in Human Behavior*, (101), 22-29.
- Francis Fukuyama, social capital and technological evolution in the information age, *Jahane Eghtesad*, Summer and Fall 2012, No. 11 and 12, page 91.
- Fukuyama, Francis (1379). *Social capital and civil society*, translated by Afshin Khakbaz and Hasan Pouyan, Tehran, Shiraz.
- Ganga Dhanesh, Gaele Duthler, Kang Li (2022). *Social media*

- engagement with organization-generated content: Role of visuals in enhancing public engagement with organizations on Facebook and Instagram, *Public Relations Review* 48(2), 102174.
- Garcia-Canal, E. Duarte, C.L. Criado, J.R. & Llana, A.V. (2007). Time compression diseconomies in accelerated global alliances, *Management Decision*, (40), 745-754.
- Giddens, Anthony; Sutton, Philip (2015). *Sociology*, translated by Hoshang Naibi, Tehran, Nei Publications.
- James Coleman, *Foundations of Social Theory*, Harvard University Press, 1990, P 306.
- Jen Chen, Chung & Jing-Wen Huang. (2007). How organizational climate and structure affect knowledge management- The social interaction perspective, *International Journal of Information Management* (27), 104-118.
- Karimi alavijeh, Mohammad Reza; Haghigi Kafash, Mehdi; Nazari, Mahsa (2017). The effect of value creation activities in brand communities on customer repeat purchases and brand loyalty in social media, *Brand Management*, 4(7), 181-214.
- Kaye, M. E. & Perunovic, Z. (2020). Performance in publicly funded innovation networks (PFINs), The role of inter-organisational relationships. *Industrial Marketing Management*, (86), 201-211.
- Khodadi, Nahal; Mohtaram, Rahim; Jafari, Masouma (2018). The effect of social media adoption on the performance of apparel importing companies (case study: Instagram), *Journal of Marketing Management*, (42), 1-21.
- Lin W. (2008). The exploration factors of affecting knowledge sharing - The case of Taiwan's high-tech industry. *Expert Systems with Applications*, 35(3), 661-676.
- Lindstrom, M. Merlo, J. & Ostergren, P. O. (2003). Social Capital and Sense of Insecurity in the Neighborhood: A Population-Based Multilevel Analysis in Malmo, Sweden, *Social Science & Medicine*, 56(5), 1111-1120.
- Mahmoud Baboyi, Mahmoud Reza; Zulfaghari, Hossein; Radan, Ahmadreza; Bayat, Bahram (2021). Psycho-media operation effective on organizational interaction for crisis management, *social order*, year 13, (3), 193-221.
- Mahmoudi Raja, Zakaria; Tawfighian Far, Ali Hassan; Akbari, Iman; Mahmoudi, S. Mohammad (2017). Investigating the relationship between the use of communication media and teachers' social interactions, *Media Journal*, serial 110, number 1.
- Mahmoudian, Hossein; Moghaddas, Saeed; Jahanshahi, Manijeh (2016). Investigating the role of media consumption on the social capital of immigrants in Baharestan, *scientific-research quarterly of social sciences*, Islamic Azad University, Shushtar branch, 11th year, 2(73).
- McEvily, B. Perrone, V. & Zaheer, A. (2003). Trust as an organizing principle, *Organization Science*, 14(1), 91-103.



- McQuail, Dennis (2008). An introduction to mass communication theories, translator: Parviz ejlali, Tehran: Center for Media Studies and Development.
- Mirzaei Shiri, Yusuf; Mohebbi, Mehdi; Nowrozi, Fatemeh (2016). Investigating the role of mass media on the social capital of Zanjan province, the 5th national conference on management and accounting, Jiroft.
- Nicole Schaefer-Mcdaniel (2004). Conceptualizing social capital among Young people.
- Özhan Tingoy (2009). Communication in knowledge management practices: a survey from Turkey, *Problems and Perspectives in Management*, 7(2).
- Putnam, Robert, *Democracy and Civil Traditions (The Italian Experience and Lessons for Countries in Transition)*, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Bureau of Political Studies and Research of the Ministry of Interior, 2001, p. 285.
- Qavami, Ali; Sarafizadeh, Asghar; Badiezadeh, Ali; Alem Tabriz, Akbar (2021). Customers' social interactions in digital media and its impact on the discovery of organizational entrepreneurial opportunities, *Development and Transformation Management Quarterly*, (48), 61-69.
- Rahman Seresht, Hossein (2013). *Theories of organization and management: from modernism to post-modernism, first volume: era of modernism*, Nasser Doran, Tehran.
- Rahman Seresht, Hossein; Abbaszadeh, Hassan; Mirakhori, Alireza; Omidipasand, Reza (2014). The relationship between social interaction and knowledge management, the second national conference on organizational culture and human resources, Islamic Azad University, Sanandaj branch.
- Rahmanzadeh, S. Ali; Ghafari Moin, Zahra (2010). Investigating the role of national media in the development of intercultural communication among Iranian ethnic groups from the perspective of experts, *Media Studies*, 6(13), 233-249.
- Rathnam, Sukumar & Vijay Mahajan and Andrew B. Whinston. (1995). *Facilitating Coordination in Customer Support Teams: A Framework and Its Implications for the Design of Information Technology*, *Management Science*, 41(12) (Dec. 1995), 1900-1921.
- Rezaei, Saeed; Qaidi, Mohammad Reza (2019). The role of the media in strengthening social capital in the second step of the Islamic revolution, *Intercultural Studies*, 16(47), 145-174.
- Sarukhani, B. (2010). *Introduction to encyclopedia of social sciences*, Tehran, Keihan Publications.
- Sarukhani, Bagher (2014). *Media and Social Trust*, *Radio and Television Quarterly*, 11(27), 9-32.
- Shams Mashhadhi, Tahmine; Kafashi, Majid (2016). The effect of national media on social capital with an emphasis on social participation, *Social Research Quarterly*, Volume 9, 34(34), 121-131.


- Slive, C. T., Poorisat, T., & Kim, S. H. (2019). Third-person effect in the context of public relations and corporate communication. *Public Relations Review*, 101823.
- Taslimi, Mohammad Saeed; Farhani, Ali Akbar; Abedi Jafari, Hassan; Raznahan, Firoz (2009). The model of the influence of national culture on teamwork in Iran, *Culture Strategy*, 10th and 11th issues, 128-161.
- Yari Samayye; Farajvand, Esfandiar (2015). Investigating the role of social media on citizens' participation in the participatory budgeting process, *Public Administration (Management Knowledge)*, 11(3), 355-376.

# Identifying the dimensions and components of improving social interactions with an emphasis on the role of virtual media

**Zahra Moghimi**

Assistant Professor, Department of Management, Bandaregaz Branch, Islamic Azad University, Bandaregaz, Iran (Corresponding author).


shadi.moghimi@gmail.com

 0000-0002-3797-6192

**Vahid Hajilo**

2Assistant Prof, Department of Business Management, ACECR, Urmia, Iran.


vahid\_sun62@yahoo.com

 0000-0001-6790-5686

**Alireza Mohammadi**

PH.d of public management, University lecturer and researcher, Tehran, Iran.

civil.mohammadi@yahoo.com

 0000-0008-9804-7919

## Abstract

Social interactions play an important role in individual, group and organizational performance. For this reason, creating a favorable interaction model is vital for business success. On the other hand, in today's world, which is named as the age of communication, the role of virtual social media in improving communication and increasing social links is obvious. Based on this, this research has been carried out with the aim of Identifying the dimensions and components of improving social interactions with an emphasis on the role of virtual media. The research has a quantitative approach and is applied in terms of purpose and survey in terms of data collection. The statistical population under study is the employees of the Broadcasting Organization of the Islamic Republic of Iran, numbering (n=48000) people, using Cochran's table and random sampling method, 381 people were considered as a statistical sample. Also, 12 media management experts were selected through targeted sampling to form an expert panel. The data collection tool is questionnaire, the validity of which was confirmed by the coefficients of CVR=0.69 and CVI=0.87. The reliability of the questionnaire was confirmed through Cronbach's alpha (0.85). The results showed that the desired level of social interaction is 2.85 and it is achieved when the level of trust is 2.88, communication is 2.44 and coordination is 2.26. This means that trust is the most important dimension of social interactions. Also, based on the results, the most important function of the media in order to increase trust is to reflect demands.


**Keywords:** Social interactions, Trust, Communication, Coordination, Virtual media, Fuzzy inference.

# The challenge of exploring the use of future research knowledge in the cultural policy cycle with a grounded theory approach

**Safiye Rezaee**

phd student of Islamic Revolution Future Studies, Shahid Tehran University, Tehran, Iran.


safiye.rezaee@gmail.com

 0000-0002-2559-3362

**Mohammadrahim Eivazi**

Professor and faculty member of Shahid University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).


danesh.mr@yahoo.com

 0000-0005-1450-9802

**Abasali Rahbar**

Associate Professor and Faculty Member of Allameh Tabataba'i University of Tehran, Tehran, Iran.

aa.rahbar@ut.ac.ir

 0000-0003-4170-1316

## **Abstract**

One of the topics discussed in policy studies is the use of future-oriented approaches and the use of future research knowledge and tools. It is a matter of consensus that if policy studies are done without relying on future-oriented approaches, successive gaps and deficiencies in the policy cycle will become frequent. This issue is more important in cultural policymaking due to the importance of the category of culture and due to the layered nature of uncertainties and variables. However, there have always been challenges in the relationship between the knowledge of future research and policy making, which has made the platform for policy making use of future research unbalanced. The purpose of this article is to examine the challenges of using future research knowledge in the policy cycle, and the main question is what challenges are there in the process of using future research knowledge in the cultural policy cycle? To advance the research, the library method and the qualitative method of in-depth interviews and the data theory of the foundation have been used. This research has been written with a practical approach, based on its findings, the challenges of using futures research knowledge in the context of policymaking are more related to the lack of scientific institutionalization of futures research than it is related to the institutional and political levels, which is directly and indirectly related to the educational culture component it is related.

**Keywords:** policymaking, futurism, challenge, cultural policymaking, grounded theory.

# Sociological investigation of the influence of social factors on the women's tendency to have one child

## Esmat Heydari

Corresponding Author: PhD Student in Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

esmatheydari@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

## Bagher Saroukhani

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).

b.saroukhani@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

## Afsaneh Edrisi

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Edrisiafsaneh@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

## Abstract

Along with various social, cultural and economic changes, the family has also undergone changes in both form and content. People's values and attitudes have been affected in various fields, including childbearing, so that today we are witnessing the spread of the one-child phenomenon in many families. For this purpose, this research has been conducted with the aim of investigating the impact of social factors (women's employment, age of marriage, individualism and women's education) in the Tehran metropolis with a tendency towards single-childhood among women. The current research is descriptive-survey type and in terms of methodology, it is a survey research which was done in 2020. The statistical population in this investigation includes all the married women in Tehran that 420 people were selected as samples. Sampling was done with the combination of disproportionate stratified and cluster sampling and the tool used to collect information and data in this research is the researcher-made questionnaire. The results show that the tendency to one-child has the significant positive correlation with the individualism, marriage age, education level and employment status. Finally, it can be said that today's women have achieved a new identity under the influence of various social factors, some of which have been mentioned, which is in conflict with high fertility.


**Keywords:** women's employment, women's education, women's individualism, women's tendency to have one child.

# The post-colonial reading of the travelogue "People and Rituals in Iran" by Madame Carla Serena (Study case: Rasht city)

**Hadi Noori**

Doctoral student of Cultural Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Gilan University, Rasht, Iran (Corresponding author).


[h.k.noori@gmail.com](mailto:h.k.noori@gmail.com)

 0000-0002-3747-917X

**Masoumeh Shadmanfaat**

Assistant Professor Department of Sociology, Faculty of Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.

[shamila.shadmanfaat@gmail.com](mailto:shamila.shadmanfaat@gmail.com)

 0000-0002-0891-307X

## Abstract

The present study seeks to analyze the nature of travelogues as a kind of knowledge related to the East. The issue is whether this knowledge of travelogue writing has objectivity or does it carry the systematic prejudices of the Orientalist discourse? Discovering dualities and analyzing the hierarchies governing them is the main problem of the present research. Considering the qualitative nature of the research, post-colonial literature is used not as a theoretical framework but for the theoretical interpretation of reading the text. The research method is deconstruction, which is based on David Boje's eight-point classification. The socio-statistical book of the Travel Book of People and Rituals in Iran by Madame Karlaserina and the sample of the research is Chapter 53 of the book (narrative from the city of Rasht), which was selected in a purposeful way. The results of the research indicate the existence of dual oppositions between East and West in the studied sample and the hierarchy governing them based on the general rule of superiority of the West and inferiority of the East. However, the women's protesting voice and the exceptions in the existing text make it possible to negate the satirical dominant stereotype.

**Keywords:** Travelogue, post-colonialism, Deconstruction, east, Rasht, Carla Serena.

# Presenting an organizational social entrepreneurship model (Case study: Iranian non-profit organizations)

**Ali Nourpour**

PhD student, Entrepreneurship Department, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.


nourpour019@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

**Parviz Saketi**

Assistant Professor of Educational Management and Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author).


Ppparviz@gmail.com

 0000-0002-9849-7144

**Habibollah Taherpour Kalantari**

Assistant Professor of Management Department of Higher Institute of Management Education and Research and Planning, Tehran, Tehran, Iran.

habtaherk@yahoo.com

 0000-0002-7861-6441

## Abstract

Organizational social entrepreneurship can be defined as "pursuing entrepreneurial behavior in organizations to create social value." Therefore, identifying the dimensions of social entrepreneurship and the relationship between these dimensions, helps us to understand this phenomenon and provide a model of organizational social entrepreneurship in non-profit organizations, which is the main purpose of this article. In terms of applied purpose and in terms of research method, considering that the emphasis is on recognizing the dimensions of organizational social entrepreneurship, the case and context sample method has been used to identify the components of the research through a questionnaire. Organizational social entrepreneurship and the relationship between these components in 10 non-profit organizations in Iran are studied as examples. Focal correlation analysis was used to analyze the data. The results show that the four main dimensions of social entrepreneurship include organizational, strategic, environmental, environmental and start-up dimensions, which is an organizational dimension consisting of 7 components including entrepreneurial organizational culture, organizational resources, economic rationality, control and evaluation. Performance-Characteristics, Values and Behavior of Employees-Organizational Communication-Appropriate Organizational Structure and Strategic Dimension Including 2 Components Including Characteristics, Values and Behavior of Strategic Leaders-Vision Mission and Environmental Advancement Dimension Including 3 Components Including Government Support And municipality-appropriate economic environment-appropriate social environment and one component includes the start-up phase based on the initial actions and there is a correlation between all components of organizational social entrepreneurship.

**Keywords:** Organizational Social Entrepreneurship, Non-Profit Organizations, Dimensions of Organizational Social Entrepreneurship, Social Entrepreneurship, Organizational Entrepreneurship.

# Jurisprudential rules of the inadmissibility of family-specifying policies by analyzing the content of the statements of Mostahab Rahbari

**Ghorban Ahangari Kiasari**

Researcher of Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Tehran, Iran.

ghkiasari@gmail.com

0000-0000-0000-0000

**Mohsen Morovati Sharifabad**

Researcher of Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Tehran, Iran (Corresponding author).

morovati25@gmail.com

0000-0000-0000-0000

**Mahmood Sarafraz**

Researcher of Imam Sadiq (peace be upon him) Institute of Islamic Sciences, Tehran, Iran.

m\_sarafaz110@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

**Hadi Kazemzadeh**

Researcher of Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Tehran, Iran.

Hadi.kazemzadeh@chmail.ir

0000-0000-0000-0000

## Abstract

The policies of generation limitation in the last three decades have led to the reduction of the population and the beginning of the aging crisis in the country. The problem is that some policy makers do not know enough about the Shari'a dimensions of the issue of generation limitation. In order to solve this problem, the issue of generation limitation must be explained first, and then its Shariah ruling should be extracted by referring to the jurisprudence rules. In order to explain the issue, it is necessary to clarify the definition, effects, and consequences of generational discrimination from the point of view of experts, for this purpose, referring to the views of Ayatollah Khamenei for the political and social elites on the issue is a desirable option; Based on this, the question of the research is, what is the definition, effects and consequences of generation limitation from the perspective of the Supreme Leader, and according to this explanation, what is its Shariah ruling based on jurisprudence? The findings indicate that the decrease in population from their point of view is the cause of weakening the system, harming Muslims, favoring and dominating the enemy, which according to the analysis of the theme, can be matched with the jurisprudence rules of "negating the beard", "protecting the essence of Islam", "sanctity of the donation" and It is "harmless", the result of this adaptation is the impermissibility of policies that limit the generation in the country.

**Keywords:** Jurisprudential rules, population, generation limitation, position of Supreme Leader.

# A critique on the position of the family in the realization of the right to health in the scope of sustainable development (a case study of the pathology of the deviation of homosexuals from the natural family for children)

**Soode Karimi**

Ph.D. student of Public International Law, Payam Noor Graduate University, Tehran, Iran (Corresponding author).

soode.karimi@pnu.ac.ir

0000-0000-0000-0000

**Mahya Safaryniya**

Assistant Professor, Imam Sadegh University Sisters Campus, Tehran, Iran.

saffarinia@isu.ac.ir

0000-0001-5532-5476

**Hasan Khosravi**

Associate Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

h.khosravi@pnu.ac.ir

0000-0002-7416-1400

## Abstract

The Sustainable Development Goals are targeted as a global document with a long-term perspective until 2030. In realizing the goals of this international policy, the family is considered as the first center where the growth and education of the members takes place. This article aims to answer the basic question that what role does the family play in achieving the goals of sustainable development and how can deviation from the normal course of the family cause the natural family to weaken and disrupt the achievement of the goals of sustainable development? Considering that the right to health has been targeted as one of the seventeen goals of sustainable development in different mental, physical, spiritual and social dimensions, and the family is considered the first focus of preserving and granting this right to its members, so According to the religious teachings of all divine religions and some philosophers, any deviation from the natural path of the family will disturb the health of its members, especially children, for this reason, this article aims to analyze the pathology of same-sex civil unions and their injuries. The result of adopting a child by these groups has been compiled with a descriptive analytical method with a practical aspect and information collection in the form of library and documents, the results of which indicate that due to the physiological and psychological differences of women and Man; Considering two completely different genders, it seems that every child needs a mother and a father for their full growth and health.

**Keywords:** Goals of sustainable development, family, children, homosexuals, right to health.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic

research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



10.22034/SCS.2023.374747.1380

# Analysis of the semiotics of the evolution of socio-cultural meaning of the urban houses of Hamedan in the three periods of Qajar, Pahlavi and contemporary

**Mohammad Reza Afshari Basir**

PhD Student, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.


[m\\_afsharbasir@yahoo.com](mailto:m_afsharbasir@yahoo.com)

 0000-0002-7028-8367

**Manoucheher Foroutan**

Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding author).


[manoucheher.foroutan@gmail.com](mailto:manoucheher.foroutan@gmail.com)

 0000-0002-2793-6912

**Mohammad Mehdi Soroush**

Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

[goodarzisoroush@gmail.com](mailto:goodarzisoroush@gmail.com)

 0000-0001-8635-6996

## **Abstract**

House is a complex concept and as an institution with multidimensional function affected by society, culture, religious rituals, economy and environmental conditions, it belongs to the world of concepts and meanings, and if the people who live in it can understand the meaning that governs it, they can relate to it. Create a better communication environment. Unfortunately, nowadays, with the advent of modernity, the house is viewed as a device with a temporary function, and this has caused the house to take on a new meaning. In this research, semiotics, which is one of the methods of social science approach that pays more attention to the cultural and social aspects of the house, has been chosen. The present research is an effort in the direction of the relationship between semiotics and architecture, which seeks to explain and read the social-cultural meaning of the house based on semiotic theories, which seeks to analyze texts as structured wholes and in search of hidden and implied meanings. This research is based on the interpretative epistemological system, and in terms of the results, it is descriptive-analytical. The purpose of this research is to develop a conceptual model for the proper reading of the house text with the method of layered semiotics and to examine the evolution of the socio-cultural meaning of the urban house. The results of the research show that the house is a text that consists of a set of multiple layers of meaning that affect each other. The socio-cultural semantic transformation has not happened in all the spaces and activities of the house in the same way, so that in some spaces, the meaning of the house has completely changed. In some spaces, along with the past meaning, the new meaning has found a new form, and in others, the same past meaning is current in the spaces.


**Keywords:** Socio-cultural meaning, semiotics, urban houses, Hamadan city.

# Media programming for the elderly: a qualitative study in Yazd city

**Malihe Alimondegari**

Associate Professor in Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding author).

m.alimondegari@yazd.ac.ir

 0000-0001-9346-9374

**Adeleh Emami**

PhD. Student in Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

adeleemi66@gmail.com

 0009-0005-6754-6731

## Abstract

As an influential member, the media has an undeniable role in all areas of people's lives. Meanwhile, the elderly need a special look from the media. The increase in the growth rate of the elderly population in comparison with the growth of the entire population of the country justifies the need for forward-looking planning, including programming in radio and television networks to identify and control the conceivable problems of this population group. The purpose of this research is to study the audience of Yazd elderly from the perspective of experts in this field. In the current research, efforts were made in order to get to know the living conditions of Yazd elderly people and to be aware of their expectations and expectations, to provide suggestions regarding media programming. Qualitative research design and thematic analysis method were used to collect research data. The participants were 10 experts in the field of media and the elderly, who were selected by purposeful and theoretical sampling. During the analysis, 100 concepts in the form of 21 sub-categories and 10 main categories, which include: Nazi life, the importance of material and support needs, the mission of radio and television towards the elderly, broadcasting an effective and entertaining program during the crisis (epidemic of the Covid-19 pandemic), creative strategies. and interactivity of program making, appropriate timing of program broadcasting, gender-oriented programming for the elderly, age-oriented programming for the elderly, programming for the non-native elderly, and programming encouraging active aging were extracted. In order to maintain the audience as one of the main goals of radio and television, it is suggested to simultaneously identify the different age and gender groups of the elderly and pay attention to the characteristics of each group, while valuing the wishes of the elderly audience and their interests. , taste building in the audience should be done very gradually and indirectly.


**Keywords:** Audience Research, Needs Assessment of the Elderly, Media Programming for the Elderly, Media, Yazd City.

# Analysis and investigation of obstacles and solutions of migration in religious teachings

**Sayed Mojtaba Jalali**

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord Branch, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding author).


s.m.jalali@sku.ac.ir

 0000-0002-3435-5817

**Sayed Mahdi Hashemi**

A graduate of four specialized centers for the interpretation of the seminary of Qom, Qom, Iran.

Mahdi1361110@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000


## **Abstract**

One of the widely used indicators in the field of Islamic teachings is the issue of migration, which is mentioned in the interpretation of the revealed verses. In the course of his life, according to various events and different goals, a person migrates, which in its value sense is moving towards the transcendental society. The topic of the article is to investigate the category of migration based on religious teachings. The purpose of writing the article is to examine migration from a religious point of view and explain the obstacles and solutions related to it. The research question is how religious teachings approach the issue of migration. The method used in the article is applied and developed with a descriptive and analytical approach. The results of the research show that the barriers to migration such as; Fear of death, attachment to the world (surroundings, property and family), comfort seeking, lack of living expenses, alienation, evil temptations, with the reference and application of religious solutions in areas related to each other: preventing fear of death, avoiding attachment, staying away from Seeking convenience, reducing cost concerns, managing homesickness and dealing with temptation can be solved. At the same time, migration with its many dimensions such as; Acquiring knowledge, preserving religion, emigrating from oppressors, emigrating from sin, emigrating to God, has led to the initial creation and expansion of prosperity in every society.


**Keywords:** Emigration, Religious Teachings, Obstacles, Solutions.

# Design and delivery a model for Succession development in the in Cultural Organizations in Iran


## Reiyhane Siri

Ph.D. Student, Department Cultural Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  
reyhane.siri2020@gmail.com  0000-0000-0000-0000


## Alireza Samet

Assistant Professor, Department Cultural Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).  
arsamet@gmail.com  0000-0002-8936-741X

## Abbasali Ghaiyoomi

Associated Professor, Department of Cultural Management and Planning, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  
ghaiyoomi@gmail.com  0000-0003-4764-7461

## Babak Rezaei

Assistant Professor, Department Industry Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  
b\_rezaei@iau-tnb.ac.ir  0000-0003-4398-5690

## Abstract

This study discussed the Design and delivery a model for Succession development in the in Cultural Organizations in Iran. This research was an applied study of the purpose and methodologically as qualitative methods. after analyzing the data in the first study, 41 components of 621 concept codes were obtained and then classified at six dimensions including, succession, organizational culture enhancement, cultural organization, managers competencies enhancement, empowerment of Staff, cultural management evolution. In the second study, the sample size was estimated as 344 people based on Cochran formula and after data collection, the statistical analysis of survey data was performed in two descriptive levels using statistical parameters (such as frequency, percentage, elongation, mean) and inferential statistics (Levin test, t-test), confirmatory factor analysis using Spss 22 and Lisre 18.54. Significant coefficients and parameters of factors, showed that all of the coefficients obtained are significant. The results of principal component analysis showed that among the dimensions of the Succession development in the in Cultural Organizations in Iran, the Succession has the greatest impact (0/92).and the job culture enhancement has the latest impact (0/79). And the respondents are not satisfied with all other components of questions and they express negative opinions and all components in the Succession development in the in Cultural Organizations in Iran are enjoyed of high functionality.


**Keywords:** Succession, Organizational culture enhancement, Managers Competencies enhancement, empowerment of Staff, Cultural Management Evolution.

# A systematic review of the ethical implications of using artificial intelligence in digital technologies and its relationship with the ethics of flourishing

**Somayeh Bolboli Qadikolaei**

University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding author).

bolboli.s@ut.ac.ir

 0000-0003-4780-8229

**Hamid Parsania**

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

h.parsania@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

## **Abstract**

The widespread influence of artificial intelligence in various aspects of human life raises major concerns in terms of the degree to which this technology adheres to ethical standards. Therefore, the aim of this study is to identify the key concepts of ethics for the use of artificial intelligence in digital technologies and its relationship with flourishing ethics. In this research, a systematic review of the literature has been used as a research methodology and the three-stage method of Mustak et al. has been used as a research method. After five stages of screening in the two databases "Scopus" and "Web of Science", 38 articles from 25 journals were analyzed. From their meta-qualitative synthesis, two central concepts under the title of "main patterns of digital technologies" and "ontological layers of digital technologies" were identified. 16 concepts of digital ethics related to the main patterns and ontological layers of digital technologies were also extracted from the intersection of the matrix of central concepts in the articles. Then, a conceptual map was prepared to interpret the findings, classify the identified ethical concepts under ontological patterns and layers, their correspondence with the principles of artificial intelligence ethics and their importance in the articles. Finally, the ratio of identified ethical concepts with flourishing ethics in the existing literature was investigated.

**Keywords:** Ethics, Artificial Intelligence, Digital Technologies, Flourishing Ethics.

## Contents

- A systematic review of the ethical implications of using artificial intelligence in digital technologies and its relationship with the ethics of flourishing / 771**  
*Somayeh Bolboli Qadikolaei and Hamid Parsania*
- Design and delivery a model for Succession development in the in Cultural Organizations in Iran / 799**  
*Reiyhane Siri, Alireza Samet, Abbasali Ghaiyoomi and Babak Rezaei*
- Analysis and investigation of obstacles and solutions of migration in religious teachings / 829**  
*Sayyed Mojtaba Jalali and Sayyed Mahdi Hashemi*
- Media programming for the elderly: a qualitative study in Yazd city / 859**  
*Malihe Alimondegari and Adeleh Emami*
- Analysis of the semiotics of the evolution of socio-cultural meaning of the urban houses of Hamedan in the three periods of Qajar, Pahlavi and contemporary / 899**  
*Mohammad Reza Afshari Basir, Manoucheher Foroutan and Mohammad Mehdi Soroush*
- A critique on the position of the family in the realization of the right to health in the scope of sustainable development (a case study of the pathology of the deviation of homosexuals from the natural family for children) / 935**  
*Soode Karimi, Mahya Safaryniya and Hasan Khosravi*
- Jurisprudential rules of the inadmissibility of family-specifying policies by analyzing the content of the statements of Mostahab Rahbari / 971**  
*Ghorban Ahangari Kiasari, Mohsen Morovati Sharifabad, Mahmood Sarafraz and Hadi Kazemzadeh*
- Presenting an organizational social entrepreneurship model (Case study: Iranian non-profit organizations) / 995**  
*Ali Nourpour, Parviz Saketi and Habibollah Taherpour Kalantari*
- The post-colonial reading of the travelogue "People and Rituals in Iran" by Madame Carla Serena (Study case: Rasht city) / 1025**  
*Hadi Noori and Masoumeh Shadmanfaat*
- Sociological investigation of the influence of social factors on the women's tendency to have one child / 1055**  
*Esmat Heydari, Bagher Saroukhani and Afsaneh Edrisi*
- The challenge of exploring the use of future research knowledge in the cultural policy cycle with a grounded theory approach / 1083**  
*Safiyeh Rezaee, Mohammadrahim Eivazi and Abasali Rahbar*
- Identifying the dimensions and components of improving social interactions with an emphasis on the role of virtual media / 1109**  
*Zahra Moghimi, Vahid Hajilo and Alireza Mohammadi*



Institute for Strategic  
Research

Publisher  
Institute for Strategic  
Research  
Expediency Council

Managing Director  
Dr. Mohammadreza  
Majidi

Editor-in-Chief  
Dr. Gholamreza  
Jamshidiha

Deputy editor  
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director  
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics  
Reza Abdollahi Bejandi

Editor  
Reza Diba

ISSN: **2251-7081**  
Electronic ISSN  
**2588-655X**

Publication  
Information for  
Strategic Research

# Quarterly of The Socio-cultural Strategy Journal 48

**Vol. 12 - No. 3 - Issue. 48 - Autumn 2023**

## Editorial Board

**Dr. Gholamreza Jamshidiha**

**Dr. Mohammad Bagher Khorramshad**

**Dr. Seyyed Mohammad Hosseini**

**Dr. Bahram Bayat**

**Dr. Ibrahim Fayaz**

**Dr. Hamid Parsania**

**Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani**

**Dr. Hossein Bostan (Najafi)**

**Dr. Abdulhossein Kalantari**

**Dr. Gholamreza Tajbakhsh**

*This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011*

*According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.*

**Address:** No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

**Postcode:** 1591816911

**Tel:** +98 21 22258921

**Fax:** +98 21 22258921

**Website:** [rahbordfarhangi.csr.ir](http://rahbordfarhangi.csr.ir) **Email:** [rahmagiran@gmail.com](mailto:rahmagiran@gmail.com)

**Price:** 200000 Rials